



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



رسالة

عن سيدتنا آية الله العظمى السيدة خاتمة النبيين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه ی مقاومت از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی

نویسنده:

آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۸	اندیشه ی مقاومت از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی
۲۸	مشخصات کتاب
۲۹	اشاره
۳۲	مقدمه
۳۶	فهرست مطالب
۴۶	طلیعه
۴۶	جاذبه ی حضرت امام (قدس سزه)؛ راز ماندگاری نام و یاد ایشان
۴۶	جاذبه ی حضرت امام (قدس سزه)؛ ناشی از مختصات شخصیتی ایشان
۴۷	مقاومت و استقامت؛ از خصوصیات حضرت امام (قدس سزه)
۴۹	مقصود از مقاومت
۴۹	پشتوانه ی دینی و عقلی اندیشه ی مقاومت
۵۱	صادر شدن طبیعی اندیشه ی مقاومت
۵۱	ملت ایران و نظام اسلامی؛ الگوی مقاومتان عالم
۵۲	برخی از اجزای منطق عقلانی مقاومت
۵۲	اشاره
۵۲	(۱) مقاومت؛ واکنش طبیعی ملت‌های باشرف و آزاده
۵۲	(۲) مقاومت؛ عامل عقب نشینی دشمن نه تسلیم شدن
۵۳	(۳) کمتر بودن هزینه ی مقاومت از هزینه ی تسلیم شدن
۵۴	(۴) وعده ی الهی؛ پیروزی مقاومتان
۵۵	(۵) ممکن بودن مقاومت
۵۵	خطای محاسباتی؛ علت انکار امکان مقاومت از سوی برخی
۵۶	شناخته شدن دکترین مقاومت امام خمینی (قدس سزه) در جهان
۵۷	جبهه ی مقاومت؛ برخوردار از منسجم ترین وضعیت در چهل سال گذشته

- ۵۷ افول موریانه وار قدرت استکباری آمریکا
- ۵۷ وجود نداشتن بن بست در مسائل مختلف کشور -
- ۵۸ هدف از مقاومت؛ رسیدن به نقطه ی بازدارندگی در همه ی زمینه ها
- ۵۹ شروط موقّتیّت در مقاومت
- ۵۹ شرط مهمّ فهمیدن ترفندهای دشمن برای تضعیف اندیشه ی مقاومت
- ۶۰ بخش اوّل اصول، باورها و منطق مقاومت
- ۶۱ اشاره
- ۶۵ ۱ - اجتناب ناپذیری تقابل حق و باطل -
- ۶۵ جنگ بین جبهه ی توحید و جبهه ی کفر
- ۶۷ انقلاب اسلامی؛ برهم زنده ی دوگانه ی سلطه گر و سلطه پذیر
- ۷۰ دشمنی استکبار با حاکمیت اسلام به دلیل ایجاد بیداری و پایداری
- ۷۰ مانع شدن اسلام انقلابی در برابر اهداف استکبار؛ دلیل دشمنی آن
- ۷۲ مقاومت آگاهانه ی ملت ایران؛ آماج ستیز مستکبران
- ۷۳ هدف استکبار از مخدوش کردن چهره ی مقاومت ملت ایران -
- ۷۳ حساسیت مستکبران به منطقه ی غرب آسیا به خاطر وجود مقاومت
- ۷۶ ۲ - وعده ی الهی به پیروزی اهل مقاومت -
- ۷۶ اشاره
- ۷۷ تأکید قرآن بر پیروزی مؤمنان باراده و متحد و فداکار
- ۸۰ شروط رسیدن نصرت الهی
- ۸۱ سختی مقاومت
- ۸۲ قدرت خدا؛ پشتیبان مردم مجاهد و مقاوم
- ۸۳ سنت الهی در رسیدن به اهداف با مجاهدت
- ۸۴ نمونه هایی از عنایت خداوند در صورت مقاومت
- ۸۵ تاکتیک ربوبی برای محکم شدن ایمان مقاومان
- ۸۸ ۳ - وجود ظرفیت لازم برای مقاومت
- ۹۰ ۴ - رو به افول بودن دشمن

- ۹۰ اشاره
- ۹۳ قابل توجه مدافعان سازش: آمریکا رو به افول
- ۹۴ رفتار دیوانه وار زمامداران آمریکا
- ۹۴ تبلیغ ناچار بودن تسلیم شدن در برابر غرب
- ۵ - حفظ منافع ملی و انقلابی ۹۵
- ۹۵ اشاره
- ۹۶ کذب بودن شایعه ی مضر بودن قطع رابطه با آمریکا
- ۶ - حدّ یقف نداشتن خواسته های دشمن ۹۷
- ۹۷ پیش روی قدم به قدم دشمن تا حذف اسلام از قانون اساسی ما
- ۱۰۰ کوتاه آمدن در برابر مستکبر؛ عامل جری شدن او
- ۱۰۰ حکم قطعی شرع و خرد انسانی به مقاومت در برابر دشمن
- ۱۰۱ ضرورت ایستادگی در برابر دشمنان، با شجاعت و با اقتدار
- ۱۰۲ هسته ای بهانه است
- ۷ - تجربه ی تاریخی ۱۰۴
- ۱۰۴ شکست ناپذیری قدرت ملی
- ۱۰۴ ناکارآمدی تجهیزات نظامی و تبلیغاتی دشمن در برابر مقاومت شهداد طلب
- ۱۰۶ پیروزی مقاومت‌های مردمی بر مستکبران بر اساس سنت الهی
- ۱۰۸ حضور با جسم
- ۱۱۰ پیروزی جمعیت کم مقاوم با ایمان بر دشمن مجهز و پرجمعیت
- ۸ - مضر بودن ترک مقاومت ۱۱۰
- ۱۱۰ هزینه ی سنگین تسلیم شدن نسبت به مقاومت
- ۱۱۱ هزینه ی سازش بیشتر از هزینه ی مقاومت
- ۱۱۲ فرصت تسلیم شدن در برابر آمریکا!
- ۱۱۳ به دست نیامدن هیچ پیروزی ای با تسلیم شدن
- ۱۱۳ شاه سلطان حسین
- ۱۱۴ کنار آمدن با دشمن؛ یعنی به اسارت دادن یک ملت

- ۱۱۴ ----- رسیدن به منافع؛ تنها هدف آمریکا از ارتباطات و فعالیتهایش
- ۱۱۵ ----- ۹ - غیر قابل اعتماد بودن دشمن
- ۱۱۵ ----- غیر قابل اعتماد بودن آمریکا
- ۱۱۶ ----- خیانت آمریکا حتی به محمدرضا شاه
- ۱۱۶ ----- سیلی آمریکا در انتظار جریانات مسلمان اعتمادکننده به آمریکا
- ۱۱۷ ----- تفاوت تشنج زدایی و اعتماد به دشمن
- ۱۱۷ ----- ضربه ی آمریکا؛ جواب به اعتماد دکتر مصدق
- ۱۱۸ ----- اعتماد گورباچف به آمریکا
- ۱۱۹ ----- جای پای خیانت استکبار در کشور ما؛ قبل از انقلاب، در زمان جنگ، تحریمهای اخیر
- ۱۲۰ ----- تجربیات درباره ی آمریکا
- ۱۲۳ ----- ۱۰ - هزینه داشتن پیشرفت
- ۱۲۳ ----- راه دشوار رسیدن به پیشرفت
- ۱۲۷ ----- بخش دَوم اهمّیت مقاومت
- ۱۲۷ ----- اشاره
- ۱۲۹ ----- مقاومت؛ از نکات اساسی در وصیت نامه و بیانات حضرت امام خمینی (قدّس سرّه)
- ۱۳۰ ----- مقاومت و ایستادگی؛ از شعارهای کهنه نشدنی انقلاب
- ۱۳۱ ----- بصیرت و عزم؛ دو عامل آسان شدن راه
- ۱۳۲ ----- مقاومت در برابر فشار مادیگری مدرن؛ از اصول امام خمینی (قدّس سرّه)
- ۱۳۲ ----- صبر و ایستادگی؛ درس خداوند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
- ۱۳۳ ----- اهمّیت استقامت در مراحل حرکت انقلاب اسلامی به سوی تمدن اسلامی
- ۱۳۴ ----- تفاوت مقاومت با بی تدبیری
- ۱۳۶ ----- دو پیام ملت ایران
- ۱۳۷ ----- ابعاد اهمّیت مقاومت ملت ایران
- ۱۳۸ ----- دعوت همه ی انسانهای دین دار به ایستادگی در برابر شیطان بزرگ
- ۱۳۹ ----- بخش سوّم عرصه های مقاومت
- ۱۳۹ ----- اشاره

۱۴۳	عرصه های صبر فردی و اجتماعی
۱۴۷	خزمشهرهای پیش رو
۱۴۷	مقاومت در برابر دشمن؛ مقصود از مبارزه
۱۴۸	۱ - مقاومت سیاسی
۱۴۸	فصل اول: جهاد کبیر
۱۴۸	جهاد امروز ما، تبعیت نکردن از دشمن در میدانهای گوناگون
۱۵۰	الزامات جهاد کبیر؛ اخلاص و هوشمندی
۱۵۰	تفاوت جهاد کبیر و قطع رابطه با دنیا
۱۵۰	مقاومت و رها شدن از هر سلطه
۱۵۱	پایان سلطه گری
۱۵۲	دستور خداوند به پیامبر: نافرمانی از کافران، عمل به برنامه ی اسلام، توکل
۱۵۳	علت اصلی مخالفت استکبار با جمهوری اسلامی: عدم تبعیت از جبهه ی کفر و استکبار
۱۵۴	دعوت از همه برای جهاد کبیر در زمینه های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی
۱۵۵	از بخشهای جهاد کبیر؛ حفظ شعارهای انقلاب همراه با ژرف نگری
۱۵۶	مقاومت در برابر سلطه ی استکبار؛ از اهداف انقلاب
۱۵۷	فصل دوم: مقابله ی با نفوذ
۱۵۷	فصل سوم: هسته های مقاومت
۱۵۷	نقش حضرت امام (قدس سره) در ایجاد هسته های مقاومت در جهان
۱۵۸	راه علاج مسئله ی فلسطین؛ مقاومت
۱۶۰	ایستادگی ایران اسلامی برای حفظ استقلال خود
۱۶۱	۲ - مقاومت فرهنگی
۱۶۱	۳ - مقاومت اقتصادی
۱۶۱	اشاره
۱۶۱	اقتصاد مقاومتی؛ متکی به مقاومت مردم
۱۶۲	علاج مشکلات کشور؛ اقتصاد مقاومتی
۱۶۳	اقتدار اقتصادی؛ مقدمه ی بی اثر شدن تحریم

- استفاده ی دشمن از نقاط ضعف ما ۱۶۴
- نقش شرکتهای دانش بنیان در اقتصاد مقاومتی ۱۶۵
- ۴ - مقاومت نظامی ۱۶۵
- اشاره ۱۶۵
- جهاد؛ بزرگ ترین سنگر مقاومت ۱۶۶
- اختلاف؛ تشویق کننده ی دشمن برای جسارت نظامی ۱۶۶
- ۵ - مقاومت بر حفظ اصول ۱۶۷
- بی صبری در مقابل حفظ آرمانها و اهداف انقلاب ۱۶۷
- اهمیت مقاومت در برابر انحراف انقلاب از مسیر خود ۱۶۹
- تعیین شاخص؛ راه جلوگیری از انحراف انقلاب ۱۷۰
- خط امام؛ بهترین شاخص انقلاب اسلامی ۱۷۰
- نوگرایی در روشها نه عقب نشینی از اصول ۱۷۴
- بخش چهارم آثار مقاومت ۱۷۷
- اشاره ۱۷۷
- ۱ - نازل شدن نصرت الهی ۱۸۱
- اشاره ۱۸۱
- پیروزی نیروی مقاوم اندک بر عده ی زیاد دشمن ۱۸۳
- معجزه ی اجتماعی با ایستادگی و پایداری ۱۸۳
- سکینه ی الهی؛ ناشی از اعتماد به خدا و مجاهدت و ایستادگی ۱۸۴
- نزول فرشتگان بر پایداران و استقامت ورزان ۱۸۶
- ۲ - تقویت اراده ها ۱۸۷
- امکانات ما در جنگ نامتقارن با استکبار؛ اعتماد به خداوند و عزم راسخ مؤمنین ۱۸۷
- ۳ - پیروزی و گذشتن از موانع ۱۸۸
- اشاره ۱۸۸
- روحیه ی مقاومت ملت؛ از امور نادر در جهان ۱۸۹
- روحیه ی مقاومت؛ عامل حفاظت از کشور و استقلال آن ۱۹۰

- ۱۹۰ استمرار مقاومت؛ پیروزی بر دشمن
- ۱۹۲ سه خصوصیت لازم برای گذر از مشکلات
- ۱۹۲ ایستادگی و بیداری؛ عامل ازبین برنده ی فشارهای دشمن
- ۱۹۳ مؤلفه های اقتدار جمهوری اسلامی ایران
- ۱۹۵ پیشرفت ملت ایران علی رغم دشمنی های گسترده؛ نشانه ی قدرت آن
- ۱۹۶ ایجاد ائتلاف بر ضدّ ایران توسط آمریکا؛ دلیل قدرت جمهوری اسلامی
- ۱۹۷ ایستادگی؛ راه رسیدن به آرزوها و زمینه سازی ظهور
- ۱۹۸ مقاومت؛ راه عزّت و پیشرفت
- ۱۹۸ مقاومت؛ راه حفظ دستاوردهای انقلاب
- ۱۹۹ ۴ - بروز ظرفیتهای در دوران مقاومت
- ۱۹۹ اشاره
- ۲۰۰ دوران مقاومت؛ دوران بروز ظرفیتهای هنری
- ۲۰۱ خاصیت شرایط سخت؛ مقاوم کردن ملتها
- ۲۰۲ پیشرفتهای در پرتوی ایستادگی ها
- ۲۰۳ راه پیشرفت؛ ایستادگی
- ۲۰۳ ۵ - دور شدن سایه ی جنگ
- ۲۰۳ اشاره
- ۲۰۴ قدرت مقاومت؛ ازبین برنده ی سایه ی جنگ
- ۲۰۴ پرهیز دشمن از تکرار فشارها در صورت مقاومت
- ۲۰۵ ۶ - افزایش نیرو و توانایی ها
- ۲۰۷ بخش پنجم عوامل مقاومت بخش
- ۲۰۷ اشاره
- ۲۱۱ ۱ - ایمان دینی
- ۲۱۱ اشاره
- ۲۱۲ ایمان؛ عامل اصلی در مقاومت
- ۲۱۴ دین عامل مقاومت در برابر استعمار

- اسلام؛ عامل تقویت مقاومت ۲۱۴
- نقش ایمان در پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۲۱۵
- ایمان به خدا و احساس بودن در راه خدا ۲۱۶
- ارتباط مداوم حضرت امام خمینی (قدس سزه) با خدا؛ عامل افزایش مقاومت انقلاب ۲۱۷
- پشتیبانی فکر عمیق اسلامی از مقاومت ۲۱۹
- غیر قابل شکست بودن؛ در صورت جمع کردن قدرت با معنویت ۲۲۲
- ایمان و عمل صالح؛ راز مقاومت ملتها ۲۲۳
- ایمان و توکل؛ دو شرط ماندن در میدانهای جهاد ۲۲۴
- نمونه هایی از نیرودهی آرمانهای اخلاقی و معنوی به ملت ایران ۲۲۶
- تلاش دشمن برای کم کردن انگیزه های مردم ۲۲۸
- ۲ - حفظ ساخت حقیقی نظام اسلامی؛ شرط بقای مقاومت ۲۲۹
- اشاره ۲۲۹
- تکیه ی صریح و شفاف بر مبانی انقلاب؛ راه بقای استحکام انقلاب ۲۳۴
- آرزوی دشمن؛ مردد شدن ملت و مسئولان نسبت به مفاهیم مقاومت بخش ۲۳۶
- ۳ - مستحکم کردن کشور ۲۳۷
- عزت کشور و ملت ایران با قوی بودن در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و علم ۲۳۷
- علاج ملت ایران؛ کسب اقتدار همه جانبه نه تسلیم ۲۳۹
- استحکام بخشیدن به بنیانها و اتحاد ۲۴۰
- استحکام سیاسی با ترک بگومگوها ۲۴۱
- استحکام داخلی؛ راه مقابله با دخالت دشمن ۲۴۲
- عزت؛ از بین برنده ی راه های نفوذ ۲۴۴
- حفظ عزت در مذاکرات بین المللی؛ از ارکان مقاومت ۲۴۷
- پیشرفت سریع علمی؛ از راه های مقاوم کردن کشور ۲۴۷
- مستحکم شدن کشور؛ از نتایج اقتصاد مقاومتی ۲۴۸
- ۴ - اعتقاد یافتن مردم و مسئولان به هویت ملی ۲۴۸
- نقش احساس هویت در ایستادگی ۲۴۸

- ۵ - حضور در صحنه ۲۴۹
- اشاره ۲۴۹
- بسیج همگانی؛ عامل تقویت مقاومت ۲۵۱
- ۶ - امید ۲۵۱
- اشاره ۲۵۱
- حفظ روحیه و امید مردم و نگه داشتن ایشان در صحنه؛ شرط بقای مقاومت ۲۵۲
- امید و اعتماد؛ شرط حضور مردم در صحنه ۲۵۳
- اهمیت احساس توانایی در شکست نقشه های استکبار ۲۵۴
- ۷ - عمل به دین ۲۵۴
- اشاره ۲۵۴
- اخلاص و غلبه بر نفس اتاره؛ از راه های تقویت مقاومت ۲۵۵
- نقش نماز در قوی شدن صبر و قدرت مقاومت ۲۵۸
- نقش روزه در افزایش قدرت مقاومت ۲۶۱
- معنویت؛ از عوامل افزایش مقاومت ۲۶۱
- نقش رعایت تقوا و تلاوت روزانه ی قرآن و خواندن دعاها در تقویت ایستادگی ۲۶۳
- امر به معروف؛ عامل باقی ماندن روحیه ی مقاومت ملت ۲۶۴
- نقش دعا در تقویت قدرت مقاومت ۲۶۶
- نصرت دین خدا؛ عامل تقویت ایستادگی ۲۶۷
- نقش شکر نعمت در تقویت مقاومت ۲۶۸
- ۸ - ایثار و فداکاری ۲۶۸
- اشاره ۲۶۸
- روحیه ی جهاد و مقاومت در ملت؛ یکی از مایه های اقتدار ۲۷۰
- روحیه ی شهادت طلبی؛ عامل پیروزی بر دشمن ۲۷۰
- ۹ - شنیدن بشارت شهدا ۲۷۱
- نقش بشارت شهدا در مستحکم شدن ملت ۲۷۱
- پیام شهیدان؛ ایثار، تسلیم وسوسه ی غنیمت نشدن و استقامت در برابر دشمن ۲۷۲

- پیام شهیدان؛ پیام بشارت و نفی ترس و اندوه ۲۷۵
- ۱۰ - رهبر مقاوم ۲۷۵
- ابطال باور غلط ملت ایران در دوران طاغوت توسط حضرت امام خمینی (قدس سزه) ۲۷۵
- نیاز ملتها به رهبر در راه مقاومت ۲۷۶
- ۱۱ - اتحاد ۲۷۷
- متن حرکت ملت؛ ایجاد اقتدار درونی و ایستادگی ۲۷۷
- ۱۲ - تبیین صادقانه ی شرایط برای مردم ۲۷۸
- ۱۳ - یاد شهدا، از عوامل تقویت روحیه ی مقاومت ۲۷۸
- اشاره ۲۷۸
- نقش زنده نگه داشتن نام و یاد شهید در پیشبرد اهداف ۲۷۹
- اثر منفی تضعیف ایثار و شهادت بر مقاومت ۲۸۲
- ۱۴ - شجاعت ۲۸۲
- اهمیت نترسیدن از هیاهوی دشمن ۲۸۲
- شجاعت، قوت، عزم و آمادگی؛ راه در امان بودن از دشمن ۲۸۸
- ۵۱ - بصیرت ۲۸۹
- ۱۶ - آگاهی بخشیدن به ملتها ۲۹۰
- بخش ششم عوامل ازبین برنده ی مقاومت ۲۹۱
- اشاره ۲۹۱
- اهمیت حفظ دستاوردهای معنوی مقاومت ۲۹۵
- اشاره ۲۹۵
- ۱ - آلوده شدن به گناه ۲۹۶
- اشاره ۲۹۶
- انحراف دل از صراط حق؛ علت کم شدن توفیقات ۲۹۸
- پیروی از نفس؛ از عوامل ظلم پذیری و تسلیم شدن ۳۰۰
- ۲ - اختلاف ۳۰۰
- ۳ - ترسیدن از خطرات مقاومت ۳۰۱

- ۳۰۱ اشاره
- ۳۰۲ مرعوب شدن از هیمنه ی ظاهری مستکبران
- ۳۰۲ ۴ - وجود مسئولان بزدل
- ۳۰۲ شاه سلطان حسین ها
- ۳۰۳ از دست دادن مقاومت و نداشتن رهبر؛ علت شکست مبارزات
- ۳۰۳ ۵ - انهزام روحی در مقابل دشمن
- ۳۰۳ اشاره
- ۳۰۴ انفعال فرهنگی و سیاسی در مقابل دشمن؛ غلطترین کار و بزرگ ترین اشتباه
- ۳۰۶ ۶ - خودفراموشی و فراموشی دشمن
- ۳۰۶ اشاره
- ۳۰۷ خواب رفتگی و تسلیم شدن در برابر جریان عمومی دنیا؛ خطر بزرگ جامعه ی ما
- ۳۰۷ تصوّر غلط از دشمن
- ۳۰۸ ۷ - نشان دادن نشانه های تسلیم به دشمن
- ۳۰۸ اشاره
- ۳۰۹ نشان دادن احساس ضعف به دشمن؛ عامل جسور شدن او
- ۳۱۰ ۸ - بزرگ دشمن
- ۳۱۰ اشاره
- ۳۱۲ اعتماد به دشمن و فریب خوردن از لیخند و وعده ی او
- ۳۱۳ بخش هفتم زیانهای ترک مقاومت (سازش)
- ۳۱۳ اشاره
- ۳۱۷ تفاوت ارتباط با دیگر کشورها با تسلیم شدن
- ۳۱۷ اشاره
- ۳۱۷ ۱ - نرسیدن به نتیجه ی موردنظر
- ۳۱۷ عاقبت سازش
- ۳۱۸ رحم نکردن مستکبران به تسلیم شدگان
- ۳۱۹ مغالطه ی پرهیز از اصطکاک با دشمن

- ۳۱۹ پایان یافتن دشمنی ها تنها با مستحکم شدن کشور نه با سازش
- ۳۲۰ ۲- از دست دادن عزّت
- ۳۲۰ اشاره
- ۳۲۱ نابود شدن؛ عاقبت ملت‌های غافل از عنصر دفاع و مقاومت
- ۳۲۲ ۳- جری شدن دشمن
- ۳۲۲ عقب نشینی در برابر دشمن؛ عامل افزایش زیاده خواهی او
- ۳۲۲ تشکیک در مشروعیت نظام؛ عامل جری شدن دشمن
- ۳۲۵ بخش هشتم الگوهای مقاومت
- ۳۲۵ اشاره
- ۳۲۷ حضرت ابراهیم (علیه السلام)
- ۳۳۲ مقاومت در جریان داستان طالوت و جالوت
- ۳۳۳ پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)
- ۳۳۳ امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛ الگوی بصیرت و پایداری
- ۳۳۵ مقاومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ احد
- ۳۳۶ استقامت امام حسین (علیه السلام)
- ۳۳۸ ائمه (علیهم السلام)؛ الگوی ایستادگی
- ۳۳۹ مسلمانان صدر اسلام
- ۳۴۱ حادثه ی عاشورا
- ۳۴۱ ایستادگی حضرت زینب (علیها السلام)
- ۳۴۲ امام خمینی (قدّس سرّه)؛ الگوی مقاومت
- ۳۴۲ امام (قدّس سرّه)؛ شاخص تسلیم نشدن
- ۳۴۳ شهید مدرّس
- ۳۴۴ میرزا کوچک خان جنگلی
- ۳۴۵ مقاومت مردم دلوار
- ۳۴۶ مقاومت مردم لارستان در برابر اشغال انگلیس
- ۳۴۸ علیمردان خان بختیاری و مادرش

- ۳۴۸ پیروزی زنان مسلمان با مقاومت در برابر کشف حجاب
- ۳۴۹ الگوبرداری امام خمینی (قدس سزه) از استقامت امام حسین (علیه السلام)
- ۳۵۴ جمهوری اسلامی ایران؛ مرکز مقاومت در برابر مستکبران عالم
- ۳۵۴ نظام اسلامی؛ دولت مقاومت در برابر مستکبران
- ۳۵۶ ملت ایران
- ۳۵۸ الگوی مقاومت شدن ملت ایران به برکت شهدا و ایثارگران و خانواده های ایشان
- ۳۵۸ گواه اتتها
- ۳۵۹ روحیه ی مقاومت در دوران جنگ
- ۳۶۰ ایستادگی عملی ملت ایران بر شعارها
- ۳۶۱ پانزده خرداد؛ اولین پایه ی مقاومت ملت ایران
- ۳۶۱ نقش مقاومت ملت ایران در بیداری اسلامی
- ۳۶۲ پایداری ملت ایران و فریادهای حضرت امام؛ عامل صدور اندیشه ی انقلاب
- ۳۶۳ مقاومت موفق ملت ایران با پیروی از درسهای امام خمینی (قدس سزه)
- ۳۶۳ موفقیت انقلاب اسلامی در عبور از چالشها
- ۳۶۵ ایستادگی؛ نشانه ی شکست ناپذیری ملت ایران
- ۳۶۶ تقابل مردم با نقشه ی دشمن برای ایجاد آشوب
- ۳۶۸ انتقال تجربه ی مقاومت انقلاب به ماندلا
- ۳۶۹ شهدا؛ حلقه ی نهایی زنجیره ی مقاومت
- ۳۷۰ مجاهدت آزادگان؛ گنجینه ی پر بار ملت برای تقویت ایمان و مقاومت
- ۳۷۰ ملت مقاوم فلسطین
- ۳۷۱ بی اثر بودن مذاکره برای نجات فلسطین
- ۳۷۲ علت حمله ی مستکبران به غزه
- ۳۷۳ غزه
- ۳۷۴ جمهوری اسلامی؛ پشتیبان مبارزان فلسطینی
- ۳۷۴ سپاه؛ نماد مقاومت انقلابی و شجاعانه
- ۳۷۵ بسیج؛ نماد حضور و مقاومت ملی

- ۳۷۶ ----- تفاوت نیروی مقاومت بسیج با مقاومت‌های مردمی دیگر انقلابها
- ۳۷۸ ----- جنگ ۳۳ روزه
- ۳۸۱ ----- بخش نهم مثالهایی برای مقاومت و سازش در تاریخ
- ۳۸۱ ----- اشاره
- ۳۸۳ ----- رفتن به دنبال غنیمت؛ علت شکست مسلمانان در جنگ احد
- ۳۸۴ ----- عزم راسخ مسلمانان پس از جنگ احد؛ مانع حمله ی مجدد مشرکان
- ۳۸۵ ----- وضعیت بدر و خیبر
- ۳۸۵ ----- مثالهایی از پیروزی ها و شکستهای ملتها
- ۳۸۷ ----- مقاومت شهرهای اروپایی در برابر هیتلر و ناپلئون
- ۳۸۸ ----- مقاومت مردم بوشهر در برابر انگلیس
- ۳۸۸ ----- مقاومت ملت ایران در جنگ تحمیلی
- ۳۸۹ ----- پیروزی حزب الله
- ۳۸۹ ----- مقاومت و سازش در تاریخ فلسطین
- ۳۹۰ ----- قبول حق هسته ای؛ با ایستادگی ملت
- ۳۹۳ ----- بخش دهم اقدامات دشمن برای شکستن مقاومت
- ۳۹۳ ----- اشاره
- ۳۹۸ ----- لزوم شناخت نقشه ی دشمن برای دفاع خوب یا حمله ی پیش دستانه
- ۳۹۸ ----- لو رفتن نقشه های آمریکا برای ملت ایران
- ۳۹۹ ----- براندازی، استحاله و نفوذ؛ سه هدف دشمن
- ۳۹۹ ----- اشاره
- ۴۰۰ ----- فصل اول: جنگ سخت
- ۴۰۰ ----- اشاره
- ۴۰۱ ----- شکست دشمن در جنگ سخت
- ۴۰۱ ----- هدف دشمن از حمله به جهان اسلام؛ از بین بردن کانون مقاومت
- ۴۰۲ ----- هرج و مرج و جنگ داخلی و تحریم و جنگ رسانه ای
- ۴۰۳ ----- ترور فیزیکی و شخصیتی نخبگان صالح و خریدن سست عنصران

- فصل دوم: جنگ نرم ۴۰۳
- اشاره ۴۰۳
- هدف دشمن در جنگ نرم؛ دور کردن مردم از جهاد و مقاومت ۴۰۳
- تلاش دشمن در جنگ نرم؛ زمینه سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت ۴۰۴
- طولانی بودن جنگ نرم ۴۰۵
- اشاره ۴۰۵
- ۱ - تحریم اقتصادی ۴۰۵
- اشاره ۴۰۵
- شکست دشمن در جنگ نرم ۴۰۵
- هدف دشمن از تحریم؛ عصبانی کردن مردم ۴۰۶
- ۲ - نفوذ ۴۰۷
- ضرورت هوشیاری در برابر نفوذ اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و سیاسی ۴۰۷
- مذاکره ی با آمریکا یعنی نفوذ ۴۰۹
- نقشه ی آمریکا؛ نفوذ ۴۱۰
- روی آوردن دشمن به نفوذ پس از ناامید شدن از کودتا ۴۱۰
- دو نوع نفوذ ۴۱۱
- اشاره ۴۱۱
- ۱-۲ - نفوذ فردی و موردی ۴۱۱
- اشاره ۴۱۱
- نفوذی ناآگاه ۴۱۲
- همکاران مزدور و بی مزد دشمن در داخل ۴۱۳
- رخنه کردن عناصر نفوذی در میان اکثریت متعهد مسئولان ۴۱۵
- برنامه ی نفوذ دشمن در کشور از ده راه: علمی، هنری، ارتباط با دانشگاه ها، دانشمندان، و... ۴۱۵
- نوکران بامزد و بی مزد دشمن ۴۱۶
- قاسطین و مارقین و ناکثین زمان امام علی (علیه السلام) و زمان ما ۴۱۷
- خطر نفوذ دشمن در ارکان نظام ۴۱۹

- ۴۲۰ موربانه ها در حوزه براي تضعيف اسلام انقلابي -
- ۴۲۰ تسلط بر ارتشهاي كشورها -
- ۴۲۱ استفاده ي دشمن از ارتباطات علمي براي نفوذ -
- ۴۲۲ تحمیل مهره های وابسته -
- ۴۲۲ ۲-۲ - نفوذ جرياني براي تغيير محاسبات و ذهنيتهها -
- ۴۲۲ اشاره -
- ۴۲۲ عمده ترين وسيله ي نفوذ جرياني؛ پول و جاذبه ي جنسي -
- ۴۲۳ هدف از نفوذ جرياني؛ تغيير باورها و آرمانها و سبك زندگي -
- ۴۲۴ هدف جنگ نرم؛ عوض كردن محاسبات -
- ۴۲۶ نخبگان و تصميم گيران؛ آماج نفوذ -
- ۴۲۶ مكمل نفوذ جرياني؛ تخطئه ي جريانهاي ارزشي -
- ۴۲۷ دو آماج نفوذ: -
- ۴۲۷ اشاره -
- ۴۲۷ (۱) مسئولان؛ با هدف تغيير محاسبات آنها -
- ۴۲۷ اشاره -
- ۴۲۸ (۲) مردم با هدف دگرگوني باورهاي انقلابي و اسلامي -
- ۴۲۹ آفت روشنفكري -
- ۴۲۹ اشاره -
- ۴۳۰ تغيير رويکرد آمريكا از تهاجم نظامي به استحالته ي سياسي و فرهنگي -
- ۴۳۱ اميد دشمن به نفوذ و تغيير ذهنيتهها -
- ۴۳۲ از بين بردن عوامل تقويت مقاومت ملت با استفاده از رسانه -
- ۴۳۳ نفوذ و جهاني گري؛ دو تهديد براي همه ي كشورهاي در حال توسعه -
- ۴۳۴ ايجاد خلل در باورها؛ از راه هاي نفوذ -
- ۴۳۴ مطرح كردن بديلهائي انحرافي حكومت اسلامي يا نفوذ ميان انقلابيون -
- ۴۳۵ ۳ - تبليغات رسانه اي -
- ۴۳۵ اشاره -

- ۴۳۶ - قدرت دشمن ناشی از هیاهوی آن -
- ۴۳۷ - یک نمونه از استفاده ی دشمن از جنگ تبلیغاتی
- ۴۳۸ - تلاش جبهه ی استکبار برای مخدوش کردن چهره ی مقاومت ملت ایران
- ۴۳۹ - تلاش دشمن و ایادی آن برای نشان دادن تصویر ناامیدانه از کشور
- ۴۴۱ - مهم ترین تکیه مستکبران بر تلقین ناتوانی ملتها در مقاومت
- ۴۴۲ - تهدید؛ از ابزارهای دشمن
- ۴۴۲ - حمایت از آشوبگران و مایوس کردن ملت با تلقین غیر قابل شکست بودن دشمن
- ۴۴۳ - زبان دشمن در دهان منافقان برای شکستن مقاومت ملت
- ۴۴۴ - نقش عوامل داخلی دشمن در بازتولید فرهنگ وابستگی به اسمهای دیگر
- ۴۴۴ - هیاهوی تبلیغاتی دشمن برای متشتج نشان دادن کشور
- ۴۴۵ - تلاش دشمن و مزدوران او برای ایجاد تلاطم با جریان تبلیغاتی
- ۴۴۶ - هدف واقعی آمریکا از هیاهوها؛ تسلیم شدن جمهوری اسلامی
- ۴۴۷ - توطئه های رسانه ای دشمن
- ۴۴۸ - کار دشمن، شبهه درست کردن و بزرگ نمایی کردن
- ۴۴۹ - ۴ - تهاجم فرهنگی برای خارج کردن مردم و بویژه جوانان از جبهه ی مقاومت
- ۴۴۹ - اشاره
- ۴۵۲ - ایمان جوانان مؤمن؛ آماج حمله ی فرهنگی دشمن
- ۴۵۳ - مبارزه ی دشمن با اعتقادات مردم
- ۴۵۴ - افزایش انگیزه ی دشمن برای نفوذ در حصار فرهنگی کشور
- ۴۵۴ - تهاجم فرهنگی بزرگ تر؛ تزریق ناتوانی در برابر غرب
- ۴۵۶ - تهاجم فرهنگی؛ راه نفوذ دشمن برای از بین بردن ایستادگی ملتها
- ۴۵۶ - ۵ - سوءاستفاده از مذاکره
- ۴۵۶ - ضرر مذاکره در هنگام ضعف
- ۴۵۷ - مذاکره با دشمن ظالم و زورگو؛ خیانت یا حماقت
- ۴۵۹ - فشار و مذاکره؛ نقشه ی آمریکا برای از بین بردن الگوی مقاومتی به نام ایران
- ۴۶۰ - ۶ - حمله به اصول

- ۴۶۰ اشاره
- ۴۶۰ تبلیغ نفوذی ها برای دست برداشتن از اصول
- ۴۶۱ تخریب باورهای مقاومت بخش از سوی دشمن و مزدورانش تحت پوشش اصلاح
- ۴۶۱ تلاش دشمن برای از بین بردن باورهای مقاومت ساز
- ۴۶۲ عوامل دشمن در فضای ذهن
- ۴۶۴ حمله ی دشمن به تفکر دین سیاسی
- ۴۶۶ حمله ی دشمن به ارکان مقاومت کشور
- ۴۶۶ هدف بلندمدت دشمن؛ تغییر نظام اسلامی
- ۴۶۷ - ۷ - ترویج ابتدال با هدف شکستن مقاومت جمهوری اسلامی
- ۴۶۷ اشاره
- ۴۶۷ اندلسی کردن ایران؛ با هدف از بین بردن کانون مقاومت
- ۴۷۲ ۸ - ایجاد اختلاف و تفرقه
- ۴۷۲ برپا کردن جنگ داخلی با هدف انحراف انگیزه های مقاومت و مجاهدت
- ۴۷۲ دلسرد کردن مردم با ایجاد مانع در کار سازندگی
- ۴۷۳ جدایی انداختن بین مردم و مسئولان
- ۴۷۳ لزوم هوشیاری همگانی در برابر مزدوران تفرقه افکن
- ۴۷۴ عبدالله بن اَبیهای ایران
- ۴۷۵ برنامه ی دشمن؛ ایجاد شکاف بین نظام اسلامی و ملت ایران
- ۴۷۷ بخش یازدهم مسئولیتها
- ۴۷۷ اشاره
- ۴۸۱ فصل اول: وظایف همگانی
- ۴۸۱ وظیفه ی نخبگان؛ تأکید بر ایمان به خدا و اتحاد
- ۴۸۱ وظیفه ی همگانی برای تلاش و اتحاد
- ۴۸۲ وظیفه ی همگان در برابر نفوذ: تبیین و روشنگری
- ۴۸۳ وظیفه ی مردم و مسئولان؛ قوی کردن کشور برای امتیاز گرفتن از استکبار
- ۴۸۳ مقاومت در برابر دستهای تفرقه افکن

- ۴۸۳ وظیفه ی همگان بویژه جوانان؛ خودسازی علمی و اخلاقی و جسمی و روحیه ای
- ۴۸۴ وظیفه ی همگان بویژه مسئولان و سیاسیون؛ مراقبت آگاهانه در برابر نفوذ
- ۴۸۵ وظیفه ی همگانی؛ انقلابی ماندن و ایستادگی
- ۴۸۵ ضرورت مراقبت همگانی بویژه مسئولان از خود
- ۴۸۶ وظیفه ی نخبگان سیاسی و علمی و دینی؛ تقویت عوامل اقتدار
- ۴۸۶ اهمیت توجه به خطرها با هدف چاره جویی
- ۴۸۷ لزوم پرهیز از غفلت در برابر دشمن
- ۴۸۸ فصل دوم: وظایف اقشار و نهادها
- ۴۸۸ ۱ - علما و روحانیون
- ۴۸۸ مسجد؛ هسته ی مقاومت فرهنگی، سیاسی و نظامی
- ۴۸۹ بصیرت فرهنگی؛ زمینه ساز بصیرت سیاسی
- ۴۹۰ وظیفه ی مجلس خبرگان؛ تحکیم اسلام و تعقیب راه انقلاب
- ۴۹۱ مطالبه ی عناصر اقتدار از دولت و مجلس و دیگران از سوی مجلس خبرگان
- ۴۹۱ نماز جمعه؛ کانون مقاومت و معنویت
- ۴۹۲ وظیفه ی ائمه ی جمعه
- ۴۹۲ نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی
- ۴۹۴ روحانیت؛ عنصر اصلی در مبارزات و مقاومت
- ۴۹۵ دین و روحانیت؛ سنگر اصلی مقاومت در برابر مستکبران و مستبدان
- ۴۹۵ وظیفه ی روحانیت و امامان جمعه؛ امید دادن به مردم
- ۴۹۶ داشتن روحیه ی مقاومت و فداکاری؛ شرط مفید بودن روحانیت
- ۴۹۷ وظیفه ی علما؛ آگاه کردن مردم نسبت به ضدّ دین بودن تسلیم شدن
- ۴۹۷ وظیفه ی علما؛ روشنگری در زمینه ی نفوذ
- ۴۹۸ وظیفه ی علما در کارزار با استکبار
- ۴۹۹ مقاومت علما برای جلوگیری کردن از مستعمره شدن ایران
- ۵۰۰ ۲ - دانشگاهیان
- ۵۰۰ دانشجوی انقلابی؛ لبه ی اصلی جبهه ی مقاومت ملت

- ۵۰۰ اقتدار علمی؛ مقدمه ی امتیاز گرفتن از استکبار
- ۵۰۲ وظیفه ی تشکلهای دانشجویی در مستحکم تر کردن مقاومت ملت
- ۳ - ۵۰۲ نیروهای مسلح
- ۵۰۲ اشاره
- ۵۰۳ نقش قدرت نظامی و نیروهای نظامی در اقتدار
- ۵۰۵ لزوم قرار گرفتن «جهاد کبیر» در سرلوحه ی کارهای سپاه
- ۵۰۵ وظیفه ی نیروهای مسلح در حفظ روحیه ی ایستادگی مردم
- ۴ - ۵۰۶ نهادهای فرهنگی
- ۵۰۶ اشاره
- ۵۱۲ لزوم پاسخگویی به شبهات مطرح شده از سوی دشمن
- ۵۱۳ سازمان تبلیغات اسلامی
- ۵۱۴ کار مهم شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
- ۵۱۵ رکن مهم تبلیغ، دادن امید به آینده و اعتمادبه نفس به مردم
- ۵۱۶ حقیقت تبلیغ، مواجهه ی با دشمن
- ۵۱۸ وظیفه ی معلمان؛ رشد روحیه ی مقاومت و هویت مستقل
- ۵۱۸ نقش معلمان در افزایش مقاومت ملی
- ۵ - ۵۱۹ مسئولان
- ۵۱۹ وظیفه ی مسئولان جمهوری اسلامی؛ مقاومت در برابر دشمن
- ۵۲۰ نقش ایمان مسئولان در بالا رفتن مقاومت و کارآیی ایشان
- ۵۲۱ لزوم تلاش مسئولان در برابر توطئه های مختلف دشمن
- ۵۲۲ هدف مسئولان از گرفتن مسئولیت؛ بازتولید حیات طیبه
- ۵۲۳ مجلس مؤمن و مستقل؛ نماد پایداری
- ۵۲۳ حفظ وحدت، تقویت ارزشهای مقاومت آفرین و راضی نمودن مردم
- ۵۲۴ اهمیت بیشتر ایستادگی مسئولان بر مسیر انقلاب اسلامی
- ۵۲۵ اهمیت بیشتر تقوا برای مسئولان
- ۵۲۷ بزرگ ترین مبارزه با آمریکا؛ مجاهدت برای اصلاح امور کشور

- ۵۲۷ ----- ضرورت بستن راه نفوذ دشمن از طریق رسانه و فضای مجازی
- ۵۲۸ ----- وظیفه ی مسئولان؛ تربیت ایمانی مردم برای یافتن صلاحیت دریافت نصرت الهی
- ۵۳۰ ----- وظیفه ی مسئولان در برطرف کردن ضعفهای داخلی
- ۵۳۱ ----- وظایف مسئولان در نشان دادن اقتدار به مستکبران
- ۵۳۲ ----- وظیفه ی مسئولان و نخبگان در مقاوم سازی کشور
- ۵۳۲ ----- انقلابیگری؛ یعنی مقابله با زورگویی دشمن
- ۵۳۳ ----- لوازم صبر و توکل در مدیریت کشور
- ۵۳۳ ----- اشاره
- ۵۳۳ ----- (۱) انتخاب جهت درست
- ۵۳۴ ----- (۲) به کارگیری همه ی ابزارها و نیروها
- ۵۳۵ ----- (۳) نگاه به اولویتهای
- ۵۳۵ ----- وظایف مسئولان در دوران مقاومت
- ۵۳۶ ----- لزوم پرهیز مسئولان از فریب خوردن از دشمن
- ۵۳۶ ----- ۶ - جوانان
- ۵۳۶ ----- وظیفه ی جوانان؛ تقویت نظری و عملی مقاومت
- ۵۳۷ ----- نقش حضور اسلامی و انقلابی جوانان در ناامید کردن دشمن
- ۵۳۸ ----- جوان مؤمن انقلابی؛ عامل ایستادگی در برابر حمله ی نظامی و فرهنگی
- ۵۴۰ ----- وظیفه ی جوانان در مبارزه با آمریکا
- ۵۴۰ ----- وظیفه ی جوانان مؤمن برای ترویج استقامت
- ۵۴۱ ----- وظیفه ی جوانان؛ تقویت ایمان و علم برای مقابله با دشمن
- ۵۴۳ ----- مقاومت شجاعانه و خستگی ناپذیر؛ از ارکان تفکر بسیجی
- ۵۴۳ ----- نیروی مؤمن حزب اللهی؛ تسلیم ناپذیر و خسته نشو
- ۵۴۴ ----- وظیفه ی بسیج در مقابله با نفوذ دشمن
- ۵۴۶ ----- اهمیت تبیین درست و هوشمندانه به عنوان کار اساسی
- ۵۴۶ ----- وظیفه ی جوانان و نوجوانان نسبت به نفوذ
- ۵۴۷ ----- وظیفه ی جوانان در کسب ویژگی های لازم برای مبارزه

- ۵۴۷ جوانان؛ نوک پیکان مجاهدت
- ۵۴۸ ایمان و حیا و اخلاق جوانان؛ مایه ی اقتدار
- ۵۴۸ توصیه به جوانان برای تقویت کشور
- ۵۴۹ افسران جنگ نرم
- ۵۴۹ وظایف افسران جنگ نرم برای مقاومت در برابر دشمن
- ۵۴۹ اشاره
- ۵۴۹ (۱) بالا بردن معرفت‌های اسلامی
- ۵۵۰ (۲) توجه به اوضاع کشور همراه با انتقاد منصفانه
- ۵۵۰ (۳) ارتباط با تشکلهای دانشجویی جهان اسلام
- ۵۵۱ (۴) زنده نگه داشتن امید در خود و دیگران
- ۵۵۱ ۷ - رسانه ها
- ۵۵۱ نقش رسانه ی ملی در خنثی کردن جنگ تبلیغاتی دشمن
- ۵۵۴ ۸ - هنرمندان
- ۵۵۴ هنرمندان؛ نیروهای مهم در جنگ نرم همه جانبه ی دشمن
- ۵۵۵ رسالت هنرمندان در انتقال معارف دوران مقاومت
- ۵۵۸ وظیفه ی شاعران
- ۵۵۸ ۹ - بانوان
- ۵۵۸ زن مجاهد مسلمان ایرانی، معلم ثانی برای زنان جهان
- ۵۶۱ بخش دوازدهم آینده ی روشن
- ۵۶۱ اشاره
- ۵۶۳ وجود روحیه ی مقاومت در نسل جدید
- ۵۶۴ قدرت مقاومت؛ بیش از قدرت سلاح اتمی
- ۵۶۴ مقاومت تا ناامید شدن دشمن
- ۵۶۵ واقعیت‌های امیدبخش و عبرت آموز کشور
- ۵۶۵ اشاره
- ۵۶۵ (۱) موقعیت جغرافیایی خوب

- ۵۶۵ (۲) تاریخ و ریشه های تمدنی
- ۵۶۶ (۳) ثروت‌های انسانی و طبیعی چشمگیر
- ۵۶۷ (۴) ضربه های سنگین استبداد داخلی و استعمار بر کشور
- ۵۶۸ (۵) بیداری ملی در مشروطه، نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی
- ۵۶۹ (۶) تجربه ی پیشرفت در عرصه های گوناگون
- ۵۷۱ (۷) آینده ی پرامید
- ۵۷۱ (۸) مواجهه ی کشور با جبهه ی معاند دشمن
- ۵۷۲ منور شدن جهان به نور جمهوری اسلامی در آینده
- ۵۷۲ جهت گیری کلی حرکت کشور؛ خوب و رو به پیشرفت
- ۵۷۳ آینده ی روشن انقلاب؛ بر اساس وعده ی الهی
- ۵۷۴ پیروزی از آن ملت ایران
- ۵۷۴ رویشهای انقلاب چندبرابر ریزشهای آن
- ۵۷۵ شکست آمریکا در برابر مقاومت ملت ایران
- ۵۷۷ نمایه
- ۵۷۷ اشاره
- ۵۷۹ آیات
- ۵۸۸ روایات
- ۵۹۰ اشعار
- ۵۹۲ موضوعات
- ۶۱۶ اشخاص، اماکن، کشورها و...
- ۶۲۴ زمانها
- ۶۲۶ درباره مرکز

اندیشه ی مقاومت از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی

مشخصات کتاب

سرشناسه: خامنه ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -

Khamenei, Seyyed Ali

عنوان و نام پدیدآور: اندیشه ی مقاومت از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) / گردآورنده سعید صلح میرزایی.

مشخصات نشر: تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مد ظله العالی" انتشارات انقلاب اسلامی، 1398.

مشخصات ظاهری: ظ، 562 ص.؛ 5/14×5/21 س م.

شابک: 550000 ریال 978-600-8218-46-3 :

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: نمایه.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - -- دیدگاه های سیاسی و اجتماعی

موضوع: Political and social views: --- Khamene'i, Sayyed Ali, Leader of IRI, 1939 -

موضوع: خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: Messages and speech: --- Khamenei, Sayyed Ali

شناسه افزوده: صلح میرزایی، سعید، 1358-، گردآورنده

شناسه افزوده: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مد ظله العالی". انتشارات انقلاب اسلامی

شناسه افزوده: Islamic Revolution Publication

رده بندی کنگره: DSR1692 / اس 9 الف 8 1398

رده بندی دیویی: 955/0842092

شماره کتابشناسی ملی: 5569230

ویراستار دیجیتالی: میثم حیدری

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

پیروزی انقلاب اسلامی، انفجار نور بود در ظلمات مادی‌گرایی لیبرالیستی و کمونیستی جهان آن روز که براساس دوگانه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم شده بود و کشورهای تحت سلطه‌ی استکبار غرب و شرق، در ذیل این دو ابرقدرت، تعریف میشدند. جمهوری اسلامی با خارج شدن از این تقسیم‌بندی، شعار «نه شرقی نه غربی» سرداد و با طرح مردمسالاری دینی، شیوه‌ای نو برای کشورداری را به جهان عرضه کرد. اولین آثار جهانی انقلاب اسلامی در میان جوانان و آزادی‌خواهان مسلمان، خود را نشان داد. اسلام که گرد غربت بر چهره‌اش نشسته بود دوباره به صحنه‌ی سیاست و اجتماع بازگشت و ملت‌های تحت سلطه‌ی شرق و غرب با افتخار به اسلام، برای آزاد کردن خود از یوغ مستکبران اهتمام کردند. رایحه‌ی معطر انقلاب اسلامی با مفاهیم و معارف خود که از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) گرفته شده بود نه تنها در قلب ملت‌های مسلمان نفوذ کرد بلکه در بین ملت‌های غیر مسلمان نیز مشتاقانی یافت. مسئله‌ی فلسطین که بتدریج در حال فراموش شدن بود به صدر آمال مسلمانان و انسان‌های عدالت‌خواه و آزادی‌خواه مستقل بازگشت.

الگوی مردمسالاری دینی و نقش‌آفرینی مستقل جمهوری اسلامی،

مرزها را مینوردید و این مسئله باعث خوف و وحشت جبهه ی استکبار گردید. به همین دلیل از روز نخست پیروزی انقلاب اسلامی، مخالفتها و مقابله ها با این نهال تازه روئیده در قالب جنگ سخت و جنگ نرم از سوی مستکبران، آغاز گردید.

ملت قهرمان و مقاوم ایران اسلامی که با الگوگیری از معصومان (علیهم السّلام) و مسلمانان صدر اسلام و با پیروی از دستورات حضرت امام خمینی (قدّس سرّه)، توانسته بودند با مقاومتی جانانه استبداد طاغوت پهلوی را که از پشتیبانی شیطان بزرگ - آمریکا - برخوردار بود، از تخت ستمشاهی به زیر بیاورند، از همان شیوه ی پایداری و استقامت، بهره گرفتند و با ایستادگی در برابر جبهه ی قدرتمند غرب و شرق که در مخالفت با جمهوری اسلامی، به اتحاد رسیده بودند نه تنها تسلیم را از گزینه های خود کنار گذاشتند و تحمیل مستکبران را نپذیرفتند بلکه در موارد متعددی با به خطر انداختن منافع آنها، عقب نشینی را بر آنها تحمیل کردند.

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّظله العالی) با درك دقیق از شرایط و اوضاع جهان و منطقه همواره بر ادامه ی جریان مقاومت تأکید کرده اند. ایشان در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان فرمودند:

«نظریّه ی مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. بعضی تصوّر نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریّه ی مقاومت، يك نظریّه ی اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت - باید [ترویج شود]. معنای نظری این است که تبیین کنید. شما جوانها خیلی خوب میتوانید این نظریّه ی مقاومت را تبیین کنید؛ هم در بین خودتان و هم محیطی که در آنجا قرار دارید و هم حتّی در ارتباط با کشورهای دیگر و جوانهای دیگر. نظریّه ی مقاومت را، این را که هدف استکبار سیطره است،

هدف استکبار سلطه است، سلطه ی بر ملت‌ها است، برای همه تبیین کنید، بدانند که هدف استکبار این است.

از لحاظ عملی، جریان مقاومت را ما حقّ جوانها میدانیم؛ جوانهای عراق، جوانهای سوریه، جوانهای لبنان، جوانهایی در شمال آفریقا، جوانهایی در مناطق شبه قاره و اطراف آنها، يك مشت جوانهایی هستند که در مقابل آمریکا مقاومت میکنند، ایستاده اند؛ حقّ اینها است، ما حقّ اینها میدانیم؛ تقویت این جریانها به معنای تقویت نظریه ی مقاومت است. (1)

انتشارات انقلاب اسلامی در عمل به فرمان معظّمه، و با هدف تسهیل کار تبیین برای جوانان مؤمن و انقلابی، تدوین کتاب حاضر را در دستور کار خود قرار داد و با پژوهش در بیانات رهبر انقلاب، به تبویب آن پرداخت. تلاش شده که بخش بندی کتاب، از ترتّب و نظام مطالب مطلوبی برخوردار باشد. بنابراین در بخش اول کتاب، به اصول، باورها و منطق مقاومت و در بخش دوم به اهمّیت مقاومت پرداخت شده است. بخش سوم درباره ی عرصه های مختلفی که مقاومت در آنها لازم است همچون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امنیت میباشد. بخش چهارم به آثار و فواید مقاومت اختصاص دارد و در بخش پنجم، شانزده عاملی که باعث تقویت مقاومت میگردد، بیان شده است. بخش ششم و هفتم به مباحث سلبی نسبت به مقاومت مرتبط است. در بخش ششم، هشت عامل که باعث از بین رفتن یا کاهش مقاومت میگردد مورد اشاره قرار گرفته است و بخش هفتم نیز زیانهای ترك مقاومت و تسلیم شدن در برابر خواست دشمن را بر میشمرد. در بخش هشتم به طور مختصر به الگوهای مقاومت و در بخش نهم به مثالهای تاریخی برای مقاومت و سازش در بیانات رهبر معظّم انقلاب اسلامی اشاره شده است.

ص: 6

در بخش دهم با استقرای نسبتاً تام در بیانات معظّمه در موضوع اقدامات دشمن، با تقسیم کردن این اقدامات به دو دسته ی کلی سخت و نرم، به ده نوع شیطنت پرداخته شده است.

بخش یازدهم به مسؤلیتهای همگانی و اختصاصی اقشار مختلف در زمینه ی مقاومت اختصاص دارد و بخش دوازدهم بر موضوع آینده ی روشن جریان مقاومت متمرکز شده است. آینده ی روشن، ترجیح بند اکثر بیانات و پیامهای معظّمه است. و خود تصریح کرده اند که این امید، براساس بررسی تمام متغیرهای دخیل در تحقّق آینده ی مشعشع انقلاب اسلامی حاصل شده و صرفاً یک آرزوی احساسی نیست.

امید است تلاش حاضر، مقبول نظر خواننده ی محترم گردد و با گسترش یافتن گفتمان مقاومت در بین آحاد ملّت ایران و امت اسلامی و دیگر ملّتهای حق طلب، زمینه ی ظهور پریهجت حضرت ولیّ عصر (عجل الله فرجه الشّریف) در آینده ای نزدیک فراهم گردد. انّهم یرونها بعیداً و نراه قریباً. ان شاء الله.

ومن الله التّوفیق

ص: 7

- بخش اول: اصول، باورها و منطق مقاومت..... 1
- 1 - اجتناب ناپذیری تقابل حق و باطل..... 5
- 2 - وعده ی الهی به پیروزی اهل مقاومت..... 16
- 3 - وجود ظرفیت لازم برای مقاومت..... 28
- 4 - رو به افول بودن دشمن..... 30
- 5 - حفظ منافع ملی و انقلابی..... 35
- 6 - حدّ یقف نداشتن خواسته های دشمن..... 37
- 7 - تجربه ی تاریخی..... 44
- شکست ناپذیری قدرت ملی..... 44
- 8 - مضر بودن ترك مقاومت..... 50
- 9 - غیر قابل اعتماد بودن دشمن..... 55
- 10 - هزینه داشتن پیشرفت..... 63
- بخش دوم: اهمّیت مقاومت..... 67
- بخش سوم: عرصه های مقاومت..... 79
- 1 - مقاومت سیاسی..... 88
- فصل اول: جهاد کبیر..... 88
- فصل دوم: مقابله ی با نفوذ..... 97
- فصل سوم: هسته های مقاومت..... 97 - مقاومت فرهنگی..... 101
- 3 - مقاومت اقتصادی..... 101

- 4 - مقاومت نظامی..... 105
- 5 - مقاومت بر حفظ اصول..... 107
- بخش چهارم: آثار مقاومت..... 117
- 1 - نازل شدن نصرت الهی..... 121
- 2 - تقویت اراده ها..... 127
- 3 - پیروزی و گذشتن از موانع..... 128
- 4 - بروز ظرفیتهای در دوران مقاومت..... 139
- 5 - دور شدن سایه ی جنگ..... 143
- 6 - افزایش نیرو و توانایی ها..... 145
- بخش پنجم: عوامل مقاومت بخش..... 147
- 1 - ایمان دینی..... 151
- 2 - حفظ ساخت حقیقی نظام اسلامی؛ شرط بقای مقاومت..... 169
- 3 - مستحکم کردن کشور..... 177
- 4 - اعتقاد یافتن مردم و مسئولان به هویت ملی..... 188
- 5 - حضور در صحنه..... 189
- 6 - امید..... 191
- 7 - عمل به دین..... 194
- 8 - ایثار و فداکاری..... 208
- 9 - شنیدن بشارت شهدا..... 211
- 10 - رهبر مقاوم..... 215
- 11 - اتحاد..... 217

12 - تبیین صادقانه ی شرایط برای مردم..... 218

13 - یاد شهدا، از عوامل تقویت روحیه ی مقاومت..... 218

14 - شجاعت..... 222

15 - بصیرت..... 229

16 - آگاهی بخشیدن به ملت‌ها..... 230

بخش ششم: عوامل ازین برنده ی مقاومت..... 231

1 - آلوده شدن به گناه..... 236

2 - اختلاف..... 240

3 - ترسیدن از خطرات مقاومت..... 241 4 - وجود مسئولان بزدل..... 242

ص: 9

- 5 - انهزام روحی در مقابل دشمن..... 243
- 6 - خودفراموشی و فراموشی دشمن..... 246
- 7 - نشان دادن نشانه های تسلیم به دشمن..... 248
- 8 - برك دشمن..... 250
- بخش هفتم: زیانهای ترك مقاومت (سازش)..... 253
- 1 - نرسیدن به نتیجه ی موردنظر..... 257
- 2 - از دست دادن عزّت..... 260
- 3 - جری شدن دشمن..... 262
- بخش هشتم: الگوهای مقاومت..... 265
- حضرت ابراهیم (علیه السّلام)..... 267
- مقاومت در جریان داستان طالوت و جالوت..... 272
- پیامبر اعظم (صلّی الله علیه و آله)..... 273
- امیرالمؤمنین (علیه السّلام)؛ الگوی بصیرت و پایداری..... 273
- مقاومت امیرالمؤمنین (علیه السّلام) در جنگ احد..... 275
- استقامت امام حسین (علیه السّلام)..... 276
- انّمّه (علیهم السّلام)؛ الگوی ایستادگی..... 278
- مسلمانان صدر اسلام..... 279
- حادثه ی عاشورا..... 281
- ایستادگی حضرت زینب (علیها السّلام)..... 281
- امام خمینی (قدّس سرّه)؛ الگوی مقاومت..... 282
- امام (قدّس سرّه)؛ شاخص تسلیم نشدن..... 282

شهید مدرّس 283

میرزا کوچک خان جنگلی 284

مقاومت مردم دلواری 285

مقاومت مردم لارستان در برابر اشغال انگلیس 286

علیمردان خان بختیاری و مادرش 288

پیروزی زنان مسلمان با مقاومت در برابر کشف حجاب 288

الگو برداری امام خمینی (قدّس سرّه) از استقامت امام حسین (علیه السّلام) 289

جمهوری اسلامی ایران؛ مرکز مقاومت در برابر مستکبران عالم 294

ملت ایران 296

شهدا؛ حلقه ی نهایی زنجیره ی مقاومت 309

ص: 10

مجاهدت آزادگان؛ گنجینه ی پربار ملت برای تقویت ایمان و مقاومت..... 310

ملت مقاوم فلسطین..... 310

سپاه؛ نماد مقاومت انقلابی و شجاعانه..... 314

بسیج؛ نماد حضور و مقاومت ملی..... 315

جنگ 33 روزه..... 318

بخش نهم: مثالهایی برای مقاومت و سازش در تاریخ..... 321

رفتن به دنبال غنیمت؛ علت شکست مسلمانان در جنگ احد..... 323

عزم راسخ مسلمانان پس از جنگ احد؛ مانع حمله ی مجدد مشرکان..... 324

وضعیت بدر و خیبر..... 325

مثالهایی از پیروزی ها و شکستهای ملتها..... 325

مقاومت شهرهای اروپایی در برابر هیتلر و ناپلئون..... 327

مقاومت مردم بوشهر در برابر انگلیس..... 328

مقاومت ملت ایران در جنگ تحمیلی..... 328

پیروزی حزب الله..... 329

مقاومت و سازش در تاریخ فلسطین..... 329

قبول حق هسته ای؛ با ایستادگی ملت..... 330

بخش دهم: اقدامات دشمن برای شکستن مقاومت..... 333

فصل اول: جنگ سخت..... 340

فصل دوم: جنگ نرم..... 343

1 - تحریم اقتصادی..... 345

2 - نفوذ..... 347

دو نوع نفوذ..... 351

1-2 - نفوذ فردی و موردی..... 351

2-2 - نفوذ جریانی برای تغییر محاسبات و ذهنیتها..... 362

3 - تبلیغات رسانه ای..... 375

4 - تهاجم فرهنگی برای خارج کردن مردم و بویژه جوانان..... 389

5 - سوءاستفاده از مذاکره..... 396

6 - حمله به اصول..... 400

7 - ترویج ابتدال با هدف شکستن مقاومت جمهوری اسلامی..... 407

8 - ایجاد اختلاف و تفرقه..... 412

بخش یازدهم: مسئولیتها..... 417

ص: 11

فصل اول: وظایف همگانی..... 421

فصل دوم: وظایف اقشار و نهادها..... 428

1 - علما و روحانیون..... 428

2 - دانشگاهیان..... 440

3 - نیروهای مسلح..... 442

4 - نهادهای فرهنگی..... 446

5 - مسئولان..... 459

6 - جوانان..... 476

7 - رسانه ها..... 491

8 - هنرمندان..... 494

9 - بانوان..... 498

بخش دوازدهم: آینده ی روشن..... 501

وجود روحیّه ی مقاومت در نسل جدید..... 503

قدرت مقاومت؛ بیش از قدرت سلاح اتمی..... 504

مقاومت تا ناامید شدن دشمن..... 504

واقعیت‌های امیدبخش و عبرت آموز کشور..... 505

(1) موقعیت جغرافیایی خوب..... 505

(2) تاریخ و ریشه های تمدنی..... 505

(3) ثروتهای انسانی و طبیعی چشمگیر..... 506

(4) ضربه های سنگین استبداد داخلی و استعمار بر کشور..... 507

(5) بیداری ملی در مشروطه، نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی..... 508

6) تجربه ی پیشرفت در عرصه های گوناگون..... 509

7) آینده ی پرامید..... 511

8) مواجهه ی کشور با جبهه ی معاند دشمن..... 511

منور شدن جهان به نور جمهوری اسلامی در آینده..... 512

جهت گیری کلی حرکت کشور؛ خوب و روبه پیشرفت..... 512

آینده ی روشن انقلاب؛ بر اساس وعده ی الهی..... 513

پیروزی از آن ملت ایران..... 514

رویشهای انقلاب چندبرابر ریزشهای آن..... 514

شکست آمریکا در برابر مقاومت ملت ایران..... 515

نمایه..... 517

ص: 12

تولید این کتاب از آذر سال 97 آغاز شد. در زمانی که کتاب مراحل نهایی چاپ را میگذراند، بیانات مهم و کارگشای رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در تاریخ 1398/3/14 ایراد گردید که به نوعی میتوان آن را عصاره ی کتاب حاضر دانست. لذا جهت تکمیل فایده، متن این بیانات بعنوان حسن مطلع در ابتدای کتاب درج گردید.

ص: 13

جاذبه ی حضرت امام (قدّس سرّه)؛ راز ماندگاری نام و یاد ایشان

امروز درست سی سال از آن روز تلخ تاریخی میگذرد؛ سی سال از فراق امام محبوب بزرگوار ما، سی سال از آن وداع تاریخی و بدرقه ی باشکوه و بی نظیر که مردم از امام عزیزشان و بی نظیرشان انجام دادند. در این سی سال تلاشهای زیادی صورت گرفته است که یاد امام و نام امام کم رنگ شود. شیطنت های زیادی صورت گرفته است که اصول امام، فکر امام، راه امام در اداره ی کلان جمهوری اسلامی ایران نادیده گرفته شود. سعی شده است جاذبه ی بی نظیر امام بزرگوارمان کم رنگ بشود، کاهش پیدا کند. سی سال است از طرف دشمنان گوناگون و از طرف بعضاً افراد غافل این گونه تلاشها انجام میگیرد لکن واقعیت، تماماً بعکس خواسته ی مخالفان و دشمنان جریان پیدا کرده است. واقعیت این است که جاذبه ی امام نه فقط کاسته نشده است بلکه حتّی امتداد بیشتری هم پیدا کرده است.... هیچ جاذبه ای در دنیا با این نمیتواند برابری کند.

جاذبه ی حضرت امام (قدّس سرّه)؛ ناشی از مختصات شخصیتی ایشان

... سرّ این جاذبه چیست؟ این جاذبه ی بی نظیر امام بزرگوار ناشی از

چیست؟ [تنها] يك گوشه ای از این مطلب را من عرض میکنم؛ این بحث وسیع تری لازم دارد. امام مختصات شخصیتی ای و موهبتهایی را دارا بود و خدا به او داده بود که این مختصات، این خصوصیات در کمتر کسی در این حد جمع میشود. امام این خصوصیات را داشت: انسانی بود شجاع، انسانی بود باحکمت و باتدبیر، انسانی بود پارسا و پرهیزکار و دلبسته ی به خدای بزرگ، دلباخته ی به ذکر الهی؛ امام مردی بود ظلم ستیز؛ با ظلم کنار نمی آمد، با ظلم مبارزه میکرد، حامی مظلوم، استکبارستیز؛ امام مردی بود عدالتخواه، طرف دار مظلومان، حامی مظلومان؛ اهل صداقت، با مردم صادق بود، با مردم همان جوری سخن میگفت که دل او بود و احساس قلبی او بود؛ با مردم صادقانه رفتار میکرد؛ در راه خدا اهل مجاهدت بود، آرام نمی نشست، دائم در حال مجاهدت بود؛ [مصدق] این آیه ی شریفه: فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ * وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ؛ (1) از يك کار بزرگ که فراغت پیدا میکرد، چشم به يك کار بزرگ دیگری میدوخت و آن را دنبال میکرد؛ اهل مجاهدت فی سبیل الله بود؛ اینها عوامل جاذبه ی امام است. این خصوصیات در امام مجتمع شده بود؛ هر کسی با این خصوصیات باشد، دلها به سمت او جذب میشود؛ اینها همان عمل صالحی است که خدای متعال میفرماید: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ (2) این وعده ی الهی است؛ این محبتها هم محبتهای الهی است، محبتهای تبلیغی و تحمیلی و تلقینی نیست؛ کار خدا است، دست خدا است.

مقاومت و استقامت؛ از خصوصیات حضرت امام (قدس سره)

يك خصوصیت از خصوصیات امام هست که بنده امروز درباره ی

ص: 15

- 1- . سوره ی انشراح، آیات و؛ «پس چون فراغت یافتی، به طاعت درکوش؛ و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور.»
- 2- . سوره ی مریم (س)، آیه ی؛ «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار میدهد.»

آن بیشتر می‌خواهم صحبت کنم و آن، خصوصیت «مقاومت» است؛ مقاومت، ایستادگی. آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع. در برابر طاغوتها امام مقاومت خودش را به رخ همه ی دنیا کشید؛ چه طاغوت داخل در دوران مبارزات که خیلی ها خسته شدند، خیلی ها مشرف به ناامیدی شدند اما امام محکم ایستاد، امام بدون ذره ای عقب نشینی در راه مبارزه ایستاد؛ که این مال دوران قبل از پیروزی انقلاب بود. و بعد از پیروزی انقلاب هم فشارها از نوع دیگر و به صورت همه جانبه تر در مقابل امام ظاهر شد، [اما] امام باز هم اصل مقاومت را، ایستادگی را از دست نهد، مقاومت کرد. بنده وقتی به این خصوصیت امام نگاه میکنم و به آیات قرآن مراجعه میکنم، میبینم امام حقیقتاً بسیاری از آیات قرآن را با همین ایستادگی خود و مقاومت خود معنا کرد. فرض بفرمایید اینکه قرآن میفرماید «فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ»، (1) تهدید و تطمیع و فریب در امام اثر نگذاشت؛ نه اینکه تهدید نکردند یا تطمیع نکردند یا به فریب متصل نشدند؛ چرا، [اما] در امام مطلقاً اثر نمیگذاشت، ایستادگی او را مخدوش نمیکرد. مهم این است که تلاش دشمن و تهدید دشمن نمیتوانست دستگاه محاسباتی امام را به هم بریزد؛ چون یکی از کارهای مهم دشمنان همین است: با شما که مواجه میشود، تیت شما را که میداند، تصمیم شما را که میداند، در صدد برمی آید کاری کند تا محاسبات شما عوض بشود، دستگاه محاسباتی شما را دچار اختلال کند؛ یکی از کارهای مهم دشمنی در عرصه های گوناگون این است. دشمن نمیتوانست دستگاه محاسباتی امام بزرگوار را که به بینات دین مبین اسلام متکی بود، دچار اختلال بکند.

ص: 16

1- . سوره ی شوری، بخشی از آیه ی؛ «بنابراین به دعوت پرداز، و همان گونه که مأموری ایستادگی کن، و هوسهای آنان را پیروی مکن....»

معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان يك راهی را انتخاب کند که آن را راه حق میدانند، راه درست میدانند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است. فرض کنید يك وقت در يك جاده ای انسان به يك مسیلى برخورد میکند، به يك حفره ای برخورد میکند، یا در حرکت در کوهستان که میخواهد مثلاً به قلّه ی کوه برسد، به يك صخره ای برخورد میکند؛ بعضی ها وقتی که برخورد میکنند به این صخره یا به این مانع یا به این دزد یا به این گرگ، برمیگردند، از ادامه ی راه منصرف میشوند؛ بعضی نه، نگاه میکنند ببینند راه دور زدن این صخره چیست، راه مقابله ی با این مانع کدام است، آن راه را پیدا میکنند یا مانع را بر میدارند یا با يك شیوه ی عاقلانه از مانع عبور میکنند؛ مقاومت یعنی این؛ و امام این جورى بود؛ راهی را انتخاب کرده بود و در این راه حرکت میکرد؛ این راه چه بود؟ حرف امام چه بود که بر آن ایستادگی و پافشاری میکرد؟ حرف امام حاکمیت دین خدا بود؛ حاکمیت دین خدا و مکتب الهی بر جامعه ی مسلمین و بر زندگی عموم مردم؛ این حرف امام بود. بعد از آنکه توفیق این را پیدا کرد که بر موانع غلبه پیدا کند و نظام جمهوری اسلامی را تشکیل بدهد، اعلام کرد که ما نه ظلم میکنیم، نه زیر بار ظلم میرویم؛ ظلم نمیکنیم اما زیر بار ظلم هم نمیرویم؛ با ظالم کنار نمی آییم و از مظلوم حمایت میکنیم؛ این حرف امام بود.

پشتوانه ی دینی و عقلی اندیشه ی مقاومت

خب این حرف از متن دین گرفته شده است، متن قرآن است. علاوه ی بر اینکه قرآن این را تصریح میکند، عقل سالم هم همین را تأیید میکند. با ظلم مقابله کردن، از مظلوم دفاع کردن، با ظالم همکاری نکردن و کنار

نیامدن، چیزی است که همه ی خردمندان عالم آن را می پسندند؛ بر این حرف ایستادگی کرد. خب بدیهی است که این حرف و این مَشی، دشمنان گردن کلفتی در عالم دارد. دستگاه های استکباری عالم اهل ظلمند. تا آن زمانی که امام، این نهضت عظیم را شروع کرد، بیش از دوست سال بود که دولتهای غربی، ملت‌هایی را در گوشه و کنار دنیا - در آسیا، در آفریقا، در کشورهای متعدّد - زیر بار ظلم فزاینده ی خود قرار داده بودند؛ انگلیس ها در هند و کشورهای آن منطقه، فرانسوی ها در آفریقا، در الجزایر و کشورهای دیگر، و برخی از کشورهای دیگر اروپایی در کشورهای گوناگون، مشغول ظلم واضح و بدون پرده بودند؛ خب معلوم است که اینها از این شعار ناراحت میشوند. [اینکه] يك حكومتی در قلب آسیا، در این نقطه ی حسّاس، در ایران به وجود بیاید که شعارش این باشد که با ظلم کنار نمی آید، ظلم را قبول نمیکنند، با ظالم آشتی نمیکنند، از مظلوم حمایت میکنند، معلوم است که برای اینها سخت و غیر قابل تحمل بود؛ لذا از روز اوّل، دشمنی ها شروع شد.

دشمنی را کسانی شروع کردند که اهل ظلم بودند، اهل تجاوز بودند، اهل باج گیری بودند؛ اینها با طبیعت پیام امام بزرگوار یعنی نظام جمهوری اسلامی، طبعاً نمیتوانستند سازگار باشند، [لذا] دشمنی ها از روز اوّل شروع شد؛ در دهه ی اوّل انقلاب، در زمان حیات مبارک امام بزرگوار يك جور، بعد از رحلت امام هم، در این دو سه دهه ی اخیر، يك جور دیگر. امام در مقابل این تهاجم ناجوانمردانه و خباثت آلود، از اوّل، فکر مقاومت را، فکر ایستادگی را، فکر گم نکردن راه و هدف را پایه گذاری کرد و به عنوان يك درس، به عنوان يك راه، برای ماها، برای ملت ایران، برای مبارزان، برای مسئولان کشور، این راه را نشان دار کرد و گذاشت تا از این راه حرکت کنیم.

این مقاومت بتدریج از مرزهای جمهوری اسلامی فراتر رفت. نه اینکه ما بخواهیم این عنوان مقاومت را یا فکر مقاومت را صادر کنیم که بعضی ها - از سیاستون، از دیگران - در گوشه و کنار اعتراض میکنند که چرا میخواهید انقلاب را صادر کنید. ما انقلاب را صادر نمیکنیم؛ انقلاب، فکر است، اندیشه است، راه است؛ اگر مورد پسند و قبول يك ملت قرار بگیرد، به خودی خود آن ملت آن را میپذیرد. ما مگر برای روز قدس امسال رفتیم به این کشورها گفتیم که شما بیایید راه پیمایی کنید؟ خودشان کردند، خودشان خواستند؛ خود مقاومت مورد قبول ملتها قرار گرفت. امروز در منطقه ی ما، منطقه ی غرب آسیا، کلمه ی مشترك ملتها مقاومت است؛ مقاومت را همه قبول دارند. البته بعضی جرئت میکنند وارد میدان مقاومت بشوند، بعضی جرئت نمیکنند؛ اما آن کسانی هم که جرئت میکنند کم نیستند. همین شکستهایی که در این چند سال، آمریکایی ها در عراق و در سوریه و در لبنان و در فلسطین و مانند اینها داشتند، محصول مقاومت گروه های مقاومت است. جبهه ی مقاومت، امروز يك جبهه ی قوی است.

ملت ایران و نظام اسلامی؛ الگوی مقاومتان عالم

البته این را ما انکار نمیکنیم که چون ما ملت ایران، مقاومت را دودستی چسبیدیم و پیش رفتیم و موفق شدیم، دیگران هم به مقاومت تشویق شدند. این را صاحب نظران غیر ایرانی، صاحب نظران سیاسی بین المللی هم گفته اند و تصریح کرده اند. يك چهره ی معروف بین المللی تحلیلگر - که آمریکایی هم هست، همه هم اسم او را شنیده اید - میگوید که یکی از مهم ترین علل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی همین است که جمهوری اسلامی مسیر مقاومت را در پیش گرفت و موفق شد، توفیق پیدا کرد، توانست بر موانع فائق بیاید؛ این یکی از علل دشمنی است.

آنها میخواهند ما شکست بخوریم، آنها میخواهند ما منصرف بشویم، آنها میخواهند ما به عنوان تسلیم، دستهای خودمان را بالا کنیم؛ چون نمیکنیم، دشمنی میکنند.

برخی از اجزای منطق عقلانی مقاومت

اشاره

... مطلب مهم این است که امام، مقاومت را از روی هیجان زدگی انتخاب نکرد، از روی احساسات زودگذر انتخاب نکرد؛ پشتوانه‌ی انتخاب مقاومت از سوی امام بزرگوار ما يك پشتوانه‌ی منطقی است، پشتوانه‌ی عقلانی است، پشتوانه‌ی علمی است و البته پشتوانه‌ی دینی؛ منطق، پشت سر ایستادگی امام و مقاومت امام وجود دارد؛ حالا من چند جزء از اجزای این منطق را عرض میکنم.

1) مقاومت؛ واکنش طبیعی ملت‌های باسرف و آزاده

يك جزء این منطق این است که مقاومت، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باسرف در مقابل تحمیل و زورگویی است؛ دلیل دیگری لازم ندارد. هر مدّتی که برای شرف خود، برای هویت خود، برای انسانیت خود ارزش قائل است، وقتی ببیند يك چیزی را میخواهند به او تحمیل بکنند، مقاومت میکند، امتناع میکند، ایستادگی میکند؛ خود این، يك دلیل مستقل و قانع کننده است؛ این يك.

2) مقاومت؛ عامل عقب نشینی دشمن نه تسلیم شدن

دوم: مقاومت موجب عقب نشینی دشمن میشود، بر خلاف تسلیم. وقتی که دشمن به شما زور میگوید، اگر شما يك قدم به عقب برداشتید، او جلو می‌آید؛ بدون تردید. راه اینکه او جلو نیاید، این است که شما بایستید. ایستادگی و مقاومت کردن در مقابل زیاده خواهی دشمن و

زورگیری دشمن و باج خواهی دشمن، راه جلوگیری از پیش آمدن او است؛ پس صرفه با مقاومت است. خود ما هم همین جوری هستیم و تجربه ی خود ما در جمهوری اسلامی همین را نشان می‌دهد. من البته موارد زیادی را همین الان در ذهن دارم؛ نمیخواهم وارد بشوم و مثال ذکر بکنم؛ به طور کلی بگویم: هر جا ما ایستادگی کردیم و مقاومت کردیم، توانستیم پیش برویم؛ هر جا تسلیم شدیم و طبق میل طرف مقابل حرکت کردیم، ضربه خوردیم. مثالهای واضحی وجود دارد و افراد هوشمند و مطلع میتوانند مثالهایش را در زندگی چهل ساله ی جمهوری اسلامی براهتی پیدا کنند. این هم يك بخش دیگری از این منطق.

3) کمتر بودن هزینه ی مقاومت از هزینه ی تسلیم شدن

بخش سوم از منطق مقاومت، آن چیزی است که من در همین جلسه - یکی دو سال گذشته (1) - گفتم و آن این است که مقاومت البته هزینه دارد، بدون هزینه نیست، اما هزینه ی تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه ی مقاومت. وقتی شما در مقابل دشمن تسلیم میشوید، باید هزینه بدهید. رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود - خیلی اوقات هم ناراحت بودند، ناراضی بودند اما تسلیم بودند، میترسیدند - هم نفت میداد، هم پول میداد، هم باج میداد، هم توسری میخورد! امروز دولت سعودی هم همین جور است؛ هم پول میدهد، هم دلار میدهد، هم بر طبق خواست آمریکا موضع گیری میکند، هم توهین می شنود؛ به او میگویند «گاو شیرده»! هزینه ی سازش، هزینه ی تسلیم، هزینه ی عدم مقاومت، از هزینه ی مقاومت بر مراتب بیشتر است؛ هزینه ی مادی هم دارد، هزینه ی معنوی هم دارد. ع (2) خواهش میکنم توجه کنید؛ ما حالا بحث «نبرد» را

ص: 21

1- . بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) 1396/3/14

2- . شعار حصّار: «نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا»

نمیکنیم، بحث «مقاومت» را میکنیم؛ بحث «نبرد» جداگانه است؛ من دارم ایستادگی و مقاومت و عقب نشینی نکردن را میگویم؛ درست توجه کنید.)

4) وعده ی الهی؛ پیروزی مقاومتان

بخش چهارم و عنصر چهارم از منطق مقاومتی که امام بزرگوار پایه گذاری کرد در نظام جمهوری اسلامی، این بخش قرآنی وعده ی الهی است. خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرف داران حق، پیروز نهایی اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت میکند. ممکن است قربانی بدهند اما در نهایت شکست نمیخورند؛ آنها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند. از مثالهای آیات کریمه ی قرآن، من دو سه آیه را اینجا ذکر میکنم؛ جوانهای عزیزی که اهل قرآنند، به اینها مراجعه کنند، روی آنها فکر کنند. اَمْ یُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ؛ (1) خیال میکنند دارند زمینه سازی میکنند، توطئه برای جبهه ی حق و مقاومت درست میکنند، [اما] نمیدانند که توطئه علیه خود آنها دارد چیده میشود طبق طبیعت و سنت الهی. آیه ی دیگر: «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ» (2) تا آخر آیه. آیه ی دیگر: «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصَرْكُمْ وَ يُبْتِئَ أَقْدَامَكُمْ»؛ (3) آیه ی دیگر: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (4) آیات فراوان قرآن همه همین عاقبت را نوید میدهند به آن کسانی که در راه مقاومتند. این

ص: 22

- 1- . سوره ی طور، آیه ی؛ «یا میخواهند نیرنگی بزنند؟ و [لی] آنان که کافر شده اند، خود دچار نیرنگ شده اند.»
- 2- . سوره ی قصص، بخشی از آیه ی؛ «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم...»
- 3- . سوره ی محمد (ص)، بخشی از آیه ی؛ «... اگر خدا را یاری کنید یاری تان میکند و گمهایتان را استوار میدارد.»
- 4- . سوره ی حج، بخشی از آیه ی؛ «... و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد...»

هم يك استدلال. يك بخشی از استدلال قوی و منطق قوی امام همین آیات است - ده ها آیه است در قرآن کریم - که من حالا سه چهار آیه را خواندم.

5) ممکن بودن مقاومت

نکته ی پنجم - که برای منطق مقاومت باید در نظر داشت و امام در نظر داشتند، و ما هم این را میدانیم و میفهمیم و محاسبه میکنیم - این است که مقاومت يك امر ممکن است؛ درست نقطه ی مقابل فکر غلط کسانی که میگویند و تبلیغ میکنند که «آقا! فایده ای ندارد؛ چطور میخواهید مقاومت کنید؟ طرف، گردن کلفت است، طرف قوی است.» خطای بزرگ، اینجا است؛ خطای بزرگ، این است که کسی تصور کند که در مقابل گردن کلفت های عالم نمیشود مقاومت کرد، نمیشود ایستاد. من این را يك قدری بیشتر توضیح بدهم؛ چون مطلب مهم و رایج و مورد ابتلائی است؛ الان هم ما داریم کسانی را که زیر کسوت روشنفکری و مانند اینها، در روزنامه، در کتاب، در سخنرانی، اینجا و آنجا این جور القا میکنند که «آقا! فایده ای ندارد، نمیشود با اینها درافتاد، نمیشود در مقابل اینها ایستاد، باید قبول کنیم»؛ خلاصه اش این است که باید سواری بدهیم؛ سواری بدهیم و خیال خودمان را راحت کنیم. من عرض میکنم که این نگرش که بگویند «ما نمیتوانیم»، ناشی از همان خطای محاسباتی ای است که قبلاً اشاره کرده ام؛ (1) این اشتباه در محاسبه است.

خطای محاسباتی؛ علت انکار امکان مقاومت از سوی برخی

خطای محاسباتی در هر قضیه ای ناشی از این است که ما عوامل

ص: 23

گونگون این قضیه را درست نینیم. آنجایی که بحث بر سر يك مقابله است، بر سر يك برخورد دو جبهه با یکدیگر است، خطای محاسباتی از اینجا ناشی میشود که ما جبهه ی خودمان را هم درست نشناسیم، جبهه ی مقابل را هم درست نشناسیم؛ وقتی شناختیم، در محاسبه اشتباه میکنیم؛ اگر درست شناختیم، محاسبه ی ما جور دیگری خواهد بود. من عرض میکنم که ما در محاسباتی که باید در مسئله ی مقاومت در مقابل زورگویان عالم داشته باشیم، باید حقایق مربوط به این زورگویان را درست بدانیم، حقایق مربوط به خودمان را هم بدانیم. یکی از این حقایق، «قدرت مقاومت» است.

شناخته شدن دکترین مقاومت امام خمینی (قدس سره) در جهان

بینید؛ در ادبیات سیاسی بین المللی، عنوان «مقاومت به شیوه ی امام خمینی» يك عنوان است. آنچه در تعبیرات فرنگی ها وجود داشت و بعد از قضیه ی آزادسازی خرمشهر خیلی این اصطلاح شایع شد، «دکترین مقاومت امام خمینی» است؛ این را مطرح کردند و مقاله ها نوشتند. حالا من اینجا يك جمله ای را یادداشت کرده ام که نوشته ی یکی از چهره های سیاسی معروف دنیا است که اگر بگویم همه می شناسید؛ او آن را در يك مقاله ای نوشت؛ نوشته است که «دوران نقش آفرینی منحصر به فرد توان نظامی و اقتصادی در سیطره ی جهانی در حال افول است؛ اینکه يك کشوری توان نظامی زیادی داشته باشد و توان اقتصادی زیادی داشته باشد و بتواند به سیطره ی خود ادامه بدهد، دیگر در حال افول است؛ دنیا عوض شده»؛ او مینویسد که «در آینده ی نه چندان دور شاهد قدرتهای فرامرزی ای خواهیم بود که از لحاظ ماشین آلات جنگی - مثل بمب اتم - یا سهم در تولید صنعتی جهانی، چندان بالا نیستند اما با قدرت تأثیرگذاری بر میلیون ها انسان، سیطره ی نظامی و اقتصادی غرب را به چالش خواهند

کشید». این را يك سياستمدار و صاحب نظر سياسي غربي و آمريكايي ميگويد. بعد هم اضافه ميکند که «دکترين مقاومت خميني با تمام توان، شاهرگهاي سيطره ي غرب و آمريکا را هدف گرفته است». راز ماندگاري جمهوري اسلامي اينها است؛ اين خطي است که اين بزرگوار، اين بنده ي صالح خدا، در ميان ما باقي گذاشت؛ خط مقاومت، خط ايستادگي، خط قدرداني از آنچه داريم.

جبهه ي مقاومت؛ برخوردار از منسجم ترين وضعيت در چهل سال گذشته

اين را من عرض ميکنم که امروز جبهه ي مقاومت در منسجم ترين وضعيت در چهل سال گذشته است؛ در منطقه و در مراکزي حتمي فراتر از منطقه؛ اين يك واقعيت است.

افول موريانه وار قدرت استکباري آمريکا

نقطه ي مقابل، قدرت استکباري است؛ قدرت استکباري آمريکا، قدرت فتنه انگيزي و خباثت رژيم صهيونيستي، از چهل سال پيش به اين طرف بمراتب تنزل کرده اند و پايين رفته اند؛ ما اين را در محاسبات خودمان بايد لحاظ کنيم. اينکه در وضع سياسي آمريکا يا در وضع اجتماعي و اقتصادي آمريکا چه اتفاقاتي افتاده و دارد مي افتد، بايد در محاسبات ما وارد بشود. اين را باز بعضي از خود آمريكايي ها گفته اند، بعضي ها ميگويند «افول موريانه وار»؛ که اين را [يك] نويسنده ي آمريكايي ميگويد.

وجود نداشتن بن بست در مسائل مختلف کشور

... يك طرف محاسبه هم خود ما هستيم. ما البته مشکل داريم؛ ما مشکلات اقتصادي داريم، بارها هم گفته ايم، مسؤلين هم به قدر توان خودشان دنبال حل اين مشکلات هستند. مشکل داريم اما بن بست

نداریم. مهم این است که ما در کشور بن بست نداریم؛ نه در مسائل اقتصادی، نه در مسائل اجتماعی، نه در مسائل سیاسی؛ مشکلاتی داریم که علل مختلفی دارد اما در کشور بن بست نداریم، بعکس پیشرفت داریم. در رأس برجستگی های کشور ما، همین ملت عزیز ایرانند؛ همین ملت پُرشور، همین ملت با بصیرت. اگر ملت ما بصیرت نداشتند، این حضور مردمی در آنجایی که حضور آنها لازم است دیده نمیشد؛ حضور مردمی. شما ببینید در بیست و دوم بهمن سال 97 یعنی همین چهار پنج ماه قبل از این، چه اجتماع عظیمی در خیابانهای سراسر کشور به راه افتاد! این، بصیرت میخواهد، این همت میخواهد، این آمادگی میخواهد، این کمر بستگی میخواهد؛ ملت ایران این را دارد: آگاهی را، بصیرت را، قدرت ایستادگی را، اراده ی محکم را؛ این بزرگ ترین نقطه ی قوت کشور ما است؛ نقاط قوت دیگری هم وجود دارد. پس منطق مقاومت اینها است که عرض کردیم. امام با پشتوانه ی يك چنین منطقی بود که وارد میدان مقاومت شد.

هدف از مقاومت؛ رسیدن به نقطه ی بازدارندگی در همه ی زمینه ها

عزیزان من! يك نکته این است که هدف مقاومت عبارت است از رسیدن به نقطه ی بازدارندگی. هم در اقتصاد، هم در مسائل سیاسی کشور، هم در مسائل اجتماعی، هم در مسائل نظامی باید به نقطه ای برسیم که این نقطه بازدارنده باشد، یعنی بتواند جوری خود را نشان بدهد که دشمن را از تعرض به ملت ایران در همه ی زمینه ها منصرف کند؛ دشمن ببیند فایده ای ندارد و با ملت ایران نمیتواند کاری بکند. ما امروز در بخش نظامی تا حدود زیادی به این بازدارندگی رسیده ایم. این هم که می بینید روی مسئله ی موشک و مانند این حرفها اصرار میکنند، به خاطر همین است؛ میدانند که ما به بازدارندگی رسیده ایم، به نقطه ی تثبیت رسیده ایم، میخواهند کشور را از این محروم کنند، و البته هرگز نخواهند توانست.

شروط موفقیت در مقاومت

مواجهه‌ی ما با مسائلمان و با دشمنانمان باید اولاً شجاعانه باشد، مرعوبانه نباشد؛ ثانیاً امیدوارانه باشد، مأیوسانه نباشد؛ ثالثاً عاقلانه و خردمندانه باشد، هیجانی و احساساتی سطحی نباشد؛ [رابعاً] مبتکرانه باشد، از روی انفعال نباشد؛ ابتکار کنیم؛ اگر به این کیفیت حرکت کردیم، اگر این جور حرکت کردیم، بدانید ملت ایران در مواجهه‌ی با همه‌ی قدرتهای بزرگ توفیق خواهد یافت و خواهد توانست پیش برود.

شرط مهم فهمیدن ترندهای دشمن برای تضعیف اندیشه‌ی مقاومت

یک شرط دیگر برای موفقیت این است که ما به ترند دشمن برای تضعیف اندیشه‌ی مقاومت توجه کنیم. ببینید عزیزان من! اندیشه‌ی مقاومت، قدرتمندترین سلاح یک ملت است؛ پس طبیعی است که دشمن بخواهد این سلاح را از دست ملت ایران بگیرد؛ [لذا] روی اندیشه‌ی مقاومت شروع میکنند به وسوسه کردن، تردیدافکنی: «آقا، چه فایده دارد، نمیشود». باید اندیشه‌ی مقاومت از ترند دشمن مصون بماند و با ترند دشمن تضعیف نشود. ترند دشمن هم اقسام و انواعی دارد؛ گاهی تهدید میکند، گاهی تطمیع میکند.

ص: 27

اشاره

ص: 1

- 1 - اجتناب ناپذیری تقابل حق و باطل
- 2 - وعده‌ی الهی به پیروزی اهل مقاومت
- 3 - وجود ظرفیت لازم برای مقاومت
- 4 - رو به افول بودن دشمن
- 5 - حفظ منافع ملی و انقلابی
- 6 - حدّ یقف نداشتن خواسته‌های دشمن
- 7 - تجربه‌ی تاریخی
- 8 - مضر بودن ترك مقاومت
- 9 - غیر قابل اعتماد بودن دشمن
- 10 - هزینه داشتن پیشرفت

ص: 3

1 - اجتناب ناپذیری تقابل حق و باطل

جنگ بین جبهه ی توحید و جبهه ی کفر

جمهوری اسلامی در حال يك مبارزه ی سخت و يك مبارزه ی همه جانبه است؛ نه فقط در زمینه ی سیاسی، [بلکه] در زمینه ی فرهنگی، در زمینه ی اقتصادی، در زمینه ی اجتماعی، در زمینه ی امنیتی، ما در حال مبارزه ایم. [البته] جنگ نظامی و مبارزه ی نظامی هم در برهه ای از زمان بوده که متوقف شده و [الان] نیست؛ اما سخت تر از آن، جنگهای امنیتی است، جنگهای اقتصادی است، جنگهای فرهنگی است که ما در جریانیم و در حال جنگیم. این را هیچ کس نمیتواند انکار کند. بله، کسانی هستند که به اینکه ما در این وضعیت هستیم - در حال جنگ هستیم - اعتراض دارند که چرا با دنیا باید ما جنگ داشته باشیم؟ کسانی هستند که معترض به این معنا هستند. تصور آنها این است که جمهوری اسلامی این جنگ را شروع کرده؛ لذا میگویند خب چرا ما این جور و در این وضع هستیم؟ به نظر ما این غفلت است؛ جمهوری اسلامی جنگی را با این ابعاد با دنیا شروع نکرده، بلکه نفس وجود جمهوری اسلامی یعنی آرمانها و اهداف و شعارهایی که در جمهوری اسلامی مطرح است - که خلاصه میشود در حکومت دین، خلاصه میشود در جامعه ی دینی

ص: 5

- دشمن درست کن است، دشمن تراش است، جنگ راه بینداز است. این همان جنگ معروف حق و باطل است که در طول تاریخ بوده؛ این چیز جدیدی هم نیست؛ هر جایی که نغمه ی توحید بلند شد و عدالت مطرح شد، دشمنانی در آنجا به وجود آمدند؛ این مال امروز نیست؛ «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَدِيدًا يَا طَيْبِ الْإِنْسِ وَالْجَنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ. وَلِتَصَّ غِيًّا إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ لِيَرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ» (1)؛ ابعاض جبهه ی باطل با یکدیگر همکاری میکنند، یعنی هم همکاری میکنند و هم طرف دار پیدا میکنند؛ کسانی اصغاء میکنند حرفهای اینها را و گوش میکنند و دنبال اینها حرکت میکنند؛ این [طور] هست. ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت الله و ولایت اولیاء الله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان؛ این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم، اینها است، و اینها دشمن دارد. ما با ظلم مخالفیم؛ «کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا» (2)؛ ما این مکتب را داریم؛ خصم ظالمیم، عون مظلومیم. این موضع، طبعاً دشمن به وجود می آورد، دشمنی به وجود می آورد، دعوا راه می اندازد. (3)

بسیاری از مسائل ما با آمریکا اساساً قابل حل نیست؛ علت هم این است که مشکل آمریکا با ما، خود ما هستیم - یعنی خود جمهوری اسلامی - مشکل این است. نه انرژی هسته ای مشکل است، نه حقوق بشر مشکل است؛ مشکل آمریکا با نفس جمهوری اسلامی است. اینکه يك دولتی، يك نظامی، يك حکومتی به وجود بیاید، آن هم در يك جای مهمی مثل

ص: 6

1- . سوره ی انعام، آیات 112 و 113، ترجمه: «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم؛ بعضی از آنها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا میکنند و اگر پروردگار تو میخواست چنین نمیکردند پس آنان را با آنچه به دروغ میسازند واگذار. و [چنین مقرر شده است] تا دلهای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند به آن [سخن باطل] بگراید و آن را بپسندد و تا اینکه آنچه را باید به دست بیاورند به دست آورند.»

2- . نهج البلاغه، خطبه ی 47، ص 421

3- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1396/12/24

ایران، آن هم در يك سرزمین ثروتمندی مثل ایران، يك حكومتي سرِ کار بیاید که به «آری و نه» ی قدرتی مثل آمریکا اعتنا نداشته باشد و خودش در مسائل «آری و نه» بگوید، این برایشان غیر قابل تحمل است؛ با این مخالفند، با این معارضند. این معارضه را چه جوری میخواهید حل کنید؟ بنابراین، با آمریکا مشکلات ما حل شدنی نیست؛ اینها با اصل نظام مشکل دارند. من به شما این را عرض بکنم که با قطع نظر از نظام، با استقلال کشور هم مشکل دارند؛ یعنی اگر فرض کنیم يك نظامی غیر نظام جمهوری اسلامی هم سر کار بود و بنا بود مستقل باشد، اینها با آن مشکل داشتند. این تجربه ی نهضت ملی جلوی چشم ما است. در نهضت ملی، دکتر مصدق به آمریکایی ها حسن ظن داشت، بلکه ارادت داشت اما مایل نبود تکیه کند به آنها؛ - با انگلیسی ها البته بد بود - مایل به استقلال بود. آن کسی که عامل کودتا علیه دکتر مصدق شد، نه يك انگلیسی، [بلکه] يك آمریکایی بود و پشت سرش بیش از دستگاه اینتلیجنت سرویس انگلیس، سیای آمریکا قرار داشت؛ آمریکا این جوری است. یعنی با يك نظامی و با يك حكومتي هم که مطلقاً حكومت دینی هم نیست، حكومت انقلابی هم نیست - نهضت ملی که يك حكومت انقلابی نبود؛ فقط دنبال استقلال کشور از زیر یوغ انگلیس ها بود و خیال میکرد آمریکایی ها کمکش میکنند - توانستند بسازند؛ با استقلال کشور مخالفند. (1)

انقلاب اسلامی؛ برهم زنده ی دوگانه ی سلطه گر و سلطه پذیر

انقلاب اسلامی خود يك نوآوری بزرگ تاریخی بود که ملت ایران آن را در تاریخ خودش و تاریخ بشریت به ثبت رساند. انقلاب نوآوری بود؛ جمهوری اسلامی نوآوری بود. از بعد از دوران شروع استعمار، دنیا به دو بخش تقسیم شد: يك بخش سلطه گر، يك بخش سلطه پذیر؛ دولتها و

ص: 7

قدرتهایی با تکیه به دانش، با تکیه به سلاح، با تکیه به فریبگری، توانستند کشورهای دیگری را زیر سلطه بگیرند؛ آنها شدند سلطه گر، این ملت‌ها و این کشورها خواه و ناخواه - شدند سلطه پذیر. دنیا عادت کرد به تقسیم میان سلطه گر و سلطه پذیر؛ به طور سنتی، جمعی از ملت‌ها باید زیر فرمان و یوغ استثمار و استکبار دولتها و ملت‌های دیگری قرار میگرفتند. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و این خطکشی باطل و این نظام غلط را درهم شکست. جمهوری اسلامی اعلام کرد با سلطه گری مخالف است و خود هم اگر بتواند و قدرت داشته باشد، هرگز سلطه گری نخواهد کرد؛ نه ملت دیگری را و نه مسئولان کشور، ملت خود را زیر سلطه ی ناخواسته ی خود نخواهند کشید. با سلطه گری مخالف است؛ اما با سلطه پذیری بیشتر مخالف است.

سلطه پذیری به معنای تسلیم شدن و تشویق کردن سلطه گران است. آن ملتی که می نشیند تا بیایند و منابع او را غارت کنند و بر سرنوشت او مسلط بشوند، دارد سلطه گران را تشویق میکند و به دست خود گور خود را میکند. از لحاظ اخلاقی، سلطه گری و استثمار یک کشور و تسلط ظالمانه ی بر یک کشور، تحقیر ملت‌ها و سلب هویت آنها است. ملت‌ها وقتی زیر سلطه قرار گرفتند، فرهنگ خود و هویت خود و شخصیت خود را بتدریج از دست میدهند و آن عزت ملی و غیرت عمومی و مردمی و ملی از آنها گرفته میشود. از لحاظ سیاسی، سلطه گری یعنی سرنوشت یک ملت را در دست گرفتن. همچنانی که در دوران طاغوت، آمریکایی‌ها و رژیم آمریکا بر کشور ما سلطه داشتند و در ملت هم هیچ کاره بود؛ یک مستبدی را بر سر کار گذاشته بودند و با فرمان او و پشت سر او این ملت را تحت سلطه قرار داده بودند و در امور داخلی این ملت دخالت میکردند: نصب میکردند، عزل میکردند، خط‌مشی برای دولت تنظیم و تعیین میکردند، نخست وزیر می آوردند، نخست وزیر میبردند، حتی در تعیین وزرا و در

تعیین فرماندهان ارتش دخالت می‌کردند. از لحاظ اقتصادی هم سلطه‌گری یعنی غارت منابع یک کشور یا معطل گذاشتن منابع یک کشور. این نتایج سلطه‌گری است.

انقلاب اسلامی آمد و خطّ بطلانی بر همه‌ی اینها کشید. تقریباً سی سال است جمهوری اسلامی با این موضع‌گیری شاخص تاریخی خود، در مقابل سلطه‌گرانی که همه‌ی دنیا را در واقع متعلّق به خود میدانند ایستاد. رژیم آمریکا در این منطقه سلطنت میکرد و خاورمیانه پانداژ مستکبرین و دولت‌مردان آمریکایی بود؛ ایران - که نگین خاورمیانه و مرکز جغرافیایی این منطقه است - زیر نفوذ آنها بود. انقلاب آمد و همه‌ی این اوضاع را برهم زد؛ نظام جمهوری اسلامی با رشادت در قلب این معرکه ایستاد و مسئله عوض شد.

امروز شما نگاه کنید، خاورمیانه نمایشگاه ناکامی آمریکا و شکستهای آمریکا است. در این سالها، برای جلوگیری از رشد و قدرت یافتن نظام اسلامی، هر کاری که توانستند کردند. اگر شما تصوّر کنید ضربه‌ای میتوانستند بزنند و نزدند، خطا است؛ هر کار میتوانستند کردند؛ هر کار نکردند، چون نمیتوانستند. در مقابل جنگ تحمیلی شان، تهاجم دزدانه شان، تحریم اقتصادی شان، جنگ روانی شان، تبلیغاتشان، هیاهو و جنجال و قرشمال بازی‌هایی که علیه جمهوری اسلامی در دنیا به راه انداختند، در مقابل همه، جمهوری اسلامی به پشتیبانی این ملت بزرگ و رشید، محکم ایستاد. ایستاد، نه فقط به معنای اینکه توانست خود را نگه دارد و نابود نشود، بلکه به معنای اینکه روزبه روز بر قدرت خود افزود. (1)

ص: 9

دشمنی استکبار با حاکمیت اسلام به دلیل ایجاد بیداری و پایداری

آنها (دشمنان) با اصل استقرار حاکمیت اسلام که موجب بیداری و پایداری مردم شده است، مخالفند. هر چیزی که موجب شود ملت‌ها بیدار شوند، هر استکباری و امروز استکبار آمریکایی در درجه ی اول، با آن مخالف است؛ چون اینها با بیداری ملت‌ها مخالفند. هر چیزی به مردم پایداری و صبر و استقامت بدهد، در نظر آنها مبعوض است.

اسلام به جوانان پایداری و استقامت می‌دهد. این را در جنگ هشت ساله و در خود انقلاب امتحان کردند؛ دیدند که عشق به اسلام چطور جوانان را با استقامت در صحنه نگه میدارد؛ مردم را در مقابل سدّ پولادین به ظاهر خلیل ناپذیر دشمن، وادار به استقامت میکند و آن سد را فرو میریزد. این را دیدند، لذا با اسلام دشمنند، با اسلام مخالفند. (1)

مانع شدن اسلام انقلابی در برابر اهداف استکبار؛ دلیل دشمنی آن

امروز بعد از 37 سال، 38 سال از پیروزی انقلاب، انگیزه ی دشمنان برای نفوذ در حصار فرهنگی از روز اول بیشتر است؛ نه اینکه کم نشده، قطعاً زیاد شده؛ روشها را هم که شما می بینید: این شیوه های فضای مجازی و تبلیغات گوناگون و ماهواره و امثال اینها؛ [یعنی] انگیزه ها بیشتر شده. آماج این حرکت هم درست همان چیزی است که مایه و هسته ی اصلی ایجاد نظام اسلامی شد؛ یعنی ایمان دینی؛ آماج این است. با حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی و سیاستهای جمهوری اسلامی مخالفند به خاطر مخالفت با ایمان دینی؛ چون میدانند اگر ایمان دینی نبود، این انقلاب پیروز نمیشد، این نظام به وجود نمی آمد، این زلزله و تکانه ی شدید در ارکان نظام سلطه پدید نمی آمد. حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی يك

ص: 10

1- . در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه در سالروز میلاد امام علی (ع) 1377/8/12

تکانه‌ی شدیدی در نظام سلطه ایجاد کرد؛ بله، دوقطبی بود، باهم مخالف بودند، الان هم همین جور است - قدرتهای بزرگ مثل گرگهای درنده‌ای هستند که منتظر فرصتند تا رقبا را بدرند، در این شکی نیست - اما همه بر یک اصل متفق بودند و امروز متفقند و آن، دستیابی به قدرت و زورگویی نسبت به مردم و ملتهای ضعیف و حکومتهای ضعیف و اجتماعات گوناگون عالم و غارت منابع مالی و اقتصادی آنها و تجمیع روزافزون قدرت برای خودشان است؛ این هدف است. این هدف که هدف نظام سلطه است، با پدید آمدن انقلاب اسلامی مخدوش شد.

امروز شما ملاحظه کنید در منطقه‌ی غرب آسیا - که اسمش را گذاشته اند خاورمیانه - قدرتهای درجه‌ی یک مادی دنیا زمین گیر شده اند؛ آمریکا امروز در منطقه‌ی غرب آسیا زمین گیر است. [اینها] امروز اهدافی دارند، کارهایی دارند، مقاصدی دارند در این منطقه؛ یک بخش از این مقاصد عبارت است از تقویت پایگاه استکباری رژیم صهیونیستی در این منطقه؛ یک بخش آن عبارت است از تصرف همه‌ی منافذ و منابع قدرت در منطقه که دولتها و حکومتها بیابند زیر چتر آنها، از امکانات اینها استفاده کنند؛ فرمانروایی بر منطقه، [اما] امروز نتوانسته اند. چه مانع شده است از اینکه مقاصد اینها تحقق پیدا کند؟ اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی - هر دو تعبیر درست است؛ اسلام انقلابی هم درست است، انقلاب اسلامی هم درست است - که امروز در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده. این، مانع شده. اگر اسلام نبود، ایمان به خدا نبود، ایمان به معارف اسلامی نبود، تعهد و پایبندی به وظایف دینی نبود، نظام جمهوری اسلامی هم مثل دیگران میرفت زیر چتر همین نظام سلطه و قدرت استکباری آمریکا و غیر آمریکا؛ همچنان که دیگران رفتند. (1)

ص: 11

نظم ظالمانه ی کنونی جهان و فرهنگی که آن را پدید آورده و درعین حال از آن بشدت تاثیر پذیرفته است، برآند که خود را بر همه ی ملتها و همه ی فرهنگها تحمیل کنند و با هر کانون مقاومتی بی رحمانه و کینه جویانه به ستیزه گری برخیزند. امروزه نظام مقدس جمهوری اسلامی یکی از مقاوم ترین این کانونها و به گمان من، مقاوم ترین آنها است. این مقاومت، نه بر اثر عصبیت جاهلانه و کوتاه نظرانه، بلکه از سر معرفت و اصالت و احساس مسئولیت است. این مقاومت ملّتی است که هویت و رفتار ستمگرانه و متکبرانانه و مزورانه ی سردمداران سودجوی نظام استکبار جهانی را بخوبی شناخته و با الهام گیری از معرفت و فرهنگ غنی و ریشه دار اسلامی خویش، از خواست جبارانه ی آن سرپیچیده است.

این مقاومتی آگاهانه و نیز مؤمنانه است؛ و از این رو دشنام سبک سرانه و کارشکنی موزیانه از سوی جبهه ی استکبار و همه ی خیل و حشم سیاسی و رسانه ای و امنیتی او، نتوانسته است در آن اثر بگذارد و از این پس نیز نخواهد توانست ان شاءالله. (1)

راز دشمنی های استکبار هم همین است؛ برای خاطر اینکه اسلام، نظام اسلامی و حکومت اسلامی و جامعه ی اسلامی، با ظلم مخالف است؛ با استکبار مخالف است؛ با دست اندازی به زندگی مردم مخالف است؛ با تجاوز به ملتها مخالف است؛ با فرعونیت قدرتها مخالف است؛ با استبداد بین المللی - مثل استبداد داخلی کشورها - مخالف است. این مخالفت هم فقط مخالفت قلبی نیست؛ نه، مخالفتی است که در مقام عمل و هرجایی که اقتضا پیدا کند، بروز خواهد کرد؛ ظهور پیدا خواهد کرد. این را میدانند؛ این از جمهوری اسلامی شناخته شده است. لذا آن کسانی که اهل تجاوزند، آن کسانی که اهل دست اندازی به منابع ثروت دیگرانند، اهل

ص: 12

استکبارند، اهل فرعونیت در برخوردهای سیاسی خودشان هستند، با نظام جمهوری اسلامی قهراً مخالفند. (1)

هدف استکبار از مخدوش کردن چهره ی مقاومت ملت ایران

آنچه که امروز دستگاه استعماری آمریکا و اذنانب او و سایر دشمنان اسلام و انقلاب به دنبال آن هستند، این است که چهره ی مقاومت ملت ایران را در سطح جهان مخدوش کنند. مردم دنیا از مقاومت شما امیدوار شدند؛ چون دیدند شما ایستادگی کردید و در مقابل فشار زانو نزدید. اگر دشمن بخواهد امید را از مردم دنیا بگیرد، چه کار باید کند؟ باید به مردم دنیا وانمود کند که ملت ایران نتوانستند پایداری کنند و مقاومتشان تمام شد. اگر العیاذ بالله آمریکا و تبلیغات غرب و استکبار بتوانند این حرف را در دنیا به کرسی بنشانند که ملت ایران هم با این همه ادعا و هیاهو، بالاخره نتوانست طاقت بیاورد و به زانو درآمد، در این صورت به مقصود خود رسیده اند و در نتیجه همان امیدی که در دل‌های مسلمانها و ملتها و مستضعفان به وجود آمده بود، به یأس مبدل خواهد شد. (2)

حساسیت مستکبران به منطقه ی غرب آسیا به خاطر وجود مقاومت

البته این را نباید فراموش کرد که به توفیق الهی و به فضل الهی، جریان مقاومت در مقابل ظلم و زور، امروز در دنیا وجود دارد، متکی به نام خدا و به اسلام. منطقه ی ما یک نمونه ی از آن است. امروز در منطقه ی ما روحیه ی بیداری اسلامی بر بسیاری از ملتها و کشورها حاکم است. اینکه شما ملاحظه میکنید قدرتمندان مستکبر دنیا، در رأس آنها آمریکای جنایت کار - شیطان بزرگ - نسبت به این منطقه حساس هستند، به خاطر این است

ص: 13

1- . در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام 1387/6/19

2- . در دیدار با مسئولان لشکری و کشوری 1368/12/22

که در این منطقه روحیه‌ی گرایش به اسلام و اقبال به اسلام و بیداری اسلامی به طور واضح به چشم می‌خورد؛ اینها با بیداری ملت‌های مسلمان مخالفند، اینها از بیداری ملت‌های مسلمان می‌ترسند. در هر جایی که اسلام توانسته است بر دل و جان مردم مسلط بشود، استکبار سیلی خورده و ما جداً معتقدیم که استکبار، بار دیگر از بیداری اسلامی در این منطقه سیلی خواهد خورد.

عرض ما به برادران مسلمان، به ملت‌های مسلمان، به روشنفکران دنیای اسلام، به علمای محترم دینی در کشورهای اسلامی همین است؛ این حرکت اسلامی را هر چه میتوانید تقویت کنید؛ راه نجات این منطقه تقویت بیداری اسلامی است، تقویت حرکت مقاومت اسلامی است. این وظیفه متوجه عموم آحاد ملت‌های مسلمان است؛ بخصوص علمای اسلام، بخصوص روشنفکران، نویسندگان، شعرا، دانشمندان، هنرمندان، نخبگان سیاسی؛ اینها موظفند، اینها مخاطبند به خطاب دعوت پیامبر اسلام و هدایت اسلامی. امروز این زمینه در دنیای اسلام پدید آمده است؛ بخصوص در این منطقه‌ی غرب آسیا زمینه‌ی بیداری اسلامی فراهم است؛ همه باید کمک کنند، این بیداری را به ثمر برسانند.

نصیحت ما به حکام کشورهای اسلامی هم این است که به ولایت اسلام برگردند؛ تحت ولایت الله قرار بگیرند؛ ولایت آمریکا و ولایت طاغوت به کار آنها نخواهد آمد. امروز متأسفانه بعضی از کشورهای مسلمان منطقه‌ی ما به جای ولایت الله، زیر علم ولایت طاغوت سینه می‌زنند؛ به جای تبعیت از اسلام و از نور قرآن، از آمریکا تبعیت میکنند. آمریکا هم بنا بر طبع استکباری خود، آنها را تحقیر میکند؛ شنیدید - همه شنیدند - که رئیس جمهور یاوه‌گوی آمریکا، حکام سعودی را تشبیه کرد به گاو شیرده. این تحقیر است؛ این اهانت است؛ اهانت به مردم آن منطقه و مردم آن کشور است. اگر آل سعود از اهانت به خودشان بدشان نمی‌آید، خب به جهنم، بدشان نیاید، اهانت بشوند؛ اما این اهانت به مردم منطقه است،

اهانت به ملت‌های مسلمان است. چرا باید حکام اسلامی در دو حرکت جنایت آمیز که امروز متأسفانه منطقه‌ی ما را جریحه دار کرده است - یکی حرکت جنایت آمیز علیه فلسطینی‌ها و درباره‌ی مسئله‌ی مهم فلسطین، یکی هم حرکت جنایت آمیز درباره‌ی یمن - با آمریکا همراه بشوند؟ این را هم مطمئن باشند که در هر دو قضیه هم مطمئناً پیروزی با مردم فلسطین و مردم یمن است و آمریکا و تبعه‌ی (1) آمریکا در این قضیه شکست خواهند خورد.

بوضوح امروز آمریکا، در این منطقه ضعیف تر از ده سال پیش و بیست سال پیش است؛ بوضوح رژیم صهیونیستی خبیث، امروز ضعیف تر از گذشته است. چند سال قبل از این، رژیم صهیونیستی در مقابل حزب الله لبنان شکست خورد؛ 33 روز توانست مقاومت بکند و بعد شکست خورد؛ دو سال بعد از آن در مقابل فلسطینی‌ها 22 روز توانست مقاومت کند و شکست خورد؛ چند سال بعد در مقابل مردم مظلوم غزه 8 روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد؛ در همین هفته‌ی اخیر 2 روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد؛ این ضعف رژیم صهیونیستی است، ضعف روزافزون رژیم صهیونیستی است.

ملت‌هایی که فکری دارند، هویتی دارند، انگیزه‌ای دارند، متکی به خدا هستند، متوکل علی الله هستند، می‌ایستند و خدای متعال به آنها کمک خواهد کرد. «وَلَوْ فَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * سَنَنْتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ (2) این سنت الهی است؛ اگر مسلمانها بایستند، بر همه‌ی سازوبرگ قدرتهای طاغوتی و مستکبر پیروز خواهند شد. امروز مردم یمن سخت ترین شکنجه‌ها را دارند از ناحیه‌ی دولت سعودی

ص: 15

- 1- . دنباله روه‌ها، پیروی کنندگان
- 2- . سوره‌ی فتح، آیات و، ترجمه: «و اگر کسانی که کافر شدند، به جنگ با شما برخیزند، قطعاً پشت خواهند کرد و دیگر یار و یابوری نخواهند یافت. سنت الهی از پیش همین بوده و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت.»

و همراهانش و آمریکا - پشتیبانش - تحمل میکنند لکن بدانید قطعاً ملت یمن و انصارالله پیروز خواهند شد؛ آنها شکست نمیخورند؛ ملت فلسطین شکست نمیخورند. تنها راه، مقاومت است و آن چیزی که امروز آمریکا را و متحدینش را دستپاچه کرده که به حرفهای یاوه متوسل میشوند، به کارهای غلط متوسل میشوند، ایستادگی ملت‌های مسلمان است و این ایستادگی نتیجه خواهد داد.

برادران عزیز، خواهران عزیز! ملت ایران چهل سال است که مقاومت میکند. ما در روز اول مثل يك نهال باریکی بودیم، آسیب پذیر بودیم؛ به برکت نام مبارك پیامبر و به برکت هدایت امام بزرگوار، توانستیم ایستادگی کنیم؛ البته شهید دادیم، سختی کشیدیم، اما ایستادگی کردیم. امروز ملت ایران و کشور ایران يك درخت تناور است؛ امروز آمریکا و رژیم صهیونیستی غلط میکنند که ملت ایران را تهدید کنند؛ تهدیدهای آنها، حرکات آنها، خباثتهای آنها تا امروز شکست خورده است، از این پس هم شکست خواهد خورد؛ تحریم هم شکست خواهد خورد، سیاستهایشان هم شکست خواهد خورد؛ به برکت مقاومت. (1)

2 - وعده ی الهی به پیروزی اهل مقاومت

اشاره

من به شما و همه ی جوانان عرض میکنم که وعده ی خدا را باور کنید. وعده ی الهی این است که اگر اهل حق پای حق خودشان بایستند، حق پیروز خواهد شد. در همه ی مراحل این طور است. در دوران انقلاب این را تجربه کردید، در دوران جنگ تجربه کردید، در دوران اسارت تجربه کردید، در دوران بعد از پایان جنگ که ملت ایران در صدد بنای دوباره ی کشور خود برآمد این را تجربه کردید؛ در آینده هم باید این را یقین داشته باشید که عملی است.

هرجا دیدید که دشمنی زورگویی میکند، در مقابل او بایستید. این،

ص: 16

وظیفه‌ی آحاد مردم، دولتمردان، نمایندگان مردم و کسانی است که این مملکت مسئولیتی را به آنها سپرده است. در مقابل دشمن متجاوز، در مقابل زورگوی ظالم، در مقابل استکباری که امروز بر ارزشهای الهی و معنوی طغیان کرده است که مظهرش هم دولت طاغوت و طغیان گر آمریکا است کوتاه نیاید. قدرتهای مادی، هیچ غلطی نمیتوانند بکنند. با ملّتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیچ کاری نمیتواند بکنند. همه‌ی راه‌ها به روی آنها بسته است.

اگر سخت‌گیری کنند، آنها ضرر میکنند. اگر فشار وارد بیاورند، آنها ضرر میکنند. اگر حمله کنند، آنها ضرر میکنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقاومت در يك ملّت، جوهر نفیس و گران قدری است. با همین جوهر است که ملّت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم (ارواح‌نفاذ) خواهد توانست تمدّن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ باعظمت تمدّن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شما است. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند. (1)

تأکید قرآن بر پیروزی مؤمنان با اراده و متحد و فداکار

حقیقت قرآنی میگوید که اگر انسانها به نیروی درونی خودشان - یعنی به ایمان و اراده و اتحاد کلمه و فداکاری های خودشان - تکیه کنند، هیچ قدرتی در مقابل آنان یارای ایستادگی ندارد. (2)

به برادران عزیز فلسطینی مان که در آنجا با زحمات مواجه هستند، عرض میکنیم: اگر مقاومت و صبر کنید، هم ثواب الهی و هم پیروزی را به

ص: 17

1- . در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی 1376/5/29

2- . در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) 1379/3/14

دست خواهید آورد. پیروزی همیشه با صبر و با حرکت در راه خدا همراه است؛ «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (1)؛ تردیدی در این نیست. بنابراین، پیروزی وجود خواهد داشت؛ منتها باید صبر کنند و تحمل داشته باشند. (2)

راه مقاومت و ایستادگی، تنها راه پیروزی است؛ راه دیگری وجود ندارد؛ ولو مقاومت کننده يك گروه كوچك باشد؛ ولو آن قدرتی که در مقابل آن مقاومت میشود، ارتش درجه ی يك دنیا باشد و از طرف آمریکا هم حمایت بشود. هرچه باشد، این يك راز و سنت الهی است. (3)

در قرآن کریم آیاتی که این نکته ی قطعیت پیروزی را به ما یادآوری میکنند و تعلیم میدهد و خبر میدهد، آیات زیادی است؛ از جمله آیه ی «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (4)، آیه ی «لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (5)، آیه ی «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (6) که در چند جا تکرار شده، اینها همه نشان دهنده ی این است. یکی از امیدبخش ترین آیاتی که من امروز میخواهم يك مقداری آیات آن را عرض بکنم، آیه ی معیت الهی است؛ «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (7)؛ خدا با ما است. مسئله ی خیلی مهمی است اینکه انسان احساس کند که خدا با او است، خدا در کنار او است، خدا پشت سر او است، خدا مراقب او است؛ این خیلی چیز مهمی است! چون خدا مرکز قدرت و مرکز عزت است. وقتی خدا با يك جبهه ای باشد، این جبهه قطعاً و بلاشك پیروز است. حالا مثلاً ملاحظه کنید در سخت ترین جاها خدای متعال این معیت را به رخ اولیای

ص: 18

- 1- . سوره ی حج، بخشی از آیه ی 40، ترجمه: «و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند یاری میدهد.»
- 2- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1379/9/25
- 3- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1385/7/21
- 4- . سوره ی محمد (ص)، بخشی از آیه ی، ترجمه: «... اگر خدا را یاری کنید، یاری تان میکند...»
- 5- . سوره ی حج، بخشی از آیه ی، ترجمه: «... قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد...»
- 6- . از جمله سوره ی اعراف، بخشی از آیه ی، ترجمه: «... و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.»
- 7- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی، ترجمه: «... که خدا با ما است...»

خودش کشانده؛ فرض بفرمایید آنجایی که حضرت موسی میگوید: «وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ»، در اول قضیه خداوند میفرماید: «قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ» (1)؛ من با شما هستم، از چه کسی میترسید؟ این در سوره ی شعرا بود. یا در آیه ی دیگر که موسی و هارون میگویند: «إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى»، فرعون این کار را بکند، خداوند میفرماید: «قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى» (2)؛ ببینید چقدر این خوب است! من با شما هستم، میبینم، می شنوم، حواسم جمع است، مواظبتان هستم. یا در سوره ی مبارکه ی محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) میفرماید: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَبْتَرِكُمْ أَعْمَالَكُمْ» (3)؛ یعنی این معیت خدای عزوجل با مؤمنین، با پیامبران، با همراهان و اصحاب پیامبران، یک چیزی است که خدای متعال مکرر در قرآن آن را به رخ کشیده. آن وقت نتیجه این شده که پیغمبران به این وعده ی صادق الهی اعتماد کردند در این آیه ی شریفه که «فَلَمَّا تَرَاءَا الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ. قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (4)؛ به مجردی که دیدند که سیاهی لشکر فرعون از دور پیدا شد و الان است که برسد - جلویشان دریا، پشت سرشان لشکر فرعون - دلها لرزید، [گفتند: «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»]؛ پدرمان درآمد. اینجا حضرت موسی به اعتماد همان وعده ی الهی میگوید: «كَلَّا»؛ چنین نیست؛ «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ». یا پیغمبر اکرم در غار ثور؛ «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِنَّ ثَمِينًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ

ص: 19

-
- 1- . سوره ی شعرا، آیات 14 و 15، ترجمه: «و [از طرفی] آنان بر [گردن] من خونی دارند و میترسم مرا بکشند. فرمود: «نه، چنین نیست؛ نشانه های ما را [برای آنان] ببرید که ما با شما شنونده ایم.»»
 - 2- . سوره ی طه، آیه ی و بخشی از آیه ی، ترجمه: «... ما میترسیم که [او] آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند. فرمود: مترسید، من همراه شمایم، می شنوم و میبینم.»
 - 3- . سوره ی محمد (ص)، آیه ی، ترجمه: «پس سستی نوزید و [کافران را] به آشتی مخوانید [که] شما برترید و خدا با شما است و از [ارزش] کارهایتان هرگز نخواهد کاست.»
 - 4- . سوره ی شعرا، آیات و، ترجمه: «چون دو گروه، همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما قطعاً گرفتار خواهیم شد.» گفت: «چنین نیست، زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد.»»

يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»(1)؛ به اعتماد همين وعده ی الهی، پیغمبر اکرم میگوید «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»؛ ناراحت نباش، محزون نباش. پس هم خدای متعال این وعده را به طور قطعی داده است، هم اولیای الهی [مانند] حضرت موسی و پیغمبر اکرم این وعده را باور کرده اند و قبول کرده اند و به آن ترتیب اثر داده اند. و این يك حقیقت و یکی از سنّت های قطعی تاریخ است؛ این یکی از آن سنّت هایی است که «لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ (2) بلاشک این همیشه هست. (3)

شروط رسیدن نصرت الهی

خب، حالا- ما میخواهیم این معیت را برای خودمان تأمین کنیم؛ راهش چیست؟ مهم این است. این معیت وجود دارد، اما شرط دارد؛ برای همه نیست. در قرآن چند شرط گذاشته است برای این معیت. در آخر سوره ی نحل [میفرماید]: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ»(4)؛ تقوا. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»(5) و «وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»(6) و «أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»(7) و «أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ»(8) و «وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»(9) در چند جای قرآن تکرار شده. (10)

ص: 20

1- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی، ترجمه: «اگر او [پیامبر] را یاری نکنید، قطعاً خدا او را یاری کرد: هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، او را [از مگه] بیرون کردند و او نفر دّوم از دو تن بود، آنگاه که در غار [ثور] بودند، وقتی به همراه خود میگفت «اندوه مدار که خدا با ما است...»

2- . از جمله سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی، ترجمه: «... در سنّت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت.»

3- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1396/12/24

4- . سوره ی نحل، آیه ی، ترجمه: «در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته اند و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند.»

5- . از جمله سوره ی بقره، بخشی از آیه ی، ترجمه: «... خدا با شکیبایان است.»

6- . از جمله سوره ی بقره، بخشی از آیه ی، ترجمه: «... و خداوند با شکیبایان است.»

7- . از جمله سوره ی توبه، بخشی از آیه ی، ترجمه: «... خدا با پرهیزکاران است.»

8- . سوره ی انفال، بخشی از آیه ی، ترجمه: «... خدا است که با مؤمنان است.»

9- . سوره ی عنکبوت، بخشی از آیه ی 69، ترجمه: «... در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.»

10- در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1396/12/24

در سوره ی «هود» خدای متعال به پیغمبر میفرماید: «فَاسْتَبْتِمْ كَمَا أُمِرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا» (1). يك روایتی از پیغمبر هست که فرمود: «شبیبتنی سوره هود» (2)؛ یعنی سوره ی «هود» من را پیر کرد؛ از بس بار این سوره سنگین بود. کجای سوره ی هود؟ نقل شده است که مراد، همین آیه ی «فَاسْتَبْتِمْ كَمَا أُمِرْتُ» است. چرا پیغمبر را پیر کند؟ چون در این آیه میفرماید: همچنانی که به تو دستور دادیم، در این راه ایستادگی کن، استقامت کن و صبر نشان بده. خود این ایستادگی کار دشواری است. این «صراط» است؛ پل صراطی که مظهر آن را در روز قیامت برای ما تصویر کرده اند. باطن عمل و راه ما در اینجا، همان پل صراط است؛ ما الان داریم روی پل صراط حرکت میکنیم؛ باید دقت کنیم. اگر انسان بخواهد این دقت را در همه ی رفتار خود به کار بگیرد، او را پیر میکند. لیکن از این مهم تر به گمان من، آن جمله ی بعد است: «وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ». پیغمبر فقط مأمور نیست که خودش ایستادگی کند؛ باید خیل عظیم مؤمنان را هم در همین راه به ایستادگی وادار کند. انسانهایی که از يك طرف در معرض هجوم بلایا و مشکلات زندگی هستند - دشمنان، توطئه گران، بدخواهان و قدرتهای مسلط - و از طرف دیگر، مورد تهاجم هواهای نفسانی خودشان هستند - خواهشهای نفسانی و دل بی طاقت انسان که از زروزیور دنیا مجذوب میشود و به سمت آنها کشیده میشود - از این صراط مستقیم، به چپ یا راست انحراف پیدا میکنند. محبت طلا و نقره، محبت پول، محبت شهوات جنسی، محبت مقام و اینها، چیزهایی است که هرکدام، يك کمندی بر گردن دل انسان می اندازند و آن را به سمت خودش میکشانند. مقاومت و ایستادگی در مقابل اینها که انسان پایش نلغزد: «وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ»؛ مؤمنین را در بین این دو

ص: 21

1- . سوره ی هود، بخشی از آیه ی 112، ترجمه: «پس همان گونه که دستور یافته ای ایستادگی کن و هرکه با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید.»

2- . عوالی اللئالی، ج 1، ص 188

جاذبه ی قوی - جاذبه ی فشار دشمن و جاذبه ی فشار درونی دل هوس ران - و این دو مغناطیس، در خطّ مستقیم نگه داشتن و هدایت کردن، به گمان زیاد، این، آن کاری است که پیغمبر را پیر کرد.

میدانید نبیّ اعظم اسلام مسلمانها را - چه در دوران مکه (سیزده سال) و چه در دوران تشکیل حکومت در مدینه - از چه گذرگاه های لغزنده و دشواری عبور داد و به آن قلّه ها رساند؟ يك چنین حرکت عظیمی، کار هیچ انسانی نبود. آن مردمی که هیچ چیز نمیفهمیدند و از اخلاق انسانی هیچ بویی نبرده بودند؛ پیغمبر اینها را به انسانهایی تبدیل کرد که فرشتگان الهی در مقابل عظمت و نورانیت آنها احساس حقارت میکردند. استقامت، این است. (1)

قدرت خدا؛ پشتیبان مردم مجاهد و مقاوم

امام (رضوان الله علیه) - آن مرد خدا، آن حکیم الهی به معنای واقعی کلمه - وقتی خرّمشهر آزاد شد، وقتی این همه مجاهدت به بار نشست، این همه جوانها عرق ریختند، این همه شهید دادیم، این همه زحمت کشیدیم، فرمود که خرّمشهر را خدا آزاد کرد؛ خرّمشهر را خدا آزاد کرد! این مهم است؛ معنای این چیست؟ معنای این آن است که اگر شما مجاهدت کردید، قدرت خدا می آید پشت شما. لشکر بی عقبه، کاری نمیتواند بکند؛ لشکری که عقبه دارد، [نیروی] احتیاط دارد، نیروی ذخیره ی فراوان دارد، همه کار میتواند بکند. حالا اگر لشکری عقبه اش، ذخیره اش عبارت بود از قدرت الهی، این لشکر دیگر شکست بخور است؟ امام این را به ما فهماند؛ فهماند که وقتی مجاهدت میکنید، وقتی تنبلی نمیکنید، وقتی وارد میدان میشوید، وقتی نیروهای خودتان را به صحنه وارد میکنید، اینجا قدرت خدا است که پشت سر شما است، [لذا] خرّمشهر را خدا آزاد

ص: 22

میکند. با این منطق، همه ی دنیای مسخر استکبار را هم خدا میتواند آزاد کند. با این منطق، فلسطین هم میتواند آزاد بشود. با این منطق، هر ملّتی میتواند مستضعف نماند؛ به شرطی که این منطق تحقّق پیدا کند. وقتی ما این منطق را داشتیم، شکست ناپذیر می‌شویم؛ وقتی با این منطق وارد میدان شدیم، ترس و مرعوب شدن [نخواهد بود]؛ قدرت نظامی یا تبلیغاتی یا پولی و مالی و اقتصادی قدرتها در مقابل ما، دیگر ترسناک و هولناک نخواهند بود؛ متکی هستیم به قدرت خدا. البتّه قدرت خدا پشت سر آدمهای تنبل نمی آید؛ پشت سر ملّتهایی که حاضر نیستند فداکاری کنند نمی آید. قدرت خدا پشت سر آن کسانی می آید که وارد میدان میشوند، حرکت میکنند، تلاش میکنند، خودشان را برای همه کار آماده میکنند؛ اینها متکی اند به قدرت الهی. «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (1)؛ این آیه ی قرآن است؛ خدا، مولای شما است؛ شما مولایی دارید که همه ی عالم وجود تحت قدرت او است؛ این مولای شما است و کافرین ندارند.

در جنگ بدر وقتی که کفار بنا کردند شعار دادن و بتهای خودشان را اسم آوردن، پیغمبر فرمود به مسلمانها بگویند: «اللّهُ مَوْلَانَا وَلَا مَوْلَى لَكُمْ»؛ (2) خدا مولای ما است، پشتیبان ما است، قدرت ما متکی به قدرت او است و شما ندارید این را؛ همین جور هم شد. (3)

سنت الهی در رسیدن به اهداف با مجاهدت

يك عدّه، ساده لوحانه بعضی از کشورهای ثروتمند دنیا را مورد نظر قرار میدهند و میگویند اینها ثروت دارند، امّا دین و اخلاق ندارند؛ ما هم به

ص: 23

1- . سوره ی محمّد (ص)، آیه ی 11، ترجمه: «چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، ولی کافران را سرپرست و [یاوری] نیست.»

2- . خصال، ج 2، ص 397 و 398

3- . در مراسم دانش آموزان دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3

همان راه برویم. خیال میکنند ثروتمند شدن آنها، ناشی از دین نداشتن و اخلاق نداشتن آنها است! این اشتباه است. هر کشوری اگر ثروتمند و قدرتمند شده است، به خاطر عوامل خاص ایجاد قدرت و ثروت است. هر جا تدبیر و کار و تلاش باشد، محصولی خواهد داد؛ این سنت الهی است. حتی کسانی هم که دنبال مادیات صرف بدون معنویت میروند، اگر مدیریت و تدبیر درستی داشته باشند و تلاش و مجاهدت هم بکنند، البته به آن خواهند رسید: «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» (1). این صریح قرآن است؛ بحث در این نیست. بحث در این است که وقتی فقط برای مادیات کار و تلاش شد، ثروت و قدرت به دست می آید؛ اما سعادت به دست نمی آید. ما میخواهیم جامعه ای داشته باشیم که ثروت و قدرت و سعادت همه جانبه و عدالت را باهم داشته باشد. این نقطه ای است که ملتها آرزوی آن را میکشند؛ و آلا در کشورهای ثروتمند و قدرتمند، بی عدالتی و ظلم و فقر و محرومیت و تلخی خیلی وجود دارد؛ ما که دنبال آن نیستیم.

جامعه ای میتواند تصویر آرمانی يك ملت زنده، بیدار و باهوش قرار گیرد که در آن، معنویت و عدالت و عزت و قدرت و ثروت و رفاه باشد. اگر بخواهیم این مجموعه باهم باشد، بدون معنویت و آرمان معنوی و اخلاق و در نظر گرفتن خدا و بدون مجاهدت فی سبیل الله ممکن نیست. (2)

نمونه هایی از عنایت خداوند در صورت مقاومت

آنهایی که به شما میگفتند تا ابد باید در این زندان بمانید، یا میگفتند شما را اعدام خواهیم کرد، خودشان به زیاله دان تاریخ افتادند، خودشان اعدام شدند، خودشان نابود شدند؛ شما امروز بحمدالله در جمهوری اسلامی، سرافراز و باعزت دارید زندگی میکنید. این درس است. يك بار

ص: 24

1- . سوره ی اسراء، بخشی از آیه ی 20، ترجمه: «هر دو [دسته] اینان و آنان را مدد میبخشیم.»

2- . در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار 1381/7/17

دیگر هم ما در گذشته این درس را داشتیم. بعضی هایمان باور نمی‌کردیم. در دوران اختناق، در دوران طاغوت، فشارها زیاد بود؛ کسانی میگفتند آقا، «مشت است و درفش»، بیخود ایستادگی میکنید، بیخود مقاومت میکنید؛ يك عده ای هم میگفتند نه، «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» (1). خدای متعال حادثه ای را پیش آورد که در دنیا هیچ کس باور نمی‌کرد؛ نه اینکه در ایران کسی باور نمی‌کرد، در دنیا هم کسی باور نمی‌کرد. کسی باور نمی‌کرد که آنچه آمریکایی ها آن را جزیره ی ثبات میدانند، این جور دستخوش طوفانی بشود که در نهایت به انزوای آمریکا، به انزوای استکبار، به انزوای انگلیس و عمّال و مزدورانشان منتهی شود. امروز هم همین است.

امروز هم شما دنیا را نگاه کنید؛ نشانه هایی هم پیدا است. مکرر عرض کردیم؛ دنیا در حال عبور از يك گذرگاه و رسیدن به يك وضع جدید و ماجرای جدیدی است. رفتار ما، تیت ما، عمل ما در شکل گیری این وضعیّت جدید، تعیین کننده است. برای اینکه دل‌هایمان قرص شود، برای اینکه راه را گم نکنیم، زندگی شما آزادگان میتواند برای ما يك ستاره ی راهنما باشد. (2)

تاکتیک ربوبی برای محکم شدن ایمان مقاومان

بیداری اسلامی که سخنگویان جبهه ی استکبار و ارتجاع حتّی از به زبان آوردن نام آن نیز پرهیز میکنند و میترسند، حقیقتی است که اکنون تقریباً در سراسر دنیای اسلام میتوان نشانه های آن را دید. بارزترین نشانه ی آن، اشتیاق افکار عمومی و بویژه در قشرهای جوان، به احیاء مجد

ص: 25

1- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 23، ترجمه: «به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند.»

2- . در دیدار جمعی از آزادگان 1391/5/25

و عظمت اسلام و آگاه شدن آنان از ماهیت نظام سلطه‌ی بین‌المللی و آشکار شدن چهره‌ی وقیح و ستمگر و مستکبر دولتها و کانونهایی است که بیش از دو‌یست سال شرف اسلامی و غیر اسلامی را در زیر پنجه‌های خونین خود فشرده و با نقاب تمدن و فرهنگ، هستی ملت‌ها را دستخوش قدرت طلبی بی‌رحمانه و تجاوزگرانه‌ی خود کرده‌اند.

ابعاد این بیداری مبارک بسی گسترده و دارای امتدادی رمزگونه است؛ ولی آنچه از دستاوردهای نقد آن در چند کشور شمال آفریقا دیده شد، میتواند دل‌ها را به نتایج بزرگ و شگرف آینده به اطمینان برساند. همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه‌ی امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگ تر را نوید میدهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است.

در آن هنگامه‌ی دشوار که فرمان به آب افکندن صندوق حامل نوزاد داده شد، خطاب الهی وعده فرمود که: «إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (1). تحقق وعده‌ی اول که وعده‌ی کوچک تر و مایه‌ی دلخوشی مادر بود، نشانه‌ی تحقق وعده‌ی رسالت شد، که بسی بزرگ تر و البته مستلزم رنج و مجاهدت و صبر بلندمدت بود: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِنَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (2). این وعده‌ی حق، همان رسالت بزرگ است که پس از چند سال تحقق یافت و مسیر تاریخ را تغییر داد.

نمونه‌ی دیگر، یادآوری قدرت فائقه‌ی الهی در سرکوب مهاجمان به بیت شریف است، که خداوند به وسیله‌ی پیامبر اعظم، برای تشویق مخاطبان، به امثال امر «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» (3) به کار می‌برد و می‌فرماید: «أَلَمْ

ص: 26

-
- 1- . سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی 7، ترجمه: «ما او را به تو باز می‌گردانیم و از [زمره‌ی] پیمبرانش قرار می‌دهیم.»
 - 2- . سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی 13، ترجمه: «پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش [بدو] روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده‌ی خدا درست است.»
 - 3- . سوره‌ی قریش، آیه‌ی 3، ترجمه: «پس باید خداوند این خانه را بپرستند.»

يَجْعَلُ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ»(1).

یا برای تقویت روحی پیامبر محبوبش و باور وعده ی «لَا وَدَعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلِي»(2)، از یادآوری نعمت معجزگون «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ. وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ»(3) بهره میگیرد. و چنین نمونه هایی در قرآن بسیار است.

آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیسم را در یکی از حساس ترین کشورهای این منطقه ی بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگر پی در پی فرا خواهد رسید؛ و فرارسید.

واقعیت های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف میکنند، همه در سایه ی اعتماد به وعده ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه ی ضعفایی که در مقاطع اضطراب انگیز، ندای «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»(4) سر میدادند، نهیب زده اند که: «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»(5).

امروز این تجربه ای گران بها در دسترس ملت هایی است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته اند حکومت های فاسد و گوش به فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند.

ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده ی «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»(6) خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قلّه ی تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند.(7)

ص: 27

1- . سوره ی فیل، آیه ی 2، ترجمه: «آیا نیرنگشان را بر باد نداد.»

2- . سوره ی ضحی، آیه ی 3، ترجمه: «[که] پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است.»

3- . سوره ی ضحی، آیات 6 و 7، ترجمه: «مگر نه تو را یتیم یافت پس پناه داد. و تو را سرگشته یافت پس هدایت کرد.»

4- . سوره ی شعراء، بخشی از آیه ی 61، ترجمه: «ما قطعاً گرفتار خواهیم شد.»

5- . سوره ی شعراء، بخشی از آیه ی 62، ترجمه: «چنین نیست زیرا پروردگرم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد.»

6- . سوره ی حج، بخشی از آیه ی 40، ترجمه: «و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند یاری میدهد چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است.»

7- . در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی تهران، سالن اجلاس سران 1392/2/9

3 - وجود ظرفیت لازم برای مقاومت

آیا ملت ایران این قدرت را دارد یا نه؟ آیا ملت ایران میتواند بی اعتنا به فشارهای مراکز سلطه ی جهانی، با تکیه بر هویت و بر توانایی های خود ایستادگی کند و راه کمال و تعالی مادی و معنوی خود را بیمایند؟ این سؤال مهمی است. جواب این سؤال از نظر ما بسیار مسلّم و قطعی است و در آن تردید نداریم؛ جواب این است که بله، میتواند. علی رغم تبلیغاتی که دشمن به وسیله ی ده ها رسانه ی مکتوب و مسموع و تصویری در سرتاسر دنیا میکند و میخواهد اصرار بورزد بر اینکه ملت ایران و هیچ ملّتی نمیتوانند در مقابل ما بایستند، ملت ایران میتواند؛ به چه دلیل؟ به دو دلیل: اول اینکه توانایی های ذاتی و استعدادهای درونی این ملت بسیار زیاد است که من به بعضی از آنها مختصراً اشاره خواهم کرد؛ دلیل دوم این است که دشمن با همه ی تظاهر به قدرت نمایی، ضعیف است؛ دلیل این را هم خواهم گفت و به نمونه های ضعف دشمن اشاره خواهم کرد.

اولاً- ملت ایران نیرومند و توانا است؛ چرا؟ چون ملّتی است دارای هوش، دارای استعداد، دارای نسل بزرگی از جوانان در این دوران معاصر؛ که این خود، یک سرمایه ی بسیار عظیم است. علاوه بر اینها، دارای استعدادهای طبیعی در سرتاسر کشور است. امروز ملت ایران در کشوری زندگی میکند که از لحاظ منابع طبیعی یکی از بزرگ ترین کشورهای دنیا است. منابع گاز ما در دنیا دومین منابع گاز است. منابع نفت ما در این منطقه یکی از بزرگ ترین منابع نفتی است و بازهم منابع جدیدی کشف میشود، همچنان که در همین اواخر یک منبع بسیار غنی جدیدی کشف شد. منابع فلزات ما فراوان است. زمینهای وسیع کشاورزی در کشور ما زیاد است. شما به همین استان مرکزی خودتان نگاه کنید؛ نظیر این دشتها و این خاک حاصلخیز در بسیاری از نقاط این کشور وجود دارد. اگرچه از لحاظ آب کمبود داریم، اما با روشهای علمی، با پیگیری و با صرفه جویی، همین

نزولات آسمانی که امروز در کشور ما وجود دارد، به فضل الهی کافی است چهار برابر جمعیت کنونی امروز ایران را از لحاظ مواد غذایی بی نیاز از دیگران کند.

کشوری با این استعدادهای طبیعی، با این استعدادهای انسانی، با این نسل جوان پُرشور و باهوش و با استعداد، علاوه بر اینها دارای يك انگیزه ی بسیار قوی معنوی هم هست. این آخری بسیار مهم است. اگر ملت ی همه چیز داشته باشد، اما انگیزه ی درونی و معنوی نداشته باشد، نمیتواند از موجودی های خود درست استفاده کند. برای همین است که در بعضی از کشورها برای اینکه انگیزه ای به مردم بدهند - انگیزه ی ایمانی که نیست، انگیزه ی فکری و يك اندیشه ی حرکت ساز که نیست - مجبورند حس ناسیونالیزم را، حس قوم گرایی را، حس وطن پرستی را در آنها تقویت کنند تا شاید بتوانند خلأ آن انگیزه ی معنوی را پُر کنند. البته ملت ما به میهن خود و به گذشته ی تاریخ خود عشق می ورزد؛ زبان خود را بشدت دوست دارد؛ اما علاوه ی بر اینها يك انگیزه ی معنوی حقیقی نه جعلی و قراردادی دارد و آن ایمان است.

ملت ما ملت مؤمنی است. عده ای دوست میدارند جوانان این کشور را به لابلایگری متهم کنند. من موافق نیستم؛ من این را قبول نمیکنم. ممکن است در يك گوشه ای يك جوان، دو جوان، صد جوان حرکاتی هم داشته باشند که نشان دهنده ی احیاناً نوعی خطاکاری باشد؛ اما خطاکاری از جوانان ما را نباید در این حدود و آن چنان بزرگ شمرد که نسل جوان با ایمان با احساس مسئولیت این کشور را کسی به بی دینی متهم کند. عده ای جوانان ما را به ضعف ایمان دینی متهم میکنند و از این بابت متأسفند. عده ای هم آنها را به ضعف ایمان دینی متهم میکنند و از این بابت خوشحالند! هر دو گروه اشتباه میکنند. شما اگر نگاه کنید در آنجایی که جای نشان دادن ایمان مذهبی و جای ابراز عشق به معنویت

است؛ می بینید بیشترین جمعیت و پُرشمارترین و پُراحساس ترین انسانها را نسل جوان پرشور تشکیل میدهند.

من معتقدم در قضاوت درباره ی جوانان نه باید افراط کرد، نه باید تفریط نمود. بعضی هستند جوان را متهم میکنند به لابلایگری؛ من موافق نیستم. بعضی سعی میکنند این طور بگویند که جوان ما هیچ خطایی ندارد؛ با این هم موافق نیستم. با جوان بایستی صمیمی و صادقانه سخن گفت. جوانان ما جوانانی هستند باایمان، علاقه مند، دارای دلهای پاک؛ البته خطاها و اشتباهاتی هم ممکن است داشته باشند.

... يك حکومت متكى به مردم، يك مردم سرشار از انگیزه ی معنوی، يك جمعیت جوان بسیار وسیع، يك سرزمین سرشار از منابع طبیعی؛ چه معدنی، چه کشاورزی، چه زمینه های صنعتی؛ يك موقعیت جغرافیایی بسیار خوب - هنوز هم کشور ما چهارراه میان شرق و غرب است و هم قدرتهای آسیایی، هم قدرتهای غربی و اروپایی و غیره، برای دسترسی به نقاط مختلف احتیاج دارند که از اینجا عبور کنند - به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی این فرصت و امکان را میدهد که به آینده ی خود، به پیشرفت خود و به امکان مقاومت خود در مقابل فشارهای سلطه، کاملاً اطمینان داشته باشد. پس ما قدرت مندیم و میتوانیم؛ این دلیل اول(1). (2)

4 - رو به افول بودن دشمن

اشاره

دلیل دوم(3)، ضعف دشمن است. دشمن، یعنی همان مرکز استکبار و سلطه ی جهانی، که امروز يك مظهر بزرگ و اساسی آن آمریکا است. البته وقتی میگوییم آمریکا، با مردم آمریکا کاری نداریم. مردم آمریکا مثل بقیه ی

ص: 30

1- . دلیل دوم این بیانات در فصل چهارم این بخش آمده است.

2- . در اجتماع بزرگ مردم اراك 1379/8/24

3- . از دلایل امکان مقاومت در برابر دشمن؛ دلیل اول در فصل سوم این بخش آمده است.

مردم دنیا همان خصوصیات و همان نقاط مثبت و منفی را دارا هستند. ما با آنها سر دشمنی نداریم. مخاطب ما رژیم حاکم بر آمریکا است که نیت سلطه‌ی جهانی، تعیین‌کننده‌ی سیاست‌های او است. هدف ما از اصطلاح «سلطه‌ی آمریکایی»، رژیم آمریکا است.

این رژیمی که امروز مرکز سلطه‌ی جهانی است و در همه‌ی نقاط عالم سعی میکند حضور قدرتمندانه و مداخله‌جویانه‌ی خود را نشان دهد، علی‌رغم این تظاهرات، در درون و باطن خود دچار ضعف‌های اساسی است. انسان این ضعف‌های اساسی را، هم در زمینه‌های اخلاقی و هم در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی میبیند. امروز شما یکی از علامتهای این ضعف ساختاری آن رژیم را در همین دعوایی که بر سر انتخابات ریاست جمهوری در کشور آمریکا در جریان است، مشاهده میکنید. اینها میخواهند الگوی دنیا باشند! اینها میخواهند دموکراسی را به خیال خودشان به مردم دنیا یاد بدهند؛ دموکراسی مبتنی بر تبلیغات دروغین و تزویر تبلیغاتی! این اخیراً معلوم شد؛ البته برای بسیاری از پیش معلوم بود.

آنچه که امروز به طور مسلم میشود فهمید، این است که این دموکراسی‌ای که سردمداران رژیم آمریکا از آن دم میزنند، افسانه‌ای بیش نیست؛ این یک چیز حقیقی نیست؛ نشانه‌اش این است که این دموکراسی در سر راه خود با این‌گونه موانع مواجه میشود؛ یعنی با تقلب‌های بزرگ و تعیین‌کننده‌ای که راه حل و علاجی هم برای آن وجود ندارد. البته سر و ته قضیه را به‌گونه‌ای به هم خواهند آورد و نخواهند گذاشت حقایق قضایا معلوم شود؛ اما حقیقت قضیه، یک فساد درونی و همه‌گیر در سطوح مختلف است. ملت آمریکا در انتخابات شرکت ضعیف میکند؛ بعد هم که شرکت میکند، نتیجه‌ی انتخابات این‌گونه میشود! اینها ضعف ساختاری است.

الآن چند سال است که رژیم آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران همه‌ی تلاش خود را برای محاصره‌ی اقتصادی و برای تحریم تجاری شرکتهای ممالک دیگر به کار میبرد؛ اما کسی به حرف او گوش نمیکند!

اوایل مدتی توفیقی پیدا کردند برای اینکه بتوانند اروپا یا بعضی کشورهای آسیایی را با خودشان همراه کنند؛ اما اکنون چند سال است که دیگر این حنای آمریکایی رنگی ندارد!

یک نمونه ی دیگر، قضایای فلسطین اشغالی است. رژیم آمریکا در پنجاه سال گذشته بخصوص در دهه های اخیر چقدر برای باقی ماندن و بی خطر زندگی کردن رژیم غاصب صهیونیستی در سرزمین فلسطین خرج کرد؛ هم خرج پولی، هم خرج سیاسی، هم خرج آبرویی! امروز شما ببینید که این هزینه ی گزاف با یک مانع بسیار عمده مواجه شده است؛ آن مانع چیست؟ آن مانع، ملت فلسطین است؛ همان ملتی که اینها میخواستند انکارش کنند؛ میخواستند بگویند چیزی به نام ملت فلسطین دیگر وجود ندارد. پنجاه سال است که صهیونیست ها با همه ی توان سعی کرده اند ملت فلسطین دیگر وجود نداشته باشد. یک عده آواره در کشورهای عربی، یک عده عرب هم به عنوان شهروند درجه ی دو در سرزمین به اصطلاح اسرائیل، سرزمین جعلی و دروغین زندگی کنند. همه ی کارهای لازم را کرده اند؛ کار تبلیغاتی کرده اند؛ کار سیاسی کرده اند؛ فشار بسیار شدید و غیر انسانی بشری را بر اینها وارد کرده اند؛ اما می بینید که بعد از گذشت این مدت طولانی، حقیقت، خود را نشان میدهد؛ یعنی ملت فلسطین قیام میکند.

گذشت آن روزی که صهیونیست ها در مقابل وحشیگری های خودشان نسبت به ملت فلسطین عکس العملی دریافت نکردند. امروز اگر ضربه ای میزنند، ضربه ای هم از طرف ملت فلسطین به آنها زده خواهد شد. امروز اگر دولت غاصب احساس میکند که در مقابل مردم فلسطین باید صف آرایی کند، مردم فلسطین هم احساس میکنند که در مقابل او باید صف آرایی کنند. من میدانم چه موقع این اتفاق خواهد افتاد، اما شك ندارم که ملت

فلسطین همیشه به سنگ و مشت اکتفا نخواهد کرد؛ ملت فلسطین ناگزیر خواهد شد از وجود خود، از شرف خود، از هستی خود، از باقی ماندن در خانه ی خود ولو با سلاحهای آتشین دفاع کند. (1)

قابل توجه مدافعان سازش: آمریکا رو به افول

آمریکا رو به افول است؛ همه این را بدانند. آن کسانی که گرایش به این دارند که برویم با آمریکایی ها سازش کنیم، بیخودی نقشه ی بی اساس و بی پایه میکشند؛ آمریکا رو به افول است. عوامل افول آمریکا هم مربوط به امروز و دیروز نیست که حالا یکی بخواهد بیاید علاجش کند؛ مربوط به طول تاریخ [است]. عامل این وضعیتی که آمریکایی ها دچارش شدند، عامل بلندمدت است؛ اینها در طول تاریخ وضعیتی را به وجود آوردند که نتیجه اش همین است و به این آسانی ها علاج شدنی نیست. این سنت الهی است، اینها محکومند به اینکه ساقط بشوند، محکومند به اینکه افول کنند، زایل بشوند از صحنه ی قدرت جهانی. (2)

به نظر من در امکانات و اقتدار دشمن مبالغه میشود. نه اینکه بنده خبر ندارم؛ نه، من از اغلب شما از امکاناتی که دارند و وسایلی که میسازند، بیشتر اطلاع دارم، چون اینجا مرکز سیل اطلاعات گوناگون از جاهای دیگر است و ما میدانیم در دنیا چه خبر است. سلاح و تجهیزات و ابزارهای جاسوسی و ابزارهای اطلاعاتی و... برای ایجاد سیطره ی یک قدرت بر ملتی که بخواهد بایستد، کافی نیست. لذا می بینید که امروز در حرفهایشان میگویند که بایستی از درون با ایران برخورد کرد؛ باید اراده ها، اراده ی بر ایستادگی را سُست کرد. اگر اراده ی یک ملت - که در اراده ی مسئولینش تجسّم و تجسّد پیدا میکند - سُست نشود، هیچ کاری نمیتواند بکنند.

ص: 33

1- . در اجتماع بزرگ مردم اراك 1379/8/24

2- . در دیدار دانش آموزان و دانشجویان 1397/8/12

... نباید در نیروی دشمن مبالغه کرد و نباید هم دشمنی و کید او را نادیده گرفت؛ باید مراقب بود. (1)

رفتار دیوانه وار زمامداران آمریکا

امروز شما نگاه کنید به رفتار زمامداران آمریکا - رئیس جمهور و تیم دوروبرش - ببینید چه جور حرف میزنند. حرف زدن آنها مثل حرف زدن آدمهای روانی است؛ گاهی تهدید میکنند، گاهی دستور ترور میدهند، گاهی تهمت میزنند، گاهی از روی استیصال درخواست کمک میکنند، گاهی ثبات و امنیت یک ملت را آماج خودشان قرار میدهند؛ مثل دیوانه ها به این طرف و آن طرف میزنند. رفتار آنها، رفتار سیاستمداران منطقی و عاقل و باتدبیر نیست. البته بخش مهمی از این، انعکاس ناکامی های آمریکا در مناطق مختلف است: ناکامی در افغانستان، ناکامی در عراق... و البته پشت سرش ناکامی کامل در تأمین مقاصدی که اعلام کرده بودند یا مقاصدی که در دل داشتند و اعلام نکرده بودند. این ناکامی ها در رفتار سیاستمداران آمریکا منعکس است؛ در اختلافاتشان، در بگومگوهایشان، در تصمیم گیری هایشان. این وضع زورگویان عالم است. (2)

تبلیغ ناچار بودن تسلیم شدن در برابر غرب

این واقعیهایی که امروز مشاهده میکنیم، واژگونه تحلیل نشود، غلط تحلیل نشود، غلط فهمیده نشود؛ همچنان که هست فهمیده بشود. نه فقط در کشور ما [بلکه] در منطقه ی آسیا، هنوز کسانی، کشورهای، دولتهایی، شخصیهایی، رجال سیاسی ای، جریانهایی وجود دارند که درك نمیکنند این واقعیتی را که بیان شد؛ اینها معتقدند که ما در مقابل غرب يك راه بیشتر

ص: 34

1- . در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی 1382/3/7

2- . در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) 1387/3/14

نداریم، باید تسلیم غرب شد؛ حالا این تسلیم یا با طوع(1) و رغبت است - یعنی پذیرش ارزشهای غربی و تسلیم شدن در مقابل نظامی که آنها ابراز میکنند و توقعاتی که برای اداره ی جهان دارند - یا اگر چنانچه يك كشوري به طوع و رغبت تسلیم نشد، طرف آنها نرفت، با آنها همکاری نکرد، نسبت به خواسته های اساسی آنها طوع و اطاعت نشان نداد، طبعاً مواجه خواهد شد با فشار؛ حالا فشار اقتصادی، فشار تحریم، فشار سیاسی، فشار نظامی؛ ناچار بایستی تسلیم شد، یا تسلیم آرام، یا تسلیم با سروصدا و مشکل! این تحلیل وجود دارد. این غلط است؛ این تحلیل، تحلیل خطرناکی است؛ در کشور ما هم گوشه و کنار این تحلیلها وجود دارد. نه، این جور نیست؛ همین طور که گفتیم، قدرت غربی بر این دو پایه بود - پایه های اخلاقی و معنوی و ارزشی، و پایه ی نظامی و سیاسی و امنیتی و عملی - هر دوی اینها متزلزل شده است. ما این واقعیت را باید درك کنیم.(2)

5 - حفظ منافع ملی و انقلابی

اشاره

چرا در مقابل سلطه گران ایستادگی و مقاومت میکنیم؟ چرا تسلیم آنها نمیشویم؟ البته جواب این سؤال ساده است. جواب این است که اگر استکبار و دستگاه سلطه توانست بر کشوری تسلط یابد و در آن نفوذ پیدا کند، منافع آن ملت، دیگر نادیده گرفته خواهد شد. منافع مادی، منافع اقتصادی، خواسته های معنوی و رشد و اعتلاء فرهنگی از بین خواهد رفت و مثل وضعیّت دوران قبل از انقلاب خواهد شد که يك حکومت دست نشانده در اینجا حاکم بود. بنابراین ملت ایران ناگزیر است برای آینده و برای سعادت خود، در مقابل دشمن سلطه گر، مقاومت و ایستادگی کند و راهی را که به سوی کمال و سعادت او است، با قدرت پیماید.(3)

ص: 35

1- فرمان بُرداری از روی میل

2- در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری 1393/6/13

3- در اجتماع بزرگ مردم اراك 1379/8/24

در تبلیغات خودشان شایع میکنند که قطع رابطه‌ی ایران و دولت آمریکا به ضرر ملت ایران است! نه آقا، صد درصد به نفع ملت ایران است. این یک حربه‌ی از افتاده است که بخواهند در میان ملتها این طور وانمود کنند که اگر ملتی با آمریکا رابطه داشته باشد، از لحاظ اقتصادی و مادی، همه‌ی مشکلاتش برطرف میشود؛ نه، یک روزی بعضی از دولتهای ساده لوح این گونه خیال میکردند. در کشور ما هم در اول انقلاب، عده‌ای که قدرتی پیدا کرده بودند و در رأس کارها قرار داشتند، این گونه خیال میکردند؛ لیکن تجربه‌ها در نقاط مختلف دنیا عکس این را ثابت کرد. در کشور الجزایر، مردم مشکلات اقتصادی داشتند که داستانهای مفصلی دارد؛ این طور وانمود کردند که رابطه‌ی با آمریکا، بازکننده‌ی این گره‌ها است! در نتیجه به این سمت رفتند؛ اما نتیجه‌ی کار آنها را شما امروز می بینید که در الجزایر چه خبر است: دولتهای منقطع از مردم، حکومت نظامی ستمگر، سرکوب شدید حرکت مردمی و اسلامی، تسلط باندهای قدرتی که تا چند ماه قبل از این در روزنامه‌ها میخواندید و از رسانه‌ها می شنیدید که هر چند روز یک بار در یکی از روستاهای الجزایر، یا در یکی از شهرکهای اطراف مرکز کشور، کشتار و قتل عام بیست نفر، پنجاه نفر، صد نفر به وسیله‌ی ایادی شناخته نشده (!) انجام میشود.

امام در نامه‌ی ای که به رهبر شوروی سابق (1) نوشتند، فرمودند: شما که بساط جدیدی را در کشورتان راه می اندازید، مواظب باشید که به غرب و به آمریکا آن چنان گرایش پیدا نکنید که آنها بر امورتان مسلط شوند! این توصیه مورد توجه قرار نگرفت و امروز شما وضعشان را می بینید. رابطه‌ی با آمریکا، از لحاظ اقتصادی، نتیجه‌اش همان چیزی است که امروز شما در روسیه می بینید. بسیاری از کشورهایی که من نمیخواهم اسم بیاورم

ص: 36

1- . مقصود «میخائیل گورباچف» است.

و رابطه های بسیار خوب و عالی با آمریکا دارند، از لحاظ اقتصادی، وضعیتشان زیر صفر و بسیار بد است و پول ملی شان بسیار بی ارزش است. اینها برای ملت ایران تجربه است. ملت ایران اگر بخواهد وضع مادی و اقتصادی خود را اصلاح کند که البته بدون تردید اصلاح خواهد کرد، این به عزم، به اراده، به تصمیم، به کار همه ی طبقات، به همکاری با دولت و حمایت از مسئولان کشور، به شجاعت در اقدام، به تأثیر نپذیرفتن از سیاستهای خارجی و به تأثیر نپذیرفتن از تبلیغات بیگانه احتیاج دارد. اینها است که وضع يك کشور را درست میکند؛ نه ارتباط با آمریکا، نه رفتن زیر بار زورگویانی که تجربه ی ارتباط با آنها را ما سالها در این کشور داریم. ملت ایران گول این تبلیغات فریبنده ی دشمن را نمیخورد. (1)

6 - حدّ یقف نداشتن خواسته های دشمن

پیش روی قدم به قدم دشمن تا حذف اسلام از قانون اساسی ما

مشروعیت این نظام به تفکّر اسلامی و به استواری بر پایه ی اسلام است؛ مشروعیت مجلس و رهبری هم بر همین اساس است. امام يك وقت فرمود: «اگر من هم از اسلام روی برگردانم، مردم مرا کنار میگذارند.»؛ راست هم میگفت. مردم امام را به اسلام شناختند؛ به خاطر فداکاری و عظمت او در راه اسلام دنبالش راه افتادند، که همه ی ما، بنده و شما هم همین طور هستیم. اگر ما از این راه منحرف و منحرف شویم، خودمان ضرر میکنیم؛ اما این حرکت و جریان راه افتاده و متوقف شدنی نیست. حقیقتاً نظام اسلامی به ما و امثال من و شما وابسته نیست. امام يك وقت میفرمود: «نظام اسلامی به من وابسته نیست!»؛ ما واقعاً تعجب میکردیم، چون امام خالق این انقلاب و در واقع پدیدآورنده ی این نظام بود و واقعاً تفکیک بین بقای

ص: 37

امام و بقای نظام هم برای ما مشکل بود؛ اما امام قُرض و محکم میگفت نخیر، نظام اسلامی به من وابسته نیست. حالا وقتی امام با آن عظمت، وجودش ملازم با وجود نظام نباشد و با نبودن او این مردم انقلاب و اسلام را حفظ کنند، دیگر امثال من چه جای حرف زدن دارند که بگوییم اسلام و نظام به من وابسته است! نه، صدها نفر از قبیل ما باید قربان اسلام شویم؛ جانمان، مالمان، آبرویمان را بدهیم تا نظام اسلامی بماند و پایه های آن استوار شود. آنچه را که دشمن هدف گرفته، این است؛ باید به این موضوع توجه داشت. دشمن، سیاسی و سیاستمدار است؛ مغزِ طراحِ سیاسی دارد، فکر میکند که چه کار باید بکند. یکی از طراح‌های این است که حرف آخر را اول نزنند؛ آرام آرام و بتدریج طلبکاری ایجاد نمایند و طرفِ مقابل را وادار به عقب نشینی کنند. به مجردی که عقب نشینی کردید، طلبکاری دیگری شروع خواهد شد. حالا بعضی‌ها میگویند چیزی بدهیم، چیزی بگیریم! بدهیمش درست است، بگیریمش درست نیست؛ هیچ چیز نخواهند داد. شعرهایی را درست میکنند؛ ایران را در محور شرارت گذاشته اند. فلان کارها را بکنیم تا ما را از محور شرارت بردارند! این شد حرف؟! غلط کردند گذاشتند که حالا بخواهند بردارند. دوباره و هر وقت لازم شد، ما را در محور شرارت میگذارند. اگر قرار است قدرتی این امکان و توان را پیدا کند که اخمه‌ایش را در هم بکشد و بگوید من قوی هستم و میزنم و میبرم و میندم؛ حواستان جمع باشد، انسان جا بخورد، این جا خوردن، حدّ یقف ندارد؛ شما این سنگر را عقب می نشینید، فرض کنید فلان الحاقیه را قبول میکنید، بعد يك مطالبه ی دیگری را مطرح میکنند: فلان دولت غیر قانونی را به رسمیت بشناسید! باز همان فشارها و همان تهدیدها. به مجردی که فلان دولت غیر قانونی را به رسمیت شناختید، باز يك درخواست دیگر مطرح میشود: اسم اسلام را از قانون اساسی تان بردارید! شما باید ذره ذره عقب بنشینید؛ این حدّ یقفی ندارد. من این موضوع را بارها به بعضی از

مسئولانی که دچار وسوسه و واهمه‌هایی بودند، گفته‌ام که حدّ یقف فشار آمریکا کجا است؛ آن را مشخص کنید، که اگر به آنجا رسیدیم، دیگر بعد از آن هیچ فشاری علیه ما نخواهد بود. من عرض کنم حدّ یقف کجا است؟ آنجایی است که شما - که چنین حقی را نه شما دارید، نه من - از طرف ملت ایران اعلام کنید که ما اسلام، جمهوری اسلامی و حکومت مردمی را نمیخواهیم؛ هرکسی که شما مصلحت میدانید، بیاید در این مملکت حکومت کند! این حدّ یقف است؛ اول اسارت مملکت. مگر میتوانیم؟ من و شما مگر میتوانیم مملکت را به دست دشمن بدهیم؟ مگر ما چنین حقی داریم؟ این ملت ما را برای این سرکار نیاورد. (1)

نظام اسلامی در برابر اردوگاه شرق و غرب ایستاد؛ اما در همان روزها يك نظریه این بود که ما به نحوی با استکبار کنار بیاییم! کسانی که این نظریه را بیان میکردند، آدمهای بدی نبودند؛ بلکه ساده اندیش بودند و میگفتند کنار بیاییم تا ضرر آنها را از خود دفع کنیم؛ اما پاسخ این سؤال را نمیدادند که این کنار آمدن و کوتاه آمدن و عقب نشینی کردن سنگر به سنگر تا کجا باید ادامه پیدا کند؛ ملت ایران باید چه کار کند که آمریکا از او راضی شود؛ چقدر باید از ارزشهای خود صرف نظر کند تا آمریکا بگوید دیگر با شما کاری ندارم؟ شاید بعضی از آنها حتی فکر نمیکردند که استکبار به حدّی هم قانع نیست. در جنجال اخیر فعالیت‌های هسته‌ای ایران دیدید که قدم به قدم شروع کردند به جلو آمدن؛ اول گفتند ایران باید پروتکل الحاقی را قبول کند؛ بعد گفتند باید فلان اطلاعات را بدهد؛ بعد پا را فراتر گذاشتند و گفتند اصلاً ایران نباید فناوری هسته‌ای داشته باشد! عقب نشینی در مقابل مجموعه‌ای که زور مادی دارد، اما مطلقاً ذخیره‌ی اخلاقی در وجودش نیست تا از این زور به شکل ظالمانه استفاده نکند، راه علاج نیست. راه علاج، منحصر شده بود در مقاومت، و امام بزرگوار ما

ص: 39

- آن انسان مقاوم، صبور و سرسخت - مظهر مقاومت بود؛ و این تنها راهی بود که در مقابل ملت ایران وجود داشت. لذا حتی حمله‌ی نظامی شان اثر نبخشید. (1)

کوتاه آمدن در برابر مستکبر؛ عامل جری شدن او

يك ملت منافی دارد - مشروع و مباح، معقول و منطقی - خب میخواهد این منافع را تحصیل کند. ملت، استعدادی در جوانانش هست، برکاتی در زمی‌ش هست و موقعیتی در جایگاه جغرافیایی اش هست؛ يك ملت حق دارد از اینها استفاده کند. قدرتهای زورگوی دنیا (نه امروز، از قدیم) عادت کرده اند دست روی منافع ملتها بگذارند و بگویند این مال من. هر جا ملتها و رهبران آنها کوتاه آمده اند، آنها جری تر شده اند. انگلیس ها شبه قاره‌ی هند را در قرن نوزدهم گرفتند، ثروت شبه قاره را مثل خونی نوشیدند، خودشان را قوی کردند و هند را ضعیف. این طوری است. وقتی يك ملتی در مقابل طمع ورزی دشمنان قوی پنجه عقب نشینی میکند، میدان را برای آنها باز میکند. او در يك چنین وضعیتی، این طور نیست که حالا بگوید، به اینها رحم کنیم، ملاحظه کنیم، اینها عقب نشینی کردند؛ نخیر، تا این ملت عقب نشینی کند، آن جلو می آید و بدون مانع، پنجه های خود را در گوشت و پوست این ملت فرو میکند و تا جایی که زورش برسد، از او میکند؛ او را ضعیف میکند و خودش را قوی میکند. (2)

حکم قطعی شرع و خرد انسانی به مقاومت در برابر دشمن

دشمنی که انسان خردمند از اصطکاک با او پرهیز میکند، دشمنی نیست که هویت او و منافع حیاتی او و اصل وجود او را هدف گرفته

ص: 40

1- . در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه های استان زنجان 1382/7/22

2- . در دیدار عمومی بسیجیان 1385/1/6

است؛ مقاومت در برابر چنین دشمنی، حُکم قاطع خرد انسانی است؛ زیرا بدیهی است که خسارت قطعی ناشی از تسلیم در برابر آن، همان خسارت احتمالی ناشی از مقابله با او است؛ به اضافه ی ذلّت و تحقیر.

... تسلیم در مقابل چنین دشمنی، کاملاً در نقطه ی مقابل حُکم خرد، و مقاومت تنها راه توصیه شده ی عقل و شرع است. (1)

ضرورت ایستادگی در برابر دشمنان، با شجاعت و با اقتدار

من میبینم بعضی از برادران ما گاهی اوقات میگویند که ما باید با همه ی دنیا رابطه داشته باشیم؛ خوب بله، با همه ی دنیا - البته منهای آمریکا و رژیم صهیونیستی - باید رابطه داشته باشیم؛ ما مشکلی نداریم. اولاً همه ی دنیا فقط اروپا و فقط غرب نیست؛ در همین حدود چهار سال قبل از این و در همین شهر تهران، مگر اجلاسی تشکیل نشد که بیش از 130 یا 140 کشور در آن شرکت کردند؟ حدود چهل یا بیشتر رئیس دولت و رئیس کشور شرکت کردند؛ از همه جا آمدند اینجا و در اجلاس غیر متعهدها شرکت کردند. (2) ما مشکلی نداریم با اینها؛ دنیا که فقط اروپا نیست؛ دنیا جای وسیعی است. قدرتها هم امروز در دنیا پخش شده و تقسیم شده؛ شرق دنیا - یعنی منطقه ی آسیا - امروز مرکز یک قدرت عظیمی است. ما با اینها ارتباط داریم؛ ما حرفی نداریم. با اروپا هم ما مشکلی نداریم، اروپایی ها با ما مشکل ایجاد کرده اند. بنده به یکی از این رؤسای اروپایی که اخیراً اینجا آمده بود گفتم که اروپا باید خودش را از تبعیت آمریکا در سیاستهایش نجات بدهد. اروپایی ها تبعیت از سیاست آمریکا کردند؛ او ما را تحریم کرد، اینها هم تبعیت کردند؛ او علیه ما تبلیغات کرد، اینها

ص: 41

1- . در سوّمین کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین 1385/1/25

2- . شانزدهمین دوره ی نشست جنبش غیر متعهدها که از 5 تا 10 شهریور سال 1391 در تهران برگزار شد.

هم تبعیت کردند. خب، ما چه کار کنیم؟ در قضایای مختلف، اروپایی ها بودند که ابتدای به دشمنی کردند. سر قضیه ی آن قهوه خانه ی میکونوس، رئیس جمهور وقت ما را متهم کردند و به دادگاه میخواستند بکشاند؛ اسمش را به عنوان متهم در دادگاه مطرح کردند! خب چه کار کنیم ما با اینها؟ برویم التماس کنیم؟ برویم بگوییم آقا با ما بهتر از این باشید؟ ما کاری نکردیم با اینها؛ اینها هستند که دشمنی میکنند. اگر ما در مقابل دشمنی دشمنانمان با شجاعت و با اقتدار نایستیم، ما را خواهند خورد، خواهند بلعید. «ما» که میگوییم، یعنی کشور را، یعنی ملت را؛ وَاَلَا شَخْصٌ بَنَدَه و امثال بنده که اهمیتی نداریم؛ کشور را [خواهند بلعید]. ما مسئول کشورییم، مسئول ملتیم، مسئول تاریخیم؛ نباید اجازه بدهیم. خب، بنابراین اینها رفتارشان با ما این جوریه (1).

هسته ای بهانه است

دشمنی آمریکا با ملت ایران و با جمهوری اسلامی اصلاً حول محور هسته ای نیست؛ این خطا است اگر خیال کنیم که دعوای آمریکا با ما سر قضیه ی هسته ای است؛ نه، قضیه ی هسته ای بهانه است؛ قبل از اینکه مسئله ی هسته ای مطرح باشد، همین دشمنی ها، همین مخالفتها از اول انقلاب بود؛ اگر يك روزی هم مسئله ی هسته ای حل شد - فرض کنید جمهوری اسلامی عقب نشینی کرد؛ همان که آنها میخواهند - خیال نکنید مسئله تمام خواهد شد؛ نه، ده بهانه ی دیگر را بتدریج پیش میکشند: چرا شما موشک دارید؟ چرا هواپیمای بدون سرنشین دارید؟ چرا با رژیم صهیونیستی بدید؟ چرا رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی شناسید؟ چرا از مقاومت در منطقه ی به قول خودشان خاورمیانه حمایت میکنید؟ و چرا؟ و چرا؟ و چرا؟ مسئله این نیست که اینها سر قضیه ی هسته ای با

ص: 42

جمهوری اسلامی اختلاف پیدا کرده باشند؛ نه، تحریم آمریکا از اول انقلاب شروع شد، روزبه روز هم بیشتر شده است، تا امروز که خب به نقطه ی بالایی رسیده. دشمنی های دیگر [هم] کردند: اینها هواپیمای جمهوری اسلامی را سرنگون کردند، 290 انسان مسافر را کشتند؛ اینها اوایل انقلاب هنوز مردم از هیجان انقلاب بیرون نیامده، کودتای پایگاه شهید نوژه را به راه انداختند، علیه انقلاب کودتا کردند؛ اینها از ضد انقلابها در هر نقطه ای از کشور که بودند حمایت کردند؛ به ضد انقلاب سلاح دادند و مانند اینها؛ همان کاری که بعدها در بعضی کشورهای دیگر کردند، در اینجا [هم] این کارها را کردند. مسئله مسئله ی هسته ای نیست؛ باید همه به این توجه داشته باشند. این نیست که ما خیال کنیم دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران به خاطر مسئله ی هسته ای است؛ نه، مسئله مسئله ی دیگری است؛ [مسئله این است که] ملت ایران به خواسته های آمریکا «نه» گفت، ملت ایران گفت آمریکا علیه ما هیچ غلطی نمیتواند بکند. اینها با موجودیت جمهوری اسلامی مخالفند، با نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی مخالفند. همین اواخر یکی از سیاستمداران و از عناصر فکری آمریکا گفت - و گفته ی او پخش شد، این مسئله ی پنهانی هم نیست - که ایران چه اتمی باشد، چه اتمی نباشد، خطرناک است. این شخص صریحاً گفت نفوذ و اقتدار ایران - به قول خودشان هژمونی ایران - در منطقه خطرناک است؛ ایرانی که امروز از اعتبار برخوردار است، از احترام برخوردار است، از اقتدار برخوردار است. آنها با این دشمنند، با این مخالفند. آن روزی اینها راضی میشوند که ایران يك ملت ضعیف، کنار مانده، منزوی، بی اعتبار و بی احترام باشد؛ مسئله مسئله ی هسته ای نیست. (1)

ص: 43

شکست ناپذیری قدرت ملی

بیدارکننده ای که سالها فریاد کشید تا این مردم را بیدار کند، امام بزرگوار ما بود. در این کار همه ی خیرخواهان، همه ی مصلحان، همه ی دانشمندان، همه ی علمای دلسوز کمک کردند، قشرهای مختلف هرکدامی بتدریج وارد شدند و کمک کردند. ناگهان ملت ما از ملتی که سابقه ی دوران قاجار را داشت و بعد در دوران پهلوی بکلی لگدمال شده بود، تبدیل شد به يك ملت زنده و بیدار، آمد وسط میدان، قدرت خودش را علنی کرد، قدرت خود را به صحنه آورد. این قدرت، قدرت ملی است؛ قدرت آحاد مردم است، هیچ نیرویی در مقابل این قدرت تاب مقاومت ندارد. ملتها امتحان کنند. البته امتحانش آسان هم نیست، فداکاری میخواهد، رهبری درست میخواهد. اگر این فراهم بشود، هیچ ملتی در دنیا زیر ستم نخواهد ماند؛ دچار فقر نخواهد ماند. این شرایط در کشور عزیز ما فراهم شد. (1)

ناکارآمدی تجهیزات نظامی و تبلیغاتی دشمن در برابر مقاومتان شهادت طلب

دشمن، با توده ی مردم و انسانهای مؤمن و مخلص، چه کار میتواند بکند؟ مگر ابزارهای دشمن چیست؟ ابزار دشمن، عبارت از تجهیزات است. تجهیزات، در مقابل نیروی ایمان و شور و عشق و اراده ی مردم، کارایی ندارد. تجهیزات، کسانی را میترساند که بخواهند فقط با اتکاء به تجهیزات خودشان بجنگند و مبارزه کنند. این گونه آدمها، اگر در مقابل خودشان تجهیزاتی را ببینند که از تجهیزات خودشان مدرن تر و بالاتر است، ممکن است احساس رعب کنند؛ اما در مقابل مردم باایمان و بااخلاص، از تجهیزات مدرن دشمن کاری ساخته نیست. مدرن ترین تجهیزات، در

ص: 44

مقابل يك نیروی مقاوم ایستاده ی شهادت طلب، از کار باز میماند.

مگر هیچ دشمنی میتواند میلیون ها انسان از آحاد يك ملت را عقب بنشانند؟ همین توده ی مردم حزب الله بودند که در خیابانهای سرتاسر این کشور، در مقابل تجهیزات مدرن ازدشمن گرفته ی رژیم پادشاهی ایستادند. چرا آن تجهیزات نتوانست بر آنان فائق بیاید؟ در حالی که آن تجهیزات میتواند طرف خودش را بکشد. اگر کسی از مرگ ترسید، از آن تجهیزات میترسد؛ اما اگر کسی مرگ را شهادت دانست، از تجهیزاتی که مرگ بار باشد، نخواهد ترسید. در تمام مبارزات تحمیل شده ی از سوی دشمنان، این مطلب صادق است.

ابزارهای دیگر دشمن چیست؟ تبلیغات. تبلیغات دشمن، روی انسانهای مؤمن اثری نمیگذارد. الان شما پیچ رادیو را که باز کنید و هرکدام از رادیوهای دشمن - رادیو اسرائیل، رادیو آمریکا، رادیو کشورهای اروپایی و رادیوی گروهکها - که دهان باز کنند، يك مشت تبلیغات سوء و تهمت علیه اسلام و مسلمین و نظام جمهوری اسلامی را بر زبان جاری میکنند. کسی اینها را باور میکند که دلش با ایمان و آگاهی ناشی از ایمان، روشن نباشد. این امواج، روی مردم مؤمن اثری ندارد. همین تبلیغاتی که امروز در سرتاسر دنیا از طرف صهیونیست ها و امثال آنها، علیه اسلام و انقلاب اسلامی میشود، مگر چقدر در فکر و روحیه ی مردم مؤمن دنیا، یا توده ی مؤمن حزب الله در کشور خود ما، اثر گذاشته و یا میخواهد اثر بگذارد؟

... این کارها، بر روی ذهن و دل آدمهای مؤمن و انسانهای حزب الله چه اثری دارد؟ ملتی که شور و شوقش نسبت به اسلام، روزبه روز رو به افزایش است، ملتی که هدفهای پلید و خبثت آمیز استکبار را میفهمد، تبلیغات دشمن در او اثری ندارد. پس، حربه ی نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی استکبار جهانی، حربه ی آمریکا و صهیونیست ها و دشمنان، بر روی توده ی مؤمن ملت، هیچ گونه کارگر نیست و کارایی ندارد.

ص: 45

بنابراین، اگر يك انقلاب از طرف مردم مؤمن حمایت شد، بیمه است. این مطلبی است که همه آن را میفهمند. اگر بخواهیم انقلاب و کشور بیمه باشد، جمهوری اسلامی آسیب ناپذیر باشد، باید این شور و شوق، این حرکت عمومی مردم و این بسیج عظیم نیروهای ملت را روزه روز تقویت کنیم. (1)

پیروزی مقاومت‌های مردمی بر مستکبران بر اساس سنت الهی

خدای متعال به رسول گرامی خود - که بزرگ‌ترین تکلیفها را متناسب با شخصیت او بر دوشش گذاشته بود و در طول تاریخ بشر، هیچ تکلیفی بدان پایه نمیرسید - فرمود: «هو الَّذی اَیَّدک بنصره و بالمؤمنین» (2)؛ یعنی همین دو تکیه‌گاه - نصرت الهی و کمک مؤمنین - تو را پیش برد. برای همین است که ما اعتقاد داریم وقتی قدرتهای مادی با حق سینه به سینه شوند، پوشالی و توخالی هستند، و وقتی به قدرتهای باطل اعتنائی نشود و انسانها با اراده‌ی خود با آنها درنیفتند، هیچ عکس‌العملی نخواهند داشت، و هرگاه نیروی پُرتوان مردم با قدرتهای باطل درگیر شود، خودبه‌خود آن قدرتها را به عقب نشینی وادار خواهد کرد.

در گذشته و نیم قرن اخیر که قدرتهای استعماری اروپا و آمریکا با ملتها سرستیز داشتند، هرجا ملتها با این قدرتها درافتادند، آنها مجبور به عقب نشینی شدند. آمریکا تا وقتی آمریکا بود که ملت ویتنام با او درگیر نشده بود؛ هنگامی که درگیر شد، این کشور به ظاهر قدرتمند، به يك نیروی شکست خورده که ظرف مدت چند ماه مجبور شد پانصد هزار نیروی نظامی خود را از صحنه‌ی نبرد عقب بکشد، تبدیل شد!

ص: 46

1- . در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) 1369/9/5

2- . سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی 62، ترجمه: «همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید.»

قدرت استعماری فرانسه و انگلیس هم خیلی قوی محسوب میشدند؛ اما هنگامی که مردم کشورهای زیر ستم با آنها درافتادند، گویی کوهی از پنبه و پوشال به نابودی گرایید. رژیمهای استبدادی هم این طبیعت را دارند و با مشاهده ی هجوم ملت‌ها عقب نشینی میکنند؛ ولی اگر احساس کنند که مردم جرئت مقابله را ندارند، روزه روز بر فشار و تهدید خود می افزایند.

باید نیروی ملت منسجم شود و با ایمان حرکت کند و به خدا تکیه دهد و از سختی‌ها ترسد و پا عقب نکشد، تا هیچگاه دشمن به خود اجازه ی نفوذ ندهد. در گذشته افرادی بودند که سطحی فکر میکردند و ظاهربین بودند. هرچند نمیشود به آنها اتهام غرض ورزی زد، ولی نمیتوانستند باور کنند که توان مقابله با دشمن در ملت وجود دارد. اما آن کسی که راز حرکت تاریخ و سنت‌های الهی را میدانست، ایستادگی میکرد و انسجام میبخشید و اراده را تقویت میکرد. (1)

ملت‌های دیگر هم در این قرن هرکدام به گونه ای وارد این میدان شدند. در هندوستان این تحوّل اجتماعی به يك شکل انجام گرفت؛ در کشور روسیه این تحوّل يك طور انجام گرفت؛ در کشور الجزایر این تحوّل به يك شکل دیگر انجام گرفت؛ در ده‌ها کشور، در آسیا و در آفریقا و در نقاط مختلف دیگر عالم، این تحوّل اجتماعی به شکل خاصی انجام گرفته است. همه ی این تحوّل‌ات در يك نقطه باهم مشترکند و آن این است که در همه ی این تحوّل‌ات، نیروهای بشری و انسانی بر نیروهای استکباری غلبه کردند؛ منتها این غلبه در یکجا غلبه ی واضح و قاطعی بود و اثر ماندگاری به جا گذاشت؛ اما در جاهای دیگر نه، اثر آن زودگذر بود و به خاطر غفلتها از بین رفت. این حقیقت روشنی است که هر جا ملت‌ها به نیروهای اثرگذار انسانی

ص: 47

1- . در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونی‌های شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و سازمان‌های تابعه 4/8/1368

خودشان تکیه کنند، میتوانند بر نیروهای فشار و زوری که از طرف قدرتهای غاصب و ظالم و زورگو و غارتگر به میدان آورده میشود، غلبه کنند. (1)

حضور با جسم

ما دو تا عنصر در کنار هم داریم (2): يك عنصر، عنصر مردم است؛ که مردم در هر کشوری، در هر جامعه ای، اگر چنانچه همت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، میتوانند همه ی مشکلات را حل کنند. یعنی بزرگ ترین کوه ها در مقابل حضور مردم از بین میرود؛ میتوانند کوه های بزرگ را جابه جا کنند. این يك حقیقت آشکاری است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها آن را درست لمس نکردند، درك نکردند؛ ما این را لمس کردیم. هنر بزرگ امام بزرگوار ما هم همین بود.

من يك وقتی، پانزده سال، بیست سال پیش، به یکی از فعالان عرصه ی مبارزات ضدّ استعماری - که خب، آدم معروفی است؛ نمیخواهم اسم بیاورم - این را گفتم؛ او رفت بلافاصله این نسخه را عمل کرد. ما این را حس کردیم. گفتم هنر امام بزرگوار ما این بود که مردم را وارد صحنه کرد. مردم با جسمشان، با حضورشان آمدند و آنچه را که میخواستند، آنچه را که بر آن همت گماشته بودند، با حضور خودشان تثبیت کردند. همه ی موانع سیاسی و غیر سیاسی و استعمار و قدرتهای عظیم جهانی که بر امور ملّتها مسلّطند، در مقابل این حادثه مجبورند عقب نشینی کنند. الان هم همین جور است. الان هم در هر نقطه ای از دنیا اگر ملّتها وارد میدان بشوند با يك هدف مشخص، با شعارهای مشخص، و اگر آن ایمان راسخ در دل و همچنین عمل صالح در کنار این ایمان راسخ وارد میدان شود،

ص: 48

1- . در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) 1379/3/14

2- . عنصر دوّم در ابتدای بخش پنجم (عوامل مقاومت بخش) آورده شده است.

هیچ مانعی در مقابل آنها قادر بر مقاومت نیست. این يك نسخه است؛ این نسخه را امام بزرگوار ما در انقلاب ما عمل کرد. خدای متعال به امام کمک کرد و در بیان او این نفوذ و تأثیر را قرار داد که در دل‌های مردم اثر گذاشت؛ مردم، مؤمن به آن راه و به آن هدف شدند و به دنبال این ایمان، عمل خودشان را انجام دادند. عمل صالح، یعنی همان عمل متناسب با ایمان. در همه جا همین جور است. لذا در اینجا کاری انجام گرفت که برای همه ی تحلیلگران سیاسی جهانی غیر قابل باور بود و متحیر ماندند؛ هم قدرتمندان، هم حاشیه ها، هم دنباله ها، هم دامنه ها. بنابراین عنصر اول، عنصر حضور مردم است. (1)

حضور مردمی معنایش این است که ملت‌ها با تن خودشان، با حضور شخصی خودشان در میدان‌های مبارزه حاضر شوند و خطرات را تحمل کنند؛ مثل آن چیزی که در ایران اتفاق افتاد. وقتی این شد، هیچ قدرتی در مقابل این نمیتواند بایستد؛ حالا آمریکا و اینها که سهند. اگر همه ی قدرتهای عالم هم دست به یکی شوند، در مقابل ملتی که با همه ی وجود وارد میدان شده است، نمیتوانند مقاومت کنند، ایستادگی کنند. البته میزنند، می‌کشند، خون ریزی میکنند، اما مغلوب میشوند. همان طور که امام در آن سالها فرمودند، خون بر شمشیر فائق خواهد آمد، پیروز خواهد شد. این اتفاق افتاده است. مردم با جسم خودشان، با وجود خودشان وارد میدان شده اند؛ نماینده نفرستادند، به حرف اکتفا نکردند؛ آن هم نه در يك کشور، در چندین کشور؛ که زمینه ی آن در کشورهای دیگر هم وجود دارد. این يك نکته است که خیلی مهم است. جز دست قدرت الهی، کسی قادر نیست يك چنین وضعی را به وجود بیاورد. زمینه ها فراهم میشود، افراد نقش ایفا میکنند - در اینها شکی نیست - اما این دست قدرت خداوند

ص: 49

است که مالک دلها است؛ که «قلب المرء بین اصبعی الرحمن»⁽¹⁾. خدای متعال است که دلها را عازم میکند، جازم میکند، اراده ها را بسیج میکند و این اتفاق می افتد. در این حوادث، دست قدرت خداوند محسوس است. چون دست قدرت الهی هست، بنابراین پیروزی هم در آن قطعی است.⁽²⁾

پیروزی جمعیت کم مقاوم با ایمان بر دشمن مجهز و پرجمعیت

نمیخواهیم که رجز بخوانیم، نمیخواهیم که حماسه سرایی کنیم؛ میخواهیم یاد بگیریم، میخواهیم درس بگیریم؛ میخواهیم از حقایق و واقعیات عالم، به برکت هدایت اسلامی، راهمان را پیدا کنیم. درس این است که وقتی يك ملت عازم و مصمم ایستاد و مقاومت کرد و از درون جوشید و به خدای بزرگ اتکال کرد و در میدان مبارزه، از جان و مال و آبرو دریغ نکرد، ولو آن ملت به قدر حریف پول ندارد، به قدر حریف سلاح ندارد، به قدر حریف پیشرفت علمی نداشته است، جمعیتش نسبت به حریف کم است، يك صدم حریف رسانه ندارد، این ملت در بزرگ ترین مبارزات و سخت ترین مبارزات، پیروز خواهد شد.⁽³⁾

8 - مضر بودن ترك مقاومت

هزینه ی سنگین تسلیم شدن نسبت به مقاومت

بعضی... میگویند تسلیم بشویم تا دشمن علیه ما موزیگری نکند؛ اینها نمیدانند که هزینه ی تسلیم شدن بمراتب بیشتر از هزینه ی مقاومت کردن و ایستادگی کردن است. بله، ایستادگی کردن ممکن است هزینه ای داشته باشد، اما دستاوردهای بسیار بزرگی دارد که صدها برابر آن هزینه

ص: 50

1- . عوالی اللئالی، ج 1، ص 48 (با اندکی تفاوت)

2- . در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1389/12/19

3- . در دیدار دانش آموزان و دانشجویان در آستانه ی روز ملی مبارزه با استکبار جهانی 1391/8/10

برای ملّتها ارزش دارد؛ اما تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز لگدمال شدن، جز ذلیل شدن، جز بی هویت شدن هیچ اثری ندارد؛ این را بایستی همه بدانند. این قانون لایتخلف پروردگار است که فرمود: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَالُكُمْ» (1)؛ سست نشوید، دعوت به سازش با دشمن نکنید، خدای متعال شما را برتر قرار داده است و برتر هستید، «وَلَنْ يَبْرِكُمْ» - یعنی «لَنْ يَنْقُصَكُمْ» - خدای متعال برای شما کم نمیگذارد در مقابل مجاهدتی که انجام داده اید، پاداش این مجاهدت را به طور کامل به شما خواهد داد. (2)

هزینه ی سازش بیشتر از هزینه ی مقاومت

بعضی عقلانیّت را در این میدانند و میگویند که «چالش با قدرتها هزینه دارد» - [البته] اشتباه میکنند - بله، چالش هزینه دارد، اما سازش هم هزینه دارد. شما ملاحظه کنید دولت سعودی برای اینکه با رئیس جمهور جدید آمریکا بتواند سازش بکند، مجبور میشود بیش از نیمی از ذخایر موجودی مالی خودش را در خدمت هدفها و طبق میل آمریکا هزینه کند. اینها هزینه نیست؟ سازش هم هزینه دارد. چالش اگر عقلانی باشد، چالش اگر منطبق با منطق باشد، اگر با اعتمادبه نفس باشد، هزینه اش بمراتب کمتر از هزینه ی سازش است. من عرض کردم - ان شاء الله بعدها [هم] صحبت خواهیم کرد - این جور نیست که قدرتهای توطئه گر و قدرتهای متجاوز به يك حدی قانع باشند. ما این را در تعاملات این چند سال اخیر مشاهده کرده ایم. يك حدی را مشخص میکنند، وقتی شما در آن حد عقب نشینی کردید، تازه يك حرف جدید مطرح میکنند، يك ادّعای جدید و يك

ص: 51

1- . سوره ی محمّد (ص)، آیه ی، ترجمه: «پس سستی نوزید و [کافران را] به آشتی مخوانید [که] شما برترید و خدا با شما است و از [ارزش] کارهایتان هرگز نخواهد کاست.»

2- . در مراسم دانش آموزی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1397/4/9

مطالبه‌ی جدید مطرح میکنند، شما را باز با همان فشارها مجبور میکنند این مطالبه‌ی جدید را هم بهشان بدهید؛ و این سلسله همین طور ادامه پیدا خواهد کرد؛ این متوقف نمیشود. (1)

در برابر هر سلطه طلبی، با صلابت و قدرت ظاهر بشوید؛ آن سلطه طلب هرکه میخواهد باشد؛ امروز از همه متجاوزتر و وقیح تر، رژیم ایالات متّحده‌ی آمریکا است؛ در مقابل اینها با صلابت ظاهر بشوید، با قدرت ظاهر بشوید؛ با پشتوانه‌ی اقتدار ملی و کمک این مردم میتوانید از ترفندهای آنها جلوگیری کنید و آن را دفع کنید. چهار دهه، تجربه‌ی فعالیت بین المللی به ما نشان میدهد که هزینه‌ی تسلیم در برابر قدرتهای زورگو بمراتب بیشتر از هزینه‌ی ایستادگی در مقابل آنها است؛ تسلیم شدن در مقابل زورگویی های قدرتهای زورگو، ملت‌ها و کشورها را بیچاره میکند؛ راه‌های پیشرفت آنها را به معنای واقعی کلمه مسدود میکند؛ آنها را از ارزشهای انسانی دور میکند؛ هزینه‌های سنگینی دارد. (2)

فرصت تسلیم شدن در برابر آمریکا!

گاهی انسان از بعضی‌ها می‌شنود که اسم فرصت را می‌آورند، اما مرادشان فرصت تسلیم در مقابل آمریکا است: آقا! فلان فرصت را از دست دادیم (!) چه فرصتی؟ تسلیم شدن در مقابل زورگویی و زیاده طلبی یک جهان خوار و یک قدرت متکبر، هیچ افتخاری ندارد و هیچ وقت فرصت محسوب نمیشود. هر چیزی که برای این کار فرصت تلقی شود، برای منافع ملی یک تهدید است؛ فرصت نیست. فرصت، یعنی فرصت کار برای مردم. فرصت، یعنی فرصت مقابله کردن با عوامل و ایادی و ابزارهای آمریکا و دشمن در داخل کشور. نمونه‌ای از آن را شما ملاحظه کردید و

ص: 52

1- . در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره) 1396/3/14

2- . در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری اسلامی ایران 1396/5/12

از رسانه‌ها شنیدید؛⁽¹⁾ اینها ایادی مرموز دشمنند. این همان چیزی است که من از هفت هشت سال قبل مرتب به مسئولان فرهنگی هشدار داده و گفته‌ام که سرانگشتان دشمن برای تسخیر فرهنگی کشور و استحاله‌ی فکری مردم تلاش میکنند. الان ببینید اعترافها و حقایق آشکار میشود.⁽²⁾

به دست نیامدن هیچ پیروزی‌ای با تسلیم شدن

در جنگ هم عده‌ای تردید میکردند که چطور می‌خواهیم دفاع کنیم. آن وقتی که هزاران کیلومتر مربع از خاک ما زیر چکمه‌ی دشمن بود و دشمن در آن شرایط به ما پیشنهاد آتش بس و گفتگو و مذاکره میداد، عده‌ای بر امام و مسئولان دیگر فشار می‌آوردند که آتش بس را قبول کنند. امام ایستاد؛ مردم ایستادند؛ مسئولان ایستادند و نتایج شیرین این ایستادگی را دیدند. بله، هرگونه عزت و عظمتی، از راه فداکاری، شجاعت و اقدام می‌گذرد. با تسلیم شدن، با تن پروری، با تن ندادن به مشکل، هیچ قلّه‌ای به دست نمی‌آید. همینهایی که امروز شما می‌بینید در دنیا دانش و ثروت را جمع کرده و در اختیار مطامع خودشان قرار داده‌اند، اینها هم روزهای سختی را پشت سر گذاشتند؛ راه‌های دشواری را طی کردند.⁽³⁾

شاه سلطان حسین

بزرگ‌ترین جرم حکومت‌های خودکامه و مستبد در طول تاریخ ما این است که نگذاشتند ملت در آن وقتی که باید با حضور خود، با شجاعت خود، منافع خود را تأمین کند، در میدان حاضر شود. اشرف افغان و محمود افغان و لشکریانشان اطراف اصفهان را گرفته بودند. مردم دلشان ول ول

ص: 53

1- . اشاره به حوادث هجدهم تیرماه 1381

2- . در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه‌ی سراسر کشور 1381/5/5

3- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1380/12/27

میزد برای اینکه بروند دفاع کنند؛ اما حاکمان تن پرور خودباخته ی ترسیده، نگذاشتند مردم از خودشان دفاع کنند. آنها تسلیم شدند و در واقع مردم را هم تسلیم کردند. نتیجه این شد که بعد از سالهای سخت و سیاه، وقتی که مهاجمان مجبور شدند از ایران خارج شوند، صدها و شاید دویست هزار نفر از زنان و دختران و نوجوانان ایرانی را با خودشان به اسارت بردند؛ یعنی حتی وقتی که میرفتند نیز این گونه با مردم رفتار کردند. (1)

کنار آمدن با دشمن؛ یعنی به اسارت دادن يك ملت

عده ای نگویند دشمنی که این قدر اذیت میکند، شما چه داعی ای دارید؟ بروید با او کنار بیایید! در قضایای مهم سیاسی که به سرنوشت ملتها ارتباط پیدا میکند، کنار آمدن یعنی تسلیم شدن؛ یعنی همان چیزی را که دشمن میخواهد، عمل کردن. مثل يك نفر که میخواهد خانه ی شما را بگیرد و شما زیر بار نمیروید؛ مرتب سنگ می اندازد و شیشه ها را میشکند و اذیت میکند. آن وقت یکی به شما بگوید با دشمنی که این قدر اذیت میکند، کنار بیایید! کنار آمدن این است که شما از خانه بیرون بروید و کلید خانه را به او بدهید! کنار آمدن، یعنی تحقیر و به اسارت دادن يك ملت؛ یعنی تأمین خواسته ی دشمن درباره ی يك ملت. نجات از این دغدغه ها و مشکلات، يك راه بیشتر ندارد و آن، فکر کردن، اندیشیدن، ضدّ حمله فراهم کردن و دشمن را به ستوه آوردن است. نسل جوان در چنین میدانی است که تکلیف و مسئولیت دارد. (2)

رسیدن به منافع؛ تنها هدف آمریکا از ارتباطات و فعالیتهايش

آمریکایی ها برای ارتباطات و فعالیتهای خودشان در دنیا، يك وجهه ی

ص: 54

1- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1380/12/27

2- . در دیدار جوانان استان اصفهان 1380/8/12

نظر بیشتر ندارند؛ آن را هم میگویند؛ پنهان و کتمان نمیکنند؛ و آن، منافع آمریکا است. چنانچه با کسی رابطه برقرار کنند، اگر بپرسند چرا، میگویند منافع ما ایجاب میکند؛ چون برای آنها منافعشان مهم است! آمریکا به هیچ کشوری سود نمیرساند. اگر چند میلیون دلار به کشوری وام بدهد، چند برابر از او امکانات میگیرد! امروز اگر شما به این منطقه نگاه کنید، می بینید که این کشورهای اطراف ما دچار فقر و ضعف و استبداد و فساد و مشکلات فراوانی هستند. اینها مگر با آمریکا روابط ندارند؟! همه ی اینها با آمریکا روابط دارند. آمریکایی ها از آنها استفاده میکنند، اما به آنها استفاده نمیرسانند!

بارها آمریکایی ها اعلان کردند که هدف آنها از ارتباط با کشورها، تأمین منافع دولت آمریکا است! معنای این حرف چیست؟ معنایش این است که از نظر آمریکایی ها، منافع يك شهروند آمریکایی، بر منافع يك شهروند ایرانی هرکه باشد ترجیح دارد؛ يك جوان آمریکایی، بر جوان ایرانی ترجیح دارد؛ يك عنصر آمریکایی هرکه باشد بر يك عنصر ایرانی و یا غیر ایرانی ترجیح دارد. سیاست آمریکا در مسائل جهانی اش بر این مبنا است. هدف اصلی این است. (1)

9 - غیر قابل اعتماد بودن دشمن

غیر قابل اعتماد بودن آمریکا

عمده این است که ما به خودمان اتکاء کنیم؛ اساس کار این است. ما باید به خودمان اتکاء کنیم؛ به دیگران نمیشود اتکاء کرد، به بیگانگان نمیشود اتکاء کرد، نمیشود اعتماد کرد. من مکرر در دوران همین مذاکرات هسته ای - شاید چهار پنج مرتبه یا بیشتر - گفتم به آمریکایی ها نمیشود

ص: 55

اعتماد کرد. (1) حالا هم ملاحظه میکنید و می بینید؛ حرفهایی که میزنند، اظهاراتی که میکنند و عملکردی که نشان میدهند، کاملاً امضای آن حرفی است که بنده آن وقت میزدم؛ یعنی واقعاً نمیشود به اینها اعتماد کرد. [البته] آمریکایی ها به عنوان نماد بداخلاقی و بدادایی [هستند] فقط آنها [هم] نیستند، دیگرانی هم هستند که همین جور بدادا و بداخلاق و بدرفتارند؛ بالاخره نمیشود به آنها اعتماد کرد. ما باید به خودمان اعتماد کنیم، به خودمان تکیه کنیم و بدانیم میتوانیم و بدانیم که خدای متعال هم کمک میکند. (2)

خیانت آمریکا حتی به محمد رضا شاه

به دوست خودشان هم رحم نکردند. همین محمّد رضا را بعد از آنکه از ایران فرار کرد و يك مدّت کوتاهی به آمریکا رفت، از آنجا بیرون کردند، او را نگه نداشتند؛ یعنی این قدر هم به او وفاداری نکردند؛ این جوری هستند. (3)

سیلی آمریکا در انتظار جریانات مسلمان اعتمادکننده به آمریکا

هر فردی و هر جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار میکند، اگر به آمریکا اعتماد کرد، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی اش را خواهد خورد؛ کما اینکه خوردند. در همین چند سال اخیر جریانهای اسلامی، به خاطر مصلحت اندیشی، به خاطر عقل سیاسی - اسمش را میگذارند عقل - به خاطر تاکتیک که میگفتند این حرکت تاکتیکی است، با آمریکایی ها رفیق شدند، به آنها اعتماد کردند، چوبش را خوردند، سیلی اش را خوردند و حالا دارند مصیبتهایش را تحمّل میکنند. هرکسی با نام اسلام در جهت

ص: 56

1- . از جمله، در دیدار اقشار مختلف مردم 1394/6/18

2- . در دیدار جمعی از مسئولان قوای سه گانه و مسئولان برخی نهادها 1395/1/18

3- . در دیدار دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی 1392/8/12

اسلام حرکت میکند، اگر به آمریکا اعتماد بکند، خطای بزرگی مرتکب شده. (1)

تفاوت تشنج زدایی و اعتماد به دشمن

باید تشنج زدایی شود؛ اما تشنج زدایی غیر از این است که کسی به آنها اعتماد پیدا کند؛ نه، او هم به ما اعتماد ندارد؛ ما هم به او اعتماد نداریم. کسانی که در زمینه‌ی مسائل دیپلماسی فعالیت کنند، کاملاً میفهمند که بنده چه عرض میکنم. اصلاً میدان دیپلماسی، میدان یک نبرد واقعی است؛ منتها نبردی که پشت میز و با لبخند و با گفتن صبح به خیر و شب به خیر انجام میگیرد! وجود ارتباطات دیپلماتیک، هرگز نباید به معنای اعتماد به دشمن تلقی شود؛ نباید اعتماد کرد. (2)

ضربه‌ی آمریکا؛ جواب به اعتماد دکتر مصدق

هر ملتی به آمریکا اعتماد کرد، ضربه خورد؛ حتی آن کسانی که دوست آمریکا بودند. حالا در کشور ما دکتر مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد؛ برای اینکه بتواند خود را از زیر فشار انگلیس‌ها نجات بدهد، به آمریکایی‌ها متوسل شد؛ آمریکایی‌ها به جای اینکه به دکتر مصدق که به آنها حسن ظن پیدا کرده بود کمک کنند، با انگلیس‌ها همدست شدند، مأمور خودشان را فرستادند اینجا و کودتای 28 مرداد را راه انداختند. مصدق اعتماد کرد، کتکش را [هم] خورد؛ حتی کسانی که با آمریکا میانه‌شان هم خوب بود و به آمریکا اعتماد کردند، ضربه‌اش را خوردند. روابط رژیم طاغوتی سابق با آمریکا خیلی صمیمی بود، درعین حال زیاده‌خواهی آمریکا آنها را هم به ستوه آورده بود؛ همین کاپیتولاسیونی را که گفتیم - مصوبیت قضایی

ص: 57

1- . در مراسم بیست و هفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) 1395/3/14

2- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران 1379/4/19

مأمورین آمریکا - تحمیل کردند بر آنها؛ آنها هم پشتوانه ای جز آمریکا نداشتند، مجبور شدند قبول کردند. (1)

اعتماد گورباچف به آمریکا

گورباچف وقتی در سال 1985 حدود سالهای 64 و 65 سر کار آمد، يك عنصر جوان در قبال دبیرکل های پیر قدیمی بود. روشنفکر و خوش برخورد بود؛ شعاری که او مطرح کرد، شعار پروستریکا در درجه ی اول و گلاسنوست در درجه ی دوم بود. تعبیر فارسی پروستریکا، بازسازی و اصلاحات اقتصادی است؛ و گلاسنوست یعنی اصلاحات در زمینه ی مسائل اجتماعی، آزادی بیان و امثال اینها. در یکی دو سال اول، به وسیله ی رسانه ها، آواری از حرف و تحلیل و تفسیر و تشویق و جهت دهی و پیشنهاد بر سر گورباچف فرو ریخت و کار به جایی رسید که توسط مراکز آمریکایی، گورباچف به عنوان مرد سال معرفی شد! این در همان دوران جنگ سرد هم بود؛ یعنی در دورانی که آمریکایی ها شیخ هر موقّیتی را در شوروی با تیر میزدند! قبل از گورباچف، اگر واقعیتهای خوبی هم در شوروی وجود داشت، بشدّت آن را انکار میکردند و علیه آن تهاجم تبلیغاتی راه می انداختند. اما ناگهان نسبت به گورباچف چنین وضعی را پیش گرفتند! این آغوش باز غرب، به عنوان يك مشوّق بزرگ، گورباچف را فریب داد! من نمیتوانم ادّعا کنم که گورباچف کسی بود که غربی ها یا دستگاه های سیا او را سر کار آورده بودند آن چنان که بعضی کسان در دنیا ادّعا میکردند؛ من نشانه های این را واقعاً نمیبینم و البتّه خبری هم از پشت پرده ندارم؛ اما آنچه که مسلم است، آغوش باز، چهره ی باز، تجلیل و تبجیل و تشویق و احترام غربی ها، گورباچف را فریب داد. او به غربی ها و آمریکایی ها اعتماد کرد؛

ص: 58

اما فریب خورد. گورباچف کتابی به نام پروستریکا انقلاب دوّم نوشته که انسان نشانه های این فریب خوردگی را در آن مشاهده میکند. (1)

جای پای خیانت استکبار در کشور ما: قبل از انقلاب، در زمان جنگ، تحریمهای اخیر

غرب، کشورهای غربی، از اواسط دوران قاجار، علیه کشور ما فعالیتهايشان را شروع کردند؛ ضعف سلاطین قاجار موجب شد اینها دائماً همین طور امتیاز بگیرند، مدام فشار بیاورند، مدام دایره ی زندگی ما را تنگ کنند و پیشرفتهای ما را متوقف کنند. بعد به این نتیجه رسیدند که باید يك نفر از خودشان را بیاورند، که آوردند؛ رضاخان از خودشان بود. حالا بعضی ها همین را هم دارند خدشه میکنند و [میگویند] رضاخان را انگلیس ها بیاوردند؛ يك امر به این وضوح را که خودهایشان اقرار کردند، تکرار کردند، خود انگلیس ها گفتند، خود مسئولان حکومت طاغوت این را مکرر گفتند، اما اینها دارند انکار میکنند. واقع قضیه این است که رضاخان را آوردند، بعد که احساس کردند ممکن است آن چنان که مایلند در مشتشان نچرخد، او را برداشتند و پسرش را گذاشتند. بعد که باز از درون کشور يك حرکتی به عنوان نهضت ملی شروع شد، سرکوب کردند و بیست و هشتم مرداد را به وجود آوردند. بعد از بیست و هشتم مرداد، دستگاه جهنمی ساواک را به وجود آوردند. اینها را غربی ها کردند، اینها را همین انگلیس ها کردند؛ بعد از انگلیس ها نوبت آمریکایی ها بود. کشاورزی کشور را نابود کردند، پیشرفت علمی کشور را متوقف کردند، مغزهای فعال را دزدیدند و بردند یا متوقف کردند، طبقه ی جوان را به فساد و لابلایگری و اعتیاد و مشروب خواری و مانند اینها کشاندند؛ این کارهایی است که غرب در کشور ما کرده. نمیگویم ماها بی تقصیر بودیم، اما اداره ی کار و

ص: 59

تدبیر کار دست آنها بوده است و آنها کرده اند. تقصیر ما این است که ما در صدد علاج برنیامدیم، در صدد مقاومت برنیامدیم. امروز هم اگر مقاومت نکنیم، همان آتش است و همان کاسه؛ باز هم همین خواهد شد.

بعد، انقلاب اسلامی رخ داد؛ از روز اولی که انقلاب رخ داد غرب شروع کرد با ما مخالفت کردن. نه فقط مخالفت [بلکه] بنا کرد معارضا کردن. به صدام آنها کمک کردند، به ضد انقلابها در بخشهای مرزی کشور اینها کمک کردند؛ هم پول دادند، هم سلاح دادند، هم کمک سیاسی و فکری کردند. علیه انقلاب و دستگاه انقلاب و شخص امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) و مسئولین انقلابی اینها بودند که شایعه پراکنی کردند، لجن پراکنی کردند و دشمنی کردند. در جنگ هرچه توانستند به صدام کمک کردند؛ بمباران شهرهای ما به وسیله ی صدام انجام گرفت اما با پشتیبانی آنها؛ اگر آنها نبودند صدام نمیتوانست این کار را انجام بدهد. [سلاح] شیمیایی را آنها به صدام دادند، موشک را آنها دادند، میزها را آنها دادند، برنامه های جنگی را آنها برایش تنظیم کردند، این صحنه های جنگ به وسیله ی آنها طراحی شد، عکسهای هوایی از رفت و آمدهای سربازهای ما را آمریکایی ها به عراق و به صدام دادند؛ با ما این جوری رفتار کردند. بعد [هم] که جنگ تمام شد، تحریمها را آنها بر ما تحمیل کردند. ما با اینها مخالفتی [و] دشمنی ای نکردیم؛ خود ما یک بنایی را گذاشتیم و گفتیم ما به این بنا وفاداریم؛ اینها برای اینکه ما این بنا را گذاشتیم و مستقل از آنها است و تابع آنها نیست شروع کردند با ما دشمنی کردن. (1)

تجربیات درباره ی آمریکا

انعطاف در مقابل این دشمن - به خاطر مصلحت سنجی های موسمی ای که خب ما در یک مواردی داریم - تیغ دشمنی او را کُند

ص: 60

نخواهد کرد، بلکه او را گستاخ تر خواهد کرد؛ این هم يك تجربه است. فراموش نکنیم هر جایی که ما مقداری کوتاه آمدیم، آنها تندتر آمدند. همان رئیس جمهور شریری که خودش مجسمه ی شرارت بود - بوش دوّم (1) - در مقابل انعطافهایی که دولت وقت نسبت به او نشان داده بود، ایران را محور شرارت نامید و با افتخار ایستاد، اسم محور شرارت را روی ایران گذاشت؛ [چون] در مقابل او انعطافهایی نشان داده شده بود. الان هم شما ملاحظه کنید؛ ما خب در مقابل خیلی از این تحریمهایی که اینها ایجاد کردند، کارهایی که کردند، خلافهایی که کردند، اعتراض کردیم اما يك حرکت عملی قوی ای انجام ندادیم؛ [این] در واقع يك نوع هزینه پرداختن بود. در مقابل پرداختن این هزینه ها، حالا شما می بینید که رئیس جمهور آمریکا (2) و وزیر خارجه اش (3)، گستاخ، طلبکارانه، وقیح، می آیند به میدان و حرف میزنند، طلبکاری میکنند؛ عقب نشینی در مقابل آنها، انعطاف در مقابل آنها هیچ تأثیری در کم کردن دشمنی آنها ندارد. اگر چنانچه فرض کنیم کسی هست که احساس میکند «خب، يك دشمن این جوری را ما از سر باز کنیم، نگذاریم دشمنی کند.»، راه جلوگیری از دشمنی او، انعطاف و کوتاه آمدن نیست؛ اگر میخواهید کاری کنید که او دشمنی نکند، خیلی خب، راهش را پیدا کنید، اما این راهش نیست که ما در مقابل او کوتاه بیاییم و عقب نشینی کنیم. [این] البته مخصوص آمریکا هم نیست؛ غربی ها عمدتاً همین جور هستند. ما فراموش نمیکنیم - یعنی این جزو چیزهایی است که در تاریخ ما قابل فراموش شدن نیست - که در يك دوره ای رئیس جمهور ما (4) که طرف دار نرمش در مقابل غرب و مانند اینها بود، از طرف يك دولت غربی - از طرف آلمان؛ در ماجرای میکونوس -

ص: 61

1- . جورج دبلیو بوش

2- . دونالد ترامپ

3- . مایک پومپئو

4- . حجّت الاسلام والمسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی

به دادگاه احضار شد سر يك حرف بی ربط و بی منطقی؛ یعنی این قدر اینها چشم سفید و پُرو و وقیحند؛ از این قبیل اتّفاقات باز هم افتاده. این هم يك تجربه است. یادمان باشد راه جلوگیری از دشمنی این دشمنها، عقب نشینی و انعطاف و مانند اینها نیست.

يك تجربه ی دیگر، نقطه ی مقابل این است و آن، این است که ایستادگی در مقابل آنها، امکان بسیار زیادِ عقب نشانیدن آنها را دارد. در همین قضایای هسته ای این قضیه اتّفاق افتاد؛ در سال 83 و 84 همه ی تأسیسات ما تعطیل بود دیگر؛ میدانید که کارخانه ی یوسی اف (1) اصفهان را مُهر و موم کرده بودیم به خاطر همین مذاکراتی که کرده بودیم و برای اینکه پرونده ی جمهوری اسلامی عادی بشود، پرونده ی هسته ای ایران عادی بشود؛ هر چه ما عقب نشینی کردیم، آنها جلو آمدند؛ هر چه ما نرمش به خرج دادیم، آنها تندتر شدند؛ تا بالاخره به هیئت ایرانی گفتند آقا، تضمینی که شما باید بدهید، فقط به يك شکل حاصل میشود و آن این است که تمام تأسیسات هسته ای تان را جمع کنید؛ همه را جمع کنید! کاری شبیه کاری که لیبی انجام داد. تضمین واقعی این است؛ وّلاً تضمین صلح آمیز بودن فعالیت هسته ای شما جور دیگری ممکن نیست؛ فقط همین جور ممکن است که شما همه ی تأسیسات را حذف [کنید]؛ یعنی این جور اینها وارد میدان شدند. حالا کارخانه ی اصفهان - که خب يك کارخانه ی ابتدایی بود دیگر - تعطیل بود، غنی سازی هم اصلاً به معنای حقیقی خودش وجود نداشت؛ حتی ما برای اینکه يك یا دو یا سه سانتریفیوژ داشته باشیم، بحث میکردیم و میگفتند نمیشود! موافقت نمیکردند که ما يك سانتریفیوژ یا دو سانتریفیوژ یا سه سانتریفیوژ داشته باشیم. بعد، ما دیدیم اینها خیلی دارند زیادی حرف میزنند، زیادی پُرویی میکنند، واقعاً دارند وقاحت میکنند، گفتیم پس بازی تمام؛ مُهر و موم ها را شکستیم، کارخانه ی یوسی اف را

ص: 62

راه انداختیم، غنی سازی را در نظنز و بعد در جاهای دیگر همین طور راه انداختیم، رسیدیم به بیست درصد؛ یعنی ما از سه ونیم درصدی که اینها اجازه نمیدادند، حرکت کردیم و جوانهای مؤمن ما توانستند غنی سازی بیست درصد را تأمین کنند و کارهای فراوانی که در جریان هستید و میدانید. وقتی که به اینجا رسیدیم، اینها آمدند با اصرار، به يك معنا با التماس به ما گفتند که خیلی خب، حالا شما بیاید قبول کنید که بیست درصد را انجام ندهید، مثلاً پنج هزار یا شش هزار سانتریفیوژ داشته باشید - حالا اینها همانهایی بودند که سه سانتریفیوژ یا دو سانتریفیوژ را هم اجازه نمیدادند - [میگفتند] عیب ندارد؛ بیاید غنی سازی بکنید، مثلاً شش هزار سانتریفیوژ داشته باشید یا فلان مقدار غنی سازی سه ونیم درصد را داشته باشید؛ اینها همانها هستند. الان آقای دکتر روحانی گفتند؛ اینها - سازمان ملل و دستگاه های گوناگون سیاسی جهان - به خیال خودشان حق غنی سازی ایران را [به رسمیت] شناخته اند؛ بله، شناخته اند، [اما] منشأش مذاکره نیست؛ اشتباه نکنیم؛ منشأش پیشرفت ما است؛ ما چون پیشرفت کرده ایم، چون حرکت کرده ایم، چون به بیست درصد رسیده ایم، اینها به تب راضی شده اند؛ وَاَلَا اگر چنانچه بنا بود مذاکره کنیم و این را با مذاکره به دست بیاوریم، تا امروز و تا هرگز به دست نمی آمد. این هم يك تجربه است که در مقابل زیاده خواهی طرف مقابل و جبهه ی مقابل، انسان منافع خودش را دنبال کند و شجاعانه حرکت کند و پیش برود. (1)

10 - هزینه داشتن پیشرفت

راه دشوار رسیدن به پیشرفت

مهم این است که شما جوانها تصوّر نکنید که راهی که پیش روی ما است، يك اتوبان آسفالتی بی مانع است؛ نه. راه پیشرفت به روی ما باز

ص: 63

است اما راه پُرپیچ و خمی است، راه دارای فرازونشیبی است، موانعی در این راه وجود دارد، دشمن به طور کامل در مقابل ما فعال است. ما باید در مقابله ی با موانع، این راه را طی کنیم. (1)

بعضی ها به ذهنشان می آمد که چطور امام با این دقت و اهمّامی که در احکام دین و نسبت به جان و مال داشت و این همه ما در انقلاب و در جنگ شهید دادیم، دچار دغدغه نبود و با دل آرامی میتوانست دنیا را ترک کند و به ملاقات پروردگار برود؛ میگفتند جواب این خونها را که خواهد داد. جواب امام به این وسوسه ها این است که جواب این خونها را همان کسی خواهد داد که جواب خونهای صفّین و نهروان را داد. جواب این سختی ها را همان کسی خواهد داد که جواب سختی ها و رنجها و محنتهای امیرالمؤمنین را در دوران زندگی خواهد داد. انقلاب برای نجات يك ملت دارای هزینه است؛ جنگ هشت ساله برای دفاع از استقلال يك ملت دارای هزینه است؛ ایستادگی در مقابل زورگویان عالم برای اثبات حقّانیت و حقوق خود دارای هزینه است. امام این هزینه را پرداخت. هزینه ای که امام پرداخت، اعتماد عمومی مردم بود. این اعتماد عمومی را در این راه امام به کار انداخت و هزینه کرد، اما خدای متعال این هزینه را جبران کرد. آنچه را که امام هزینه کرده بود، چندبرابر به او برگرداند.

در تشییع جنازه ی این مرد بزرگ، جمعیتی که حضور پیدا کردند، از جمعیت مردم در روز استقبال او بیشتر بود. این معنایش همین است که «من كان لله كان الله له» (2). دلّهای مردم به او متوجّه بود. او این سرمایه را برای خود نخواست؛ این سرمایه از نظر او ملك پروردگار بود؛ باید در راه خدا مصرف میکرد و کرد؛ و خدا هم این سرمایه را به صورت مضاعف به او برگرداند. راه خدا این جور است؛ راه خدا مجاهدت دارد، هزینه دارد و

ص: 64

1- . در همایش ده ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی 1397/7/12

2- . بحار الانوار، ج 79، ص 197

هزینه ی آن را باید پرداخت.

يك ملت اگر اهل خدا هم نباشد، دین و قیامت را هم قبول نداشته باشد و بخواهد به عزّت برسد، باید هزینه کند؛ بخواهد به استقلال برسد، باید هزینه ی آن را پردازد؛ بخواهد حقّ خود را در مقابل زورگویان عالم حفظ کند، باید متحمل هزینه ی آن بشود. نمیشود گوشه ای نشست و توقع و آرزوی پیشرفت و توسعه و عزّت و آقایی کرد، اما در میدان عمل هیچ کوشش و تلاشی نشان نداد؛ این شدنی نیست. بعضی ها همین قدر این را بلدند که گله کنند، کمبودها را مطرح کنند، شکوه کنند؛ اما سهم خود را در راه پیشرفتی که باید پرداخت، چگونه میپردازند؟ از این دیگر حرفی نمیزنند. آن وقتی که وقت تلاش و سعی است، تماشاچی اند؛ آن وقتی که وقت داوری است، بی رحمانه و غیر منصفانه داوری میکنند؛ این نمیشود. يك ملت، يك جمعیت، يك فرد، برای اینکه بتواند به آرزوهای بلند خود دست پیدا کند، باید تلاش کند. ملت ما این تلاش را کرد و توانست انقلاب را پیروز کند. این تلاش را کرد و توانست در جنگ تحمیلی هشت ساله، سربلند از آب دربیاید. (1)

ص: 65

1- . در دیدار هزاران نفر از مردم در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) 1386/3/14

مقاومت؛ از نکات اساسی در وصیت نامه و بیانات حضرت امام خمینی (قدس سره)

يك نکته ی اساسی دیگر در وصیت نامه و در بیانات امام، مسئله ی مواجهه ی با زورگویان عالم است. قدرتهای سلطه گر و زورگوی جهانی البته در طول تاریخ همیشه بوده اند، اما با پیشرفت علم و صنعت و با امکانات ارتباطاتی مدرن، این سلطه گری برای آنها آسان تر شده است. لذا می بینید آمریکایی ها نسبت به همه ی جهان ابراز طمع ورزی میکنند و با این بهانه که منافع ما در فلان جا به خطر افتاده است، وارد میشوند. گویا منافع آنها بر منافع همه ی دنیا ترجیح دارد؛ بر منافع ملت‌ها ترجیح دارد. خوب، در مقابل این زورگویی و گردن کلفتی و حرف نشنوی و حق ناشناسی چه جور باید برخورد کرد؟ دو جور برخورد وجود دارد: يك برخورد، تسلیم است؛ يك برخورد، مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگورا به زورگویی تشویق میکند. تسلیم ملت‌ها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگویی های استکبار جهانی، مشوق آنها در پیشرفت است؛ مشوق آنها در زورگویی بیشتر است. برای ملت‌ها يك راه حقیقی بیشتر باقی نماند و آن مقاومت است. اگر يك ملتی میخواهد شر زورگویی زورگویان - و امروز شر آمریکا - را از سر خود کم کند، باید در مقابل زورگویی آمریکا با قدرت و صلابت تمام بایستد.

... یکی از برجسته ترین نقاط خط امام که در وصیت نامه و در همه ی بیانات امام منعکس است، لزوم ایستادگی قاطع در مقابل طمع ورزان و مستکبران است.

این موضع را ملت ایران و همه ی مجموعه های گوناگون و نخبگان کشور که پایبند به امام و وفادار به آراء و افکار امام هستند، باید با قوت تمام حفظ کنند؛ خود امام این جور بود. امام هیچ وقت به خاطر ملاحظه ی زورگویان عالم، از دفاع از مظلومین عالم دست نکشید. امام در طول زمان از مسئله ی فلسطین به عنوان يك مسئله ی اصلی یاد کرد. امام صریحاً در وصیت نامه و بیانات خود به ندای «یا لکلمسلمین» ملت های مظلوم اهمّیت می دهد؛ دفاع صریح از حقوق مظلومین، دفاع صریح از حقوق ملت فلسطین و هر ملت مظلوم دیگر. این روش امام است؛ این خط امام است؛ این شیوه ی امام و این توصیه و وصیت امام است. خوشبختانه این روش را ملت ایران و مسئولین کشور دنبال کردند و سی سال است که در هر میدانی که شما ملت ایران با استکبار آمریکا مواجه شدید، شما پیروز شدید و دشمن شما مغلوب و دچار باخت شد.

... امروز قوای ثلاثه و مسئولان گوناگون کشور - اعم از نظامی و غیر نظامی و سیاسی و اجتماعی و خدماتی - باید دستورالعمل کار خود را همین وصیت نامه ی امام و راهنمایی های امام قرار بدهند. عزت ملت ایران، امنیت پایدار ملت ایران، رشد و توسعه ی مادی ملت ایران، اعتلاء معنوی و اخلاقی ملت ایران، در گروی عمل کردن به این توصیه ها است. (1)

مقاومت و ایستادگی؛ از شعارهای کهنه نشدنی انقلاب

جمهوری اسلامی به معنای حقیقی - یعنی همان جمهوری اسلامی که امام (رضوان الله تعالی علیه) برای ما پایه گذاری کرد و به کشور ما هدیه داد - میتواند

ص: 70

همین خصوصیات را تأمین کند؛ اقتدار بین المللی را، اقتدار سیاسی را، عزّت را، رفاه دنیا و آبادی معنوی آخرت را. اما مراقب باشید يك نظام جمهوری اسلامی تقلّبی نخواهند برای ما درست کنند؛ کاری که در ده سال گذشته هم بعضاً حرکاتی انجام گرفت، اما خدای متعال مهار کرد؛ مردم بیدار بودند، هشیار بودند، اجازه ندادند. میخواستند کارهایی بکنند، شعارهای امام را به موزه بسپزند؛ صریحاً میگفتند که اینها کهنه شده! نه، شعارهای انقلاب کهنه شدنی نیست؛ همیشه تازه است، همیشه برای آحاد مردم جذاب است. شعاری که به نفع مستضعفین است، شعاری که به نفع عزّت ملی است، شعاری که در آن مقاومت و ایستادگی است، این شعارها هیچ وقت کهنه نمیشود؛ برای هیچ ملّتی کهنه نمیشود، برای نظام ما هم کهنه نخواهد شد. (1)

بصیرت و عزم؛ دو عامل آسان شدن راه

بصیرت داشته باشیم، دشمن را بشناسیم، دوست را بشناسیم. امروز در کشورهای اسلامی، کشورهایی هستند که مسئولان آن کشورها دچار خطای باصره اند؛ نمیتوانند دوست را از دشمن تشخیص بدهند. دشمن را دوست خیال میکنند، دوست را دشمن خیال میکنند؛ خب، انسان ضربه میخورد. يك چنین کشوری، با چنین نگاهی، با چنین بینشی، دچار ضربه میشود؛ بصیرت لازم است. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعِيَ» (2). اگر بصیرت وجود داشته باشد، انسان راه را درست بشناسد، آن وقت عزم و اراده هم به خرج بدهد و نشان بدهد، راه، آسان پیموده خواهد

ص: 71

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1388/6/20

2- . سوره ی یوسف (ع)، بخشی از آیه ی 108، ترجمه: «بگو: این است راه من، که من و هرکس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت میکنیم...»

شد؛ نصرت الهی یعنی همین؛ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛ از این واضح تر و از این صریح تر، چه میشود گفت؟ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبَيِّتْ أَقْدَامَكُمْ»⁽¹⁾؛ نصرت خدا یعنی همین؛ راه خدا را شناختن و پیدا کردن، دنبال آن رفتن، به توطئه ی دشمن، به تحمیق دشمن، به تحمیل دشمن تن ندادن. قرآن این را برای ما تأمین میکند.⁽²⁾

مقاومت در برابر فشار مادیگری مدرن؛ از اصول امام خمینی (قدس سره)

اصول جمهوری اسلامی که همان راه امام و مبانی مسلم اسلام است، به رغم دشمن، در ایران اسلامی، معتبر و مبنای زندگی سیاسی و اجتماعی ما است و دولت و ملت ایران، زندگی در سایه ی اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) را که با فداکاری و بذل عزیزترین جانها به دست آمده، در هیچ شرایطی از دست نخواهند داد و اصول امام خمینی (رضوان الله علیه) و در رأس آن اصل عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادیگری مدرن، برای منزوی کردن اسلام و قرآن، اصول همیشه زنده ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.⁽³⁾

صبر و ایستادگی؛ درس خداوند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

خداوند متعال در اول بعثت پیغمبر چند خطّ اساسی را جلوی پای رسول گرامی خود گذاشت که باتوجه به این چند خط و چند جهت گیری مهم، پیغمبر اکرم بتواند این بار سنگین بی نظیر را تحمل کند. یکی از این خطوط، صبر بود؛ «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ»؛ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ. قُمْ فَأَنْذِرْ. وَ

ص: 72

1- . سوره ی محمد (ص)، بخشی از آیه ی 7، ترجمه: «... اگر خدا را یاری کنید یاری تان میکند و گامهایتان را استوار میدارد.»

2- . در دیدار شرکت کنندگان در سی و دومین دوره ی مسابقات بین المللی قرآن کریم 1394/3/2

3- . پیام به کنگره ی عظیم حج 1372/2/28

رَبِّكَ فَكَبِّرْ. وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ. وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ. وَلَا تَمُنُّنَّ تَسْتَكْبِرُ. وَ لِرَبِّكَ فَاصْبِرْ»(1)؛ خداوند متعال خط صبر را جلوی پیغمبر گذاشت. باید صبر کرد. صبر یعنی پایداری، یعنی خسته نشدن، یعنی مغلوب مشکلات نشدن. مشکلات گوناگون بر سر راه همه ی ما هست؛ باید مغلوب نشویم.(2)

اهمیت استقامت در مراحل حرکت انقلاب اسلامی به سوی تمدن اسلامی

فرایند تحقق هدفهای اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک میشود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است. قدم اول که پرهیجان تر و پرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان ترین است. قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه ی عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی - که از اینها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل تر از مراحل قبلی است... تشکیل دولت اسلامی، مرحله ی سوم است.

بعد از این مرحله، مرحله ی تالو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ی ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه میشویم: «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»(3). اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم - که از همت مردان و زنان

ص: 73

- 1- . سوره ی مدثر، آیات 1 الی 7، ترجمه: «به نام خداوند رحمتگر مهربان. ای کشیده ردای شب بر سر. برخیز و بترسان. و پروردگار خود را بزرگ دار. و لباس خویشتن را پاک کن. و از پلیدی دور شو. و منت مگذار و فزونی مطلب. و برای پروردگارت شکیبایی کن.»
- 2- . در دیدار طلاب خارجی حوزه ی علمیّه ی قم 1389/8/3
- 3- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 143، ترجمه: «تا بر مردم گواه باشید.»

مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست - آن وقت مرحله ی بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. ببینید؛ فرایند تحقق نظام اسلامی، همین طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک میشود. نمیشود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه، ما باید به خود پردازیم. پس یکی از چیزهایی که ما لازم داریم، استقامت و پایداری است. استقامت، یعنی مسیر و جهت گیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از اینکه به ما بگویند خطا کرده اید، بدمان نیاید. (1)

تفاوت مقاومت با بی تدبیری

امروز هم علاج کار ملت ایران در ایستادگی و مقاومت است. البته معنای مقاومت بی تدبیری نیست. من روایتی را از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) یادداشت کرده بودم که میخواستم اوایل صحبتیم بخوانم؛ ولی الان آن را میخوانم. حضرت خطاب به «عبدالله بن مسعود» - صحابی معروف - میفرمایند: «یا ابن مسعود! اذا عملت عملاً فاعمل بعلم و عقل»؛ ای پسر مسعود! هر کاری که میخواهی انجام بدهی، با دانش و خرد انجام بده. این، استثنا ندارد و شامل همه ی کارها میشود؛ اینها شعارهای اسلامی است. حالا عدّه ای میخواهند به مسلمانان - که این مطالب 1400 سال جزو فرهنگشان بوده است - یاد بدهند که دنبال علم و خرد بروند! این حرفها کهنه بشو هم نیست؛ همیشه تازه است. «و ایاک و أن تعمل عملاً بغير تدبیر و علم»؛ مبادا هیچ کاری را بدون تدبیر و دانش انجام دهی؛ همه ی کارها باید سنجیده و علمی صورت گیرد. «فإنّه جلّ جلاله یقول: وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَصَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا» (2)؛ (3)؛ چون خداوند میفرماید: مثل آن پیرزنی نباشید که پشم را

ص: 74

1- . در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1380/9/21

2- . سوره ی نحل، بخشی از آیه ی 92

3- . بحارالانوار، ج 74، ص 110

نخ میکرد، بعد نخها را دوباره پشم میکرد. اگر کار را بی منطق و بی دانش و بی تدبیر انجام دهید، قوتی را که خدا به شما داده، واژگون کرده اید و ذخیره ی علم و عقل را به زمین ریخته اید و به عقب برگشته اید. ما نباید به عقب برگردیم.

مقاومتِ باتدبیر، جزو شعارهای نظام اسلامی است و مسئولان این موضوع را مدّ نظر دارند. البتّه میتوان هر کاری را تفسیری کرد تا از آن بی تدبیری بیرون بیاید. دشمن این کارها را میکند و يك عده هم مفت و مجّانی بلندگوی دشمن میشوند و همان چیزی را که دشمن میخواهد، تکرار میکنند؛ گویی روی این قضیه هیچ فکر و تدبیر و کارِ کارشناسی نشده است. البتّه نمیخواهم بگویم مسئولان ما اشتباه نمیکنند؛ اشتباه مربوط به همه ی آحاد بشر است و از ما جدایی ناپذیر است؛ لیکن ضریب اطمینان وقتی بالا میرود که انسان بداند مسئولان کشور فکر و تدبیر و مطالعه و مشورت میکنند؛ بخصوص در زمینه های حسّاس تر که تعیین سیاستهای کلی است و با زمینه و منطقه ی اجرا هم تماس مستقیم ندارد و خطوط را معین میکند و در آن، کارهای کارشناسی بسیار وسیع و دقیق و پی در پی صورت میگیرد. با این تدبیر، ملّت ایران باید مقاومت کند و همین مقاومت موجب شده تا الان پیش برود.

عزیزان من! ما در اوایل پیروزی انقلاب، استاد، پزشک، دانشمند و محقق کم داشتیم. اولاً خودِ کشور کم داشت، ثانیاً بعضی کسان هم به ملّت خود پشت کردند و دست یاری به ملّت و انقلاب ندادند؛ امّا نظام بنا را بر مقاومت گذاشت. این مقاومت، امروز نتیجه اش این است که در همین استان شما نسبت دانشجوی به قبل از انقلاب - طبق گزارشی که رئیس دانشگاه داد و بنده هم اطلاع داشتم - 250 برابر شده است! همین مرکز تحصیلات تکمیلی که در اینجا تشکیل شده و همین محقق جوانی که آمدند و صحبت کردند و مجموعه ای از نخبگان که دور هم گرد آمده اند،

دستاوردهایی است که نمیشود برای آن قیمت گذاشت. اینها همه به برکت انقلاب انجام شده است؛ حالا بیاییم از همه ی فعالیتهای نظام، چهره ی تاریک و سیاه ترسیم کنیم؟ (1)

دو پیام ملت ایران

آن طوری که بنده نگاه میکنم، دو پیام در این راه پیمایی های بیست و دوم بهمن وجود داشته است: یکی پیام استقامت، یکی پیام وحدت. استقامت یعنی چه؟ یعنی ملت ایران بر روی آرمانهای انقلاب ایستادگی دارند. ما آرمانهای ایجابی هم داشتیم، آرمانهای سلبی هم داشتیم؛ آرمانهای ایجابی ما عبارت بوده است از اینکه: ما دنبال عدالت اجتماعی هستیم؛ ما دنبال حضور مردمی در حوادث گوناگون کشور هستیم؛ ما دنبال اسلام هستیم؛ ما سعادت کشور را در عمل به تعالیم اسلامی میدانیم؛ ما دنبال اقتصاد مستقل هستیم؛ دنبال فرهنگ غیر وابسته ی به بیگانگان و فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی خودمان هستیم؛ ما دنبال پناه دادن به مظلوم و مقابله ی با ظالم هستیم؛ ما دنبال پیشرفت کشور هستیم؛ ما دنبال برجستگی علمی کشور هستیم؛ میخواهیم کشورمان در علم، در اقتصاد، در فرهنگ، در امور اجتماعی، در اخلاق، در معنویت، پیشرو و پیش قدم باشد؛ پیامهای مثبت ایجابی انقلاب ما اینها است. یک پیامهای سلبی هم انقلاب داشت؛ پیام سلبی انقلاب این است که: ما تسلیم زورگویی نمیشویم، تسلیم باج خواهی نمیشویم، تسلیم نظام سلطه نمیشویم. (2)

ص: 76

1- . در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه های استان زنجان 1382/7/22

2- . در دیدار مردم آذربایجان به مناسبت قیام بیست و نهم بهمن مردم تبریز 1392/11/28

ما دنباله رو راه امام بزرگواریم. میخواهم به شما ملت عزیز عرض کنم: ملت بزرگ ایران! شما در طول این هفده سال که از اول انقلاب گذشته است، تا امروز، علی رغم تهدیدها و فشارهای دشمن، روزبه روز پیشرفت کرده اید. هیچ کس نمیتواند انکار کند که دستهای خدمتگزار و بازوان توانا در بخشهای مختلف این کشور، طی این هفده سال، مملکت را پیش بردند. این کشور، ایرانی نیست که در دوران ستم شاهی، با آن همه نابسامانی، با آن همه محرومیت و با آن همه تبعیض بود. در این کشور، در طی این هفده سال انقلاب، کار و تلاش و خدمتی انجام گرفته است که در همه ی عمر آن رژیم پلید فاسد، انجام نگرفته بود. این، نکته ی اول.

نکته ی دوم این است که همه ی این پیشرفتها در حالی انجام گرفته است که دشمنان ما - یعنی آمریکا و هم پیمان های آمریکا در مسائل سیاسی و اقتصادی و غیره - به طور مداوم ما را تهدید کردند؛ مدام به ما گفتند: «محاصره ی اقتصادی میشود.»؛ پیوسته گفتند: «از گرسنگی میمیرید.»؛ دائم گفتند: «راه سازندگی در این کشور، بسته خواهد شد.»؛ و ده ها تهدید دیگر. بحمدالله، این همه پیشرفتی که انجام گرفته است، علی رغم تهدیدها، دشمنی ها و فشارهای آنها انجام گرفته است.

نکته ی سوم این است که عزیزان من! برادران و خواهران من! ای ملت بزرگ! بدانید، امروز هدف عمده ی آمریکا و استکبار این است که انقلاب را، جمهوری اسلامی را و ملت ایران را وادار کند که از حرف خود برگردد. اعلام کند که از حرف خود و از حرف امام برگشته است؛ همه ی همّتش مصروف این است؛ چرا؟ برای اینکه ببیند پیام امام، ملتهای مسلمان را بیدار کرده است. به ملتهای گوناگون دنیا و عمدتاً ملتهای مسلمان نگاه کنید! ببینید چطور تحت تأثیر پیام امام بزرگوار قرار دارند! استکبار فهمیده است که اگر بخواهد ملتها را ساکت کند، از راه صحیح منحرف سازد و سر

جای خود بنشانند، تنها راهش این است که کاری کند که این ملت‌ها ببینند ایران اسلامی و ایران امام، از راه خود برگشته است؛ تا همه مایوس شوند و از راه خودشان برگردند. استکبار این را فهمیده است و همه ی تلاشش برای این است. امروز از اطراف دنیا، بر دولت جمهوری اسلامی فشار می آورند، برای اینکه در قضیه ی اسرائیل، کوتاه بیاید، در قضایای اسلامی کوتاه بیاید، در ندا دادن شعارهای اسلامی کوتاه بیاید و این قدر دم از اسلام و قرآن - که بین ملت‌های اسلامی مشترك است - نزند. همه ی فشارها برای این است. (1)

دعوت همه ی انسانهای دین دار به ایستادگی در برابر شیطان بزرگ

امام بزرگوار ما آمریکا را «شیطان بزرگ» نام گذاری کردند. شیطان یعنی چه؟ شیطان آن موجودی و آن عنصری است که همه ی انسانهای دین دار و موحد عالم باید در مقابل او بایستند. امام با این نام گذاری در واقع بسیج کردند همه ی موحدین عالم را، همه ی دین داران عالم را، همه ی ملت‌های باانصاف عالم را در مقابل آمریکا؛ و این هدف تا حدود زیادی توفیق پیدا کرده است و بیش از این هم توفیق پیدا خواهد کرد؛ دشمن هم تلاش میکند بلکه بتواند ملت ایران را منصرف کند. (2)

ص: 78

1- . در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی (ره) 1375/3/14

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1397/9/21

- عرصه های صبر فردی و اجتماعی

1 - مقاومت سیاسی

فصل اول: جهاد کبیر

فصل دوم: مقابله ی با نفوذ

فصل سوم: هسته های مقاومت

2 - مقاومت فرهنگی

3 - مقاومت اقتصادی

4 - مقاومت نظامی

5 - مقاومت بر حفظ اصول

ص: 81

در باب صبر شنیده اید، معروف است، روایات متعددی هم دارد که صبر در سه عرصه است: صبر بر طاعت، صبر از معصیت، صبر در مصیبت. این، روایات فراوانی دارد و شنیده اید.

صبر بر طاعت یعنی وقتی که یک کار لازم را، یک کار واجب را، یک امر عبادی را، اطاعت خدا را میخواهید انجام بدهید، از طولانی شدن آن ملول و خسته نشوید؛ میان راه رها نکنید. حالا مثلاً در امور عبادی ظاهری، شخصی، فرض کنید که فلان نماز مستحبی که طولانی است، یا از فلان دعای طولانی انسان خسته نشود؛ این صبر بر طاعت یعنی این. از ادامه ی روزه ی ماه رمضان، از ادامه ی توجه به خدا در نمازهای واجب و فرایض، از توجه به قرآن، انسان ملول نشود؛ خسته نشود. این صبر بر طاعت است.

صبر از معصیت یعنی در مقابل معصیت، گفنفس کردن، باز همان استقامت، باز همان استحکام. در مقابل اطاعت، استحکام آن جور است؛ در مقابل معصیت استحکام به این است که انسان جذب نشود، اغوا نشود، تحت تأثیر شهوات قرار نگیرد. یکجا شهوت جنسی است، یکجا پول است، یکجا مقام است، یکجا محبوبیت و شهرت است؛ اینها

همه شهوات انسانی است. هرکسی يك جور شهوتی دارد. اینها انسان را به خودش جذب نکند در وقتی که در راه رسیدن به آن، يك عمل حرامی وجود دارد. مثل بچه ای که برای رسیدن به آن ظرف شیرینی مثلاً، حرکت میکند، دیگر وسط راهش پارچ آب هست، لیوان هست، ظرف چینی هست، متوجه نیست؛ میزند، میشکند. انسانی که مجذوب گناه شد، این جوری است؛ نگاه نمیکنند که بر سر راهش چه هست. این خطرناک است؛ چون انسان غافل هم هست. انسان در آن حال متنبه نیست، ملتفت نیست، غفلت دارد؛ از این بی توجهی خودش غافل است. بچه ملتفت نیست که «ملتفت نیست»؛ توجه ندارد که به این پارچ آب یا به این ظرف چینی یا به این گلدان قیمتی دارد بی توجهی میکند. به نفس این بی توجهی، بی توجه است. لذاست که خیلی باید چشممان را باز کنیم؛ احتیاط کنیم که دچار این غفلت مضاعف نشویم. این صبر از معصیت است.

صبر در مصیبت هم که معنایش این است که حوادث تلخی برای انسان پیش می آید؛ فقدانها، فراغها، مرگ و میرها، دست تنگی ها، بیماری ها، دردها، رنجها و از این قبیل حوادث تلخ؛ این حوادث انسان را درهم نشکند، خیال نکند که دنیا به آخر رسیده است. این سه عرصه برای صبر است که هر سه عرصه هم دارای اهمیّت است. اینکه فرمود: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ»⁽¹⁾، در واقع خدای متعال برای همه ی اینها صابر را مورد صلوات و رحمت خود قرار داده است.

يك نکته ای که در اینجا وجود دارد، این است که این سه عرصه گاهی در مسائل صرفاً شخصی است، مثل همین مثالهایی که به ذهن می آید و همه میدانیم و عرض شد؛ گاهی در مسائل غیر شخصی است؛ مسائل اجتماعی، مسائل عمومی، یا به تعبیر دیگر، مسائلی که سروکار دارد با سرنوشت يك مجموعه، يك امت، يك ملت، يك کشور. فرض

ص: 84

بفرمایید آن اطاعتی که انسان باید بر آن پافشارد، اطاعتی است که اگر آن را انجام بدهیم یا ندهیم، به سرنوشت يك کشور ارتباط پیدا میکند. فرض بفرمایید اطاعت جهاد فی سبیل الله مثلاً، در دوران دفاع مقدس؛ رفتن به جبهه يك اطاعت بود دیگر؛ ایستادگی در امر دفاع از کشور و دفاع از نظام يك امر لازم و يك اطاعت بود. ایستادگی بر دفاع چیزی نبود که فقط مربوط به شخص خود انسان باشد؛ هر رزمنده ای که میرفت، در واقع داشت سرنوشت کشور را با رفتن خود و ایستادگی خود رقم میزد. يك وقت اطاعت این جور است. یا فلان کار بزرگ را که شما نماینده ی مجلسید یا وزیرید یا مدیرید یا نظامی هستید یا در يك مؤسسه ی فرهنگی مشغول کارید - هر کدامی در هر جا که مشغول کار هستید - و اقدام لازمی را باید انجام بدهید، این اقدام، اطاعت است؛ اطاعت خدا است؛ خدمت به بندگان است. این يك جهتِ اطاعت به خدا، وظیفه ی در نظام اسلامی است. این هم يك جهت دیگر اطاعت از خدا. مأمورین این دستگاه، این نظام الهی، کارهایی که انجام میدهند، وظایف الهی است که دارند انجام میدهند؛ از صدر تا ذیل. اگر چنانچه از این کار شما خسته شدید - مأمور انتظامی هستید، خسته شدید؛ مأمور اقتصادی هستید، خسته شدید؛ مأمور امنیتی هستید، خسته شدید؛ مأمور سیاسی هستید، خسته شدید - این بی صبری است. این خلاف توصیه ی «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»⁽¹⁾ است. به صبر استعانت کنید و از صبر کمک بگیرید.

یا يك چیزی که معصیت است؛ معصیتی که تبعه ی آن، دنباله ی زشت و ناخوشایند آن فقط دامنگیر شخص شما نمیشود. «وَإِتَّقُوا فِتْنَةً لَأُتْصِبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً»⁽²⁾. گاهی يك چیزهایی است که انسان يك حرکت خلافی را انجام میدهد، يك حرف نابجایی را میزند، يك اقدام

ص: 85

1- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 45، ترجمه: «از شکیبایی و نماز یاری جوید.»

2- . سوره ی انفال، بخشی از آیه ی 25، ترجمه: «و از فتنه ای که تنها به ستمکاران شما نمیرسد بترسید.»

نابجایی را میکند، يك امضای نابجایی را میکند - ما مسئولین و ضعمان این جور است - که تبعاتش دامنگیر يك کشور یا يك جماعتی از کشور یا يك قشر میشود. این شد گناه. اینجا صبر از معصیت، معنای عظیم تری پیدا میکند. این صبر با آن صبری که شما مثلاً در مقابل يك رشوه قرار گرفته اید، صبر میکنید و رشوه را نمیگیرید، فرق میکند. این بسیار کار ممدوحی است، بسیار کار بزرگی است؛ اما يك صبر در مقابل يك گناه شخصی است. از این بالاتر، صبر در مقابل گناهی است که این گناه فقط دامن شخص را نمیگیرد، دامن مجموعه را میگیرد. پس صبر از معصیت، چنین میدانی دارد.

صبر بر مصیبت هم همین جور است. مصائب گاهی مصائب شخصی انسان است، گاهی مصائب عمومی است. الان فرض بفرمایید مسئولین کشور با توطئه های گوناگون، با تهمتها، با بدگویی ها، با اهانتها و افتراهای صریح مواجهند؛ می بینید دیگر توی این مجموعه ی عظیم ارتباطات بین المللی و این خبرها و رسانه ها و نوشتارها و گفتارها، چقدر حرف زده میشود. علیه اسلام جداگانه؛ یعنی علیه جمهوری اسلامی به خاطر اسلام، علیه جمهوری اسلامی به خاطر انقلاب؛ علیه جمهوری اسلامی به خاطر تك تك آرمانهای نامطلوب از نظر استکبار؛ و علیه جمهوری اسلامی به خاطر بعضی از اشخاصی که در جمهوری اسلامی هستند که آنها نمی پسندندشان. یعنی علیه جمهوری اسلامی از طرق مختلف، به جهات مختلف این تهاجمات هست. خب، اینها مصیبت است، صبر کردنش هم آسان نیست. بعضی از سران و مسئولان دنیا که ما آنها را از نزدیک دیده ایم و از حالات بعضی شان شنیده ایم، هستند که اینها گاهی يك زاویه ی بسیار بازی پیدا میکنند از اهداف و خطّ مستقیمی که به خیال خودشان ترسیم کردند؛ فقط به خاطر همین مسائل و ملاحظات بین المللی و اهانتهای بین المللی. تحمّل اینها برایشان سخت است. پس این

هم صبر در مصیبت.

بنابراین صبر را با همه ی اهمّیتی که دارد در این سه عرصه، يك بار در مسائل شخصی باید ملاحظه کرد - که مهم است و من و شما بیشتر از دیگران باید به آن اهمّیت بدهیم - يك بار در عرصه ی مسائل اجتماعی و سیاسی و عمومی و ملّی و همگانی که آن مخصوص من و شما است؛ یعنی مبتلابه آحاد مردم نیست؛ آنها این جور چیزهایی ندارند؛ مال ماها است؛ مال من است، مال شما ی دولتی است، مال شما ی قضایی است، مال شما ی نماینده ی مجلس است، مال مسئولین است. در هر دو مرحله، در هر دو سطح بایستی این سه عرصه را مورد نظر قرار داد و از صبر كمك گرفت؛ از صبر استعانت کرد. (1)

خرّمشهرهای پیش رو

جوانهای عزیز! بچه های عزیز من! فردا مال شما است، آینده مال شما است؛ شما هستید که باید این تاریخ را با عزّتش محفوظ نگه دارید؛ شما هستید که این بار مسئولیت را بر دوش دارید؛ خرّمشهرها در پیش است؛ نه در میدان جنگ نظامی، [بلکه] در يك میدانی که از جنگ نظامی سخت تر است. البته ویرانی های جنگ نظامی را ندارد؛ بعکس، آبادانی به دنبال دارد، اما سختی اش بیشتر است. (2)

مقاومت در برابر دشمن؛ مقصود از مبارزه

مقصود از مبارزه این است که ملت ایران، در مقابل کید و تعرّض و دست اندازی و تلاشهای سیاسی دشمن و انواع و اقسام کارهایی که میکند تا دوباره کشور ایران را به یکی از اقمار خود تبدیل نماید، با شدّت و قدرت

ص: 87

1- . در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام 1387/6/19

2- . در مراسم دانش آموزی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3

خواهد ایستاد و مقاومت خواهد کرد؛ مبارزه، یعنی این. مبارزه با استکبار، یعنی هرجا که در سطح جهان، دستمان برسد، نسبت به استکبار، افشاگری خواهیم کرد. هرجایی که مظلومی، از ظلم استکبار دچار آسیب است و به جان آمده، ما هرطور بتوانیم، طرف آن مظلوم را خواهیم گرفت. (1)

ما از چه چیزی واهمه داشته باشیم؟ چرا واهمه داشته باشیم؟ البته بدیهی است که وقتی میگوییم مبارزه، معنایش این است که در این موضع قدرتمندانه و برخاسته از ایمان و اراده می ایستیم و تسلیم کسی نمیشویم. معنایش این نیست که لشکرکشی میکنیم و به جنگ با آمریکا میرویم! کار و هدف ما، این نیست. البته هر متجاوز هم اگر تجاوز کند - هرکه میخواهد باشد؛ از آمریکا گرفته تا دستها و ابزارها و کوچک ابدالهایش در هرجای دنیا - با مشت محکم این ملت روبرو خواهد شد. در این تردیدی نیست. آنچه که برای این ملت اصل است، همان ایستادگی و مقاومت و مبارزه ی حقیقی است که خدای متعال را خشنود و قلب مقدس ولی عصر (ارواحنافداه) را از شما راضی و حالت انتظار آن بزرگوار را در شما تقویت میکند و روح مبارك امام را از شما شاد مینماید و دشمن را ناکام خواهد کرد. امیدواریم که خداوند متعال، این توفیق را به همه ی شما عنایت کند. (2)

1 - مقاومت سیاسی

فصل اول: جهاد کبیر

جهاد امروز ما، تبعیت نکردن از دشمن در میدانهای گوناگون

[امروز] جنگ نظامی مطرح نیست؛ امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی

ص: 88

1- . در دیدار به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی 1375/8/9

2- . همان

است؛ جهاد يك چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد يك معنای بسیار وسیع تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: «وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»⁽¹⁾؛ در سوره ی مبارکه ی فرقان است؛ «بِهِ» یعنی به قرآن، «جَاهِدْهُمْ بِهِ» یعنی به وسیله ی قرآن با آنها جهاد کن؛ «جِهَادًا كَبِيرًا». این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوانهای عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمانها مأمور به جنگ نظامی نبودند؛ کاری که آنها میکردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه ی شریفه میگوید: «وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا». آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. «فَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»⁽²⁾؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم بندی غیر از تقسیم بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است؛ جهاد اکبر که از همه سخت تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ میکند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر يك جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه ی با توفیق گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدانهای مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدانهای مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر»⁽³⁾.

ص: 89

1- . سوره ی فرقان، بخشی از آیه ی 52، ترجمه: «... و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز.»

2- . همان

3- . در مراسم دانش آموزتگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3

الزامات جهاد کبیر؛ اخلاص و هوشمندی

این جهاد (1) هوشمندی لازم دارد، این جهاد اخلاص لازم دارد. این جهاد مثل جهاد نظامی نیست که کسانی در آنجا بدرخشند و چه شهیدشان، چه زنده شان و چه جانبازشان مثل قهرمان نشان داده بشوند - که ماها افتخار میکنیم به این شهدا و این جانبازان و ایثارگران - این جهاد جهادی است که ممکن است کسی خیلی هم زحمت بکشد، اما چهره ی او را هیچ کس نشناسد؛ اخلاص لازم دارد این جهاد. (2)

تفاوت جهاد کبیر و قطع رابطه با دنیا

بعضی ها برای اینکه این سیاست الهی (3) را بگویند، بدروغ میگویند «انقلابیون میگویند با دنیا قطع رابطه کنید.»؛ نه، ما قائل به قطع رابطه ی با دنیا نیستیم، قائل به حصار کشیدن دور کشور هم نیستیم؛ رفت و آمد بکنند، رابطه داشته باشند، مبادله بکنند، دادوستد بکنند، اما هویت و شخصیت اصلی خودشان را از یاد نبرند؛ این حرف ما است «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (4)؛ مثل نماینده ی نظام اسلامی حرکت بکنند، مثل نماینده ی نظام اسلامی سخن بگویند. با همه، با هر جا که مصلحت کشور اقتضا میکند، قرارداد ببندید، اما مثل نماینده ی ایران اسلامی و نماینده ی اسلام پشت میز قرارداد بنشینید. همه هوشمندانه حرکت کنند. (5)

مقاومت و رها شدن از هر سلطه

اولین اقدام ضروری، احیاء اصل عدم تعهد است. این يك مطلب

ص: 90

- 1- . جهاد کبیر
- 2- . در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3
- 3- . جهاد کبیر
- 4- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 139، ترجمه: «... و اگر مؤمنید، شما برترید.»
- 5- . در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3

جامع و کامل است. یعنی اولاً: دولتهایی که عضو جنبشند، باید اصول آن را در روابط خود با دولتهای دیگر کاملاً مراعات کنند. روح اصلی آن مقاومت و رفض هر نوع سلطه است. کاملاً بی معنی است که دولتهایی عضو جنبش باشند، در عین حال پایگاه نظامی یا امکانات لازم برای تسلط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در اختیار ابرقدرت ها بگذارند و از آن زشت تر اینکه به تجاوز نظامی یا تهاجم اقتصادی اقدام کنند... ثانیاً: فکر عدم تعهد و اراده ی مقاومت در مقابل هجوم سلطه باید به نحو وسیع در میان ملت‌ها تبلیغ شود که هیچ پشتوانه ای برای مقابله ی جدی با قدرتهای سلطه گر، بهتر از آمادگی مردم نیست. (1)

پایان سلطه گری

بعضی ها معتقدند که ما نباید با قدرتهای جهانی دشمنی کنیم و خشم آنها را نسبت به خودمان برانگیزانیم! این افراد غافلند که طبیعت آن قدرتها، طبیعت سلطه گری است و نظام استکبار جهانی با هر ملت و نظامی که باج گزار او نباشد، درمی افتد. البته بلافاصله این نکته را هم اضافه کنم که اعتقاد قاطع ما این است که عناد دشمنان تا زمانی ادامه خواهد داشت که از ما مأیوس شوند. مادامی که نسبت به تعرض خود امیدوار باشند، معارضه و عناد وجود خواهد داشت. وقتی از ضربه زدن به نظام و باج خواهی مأیوس شدند و احساس کردند جمهوری اسلامی تثبیت شده است و هیبت آنها کسی را نمیترساند، آنگاه خطر رفع و یا کم خواهد شد. (2)

ص: 91

1- . در هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد 1365/6/14

2- . در مراسم بیعت وزیر و کارکنان وزارت اطلاعات و گروهی از پرسنل واحد حفاظت اطلاعات نیروهای نظامی و انتظامی
1368/3/30

این تبعیت نکردن آن قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرر به آن توصیه میکند. آیه ی تکان دهنده ی اوّل سوره ی مبارکه ی احزاب: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ» (1)؛ [میفرماید] «اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ»! پیغمبر! تقوا داشته باش و از کافران تبعیت نکن؛ «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (2)؛ ما میدانیم مشکلات تو را، ما میدانیم فشارهایی که بر تو وارد میکنند تا تو را وادار به تبعیت کنند - تهدید میکنند، تطمیع میکنند - اما شما مراقب امر و نهی الهی باش؛ «اتَّقِ اللَّهَ»؛ حواست جمع باشد. «وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ»؛ این اطاعت نکردن از کافران، آن چیز بزرگ و مهمی است که خدای متعال با این لحن با پیغمبرش حرف میزند.

خب، اطاعت از کافران نکن، پس چه کار کن؟ «وَإِتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (3)؛ [میفرماید:] «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا. وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»؛ از آنها تبعیت نکن؛ تو برنامه داری؛ تو برنامه ی کار داری، برنامه ی زندگی داری؛ وحی الهی تو را تنها نگذاشته است؛ قرآن در اختیار تو است، اسلام در اختیار تو است، برنامه ی اسلام در اختیار تو است؛ این راه را برو. ببینید اینها همه آیات اوّل سوره ی احزاب است؛ پشت سرهم؛ اوّل، «اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ بعد، «وَإِتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»؛ پشت سر [آن]، جواب این سؤال است که خب، خطر وجود دارد، فشار می آورند؛ «وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلاً» (4)؛ در مقابل همه ی این فشارها به خدا تکیه کن؛ به خدا تکیه کن. توکل معنایش این نیست که کار را رها کنی بنشینید تا

ص: 92

-
- 1- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 1
 - 2- . همان
 - 3- . سوره ی احزاب، آیه ی 2، ترجمه: «و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی میشود، پیروی کن که خدا همواره به آنچه میکنید، آگاه است.»
 - 4- . سوره ی احزاب، آیه ی 3، ترجمه: «و بر خدا اعتماد کن، همین بس که خدا نگهبان [تو] است.»

خدا بیاید عوض شما کار را انجام بدهد؛ این نیست؛ توکل این است که شما راه بیفتید، عرق بریزید، تلاش کنید، آن وقت یقین داشته باشید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد؛ امروز مسئله ی جمهوری اسلامی این است. (1)

علت اصلی مخالفت استکبار با جمهوری اسلامی: عدم تبعیت از جبهه ی کفر و استکبار

مسئله ی جمهوری اسلامی این است که دشمن مستکبر، در صدد به زانو در آوردن انقلاب است؛ با چه چیزی؟ با نفوذ دادن فرهنگ خود، با فشار اقتصادی خود، با انواع و اقسام تلاشهای سیاسی خود، با گستره ی عظیم تبلیغات خود، و با عوامل خائنی که در اختیارش هستند، در صدد تکان دادن فضای جمهوری اسلامی است تا آن را به تبعیت بکشانند. آنچه استکبار را از جمهوری اسلامی بشدت غضبناک میکند، مسلمان بودن مردم ایران نیست؛ آن، عبارت است از اینکه مردم به خاطر این مسلمان بودن، حاضر نیستند زیر بار استکبار بروند؛ حاضر نیستند تبعیت کنند؛ این است که دشمن را غضبناک میکند. سعی میکنند این را زیر پوشش هایی بپوشانند اما واقعیت قضیه این است. مسئله ی هسته ای بهانه بود، حتی مسئله ی موشکها - این قضیه ی موشکها که راه انداخته اند، «موشک، موشک» که البته هیچ فایده ای هم ندارد و هیچ غلطی هم نمیتواند بکنند - بهانه است؛ مسئله ی حقوق بشر، مسائل گوناگون دیگر، همه بهانه است. مسئله، عدم تبعیت است.

اگر جمهوری اسلامی حاضر بود تبعیت استکبار را قبول بکند، با موشکش هم میساختند، با انرژی هسته ای و انواع و اقسام چیزهایی که در این زمینه وجود دارد میساختند و اسم حقوق بشر را هم اصلاً نمی آوردند.

ص: 93

جمهوری اسلامی، با تعلیم الهی، حاضر نیست از دشمن مستکبر کافر تبعیت بکند، از جبهه ی کفر و استکبار تبعیت بکند؛ این است علت اصلی؛ همه ی تلاششان [برای] این است.

البته سعی میکنند این را به زبان نیاورند اما گاهی اظهاراتشان آنها را لو میدهد. همین چند روز قبل از این، یک مسئول آمریکایی، اتهاماتی را که علیه جمهوری اسلامی هست ردیف کرد: موشک و چه و چه و «ایدئولوژی»! از دستشان درمیروید؛ خودشان را لو میدهند. [این ایدئولوژی] یعنی تفکر؛ تفکر اسلامی که وادار میکند شما را که زیر بار دشمن کافر و جبهه ی کفر و استکبار نروید. این است که موجب دشمنی است، و همین است که موجب اقتدار شما است؛ همین است که موجب اقتدار شما است. این انگیزه است که ملت ایران را سرپا نگه داشته است؛ این انگیزه است که عزم راسخ را در ملت ایران نگه داشته است؛ ایستادگی. حفظ هویت انقلابی و اسلامی برای نظام جمهوری اسلامی و برای ملت ایران؛ این آن چیزی است که دشمن از آن بشدت شاکی است؛ چاره ای هم ندارد. خیلی تلاش کردند بلکه بتوانند مراکز تصمیم گیری و تصمیم سازی را به حیطه ی قدرت خودشان دریاورند، [اما] نتوانستند و به توفیق الهی و به حول و قوه ی الهی نخواهند توانست. (1)

دعوت از همه برای جهاد کبیر در زمینه های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی

اینکه گفتیم جوانهای مؤمن و حزب اللّهی و انقلابی کارهای فرهنگی خودجوش را رها نکنند و دنبال بکنند، و همه ی دستگاه های فرهنگی کشور را دعوت کردیم و میکنیم که در این جهت حرکت کنند، این، بخش فرهنگی این عدم تبعیت است، این جهاد بزرگ است، جهاد کبیر است. اینکه از همه ی استعدادهای موجود کشور دعوت میکنیم که

ص: 94

استعدادهای خودشان را در خدمت پیشرفت این کشور به کار بیندازند و به صحنه بیاورند و به میدان بیاورند و از مسئولان دولتی و سایر مسئولان دعوت میکنیم که از این استعدادها استقبال بکنند، این آن بخشِ فعالِ اجتماعی این جهاد کبیر است. این جهاد کبیر ابعادی دارد: «جَاهِدُهُمْ بِجِهَادٍ كَبِيرًا» (1)(2)

از بخشهای جهاد کبیر؛ حفظ شعارهای انقلاب همراه با ژرف نگری

شعارهای انقلاب را باید حفظ کرد؛ این یکی از هدفها است. یکی از کارهای بزرگ و [یکی] از بخشهای بزرگ این جهاد عظیم - جهاد بزرگ - عبارت است از حفظ شعارهای انقلاب. شعارها هدفها را نشان میدهند، شعارها راه را به ما نشان میدهند، شعارها مثل علامتهایی هستند که در راه میگذارند برای اینکه انسان راه را اشتباه نکند؛ «الْيَمِينُ وَالْيَسَارُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ» (3)؛ به چپ و راست نغلتند، راه مستقیم و صراط مستقیم را بروند؛ هنر این شعارها این است، نقشش این است. در مورد این شعارها و حقایق هم فقط به احساسات اکتفا نشود. من البته برای احساسات نقش زیادی قائلم، برای عواطف نقش زیادی قائلم، اما کافی نیست؛ لازم است اما کافی نیست. عمق، تعمق و ژرف نگری در همه ی این شعارها باید وجود داشته باشد. سعی کنید در مسائل تعمق کنید؛ وقتی عمق یابی کردید، این ایمان مستقر با هیچ نیرویی از شما جدا نخواهد شد. مشکل اینهایی که می بینید يك روز تندتر از همه ی تندهایند و يك روز 180 درجه به این طرف میغلتنند، عمق نداشتن آن ایمان است. داشتیم ما؛ اوایل انقلاب بعضی ها بودند که آن چنان تند و آتشی بودند که انقلابی های

ص: 95

1- . سوره ی فرقان، بخشی از آیه ی 52، ترجمه: «... با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز.»

2- . در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3

3- . نهج البلاغه، خطبه ی 16 (با اندکی تفاوت)

اصلی و قدیمی و سابقه دار را هم قبول نداشتند و به آنها هم ایراد می‌گرفتند اما سطحی بودند؛ این سطحی بودن بلای جانشان شد، از این طرف 180 درجه غلتیدند؛ ممشایشان عوض شد. عمق و ژرفا [داشته باشید]؛ بروید در اعماق فکر و اندیشه و از راهنمایی استاد‌های صالح در این راه استفاده کنید. (1)

مقاومت در برابر سلطه‌ی استکبار؛ از اهداف انقلاب

هدف‌های انقلاب چیست؟ در درجه‌ی اول حاکمیت اسلام است؛ اصلاً انقلاب برای این به وجود آمد؛ برای اینکه اسلام حکومت کند؛ حاکمیت داشته باشد با معنای خاص خودش. اهداف انقلاب [عبارتند از]: حاکمیت دین خدا، آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، ریشه‌کنی فقر و جهل، مقاومت در برابر سیل بنیان‌کن فساد اخلاقی‌ای که از غرب به همه‌ی دنیا سرزیر شده که شما امروز دارید خصوصیاتش را می‌بینید. در کشورها هم جنس‌بازی را قانونی میکنند؛ نه فقط قانونی میکنند بلکه کسانی که معترض به این باشند را شدت‌ت‌ه‌و میکنند؛ دیگر از این فساد بالاتر! يك عده‌ای خیال میکردند - در سالهای قبل - در غرب که آزادی زن و مرد و ارتباط زن و مرد هست، هوسها کمتر است و انگیزه‌ها کمتر است؛ اینجایی که محدودیت هست، الانسانُ حَرِيصٌ عَلَى ما مَنَع! حالا معلوم شد که نخیر بعکس است؛ آنجا که آزادی هست، آنجا که هیچ‌گونه حد و مرزی برای ارتباط زن و مرد وجود ندارد، روزه روز شهوات جنسی در آنها قوی‌تر، فعال‌تر، خشونت‌آمیزتر، مهاجم‌تر دارد بروز و ظهور پیدا میکند. و در این حد هم متوقف نخواهد ماند؛ در آینده‌ای که ما نمیدانیم کی خواهد بود، بحث به ازدواج محارم خواهد رسید! بحث به کارهای حسّاس‌تر خواهد رسید؛ یعنی دنیای فساد اخلاقی به این سمت دارد می‌رود؛ اینها

ص: 96

بحث مسائل اخلاقی اش بود.

بحث مسائل اقتصادی [هم همین طور است]. پول شویی؛ حالا اسم پول شویی را می آورند و این را به عنوان يك جرم تلقی میکنند اما مهم ترین کمپانی ها و شرکتهای بزرگ دنیا کارشان عبارت است از همین بازی های پولی و مالی و انبوه کردن ثروتهایی که در اختیار دارند؛ و طبعاً تبعیض، طبعاً فاصله ی طبقاتی روزافزون. این سیل بنیان کنی است، این به سمت همه ی کشورها و همه ی جوامع سرازیر است؛ یکی از اهداف انقلاب، مقاومت در مقابل این سیل بنیان کن است. مقاومت در مقابل سلطه ی استکبار، یکی از اهداف انقلاب است. طبیعت استکبار سلطه است، دنبال سلطه است، دنبال فراگیر کردن سلطه است؛ هر ملّتی و هر نظامی که مقاومت نکند اسیر خواهد شد و در کمند آنها خواهد افتاد. اینها جزو اهداف انقلاب است. (1)

فصل دوّم: مقابله ی با نفوذ

فصل دوّم: مقابله ی با نفوذ (2)

فصل سوّم: هسته های مقاومت

نقش حضرت امام (قدّس سرّه) در ایجاد هسته های مقاومت در جهان

یاد و نام امام خمینی بزرگ که خداوند فتح الفتوح تصرّف دل هشیاران این ملّت و خیل عظیمی از مسلمانان و مستضعفان جهان را نصیب او ساخته بود و او با این سلاح الهی، قلعه های تصرّف ناپذیر استکبار را یکی پس از دیگری گشود و رأس استکبار - یعنی آمریکای جهان خوار - را مرعوب ساخت و تخت امپراتوری های بی منازع را متزلزل ساخت؛

ص: 97

1- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1395/3/6

2- . بحث نفوذ در بخش یازدهم (اقدامات دشمن برای شکستن مقاومت) ذیل بحث جنگ نرم، مطرح شده است و وظایف اقشار در زمینه ی مقابله با نفوذ نیز در بخش دوازدهم مورد اشاره قرار گرفته است.

مسلمانان جهان را بیدار کرد و هسته های مقاومت اسلامی را با دم گرم و صدای امیدبخش خود متشکل ساخت؛ جمهوری اسلامی را پدید آورد و از لایه لای هزاران مانع و مزاحم و معارض، به سلامت به اوج اعتبار و قدرت رسانید و خطرناک ترین دشمنان آن - یعنی سردمداران نظامهای غربی - را بارها دچار ناکامی ساخت و متولیان نظامهای شرقی را از موضعی استوار و مسلط، به بطلان اندیشه های مذهب ستیز و انسان گریزشان هشدار داد، و هنوز يك سال از نامه ی پیامبرگون و تاریخی او به رأس هرم قدرت دنیای شرق نگذشته، اکنون جهان شاهد فروپاشی نظامهای مارکسیست در سراسر جهان است. (1)

راه علاج مسئله ی فلسطین؛ مقاومت

من عرض میکنم ملت عزیز ایران! ملت شجاع و جوان و مؤمن و بااراده و مجرب ما! به ملت‌های دیگر هم خطاب میکنم و میگویم که این حادثه، این واقعه، این تجربه ی عظیم قرآنی و مکرر اتفاق افتاده، باز هم ممکن است اتفاق بیفتد؛ در کجا؟ در خود فلسطین. امروز تحلیلگران سیاسی این مطلب را بسیار مستبعد می‌شمارند. اگر کسی بگوید همین نیروی ایمان و اراده ی مردمی بر دولت غاصب و مستکبر ظالم صهیونیستی ممکن است فائق آید، بعضی افراد این را ممکن است بسیار بعید بشمارند؛ بعضی حتی ممکن است آن را محال بدانند؛ اما نه، محال نیست؛ ممکن است این اتفاق بیفتد. این تکرار همان تجربه ای است که در صدر اسلام مکرر اتفاق افتاد؛ در پیروزی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد؛ در جنگ تحمیلی اتفاق افتاد؛ در ثبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نظام جمهوری اسلامی در طول این 21 سال اتفاق افتاد؛ در لبنان هم اخیراً اتفاق افتاد. این تکرار

ص: 98

1- . پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج، به مناسبت سالروز انتشار پیام رهبر فقید انقلاب برای تشکیل بسیج مستضعفان و گرامیداشت هفته ی بسیج 1368/9/2

همین تجربه است. يك عامل هم بیشتر ندارد؛ و آن اینکه ملت فلسطین به نیروی ذاتی خودش تکیه کند و خسته نشود. ایمان و اراده و انگیزه و امید مردم فلسطین از آنها گرفته نشود. همچنان که بعد از 22 سال جنوب لبنان برگشت، بعد از گذشت چندین سال ممکن است بخشهایی از فلسطین اشغالی و درنهایت همه ی فلسطین اشغالی به مردم فلسطین برگردد. امروز عدّه ای این را بسیار بعید می بینند؛ دیروز هم عدّه ای آزاد شدن جنوب لبنان را بعید و محال میدانستند؛ اما شد!

اگر سی سال پیش در این کشور کسی میگفت ممکن است رژیم پهلوی به وسیله ی این مردم نابود شود و از بین برود، هیچ کس باور نمیکرد؛ اگر میگفتند به جای رژیم طاغوتی پهلوی يك نظام اسلامی سر کار خواهد آمد، هیچ کس باور نمیکرد؛ اما این چیز غیر قابل باور به حسب ظاهر، اتفاق افتاد و معلوم شد که آرایش حقیقی نیروهای اثرگذار در تحوّل سیاسی و اجتماعی انسانها، غیر از آن چیزی است که چشمهای ظاهربین می بینند و تبلیغات استکباری میخواهد آن را آن طور وانمود کند. نیروهای اثرگذار، عبارتند از: اراده ی انسانی، ایمان انسانی، تصمیم گیری، ایثار پیشروان و رهبران و خسته نشدن آنها.⁽¹⁾

کسانی گمان نکنند که قضیه ی فلسطین هم تمام و ملت فلسطین نابود و مسئله ی فلسطین در زیر این جنجالها و غوغاها دفن شد! این خطا است؛ این توهم باطل است. گذشت زمان نمیتواند حقی مثل مسئله ی فلسطین را از طومار عالم محو کند. فلسطین و ملت فلسطین، زنده و آینده ی فلسطین، روشن است.

شما ملاحظه کنید، چندین کشور چه در آسیای میانه و چه در منطقه ی بالکان بعضی پنجاه سال و بعضی هفتاد سال، جزو مجموعه ی شوروی بودند و کسی گمان نمیکرد که يك روز آنها دوباره به هویت خودشان

ص: 99

1- . در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) 1379/3/14

برگردند؛ اما برگشتند! يك روز شوروی، شكست ناپذیر و زوال ناپذیر به نظر می آمد و ظاهربینان خیال میکردند مسئله ی کشورهای که در مجموعه ی شوروی، حل و گم شده بودند، برای ابد تمام شده است؛ اما این طور نبود. فلسطین نیز همین است. فلسطین که تمام شدنی نیست. فلسطین که از روی صحنه ی عالم، گم شدنی نیست؛ همچنان که جنوب لبنان، گم شدنی نبود. صهیونیست ها به لبنان نیامده بودند که يك روز آنجا را تخلیه کنند؛ آمده بودند که آنجا برای همیشه بمانند! دیدید که مجاهدت و صبر و استقامت مردم و جوانان مسلمان لبنان در طول بیست سال، عرصه را بر دشمن، تنگ و او را مجبور به عقب نشینی کرد. عین این مسئله در مورد خود فلسطین، صادق است. مقاومت مردم مسلمان و تمسك به اسلام میتواند این نقشه ی جعلی و دروغین امروز را به هم بزند و نقشه ی حقیقی نقشه ی فلسطین و ملت فلسطین را دوباره به این سرزمین برگرداند. به فضل پروردگار، این کار شدنی است.

در سایه ی معرفت به اسلام و عمل به آن، بسیاری از چیزها که امروز ممکن است به چشمهایی محال و دشوار بیاید، هم شدنی است، هم وقتی که در عمل تحقق پیدا کرد، دیده خواهد شد که آن قدر هم دشوار و غیر عملی نبود. (1)

ایستادگی ایران اسلامی برای حفظ استقلال خود

ایران اسلامی با استقلال خود، با ایستادگی خود البته موجب دشمنی جهان خواران میشود؛ آنها مایلند تسلط پیدا کنند، مایلند سیطره پیدا کنند؛ آنها دلشان میخواهد ایران، مثل ایران قبل از انقلاب باشد که بر همه ی امورش مسلط بودند؛ مثل کشورهای ضعیف دیگری که امروز

ص: 100

هستند. می بینید با يك كشوری دست دوستی میدهند، [ولی] اموال او را میمکنند و میبرند، بعد هم میگویند اینها گاو شیرده ما هستند. آنها دلشان میخواهد ایران عزیز، ایران بزرگ، ایران پُرافتخار و مَلّت شجاع ایران مثل آن کشورها، زیر دست آنها باشند؛ به این هدف نرسیدند و قطعاً به این هدف نخواهند رسید. (1)

2 - مقاومت فرهنگی

ما از لحاظ فرهنگی باید کشور را، مَلّت را و جوانان را مصون سازی کنیم؛ این برنامه ریزی میخواهد. این هدف را اوّل باید قبول کنیم و به آن اعتقاد پیدا کنیم، بعد که اعتقاد پیدا کردیم، برویم برنامه ریزی کنیم برای این کار. این کاری نیست که همین جوری به ما دست بدهد؛ با چند سخنرانی و نوشتن کتاب هم حاصل نمیشود؛ این مصون سازی فرهنگی کار لازم دارد، برنامه لازم دارد. (2)

3 - مقاومت اقتصادی

اشاره

3 - مقاومت اقتصادی (3)

اقتصاد مقاومتی؛ متکی به مقاومت مردم

آنچه کشور را نجات میدهد، تکیه به نیروی داخلی و نگاه به درون است؛ هم در زمینه ی اقتصاد، هم در زمینه ی مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی، هم در زمینه ی مسائل فرهنگی. ان شاء الله سیاستهای اقتصاد مقاومتی هم در آینده ی نزدیکی (4) ابلاغ خواهد شد؛ و [به] دنبال ابلاغ این

ص: 101

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1397/9/21

2- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1394/12/20

3- . برای آشنایی با موضوع «اقتصاد مقاومتی» به دو کتاب «اقدام و عمل» و «شعار سال 1396» که با همّت انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده است مراجعه کنید.

4- . این سیاستها در تاریخ 1392/11/30 ابلاغ گردید.

سیاستها ان شاءالله ساختههای لازم، کارهای لازم، تلاشهای لازم برای ایجاد اقتصاد مقاومتی - که متکی به مقاومت مردم است - به وجود خواهد آمد؛ و ملت راه خود را ادامه خواهد داد. (1)

علاج مشکلات کشور؛ اقتصاد مقاومتی

علاج مشکلات کشور پیمودن راه اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی تکیه به درون. چشم را ندوزیم به دست دیگران؛ ما تواناییم، ما ثروتمندیم، هم ثروت انسانی داریم - نیروی انسانی ما در دنیا کم نظیر است، اگر نگوییم بی نظیر - [هم] ثروتهای زیرزمینی؛ ثروتهای ما فوق العاده است. دنیا به ما احتیاج دارد؛ به قدری که دنیا به ما احتیاج دارد، ما به دنیا احتیاج نداریم. امروز دنیا روی کاکل نفت و گاز میچرخد؛ ما در دنیا اول کشوریم در همه ی فهرست بلند کشورهای دنیا. این را من امسال در مشهد گفتم، با توجه به ذخایر نفت ما و ذخایر گاز ما، ما در دنیا اولیم. اخیراً مسئولین محترم دولتی برای من گزارش آوردند، ما از لحاظ گاز هم که دوم بودیم در دنیا، امروز شدیم اول. امروز از لحاظ ذخایر گاز که ما تا چندی پیش - شاید تا یک سال، یک سال و نیم پیش - در رده ی دوم قرار داشتیم، امروز در رده ی اول قرار داریم؛ این ذخایر ما است، دنیا به اینها احتیاج دارد. دیدید یک مقدار لبخندی مشاهده شد، شرکتهای خارجی هجوم آوردند؛ میخواهند ببینند، تا چه وقت میتوانند آمریکایی ها روی این لجبازی خودشان مقاومت کنند؟ اگر چنانچه ما بر روی توان خودمان تکیه کنیم، استقامت آنها در هم خواهد شکست؛ این را بدانند. تا وقتی که ما چشممان به دست دیگران باشد، دنبال این باشیم که کدام مقدار از تحریمها کم شد، کدام مقدار چنین شد، فلان حرف را فلان مسئول آمریکایی گفت یا نگفت - تا وقتی دنبال

ص: 102

1- . در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش در سالروز بیعت تاریخی همافران با حضرت امام خمینی (ره) 1392/11/19

این حرفها باشیم - به جای نمیرسیم. ما يك کشور بزرگ هستیم، يك ملت قوی هستیم، ملت بافرهنگی هستیم، ملت بااستعدادی هستیم، ثروت خدادادی هم الی ماشاءالله [داریم]؛ مسئولینمان هم خوشبختانه مسئولین دلسوزی هستند، دلشان میخواهد کار کنند، ما هم کمکشان میکنیم، دعایشان هم میکنیم؛ البته اصرار هم میکنیم که مسئولین هم به نیروی داخلی تکیه کنند؛ از مسئولین هم میخواهیم به مردم اعتماد کنند، به نیروی داخلی اعتماد کنند، سعی کنند این سرچشمه ی فیاض تمام نشدنی را در داخل، خروشان و فروزان جوشان کنند؛ این اگر شد، همه ی درهای بسته باز خواهد شد. باید این جوری حرکت کنند، این جوری عمل کنند. و تیت ما تیت خدایی است. (1)

اقتدار اقتصادی؛ مقدمه ی بی اثر شدن تحریم

یکی از اهداف آنها از این تحریمها همین است که مردم را از نظام جدا کنند؛ مردم دچار مشکلات باشند؛ بیکاری باشد، رکود باشد، مشکلات گوناگون اقتصادی باشد؛ ما همین طور حرف بزنیم، مردم هم دچار مشکلات [باشند]. تحریم میکنند برای اینکه این کارها اتفاق بیفتد و تحریم را هم که به ظاهر بر میدارند، جوری بر میدارند که این مشکلات بر طرف نشود. ما باید در مقابل چه کار کنیم؟ پادزهر ما این است که ما کاری کنیم که اقتصاد، اقتصاد قوی، مقاوم و پایدار [بشود]؛ یعنی همان «اقتصاد مقاومتی» که بارها گفته ایم و گفته ایم. (2)

در اقتصاد، اگر ما قوی شدیم و قدرتمند شدیم، دیگر تحریم معنی ندارد و تحریم يك کار زائدی میشود؛ اگر ما در داخل توانستیم اقتدار اقتصادی به دست بیاوریم، آنها خودشان می آیند به در یوزگی، می آیند دنبال ارتباط

ص: 103

1- . در دیدار مردم آذربایجان به مناسبت قیام بیست و نهم بهمن مردم تبریز 1392/11/28

2- . در دیدار مردم قم 1395/10/19

اقتصادی؛ نه [فقط] تحریم نمیکنند، بلکه اگر ما تحریم کنیم، آنها می آیند میگویند تحریم نکنید؛ طبیعت کار این است. در زمینه ی سیاست هم همین است، در زمینه های گوناگون هم همین است. (1)

استفاده ی دشمن از نقاط ضعف ما

دشمن گاهی استفاده میکند از ضعفهای ما بدون اینکه او زحمتی کشیده باشد. ما خودمان را بایستی درست کنیم، اصلاح کنیم که از ضعفهای ما دشمن استفاده نکند. امروز چشم دوخته اند دشمنان ما به نیازها و کمبودها و اختلالهای اقتصادی داخل کشور. اینکه ما مرتب راجع به مسئله ی اقتصاد، اقتصاد مقاومتی و مانند اینها در این چند سال مرتب اول سال، وسط سال، آخر سال میگوییم، تکرار میکنیم، به خاطر این است که دشمن به این نقطه ی خاص توجه کرده است. [میخواهند] اقتصاد کشور را خراب کنند، وضع مردم بد باشد، جیب مردم خالی بشود، امکانات مردم کم بشود، پول مردم بی ارزش بشود، قدرت خریدشان کم بشود تا ناراضی بشوند؛ هدف، این است. مردم را از اسلام و از نظام اسلامی ناراضی کنند؛ این، هدف دشمن است. لذا روی اقتصاد تکیه میکنند برای اینکه وضع مردم خراب بشود تا به خاطر خرابی وضع، از اسلام و از نظام اسلامی منصرف بشوند. خب این وظیفه ی کیست که در مقابل این وضعیّت ایستادگی کند؟ وظیفه ی همه؛ وظیفه ی دولت هست، وظیفه ی مجلس هست، وظیفه ی مسئولین گوناگون هست، وظیفه ی آحاد مردم هم هست. همه وظیفه داریم، باید انجام بدهیم. (2)

ص: 104

1- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1395/3/6

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر 1395/6/30

به نظر من یکی از بخشهای مهمی که میتواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند،... همین شرکتهای دانش بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد.⁽¹⁾

4 - مقاومت نظامی

اشاره

امتحان کردند ملت ایران را؛ در قضیه ی جنگ هشت ساله، همه ی اینها، این دوروبری ها و همه ی قدرتهای شرق و غرب از يك عنصر خبیث فاسد حمایت کردند و دفاع کردند و همه شان سیلی خوردند؛ خود آن عنصر فاسد سیلی خورد و به تبع او همه ی آن کسانی که [از او] حمایت کرده بودند سیلی خوردند؛ ایران را شناخته اند؛ اگر شناخته اند، بشناسند.

... جمهوری اسلامی اهل ظلم نیست، اهل قبول ظلم هم نیست؛ ما به کسی ستم نمیکنیم، ستم هیچ کس را هم قبول نمیکنیم. ما انسانها را اعم از مسلمان و غیر مسلمان، دارای حقوق میدانیم، دارای حق میدانیم و به آن حق دست درازی نمیکنیم. اما اگر کسی بخواهد به حق ملت ایران و جمهوری اسلامی ایران دست درازی کند، میدانیم با او چه جوری رفتار کنیم؛ محکم برخورد میکنیم. بحمدالله توانایی اش هست؛ ملت ایران، ملت مقتدری است؛ جمهوری اسلامی قدرت پایدار و تثبیت شده ای است و میتوانیم از خودمان دفاع کنیم.⁽²⁾

ص: 105

1- . در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان 1391/5/8

2- . در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر در نهمین مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران 1394/7/8

افرادی به نیابت از دشمنان عزت این ملت سعی کردند جهاد را بدنام کنند. الان میدانید در کشورهای از منطقه ی ما، سعی آمریکایی ها بر این است که آیات جهاد را از کتابهای درسی بیورند؛ اصرار کردند که باید این کار را بکنید؛ بعضی از دولتهای ضعیف و زبون هم این را قبول کردند. میخواهند جهاد را از آیات قرآن و تعالیم دینی خارج کنند؛ چون ضامن عزت ملت های اسلامی و امت اسلامی و بزرگ ترین سنگر و حصن حصین مقاومت، جهاد فی سبیل الله است. شهادت را به عنوان يك عمل ساده لوحانه معرفی کردند، که خود برترین ارزشهایی است که جهاد به دنبال دارد. جهاد وقتی میتواند اثر خودش را به طور کامل نشان دهد که با دل نهادن به شهادت همراه باشد. (1)

اختلاف؛ تشویق کننده ی دشمن برای جسارت نظامی

هرگونه بروز اختلافی، دشمن را تشویق به حمله میکند. کسانی هستند که میگویند: دشمن را تشویق به حمله نکنید، بنده هم موافقم؛ دشمن را نباید تشویق به حمله کرد؛ اما میدانید چه چیزی دشمن را تشویق به حمله میکند؟ مهم ترین مشوق دشمن به حمله این است که احساس کند در بین مسئولان کشور اختلاف وجود دارد؛ در بین سیاستمداران و زبندگان سیاسی اختلاف وجود دارد. این اتحاد و وحدتی که بنده و همه ی مسئولان این همه روی آن تأکید میکنیم، این اتحاد و اتفاق نظر در مسائل گوناگون سیاسی نیست. ممکن است در زمینه های اقتصادی و سیاسی بین مسئولان اختلاف نظر باشد؛ اما در مورد لزوم مقاومت و ایستادگی ملت ایران در مقابل زورگویی و قلداری دشمن، اتفاق نظر است. همه بایستی بر این موضع اتفاق نظر داشته باشند که دارند؛ باید این را ابراز هم بکنند؛ باید

ص: 106

این اتفاق نظر و وحدت نظر را صریحاً بگویند. هر چیزی که این اتحاد را به هم بزند و نشان دهنده ی اختلاف باشد، دشمن را تشویق خواهد کرد. آن کسانی که صدای خودشان را با استفاده از کانالهای نامشروع و نامبارک دستگاه های وابسته به سازمانهای اطلاعاتی دشمن در دنیا پخش میکنند و جمهوری اسلامی را به رضاخان قلدر و کله مناره سازی نادر تشبیه میکنند، اینها مشوق دشمنند؛ اینها کسانی هستند که دشمن را تشویق میکنند. (1)

5 - مقاومت بر حفظ اصول

بی صبری در مقابل حفظ آرمانها و اهداف انقلاب

یکی از بی صبری هایی که ما گاهی اوقات از خودمان نشان میدهیم یا شاهد هستیم که بعضی نشان میدهند، بی صبری در مقابل حفظ آرمانها و اهداف انقلاب است. به نظر من این از همه مهم تر است. جهت گیری نظام اسلامی؛ بایستی بر آن پای فشرده و بر سر آن پایداری کرد. صبر، اینجا بیش از جاهای دیگر معنا میدهد.

... این نظام ما است. حالا من و شما که مسئول در این نظام هستیم، مظهر واقعی و حقیقی صبر ما، صبر بر این اصول و این مبانی و این پایه ها است. باید از میدان درنروید. این جور نباشد که اگر چنانچه درباره ی قصاص اسلامی، درباره ی اقتصاد اسلامی، درباره ی شکل حکومت اسلامی، درباره ی قانون اساسی شما، هو و جنجال و هیاهو در دنیا راه انداختند - که امکان این کار را هم دارند که هیاهو راه بیندازند - شما جا بزنید؛ نه، بر مبانی خودتان پافشاری کنید. مبانی شما، عبودیت خدا است، خدمت به بندگان خدا است، دشمنی با دشمنان خدا است، دشمنی با دشمنان بندگان خدا است؛ اینها است شعارهای ما. نظام

ص: 107

جمهوری اسلامی نظامی است بر این پایه ها؛ نظامی است عقلانی، نظامی است دانشی. عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام از بالا تا پایین حاکم باشد؛ اما عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛ عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه هایی برای هرچه موفق تر شدن در رسیدن به این آرمانها است.

بعضی ها با نام عقلانیت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و در دسر بین المللی، میخواهند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمیشود؛ این نمیشود. این نشانه ی بی صبری و نشانه ی خسته شدن است. گاهی این خسته شدن را - که خودشان خسته شده اند - به مردم نسبت میدهند: مردم خسته شده اند! نه، نخیر. مردم آن وقتی که احساس کنند مسئولین کشور با سر بلندی مسلمانی و عبودیت خودشان را اعلام میکنند، خوشوقت میشوند؛ خوشحال میشوند. این مردم، مسلمانند. حرکت مردم هم به خاطر همین بود. این مردم مگر همان مردمی نیستند که انقلاب کردند؟ شعارهای انقلاب چه بود؟ این مردم مگر همان مردمی نیستند که هشت سال این جنگ مظلومانه را اداره کردند؟ همین مردم اداره کردند. مگر مردم دیگری هستند؟ غیر از آن مردمی که توی این کشور این کارهای بزرگ را انجام دادند، کدام مردم این کارها را کردند؟ پریشب تلویزیون فرمایش امام را راجع به مرحوم آیت الله طالقانی نقل میکرد، که دیدم واقعاً سرتاپای بیانات امام، اول تا آخر، کلمه کلمه اش، نکته و حکمت است - رحمت و رضوان خدا بر او باد - ایشان در سخنرانی به مردم مطلبی به این مضمون میفرمود که نگاه کنید ببینید مردم در تشییع جنازه ی آقای طالقانی چه گفتند؟ گفتند ای نائب پیغمبر ما، جای تو خالی. عزاداری آنها برای نائب پیغمبر است. مسئله ی نیابت پیغمبر مطرح است؛ عالم دین. این نکته را امام از حرف مردم استفاده میکند و به ما تحویل میدهد. این درست است. مردم، پایبند اسلامند. در کنار مردم داری، در کنار مردمی

بودن، برای مردم دل سوزاندن، برای مردم کار کردن، به آراء مردم اهمّیت گذاشتن، به احساسات و عواطف مردم اهمّیت دادن؛ این است مردمی بودن. وقتی مردم ببینند شما که مسئول جمهوری اسلامی هستید، افتخار میکنید، اعتزاز میکنید به مسلمانی خودتان، به ضدّ استکباری بودن خودتان، به ضدّ استبدادی بودن خودتان و از طرفی افتخار و اعتزاز میکنید به خدمتگزاری مردم، با مردم هستید، با مردم انس پیدا میکنید، به مردم محبّت میکنید، از مردم کمک میخواهید در مسائل گوناگون، خب، مردم خرسند میشوند؛ مردم این مسئول را دوست میدارند؛ خوششان می آید. ما وظیفه مان این است. ما حق نداریم از شعارهای انقلاب و شعارهای اسلام عقب نشینی کنیم؛ این، يك بی صبری است؛ این بی صبری ای است که نباید این را قبول کرد. پایبندی به این شعارها برخلاف خواست دشمن، برخلاف نظر دشمن، با حرکت کشور به سوی پیشرفت به معنای حقیقی کلمه، هیچ منافاتی هم ندارد که همیشه سعی میکردند این جور القا کنند که اگر اسلامی هستید، پس دیگر پیشرفت و دست یافتن به مراحل بالای رفاه مادی و پیشرفت علمی ممکن نیست؛ نخیر، درست بعکس است؛ درست بعکس است. ما پیشرفتهایمان زیاد بوده. (1)

اهمّیت مقاومت در برابر انحراف انقلاب از مسیر خود

چالش اصلی همه ی تحوّلات بزرگ اجتماعی - از جمله انقلابها - صیانت از جهت گیری های اصلی این انقلاب یا این تحوّل است. این مهم ترین چالش هر تحوّل عظیم اجتماعی است که هدفهایی دارد و به سمت آن هدفها حرکت و دعوت میکند. این جهت گیری باید حفظ شود. اگر جهت گیری به سمت هدفها در يك انقلاب، در يك حرکت اجتماعی صیانت نشود و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضدّ خود تبدیل خواهد شد؛

ص: 109

در جهت عکس اهداف خود عمل خواهد کرد... تغییر جهت گیری ها تدریجی است، نامحسوس است؛ این جور نیست که از اول کار، این تغییر جهت گیری با 180 درجه اتفاق بیفتد؛ اول با زاویه های خیلی کوچک تر، این تغییر شروع میشود؛ هرچه ادامه پیدا میکند، فاصله ی راه اصلی - که صراط مستقیم است - با این انحراف، روزه روز بیشتر میشود. این يك جهت است.

جهت دیگر این است که آن کسانی که در پی تغییر هویت انقلاب برمی آیند، معمولاً با پرچم رسمی و با تابلو جلو نمی آیند؛ آن چنانی حرکت نمیکنند که معلوم بشود اینها دارند با این حرکت مخالفت میکنند؛ حتی گاهی به عنوان طرف داری از حرکت انقلاب، يك اقدامی میکنند، يك اظهاری میکنند، کاری میکنند، زاویه ایجاد میکنند؛ انقلاب از جهت گیری خود بکلی دور می افتد، برکنار میشود. (1)

تعیین شاخص؛ راه جلوگیری از انحراف انقلاب

برای اینکه این جهت گیری غلط و این انحراف اتفاق نیفتد، احتیاج به شاخصهای معینی هست؛ باید سر راه، شاخصهایی وجود داشته باشد. اگر این شاخصها بود، روشن بود، واضح بود، در معرض دید مردم بود، انحراف اتفاق نمی افتد؛ اگر کسی هم در جهت انحراف کار کند، از نظر توده ی مردم شناخته میشود؛ اما اگر شاخصی وجود نداشت، آن وقت خطر جدی خواهد شد. (2)

خط امام؛ بهترین شاخص انقلاب اسلامی

شاخص در انقلاب ما چیست؟ این خیلی مهم است. سی سال است

ص: 110

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) 1389/3/14

2- . همان

که ما در جهت این انقلاب حرکت میکنیم. ملت ما بصیرت به خرج دادند، شجاعت به خرج دادند، حقاً و انصافاً لیاقت به خرج دادند. این انقلاب را سی سال است شما دارید جلو میبرید؛ اما خطر وجود دارد. دشمن انقلاب، دشمن امام بیکار نمی نشیند؛ سعی میکند این انقلاب را از پا دریاورد. چه جور؟ با منحرف کردن راه انقلاب. بنابراین لازم است ما شاخص داشته باشیم. (1)

من عرض میکنم بهترین شاخصها، خود امام و خط امام است. امام بهترین شاخص برای ما است. اگر این تشبیه با همه ی فاصله ای که وجود دارد، به نظر برسد، عیبی ندارد که تشبیه کنیم به وجود مقدس پیغمبر که قرآن میفرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ» (2)؛ خود پیغمبر اسوه است؛ رفتار او، کردار او، اخلاق او. یا در يك آیه ی شریفه ی دیگر میفرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (3)؛ ابراهیم و یاران ابراهیم اسوه اند. در اینجا یاران ابراهیم پیغمبر هم ذکر شده اند تا کسی نگوید که پیغمبر معصوم بود یا ابراهیم معصوم بود، ما نمیتوانیم از آنها تبعیت کنیم؛ نه، «وَقَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ» (4) تا آخر آیه ی شریفه.

در مورد امام بزرگوار که شاگرد این مکتب و دنباله روراه این انبیای عظام است، همین معنا صدق میکند. خود امام برجسته ترین شاخصها است؛ رفتار امام، گفتار امام. خوشبختانه بیانات امام در دسترس است، تدوین

ص: 111

- 1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) 1389/3/14
- 2- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 21، ترجمه: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکو است برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد.»
- 3- . سوره ی ممتحنه، بخشی از آیه ی 4، ترجمه: «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکو است.»
- 4- . سوره ی ممتحنه، بخشی از آیه ی 4، ترجمه: «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکو است آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و از آنچه به جای خدا میپرستید بیزاریم به شما کفر می ورزیم.»

شده است. وصیت نامه ی امام آشکارا همه ی مافی الضمیر امام را برای آینده ی انقلاب تبیین میکند. نباید اجازه داد این شاخصها غلط تبیین شوند، یا پنهان بمانند، یا فراموش بشوند. اگر این شاخصها را ما بد تبیین کردیم، غلط ارائه دادیم، مثل این است که يك قطب نما را در يك راه از دست بدهیم، یا قطب نما از کار بیفتد. فرض کنید در يك مسیر دریایی یا در يك بیابان که جاذبه ای هم وجود ندارد، قطب نمای انسان آسیب ببیند و از کار بیفتد؛ انسان متحیر میماند. اگر نظرات امام، بد بیان شد، بد تبیین شد، مثل این است که قطب نما از کار بیفتد، راه گم میشود؛ هرکسی به سلیقه ی خود، به میل خود حرفی میزند. بدخواهان هم در این میان از فرصت استفاده میکنند، راه را جوری تبیین میکنند که ملت به اشتباه بیفتد.

مواضع امام بایستی به طور روشن و واضح همان طور که خود او گفت، همان طور که خود او نوشت - تبیین شود؛ این ملاک راه امام و خط امام و صراط مستقیم انقلاب است. يك نفر صریح میگوید من امام را قبول ندارم - این بحث دیگری است - خیلی خب، پیروان امام و طرف داران امام با کسی که صریح بگوید من امام را قبول ندارم، راه او را غلط میدانم، حسابشان روشن است؛ اما اگر قرار است در خط امام، با اشاره ی انگشت امام، این انقلاب پیش برود، باید معلوم باشد، روشن باشد و مواضع امام بزرگوارمان بدرستی تبیین شود.

نباید برای خوشامد این و آن، برخی از مواضع حقیقی امام را یا انکار کرد، یا مخفی نگه داشت. بعضی این جور فکر میکنند - و این فکر غلطی است - که برای اینکه امام پیروان بیشتری پیدا کند، کسانی که مخالف امام هستند، آنها هم به امام علاقه مند شوند، بایستی ما بعضی از مواضع صریح امام را یا پنهان کنیم یا نگوئیم یا کم رنگ کنیم؛ نه، امام هویتش، شخصیتش به همین مواضعی است که خود او با صریح ترین بیانهها،

روشن ترین الفاظ و کلمات، آنها را بیان کرد. همینها بود که دنیا را تکان داد. همین مواضع صریح بود که توده های عظیم را مشتاق ملت ایران و بسیاری را پیرو ملت ایران کرد. این نهضت عظیم جهانی که شما امروز در گوشه و کنار دنیای اسلام نشانه های آن را می بینید، از این طریق به راه افتاد.

امام را صریح باید آورد وسط میدان. مواضعش بر علیه استکبار، مواضعش بر علیه ارتجاع، مواضعش بر علیه لیبرال دموکراسی غرب، مواضعش بر علیه منافقان و دورویان را باید صریح گذاشت. کسانی که تحت تأثیر آن شخصیت عظیم قرار گرفتند، این مواضع را دیدند و تسلیم شدند. نمیشود به خاطر اینکه زید و عمرو از امام خوششان بیاید، ما مواضع امام را پنهان کنیم یا پوشیده کنیم یا آن چیزهایی که به نظرمان تند می آید، کم رنگ کنیم. عده ای در يك دورانی - که ما آن دوران را به یاد داریم؛ دوران جوانی های ما - برای اینکه اسلام علاقه مندان و طرف دارانی پیدا کند، بعضی از احکام اسلام را کم رنگ میکردند، ندیده میگرفتند؛ حکم قصاص را، حکم جهاد را، حکم حجاب را انکار و پنهان میکردند، میگفتند اینها از اسلام نیست، قصاص از اسلام نیست، جهاد از اسلام نیست، برای اینکه فلان مستشرق یا فلان دشمن مبانی اسلامی از اسلام خوشش بیاید! این غلط است. اسلام را با کلیتش بایستی بیان کرد.

امام منهای خط امام، آن امامی نیست که ملت ایران به نفس او، به هدایت او جانشان را کف دست گرفتند، فرزندانشان را به کام مرگ فرستادند، از جان و مالشان دریغ نکردند و بزرگ ترین حرکت قرن معاصر را در این نقطه ی عالم به وجود آوردند. امام منهای خط امام، امام بی هویت است. سلب هویت از امام، خدمت به امام نیست. مبانی امام، مبانی روشنی بود. این مبانی - اگر کسی نخواهد مجامله کند، تعارف کند - در کلمات امام، در بیانات امام، در نامه های امام، و بخصوص در وصیت نامه ی امام - که کوتاه شده ی همه ی آن مواضع است - منعکس

است. این مبانی فکری همان چیزی است که آن موج عظیم و سهمگین را علیه غارتگری های غرب و یگه تازی های آمریکا در دنیا به وجود آورد. شما خیال میکنید اینکه رئیس جمهورهای گوناگون آمریکا به هر کشوری از این کشورهای آسیا و خاورمیانه سفر کردند، حتی در بعضی از کشورهای اروپایی مردم جمع شدند و علیه آنها شعار دادند، همیشه این جور بود؟ نه، این حرکت امام بود، افشاگری امام بود، موضع گیری امام بود که استکبار را رسوا کرد، صهیونیسم را رسوا کرد، و روح مقاومت را در ملت‌ها و بخصوص در جوامع اسلامی زنده کرد.

این کج اندیشی است که ما مواضع امام را انکار کنیم. این کج اندیشی را هم متأسفانه بعضاً کسانی انجام میدهند که يك وقتی خودشان جزو مرّوجان افکار امام بودند یا جزو پیروان امام بودند. حالا به هر دلیلی راه‌ها کج میشود، هدفها گم میشود، يك عده ای برمیگردند؛ بعد از آنکه سالهای متمادی برای امام و برای این هدفها حرف زدند و حرکت کردند، در مقابل این اهداف و این مبانی می ایستند و آن حرفها را میزنند!

خب، خطّ امام اجزائی دارد. مهم ترین آنچه که در مورد خطّ امام و راه امام میشود گفت، چند نکته است که من عرض میکنم و بخصوص به جوانها عرض میکنم: بروید وصیّت نامه ی امام را بخوانید. امامی که دنیا را تکان داد، امامی است که در این وصیّت نامه منعکس است، در این آثار و گفتار منعکس است. (1)

نوگرایی در روشها نه عقب نشینی از اصول

بنده طرف دار تحجّر نیستم؛ طرف دار نوگرایی هستم. نوگرایی در روشها است. ممکن است روشها تغییر پیدا کند؛ اما با تغییر روشها اصول تغییر

ص: 114

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) 1389/3/14

پیدا نمیکنند و خودش را آشکار نشان میدهد. روشی که به عنوان نوگرایی رو می آید و انسان میبیند اصول گم شد، باید بفهمد که آن روش، غلط است. تاکتیکی که ما را از استراتژی دور میکند، پیدا است که غلط است.

بنده زمان ریاست جمهوری به یکی از کشورهای مسلمان مدعی مبارزه ی با اسرائیل رفتم و با رئیس آن کشور گفتگو کردم. او قبلاً گفته بود ما حاضریم با زمامداران اسرائیل ملاقات کنیم و مراد داشته باشیم! من به او گفتم این چه حرفی است که از قول شما نقل شده است. به معاونش نگاهی کرد و بنا کردند قاه قاه خندیدن! من با خودم گفتم لابد جواب مهمی دارند. گفتند بله، این حرفها تاکتیک بود! گفتم عجب؛ تاکتیکی است که انسان را از اصل اهداف دور میکند! مینای کار شما تحریم اسرائیل بود؛ شما میخواستید اسرائیل در محیط اسلامی و عربی به صورت یک سگه ی رایج در نیاید؛ اما به عنوان تاکتیک دارید درست عکس این را عمل میکنید. گاهی بعضی ها به عنوان اینکه ما تاکتیک و روش خود را عوض کردیم، اصل راهبرد را دگرگون میکنند! باید مراقب باشید این طوری نشود. کسانی که این گونه عمل میکنند، غلط و برخلاف این عمل میکنند. به هر حال باید از خدای متعال بخواهیم به ما توفیق دهد. (1)

ص: 115

1- . در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) 1384/3/10

1 - نازل شدن نصرت الهی

2 - تقویت اراده ها

3 - پیروزی و گذشتن از موانع

4 - بروز ظرفیتهای در دوران مقاومت

5 - دور شدن سایه ی جنگ

6 - افزایش نیرو و توانایی ها

ص: 119

اگر شما مجاهدت کردید، قدرت خدا می آید پشت شما. لشکر بی عقبه، کاری نمیتواند بکند؛ لشکری که عقبه دارد، [نیروی] احتیاط دارد، نیروی ذخیره ی فراوان دارد، همه کار میتواند بکند. حالا اگر لشکری عقبه اش، ذخیره اش عبارت بود از قدرت الهی، این لشکر دیگر شکست بخور است؟ امام این را به ما فهماند؛ فهماند که وقتی مجاهدت میکنید، وقتی تنبلی نمیکنید، وقتی وارد میدان میشوید، وقتی نیروهای خودتان را به صحنه وارد میکنید، اینجا قدرت خدا است که پشت سر شما است، [لذا] خرّمشهر را خدا آزاد میکند. با این منطق، همه ی دنیای مسخّر استکبار را هم خدا میتواند آزاد کند. با این منطق، فلسطین هم میتواند آزاد بشود. با این منطق، هر ملّتی میتواند مستضعف نماند؛ به شرطی که این منطق تحقّق پیدا کند. وقتی ما این منطق را داشتیم، شکست ناپذیر میشویم. وقتی با این منطق وارد میدان شدیم، ترس و مرعوب شدن [نخواهد بود]؛ قدرت نظامی یا تبلیغاتی یا پولی و مالی و اقتصادی قدرتها در مقابل ما، دیگر ترسناک و هولناک نخواهند بود؛ متکی هستیم به قدرت خدا. البتّه قدرت خدا پشت سر آدمهای تنبل نمی آید؛ پشت سر ملّتهایی که حاضر نیستند فداکاری کنند نمی آید. قدرت خدا پشت سر آن کسانی می آید که

وارد میدان میشوند، حرکت میکنند، تلاش میکنند، خودشان را برای همه کار آماده میکنند؛ اینها متکی اند به قدرت الهی. «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (1)؛ این آیه ی قرآن است؛ خدا، مولای شما است؛ شما مولایی دارید که همه ی عالم وجود تحت قدرت او است؛ این مولای شما است و کافرین ندارند.

در جنگ بدر وقتی که کفار بنا کردند شعار دادن و بتهای خودشان را اسم آوردن، پیغمبر فرمود به مسلمانها بگویند: «اللَّهُ مَوْلَانَا وَلَا مَوْلَى لَكُمْ» (2)؛ خدا مولای ما است، پشتیبان ما است، قدرت ما متکی به قدرت او است و شما ندارید این را؛ همین جور هم شد. (3)

ما ملت ایران، از این حقیقت به خود میبایم که به خاطر خدا و اسلام و قرآن، مورد کینه و عداوت مستکبران و گردنکشان عالم قرار گرفته ایم. جوانان ما به خود میبایند که در جبهه های گوناگون، به خاطر اسلام جنگیدند و محنت کشیدند. هر رنجی در راه خدا و برای دفاع از ارزشهای اسلامی و از قرآن، یک حسنه است؛ «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَؤُنَّ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ» (4). این، شعار ما است. ملت ایران هر سختی ای که کشیده اند، برای خدا کشیده اند و به آن افتخار میکنند.

اما حقیقت روشن دیگر این است که آنچه بالاخره پیروز خواهد شد، راه خدا است. تاریخ این را بر ما ثابت کرده، و سرگذشت دوران معاصر بشریت هم این را به اثبات رسانده است. ما برای خدا صبر و مقاومت میکنیم و

ص: 122

1- . سوره ی محمد (ص)، آیه ی 11، ترجمه: «چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، ولی کافران را سرپرست و [یاوری] نیست.»

2- . خصال، ج 2، ص 397 و 398

3- . در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3

4- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 120، ترجمه: «چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی ای در راه خدا به آنان نمیرسد و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می آورد قدم نمیگذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی آورند مگر اینکه به سبب آن عمل صالحی برای آنان [در کارنامه شان] نوشته میشود.»

میدانیم که نصرت هم پشت سر این صبر و مقاومت هست؛ «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (1). (2)

پیروزی نیروی مقاوم اندک بر عده ی زیاد دشمن

تکلیف این است که ما اصلی را که به آن اعتقاد پیدا کردیم، پای آن را امضا کردیم - با خون هم امضا کردیم - رها نکنیم.

هشت سال جنگ بود؛ شوخی که نیست! ما برای چه این همه در مقابل دشمن مقاومت کردیم؟ دشمن از ما چه میخواهد که این طور فشار وارد میکند؟ اینکه دیگر جای ابهامی ندارد. پای این فکر و پای این «بلی» را - گفت: گفتم: گفتم این بلی روز الست - با خرید هزاران «بلا» امضا کردند و خودتان بیشتر از همه باید پای این اصول بایستید؛ باید مقاومت کرد. البته من قبول دارم که مقاومت سخت است و عده ی کمتری آن را بر میتابند؛ اما این عده ی کمتر، همان کسانی هستند که «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (3) و شما، آنهاید؛ در این، شك نداشته باشید؛ در این، هیچ تردید نداشته باشید. این گونه است که این «فئه ی قلیله» از «فئه ی کثیره»، که دارای این ویژگی، این خصوصیت و این پایداری نباشد، جلوتر خواهد رفت و بیشتر غلبه خواهد کرد. (4)

معجزه ی اجتماعی با ایستادگی و پایداری

معجزه های اجتماعی برخلاف معجزه ی اژدها شدن عصای موسی

ص: 123

- 1- . سوره ی حج، بخشی از آیه ی 40، ترجمه: «و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند یاری میدهد.»
- 2- . در دیدار با اولین گروه از مهمانان خارجی مراسم دوّمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) 1370/3/15
- 3- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 249، ترجمه: «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند.»
- 4- . در دیدار با اعضای حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی 1371/11/4

است؛ چون آن طور معجزه‌ها ربطی به اراده‌ی انسان ندارد؛ اما معجزه‌های اجتماعی به طور مستقیم به اراده‌ی انسانها ارتباط پیدا میکند؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (1).

هرگاه ملتی تصمیم بگیرد، اراده کند، اقدام کند، حرکت متناسب با هدفش را انجام دهد، آن وقت معجزه‌ی اجتماعی اتفاق می‌افتد. البته در تحولات اجتماعی حق بودن کافی نیست. خیلی اوقات امواج باطل می‌آید حق را لگدکوب میکند و عبور میکند. حق بودن به اضافه‌ی اقدام، عمل، اراده و به اضافه‌ی ایستادگی و پایداری است که آن معجزه را تحقق میبخشد. این پایداری، این ایستادگی، این تصمیم و این فداکاری در صحنه‌ی جامعه و کشور ما به برکت همین اخلاصها، بینشها و بصیرتها که امروز در جمع جوانان مؤمن و بسیجی کشور ما متبلور است اتفاق افتاد؛ که یک نمونه‌ی بارز آن را اینجا مشاهده میکنیم. اما آنچه بزرگ تر از آن حادثه‌ی بزرگ و باورنکردنی بود، این است که نظام جمهوری اسلامی با وجود همه‌ی امواج متلاطم و خصمانه‌ی در پیرامون خود، هم ماند و هم رشد کرد. (2)

سکینه‌ی الهی؛ ناشی از اعتماد به خدا و مجاهدت و ایستادگی

«سکینه» ناشی از اعتماد و حسن ظنّ به خدا است. وقتی شما هدف درستی را انتخاب میکنید و در راه آن هدف به تلاش میپردازید، خدای متعال در اینجا وعده‌ی نصرت داده است؛ بروبرگرد هم ندارد. یک وقت هست شما هدف و آرمان را غلط انتخاب کرده اید؛ یک وقت هست هدف و آرمان را درست انتخاب کرده اید؛ اما تحرّکی ندارید و تلاش و مجاهدتی نمیکنید. اینجا انتظار کمک الهی بی مورد است. مسلمانان اهداف و

ص: 124

1- . سوره‌ی رعد، بخشی از آیه‌ی 11، ترجمه: «درحقیقت خدا حال قومی را تغییر نمیدهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.»

2- . در دیدار اعضای بسیج و پرسنل اداره‌ی کلّ اطلاعات استان همدان 1383/4/16

آرمانهایشان اهداف و آرمانهای خوبی بود؛ اما قرن‌ها به خاطر اینکه تحرّکی در آنها وجود نداشت، توسری خوردند. الان هم هر جایی که می‌بینید مسلمانان دچار تحقیر و تذلیل میشوند، به خاطر همین عدم تحرّک و عدم مجاهدت است؛ و الا آنجایی که هدف درست باشد، مجاهدت هم باشد، نصرت الهی هم قطعاً هست. البتّه نصرت الهی به معنای این نیست که آزمایشهای دشوار و سخت نیست؛ چرا: «وَلَنْبَلُوَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ»⁽¹⁾؛ اینها هست و همه‌ی اینها در سر راه مبارزه وجود دارد؛ اما «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»⁽²⁾. صبر یعنی ایستادگی؛ تداوم راه؛ این مورد بشارت الهی است؛ یعنی پیروزی نصیب خواهد شد.

در دوران مبارزه، بسیاری از شما در میدان بودید. همه میگفتند مشت است و درفش، چرا بیخود می‌جنگید و مبارزه می‌کنید؛ فایده‌ای ندارد. حقیقتاً هم دستگاه پلیسی رژیم طاغوت، دستگاهی نبود که به آسانی بشود با آن مبارزه کرد. آن قدر از این داعیه‌داران و خیلی از کسانی که تحلیل‌های مارکسیستی و روشنفکری و ادّعا و حرف داشتند، وقتی آن زندانها را دیدند و شکنجه‌هایش را حتّی بسیاری ندیدند، بلکه فقط شنیدند، از وسط راه برگشتند و خودشان را تسلیم کردند! اما بسیاری هم ادامه دادند؛ حرکت کردند و آمدند. اولین برکت حرکت آنها این بود که خدای متعال صدق آنها را بر مردم آشکار و علنی کرد؛ راه آنها را درست نشان داد و مردم با آنها همراه شدند. وقتی مردم همراه شدند، همه چیز درست خواهد شد. مهم این است که آن مجموعه‌ی مبارز مصمّم، صداقت خودشان را در پی‌موردن راه اثبات کنند و نشان دهند که صادقانه دنبال این معنا هستند. آن وقت خدای متعال نصرتش را خواهد فرستاد. در نهج البلاغه هست که: «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صَدَقَاتِهِمْ»؛ وقتی خدا صداقت ما را دید، دید ما راست می‌گوییم و به دنبال

ص: 125

-
- 1- . سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی 155، ترجمه: «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم.»
 - 2- . سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی 155، ترجمه: «و مژده ده شکیبایان را.»

دنیا و پول و هواوهوس نیستیم، «انزل بعدونا الکتب و انزل علینا النصر»⁽¹⁾؛ ما را پیروز کرد و دشمنان ما را سرکوب نمود. این، در مبارزات ما هم بود و در این بیست و سه چهار سال هم همین موضوع بوده است و هیچ وقت نبوده که روی کشور و دولت فشار نباشد.⁽²⁾

نزول فرشتگان بر پاداران و استقامت ورزان

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»⁽³⁾؛ کسانی که پایداری و استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنها نازل میشوند؛ یعنی در همین حال حیات دنیوی شان، با ملکوت اعلیٰ ارتباط پیدا میکنند؛ یعنی از لحاظ روحی و فکری و روانی، یک ذخیره ی تمام نشدنی پیدا میکنند و هیچ خوف و بیم و اندوهی بر آنها سایه نخواهد افکند. بیم در مقابل خطرهایی است که ممکن است در این راه انسان را تهدید کند. وقتی انسان ترس نداشت، جری تر و با قدرت بیشتر و روحیه ی بهتر در این راه پیش میرود و به هدف نزدیک تر میشود. انسان وقتی حزن و اندوه ندارد، به خاطر این است که چیزی را از دست نمیدهد. اولاً موفقیت‌های این راه زیاد است؛ ثانیاً اگر انسان چیزی را هم از دست بدهد، چون در راه وظیفه و انجام تکلیف الهی است، وجدانش آسوده است؛ مثل خانواده های شهدا که بچه های آنها شهید شده اند و داغ دیده اند، اما درعین حال دل‌هایشان شاد است. اینها فرق دارند با کسانی که این حادثه برای آنها بر اثر غیر شهادت پیش آمده است.⁽⁴⁾

ص: 126

- 1- . نهج البلاغه، خطبه ی 56
- 2- . در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی 1382/3/7
- 3- . سوره ی فصلت، بخشی از آیه ی 30، ترجمه: «در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خدا است سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می آیند [و میگویند] هان بیم مدارید و غمین مباشید.»
- 4- . در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1380/9/21

امکانات ما در جنگ نامتقارن با استکبار: اعتماد به خداوند و عزم راسخ مؤمنین

الآن 37 سال، 38 سال است که دارند از همه ی امکانات استفاده میکنند برای اینکه این رویش مبارک را، این جمهوری اسلامی را، این انقلاب مجسم را شکست بدهند و نتوانسته اند؛ «الله مولانا» (1). ملت ایران در صحنه است؛ به يك عده آدمهای کنارنشسته ی نق زن غُرن یا پیرو شهوات نگاه نکنید؛ ملت در صحنه است، ملت در میدان است. در میان این ملت، زمره ی عظیمی حضور دارند که حاضرند جانشان را فدا کنند؛ این همان چیزی است که قدرت خدا را می آورد پشت سر انسان؛ این یعنی جنگ نامتقارن.

معنای جنگ نامتقارن این است که دو طرف جنگ از منابع مختلف الحالی، با هویت‌های مختلف برخوردارند؛ این جنگ نامتقارن است؛ یعنی هرکدام از این دو طرف امکاناتی دارند، منابع قدرتی دارند که طرف دیگر آن را ندارد. ما با استکبار جهانی در حال جنگ نامتقارنیم؛ چرا؟ ممکن است او يك امکاناتی داشته باشد که ما نداشته باشیم اما ما هم امکاناتی داریم که او ندارد؛ آن امکان چیست؟ توکل، اعتماد به خدا، اعتماد به پیروزی نهایی، اعتماد به قدرت انسان، به قدرت اراده ی انسان مؤمن؛ این را ما داریم؛ این شد جنگ نامتقارن. در جنگ نامتقارن اراده ها هستند که باهم می‌جنگند؛ هر اراده ای غلبه پیدا کرد، پیروز خواهد شد. در میدان، اراده را ضعیف نکنید؛ در میدان نبرد، اراده را دچار تزلزل نکنید؛ اگر يك طرف جنگ در میدان نبرد اراده اش سست شد، قطعاً شکست خواهد خورد. نگذارید اراده تان سست بشود، نگذارید تبلیغات دشمن و وسوسه های دشمن، در اراده و عزم راسخ شما تزلزل ایجاد کند؛ این اراده ی مستحکم را نگه دارید؛ این ضامن پیروزی است.

ص: 127

[امروز] جنگ نظامی مطرح نیست؛ امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است؛ لکن جهاد باقی است؛ جهاد يك چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد يك معنای بسیار وسیع تری دارد. (1)

3 - پیروزی و گذشتن از موانع

اشاره

تنها راه ما برای دفاع از اسلام و انقلاب، ایستادگی و مقاومت است. ایستادگی، برای حال و آینده ی ملت، برکات زیادی دارد. همین مقاومت و ایستادگی شما، ان شاءالله مشکلات را یکی پس از دیگری برطرف خواهد کرد. (2)

ملت ایران باید از موفقیت‌های گذشته دو درس بگیرد: درس اول (3) این است که این موفقیت‌ها در سایه ی مقاومت به دست خواهد آمد، نه در سایه ی تسلیم. هرکس تسلیم ابرقدرت ها شد، ذلیل گردید. اگر ذلیل بود، ذلیل ترش میکنند؛ اگر هم عزیز باشد، او را به ذلت میکشند! می بینید که دیکتاتور عراق در مقابل آمریکا چه ذلتی دارد! ذلت را قبول کرد، ولی در مقابل مردمش آن طور است. عربها مثلی دارند: «اسد علی و فی الحروب نعامه». به ملتش که میرسد، شیر است؛ به آمریکا که میرسد، موش است!... پس، درس اول این است که باید در مقابل استکبار ایستاد. با مقاومت نه با تسلیم، به همه چیز دست پیدا خواهید کرد؛ همچنان که تا امروز دست پیدا کرده اید. (4)

ص: 128

- 1- . در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3
- 2- . در دیدار با اقشار مختلف مردم آباءه، شال و تاکستان، هرسین و صحنه، بوبین زهرا، سلماس، کنگان، چالوس، گرمسار، بیدگل و آران کاشان 1368/6/22
- 3- . درس دوم اینکه راه نیمه کاره است؛ باید کار کرد.
- 4- . در دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلمان سراسر کشور، به مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم 1370/2/11

چه بسیار هدفهای دور از دسترس، که انسان فکر میکند دسترسی به آنها بسیار مشکل است؛ اما با توکل و صبر و مقاومت، به آن هدفها دست می یابد؛ مثل آزادی شما که از جمله ی همین چیزها بود. (1)

روحیه ی مقاومت ملت؛ از امور نادر در جهان

روحیه ی ایستادگی و مقاومت در شما مردم و وفاداری نسبت به امام عزیز و بزرگوارمان - که مظهر ایستادگی و مقاومت انقلابی ملت ما بود - و عزتی که از طریق همین ایستادگی ها و مقاومتها در دنیا و در چشم ملتها به وجود آمده، موارد نادری است که برای يك ملت به آسانی پیش نمی آید.

بحمدالله از اول انقلاب تا امروز، علی رغم برخورد با مشکلات فراوان، ملت ما راه مستقیم را - که راه حاکمیت اسلام و عمل به احکام اسلامی است - طی کرده و مشکلات زیاد و گذرگاه های سختی را پشت سر گذاشته است. ما دشمنان زیادی را نسبت به خودمان مأیوس کرده ایم و امید آنها را از اینکه بتوانند در حرکت و هدفهای ما اثری بگذارند، قطع کرده ایم. (2)

تاریخ کوتاه انقلاب ما سرشار از حوادثی است که هرکدام از آنها به تنهایی ملتی را به تفکر و تأمل وادار میکنند. در همه ی این رویدادها، دو نکته ی روشن مشاهده میشود: اول، خباثت دشمن؛ و دوم، مقاومت و ایمان عمیق و کم نظیر ملت مسلمان و بااخلاص ما.

از اول انقلاب تاکنون، در هر سال و ماه و هفته، حادثه ای را مشاهده میکنیم که معمولاً این گونه وقایع در سرگذشت ملتها کمتر رخ میدهد، و به همین جهت است که ملت ما از لحاظ معارف انقلاب غنی است؛ چون در دوران انقلاب، با حوادث آموزنده ی بسیاری مواجه شده است، و این هم

ص: 129

-
- 1- در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، در اولین سالگرد آزادی و بازگشت به کشور 1370/5/28
 - 2- در مراسم بیعت خانواده های شهدای هفتم تیر، اعضای شورای عالی قضایی، قضات و مسئولان دادگستری و جمعی از مردم لرستان 1368/4/7

لطف خدا است. (1) حوادثی که پیش آمد، دل مردم را نلرزاند؛ در آنها ایجاد تردید نکرد و نسبت به صحت هدفهای خود، دچار تزلزل نشدند؛ بلکه بعکس، هر حادثه ای که اتفاق افتاد، ایمان مردم را روشن تر، هدفهای آنها را واضح تر، و آنها را نسبت به صحت راهی که دنبال میکردند، مطمئن تر کرد. (2)

روحیه ی مقاومت؛ عامل حفاظت از کشور و استقلال آن

جوانان عزیز! مردان و زنان! در هر کجا که هستید و این سخن را می شنوید، یا بعداً خواهید شنید، بدانید يك کشور و يك ملت، بالاترین سرمایه اش همت و عزم و ایمان جوانان آن کشور و ملت است. ایمان همراه با اراده ی قوی، ایمان همراه با تصمیم، ایمان همراه با روشن بینی، همان چیزی است که این کشور را يك روز نجات داد. امروز هم مهم ترین عاملی که این کشور و این ملت را حفظ کرده است، همین ایمان است. روحیه ی سلحشوری، روحیه ی مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن، روحیه ی نفرت از دشمنی که نه فقط با جان و مال این ملت، بلکه با فرهنگ، ایمان و اسلام این ملت دشمن است، روحیه ی بی اعتمادی به دشمن و آمادگی برای دفاع، روحیات عالی ای است که يك کشور را عزیز و استقلال آن را حفظ میکند و استعدادهای يك کشور را به بروز و ظهور میرساند و به آقایی و عزت، نائل مینماید. (3)

استمرار مقاومت؛ پیروزی بر دشمن

ما معتقدیم که ملتهای مسلمان، در هر نقطه از دنیا که هستند، اگر

ص: 130

1- . در مراسم بیعت ائمه ی جمعه، روحانیون، مسئولان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقشار مختلف مردم و خانواده های معظم

شهدای استانهای یزد و کهگیلویه و بویراحمد 1368/4/11

2- . همان

3- . در دیدار راهیان نور در شلمچه 1/8/1378

تصمیم بر ایستادگی برای اسلام و نصرت آن داشته باشند، پیروز خواهند شد. اساس قضیه این است که مسلمانان در هر نقطه از عالم که هستند، باید تصمیم بگیرند از عدالت دفاع کنند، از عدالت بگویند، در مقابل ظلم بایستند و از اسلام، اسلامی که طرف دار مظلومین و ضعفا است، دفاع کنند. قدرتمندان عالم که بر همه جا مسلطند، خودشان قدرتشان را افسانه ای جلوه داده اند. واقعیت قدرت آنها با آنچه که دارند، خیلی متفاوت است. اگر آمریکا از آن قدرتی که ادعا و تلقین میکند برخوردار بود، امروز باید از مبارزات فلسطین اثری دیده نمیشد؛ اما می بینید که مبارزات مردم فلسطین، روزه روز پیش می‌رود. فلسطینی هایی که در این سرمای زمستان از خانه و کاشانه ی خود بیرون رانده شده اند، مشکل ترین مشکل را برای رژیم صهیونیست غاصب به وجود آورده اند. اینها قوی هستند و غالب خواهند شد؛ به شرط اینکه صبر کنند. اسرائیلی های غاصب و خبیث، با این عمل، اشتباه بزرگی مرتکب شده اند و خودشان را در محظوری چند جانبه گذاشته اند. از هر طرف حرکت کنند، شکست می‌خورند و ضربه می‌بینند. امروز هر کار که بکنند با شکست مواجه میشود. اگر فلسطینی ها را برگردانند، شکست خورده اند؛ نگهشان بدارند، شکست خورده اند؛ اعدامشان کنند، شکست خورده اند؛ زندانی شان کنند، شکست خورده اند. البته شرطش این است که مبارزین فلسطینی خسته نشوند؛ مقاومت کنند و بایستند و از سخن خود برنگردند. دشمن، آسیب پذیر است. همه ی دشمنانی که با ملت‌ها مبارزه میکنند، آسیب پذیرند. (1)

من نمیگویم که دشمنی های آمریکا، بر اوضاع کشور و ملت عزیز ما اثری نگذاشته است؛ چرا، اینها به مصالح ملت ما ضرر زدند. اینها با تحمیل جنگ، ما را هشت سال عقب انداختند. ما را که باید در جاده ی

ص: 131

سازندگی حرکت می‌کردیم، مجبور به دفاع از کشور کردند و بسیاری از منابع اساسی ما را نیز در داخل کشور و در حین جنگ از بین بردند. بنابراین، ضرر از سوی دشمن حتمی است و در این، تردیدی نیست. منتها يك واقعیت بسیار روشن هم وجود دارد و آن این است که ملت ایران، با ایستادگی و مقاومت خود، توانسته است توطئه های دشمنان را که میخواستند او را به تسلیم وادارند و دوباره بر سرنوشت این کشور مسلط شوند و دارایی های این ملت را مثل پنجاه سال، صد سال گذشته غارت کنند، خنثی و آنان را ناامید کند. (1)

سه خصوصیت لازم برای گذر از مشکلات

یکی اینکه کار و تلاش کنیم. دوم اینکه این کار را با رشادت و شجاعت انجام دهیم. سوم اینکه جهت گیری اش را خدا قرار دهیم... با وجود آن سه خصوصیت، موفقیت های شما روز به روز بیشتر خواهد شد و در قبال آن مجموعه ی انسانی که با این سه خصوصیت حرکت میکنند، یقیناً هیچ مشکلی تاب مقاومت نخواهد داشت. همه ی تنگناها و مشکلات - مشکلات انسانی، مشکلات سیاسی و مشکلات مالی - برطرف خواهد شد؛ این وعده ی الهی است. (2)

ایستادگی و بیداری؛ عامل از بین برنده ی فشارهای دشمن

این فشارهایی که در دنیا انجام میگیرد، اینها محکوم به شکست است؛ اینها شکست خواهد خورد. این چیزی است که تجربه به ما نشان داده، غیر از وعده ی الهی که: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (3) و آیات زیادی که

ص: 132

1- . خطبه های نماز جمعه تهران 1372/3/14

2- . در دیدار رئیس جمهور و هیئت وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت 1378/6/2

3- . سوره ی حج، بخشی از آیه ی 40، ترجمه: «و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند یاری میدهد.»

در این جهت هست. فشارها غالباً محکوم به شکست است. يك مدّتی فشار می آورند، وقتی که ایستادگی مشاهده شد از این طرف، آن فشار تمام میشود. جنگ، جنگ اراده ها است؛ جنگ عزمهای راسخ است؛ هرکه عزمش بیشتر بود، او برنده است. بنابراین، اینها شکست میخورند. اگر قرار بود نظام اسلامی با این فشارها شکست بخورد، باید همان دهه ی اوّل شکست میخورد. آن وقت - گفتم - دشمن قوی تر بود، ما ضعیف تر بودیم، توانایی هایمان کمتر بود، امکاناتمان کمتر بود، دنیاشناسی مان کمتر بود، تجربه مان کمتر بود؛ امروز بحمدالله این کمبودها و کمی های آن وقتها جبران شده و خیلی از اشکالاتی که آن وقت وجود داشت، وجود ندارد. مردم روحیه هایشان هم خوب است. امروز انگیزه ها خیلی بالا است. اگر خدای نکرده يك وقتی يك جنگی اتفاق بیفتد که حضور در جبهه را برای مردم و جوانها ایجاب کند، آن وقت خواهید دید که جوان امروز ما که نسل سوّم انقلاب است، همّتش و فداکاری اش از جوان آن روز کمتر نیست؛ شاید بیشتر هم هست. يك چنین حالتی وجود دارد. بنابراین، این فشارها محکوم به شکست است؛ لکن مهم این است که ما بیدار باشیم؛ به شرط اینکه ما بیدار باشیم؛ به شرط اینکه خوابمان نبرد، غفلت نکنیم؛ این زنگهای هشداردهنده و بیدارباش، ما را بیدار نگه دارد؛ این شرطش است. (1)

مؤلفه های اقتدار جمهوری اسلامی ایران

با حضور ملت ایران در میدانهای انقلاب و پیروزی این انقلاب، اعتمادبه نفس ملی به وجود آمد؛ مردم ایران فهمیدند که کاره ای هستند، میتوانند در اوضاع کشورشان اثر بگذارند، آن هم این جور اثری، و ریشه ی سلطنت به قول آنها 2500 ساله را از اعماق زمین بکنند، بیندازند در مزبله؛

ص: 133

مردم این را احساس کردند و این، اعتماد به نفس داد به ملت ایران.

این اعتماد به نفس ملی با نیروی ایمان همراه بود. ما مثل بعضی از کشورهای دیگری که انقلاب کردند، بی خدا، بی توکل، بی معنویت نبودیم که وسط راه بمانیم؛ ایمان، ما را نگه داشت، ما را حفظ کرد، ما را هدایت کرد، ما را پیش برد؛ این ایمان گوهر ذی قیمتی بود؛ روحی بود در کالبد این حرکت عمومی؛ روح امید را ایمان در ما زنده کرد؛ روح ایثار و فداکاری را ایمان در ما زنده کرد. اینکه يك مادری سه فرزند جوان خود را که مثل گل آنها را در آغوش خود پرورش داده به میدان جنگ بفرستد و جان آنها را در معرض خطر قرار بدهد و بعد هم افتخار بکند که این کار را کرده است، این جز با ایمان امکان پذیر نبود؛ آن جوانی که پیش فرماندهان، از زندگی راحت و آسوده‌ی خود با اصرار و التماس و گریه صرف نظر کند که او را ببرند به میدان جنگ، جز با ایمان امکان نداشت. ایمان، امید را، ایثار را، اقدام را در ملت برانگیخت، جوانها به حرکت درآمدند، سپاه درست شد، جهاد درست شد، بسیج درست شد، حرکت‌های عمومی درست شد، نیروهای مسلح جان تازه‌ای گرفتند، توانستند حضور حقیقی خودشان را وسط میدان نشان بدهند، مجموعه‌های خدماتی به وجود آمد، مجموعه‌های سازندگی به وجود آمد، مجموعه‌های علمی به وجود آمد، حرکت علمی در کشور آزاد شد و مردم، نخبگان، عناصر فعال و کوشنده، طعم استقلال و سربلندی و سرافرازی خودشان را چشیدند. اینها مؤلفه‌های اقتدار ملی است؛ اقتدار ملی یعنی این.

معنای اقتدار ملی این نیست که انسان پولهای کشور را به يك کشور بیگانه بدهد و سلاحهای مدرن او را بخرد و در انبار ذخیره کند که خودش حتی قادر نباشد بدرستی از آنها استفاده بکند؛ این حماقت است، این اقتدار نیست. اقتدار ملی این نیست که يك کشوری از آن طرف دنیا بیاید برای حمایت از يك حکومتی و يك دولتی، در آنجا پایگاه بزند و حضور

پیدا کند و خون ملت را بمکد و هر غلطی میخواید در آن کشور بکند برای اینکه این خاندان منحوس را مثلاً در کشور حفظ کند؛ اینها اقتدار نیست، اینها ذلت است. اقتدار این است که يك ملتی از درون بجوشد؛ هم علم را، هم نظامیگری را، هم سازندگی را، هم پیشرفت را، هم عزت بین المللی را برای خود کسب کند. اینها مؤلفه های اقتدار ملت ایران است؛ این را شما امروز دارید، خوش را هم دارید، ظرف پُرش را هم دارید به توفیق الهی؛ باید از این عناصر قدرت، بجا و بهنگام استفاده بشود. (1)

پیشرفت ملت ایران علی رغم دشمنی های گسترده؛ نشانه ی قدرت آن

بعضی به ما میگویند «آقا، شما در تشریح و توصیف قدرت ملت ایران مبالغه نکنید.»؛ من در جواب میگویم ما مبالغه نمیکنیم، ما واقعیت را میگوییم. بزرگ ترین دلیل برای اقتدار ملت ایران و قوت و قدرت ملت ایران، این است که چهل سال است که یکی از سفاک ترین و بی رحم ترین و رذل ترین قدرتهای دنیا یعنی آمریکا در مقابل ملت ایران مشغول کارشکنی و شرارت است و نتوانسته است به این ملت زیانی وارد کند و نتوانسته هیچ غلطی بکند و ملت ایران راه خودش را در پیش گرفته و پیش رفته و قوی تر شده؛ این نشانه ی قدرت ملت ایران است. اگر ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی مقتدر و قوی نبود، يك دهم تلاشی که دشمنان میکنند کافی بود که این ملت را مغلوب کند و نظام محبوبشان را از آنها بگیرد؛ نظام در مقابل آنها ایستاده، روزه روز هم قوی شده.

فقط هم آنها نبودند؛ در داخل کشور هم همین جور. من به شما عرض بکنم سه جریان معارض از روز اول انقلاب در مقابله ی با انقلاب اسلامی و حرکت امام بزرگوارمان پیدا شدند: يك جریان، جریان به اصطلاح لیبرال متمایل به غرب و آمریکا و دل بسته ی آمریکا و غرب بودند؛ يك جریان،

ص: 135

کمونیسست های اسلحه به دستی بودند که از هیچ چیز ابا نداشتند و پرهیز نمیکردند؛ یک جریان دیگر، منافقینی بودند با ظاهر اسلامی و باطن خُبث(1) کفر و بی هویت که حتی حاضر شدند بروند زیر پرچم صدام بدنام سینه بزنند و آنجا بایستند و [از او] استفاده کنند. اینها سه جریان اساسی بودند در این کشور؛ هر سه جریان مغلوب و منکوب انقلاب اسلامی شدند و حالا با تملق به قدرتها، با خبرچینی و دادن خدمات جاسوسی به دولتهای امثال فرانسه و انگلیس و آمریکا و مانند اینها، در زیر سایه ی آنها استفاده میکنند. یک جریان هم البتّه جریان متحجّر و مرتجع داخلی بود که آن هم به نوع دیگری در مقابل انقلاب و در مقابل حرکت انقلاب می ایستادند و مزاحمت میکردند که آنها البتّه خیلی قابل ذکر و قابل توجّه نبودند و ملّت از آنها عبور کرد؛ جریان مزاحم ارتجاع و تحجّر و دین تراشی. جمهوری اسلامی به کمک ملّت، با ابتکار و قدرت جوانان این ملّت، توانست آن دشمنان خارجی و این دشمنان داخلی را به عقب نشینی وادار کند و آنها نه فقط نتوانند به جمهوری اسلامی آسیب برسانند بلکه نتوانند جلوی پیشرفت جمهوری اسلامی را بگیرند.

عزیزان من، جوانان من! امروز شما با جمهوری اسلامی ای مواجهید که نسبت به آن روزی که شماها در این جمهوری متولّد شدید، زمین تا آسمان تفاوت کرده؛ حرکت، امکانات، توانایی ها، تجربه ها، کارکردها بمراتب پیشرفت کرده و بالا رفته و ان شاءالله معنویت هم در بین جوانان ما همین جور پیش خواهد رفت و قطعاً در یک جمع مهم و قابل اعتنائی، این معنویت وجود هم دارد.(2)

ایجاد ائتلاف بر ضدّ ایران توسط آمریکا؛ دلیل قدرت جمهوری اسلامی

یک دلیل بر قدرت جمهوری اسلامی، همین ائتلافهایی است که آمریکا

ص: 136

1- . بدخواهی، پلیدی

2- . در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1397/4/9

در منطقه انجام می‌دهد. اگر آمریکا می‌توانست در مقابل جمهوری اسلامی کار موردنظر خود را انجام بدهد، احتیاج نداشت با این کشورهای روسیاه بدنام مرتجع، در منطقه ائتلاف تشکیل بدهد و از آنها کمک بخواهد و برای ایجاد اغتشاش و ناآرامی و ناامنی از آنها کمک بگیرد؛ این نشان دهنده ی این [قدرت] است. البته دشمنی های آنها، دشمنی های آمریکا، روزه روزه بیشتر شده است، نفرت ملت ایران هم از آمریکا روزه روزه افزایش پیدا کرده است. (1)

ایستادگی؛ راه رسیدن به آرزوها و زمینه سازی ظهور

اگر شما ملت عزیز ما، شما جوانهای خوش روحیه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید می‌روید، ایستادگی کنید، شك نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال و آرزوها و داعیه ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد. هر کاری دوره ای دارد، زمانی دارد؛ در زمان متناسب خود، این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد. ملت ایران به آن نقطه ای که موردنظر او است، به دنبال آن حرکت کرده است، اهتمام ورزیده است، خواهد رسید؛ راهش مقاومت کردن است.

آن وقت چه اتفاقی می افتد؟ مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه گری و سلطه پذیری است؛ يك عدّه در دنیا سلطه گزند، يك عدّه در دنیا سلطه پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه ی ظهور ولیّ امر و ولیّ عصر (ارواحنااله الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا

ص: 137

وارد يك مرحله ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شما است، این بسته به معرفت امروز من و شما است. (1)

مقاومت؛ راه عزت و پیشرفت

ملت ایران، اگر میخواهد راه عزت و پیشرفت را ادامه دهد - همچنان که بحمدالله در این چند سال، به برکت بازوان توانا و خدمتگزاری که در دولت جمهوری اسلامی تلاش و فعالیت، و در بخشهای مختلف کار و پیشرفت کردند - اگر میخواهد راه توسعه، سازندگی و رفاه زندگی را ادامه دهد و به نتیجه برساند، باید به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و استکبار پردازد. ملت ایران در این چند سال، دستاوردهای عظیمی داشته است؛ لذا وظیفه دارد که این دستاوردها را حفظ کند. (2)

مقاومت؛ راه حفظ دستاوردهای انقلاب

بدیهی است که راه حفظ این دستاوردها و به وجود آوردن دستاوردهای بیشتر، این است که ملت ایران و مسئولین، خط نشانی را که امام بزرگوار با عمل خود کشیده است؛ یعنی خط استقامت و ایستادگی در مقابل توقعات دشمنان و ایستادگی در مقابل یاوه گویی ها و پرگویی های کسانی که در بیرون این مرزها نسبت به این ملت ابراز توقع میکنند، ادامه دهند. اما اینکه مکرر گفته میشود «راه امام و خط امام» منظور چیست؟ اگر بگوییم «خط امام، اسلام و انقلاب است.» این، مطلبی کلی است؛ معلوم است که خط امام، انقلاب و اسلام است! هیچ کس هم مخالف با اسلام و انقلاب نیست. آن عاملی که میتواند مقصود امام بزرگوار را - که پدر این انقلاب و معمار ایران اسلامی است - برآورده کند، استقامتی است که او

ص: 138

1- . در دیدار مردم قم 1391/10/19

2- . در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی (ره) 1375/3/14

در رفتار خود نشان داد؛ در مقابل دشمن، کوتاه نیامد؛ از دشمن نهراسید و نترسید و تهدیدها او را متزلزل نکرد. (1)

4 - بروز ظرفیتها در دوران مقاومت

اشاره

اول جنگ، ما هیچ چیز نداشتیم. همه ی شما یا اغلبتان در جنگ بودید؛ بنده هم از نزدیک شاهد بودم؛ واقعاً دست ما خالی بود؛ نه ارتش ما امکاناتی داشت، نه سپاه که آن روز اصلاً تشکّل درستی نداشت؛ حتی تفنگ انفرادی در دست افراد نبود؛ وسایل ابتدایی یک جنگ حقیقی در اختیار نبود. در منطقه ی اهواز - که بنده آنجاها بودم - بعضی از یگانهای یک تیپ ما شاید حدود ده دستگاه تانک در اختیار داشتند؛ یعنی یک دهم آنچه باید داشته باشند. تانک هایشان از بین رفته بود، منهدم شده بود؛ درعین حال جوانهای ما ایستاده بودند و تلاش میکردند.

از زمان شروع جنگ تا الان - این بیست و چهار پنج سال - ما از زمین به آسمان رفته ایم. ما را تهدید میکنند به تحریم اقتصادی و محاصره ی اقتصادی! ما در همین دوره ی محاصره ی اقتصادی بوده که این همه امکانات را به دست آوردیم. در سخت ترین دوره های محاصره ی اقتصادی، جوانهای ما توانستند سلاحهایی را بسازند که در همه ی دنیا آن سلاحها را غیر از آمریکایی ها و یکی دو دولت عزیز کرده ی آمریکا هیچ کس نداشت. همین موشک ضد تانک «تاو» را جوانهای ما در چه شرایطی ساختند؟ همه ی درها رویشان بسته بود، اما ساختند. همین پیشرفتهای علمی ای که امروز شما ملاحظه میکنید دارد بروز میکند، بنده از سالهای متمادی میگفتم جوانهای ما دارند کارهای بزرگی میکنند، که الان یکی پس از دیگری در بخشهای مختلف دارد بروز میکند. البته موضوع انرژی هسته ای اش به خاطر حساسیت دنیا روی آن، برجسته و شاخص شده؛ وّالّا

ص: 139

در ردیف این کار، کارهای دیگری که در بخشهای گوناگون انجام گرفته، واقعاً اهمیتش کمتر از این کار نیست؛ منتها جنبه ی نظامی و دفاعی ندارد. اینها همه در شرایط محاصره ی اقتصادی بوده؛ در شرایط فشار سیاسی و اقتصادی بوده؛ در شرایط بدحسابی و سخت گیری دولتهایی که حتی با ما رابطه ی اقتصادی هم داشتند، لیکن بدجنسی و ناخن خشکی و بدحسابی میکردند، بوده؛ ولی ما توانستیم. این، ظرفیت خیلی بزرگی برای يك ملت است که میتواند. این ظرفیت را جوانهای ما باید بشناسند.

شما میدانید در دوره ی پهلوی یکی از رایج ترین تبلیغات، «نمیتوانیم» بود. همه ی ما از بچگی این طور بار آمده بودیم که جنس ایرانی مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن؛ ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه ی زمینه ها. اصلاً این فرهنگ را در ذهن ملت ما نهادینه کرده بودند. این در حالی است که این موضوع 180 درجه با واقعیت فرق دارد. این ملت، ملتی است که از همه جهت میتواند؛ میتواند تولید کند، میتواند رشد بدهد، میتواند ابتکار کند، میتواند مرزهای علم و فناوری را بشکند و جلو برود.

البته ما هنوز از دنیا خیلی عقبیم؛ چون مدتهای مدیدی ما را عقب نگه داشته بودند - این را خودمان بروشنی میدانیم - ولی ما داریم با سرعت این فاصله را طی میکنیم تا به جلو برسیم. این، مظهر کاملش در جنگ است؛ هم از جهت روحیات انسانی، و هم از جهت استعداد گرایش معنوی، صفا و معنویت و لطافت، که این همه جا بود. (1)

دوران مقاومت؛ دوران بروز ظرفیتهای هنری

دوره ی سختی برای يك کشور - چه سختی جنگ باشد، چه سختی

ص: 140

اقتصادی باشد، چه فشارهای گوناگون سیاسی باشد - دوره‌ی نشان دادن ظرفیتها است؛ که این ملت چقدر ظرفیت دارد، چقدر قابلیت اظهار وجود دارد، چقدر لیاقت بقا دارد. لذا بهترین آثار هنری هم که انسان نگاه میکند، یا بخشهای زیبای بهترین آثار هنری، مربوط به همین دوره‌های این کشورها است. شما به آثار داستانی‌ای که وجود دارد، اگر نگاه کنید، شیرین‌ترین و هنرمندانه‌ترین نوشته‌های هنری و رمانهای بزرگ مربوط به بخشهایی است که ملتی دارد کار بزرگی از این قبیل انجام میدهد. «جنگ و صلح» تولستوی مربوط به مقاومت عجیب مردم روسیه است در مقابل حمله‌ی ناپلئون و حرکت عظیمی که مردم مسکو انجام دادند برای ناکام کردن ناپلئون. تولستوی کتابهای دیگری هم دارد، اما به نظر من این کتاب برجستگی اش به خاطر این است که کاملاً بر محور روح دفاع مردم روسیه است. همین طور است بسیاری از کتابهای دیگری که یا در مورد انقلاب شوروی نوشته شده، یا در مورد انقلاب کبیر فرانسه نوشته شده، یا در مورد جنگهای فرانسه و آلمان و دفاع مردم فرانسه نوشته شده؛ مثل بعضی از کتابهای امیل زولا. مهم‌ترین آثار رمانی مربوط به دوران حساس يك ملت است، که در آن وقت این ملت توانسته ظرفیت خودش را نشان دهد. شاید نقاشی‌ها هم همین طور باشد. البته بنده در نقاشی به عنوان يك بیننده هم حتی سررشته‌ی خوبی ندارم؛ اما گمان میکنم تا آن حدی که شنیدم، زیباترین یا بخشی از زیباترین نقاشی‌های بزرگ دنیا مربوط به صحنه‌های جنگ است؛ مثلاً صحنه‌ی جنگ «واترلو» و صحنه‌های گوناگون دیگر. (1)

خاصیت شرایط سخت؛ مقاوم کردن ملتها

فشارهای دشمن و شرایط سخت، ما را ضعیف نکرده؛ سختی‌ها و تنگناهایی که در این سی سال وجود داشته، ما را تضعیف نکرده؛ بلکه

ص: 141

ما را نیرومند و مقاوم هم کرده. امیرالمؤمنین (علیه سلام الله و الملائكة اجمعین) فرمود: «ألا و انّ الشَّجرة البریة اصلب عوداً... و أقوى و قوداً»⁽¹⁾؛ [درختی که در میان سنگ میروید] هم محکم تر است، هم وقتی که آن را آتش زدی، آتشش ماندگارتر است. خاصیت شرایط سخت این است. شرایط سخت، شرایط پرچالش، ملتها را مقاوم میکند؛ رؤسا و مدیران و مسئولان و رهبران کشورها را مقاوم میکند؛ مثل يك ورزش، آنها را تقویت میکند، نیروی آنها را مضاعف میکند، همّت آنها را مضاعف میکند، میروند دنبال کارهای بزرگ تر. و این بحمدالله اتفاق افتاده.⁽²⁾

پیشرفت‌ها در پرتوی ایستادگی‌ها

بدانید که حوادث گوناگون، انسان را دچار تغییرات فکری میکند؛ گاهی انحرافها و زاویه‌ها خیلی ریز شروع میشود، لکن وقتی ادامه پیدا میکند، این فاصله از خطّ مستقیم و اصلی مدام زیاد میشود. به این توجّه داشته باشید. آن کسانی که توانستند کارهای بزرگ را در این مملکت انجام بدهند که یکی از آنها مسئله‌ی انقلاب است، یکی مسئله‌ی دفاع مقدّس و مانند اینها است - که من توصیه میکنم خاطرات دفاع مقدّس را شما جوانها بخوانید، اینها خیلی باارزش است؛ بنده که جای پدر بزرگ شماها هستم و خودم هم در جنگ بوده‌ام و دیده‌ام، وقتی میخوانم، برای من جدید است، برای من مهم است، برای من بدیع و تازه و تأثیرگذار است - این موقّعیتهایی که ما در دفاع هشت ساله پیدا کردیم، یا در خود انقلاب پیدا کردیم، یا در برخوردها و تعارضات شدیدی که در طول این قریب چهل سال با انقلاب بوده پیدا کردیم، ناشی از ایستادگی و ثبات بوده. آنهایی که يك روز این جوری اند، يك روز آن جوری اند، تلوتلو میخورند،

ص: 142

1- . نهج البلاغه، نامه ی 45

2- . در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1389/6/25

به تعبیر امیرالمؤمنین «إِنَّكَ لَلْفَلِقُ الْوَضِيعِ تُرْسِلُ فِي غَيْرِ سَدَدٍ»⁽¹⁾ [هستند]؛ یعنی کسی که حضرت آن شخص را تشبیه کرده اند به يك شتری که بارش را روی پشتش سست بسته اند و همین طور که راه میرود این بار از این طرف می افتد یا از آن طرف می افتد؛ طبعاً نمیتواند مستقیم راه برود؛ از این باید ترسید، از این باید پرهیز کرد. در دعا میخوانیم: «أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ عَلَي دِينِكَ»⁽²⁾؛ ثبات و ایستادگی در دین و در راه انقلاب يك چیز بسیار مهمی است؛ به این بایستی توجه کرد.⁽³⁾

راه پیشرفت؛ ایستادگی

ملت ایران ایستاده است؛ ملت ایران در این 37 سال نشان داده است که ایستاده است. این يك، و نشان داده است که راه پیشرفت هم ایستادگی است. اگر ملت ایران تسلیم میشد، ضعف نشان میداد، در مقابل قدرت طلب های عالم و متکبرین عالم گرنش میکرد، این پیشرفتهای هم نصیبش نمیشد. راه پیشرفت ایستادگی و استقامت است، تقویت ساخت داخلی است، تقویت عزم و اراده ی ملی است و تقویت ارتباط با خدا.⁽⁴⁾

5 - دور شدن سایه ی جنگ

اشاره

امروز خطر جنگ بیش از بقیه ی زمانها در سالهای عمر مبارك جمهوری اسلامی نیست؛ همیشه خطر توطئه ی دشمن علیه ما وجود داشته است. آنچه مانع از توطئه، جنگ و غلبه ی دشمن میشود، ایستادگی و بیداری و

ص: 143

1- .. نهج البلاغه، خطبه ی

2- . کافی، ج، ص

3- . در دیدار نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال آور دانشگاه شریف 1395/10/13

4- . در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی 1395/4/16

حاضر بودن در میدان مقاومت است و شما عزیزان سپاه و بسیج یکی از برجسته ترین مظهرهای این ایستادگی و مقاومت هستید. (1)

قدرت مقاومت؛ از بین برنده ی سایه ی جنگ

این طور نیست که آمریکا این قدرت را داشته باشد که بدون هزینه های سنگین غیر قابل تحمل، به کشوری حمله ی نظامی کند؛ نخیر، هر وقت لازم باشد، اینها حمله ی نظامی را به کار میگیرند؛ منتها شرط اول آن این است که بدانند در آن حمله ی نظامی ناکام نخواهند شد و توی دهانشان نخواهد خورد. آنجایی که احتمال دهند قدرت مقاومتی وجود دارد، هرگز چنین خطری را متحمل نمیشوند. ثانیاً حمله ی نظامی را وقتی انجام میدهند که خواسته های خود را از طریق دیگری نتوانند به آن کشور تحمیل کنند. با تهدید و فریاد و جنجال و جوسازی سیاسی و قدرت رسانه ای سعی میکنند خواسته های خود را بر آن کشور تحمیل کنند.

در مورد کشور عزیز و ملت شجاع و مقاوم ولی مظلوم ما، آمریکایی ها همه ی چیزها را تجربه کرده اند. این هم يك تجربه است که فریاد بکشند، تهدید کنند، بترسانند و در سایه ی ترساندن، کارهای خود را پیش ببرند. (2)

پرهیز دشمن از تکرار فشارها در صورت مقاومت

اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن - از جمله در مقابل همین تحریمها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کُند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این يك گذرگاه است، این يك برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد. این چیزهایی که الان آنها تهدید میکنند، تحریم میکنند، جز

ص: 144

1- . در اجتماع بسیجیان و سپاهیان لشکر 25 کربلا 1382/6/29

2- . در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز سیزده آبان 1381/8/13

آمریکا و جزر ژیم صهیونیستی، هیچ کس ذی نفع از این تحریمها نیست. دیگران را با زور و با فشار و با رودربایستی و با این چیزها وارد میدان کردند؛ خب، پیدا است که زور و فشار و رودربایستی نمیتواند خیلی ادامه پیدا کند - يك مدتی است - شاهدش هم این است که مجبور شدند بیست تا کشور را از همین تحریمهای نفتی و امثال اینها استثنا کنند! دیگرانی هم که استثنا نشدند، خودشان مایل نیستند، و بیش از آنچه که ما بخواهیم یا همان اندازه که ما میخواهیم، آنها دنبال راه حل میگردند. بنابراین بایستی مقاومت کرد. خب، اینها واقعیتهای ملموس است. اینهایی که عرض کردم، هیچ کدامش تحلیل نبود، ذهنی نبود؛ چیزهایی است که مشاهده میکنیم. (1)

6 - افزایش نیرو و توانایی ها

ما تجربه کردیم؛ ما ملت ایران تجربه کردیم. در مقابل دشمنان اسلام و دشمنان قرآن تسلیم نشدیم، مقاومت کردیم؛ خدا به ما نیرو داد. هرچه بیشتر مقاومت کردیم، نیروی ما بیشتر شد؛ توانایی های ما بیشتر شد؛ امید ما به آینده بیشتر شد. این همان نسخه ی علاج دنیای اسلام است. (2)

ص: 145

1- . در دیدار کارگزاران نظام 1391/5/3

2- . در دیدار شرکت کنندگان در سی و دومین دوره ی مسابقات بین المللی قرآن کریم 1394/3/2

1 - ایمان دینی

2 - حفظ ساخت حقیقی نظام اسلامی

3 - مستحکم کردن کشور

4 - اعتقاد یافتن مردم و مسئولان به هویت ملی

5 - حضور در صحنه

6 - امید

7 - عمل به دین

8 - ایثار و فداکاری

9 - شنیدن بشارت شهدا

10 - رهبر مقاوم

11 - اتحاد

12 - تبیین صادقانه ی شرایط برای مردم

13 - یاد شهدا، از عوامل تقویت روحیه ی مقاومت

14 - شجاعت

15 - بصیرت

16 - آگاهی بخشیدن به ملتها

ص: 149

عنصر دوم (1) هم عنصر ایمان دینی مردم است. ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه‌ی مردم را بسیج کند و بیاورد، ثانیاً آنها را در صحنه نگه دارد، و ثالثاً سختی‌ها را برای آنها هموار و آسان کند؛ هیچ ایمان دیگری این خصوصیت را ندارد. ایمان دینی میگوید شما اگر چنانچه فائق شدید و پیش بردید، پیروزید؛ اگر کشته هم شدید، پیروزید؛ اگر زندان هم افتادید، پیروزید؛ چون به وظیفه عمل کردید. وقتی کسی یک چنین اعتقاد و ایمانی داشت، دیگر شکست برایش معنا ندارد؛ لذا وارد میدان میشود. این همان عاملی است که در صدر اسلام هم اثر کرد، در انقلاب ما هم اثر کرد؛ نه دی این را نشان داد. نه دی یک نمونه‌ای بود از همان خصوصیتی که در خود انقلاب وجود داشت؛ یعنی مردم احساس وظیفه‌ی دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند. عمل صالح این بود که توی خیابان بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران اینند. با این حرکت مردم، آن حجم عظیم تبلیغات دشمن که میخواست فتنه‌گران را مردم ایران معرفی کند و این جور نشان بدهد که مردم ایران از انقلابشان، از نظامشان برگشتند، بکلی نقش بر آب شد؛ یعنی

ص: 151

مردم نشان دادند که این، مردم ایران است. تحلیلگران خارجی وقتی نگاه کردند، گفتند از بعد از رحلت امام بزرگوار، یا شاید بعضی گفتند از بعد از حرکات اول انقلاب، هیچ اجتماعی با این بزرگی، با این تپش، با این شور و هیجان وجود نداشته، که مردم وارد میدان شدند. این، حقیقت نه دی است. (1)

ایمان؛ عامل اصلی در مقاومت

يك ملت، با نیروی ایمان و اعتقادش مبارزه میکند. اصلاً مبارزه و جنگیدن و مقاومت کردن، با ایمان است، نه با دست و چشم و بدن. دست و چشم و بدن ابزار است. يك آدم سالم و قوی، يك تیرانداز ماهر و آگاه به همه ی فنون جنگی را در نظر بگیرید که به جنگیدن ایمان ندارد. يك نفر ناوارد را هم در نظر بگیرید که بلد نیست چگونه تفنگ را به دستش بگیرد؛ اما معتقد است که باید با چنگ و دندان جنگید. این دو نفر، کدامشان بهتر میجنگند؟ آنکه جنگیدن بلد است، اما معتقد نیست، نمیجنگد! درست است که بلد است، اما بلدی خودش را به کار نمی اندازد. یکی هم هست که جنگیدن بلد نیست، اما معتقد است که باید جنگید؛ لذا با چنگ و دندان میجنگد و جنگیدن را در اسرع وقت یاد میگیرد.

مگر بسیجی های ما چه کار کردند؟ بسیجی های ما مگر دوره های آن چنانی دیده بودند؟ دوره های 20 روزه، دوره های 45 روزه، دوره های دو ماهه و سه ماهه دیدند؛ اما دیدید در میدان جنگ چه کردند. چرا؟ چون معتقد بودند که باید دفاع کرد و جنگید. ملت ما از وقتی انقلاب کرد تا امروز، معتقد بوده است که باید با دشمنان اسلام بجنگد؛ با متجاوزین، با زورگوها و با آنهایی که سرنوشت این مملکت را ده ها سال در دست داشتند و خوردند و چاپیدند و از بین بردند، باید مبارزه کند؛ باید همه ی

ص: 152

لذتها را کنار بگذارد و به میدان مبارزه بیاید. ملت ما این عقیده را داشت؛ به میدان آمد و انقلاب پیروز شد، جنگ پیروز شد و تا امروز، بحمدالله، پیش آمده ایم. (1)

اگر ما بخواهیم سعادت این مردم را تأمین کنیم، باید در اجرای احکام الهی کوشا باشیم. سعادت دنیا و آخرت مردم در اجرای احکام الهی و اسلامی است. این آن چیزی است که میتواند کشور و ملت ما را به آرمانهای والا و برجسته‌ی خود برساند. این آن چیزی است که میتواند این کشور را در مقابل مطامع روزافزون قدرتهای بزرگ مصوبیت بخشد. این آن چیزی است که میتواند این ملت را با همان ایمان و شوری که در پیروزی انقلاب و دوران جنگ تحمیلی و در همه‌ی توفانها نشان داد، در صحنه نگه دارد. آن عاملی که میتواند ملت ایران را - با فقدان بسیاری از تجهیزاتی که قدرتهای بزرگ از آن برخوردارند - این طور محکم و باثبات نگه دارد، ایمان دینی است. باید ایمان دینی را در مردم حفظ کرد تا این مردم بتوانند مقاومت خود را حفظ کنند و بایستند و از مسئولان پشتیبانی کنند و در مقابل خطرهای سینه سپر نمایند. ما مسئولان، بدون حمایت مردم چیزی نیستیم و نمیتوانیم کاری بکنیم. ارزش و اقتدار و توانایی ما در صحنه‌ی بین‌المللی و در مقابل توفانها، به پشتیبانی مردم است و این نظام بحمدالله امروز مردمی‌ترین نظام دنیا است. نسبت و ارتباط بین مسئولان و این مردم، ارتباط ایمان، عاطفه و اعتماد است. این ارتباط و این گونه رابطه و پیوند، در دنیا نظیر ندارد. اگر بخواهیم این مردم از دولتها و مسئولانی که می‌آیند و می‌روند و از نظامی که به وسیله‌ی این مردم بر سر کار آمده است، حمایت کنند، باید ایمان مردم را حفظ کنیم و جلوی تهاجم به ایمان آنها را بگیریم. (2)

ص: 153

1- . در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت روز کارگر و روز معلم 1372/2/15

2- . پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی 1380/5/11

اروپایی‌ها آمدند تر جدایی دین از سیاست را مطرح کردند؛ گفتند اصلاً دین را بایستی گذاشت کنار؛ حکومت بکل از دین جدا است؛ يك امر کاملاً عرفی است؛ هیچ ارتباطی به دین و مبانی دینی ندارد. این فکر اروپایی‌ها بود؛ آن هم ناشی از وضع دین و دولت در اروپا که کسی نگاه کند در دوران قرون وسطی میبیند که چه وضعیتی اسف باری در آنجا حاکم بوده است.

بعد هم آوردند این را در داخل کشورهای اسلامی؛ چون احساس میکردند آن چیزی که ممکن است بایستد و مقاومت کند در مقابل حرکت استعمار که در قرن نوزدهم در اوج خود قرار داشت - که می‌آمدند کشورهای اسلامی را میگرفتند - آن چیزی که ممکن بود مقاومت بکند این دین بود، انگیزه‌ی دینی [بود] که بیابند نگذارند؛ که در هند این را دیدند، در عراق این را دیدند، در ایران به شکلهای دیگری آن را دیدند، در بعضی از کشورهای دیگر عربی در شمال آفریقا این را مشاهده کردند. در بین روشنفکران محیطهای اسلامی این فکر را رواج دادند که دین بکلی با سیاست کاری نداشته باشد و برود کنار. بعد هم روشنفکران دینی امثال سید جمال الدین و شاگردهایش و علمایی در هند، علمایی در ایران، علمایی در عراق با این تز مخالفت کردند. (1)

اسلام؛ عامل تقویت مقاومت

به همه‌ی اقشار مردم ایران توصیه میکنم که قدر حیثیت اسلامی و آبروی سرشار انقلاب خود را بدانند و سعی کنند آن را حفظ کنند. اسلام به ملت و کشور ما خیلی عزت و شخصیت داده است. جا دارد که هرچه در توان داریم، از اسلام و نظام اسلامی دفاع کنیم. دنیا ملتی را مثل ملت

ص: 154

ایران نمی شناسد که این قدر با قاطعیت و قدرت و اعتماد به نفس، در مقابل زورگویی های قدرتهای مستکبر جهانی ایستاده باشد و از کسی هم واهمه نداشته باشد. (1)

نقش ایمان در پیروزی انقلاب اسلامی ایران

یقیناً هیچ جریان مبارز دیگری نمیتوانست در کشور ما نظام سلطنتی را از بین ببرد - جوانهای عزیز! این را بدانید و مطمئن باشید - جز جریان اسلامی و دینی ای که پیش آمد. هیچ جریان دیگری، هیچ حزبی، هیچ مجموعه ی مبارزی امکان نداشت بتواند نظام استبدادی وابسته ی به قدرت آمریکا را در این کشور سرنگون کند؛ کما اینکه جریانهای مبارز قدیمی در این کشور، همه از کار افتاده بودند؛ چه جریانهای چپ، چه جریانهای راست، چه گروه های مسلح. در سالهای 54 و 55 همه ی این گروه ها به وسیله ی آن دستگاه قلع و قمع شده بودند. تنها چیزی که میتوانست آن رژیم باطل را ساقط کند، موج عظیم ملی بود؛ حضور یکپارچه ی مردم؛ که این هم جز با انگیزه ی دین و با پیشوایی روحانیت مبارز و مرجعی مثل امام بزرگوار امکان پذیر نبود. بعد هم که آن رژیم فاسد سرنگون شد، هر نظام دیگری غیر از نظام جمهوری اسلامی - چه نظام چپ، چه نظام راست - اگر سر کار می آمد، امکان نداشت بتواند در مقابل نفوذ دشمن، در مقابل دخالتهای گوناگون دشمن مقاومت کند.

ما دیدیم که چطور انقلابهایی که سر کار آمدند، چند سالی هم بودند؛ چه از نوع چپ، چه از نوع میانه، اما نفوذ و دخالت آمریکا - دخالت سیاسی اش، دخالت نظامی اش، محاصره ی اقتصادی اش - اینها را نابود کرد؛ از بین برد. شما امروز نگاه کنید به اروپای شرقی - که يك مرکز عمده ی

ص: 155

1- . در مراسم بیعت خانواده های شهدای هفتم تیر، اعضای شورای عالی قضایی، قضات و مسئولان دادگستری و جمعی از مردم لرستان

1368/4/7

حکومت‌های سوسیالیستی و چپ بود - و ببینید که کارشان به آنجا رسیده که پایگاه‌های نظامی و موشکی آمریکا در همان کشورهای چپ سابق اروپای شرقی گذاشته میشود و آمریکایی‌ها آنجا حضور پیدا میکنند! بنابراین، هیچ نظامی جز جمهوری اسلامی نمیتوانست در مقابل نفوذ و فشار آمریکا مقاومت کند. (1)

ایمان به خدا و احساس بودن در راه خدا

آن چیزی که ارتش اسلامی را از همه ی ارتش‌های دیگر متمایز میکند، عبارت است از ایمان به خدا و تعبد در مقابل فرمان الهی و احساس اینکه جنگشان جهاد فی سبیل الله است. این، آن عامل اصلی است که اگر آن را جدا کنیم، لشکر اسلامی هم مثل بقیه ی ملت‌ها و لشکرهای کشورهای دیگر، چیزی در عداد آنها خواهد شد. یعنی اگر اسلحه و تجهیزات و نفرات و نیرو و استعداد بالا داشت، ممکن است بتواند مقاومت کند؛ وَاَلَا اگر تعداد طرف مقابل، يك خرده بیشتر و یا تجهیزاتشان پیشرفته تر بود، مجالی برای تحرّک اینها نخواهد داد. (2)

مَلَّتْ مَا، عزّت خود را در مقابل قدرتهای جهانی حفظ کرد؛ یعنی همان چیزی که قرآن برای مسلمانها خواسته است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (3)؛ عزّت، متعلّق به مؤمن است؛ چون مؤمن تنها کسی است که با همه ی وجود، در مقابل هر چیزی که بوی شیطنت و ظلم و فساد میدهد، مبارزه و مقاومت میکند و فقط بنده ی خدا است و غیر او را بندگی نمیکند. از

ص: 156

1- . در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 1387/9/24

2- . در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم شهرهای شاهرود، خلخال، بیرجند، قیدار، خمسه، تیران و چالوس، روحانیون و

معاونان دفاتر عقیدتی، سیاسی نیروی زمینی ارتش و جمعی از شیعیان استان سرحد پاکستان 1368/7/19

3- . سوره ی منافقون، بخشی از آیه ی 8، ترجمه: «و [الی] عزّت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.»

وقتی که ملت ایران با پیروزی انقلاب توانست دین خدا و اسلام را در قالب یک نظام اجتماعی مجسم و متبلور کند، ترس از اسلام در دل مستکبران به وجود آمد و لذا علیه اسلام، تلاش و مبارزه و تبلیغ نمودند و پول خرج کردند. (1)

امروز اگرچه قدرتهای استکباری در یک میدان بی رقیب و بی منازع، چهاراسبه میتازند، اما در دنیا کار به جایی رسیده است که بزرگ ترین قدرتهای استکباری هم از احساسات معنوی و دینی ملت‌ها میترسند! در مقابل قدرت بی مهار و بی رقیب آمریکا، امروز تنها چیزی که ایستاده است و مقاومت میکند و آمریکا را میترساند، همین بیداری معنوی انسانها است؛ بخصوص در مناطق اسلامی. این روح دینی و گرایش به معنویت که در میان بسیاری از ملت‌ها پیدا شده است، اینها را شما کردید؛ مبارزه‌ی شما کرد. (2)

ارتباط مداوم حضرت امام خمینی (قدس سره) با خدا؛ عامل افزایش مقاومت انقلاب

من اعتقاد راسخ دارم، یکی از مهم ترین عواملی که موجب شد این انقلاب پیروز شود و بایستد و مقاومت کند و سختی‌ها را پشت سر بگذارد و دشمن را ناکام سازد، این بود که محور این انقلاب، یعنی آن مرد الهی، آن انسان مؤمن و تقوی زکی واقعی، با خدا در ارتباط روزافزون بود. چنین نبود که از روز اول انقلاب تا روز رحلت، امام در ارتباط با خدا یک طور مشی کرده باشد؛ خیر، او هر روز در هر برهه ای از برهه های حیات، از برهه ی قبل بهتر بود؛ باکیفیت تر بود و در آن، به خدا نزدیک تر بود. این را انسان بخوبی

ص: 157

1- . در دیدار با ائمه ی جمعه، روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم شهرهای کبودرآهنگ و بهار همدان، هشت پر طولش، سبزواری و مرند، اعضای ستاد نماز جمعه ی تهران، فرهنگیان و دانش آموزان گلپایگان و دست اندرکاران احداث حسینیه ی امام خمینی (ره) 1368/9/1

2- . در دیدار با خانواده های شهدای شهرهای پاکدشت، ممقان، کبودرآهنگ، آستانه ی اشرفیه، لنجان، رابر کرمان، تهران 1370/7/17

چرا می بینیم در گوشه و کنار دنیا، این همه سرمایه گذاری های مردمی، گاهی به هدر میرود و حضور قوی مردمی نتیجه ی مطلوب نمیدهد؟! چرا می بینیم در مقابل نهیب قدرتهای بزرگ، گروه ها و افراد، دل و زهره ی ایستادن پیدا نمیکنند؟ چرا می بینیم هیبت مستکبرین، جای هیبت خدا را در دلها میگیرد؟! چرا به جای اینکه از خدا بترسند، از دشمنان خدا میترسند و عقب می نشینند و مغلوب میشوند و سرمایه گذاری ها را بر باد میدهند و خونها ضایع میشود؟! برای اینکه معنویت کم است. آنجا که معنویت هست، ارتباط با خدا هست، اتصال هست، نسبت به فضل الهی باور هست، در مقابل خدا تسلیم هست، در پیشگاه پروردگار خضوع و تضرع هست، در آنجا دیگر ضعف و ترسی وجود ندارد. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (1)؛ تأسفی هم وجود ندارد. وقتی ما برای خدا کار کنیم، اگر به حسب ظاهر پیشرفت کردیم، خشنودیم؛ اگر پیشرفت هم نکردیم، باز هم خشنودیم؛ چون برای خدا کار کرده ایم؛ چون وظیفه مان را انجام داده ایم. چون ادای تکلیف کرده ایم. دیدید امام بزرگوار در تمام این مدّت و در قضایای مختلف، هرگز متأسّف نبود؛ هرگز ناامید نبود و هرگز احساس پشیمانی نداشت! چون تکلیف برایش روشن بود و آن را فهمیده بود و برطبق آن عمل کرده بود. هرکس طبق تکلیف عمل کند، خوشحال و سرافراز است؛ بدون تأسّف و اندوه است. ما باید خودمان را علاج کنیم؛ باید متحوّل بشویم؛ باید به سمت حیات معنوی اولیای خدا حرکت کنیم. این، علاج همه ی دردها در دنیا و برای همه است. (2)

ص: 158

1- . سوره ی یونس (ع)، آیه ی 62، ترجمه: «آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین میشوند.»

2- . در دیدار اعضای برگزارکننده ی کنگره ی حج 1371/2/16

باید زیربنای فکری این حرکت که شعار نیست و فلسفه‌ی اسلامی را با همه‌ی عظمت و شکوه و عمقش به دنبال دارد، مورد توجه قرار گیرد. فکر عمیق و شکوهند اسلامی دنبال این حرکت است؛ اگر نبود، ملت ما قدرت مقاومت نداشت. امروز ما در دنیا این همه دشمن داریم، ولی بحمدالله روزه روز قوی تر شده ایم. مگر بدون یک ریشه‌ی فلسفی محکم و پشتوانه‌ی فکری و اعتقادی قوی، این نظام میتوانست برپا بماند؟ اینها باید بیان شود. (1)

چند ماه قبل از پیروزی انقلاب، بنده در نامه‌ای برای یکی از بزرگان کشور این نکته را نوشتم که امروز هیچ حزبی، هیچ گروهی و هیچ مجموعه‌ی سیاسی‌ای قدرت ندارد این مردم و این اقیانوس عظیم را به تلاطم وادار کند و به میدان بکشانند؛ فقط روحانیت، آن هم در قلّه‌ی روحانیت، مرجعیت آگاه بصیر شجاع دل بسته‌ی به خدا و معنویتی مثل امام خمینی است که میتواند این ملت و این کشور و این جانهای پاک را بسیج کند و به وسط میدان آورد و این بار سنگین، یعنی انقلاب را به دست آنان بسپارد. حقیقت قضیه این بود؛ تا امروز نیز همین است. برای همین هم با امام این قدر بد بودند؛ تا امروز هم هنوز بدند و بدترین دشمنی‌ها را با امام میکنند. با اینکه سالها است جسم امام از میان ما رفته - اگرچه بحمدالله روح او در میان ما حاضر است - اما هنوز هم زهرآگین‌ترین تیرها را به طرف امام پرتاب میکنند:

«تو در نماز عشق چه گفتی که سالها است، بالای دار رفتی و آن شحنگان پیر...» (2) حتی از جسم تو، از نام تو، از یاد تو نمیگذرند؛ چه کرده‌ای ای امام!؟

ص: 159

1- . در دیدار هنرمندان و سینماگران 1373/11/3

2- . برگرفته از شعر آقای محمدرضا شفیعی کدکنی (با اندکی تفاوت)

امام معجزه‌ی عظیم ایمان و اسلام را در میان مردم و در دل جوانان نشان داد و مجسم کرد. عصای موسوی امام و معجزه‌ی روح اللّهی او همین بود. شما جوانان و فرزندان عزیز من آن دوران را ندیدید و نمیدانید با جوانان مؤمن در این جامعه چگونه رفتار میکردند؛ نمیدانید امواج فساد و انحراف چگونه از چهار طرف به ذهن و دل جوانان سرازیر میشد. مگر کسی میتوانست امیدوار باشد و یا تصوّر کند که جوان ایرانی يك روز دستش را به زانوی خود بگیرد و روی پایش بایستد و در مقابل يك رژیم، فریاد بلند کند؟ کاری که امام بزرگوار کرد، عبارت بود از همان معجزه‌ی عظیمی که هنوز دشمنان این ملت و این کشور، مبهوت و متحیرند که در مقابل آن چه کنند! (1)

آنچه ملت ما میدانند و باید بدرستی روی آن پافشاری کند - که بحمدالله تاکنون پافشاری کرده - این است که نجات این کشور و رسیدن آن به نقطه‌ای که شایسته‌ی این ملت است، فقط در سایه‌ی اسلام و جمهوری اسلامی و نظام اسلامی امکان پذیر است و بس. جوانانی که دوران پیروزی انقلاب را درك نکرده اند و سالهای قبل از پیروزی را ندیده اند، این نکته را بدانند که اگر انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ما نبود و اگر اسلام پرچم دار انقلاب و تحوّل در این کشور نبود، هیچ امیدی وجود نداشت که سلطه‌ی جهنمی تحقیرآمیز آمریکا و حکومت دیکتاتور قسّی القلب پهلوی از این مملکت برکنده شود. همه‌ی راه‌های ممکن در این کشور تجربه شد و همه ناکام و ناموفق از آب درآمد. احزاب گوناگون سیاسی، جریانهای وابسته‌ی به شرق و غرب و حرکت‌های مسلحانه، همه و همه در این کشور در برهه‌ای از زمان سر بلند کردند؛ اما هیچ کدام نتوانستند برای این ملت کاری انجام دهند؛ لذا اختناق و سرکوب در این کشور روزه روز شدیدتر شد. حتی در سالهای آخر قبل از پیروزی انقلاب، وقتی جوانانی به مبارزه‌ی مسلحانه

ص: 160

رو آوردند، آن حرکت‌های مسلحانه بشدت سرکوب شد؛ تسلط رژیم پهلوی هم بیشتر گردید و بتدریج یأس دلها را فراگرفت. آن نیرویی که میتوانست در مقابل رژیم پهلوی به معنای واقعی کلمه بایستد، ملت بود؛ یعنی باید همه ی ملت به صحنه می آمد تا میتوانست رژیم فاسد و وابسته و دیکتاتور و ظالم پهلوی و پشت سرش آمریکا را شکست دهد. هیچ کانون و مرکزی در ایران وجود نداشت که بتواند ملت را بسیج کند، مگر روحانیت و پرچم داران دین، با شعار دین. در کشور ما این يك تجربه ی طولانی است؛ اینها را باید با چشم دقت نگاه کرد.

در قضیه ی مشروطه اگر علما نبودند، مشروطیت به وجود نمی آمد و به پیروزی نمیرسید. وقتی هم که غرب زده ها و نوچه های انگلیسی در ایران، علمای دین و شعارهای دینی را کنار زدند، باز استبداد و تسلط و نفوذ خارجی مسلط شد. در نهضت ملی شدن صنعت نفت هم همین طور بود. تا وقتی روحانیت وسط میدان بود - که مرحوم آیت الله کاشانی یکی از اصلی ترین محورهای این مبارزه بود - ملت در میدان حضور داشت؛ اما وقتی با سوء رفتارها، کج سلیقگی ها و انحصارطلبی ها، دست روحانی روشن فکر و آگاه و شجاعی مثل مرحوم کاشانی کوتاه شد، ملت هم کنار کشید و رؤسای دولت نهضت ملی تنها ماندند؛ لذا دشمن آمد و با آنها هر کار میخواست کرد.

در ایران همیشه ملت با ندای دین به میدان آمده است؛ عدالت را در سایه ی دین دیده است؛ به خاطر اعتماد به روحانیت، هرجایی که آنها پیش گام در تحوّل شده اند، آنها را تنها نگذاشته است. بنابراین وقتی امام بزرگوار ما به عنوان يك مرجع، يك عالم دین و يك انسان آزمایش شده ی پاك و صدیق، با آن عزم راسخ وارد میدان شد و روحانیت پشت سر او وارد میدان شدند، همه ی ملت به میدان کشیده شدند و دشمن دیگر نتوانست

مقاومت کند. آن روز، حضور ملت توانست ریشه‌ی استبداد را از این کشور بگند. (1)

غیر قابل شکست بودن؛ در صورت جمع کردن قدرت با معنویت

امروز شما ببینید استکبار آمریکا - که انقلاب اسلامی، مُهر باطله‌ای را از اوّل بر پیشانی آن دولت باطل خواه زده و چهره‌ی او امروز در دنیا آشکار شده است - در صحنه‌ی عالم چگونه عمل میکند. آنچه به آن نمی‌اندیشد، حقوق انسانها و ملّتها و اخلاق انسانی و رعایت حقوق مظلومان عالم است؛ آنچه برای او بیشترین اهمّیت را دارد، تأمین منافع استکباری است. وقتی قدرت مادی در این جهت به کار بیفتد، کزوفزّی دارد؛ اما امید فلاح و پیروزی نهایی برای آن نمیرود.

وقتی قدرت، با معنای الهی معنا شد، امکانات مادی را با پشتوانه‌ی معنوی، آن چنان به کار میگیرد که حقوق انسانها تضییع نمیشود؛ تعدّی و تجاوزی به حقوق کسی صورت نمیگیرد؛ در موضع حق قرار میگیرد و برای حق تلاش میکند و پیروزی نهایی متعلّق به او است. این معنای از قدرت که عنصر اصلی آن، اراده‌ی مردم و حکومت برای دفاع از ارزشهای والا و متعالی است، امتحان خود را در 24 سال گذشته بخوبی پس داده است. قدرتهای مادی نتوانستند در مقابل اقتدار معنوی حق در ایران، در لبنان، در فلسطین و در هر نقطه‌ای که قدرت حق وارد میدان شد، مقاومت کنند و آن را به زانو در آورند و با حجم سنگین خودشان از میدان خارجش کنند. این حقیقت همیشه بوده، هست و بعد از این هم خواهد بود.

آمریکایی‌ها در عراق در مواجهه‌ی با رژیم صدام، با يك قدرت مادی از نوع خودشان و بمراتب ضعیف تر روبرو بودند؛ لذا پیش رفتند و پیروز شدند؛ اما امروز بعد از آنکه به ظاهر پیروزی نظامی را به دست آورده اند،

ص: 162

در مواجهه با اراده و خواست مردم عراق احساس ضعف و شکست و عقب نشینی میکنند. آنچه امروز در مقابل اشغالگران عراق قرار دارد، یک نیروی نظامی و یک تجهیزات پیشرفته نیست؛ بلکه یک اراده ی عمیق مردمی است؛ مردمی که نمیخواهند اشغالگر را در خانه ی خود، مسلط بر خود و منابع حیاتی خود مشاهده کنند؛ نمیخواهند هویت اسلامی و ملی خود را به وسیله ی اشغالگران در تحقیر ببینند. این همان چیزی است که یک قدرت حقّانی را به وجود می آورد و اگر در صحنه باقی بماند و اراده ی مقاومت در دل انسانها باقی باشد، هیچ قدرتی در مقابل آن تاب مقاومت ندارد. فلسطین و لبنان، نمونه های دیگر است. (1)

ایمان و عمل صالح؛ راز مقاومت ملتها

آن انسانی که در راه دفاع از ملت و کشور و عدالت و حقیقت و ایستادگی در مقابل تجاوز و زورگویی و دست اندازی مراکز قدرت جهانی وارد میدان میشود، برای ارزش میجنگد. اگر هیچ کس هم او را نشناسد و گمنام بمیرد و گمنام بماند، در ملکوت آسمانها فرشتگان الهی او را با سر انگشت به هم نشان میدهند؛ او نمیرد: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا» (2)؛ اینها را مرده مپندارید؛ اینها زندگان جاوید و منبع الهامند. وقتی این روحیه در ارتشی به وجود آمد، این ارتش غیر قابل تسخیر میشود. شما ببینید یک عده جوان با سلاح ایمان و بدون برخورداری از تجهیزات پیچیده و پیشرفته در لبنان کاری را انجام دادند که لشکرهای مجهز عربی نتوانسته بودند آن را انجام دهند؛ یعنی بر ارتش تا دندان مسلح به ابزارهای پیچیده ی اسرائیل فائق آمدند و این ننگ را بر پیشانی آنان نوشتند. اینها نه اتم داشتند، نه تانکهای پیشرفته داشتند، نه هواپیماهای فوق مدرن

ص: 163

1- . پس از بازدید از ابتکارات و دستاوردهای نظامی نیروی هوایی سپاه 1382/4/29

2- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 169

داشتند؛ با سلاح ایمان، با اعتماد به نفس و با تکیه به قدرت فائقه ی الهی، از اسلحه ی ابتدایی خودشان همان استفاده ای را کردند که يك لشکر مجهز به سلاح مدرن نمیتوانست در مقابل آنها تاب مقاومت بیاورد. راز پیروزی مؤمنان در طول تاریخ اسلام این بوده. ایمان به تنهایی کافی نیست؛ ایمان با عمل صالح لازم است. عمل صالح در هر جا و هر میدانی يك معنا پیدا میکند. وقتی يك ملت مورد تهدید قرار میگیرد، عمل صالح این است که انسانهایی در مقابل تهدید دشمنان متجاوز سینه سپر کنند؛ امکانات خودشان را متمرکز کنند؛ از همه ی نیرو و استعداد خودشان بهره بگیرند؛ علم و عمل و ابتکار و شجاعت را باهم بیامیزند و در مقابل دشمن زورگو و متجاوز بایستند و مقاومت کنند. وقتی ایمان با عمل صالح همراه شد، انسان از خسران نجات پیدا میکند؛ آن وقت ملتها پیروز میشوند. (1)

ایمان و توکل؛ دو شرط ماندن در میدانهای جهاد

عزیزان من! ما در میدانهای جهاد در راه خدا در صورتی میتوانیم مقاومت کنیم که دلمان لبالب باشد از ایمان به خدا و سرشار از توکل به خدای متعال؛ بدون معنویت نمیشود حرکت کرد، بدون ایمان قوی نمیشود گردنه های دشوار را پیمود، بدون توکل به خدای متعال نمیشود چشم بر هیمنه ی ظاهری قدرتها بست و قدرت حقیقی را دید؛ توکل لازم است، ایمان لازم است، حُسن ظنّ به وعده ی الهی لازم است. (2)

شما برای اینکه مشکلات را حل کنید، احتیاج دارید به مجاهدت، به مبارزه... و این مبارزه و مجاهدت، متوقف است بر يك نیروی درونی. آن کسی میتواند در میدان مبارزه بایستد که از آن نیروی درونی برخوردار باشد؛

ص: 164

1- . در مراسم مشترك دانش آموزتگی دانشجویان دانشگاه های سه گانه ی ارتش جمهوری اسلامی ایران 1383/7/22

2- . در دیدار کارگزاران حج 1392/6/20

آن وقتی میتواند درست بفهمد و تشخیص بدهد و دنبال تشخیص حرکت بکند که آن عامل درونی در او فعال باشد و قوی بشود؛ آن عامل درونی ایمان است. (1) لذا در سوره ی احزاب مشاهده میکنید: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (2). قضیه ی احزاب قضیه ی مهمی بود. یعنی در مقام مقایسه، اگر بخواهیم جبهه ی امروز دشمن علیه جمهوری اسلامی را در صدر اسلام مشابه سازی بکنیم، میشود جنگ احزاب. امروز خب مشاهده میکنید دیگر؛ همه ی دنیاپرستان و قدرت طلبان و جنایت کاران و اهل زور و ظلم و طغیان در سرتاسر عالم، در رده های مختلف اقتدار، در مقابل جمهوری اسلامی صف کشیده اند و حمله هم کرده اند و دارند از همه ی جوانب حمله هم میکنند؛ عین همین قضیه در جنگ احزاب اتفاق افتاد. خب همه ی جمعیت مدینه آن روز شاید به ده هزار نفر نمیرسید؛ زن و مرد و کوچک و بزرگ و بچه و مانند اینها. احزاب - یعنی کفار و مشرکین مکه - از تمام اقوام موجود در آن منطقه، مردان زبده ی جنگی شان را انتخاب کردند، ده هزار نفر شدند! حمله کردند به مدینه. این قضیه ی کوچکی نبود. گفتند میرویم مدینه، همه را قتل عام میکنیم؛ هم خود آن مدعی نبوت را - یعنی پیغمبر را - هم اصحابش را؛ قال قضیه را میکنیم، تمام میکنیم قضیه را. باینکه دأب (3) پیغمبر این بود که وقتی جنگ میشد، این جنگ را بیاورد بیرون شهر و در شهر نماند، اما این حادثه این قدر مهیب و هولناک و سریع اتفاق افتاد که پیغمبر مجال نکرد نیروهای خودش را ترتیب بدهد و بیاورد

ص: 165

-
- 1- . در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور و نمایندگان تشکلهای دانشجویی 1395/4/12
 - 2- . سوره ی احزاب، آیه ی 22، ترجمه: «و چون مؤمنان دسته های دشمن را دیدند گفتند: این همان است که خدا و فرستاده اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده اش راست گفتند، و جز بر ایمان و فرمان برداری آنان نیفزود.»
 - 3- . روش

آماده کند برای مثلاً يك بسیج بیرون شهر مدینه؛ مجبور شد [دور] شهر مدینه را خندق بزند که به جنگ خندق معروف است. حادثه ی بسیار مهمی بود. خب مؤمنین در مقابل این حادثه قرار گرفتند. مردم - همانهایی که تحت لوای پیغمبر زندگی میکردند - دو دسته شدند: يك دسته آنهایی هستند که در همین سوره ی احزاب حدود هفت هشت ده آیه قبل از این آیه ای که من خواندم، از قول آنها نقل شده: «وَ إِذْ يُقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» (1)؛ کسانی که دلپایشان مریض بود، اینها گفتند که پیغمبر به ما راست نگفت، گفت شما پیروز میشوید؛ بفرما! لشکر دشمن آمده و دارد می آید، پدر ما را درمی آورند. یعنی یأس و ناامیدی و خودکم بینی در مقابل دشمن و يك گرایش قلبی پنهان به دشمن در آنها وجود داشت. اما عدّه ی دیگر که اکثریت بودند گفتند نه، قضیه این جور نیست، «هُدَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»؛ این دشمنی را قبلاً خدا و پیغمبر به ما گفته بودند؛ گفته بودند که شما وقتی وارد این میدان شدید، همه ی عوامل کفر و استکبار با شما دشمنی میکنند؛ این قضیه را قبلاً خدا و پیغمبرش به ما گفته بودند: «هُدَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»؛ درست گفته بودند؛ همانی که پیغمبر به ما گفته بود، همانی که خدا گفته بود، همان اتفاق افتاده؛ یعنی آمدن دشمن و حمله ی دشمن، به جای اینکه روحیه ی اینها را تضعیف کند، «مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا» (2)؛ ایمانشان را تقویت کرد؛ تسلیمشان در مقابل خدا را تقویت کرد؛ عزم و جزم آنها را نسبت به مواجهه و مقابله تقویت کرد. (3)

نمونه هایی از نیرودهی آرمانهای اخلاقی و معنوی به ملت ایران

يك ملت اگر با این مفاهیم (4) آشنا شد و دل خود را در این فضا وارد

ص: 166

- 1- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 12
- 2- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 22
- 3- . در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور و نمایندگان تشکلهای دانشجویی 1395/4/12
- 4- . مباحث معنوی

کرد و حرکت خود را با این میزان تنظیم نمود، پیش خواهد رفت و کوه ها را در مقابل خود ناچیز خواهد دید. ملت ما در يك لحظه ی تاریخی، چنین حالتی پیدا کرد و این انقلاب به وجود آمد. شما خیال نکنید این انقلاب حتی قابل پیش بینی بود؛ خیر، قابل پیش بینی هم نبود؛ این قدر عظیم بود. اینکه ملتی با دست خالی بتواند يك نظام پوسیده ی فاسد، اما مورد حمایت صددرصد همه ی قدرتهای ظالم دنیا را که با سخت ترین روشهای استبدادی حکومت میکرد و کسی جرئت نفس کشیدن نداشت، از بین ببرد و عقیده و آرمان خود - یعنی اسلام - را جای آن بگذارد، اصلاً متصور نبود. حتی به ذهن آدمهای خوش بین هم نمیرسید که چنین چیزی ممکن باشد؛ اما ملت ما این کار را کرد. آرمانهای معنوی و اخلاقی و آرزوهای بزرگ، آن چنان نیرویی به این ملت داد که هیچ فشار و تحمیل و تهدید و حادثه ی تلخی نتوانست او را وسط راه نگه دارد و متوقف کند. لذا تا آخر رفت.

نمونه ی دوم، دوران جنگ تحمیلی بود. اکثر شما شاید جنگ تحمیلی را درك کرده اید؛ اما من نمیدانم چقدر خاطرات روزهای اول جنگ در یاد شما زنده است. يك ملت در مقابل تهاجمی قرار گرفته بود؛ اما در واقع از ابزارهای متعارف هیچ چیز نداشت. سراغ تانک میرفتیم، نبود، یا کم بود، یا ناقص بود؛ سراغ سلاح میرفتیم، همین طور؛ سراغ هواپیما میرفتیم، همین طور. کسانی هم که آن روز در رأس بعضی کارهای مؤثر بودند، دائم آیه ی یأس میخواندند؛ اما همین بارقه ی الهی و انگیزه ی اخلاقی و معنوی و دینی و همین خداجویی، دلهای جوانان - همین پاسداران، همین نیروهای مردمی و بسیج از همه ی قشرها، همین عناصر بسیار مؤمن و خالص ارتش - را آن چنان آماده کرد که جانها توانستند ضعف جسمها را جبران کنند. «لبسوا القلوب علی الدروع»⁽¹⁾؛ درباره ی اصحاب کربلا است: دلهایشان را روی

ص: 167

زره هایشان پوشیدند! زره ها جسمها را نگه میدارد، اما دلها جسمها و زره ها را نگه میدارد. دلها با ایمان و نورانی آماده شد و همتهای بلند به جنبش در آمد و جبهه ی عظیم و وسیعی را که يك سرش در دستگاه های جاسوسی و وزارت دفاع آمریکا بود، يك سرش در ناتو بود، يك سرش در شوروی سابق بود، يك سرش در خزانه ی دولتهای نفتی منطقه، و سوگلی همه ی اینها هم رژیم بعثی بود که از همه طرف کمکها را به او میرساندند، شکست داد و ناکام کرد. این شوخی است؟ این همان معنویت است. وقتی آرمانها و نقطه ی اتکاء معنوی در کشور و ملّتی وجود داشت، از این گونه معجزات به وجود می آید.

من همیشه به مسئولان مربوط در بخشهای گوناگون - چه در بخش اقتصاد و چه در بخش کارهای علمی - توصیه کرده ام و الان هم میگویم: اگر همین همتهای روحیه ها و همین دلها قرص و محکم، در هر میدانی محور تلاش و کار باشند، مشکلات را از سر راه بر میدارند. چه کارهای عظیمی که نیروهای مؤمن و حزب اللّهی و انقلابی، با تکیه به همین ایمان، در زمینه های سازندگی، فناوری های پیچیده و نظامی به وجود آوردند، که اکثر شما میدانید من چه میگویم. در همه ی زمینه ها این نقطه ی اتکاء معنوی میتواند چنین معجزه ای بکند. (1)

تلاش دشمن برای کم کردن انگیزه های مردم

یکی از کارهایشان (2) این است که انگیزه های مردم را کم کنند. جوانان دنیای اسلام - چه زنان، چه مردان و نخبگان دنیای اسلام و بخصوص کشورهایی که انقلاب کردند - باید بدانند که اگر در صحنه بایستند و

ص: 168

1- . در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار 1381/7/17

2- . دشمنان

مقاومت کنند، پیروزی آنها بر همه ی سازوبرگ استکبار قطعی است. همه ی ابزارهای اقتدار قدرتهای استکباری در مقابل حضور مردم، در مقابل ایمان ملت‌ها کند است، ناکارآمد است. پول دارند، سلاح دارند، بمب اتم دارند، ارتشهای مجهز دارند، وسایل دیپلماسی دارند، اما همه ی اینها در مقابل ایمان ملت‌ها ناکارآمد است. مراقب باشید که این ایمان از دست نرود؛ با ایجاد اختلاف، با سرگرم کردن و مشغول کردن، جوانها را يك جور، پیرها را يك جور، مذهبی‌ها را يك جور، غیر مذهبی‌ها را يك جور. اجتماع مردم بر اساس شعارهای دینی و اسلامی، تنها چیزی است که میتواند این ملت‌ها را پیش ببرد. (1)

2 - حفظ ساخت حقیقی نظام اسلامی؛ شرط بقای مقاومت

اشاره

شما وضعیت امروز آمریکا را در خاورمیانه نگاه کنید، پانزده سال قبل او را هم نگاه کنید و ببینید وضع آمریکا در خاورمیانه چه جوری است؛ روزه روز منفورتر، روزه روز ذلیل‌تر، ناکام‌تر؛ در مسئله ی فلسطین، يك جور؛ در مسئله ی لبنان، يك جور؛ در قضایای عراق و افغانستان، يك جور. آمریکا در طرحهای خودش در خاورمیانه - که عمدتاً هم آماج هدف این طرحها جمهوری اسلامی بود؛ بیش از آنچه که آن کشورها باشند - ناکام مانده؛ ضربه خورده. و جمهوری اسلامی توانست بایستد و مقاومت کند. خب، البته توطئه‌ها زیاد بوده؛ دهه ی اول انقلاب يك جور، و دهه ی دوم و سوم انقلاب توطئه‌های گوناگونی بود - تفصیلش را نمیرسم عرض کنم؛ وقت میگذرد - اما نکته ی اصلی که هم دانشجوها، هم دانشگاهیان عزیز، هم همه ی آحاد ملت، بخصوص نخبگان و هوشمندان باید به او توجه کنند، این است که نظام جمهوری اسلامی این «توانایی» و این «اقتدار ذاتی» را دارد؛ همچنانی که تا امروز در طول این سی سال توانسته ایستادگی

ص: 169

کند. آنها همه ی همّتشان این بود که جمهوری اسلامی را نابود کنند و از بین ببرند؛ اما نه فقط نابود نشد، بلکه روزبه روز در بخشهای مختلف قوی تر شد.

این «توانایی ماندن»، این «اقتدار»، این «ظرفیت بقا» بایستی حفظ شود. این جور نیست که ما هر جور عمل کنیم - ولو بی تفاوت، ولو با عدم توجه به وظایف حسّاس و مهم - باز هم همین ظرفیت مقاومت باقی بماند؛ نه، بایستی نظام جمهوری اسلامی را به معنای حقیقی کلمه اش حفظ کرد، تا بتوان از منافع این ملت، از منافع این کشور، این ملت را بهره مند کرد؛ تا بتوان این ملت را به اوج ترقّی و آرزوها و آرمانهای خودش رساند.

آنچه مهم است این است که نظام جمهوری اسلامی يك ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده میکنید - است، که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست.

همیشه در دل ساخت حقوقی، يك ساخت حقیقی، يك هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است، در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است، در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است، با اولین برخورد با يك جسم سخت درهم میشکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمانهای جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزای ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. اگر ما از اخلاق اسلامی

دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزوا انداختیم، اگر مردمی بودن مسئولان کشور را دست کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به عنوان يك وسیله و يك مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله ی خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده زیستی، خود را در سطح توده ی مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاك شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبی های دشمن فراموش شود، اگر رودر بایستی ها، ضعفهای شخصی، ضعفهای شخصیتی بر روابط سیاسی و بین المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخشهای اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمیکند، خیلی اثری نمیبخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس شورا: مجلس شورای اسلامی، دولت جمهوری اسلامی، به تنهایی کاری صورت نمیدهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است.

... و من به شما عرض بکنم که تغییر سیرت، تغییر آن هویت واقعی، بتدریج و خیلی آرام حاصل میشود. توجه بعضی ها به این، غالباً جلب نمیشود، یا خیلی ها توجهشان جلب نمیشود. يك وقتی ممکن است همه متوجه شوند، که کار از کار گذشته باشد. خیلی باید دقت کرد. چشم بینای طبقه ی روشن بین و روشنفکر جامعه - یعنی طبقه ی دانشگاهی - و چشم بینای دانشجویان باید این مسئولیت را همیشه برای خودش قائل باشد.

نظام اسلامی، نظام اسلامی است در ظاهر و باطن؛ نه فقط نظام اسلامی در ظاهر. صرف اینکه حالا يك شرایطی در قانون اساسی برای رئیس جمهور

و برای رهبر و برای رئیس قوه قضائیه و برای شورای نگهبان و برای که و که معین شده؛ و چه و چه، اینها کافی نیست؛ اگرچه اینها لازم است. انحراف در هدفها، در آرمانها، در جهت گیری ها را باید مراقبت کرد که پیش نیاید. و این چیزی است که ما در طول این سالهای طولانی - بخصوص بعد از جنگ و بعد از رحلت امام - درگیرش بودیم؛ جزو درگیری های اساسی در این دو دهه ی گذشته، یکی همین بوده. تلاشهای زیادی شده است برای اینکه جمهوری اسلامی را از روح و معنای خودش خارج کنند؛ تلاشهای زیادی کرده اند؛ به شکلهای مختلف؛ چه در زمینه های سیاسی، چه در زمینه های اخلاقی، چه در زمینه های اجتماعی؛ از اظهاراتی که شده و حرفهایی که زده شده. ما يك دوره ای را هم مشاهده کردیم که در مطبوعات ما رسماً، علناً، جدایی و تفکیک دین از سیاست را اعلان کردند! اصلاً مسئله ی یکی بودن دین و سیاست را که اساس جمهوری اسلامی و اساس حرکت عمومی مردم بود، زیر سؤال بردند. از این بالاتر؟! در دورانی، در مطبوعات ما دیده شد که صریحاً، علناً، از رژیم ظالم، جبار و سفاک پهلوی دفاع شد! برای اینکه چنین حالتی پیش نیاید و برای برخورد با این انحراف، میشود با برجسته کردن مرزهای اعتقادی و فکری و سیاسی، جلوی این انحراف را گرفت. شاخصهای هویت اسلامی بایستی معلوم باشد: شاخص عدالت طلبی، شاخص ساده زیستی مسئولان، شاخص کار و تلاش مخلصانه، شاخص طلب و پویایی علمی بی وقفه، شاخص ایستادگی قاطع در مقابل طمع ورزی و سلطه ی بیگانگان، شاخص دفاع از حقوق ملی. از حقوق ملت، دفاع شجاعانه کردن يك شاخص است؛ مثل همین حق هسته ای؛ مسئله ی هسته ای. این یکی از ده ها نیاز کشور ما است؛ تنها مسئله ی ما نیست؛ اما وقتی دشمن روی این نقطه متمرکز شد، ملت هم ایستادگی کرد. در این نقطه ای که دشمن روی او تمرکز پیدا کرده است، اگر ملت عقب نشینی کند، اگر مسئولین عقب نشینی کنند و از این

حقّ قطعی و روشن صرف نظر کنند، بدون تردید راه برای دست اندازی به حقوق ملّی برای دشمن باز خواهد شد.

اجتناب از اشرافیگری؛ یعنی ضدّ ارزش کردن. در انقلاب ما این نکته وجود داشت؛ این را بتدریج بعضی ها سعی کردند کم رنگ کنند. این در مسائل اقتصادی ما اثر دارد، در مسائل روانی ما اثر دارد. اشرافیگری و گرایش به اشرافیگری، یک ضدّ ارزش بود در انقلاب؛ یعنی افرادی در سطوح مختلف بودند که از اینکه به اشرافیگری نسبت داده شوند، یا از آنها چیزی دیده شود که جزو خصوصیات اشرافیگری باشد، بشدّت اجتناب میکردند. مسئولین کشور در درجه ی اوّل متعهد به این قضیّه هستند و باید باشند. این تدریجاً ضعیف شد. امروز خوشبختانه همان موج ضدّ ارزش کردن اشرافیگری، بحمدالله وجود دارد؛ یعنی دولت، مسئولین دولتی ساده زیستند، مردمی هستند و این خیلی فرصت خوبی است؛ نعمت بزرگی است. این یکی از شاخصها است.

مسئله ی ارزش جهاد و شهادت، یکی دیگر از شاخصها است. ارزش مجاهدت، مقام والای شهادت، از جمله ی چیزهایی بود که به وسیله ی عناصری - کسانی، دستهایی - زیر سؤال رفت. جهاد را زیر سؤال بردند، شهادت را زیر سؤال بردند. این، یکی از شاخصها است؛ باید برجسته شود. احترام به شهیدان، احترام به جهاد و مجاهدان بایستی جزو بخشهای برجسته ی پرچم جمهوری اسلامی قرار بگیرد. جمهوری اسلامی به جهاد و شهادت شناخته میشود.

اعتماد به مردم، عقیده ی واقعی به مشارکت مردم. بعضی ها اسم مردم را می آورند، اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند؛ بعضی اسم مردم را می آورند، اما به مردم اعتماد ندارند. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است. شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخصها است. (1)

ص: 173

آن چیزی هم که میتواند استقلال را تأمین بکند برای انقلاب اسلامی ما، تکیه ی صریح و شفاف بر مبانی انقلاب است؛ اصول انقلاب، مبانی انقلاب، ارزشهای انقلاب، به شکل صریح و شفاف مورد تکیه باید قرار بگیرد. همچنان که امام بزرگوار این جور بود؛ امام از اول شروع نهضت، همه ی حرف خود را صریح، بدون ابهام بیان کرد. از اول، امام رژیم طاغوتی موروثی استبدادی سلطنتی را نفی کرد، ملاحظه نکرد؛ از اول معلوم بود که امام دنبال يك نظام و يك تشکیلات مردمی است. سلطنت موروثی، مردود؛ نظام استبدادی، مردود؛ نظام فردی و متکی به اراده ی فرد، مردود؛ اینها را امام صریح بیان کرد؛ پرده پوشی نکرد. امام بصراحت بیان کرد که نظام اسلامی - نظامی بر مبنای اندیشه ی اسلام و ارزشهای اسلامی - باید سر کار بیاید؛ پرده پوشی نکرد. امام در قضیه ی مقابله ی با شبکه ی صهیونیستی خطرناکی که بر دنیا میخوهد حکومت بکند، هیچ ملاحظه ای نکردند، حرفی را پوشیده نگذاشتند، صراحتاً در مقابل صهیونیسم موضع گرفت. امام در مقابل رژیم صهیونیستی که يك رژیم جعلی و غاصب است که بر منطقه ی فلسطین مظلوم حکومت میکند، صریحاً موضع گرفت؛ هیچ ملاحظه و پرده پوشی نکرد. ببینید اینها اصول و پایه ها است. امام در اینکه ما با نظام سلطه مخالفیم، هیچ پرده پوشی نکرد. نظام سلطه یعنی آن نظام بین المللی ای که متکی است به تقسیم دنیا به سلطه گر و سلطه پذیر؛ امام قاطعاً این را رد کرد. آن نظام سلطه هم در شکل کامل خود تجسم و تجسد پیدا میکند در رژیم و دولت کنونی ایالات متحده ی آمریکا؛ لذا امام صریحاً در مقابل آمریکا موضع گرفت. موضع گیری ما در مقابل آمریکا به مناسبت این نیست که اینها يك ملتی باشند که ما با این ملت مخالف باشیم یا خصوصیات نژادی تأثیری داشته باشد؛ مسئله اینها نیست؛ مسئله این است که منش و ذات و رفتار دولت ایالات متحده ی آمریکا،

مداخله‌گری و سلطه‌گری است؛ امام در مقابل این، موضع صریح و شفاف گرفت. برای همین است که شما می‌بینید انقلاب بعد از گذشت 35 سال بر اصول و مبانی و بر ریل حقیقی خود استوار و پابرجا است؛ انقلاب عوض نشد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را عوض نکرد، هدفهای خود را عوض نکرد؛ خیلی مهم است. انقلابها در مقابل طوفانهایی که بر آنها فرود می‌آیند، مقاومت خودشان را از دست میدهند؛ خیلی‌ها، یا حرفشان را عوض میکنند، یا راهشان را عوض میکنند، یا اصلاً بکلی نابود میشوند و از بین می‌روند. انقلاب اسلامی از اولی که پدید آمده است تا امروز، اهداف مشخص خود را حفظ کرده، به سمت این اهداف حرکت کرده، به پیشرفتهای حیرت‌انگیز در بخشهای مختلف نائل شده، خود را دارد از یک کشور و ملت فراموش شده بی‌تأثیر در دنیا، به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بزرگ و یک عنصر مؤثر در سیاستهای بین‌المللی، به دنیا نشان میدهد. در اطراف دنیا، همه‌ی ملتها ملت ایران را به عنوان یک ملت شجاع، یک ملت با صداقت، یک ملت هوشمند، یک ملت مقاوم می‌شناسند. این همه هم‌علیه نظام اسلامی کار شده است، تلاش شده است، تبلیغات شده است؛ یک مدتی دستگاه‌های تبلیغاتی و سیاسی دشمنان ملت ایران تکیه‌ی خودشان را گذاشتند بر ایجاد ایران هراسی - بعضی‌ها اسلام هراسی، بعضی‌ها ایران هراسی - [اما] محبوبیت ملت ایران در میان ملتهای دنیا بیشتر شد... راز ماندگاری نظام جمهوری اسلامی بر ریل انقلاب و بر خطوط اصلی امام بزرگوار، همین صراحت بوده است؛ هیچ نبایستی این شفافیت را، این صراحت را از دست داد. در مقابل مخالفان، در مقابل دوستان، در مقابل دشمنان، مواضع جمهوری اسلامی باید مواضع شفاف باشد. تاکتیک‌ها را میتوانند عوض کنند، شیوه‌های کار را میتوانند عوض کنند، [اما] اصول، همچنان مستحکم باید بماند. این راز استحکام انقلاب و راز پیشرفت کشور است. (1)

ص: 175

انقلاب اسلامی در معرفت سیاسی ای که ارائه داد، با استبداد مخالفت کرد. استبداد به رأی، با هر نامی و از سوی هرکس، از نظر اسلام ممنوع است. انقلاب اسلامی با استکبار و دست اندازی و دخالت و تجاوز به ملّتهای مظلوم و جنگ طلبی های خشن و قهرآمیز و قبضه کردن منافع ملّتها زیر نامهای خوش ظاهر هم مخالفت کرد. اینها مفاهیمی است که از دل اسلام جوشید؛ به عنوان مکتب سیاسی نظام اسلامی و جمهوری اسلامی در دنیا تابلو و عرضه شد و همه در مقابل آن سر تعظیم فرود آوردند.

... مفاهیم انقلاب در دنیا زنده است. آنچه را که ما به آن معتقدیم - مردم سالاری دینی، خضوع در مقابل دین حق و ارزشهای دینی و اخلاقی، نفرت و معارضة با قدرتهای زورگو، قائل بودن حق برای همه ی انسانها و انسانیّت - مفاهیمی است که همه ی ملّتها آنها را قبول دارند؛ می پسندند و میپذیرند. البتّه تبلیغات دشمنان، قوی است. من بارها گفته ام: امروز زورور و تزویر باهم در اختیار استکبار است و تزویرشان به وسیله ی همین بوقهای تبلیغاتی است.

... ملّت ما هم این مفاهیم را قبول دارد؛ زبندگان بی نظر و منصف هم این مفاهیم را قبول دارند. با این خصوصیات، این انقلاب و این نظام، قدرت ایستادگی دارد. این را دشمنان ما هم فهمیده اند. تنها امیدی که آنها دارند، این است که این مفاهیم و این مبانی در دل مردم و پیش از آنها در دل مسؤلان دچار تردید و وسوسه شود. سعی میکنند در دل کسانی که دستی در گوشه ای از گوشه های این نظام دارند، این وسوسه ها و تردیدها را ایجاد کنند. تردید، صفت بسیار بد و عنصر خطرناکی است. این تردید را با استدلال القا نمیکنند؛ استدلالی وجود ندارد. امروز نظامی که مدّعی رهبری دنیا است - که در رأسش هم آمریکا است - جز ظلم، خون ریزی، خشونت های بی نظیر، تضییع حقوق و تبعیض، چیز دیگری از خود نشان

نمیدهد و نمیتواند اطمینانی در دل کسی به وجود آورد؛ بنابراین استدلالی ندارند. با تبلیغات، با خریدن اشخاص و با شیرین کردن دهن این و آن، سعی میکنند در درون کالبد نظام اسلامی اختلال ایجاد کنند. باید مراقب این بود؛ نه تنها شما، بلکه همه ی ما باید مراقب این خطر باشیم. (1)

3 - مستحکم کردن کشور

عزت کشور و ملت ایران با قوی بودن در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و علم

خب، راه درست این است که ما خودمان را در درون تقویت کنیم و استغنا پیدا کنیم. دنیا به کشوری که غنی باشد و قوی باشد احترام میگذارد؛ مجبور است احترام بگذارد. اگر کشور ایران اسلامی قوی باشد و غنی باشد، همان کسانی که امروز دارند شاخ و شانه میکشند، همینها می آیند پشت دروازه ی ما می ایستند و منت کشی میکنند... تجربه ی 37 ساله ی جمهوری اسلامی نشان میدهد که ما باید خودمان را تقویت کنیم، قوی کنیم؛ از لحاظ فکری قوی کنیم، از لحاظ سیاسی قوی کنیم، از لحاظ اقتصادی قوی کنیم، از لحاظ فرهنگی قوی کنیم، از لحاظ علمی قوی کنیم. وقتی قوی شدیم، طبعاً عزت پیدا خواهیم کرد؛ امروز عزت يك ملت در دنیا به اینها است. (2)

این آمریکا که می بینید این قدر امروز در دنیا جنجال و هیاهو و غوغا برپا میکند - که غالباً هم بی فایده و بی ثمر و پوچ است - برای این است که برای خودش حق ابرقدرتی قائل است و میخواهد اختیار و سرنوشت دنیا در دست او باشد. فلان کس چرا فلان معامله را کرد؟ فلان دولت چرا به فلان دولت فلان چیز را فروخت؟ فلان کشور چرا فلان مسئله ی مورد علاقه ی آمریکا را رد کرد یا مسئله ی غیر مورد علاقه ی آمریکا را تأیید کرد؟

ص: 177

1- . در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی 1381/6/24

2- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1394/12/20

.... همه ی این حرفها برای دخالت در امور دنیا است. آیا میتوانند سرنوشت دنیا را در دست گیرند؟ عده ای میگویند: «میتوانند.»؛ آن عده، ملت‌های ضعیف، ناتوان و سردمداران سست عنصر بعضی از کشورها هستند. اما نیروهای پرشور، با هیجان و متحمس میگویند: «آمریکا غلط کرده است! مگر میتواند سرنوشت دنیا را در دست گیرد!»؛ بنده چه عرض میکنم؟ من میگویم که به يك شرط نمیتواند، به يك شرط میتواند. اگر آن ملتی که طرف آمریکا است، دارای عزم و اراده ی سیاسی و زنده، بانشاط، اهل کار، تلاش و جدیت باشد، آمریکا نمیتواند؛ اما اگر ملتی اهل کار، تلاش و نشاط نباشد، باز هم آمریکا نمیتواند تسلط پیدا کند؟! چرا؛ میتواند. این همه که بر کشورها تسلط پیدا کردند، برای چه بود؟ اگر سردمداران کشوری اهل معامله با آمریکا باشند و مردم آن کشور هم افراد بی هوش و حواس بیکاره ای باشند، میتواند. اگر دولتی اهل معامله و مذاکره با آمریکا نباشد؛ اما مردمش تنبل باشند، اینجا هم آمریکا میتواند تسلط پیدا کند؛ چرا؟ برای اینکه آن دولت، مستأصل میشود. مردمی که کار نکنند، مردمی که ابتکار نداشته باشند، مردمی که خود را موظف به اداره ی کشور و تولید نیازهای خودشان ندانند، مردمی که فقط مصرف را بلد باشند و تولید را بلد نباشند، کشور و کسانی را که در رأس کارند در وضعیّت بدی قرار خواهند داد. ملتی میتواند در مقابل پرووها، پرتوئع ها، گردنه بگیرها و زیاده طلب های دنیا - مثل آمریکا - بایستد و مقاومت و از حقّ خود دفاع کند، که بگوید: «آقا! ما خودمان، خودمان را اداره میکنیم.»؛ اگر دشمن بگوید به شما فلان چیز را نمیفروشیم، بگوید: خب؛ بهتر! نفروشید؛ شما که به ما بفروشید، ما تنبل میشویم و خودمان تولید نمیکنیم. میگوییم «آقا! بسته بندی شده می آید.»؛ شما که به ما معجانی بدهید، پول هم از ما نگیرید، به ما خیانت کرده اید. اگر شما در دادوستد را با ما ببندید و بُنجله‌های خودتان را به طرف مملکت ما سرازیر نکنید، به نفع ما است؛ برای اینکه ما روحیّه ی کار، نشاط، تلاش و

تولید پیدا خواهیم کرد. باور کنید روزی که این مردك ساده دل بی تجربه ی خام اعلام کرده است که میخواهد روابط اقتصادی آمریکا را با ایران ممنوع کند (بعد هم که رفت در جلسه ی صهیونیست ها، بیچاره در واقع بازی خورد. حال چه کسی پوست خربزه زیر پای این آدم انداخت، من نمیدانم) بنده به چند جهت، از ته دل خوشحال شدم. اینها تا به حال گاهی با ریا چیزهایی میگفتند که بعضی، در گوشه و کنار عنوان میکردند: «آقا! اینها آن قدرها هم با ما دشمن نیستند. آخر شما میگویید «مرگ بر آمریکا»، مردم میگویند «مرگ بر آمریکا»، بد است! عیب است! زشت است!»؛ بعضی از آدمهای کم مسئولیت یا بی مسئولیت، میخواستند این فریاد «مرگ بر آمریکا» را که مردم ما از ته دلشان کنده میشود، در گلوها خفه کنند و نگه دارند. حالا مردم وقتی که در مقابل چنین صراحتی قرار گرفتند، در هر جای کشور هستند، راحت فریاد میزنند: «مرگ بر آمریکا».⁽¹⁾

علاج ملت ایران؛ کسب اقتدار همه جانبه نه تسلیم

خوشبختانه مسئولین کشور عزت ملی را کاملاً در نظر دارند و میدانند که در مقابل زیاده خواهی دشمنان، راه نجات تسلیم شدن و عقب نشینی کردن نیست؛ اگر دشمن زورگویی و زورگیری میکند، باید در مقابل دشمن ایستاد و پیشرفت کرد. علاج ملت ایران در کسب اقتدار است؛ این اقتدار فقط به معنای اقتدار نظامی نیست؛ باید اقتدار علمی، اقتدار اقتصادی، به دست آوردن قدرت اخلاقی و اجتماعی و بالاتر از همه ی اینها اقتدار معنوی و روحی - که از اتکال به خداوند متعال برای يك ملت حاصل میشود - هم کسب کنیم. اگر بخواهیم در صحنه ی قدرت یابی ملت ایران پیش برویم و به هدفهای خود دست پیدا کنیم، ملت و دولت باید به یکدیگر دست

ص: 179

دوستی و همکاری کامل بدهند؛ همچنانی که بحمدالله ملت همواره پشتیبان مسئولان بوده است، باید این پشتیبانی - هرچه بیشتر - ادامه پیدا کند و ملت و دولت با یکدیگر همکاری کنند. قشرهای گوناگون ملت ایران، قشر عالمان و فرزنانگان و محققان، قشر دانشجویان، قشر کارگران و کشاورزان، قشر سرمایه گذاران و کسانی که قادرند با سرمایه گذاری خود ملت را به پیش ببرند، مدیران بخشهای گوناگون مؤسسات دولتی و غیر دولتی، همه ی اینها باید احساس بکنند که بار سنگین پیشرفت کشور بر دوش آنها است و تکلیفی است الهی و مردمی و نتایج انجام این تکلیف عاید همه خواهد شد و همه - و بیش از همه، خود آن کسانی که این تکلیف را به بهترین وجهی انجام داده اند - از آن سود خواهند برد. (1)

استحکام بخشیدن به بنیانها و اتحاد

مقاومت، تنها با استحکام بخشیدن به بنیانها صورت میگیرد. هر سیل بنیان کنی وقتی به يك صخره ی استوار برسد، نمیتواند در آن اثر بگذارد. ما باید خود را استوار و مستحکم کنیم و بنیانهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را استحکام ببخشیم. هر کاری که در جهت استحکام بخشیدن باشد، مقدس و خوب و مورد اجر و ثواب الهی است. هر چیزی که در جهت متزلزل کردن این پایه ها و بنیانها باشد، بد است؛ این دیگر ربطی به جناح و حزب و گروه و تشکیلات ندارد. به نظر من معیار و ملاک، این است.

برای اینکه ما بنیانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را مستحکم کنیم، پیش نیاز اولی قطعی ما، ایجاد وفاق و وحدت کلمه است. برای وفاق باید همه تلاش کنند. معنای وفاق این نیست که گروه ها و تشکیلات و جناحهای گوناگون اعلام انحلال کنند؛ نه، هیچ لزومی ندارد. معنای وفاق

ص: 180

این است که نسبت به هم خوش بین باشند؛ «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»⁽¹⁾ باشند؛ همدیگر را تحمل کنند؛ در جهت ترسیم هدفهای والا و عالی و برای رسیدن به آنها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنج، بداخلاقی، درگیری، اهانت و متهم کردن پرهیزند. امروز به نظر من وظیفه‌ی ما این است.⁽²⁾

استحکام سیاسی با ترک بگومگوها

امروز مسئولیت من و شما خیلی خطیر است. بایستی با عقل، تدبیر و همراه با توکل به خدا و شجاعت، نه با جبن، راه را طی کرد. اولین کار، استحکام داخلی است. نباید بگذارید این مباحثات و بگومگوها به مقابله و مواجهه و تخاصم تبدیل شود. این تنها توصیه‌ی من به شما است. گفتن و شنودن و اعتراض کردن، هیچ اشکالی ندارد. افرادی از اعتراض کردن بدشان می‌آید که یا متکبرند یا پشتوانه‌ی مردمی ندارند؛ می‌ترسند؛ دلشان می‌لرزد. اگر کسی اهل تکبر نباشد - که خدای متعال را شکر میکنیم که این آلودگی را در ما قرار نداده - و متکی به حمایت مردم باشد، به هیچ وجه از این گفتن‌ها و شنیدن‌ها ناراحت نمیشود؛ اما مراقب باشید که از این گفت و شنودها، دشمن همان چیز را که میخواهد وانمود کند، به دست نیاورد. امروز یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن این است که بگوید در داخل نظام جمهوری اسلامی دودستگی است و این دو دسته باهم بدند. دو صدایی و چند صدایی که شما می‌گویید و بنده هم معتقدم، نمی‌گوید؛ بحث چند صدایی نیست؛ چند صدایی همه جا هست؛ می‌گوید مخاصمه و دشمنی؛ یعنی فرض میکند یک گروه، گروه دیگر را میخواهد نابود کند! این گونه تصویر میکنند. نگذارید این تصویرسازی مطلوب دشمن تحقق پیدا کند؛ این را مراقب باشید. بحث و مجادله و مباحثه و گفتگو

ص: 181

1- . محمد رسول الله، والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم؛ سوره ی فتح، آیه ی 29

2- . در دیدار هیئت رئیسه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی 1381/3/7

را طلبگی انجام دهید. امام هم مکرر به ما میفرمود. واقعیت هم همین است که در محیطهای طلبگی، گاهی دو طلبه دعوا و جنجال میکنند؛ عصبانی میشوند، اما وقتی مباحثه تمام میشود، با یکدیگر ناهار و چایی میخورند و «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً»⁽¹⁾! حرفهایشان را میزنند، اما بینشان دشمنی و شکاف ایجاد نمیشود. در بحث، منطق و استدلال باشد، چهارچوب هم چهارچوب قانون است. قانون هم در درجه ی اول، قانون اساسی است. این چهارچوب را رعایت کنید. بنده آن روز هم به جوانان دانشجو گفتم که قانون آمده تا جای صدای کلفت را بگیرد؛ کسی با صدای کلفت در هر موضعی که هست، بگوید این طور باید بشود! خیال هم نکنید که استبداد و دیکتاتوری و صدای کلفت و افزون طلبی، مخصوص کسانی است که در رأس نظامند؛ نخیر، در بدنه ی نظام هم چنین چیزهایی وجود دارد و همه جایش هم بد است. خوی پادشاهی، خوی استبداد در همه جا بد است؛ در هر جا زشت است؛ به هر شکلی که باشد، بد است. قانون آمده جلوی این مسائل را بگیرد. بر طبق قانون و در چهارچوب آن باید حرف زده و عمل و رفتار شود و حلوفصل هم به وسیله ی قانون صورت گیرد. این بهترین معیار وحدت است؛ انگیزه های دیگر را کنار بگذارند. امروز روزی نیست که اگر از این وظیفه ی حفظ استحکام داخلی عدول کنیم و آن را پشت سر بیندازیم، خدای متعال و مردم و تاریخ بر ما ببخشایند؛ امروز روزی نیست که بشود این وظیفه را ندیده گرفت؛ باید هوشیار بود.⁽²⁾

استحکام داخلی؛ راه مقابله با دخالت دشمن

اگر يك كشوري نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساخت های پیشرفت، خودش را تأمین کند و رشد پیدا کند،

ص: 182

1- . سوره ی انسان، بخشی از آیه ی 1، ترجمه: «چیز قابل ذکری نبود.»

2- . در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی 1382/3/7

بی رحمانه مورد تجاوز قرار خواهد گرفت. ما نمیخواهیم مورد تجاوز قرار بگیریم. دویست سال کشور ما مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته؛ ضعف دستگاه‌های سلطنتی بی‌عرضه‌ی نالایق فاسد دنیاطلب، و نشاطی که در طرف مقابل وجود داشت، باعث این تجاوز شد. از سال 1800 انگلیس‌ها اولبار در دستگاه سیاسی کشور ما وارد شدند و دخالت کردند و نفوذ کردند و یارگیری کردند و همراه آنها یا قریب به آنها، بعضی از کشورهای دیگر اروپایی هم در این مدت همین کار را کردند. سال 1800 که اولین سفیر انگلیس وارد کشور شد - که از هند هم آمد؛ یعنی آن وقتی بود که حکومت هند در اختیار انگلیس‌ها بود و نایب‌السلطنه در آنجا بود - از همان بوشهر که از کشتی پیاده شد، شروع کرد به رشوه دادن و خریدن افراد، و راحت توانست افراد را خریداری کند. این همه شاهزاده و امیر و اسمهای دهن پرکن، همه در مقابل هدایای این آقا خاضع و تسلیم شدند! روند تجاوز دشمنان در این کشور، از آن زمان شروع شد. این خاک نرم و خاکریز بی‌بنیاد ملی آن روز اجازه داد دشمن نفوذ کند، و نفوذ کردند. ما نمیخواهیم دیگر این ادامه پیدا کند. انقلاب یک سد پولادینی در مقابل اینها درست کرده. ما میخواهیم این سد را مستحکم‌تر کنیم.

به هیچ قیمتی اجازه ندهیم اینها در اقتصاد ما، در فرهنگ ما، در سیاست ما، در سرنوشت و مقدرات ما دخالت کنند؛ این احتیاج دارد به اینکه استحکام درونی و داخلی پیدا کنیم. این استحکام درونی، یکی از پایه‌های مهمش «اقتصاد» است؛ بنابراین اینکه میگوییم اول بشویم، به خاطر این است؛ نه به خاطر اینکه حالا یک هوسی است که ایران در منطقه اول بشود؛ نه، سرنوشت ملت به این وابسته است. بنابراین تلاش مستمر، هوشمندانه، مخلصانه و اثرگذار، که طبعاً همه‌ی ظرفیت کشور هم باید در آن به کار گرفته شود، در این زمینه مؤثر است. (1)

ص: 183

در منطق قرآن، عزّت واقعی و کامل متعلّق به خداوند و متعلّق به هرکسی است که در جبهه ی خدایی قرار میگیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه ی خدا و جبهه ی شیطان، عزّت متعلّق به کسانی است که در جبهه ی خدایی قرار میگیرند. این، منطق قرآن است. در سوره ی فاطر میفرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (1). در سوره ی منافقون میفرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (2)؛ عزّت متعلّق به خدا است، عزّت متعلّق به پیامبر و به مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمیکنند؛ نمیفهمند که عزّت کجا است، مرکز عزّت واقعی کجا است. در سوره ی نساء، درباره ی کسانی که خود را متّصل به مراکز قدرتهای شیطانی میکنند، برای اینکه حیثیتی به دست بیاورند، قدرتی به دست بیاورند، میفرماید: «أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (3)؛ آیا دنبال عزّتند این کسانی که به رقبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرتهای مادی پناه میبرند؟ عزّت در نزد خدا است. در سوره ی مبارکه ی شعراء، گزارشی از مجموعه ی چالشهای پیامبران بزرگ را مطرح میفرماید - درباره ی حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی - مفصّل درباره ی چالشهای این پیامبران بزرگ بحث میکند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم میرساند. در هر مقطعی که میخواهد غلبه ی جبهه ی نبوّت را بر جبهه ی کفر بیان بفرماید، میفرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (4)؛ یعنی

ص: 184

- 1- . سوره ی فاطر، بخشی از آیه ی 10، ترجمه: «هرکس سربلندی میخواهد سربلندی یکسره از آن خدا است.»
- 2- . سوره ی منافقون، بخشی از آیه ی 8، ترجمه: «و [لی] عزّت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است لیکن این دورویان نمیدانند.»
- 3- . سوره ی نساء، بخشی از آیه ی 139، ترجمه: «آیا سربلندی را نزد آنان میجویند [این خیالی خام است] چرا که عزّت همه از آن خدا است.»
- 4- . سوره ی شعراء، آیات 121 و 122، ترجمه: «قطعاً در این [عقوبت درس] عبرتی است و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند. و درحقیقت پروردگار تو همان شکست ناپذیر مهربان است.»

با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت دست آنها بود، پول دست آنها بود، سلاح دست آنها بود، اما جبهه ی توحید بر آنها پیروز شد؛ در این يك آیتی است از آیات الهی، و خدای تو عزیز و رحیم است. بعد از آنکه قرآن این گزارش را در طول سوره ی مبارکه ی شعراء هی تکرار میکند، تکرار میکند، در آخر سوره خطاب به پیغمبر میفرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ» (1)؛ به این خدای عزیز و رحیم که تضمین کننده ی غلبه ی حق بر باطل است، توکل و تکیه کن. «الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ. وَ تَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ» (2)؛ او ناظر به حال تو است؛ در حال قیام، در حال سجده، در حال عبادت، در حال حرکت، در حال تلاش؛ او حاضر و ناظر است، تو را میبیند؛ «إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (3). پس در منطق قرآن، عزّت را باید از خداوند طلب کرد.

وقتی که عزّت شامل حال يك انسان، يك فرد یا يك جامعه میشود، مثل يك حصار عمل میکند، مثل يك باروی مستحکم عمل میکند؛ نفوذ در او، محاصره ی او، نابود کردن او برای دشمنان دشوار میشود؛ انسان را از نفوذ و غلبه ی دشمن محفوظ نگه میدارد. آن وقت هرچه این عزّت را در لایه های عمیق تر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر میشود؛ کار به جایی میرسد که همچنان که انسان از نفوذ و غلبه ی دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ میماند، از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی، یعنی شیطان هم محفوظ باقی میماند. آن کسانی که عزّت ظاهری دارند، این عزّت در دل آنها، در درون آنها، در لایه های عمیق وجود آنها نیست؛ لذا در مقابل شیطان بی دفاعند، نفوذپذیرند.

معروف است که میگویند اسکندر مقدونی در يك راهی میگذشت، مردم به او کرنش میکردند. يك مرد پارسای مؤمنی در يك گوشه ای نشسته بود، کرنش نکرد، احترام نکرد، بلند نشد. اسکندر تعجب کرد، گفت: او را

ص: 185

1- . سوره ی شعراء، آیه ی 217

2- . سوره ی شعراء، آیات 218 و 219

3- . سوره ی شعراء، آیه ی 220

بیاورید. او را آوردند. گفت: تو چرا در مقابل من کرنش نکردی؟ گفت: زیرا تو غلامِ غلامان منی؛ چرا در مقابل تو کرنش کنم؟ گفت: چطور؟ گفت: زیرا تو غلام شهوت و غضب خود هستی، و شهوت و غضب غلامان منند، در اختیار منند، من بر آنها غالبم.

بنابراین اگر عزت نفس در درون لایه های عمیق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شیطان بر انسان اثر نمیگذارد؛ هواهای نفس در انسان اثر نمیگذارد؛ شهوت و غضب، انسان را بازیچه ی خود قرار نمیدهد.

ما امام را این جور شناختیم. امام در طول حیات، چه در حوزه ی علم و تدریس، چه در دوران مبارزه ی دشوار، و چه در حوزه ی مدیریت و حاکمیت - آن وقتی که در رأس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعه را در قبضه گرفت - در همه ی اینها مصداق «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ»⁽¹⁾ بود. برای همین بود که کارهای بزرگی که همه میگفتند نشدنی است، با طلوع امام، این کارها شدنی شد؛ همه ی سدهایی که گفته میشد شکستنی نیست، با حضور امام، این سدها شکستنی شد. او علاوه بر اینکه خود، مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد. این، کار بزرگ امام بزرگوار بود؛ که من دوباره برمیگردم، درباره ی این نکته توضیح خواهم داد. ملت ما با احساس عزتی که از درسهای انقلاب و امام آموخت، توانست خود را کشف کند؛ ملت، خود را کشف کرد، توانایی های خود را کشف کرد؛ و چنین شد که ما در این چند دهه، بسیاری از تحقق وعده های الهی را با چشم خود دیدیم؛ چیزهایی را که در تاریخ میخواندیم، در کتابها میدیدیم، در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم؛ غلبه ی مستضعفین را بر مستکبرین، بی بنیادی قصرهای به ظاهر باشکوه مستکبران و بسیاری از حوادث دیگر را در این سالها دیدیم.⁽²⁾

ص: 186

1- . سوره ی شعراء، آیه ی 217، ترجمه: «و بر [خدای] عزیز مهربان توکل کن.»

2- . در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 1391/3/14

حفظ عزت ملی در مذاکرات بین المللی، در رفت و آمدها، زیر بار زور نرفتن، عزت ملی را حفظ کردن، یکی از عوامل اقتدار کشور است. در آن جلسه ای که ما نشستیم ایم و داریم با طرف مقابلمان حرف میزنیم، او نگاه میکند ببیند روحیه ی ما چه جور است، انگیزه ی ما چقدر است، همت ما چقدر است؛ بر اساس آن برآوردی که میکند، با ما رفتار خواهد کرد. باید عزت ملت را، عزت کشور را حفظ کنیم؛ [آن وقت] مردم هم احساس عزت میکنند. این میشود توانمندی و مایه ی اقتدار کشور. (1)

پیشرفت سریع علمی؛ از راه های مقاوم کردن کشور

یکی از عوامل قدرت، حرکت سریع علمی است؛ قدرت علمی. حدیث «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ» (2) را من مکرر خوانده ام. با قدرت علمی ما هم مخالفند.

همان عناصر بومی ای که آن انگلیسی خبیث توصیه کرد و تأکید کرد که باید در داخل کشورها اینها را به کار بگیریم و مجهزشان بکنیم، همان عناصر گاهی در دانشگاه ها سعی میکنند جوان ما را مأیوس کنند، برای اینکه حرکت علمی انجام ندهد؛ اگر با استعداد است، او را کوچ بدهند به طرف خارج؛ [میگویند] «آقا! برو فلان جا، اینجا مانده ای که چه؛ خودت را ضایع میکنی.»؛ و پول هم بدهند، پاداش هم بدهند. البته جوانهای مؤمن ما ایستاده اند؛ این را من میتوانم شهادت بدهم. علی رغم خباثتهایی که بعضی از عناصر خودفروخته ی دشمن در سطح دانشگاه ها و بیرون دانشگاه ها انجام میدهند برای اینکه بذر نومیدی را بپاشند، جوانهای ما، جوانهای مؤمن ما ایستاده اند. چند روز قبل از این، مدال گیران و برجستگان يك دانشگاه برجسته ی کشور آمده بودند، (3) جوری حرف میزدند که انسان

ص: 187

1- . در دیدار مردم قم 1395/10/19

2- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج، ص

3- . اشاره به دیدار با اساتید و نخبگان بسیجی دانشگاه صنعتی شریف در تاریخ 1395/10/13

واقعاً مبهوت میماند از زیبایی و صحت و اتقان حرف زدن اینها. حالا عرض خواهیم کرد که اینها مردم ما را نشناخته اند؛ اما توطئه هایشان را باید شناخت. یکی از راه های مقاوم کردن کشور عبارت است از حرکت علمی، که نه باید متوقف بشود، نه باید شتاب آن کاهش پیدا بکند. (1)

مستحکم شدن کشور؛ از نتایج اقتصاد مقاومتی

وظیفه ی همه ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضائات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند. (2)

4 - اعتقاد یافتن مردم و مسئولان به هویت ملی

نقش احساس هویت در ایستادگی

جوان را با هویت بار بیاورید. اگر جامعه ای احساس هویت نکرد، صداها ی بلند تحکم آمیز، راحت او را مغلوب خواهد کرد. آن که ایستادگی میکند، آن کسی است که احساس هویت میکند؛ حالا این هویت، گاهی هویت ملی است، گاهی هویت دینی است، گاهی هویت انسانی است، شرف است؛ هرچه؛ با هویت باید بار بیایند. خوشبختانه امروز جامعه ی اسلامی - ایرانی ما یک هویت ریشه دار و تاریخی و قوی و قابل استقامتی دارد که این را نشان هم داده؛ این را به جوانان بایستی منتقل بکنیم. بالاخره پس مسئله ی فرهنگی مسئله ی مهمی است؛ بخشهای فرهنگی

ص: 188

1- . در دیدار مردم قم 1395/10/19

2- . در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال 1392/1/1392

باید احساس مسئولیت کنند و در این زمینه باید کار کنند. (1)

یکی از خصوصیات آنکه این جوانی که شما تربیت میکنید و روی او اثر میگذارید باید دارا باشد، [این است که] معتقد و مباهی (2) به هویت ملی خود باشد... منافع ملی در رابطه ی با هویت ملی، معنا میشود و ترجمه میشود. آن چیزی که ظاهرش منفعت است، اما باطنش با هویت ملی ناسازگار یا معارض است، در واقع منافع ملی نیست؛ زیانهای ملی است. باید با این هویت ملی، این جوان را آشنا کنید که مباهی به این هویت باشد و به استقلال که البته غالباً جوانهای امروز ما، قدر استقلال را هم نمیدانند. خب جوان دانشجو از اول عمرش، در يك كشوري زندگي کرده که هیچ وابستگی سیاسی و عقیدتی ای به قدرتهای خارجی نداشته؛ از اول، همیشه دیده که در مقابل قدرتهای خارجی ای که دیگران جرئت نمیکند بگویند «بالای چشمتان ابرو است»، جمهوری اسلامی ایستاده؛ این استقلال سیاسی است؛ این را از اول دیده اند، [لذا] قدرش را نمیدانند؛ آن دوره ای را که هرچه آمریکا میگفت و قبل از او هرچه انگلیس میگفت باید در کشور تحقق پیدا میکرد، اینها درك نکرده اند؛ لذا قدر استقلال را نمیدانند؛ این باید تفهیم بشود به اینها. این يك جور نقش اساتید بر روی دانشجوها است. (3)

5 - حضور در صحنه

اشاره

علت اینکه ما ملت ایران، در ده سال بعد از انقلاب توانستیم در مقابل تهاجم گوناگون دشمن - با همه ی مشکلات آن - بایستیم و مقاومت کنیم و ضرر بیشتری متوجه آنان نکنیم، این است که به برکت دین و ایمان و

ص: 189

1- . در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ها 1397/3/20

2- . مفتخر

3- . در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ها 1396/3/31

انقلاب و اسلام و آموزش قرآنی و اسلامی شخصیت عظیم الشانی که بیان و سخن و کلامش، مفاد و مضمون قرآن و اسلام بود، در میان مردم ما روحیه انقلابی و پارسایی انقلابی و وحدت کلمه‌ی بیشتر حکم فرما بود.

دشمنان ما - عراق و آمریکا و شرق و غرب - از اتحاد خود و حمله و فشار به نظام جمهوری اسلامی، طرفی نبستند. علت موفقیت ما این بود که شما جوانان در صحنه بودید، ملت آماده بود و روحیه انقلابی بر جریانهای غیر انقلابی و ضد انقلابی غلبه داشت. تا وقتی این گونه باشد، تهدیدهای دشمن عملی نخواهد شد. تهدید و سوءنیت دشمن و خطر وجود دارد؛ اما تا شما در صحنه هستید، این خطر تحقق پیدا نخواهد کرد. (1)

اینکه این ملت توانست این گونه مقاومت کند، چند علت داشت که در درجه اول، دست قدرت الهی و حمایت خدا بود. این شوخی نیست؛ يك واقعیت است. امام از ته دل به این معنا اعتقاد داشتند و ما از ایشان مکرر شنیده بودیم. يك وقت ایشان صریحاً به من فرمودند که از اول انقلاب تا حالا، دست قدرتی را مشاهده میکنم که ما را پیش میبرد و کارها را اصلاح میکند. آن بزرگوار مطلبی نزدیک به این عبارت را فرمودند که من عین جمله‌ی ایشان را یادداشت کرده‌ام.

خدای متعال هیچ وقت ملتی را بی حساب و کتاب حمایت نمیکند. این طور نیست که ما بگوییم حالا که خدا و قدرت الهی از ما پشتیبانی میکند، پس ما دیگر مسئولیتی نداشته باشیم؛ برویم و مشغول کار خودمان باشیم؛ نخیر، حمایت و دست قدرت الهی، به خاطر فداکاری های شما، به خاطر خون شهیدان، به خاطر ایمان مردم، به خاطر صبری که ملت ما در مراحل مختلف از خودشان نشان دادند، به خاطر صدق این ملت در

ص: 190

1- . در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیون تهران، مدرّسان و طلاب اهل سنت استان خراسان، اقشار مختلف مردم اردستان و مسئولان و کارکنان گمرک کشور و گروهی از اعضای حزب الله لبنان 1368/7/5

عشق به اسلام، به خاطر راهنمایی‌ها و خطّ روشن ارائه شده به وسیله‌ی آن مرد بی نظیر، و به خاطر حضور مردم در صحنه بوده است. اگر اینها را حفظ کردیم، خدای متعال باز هم از ما حمایت خواهد کرد. (1)

بسیج همگانی؛ عامل تقویت مقاومت

برای کشوری که آماج این همه حمله‌ی خصمانه و خباثت آمیز دشمنان است، جز بسیج نیروهای مردمی، هیچ راه علاجی وجود ندارد. اگر بسیج نیروهای مردم نمیبود و امام بزرگوار، از نیروی ایمان و عشق مردم، در سازمان دهی این عناصر مؤمن و نورانی در سراسر کشور - اقوام مختلف و مرزداران و عشایر و جوانان و دانشگاہیان و روحانیون و دانش آموزان و پیرمردان و زنان و دختران جوان و سایر اقشار ملت - استفاده نمیکرد و این انبوه عظیم نیروی فعال را به وجود نمی آورد، بدون شك جمهوری اسلامی نمیتوانست در مقابل این همه توطئه و خباثت و دشمنی و سنگ اندازی، مقاومت کند. (2)

6 - امید

اشاره

قبل از پیروزی انقلاب، دشمن از همه‌ی وسایل استفاده میکرد تا مردم را از پیروزی انقلاب ناامید کند. میگفتند: «مگر میشود چنین انقلابی برپا شود و ملت با دست خالی بر دستگاه تا دندان مسلح پیروز گردد؟! اصلاً ممکن نیست!»؛ این ناامیدی را با هزار زبان، در میان مردم ترویج میکردند؛ ولی مردم، امیدشان را از دست ندادند.

امام بزرگوار ما به عنوان يك رهبر تمام عیار، بیشترین همّت خود را به امیدوار نگاه داشتن مردم گماشته بود. وقتی مردم امیدوارند، حرکت و

ص: 191

1- . در دیدار با خانواده های شهدای هفتم تیر 1370/4/8

2- . در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور 1375/8/30

تلاش میکنند. در مقابل تلاش مردم، هیچ قدرتی نمیتواند مقاومت کند؛ فقط باید مردم امیدوار باشند. امام بزرگوار، از همه ی وسایل الهی و ملکوتی و معنوی استفاده کرد و این امید را در مردم دمید و به برکت آن امید، این پیروزی بزرگ به دست آمد. (1)

حفظ روحیه و امید مردم و نگه داشتن ایشان در صحنه؛ شرط بقای مقاومت

این استقامت را، این روحیه را باید در مردم هرچه میتوانید پایدار کنید. شما گفتید و درست هم گفتید: تنها راه حل مسئله ی فلسطین، مقاومت است و مبارزه است. این، درست است؛ لکن این مقاومت و مبارزه، متوقف است بر حفظ روحیه ی این مردم، حفظ امید این مردم، نگه داشتن مردم در صحنه. این، به نظر من بزرگ ترین کاری است که مجموعه های فلسطینی و سازمانهای فلسطینی، مبارزان فلسطینی باید انجام بدهند. این فشارهایی که امروز از هر دو طرف، چه از طرف دشمن صهیونیست، چه از آن طرف، بر غزه وارد میشود، به قصد این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند. فشارهایی که در ساحل غربی بر مردم وارد میشود؛ چه در شهرک سازی ها، چه در مسئله ی قدس - که ایشان بیان کردند - چه آن سخت گیری های عجیب، چه در دیوار حائل و امثال اینها، برای این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند و به سمت گزینه ی تسلیم، سوق بدهند. نباید بگذاریم؛ نباید بگذارید که این اتفاق بیفتد. مردم فلسطین را، مردم غزه را، این ملت مقاوم و پولادین را باید امیدوار نگه دارید و بدانند که این حرکت عظیم آنها به نتیجه خواهد رسید. این، يك نکته است که به نظر من خیلی مهم است. (2)

ص: 192

-
- 1- . در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) 1374/10/17
 - 2- . در دیدار رهبران گروه های جهادی فلسطینی شرکت کننده در افتتاحیه ی همایش غزه 1388/12/8

آن چیزی که جنگنده را، رزمنده را در جبهه نگه میدارد، امید است؛ باید امید داشته باشد، بداند که میتواند به پیروزی برسد. این امید را باید زنده نگه داشت. عامل اصلی پیروزی، در صحنه بودن مردم است؛ عامل در صحنه بودن مردم، امید و اطمینان آنها است. این امید را باید در مردم تقویت کرد؛ مردم را نباید ترساند؛ مردم را نباید بدبین کرد، بی اعتماد کرد. در قرآن کریم ببینید: «الَّذِينَ قَالُوا لَهُمْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا لَنُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا نَكْفُرُ بِأَيِّ شَيْءٍ مِّنْهُمُ إِلَّا بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ» (1) این از طرف دشمن است؛ بترسید - «قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ» نسبت داده شود به دشمن - آیه ی دیگر: «إِنَّهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْحَقِّ قَدْ كَفَرُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا فَاصْبِرْ لَهُمْ صَبْرًا مَّتَدِينًا وَلَا تُؤْتِنَهُمْ صَبْرًا وَلَا تَعْصِمُهُمْ صَبْرًا وَلَا تَكْفُرْ لَهُمْ صَبْرًا وَلَا تَكْفُرْ لَهُمْ صَبْرًا» (2)؛ [شیطان] میترساند. «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ» (3). ببینید، اینها است. یعنی ترسیدن مردم مذمت شده؛ مردم را ناامید کردن، مردم را بی اطمینان کردن، مذمت شده. متقابلاً نقطه ی مقابل: «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» (4)؛ همدیگر را باید وصیت کنیم، توصیه کنیم به صبر، به ایستادگی، به پیروی از حق؛ همدیگر را نگه داریم. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (5)؛ اولیا یعنی پیوسته ها؛ به همدیگر پیوستند. این وظیفه ی ما است. بنابراین، بایستی به این نکته ی امید و اطمینان توجه کرد. (6)

ص: 193

- 1- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 173، ترجمه: «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند پس از آن بترسید.»
- 2- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 175، ترجمه: «در واقع این شیطان است که دوستانش را میترساند.»
- 3- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 60، ترجمه: «اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه [از کارشان] بازنیستند تو را سخت بر آنان مسلط میکنیم.»
- 4- . سوره ی عصر، آیات 1 الی 3، ترجمه: «سوگند به عصر [غلبه ی حق بر باطل]. که واقعاً انسان دستخوش زیان است. مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند.»
- 5- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 71، ترجمه: «و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند.»
- 6- . در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1389/6/25

امروز منطقه ی ما منطقه ی ناامنی است؛ این به خاطر چیست؟ اولاً به خاطر دخالت شیطنت آمیز و شرارت آمیز قدرتهای سلطه گر است؛ دخالت آمریکا، دخالت صهیونیسم. از هر وسیله ای برای نفوذ، برای تأمین منافع نامشروع خود، برای تضعیف ملت‌ها، برای نابود کردن رشادتها و اقتدارهای ملی استفاده میکنند: يك روز داعش را به وجود می آورند و آن وقتی که با همت [نیروهای] مقاومت، با همت جوانان مؤمن، داعش و امثال داعش نفسهای آخر را میکشند، دنبال راه های خباثت آمیز دیگری میروند. امروز نقش آمریکا این است. وقتی از يك راه ناامید میشوند، دنبال راه دیگری میروند. البته به توفیق الهی، ملت ایران، جوانان ایران، جوانان مقاومت در منطقه که تحت تأثیر شعارهای اسلامی و قرآنی قرار دارند، باز هم بینی کارگزاران نظام سلطه را به خاک خواهند مالید و آنها را مغلوب خواهند کرد. آنچه در منطقه بسیار مهم است، همین است که ملت‌های منطقه و دولتهای منطقه ی ما احساس توانایی کنند و این توانایی را که موهبت الهی است به کار بیندازند؛ آن وقت دشمن نفوذکننده، دشمن بددل، دشمن طمع ورز مجبور میشود عقب نشینی کند. اگر چنانچه ما کوتاه بیاییم، دشمن جلو می آید. (1)

7 - عمل به دین

اشاره

عزیزان من! ملت ایران به همان اندازه ای که به قرآن نزدیک شده است، به عزت نزدیک شده است؛ به نجات نزدیک شده است؛ به رستگاری نزدیک شده است؛ به نصرت نزدیک شده است. راه نجات همه ی ملت‌های دنیا نزدیکی به اسلام و به قرآن است؛ راه نجات فلسطین نیز همین است. شما ببینید؛ پنجاه سال است که يك حکومت غاصب در کشور فلسطین

ص: 194

تشکیل شده است؛ در طول این مدّت، مبارزاتی هم انجام گرفت، لیکن به نهایت نرسید؛ چرا؟ چون در این مبارزات، دین خدا، ایمان اسلامی و حکم قرآنی ملاک نبود. امروز ملت فلسطین با نام اسلام علیه دشمن مبارزه میکنند و این مبارزه در ارکان دشمن تزلزل ایجاد کرده است. اگر مسلمانها به آنها کمک کنند که این وظیفه ی قرآنی همه است، یقیناً این راه کوتاه خواهد شد. اگر مسلمانها هم کمک نکنند، خود آنها مقاومت و ایستادگی کنند، باز هم پیروز خواهند شد؛ منتها پیروزی در حال غربت و تنهایی سخت تر است؛ مثل ملت ما که تنها ایستادگی کرد و شرق و غرب با او مخالفت کردند. در جنگ تحمیلی علیه ما، همه ی مراکز قدرت علیه ما شدند؛ ما غریبانه مقاومت کردیم؛ غربت را تحمل کردیم؛ اما از مقاومت دست برنداشتیم و خدای متعال ما را پیروز کرد. ملت فلسطین نیز همین طور است. برای رفتن در فضای زندگی شایسته ی انسان، مبارزه لازم است. وظیفه ی همه ی مسلمانها است که در این مبارزه سهیم شوند و به آن قطعه از پیکر اسلامی که در دست دشمن است، یاری برسانند تا بتوانند آن را پس بگیرند. يك مصداق از عمل به قرآن این است. اگر مسلمانها به همین يك قانون و به همین يك دستور عمل کنند، بسیاری از کارها اصلاح خواهد شد. (1)

اخلاص و غلبه بر نفس اماره؛ از راه های تقویت مقاومت

انقلاب ما که پیروز شد، به برکت صفا و خلوص و اخلاص و کار برای خدا و بلند شدن از سر منافع مادی و شخصی بود؛ مقاومت در جنگ تحمیلی هم همین طور بود. این شهدای عزیز ما، یا این جانبازان، در اوج صفا و اخلاص، به استقبال شهادت رفتند و شهید شدند و همین شهادتها و مقاومتها و به استقبال خطر رفتن ها بود که انقلاب را حفظ کرد، اسلام را

ص: 195

عزیز کرد، مسلمین را قوی کرد و دشمنان اسلام و آمریکا را خوار نمود.

در درون وجود ما، بزرگ ترین دشمن ما کمین گرفته و آن، نفس اماره و شهوات و خودخواهی و خودپرستی های ما است. هر لحظه ای که بتوانیم، این مار گزنده و این دشمن کشنده را سر جای خود بنشانیم، ولو به طور موقت، در آن لحظه، ما موفق و سعادتمند و قادر بر عمل و مقاومت و ایستادگی و جهاد فی سبیل الله هستیم. هر وقتی که این دشمن، سر بلند کند و عقل و نیروی معنوی و نفس رحمانی در وجود ما را سرکوب کند و تحت تأثیر خود قرار بدهد، در آن لحظه، ما در حال سکون و رکود و یا عقب گردیم. سکون، یعنی عقب گرد. این دو، یکی است.

... ما اول باید خودمان را اصلاح کنیم. هرکسی که به اسلام و انقلاب دل بسته تر است، باید برای اصلاح نفس خود، عازم تر و جدی تر باشد. هرکسی که از وضع دنیا، از این زورگویی ها و خباثت ها و رذالت هایی که قدرتها و عربده کش ها و قداره بندهای جهان انجام میدهند، بیشتر ناراحت است، باید بیشتر به خود پردازد و خود را اصلاح کند. این وضعی که امروز در دنیا است، ناشی از این لنگی است. (1)

نکته ی اساسی آن است که این مواجهه و مقابله در جناح حق، به پایداری و هوشیاری و مقاومت و همان از منیت خارج شدنی که امام همیشه میگفتند، احتیاج دارد. (2)

زن فرعون از نظر خصلت طبقاتی، زن يك پادشاه و در طبقه ی پادشاهان بود و زن پادشاه از خود پادشاه هم راحت تر است؛ اما درعین حال به موسی ایمان آورد و از همه ی آنچه که داشت صرف نظر کرد. پس این اراده ی شما

ص: 196

1- . در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه ها و اقشار مختلف مردم 1369/5/24

2- . در پایان چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولیفقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی 1370/6/27

است که در مقابل يك شهوتی و يك ميل نفسانی آیا از خود خویشتن داری نشان بدهید یا نشان ندهید، که اگر نشان دادید نتیجه يك چیز خواهد شد و آثار و برکاتی خواهد داشت، و اگر نشان ندهید نتیجه چیز دیگری خواهد شد. به هر حال آن کسی که نتایج را برای خودش رقم میزند شما هستید که انتخاب می کنید. شما تصوّر کنید جوانی در سن هیجده نوزده سالگی به نام یوسف را، در عین شهوت و در نهایت زیبایی که مورد علاقه ی زنی با همین خصوصیات قرار میگیرد؛ اینجا دو جور میشود عمل کرد: یکی تسلیم شدن و به صورت يك آدم فاسقی درآمدن و دیگر امتناع کردن و ناگهان رشد کردن و بالا رفتن و تعالی پیدا کردن است. این از چیزهای خیلی واضح و از آن تأثیر و تأثرهایی است که انسان نتیجه اش را خیلی زود میبیند؛ شما در مقابل هر يك از شهوات مقاومت کردید اولین اثرش این است که برای مقاومت بعدی آماده تر و قوی تر میشوید. ممکن است شما بگویید: نه، آن آقایی که مقاومت کرد، او يك خصوصیتی داشت که این دیگری نداشت، چه خصوصیتی؟ هم او عقل داشت هم این، هم او چشم داشت، هم این میدید، منتها این خودش را رها کرد و تسلیم هوای نفس شد و تصمیم نگرفت اما او تصمیم گرفت. و لذا تصمیم گرفتن و تصمیم نگرفتن يك امری مرتبط به شما است.

وقتی کوس جنگ نواختند، این همه جوان در این مملکت بود، يك جوان از زیر کولر خانه اش در تابستان و کرسی گرمش در زمستان بلند شد رفت کردستان و خوزستان و يك جوان هم گفت و لش کن؛ این یکی انتخاب کرد و آن دیگری انتخاب نکرد؛ او که انتخاب کرد شد جزو اولیاءالله واقعی. جوانهای ما آنهایی که با خودشان مجاهدت کردند و رفتند به جبهه و شهید شدند، عامی هم بودند، در آن روزهای آخر و آن لحظات آخر واقعاً جزو اولیاءالله شدند؛ البته فرصتها همیشه در اختیار همه هست. (1)

ص: 197

عزیزان من! روح مبارزه و ایستادگی در مقابل دشمن، وقتی به طور کامل و سالم در شما قشر جوان باقی میماند که تقوا، بازگشت به خدا و جهاد اکبر در وجود و زندگی تان بگنجد. اگر ما به جوانان توصیه میکنیم که طهارت، تقوا، استغفار، اجتناب از گناه، رو آوردن به خدا و توجه به معنویات را سرلوحه ی کارها قرار دهند، به این دلیل است که علاوه بر به همراه داشتن سعادت شخصی شما، کشور شما هم به جوانانی نیازمند است که بتوانند حقایق را درک کنند، در میدانها بایستند، توطئه ی دشمن را بشناسند و با آن مقابله کنند. دانشگاه، حوزه ی علمیّه و محیط علمی و تحصیلی جای این ایستادگی، مقاومت، هوشیاری و مبارزه است. این، انتظار از نسل جوان است. (1)

پشتوانه ی حادثه ی عاشورا، معنویّت است... چقدر به ملتّهای مستضعف روحیّه داده است و چقدر انسانهایی را برای مقاومت در راه خدا مجهّز کرده است! در زمان ما هم با درایت امام بزرگوار، این حادثه توانست پیش از پیروزی انقلاب، ناگهان مثل همان توفانِ اوّل بار در جامعه ظهور کند. این خود معلول توجه و توسّل و ذکر و حضور و ارتباط و اتّصال با پروردگار است. امام بزرگوار ما هم خود از این نوع آدمها بود؛ خود اهل همین ذکر و حضور بود؛ درخشندگی کار امام هم در همین بود؛ تأثیر نفس او هم قاعدتاً حدّاکثر مربوط به همین قضیه بود. (2)

نقش نماز در قوی شدن صبر و قدرت مقاومت

این آیه ی شریفه یا به تعبیر بهتر این جمله ی مبارک «إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْيَاسِينِ» در قرآن - در سوره ی بقره - در دو جا تکرار شده است: یکی خطاب به اهل کتاب است که میفرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْيَاسِينِ»

ص: 198

1- . در دیدار دانش آموزان و دانشجویان 1374/8/10

2- . در دیدار با گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار 1376/9/13

الْخَاشِعِينَ» (1): یکجا هم خطاب به مؤمنین است که میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْمَعُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (2). اولاً پیدا است که اهمیت این دو عنصر، عنصر صبر و عنصر صلوات مورد توجه است و تأثیر اینها در آن چیزی که تشکیل جامعه‌ی اسلامی به خاطر رسیدن به آن است؛ اهداف والای جامعه‌ی اسلامی. ثانیاً ارتباط این دو - صبر و صلوات - با یکدیگر و ایستادگی و استقامت و ارتباط و اتصال قلبی و روحی با مبدأ آفرینش. این دو تا باهم از مجموعه‌ی این آیه - بخصوص این بخش مربوط به «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» - به دست می‌آید. قبل از این آیه‌ی شریفه، آیه‌ی شریفه‌ی «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (3)، بحث ذکر و شکر است. بعد از این آیه‌ی شریفه، مسئله‌ی جهاد است؛ «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (4). بعد از این آیه، این آیات معروف «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (5)، «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (6) بعد «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ» (7) آمده که ارتباط کامل بین این دو عنصر، کاملاً از این آیات مفهوم میشود؛ به دست می‌آید. هم خود این دو عنصر اهمیت دارد، هم رابطه‌ی اینها.

ص: 199

- 1- . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 45، ترجمه: «از شکیبایی و نماز یاری جوئید و به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان.»
- 2- . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 153، ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید از شکیبایی و نماز یاری جوئید زیرا خدا با شکیبایان است.»
- 3- . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 152، ترجمه: «پس مرا یاد کنید [تا] شما را یاد کنم و شکرانه‌ام را به جای آرید و با من ناسپاسی نکنید.»
- 4- . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 154، ترجمه: «و کسانی را که در راه خدا کشته میشوند مرده نخوانید بلکه زنده اند ولی شما نمیدانید.»
- 5- . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 155، ترجمه: «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می‌آزمایم و مؤذنه‌ی شکیبایان را.»
- 6- . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 156، ترجمه: «[همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد میگویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز میگردیم.»
- 7- . سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی 157، ترجمه: «بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد].»

... اما ارتباط بین صبر و صلوات. البتّه صلوات را به مفهوم عامّ صلوات بگیرد؛ یعنی توجّه، ذکر، خشوع؛ و الاّ صورت نماز در حالی که خالی از ذکر باشد، مورد نظر نیست؛ لذا در آن آیه ی شریفه هم که راجع به صلوات فرموده، بعد میفرماید: «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (1). «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (2). این، يك خاصیت صلوات است؛ اما بزرگ تر از نهی از فحشا و منکر، نفس ذکر خدا است که در صلوات وجود دارد.

این صلوات یعنی آن ذکر، توجّه، خشوع، ارتباط قلبی با خدا، در استحکام صبر تأثیر دارد. حالا- که اهمّیت صبر - که البتّه برای شما دوستان معلوم است - بر حسب آیه و روایت و مفاهیم اسلامی فهمیده شد، آن وقت معلوم میشود که صلوات چقدر مهم است؛ ذکر خدا چقدر اهمّیت دارد و میتواند این عامل استقرار و ثبات را - که همین صبر است - در دل ما، در روح ما، در زندگی ما، در افق اندیشه ی ما هر چه مستحکم تر و جادارتر و جاگیرتر کند. لذا در قرآن هم ملاحظه کنید «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» (3) است. البتّه «وَاصْبِرْ» در قرآن زیاد است که اگر انسان بخواهد آیات را بخواند، هر کدام يك دریایی از معرفت است. حالا این آیه ی شریفه ی «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ به کمک خدا است که تو میتوانی صبر کنی؛ یعنی استقامت آن وقتی پایان ناپذیر میشود که متصل باشد به منبع پایان ناپذیر ذکر الهی. اگر صبر را - که صبر به همان معنای پایداری و ایستادگی و استقامت و عقب گرد نکردن است - وصل کنیم به آن پایگاه ذکر الهی، به آن منبع لایزال، این صبر دیگر تمام نمیشود؛ صبر که تمام نشد، معنایش این است که این سیر انسان به سوی همه ی قلّه ها هیچ وقفه ای پیدا نخواهد کرد. این قلّه ها که میگوییم، قلّه های دنیا و آخرت، هر دو است: قلّه ی علم، قلّه ی ثروت،

ص: 200

-
- 1- . سوره ی عنکبوت، بخشی از آیه ی 45، ترجمه: «و قطعاً یاد خدا بالاتر است.»
 - 2- . همان، ترجمه: «نماز از کار زشت و ناپسند باز میدارد.»
 - 3- . سوره ی نحل، بخشی از آیه ی 127، ترجمه: «و صبر کن و صبر تو جز به [توفیق] خدا نیست.»

قله ی اقتدار سیاسی، قله ی معنویت، قله ی تهذیب اخلاق، قله ی عروج به سمت عرش عالی انسانیت. هیچ کدام از اینها دیگر توقف پیدا نخواهد کرد؛ چون وقفه ها در حرکت ما ناشی از بی صبری است. (1)

نقش روزه در افزایش قدرت مقاومت

در روزهای دوران اختناق هم وقتی عناصر مؤمن میخواستند در مقابل فشار دستگاه حاکم و در مقابل وسوسه ها و اغواهای زندگی راحت - که آنها را وادار میکرد مبارزه را کنار بگذارند - مقاومت کنند، به روزه روی می آوردند. عبادات خدا این گونه است؛ حضور در مقابل پروردگار این طور است. نماز که میخوانید، آرامش پیدا میکنید؛ از اضطراب و تلاطم روح نجات پیدا میکنید. وقتی با خدای متعال مناجات و تضرع میکنید، جان خودتان را تصفیه و باصفا میکنید، آلودگی ها را از آن دور میکنید. روزه که میگیرید، خودتان را مثل فولاد، محکم و آبدیده میکنید. این گونه است.

آنچه که به وسیله ی عبادات به دست ما می آید، خیلی خیلی باارزش است؛ خیلی زیاد است. باید خدا را شکر کنیم که برای ما نماز و روزه و عبادات را آورد؛ به ما امکان داد که این بهره ها را برای خودمان فراهم کنیم. (2)

معنویت؛ از عوامل افزایش مقاومت

اگر ذخیره ی معنوی در وجود انسان از حد لازم پایین تر رود، انسان دچار لغزشها و گمراهی های بزرگی خواهد شد. معنویت در وجود يك انسان، برای او مایه ی هدف دار شدن است؛ زندگی او را معنا میکند و به آن جهت میدهد؛ همچنان که آرمانهای معنوی و اخلاقی، زندگی يك جامعه و يك

ص: 201

1- . در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام 1387/6/19

2- . در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز نوزده دی ماه 1375/10/19

کشور و يك ملت را جهت دار میکند؛ به تلاش و مبارزه ی آنها معنا میدهد و برای انسان هویت میسازد. وقتی يك ملت و يك کشور از آرمانهای اخلاقی و معنوی تهی شد، هویت حقیقی خود را از دست میدهد و مثل پر کاهی میشود؛ گاهی به این طرف، گاهی به آن طرف میرود؛ گاهی دست این، گاهی هم دست آن می افتد... اگر بخواهید این استقامت به وجود آید، باید به طور دائم مراقبت کنید که این بار مبنای معنویت از سطح لازم پایین نیفتد. (1)

اگر این رابطه ی با خدا ضعیف شد، هوسها بر انسان غالب گردید و این هوسها توانستند جهت گیری را تنظیم کنند، آنگاه قدرت مقاومت در برابر جبهه ی دشمن هم ضعیف میشود. البته هر انسانی گاهی در معرض اهواء خود است؛ این چیزی نیست که بشود انسانها را بکلی از آن برکنار کرد. آنچه مهم است، این است که اجازه داده نشود هواهای نفسانی و منافع مادی و خواستههای حقیر، خط زندگی انسان را معین کنند، راه زندگی را جلوی پای انسان بگذارند، در زندگی انسان، تعیین کننده شوند و راه را عوض کنند. این مهم است.

آنچه که آسیب پذیری را در این زمینه کم میکند، همان مسائل معنوی و اخلاقی و دعا و ذکر و توجه و تهذیب نفس و خودسازی با هواهای خود و مبارزه کردن با اخلاق فاسد در خود است. این خیلی مهم است. ای بسا کسانی که از لحاظ توجه و ذکر و دعا، اهل این چیزها هم هستند، اما نتوانستند خُلقیات فاسد خودخواهی، خودپسندی، بخل، حرص، حسد، بددلی، بدبینی، بدخواهی نسبت به این و آن را در خودشان ریشه کن کنند، یا از تأثیر آنها در رفتارهای خودشان جلوگیری نمایند. (2)

ص: 202

-
- 1- . در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار 1381/7/17
 - 2- . در دیدار با گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار 1376/9/13

من توصیه میکنم به جوانهای عزیزمان و جوانهای دانشجو که به مسائل تقوای شخصی، پرهیزکاری شخصی، پاک دامنی شخصی اهمّیت بدهید، پردازید؛ حتماً تلاوت قرآن را روزانه فراموش نکنید - ولو یک صفحه، ولو نیم صفحه - قرآن را هر روز بخوانید، با قرآن ارتباطتان را برقرار کنید. این دعاها مضامین فوق العاده ای دارد؛ این دعاها رشته ی ارتباط شما را با خدای متعال مستحکم میکند. این اصل قضیه است. اینکه دیدید امام بزرگوار ما ایستاد، خب، امام اول کار تنها بود، بعدها مردم آمدند، بعدها خواص آمدند و توده ی مردم آمدند؛ از همان اول که تنها بود محکم ایستاد، تا آخر هم میگفت که اگر همه هم پشت به من بکنند من این راه را خواهم رفت. خدا به پیغمبرش هم میفرماید که اگر تو تنها هم بودی باید بروی جهاد؛ تک و تنها هم بودی باید بروی جهاد؛ البتّه «حَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ» (1)؛ به دیگران هم بگو اما اگر تنها هم ماندی باید بروی؛ این به خاطر ایمان است. وقتی ایمان در کسی قوی شد تنها هم بماند می‌رود. آن وقت این مشکلاتی که حالا گوشه کنار پیدا میشود که یکی طعنه ای میزند، یکی یک حرفی میگوید، یکی یک مخالفتی میکند، اینها دیگر در سر راه، مانع به حساب نمی آید. قرآن را حتماً بخوانید، دعاها را بخوانید، به صحیفه ی سجّادیه اهمّیت بدهید. در صحیفه ی سجّادیه دعای پنجم خیلی مهم است؛ دعاهای صحیفه همه اش خوب است اما من اگر بخواهم توصیه کنم، دعای پنجم و دعای بیستم که معروف به دعای مکارم الاخلاق [است را میگویم]. اینها همه اش ترجمه هم شده؛ خوشبختانه ترجمه های خوبی هم امروز از صحیفه ی سجّادیه در اختیار است؛ دعای بیست و یکم هم همین جور است. این دعاها پُر از مطالبی است که دلهای شما را قرص میکند، گام شما را محکم میکند و میتوانید حرکت بکنید. (2)

ص: 203

1- . سوره ی انفال، بخشی از آیه ی 65، ترجمه: «... مؤمنان را به جهاد برانگیز...»

2- . در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور و نمایندگان تشکلهای دانشجویی 1395/4/12

امروز علیه ما، تهاجم نظامی نیست. در هشت سال جنگ تحمیلی، دشمن علناً با ما صف آرایی داشت. ظاهر قضیه، عراق بود؛ اما پشت سر عراق، آمریکا بود؛ پشت سر عراق، ناتو بود؛ پشت سر عراق، همه ی مرتجعین بودند. این را ما در تمام طول هشت سال جنگ، بارها و بارها گفتیم. خیلی ها حاضر نبودند باور کنند؛ ولی همان کسانی که عراق را در این مدّت تجهیز کردند، امروز اعتراف میکنند. جنگ، جنگی نظامی بود. در حقیقت همه ی دنیای استکبار و کفر، با اسلام در جمهوری اسلامی مبارزه میکرد. امروز فقط جنگ نظامی نیست؛ اما همه ی تهاجمهای دیگر، با شدّت کم سابقه ای وجود دارد. در مقابل این تهاجم، این جامعه ی اسلامی، باید زنده، هوشیار، آسیب ناپذیر، پرامید، آماده ی مقاومت، آماده ی ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده ی مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست؛ این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه ی اسلامی، با انجام این تکلیف زنده میماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است؛ که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لیسلطن الله علیکم شرارکم فیدعوا خیارکم فلا یتجاب لهم» (1). قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اختیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد. امر به معروف فقط این نیست که ما، برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم؛ آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهم ترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظّف میکنند که آحادش باید دیگران را به معروف امر و از منکر نهی کنند، این به چه معنا است؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت امر به معروف و نهی از منکر باشند؟ وقتی که همه،

ص: 204

به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف شناس و منکرشناس باشند. این، به معنای يك نظارت عمومی است؛ يك حضور عمومی است؛ يك همکاری عمومی است؛ يك معرفت بالا در همه است. (1)

ما به آحاد ملت عزیز عرض کردیم و گفتیم امر به معروف و نهی از منکر، این واجب الهی را برپا بدارید. در بین جوانان در سرتاسر کشور، شور و غوغایی به وجود آمد. پس، پیدا است که این جوانان متمایل به امر به معروف و نهی از منکرند. بنابراین، وظیفه ی ما، مسئولین، قانون گذاران و مجریان است که راه و زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار و فراهم کنیم. امروز بحمدالله مجلس شورای اسلامی، مجریان، مسئولین کشور و دستگاه قضایی، همه از خود این ملتند. مبادا در گوشه و کنار، یا در دستگاه انتظامی یا قضایی، کسانی باشند که راه را جلوی آمر به معروف و ناهی از منکر سد کنند! مبادا کسانی باشند که اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کرد، از او حمایت نکنند، بلکه از مجرم حمایت کنند! البته خبرهایی از گوشه و کنار کشور، در بعضی از موارد به گوش من میرسد. هر جا که بدانم و احساس کنم و خبر اطمینان بخشی پیدا کنم که آمر به معروف و ناهی از منکر، خدای نکرده مورد جفای مأمور و مسئولی قرار گرفته، خودم وارد قضیه خواهم شد. این، آن چیزی است که قوام کشور و استقلال کشور را حفظ خواهد کرد. وَاَلَا ما دشمن زیاد داریم؛ چرا دشمن تا امروز نتوانسته است مویی از سر این ملت کم کند و به این کشور ضربه بزند؟ بحمدالله ایران اسلامی، با قدرت و صلابت کامل، در مقابل همه شان ایستاد و ایستاده است؛ چرا؟ ایران که همان ایران 150 سال قبل است! این، به خاطر احساس وظیفه ی شما، به خاطر همین حضور شما، به خاطر

ص: 205

همین روحیه‌ی حزب اللّهی شما و به خاطر این است که زن و مرد مسلمان، تا همه جا حاضرند از ایمان و اسلام و انقلابشان دفاع کنند؛ اینها است که این کشور را حفظ کرده است. مگر طور دیگری میشود این کشور را، با این همه دشمن و بدخواه که چشم طمع به منابع زیرزمینی و بازارهای آن دوخته اند، حفظ کرد؟! مگر میشود در مقابل آنها، بدون این روحیه مقاومت کرد؟! این گونه است که کشور حفظ میشود؛ با امر به معروف و نهی از منکر. (1)

نقش دعا در تقویت قدرت مقاومت

دعا به انسان قدرت مقاومت در مقابل چالشهای زندگی را میدهد. هرکس در دوران زندگی خود با حوادثی مواجه میشود و چالشهایی پیدا میکند. دعا به انسان توانایی و قدرت میدهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم میکند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده است به سلاح. از نبی مکرم نقل شده است که فرمود: «ألا ادلکم علی سلاح ینجیکم من اعدائکم» (2)؛ «اسلحه ای را به شما معرفی کنم که مایه ی نجات شما است؟» «تدعون ربکم باللیل و النهار فإنّ سلاح المؤمن الدعاء» (3)؛ در مواجهه ی با حوادث، توجّه به خدای متعال، مثل سلاح برنده ای در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرم اسلام همه ی کارهای لازم را انجام میداد؛ سپاه را می آراست، سربازان را به صف میکرد، امکانات لازم را به آنها میداد، توصیه های لازم را به آنها میکرد، اشراف فرماندهی خودش را اعمال میکرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو میزد، دست به دعا بلند میکرد، تضرّع میکرد، با خدای متعال حرف میزد و از او میخواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم میکند. (4)

ص: 206

1- . در مراسم دیدار قشرهای مختلف مردم 1371/7/29

2- . کافی، ج 2، ص 468

3- . همان

4- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1384/7/29

شعارهایی که مردم میدهند، چه جور شعارهایی است؟ شعارهای ایستادگی در خطّ مستقیم و صراط مستقیم انقلاب - همه جا همین است دیگر - در سراسر کشور، شعارها شعارهای ایستادگی است؛ یعنی مردم با راه پیمایی بیست و دوم بهمن، این حقیقت را نشان میدهند که خدای متعال به وعده ی خود عمل کرده است که فرمود: «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (1)؛ خدای متعال قدمهای شما را ثابت میدارد؛ گامهای شما را استوار میدارد؛ نمیگذارد شما مجبور به عقب نشینی بشوید. این وعده ی الهی است؛ این وعده ی الهی در مورد ملت ایران تحقق پیدا کرده است؛ دین خدا را نصرت کردید، خدای متعال ثبات قدم به شما داد. این جشن 3 (5) سالگی امسال، ثبات قدم را میگوید.

... خدا را شکر میکنیم که هدف ما رضای الهی است و میدانیم که رضای الهی در پیشرفت این کشور و در سربلندی این ملت است؛ دنبال این داریم حرکت میکنیم، خدا هم کمک خواهد کرد. همین طور که عرض کردم آیه ی شریفه ی قرآن میفرماید: «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ»؛ اگر شما نصرت خدا بکنید، یعنی نصرت دین خدا بکنید، دو نتیجه مترتب خواهد شد: اول «يَنْصُرْكُمْ»، خدا شما را یاری میکند؛ دوم «وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»، نمیگذارد شما مجبور به عقب نشینی بشوید. و بدانید به توفیق الهی اهداف آمریکا و استکبار جهانی نسبت به ایران و جمهوری اسلامی و ملت ایران اهدافی است که دیر یا زود شکست خواهد خورد. و بدانید که ملت ایران پیروزی خود را در همه ی عرصه ها و زمینه ها در مقابل چشم بدخواهان و حسودان ان شاءالله جشن خواهد گرفت. (2)

ص: 207

1- . سوره ی محمد (ص)، بخشی از آیه ی 7

2- . در دیدار مردم آذربایجان به مناسبت قیام بیست و نهم بهمن مردم تبریز 1392/11/28

خودِ شکر، يك نعمت است. اولاً، وقتی شکر کردید، این شکر موجب ذکر میشود؛ متوجه خدا میشوید؛ خود شکر انسان را ذاکر میکند. ثانیاً، شکر به ما صبر میدهد؛ شکر نعمت یکی از خواصّش، دادن صبر و پایداری است. در دعا میخوانیم: «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ صَبْرَ الشّٰکِرِیْنَ لَکَ»⁽¹⁾؛ وقتی شما شکر میکنید، نعمت را می شناسید و موقعیت را درک میکنید؛ امکانی را که خدا در اختیار شما گذاشته است، به یاد می آورید و امیدوار میشوید. این امید، پایداری شما را زیاد میکند. لذا لازمه ی شکر، صبر است. یکی از دستاوردهای شکر، قدرت پایداری و ایستادگی در میدانهای دشوار است. یکی از خواصّ شکر، مغرور نشدن است. بعد هم خدای متعال وعده کرده است افزایش نعمت را؛ «لَا زَیْدَ لَکُمْ»⁽²⁾. وعده ی الهی صدق است و سازوکار روشنی هم دارد. همین که عرض کردیم، نشان دهنده ی این است که خودِ شکر، نعمت را زیاد میکند. شکر پلّه ی اول، انسان را به پشت بام میرساند. شکر، وظیفه ی ما است.⁽³⁾

8 - ایثار و فداکاری

اشاره

این مجموعه ی ایثارها، امروز کشور ما را به اینجا رسانده است. مگر تصوّر میشد که کوچک و بزرگ ملّتی تنها، بدون هیچ پشتوانه ی جهانی و بدون هیچ کمک قابل ذکر از سوی هیچ گوشه ای از قدرتهای عالم، بتواند این گونه در میدان جهاد مقدّس و دفاع از خود و سازندگی و استقلال و مبارزه با همه نوع فشارهای دشمنان قلدر ایستادگی کند و روزه روز دشمنان را متعجّب تر نماید؟ مگر ممکن بود که بدون این گذشتهها و این ایثارها و این فداکاری ها،

ص: 208

1- . مصباح المتّهّجّد، ج 2، ص 802

2- . سوره ی ابراهیم، یخشی از آیه ی 7، ترجمه: «[نعمت] شما را افزون خواهم کرد.»

3- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1385/3/29

ما به اینجا برسیم؟ هرکدام از شما که اینجا هستید، چه آزادگان عزیز، چه آنهایی که هنوز در بندند، چه خانواده هایتان، چه فرزندان، چه پدران و مادرانتان، چه همسرانتان، چه خانواده های شهدا، چه خانواده های جانبازان، چه فرزندان شهدا، و همه ی کسانی که به نحوی رنجها را بر جسم و جان خودشان تحمّل کردند، ایثارگران و پشتیبانی کنندگان، هرکدام به سهم خودشان در به وجود آمدن این ذخیره ی عظیم و تمام نشدنی و بی نظیر ملت ایران سهیم هستند. هرکدام از شما اگر این فداکاری ای را که کردید، نمیگردید، این صبری را که کردید، نمیگردید، این مجموعه ای که امروز در اختیار ملت ایران است، به وجود نمی آمد و این موفقیتها هم عاید انجام نمیشد. این درس قرآن است.

در تاریخ عالم، عمر ملتها يك ساعت است؛ به نظر ما طولانی می آید؛ اما وقتی که به گذر جریان تاریخ نگاه میکنید، هرکدام از این ملتها ساعتی هستند و می آیند و میروند. این ساعت را طولانی کردن، خوب کردن و با افتخار به وجود آوردن، به دست آحاد ملتها است. قرآن، این را به ما درس داده است. تجربه ی آن هم سخت است؛ لذا ملتها غالباً تجربه نمیکنند و توسری اش را میخورند و سختی هایش را هم تحمّل میکنند. اما ملت ما این تجربه را انجام داد. این را قدر بدانید؛ خیلی عظیم است.

درد ملتهای دنیا، این گونه درمان میشود؛ درد ملت فلسطین، این گونه درمان میشود، و لا-غیر. آنهایی که خیال میکنند ملتی مثل ملت فلسطین را میشود با مذاکره و التماس کردن و گدایی نجات داد، سخت در اشتباهند. فقط با ایستادگی و مقاومت است که يك ملت میتواند روی پای خود بایستد، حق انسانی خود را به دست آورد و زندگی افتخارآمیزی را که برای او، هم دنیا و هم آخرت است، کسب کند. (1)

ص: 209

روحیه ی جهاد و مقاومت در ملت یکی از مایه های اقتدار است؛ لذا با روحیه ی جهاد و مقاومت دشمنند. در ادبیات استعماری جهانی به روحیه ی مقاومت، به روحیه ی جهاد، تهمتِ خشونت میزنند؛ خشونت، تندروی - که متأسفانه گاهی ما هم از آنها یاد میگیریم و همانها را تکرار میکنیم - این به خاطر این است که روحیه ی جهاد و شهادت مایه ی اقتدار است برای يك کشور. (1)

روحیه ی شهادت طلبی؛ عامل پیروزی بر دشمن

اینکه امام بزرگوار فرمود ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد، به این خاطر است. وقتی شما به فدا شدن در راه خدا به صورت يك موفقیت بزرگ نگاه کردید، به سمت خطر - به خاطر شهادت - بی محابا حرکت کردید، هیچ نیرویی در دنیا نیست که بتواند در مقابل شما ایستادگی کند.

غلبه و قدرت متعلق به آن ملتی و آن مردمی است که معتقدند اگر در این راه برایشان خطری پیش بیاید، ضرری پیش بیاید، شهادت و از دنیا رفتن پیش بیاید، آنها برنده هستند، بازنده نیستند؛ آن ملتی که این روحیه را، این اعتقاد را دارد، شکست برای آن ملت وجود ندارد؛ این ملت پیش خواهد رفت؛ همچنان که ملت ایران در راه بسیار پُرخطر و پُرزحمت خود، تا امروز پیش رفته است. شوخی است؟ همه ی قدرتمندان فاسد ظالم خبیث عالم دست به دست هم بدهند، در مقابل ملت ایران بایستند، هیچ غلطی هم در طول چهل سال نتوانند بکنند و این نهال تازه پا تبدیل بشود به این درخت مستحکم، شجره ی طیبه و غیر قابل تکان دادن! این را چه کسی کرد؟ اعتقاد به شهادت، این سرنوشت افتخارآمیز را برای کشور به وجود آورد؛ یعنی همین جوانهای شما. گریه میکند، آرزو میکند که در راه

ص: 210

خدا شهید بشود؛ به پدرش، به مادرش، التماس میکند، میگوید من رفتم در عملیات شهید نشدم، چون شما راضی نبودید؛ شما راضی بشوید تا من شهید بشوم. در شرح حال یکی از همین شهدای [مدافع] حرم خواندم که به همسرش میگوید شما راضی نبودید من شهید بشوم، شما نمیگذاری من شهید بشوم؛ التماس میکند به همسرش که تو راضی بشو تا من شهید بشوم. دنیای مادی معنای این حرفها را نمیفهمد، درک نمیکند. این روحیه و این اعتقاد است که جوان مؤمن انقلابی ما را در مقابل حوادث، مثل کوه استوار نگه میدارد. (1)

جمهوری اسلامی نیرومند است با معنویتش، با فکرش، با انسانهای فداکارش، با ایمانش، با پدر و مادرهای مؤمن، با همسرهای مؤمن و با جوانان مؤمن؛ جوانی که از خانواده اش صرف نظر میکند، از همسر محبوبش صرف نظر میکند، از کودک شیرین زبانش صرف نظر میکند، می رود در راه خدا مبارزه میکند و جان خودش را به خطر می اندازد؛ کشور را اینها نگه داشته اند؛ نیرومندی انقلاب به وجود یک چنین انسانهایی و یک چنین ایمانهایی است. دشمن نمیفهمد. (2)

9 - شنیدن بشارت شهدا

نقش بشارت شهدا در مستحکم شدن ملت

یاد شهیدان و نام شهیدان کهنه نخواهد شد، گم نخواهد شد. علت هم این است که خدای متعال فرموده است: «أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (3)؛ زنده اند دیگر. کما اینکه شهدای تاریخ هم این جور هستند؛ این همه علمای بزرگ، شخصیت‌های بزرگ، سیاسیون بزرگ در طول تاریخ وفات یافتند و از دنیا

ص: 211

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1397/9/21

2- . همان

3- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 169، ترجمه: «... زنده اند نزد پروردگارشان...»

رفتند و کمتر کسی از آنها در یادهای جامعه مانده؛ اما شهدایی که شناخته شدند به عنوان شهید، یادشان زنده است و زنده خواهد بود. شهدای ما هم همین جور هستند. یاد شهدا زنده است و باید هم این بقای نام و یاد شهدا را ما به صورت يك امر مهم دنبال کنیم؛ چون شهیدان حامل بشارتند: «وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (1)؛ شهیدان به ما میگویند شما خوف و حزن نداشته باشید؛ دلسردی و نومیدی نداشته باشید. نعمت الهی را، لطف الهی را، برکات الهی را در مقابل چشم ما نگه میدارند و این آن چیزی است که ما امروز به آن احتیاج داریم. (2)

پیام شهیدان؛ ایثار، تسلیم و سوسه ی غنیمت نشدن و استقامت در برابر دشمن

شهیدان، دو موضع گیری و دو حرکت زیبا و باشکوه از خودشان نشان دادند که هر کدام پیامی دارد. این دو موضع گیری، یکی در قبال ذات مقدّس ربوبی، در قبال اراده ی الهی، در قبال دین خدا، در قبال بندگان خدا و مصالح آنها است؛ يك موضع گیری هم در مقابل دشمنان خدا است. یعنی اگر شما رفتار و روحیّه و موضع شهید را تحلیل کنید، به این دو موضع گیری میرسید.

موضع گیری در قبال خدا و بندگان خدا و امر خدا و آنچه که مربوط به ذات مقدّس پروردگار است، عبارت از گذشت است؛ شهید در قبال خدا، گذشت و ایثار کرده است.

... ما که میخواهیم پیام آنها را بگیریم، پیامشان چیست؟ پیام این است که اگر میخواهید خدا را از خودتان راضی کنید و وجودتان در راه خدا مفید واقع شود و مقاصد و اهداف عالی ربوبی و الهی درباره ی عالم

ص: 212

1- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 170، ترجمه: «... و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند شادی میکنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین میشوند.»

2- . در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره ی شهدای استانهای کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی 7/5/1395

آفرینش تحقق پیدا کند، باید خودتان را در مقابل اهداف الهی ندیده بگیرید. تکلیف مالایطاق هم نیست؛ تا آنجایی که میشود. هرجایی که گروهی از انسانهای مؤمن این کار را کردند، کلمه ی خدا پیروز شد؛ هرجایی هم که بندگان مؤمن خدا پایشان لرزید، بدون بروبرگرد، کلمه ی باطل پیروز شد. در انقلاب، بندگان مؤمن خدا که این ایثار و گذشت را کردند، انقلاب پیروز شد.

... هرجایی که این گذشت نبود مثل آنجاهایی که نیست، مثل در طول تاریخ که نیست، مثل دوران امام حسین (علیه الصلوة و السلام) که اکثریت قاطع زبندگان و خواص و مؤمنان شانه خالی کردند و ترسیدند و عقب رفتند، کلمه ی باطل پیروز شد؛ حکومت یزید سر کار آمد، حکومت بنی امیه نود سال سر کار آمد، حکومت بنی عباس پنج شش قرن سر کار آمد و ماند. به خاطر آنکه این گذشت انجام نشد، مردم چه کشیدند! جوامع اسلامی چه کشیدند! مؤمنین چه کشیدند!

صحنه، صحنه ی روشنی است. عزیزان من! همه ی دوران زندگی ما، جنگ احد است. اگر خوب حرکت کردیم، دشمن شکست خواهد خورد؛ ولی به مجرد اینکه چشممان به غنائم افتاد و دیدیم چهار نفر غنیمت جمع میکنند، ما هم حسودی مان شد، سنگر را رها کردیم و به سمت غنیمت رفتیم، ورق برمیگردد. دیدید که در جنگ احد ورق برگشت! در طول تاریخ اسلام، جنگ احد تکرار شده است.

فرمانده ی الهی آشنای با صفحه ی حقیقت، با آن دل نورانی، این عدّه را اینجا گذاشته و گفته است که شما از اینجا تکان نخورید و پاسداران جبهه باشید؛ اما تا چشمشان افتاد و دیدند که چهار نفر آن پایین غنیمت جمع میکنند، پای اینها هم لرزید. البتّه اگر با تک تک آنها صحبت میکردید، میگفتند ما هم بالاخره آدمیم، ما هم دل داریم، ما هم خانه و زندگی میخواهیم؛ بله، اما دیدید که با این تسلیم شدن در مقابل

خواسته های حقیر بشری، چه اتّفاقی افتاد! دندان پیامبر شکست؛ بدن مبارک آن حضرت مجروح شد؛ جبهه ی حق مغلوب شد؛ دشمن پیروز گردید و چقدر از بزرگان اسلام شهید شدند.

پیام شهیدان این است که تسلیم و سوسه ی غنیمت نشوید. پیام آنها به من و شما و همه ی کسانی که به این خونهای به ناحق ریخته ی مطهر احترام میگذارند، همین است. شما نگاه نکن که يك نفر تخلف میکند و سراغ جمع کردن غنیمت رفته است. «لَا يَصُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»⁽¹⁾؛ شما چه کار داری که دیگری گمراه شد؟ شما خودت را نگه دار و حفظ کن. دستور اسلام و پیام خون شهید، این است.

آن روزی که همین شهدای عزیز ما در جبهه به شهادت رسیدند، همه که به جبهه نرفتند؛ عدّه ای هم بودند که مشغول کاسبی شدند، عدّه ای هم مشغول پول در آوردن شدند، عدّه ای هم مشغول سوءاستفاده شدند، عدّه ای هم مشغول خیانت شدند. این شهدا، بدون آنکه به آنها اعتنا کنند، رفتند و نتیجه این شد که توانستند نظام اسلامی را حفظ کنند و امروز هرکدام يك ستاره و يك خورشیدند. بنابراین، پیام اول این است که در قبال خدای متعال، در قبال بندگان، در قبال اراده ی الهی، باید انسان خود را شناسد. این پیام را باید بگیریم. عزیزان من! با این حقایق نمیشود شوخی کرد. اینها از انسان تحرّک و تصمیم میطلبد.

پیام دوّم، در مقابل دشمنان خدا است؛ یعنی استقامت، ایستادگی مطلق، از دشمن نترسیدن، از دشمن حساب نبردن، در مقابل دشمن به انفعال دچار نشدن. این خیلی مهم است که انسان در مقابل دشمن، دچار انفعال نشود. تمام سعی امروز دنیای مادی مستکبر یعنی همین دولتهای استکباری که زمام مسائل اقتصاد و تسلیحات عالم و حتّی در

ص: 214

1- . سوره ی مائده، بخشی از آیه ی 105، ترجمه: «هرگاه شما هدایت یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمیرساند.»

موارد بسیاری، فرهنگ خیلی از کشورها را هم در دست دارند، این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خرد کنند. (1)

پیام شهیدان؛ پیام بشارت و نفی ترس و اندوه

پیام شهیدان حقیقتاً پیام بشارت است؛ ما باید گوشمان را اصلاح کنیم که این پیام را بشنویم؛ بعضی نمی شنوند پیام شهیدا را، لکن این [آیه ی] قرآن کریم است: «وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (2)؛ پیام شهیدان، پیام نفی ترس و اندوه است. البته این [نفی] ترس و اندوه، مصداق اتمش برای خود آنها است؛ در آن نشئه ی پُر از ترس و پُر از اندوه که همه ی انسانها گرفتار خود هستند، پیام کسانی که در راه خدا به شهادت رسیدند - یعنی همین جوانهای شما؛ چه آنهایی که در دفاع مقدّس به شهادت رسیدند، چه آنهایی که در دفاع از مرز به شهادت رسیدند، چه آنهایی که در دفاع از امنیت به شهادت رسیدند، چه آنهایی که در دفاع از حرم و از حریم اهل بیت به شهادت رسیدند - بشارت است برای خودشان و همچنین برای مخاطبانشان. (3)

10 - رهبر مقاوم

ابطال باور غلط ملت ایران در دوران طاغوت توسط حضرت امام خمینی (قدّس سرّه)

در دوران رژیم طاغوت... اگر از ما سؤال میکردند که این رژیم طاغوت نفت این مملکت را برده است، منابع این مملکت را برده است، آمریکا را مسلط کرده است، دین را از مردم گرفته است، اخلاق را گرفته است،

ص: 215

1- . در دیدار با خانواده های سرداران شهید استان تهران 1376/2/17

2- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی، ترجمه: «... برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند، شادی میکنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین میشوند.»

3- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1397/9/21

فرهنگ ملی و اسلامی و بومی را گرفته است، تاریخ این ملت را خراب کرده است، چرا شما در مقابل آن ایستادگی و مقاومت نمیکنید، جوابی که روشنفکران و سیاسیون میدادند، این بود که میگفتند کاری از ما ساخته نیست و ما نمیتوانیم اقدامی بکنیم! حرکت امام، درس بزرگ امام، خدمت بزرگ امام به این ملت و به ملت‌های دیگر این بود که عکس این را ثابت کرد. به مردم گفت میتوانید و قدرت دارید؛ قدرت در دست شما و متعلق به شما است؛ فقط باید این قدرت را اعمال کنید؛ باید اراده کنید؛ باید تصمیم بگیرید؛ باید خواص و اثرگذاران در ذهن مردم وارد میدان شوند و مردم باید آماده‌ی فداکاری باشند. در آن صورت همه کار خواهد شد و همه‌ی موفقیت‌ها به دست خواهد آمد. خود او اول کسی بود که وارد میدان شد. با ورود او به میدان، خواص آمدند؛ علما آمدند؛ روشنفکران آمدند؛ طلاب آمدند؛ دانشجویان آمدند؛ طبقات گوناگون مردم آمدند و در مدت چند سال، همه‌ی قشرها بتدریج به این نهضت عظیم پیوستند و در نتیجه، آن قدرت سیاسی و نظامی و تبلیغاتی که در مقابل این نیروی عظیم مردمی قرار داشت، نتوانست مقاومت کند. نیروی ایمان، نیروی اراده، نیروی رهبری حکیمانه و نیروی استقامت و صبر و پایداری، نه فقط بر قدرت رژیم طاغوت فائق آمد، بلکه بر قدرت آمریکا هم که پشت سر او بود، چیره شد. (1)

نیاز ملت‌ها به رهبر در راه مقاومت

ملت‌ها همیشه آماده‌ی مقاومتند؛ مهم رهبران آنها است. شما ببینید این ملت فلسطین که امروز این طور ایستاده است، همان ملت فلسطین پنجاه سال قبل است. آن روز ایستادگی نکرد، آن بلاها سرش آمد؛ امروز ایستادگی میکند و دشمن را قدم به قدم مجبور به عقب نشینی میکند.

ص: 216

ملت ایران امروز همان ملت صد سال قبل است. صد سال قبل مسئولان این کشور و این ملت، در مقابل دشمنان، خودشان را دچار وادادگی کردند و ایستادگی نکردند؛ اجازه دادند دشمن بیاید و وارد این سرزمین شود؛ بر اقتصاد، سیاست، منابع و نفت این کشور تسلط پیدا کند؛ دشمن هم قدم به قدم جلو آمد. راه را قاجاریه باز کردند؛ اما دشمن پاداش آنها را این طوری داد که پهلوی را سر کار آورد؛ نوکرِ قلدرِ گوش به فرمان. روزبه روز سلطه شان را بر این مملکت بیشتر کردند. در انقلاب، همان ملت بود که با رهبری امام بزرگوار ما به خود آمد، بیدار شد، عقده های فروخته و دردهای متراکم دورانیهای گذشته، او را وادار به حرکت کرد؛ کاری کرد که ملت را از ته دژهای فراموش شدگی و ذلت، به اوج عزت رساند. امروز ملت ایران، یکی از عزیزترین ملتهای دنیا است؛ نه فقط در نظر مسلمانها، حتی در نظر دشمنانش. استقامت، این است. این راه را بایستی ملت ایران با قدرت تمام ادامه دهد. (1)

11 - اتحاد

متن حرکت ملت؛ ایجاد اقتدار درونی و ایستادگی

آنچه مهم است این است که اتحاد ملت ما وحدت خودشان را حفظ کنند؛ اتحاد ملت، مسئولین، نخبگان نگذارند حواشی گوناگون، متن را مخدوش کند. امروز متن حرکت ملت، ایجاد اقتدار درونی است، ایستادگی در مقابل طوفانهای مخالفت و معارضة است. در طول این 35 سال طوفانهای شدیدی بود و بحمدالله ملت ایستاد و حرکت دشمنان را در این سالهای متمادی خنثی کرد؛ بعد از این هم ملت باید بتواند ان شاءالله این حرکات را خنثی کند و خنثی هم خواهد کرد. اتحاد ملت وحدتشان را حفظ کنند؛ وحدت و اتحاد و همدلی میان مسئولین و مردم بایستی زیاد

ص: 217

بشود؛ هم آحاد مسئولین کشور و مدیران کشور به مردم اعتماد کنند، هم مردم به مسئولین کشور اعتماد کنند. (1)

12 - تبیین صادقانه ی شرایط برای مردم

یکی از چالشها هم این است که کسی تصوّر کند که مردم تحمّل نمیکنند؛ نه، مردم مشکلات را تحمّل کرده اند. اگر حقیقتاً برای مردم بدرستی تبیین بشود، با صداقت لازم حقایق امور برای مردم بیان بشود، مردم ما مردم وفاداری اند، می ایستند، مقاومت میکنند. (2)

13 - یاد شهدا، از عوامل تقویت روحیه ی مقاومت

اشاره

خب، در يك چنین شرایطی (3) آن چیزی که میتواند ملت را سرپا نگه دارد، در آنها شوق و طراوت به وجود بیاورد، یاد شهدا است؛ یعنی از جمله ی عوامل مهم، یاد شهدا است؛ لذاست که مسئله ی یادبود شهدا و این کنگره های بزرگی که برای شهدا تشکیل میشود، خیلی مهم است؛ اینها خیلی باارزش است. (4)

یکی از بهترین کارها و شریف ترین کارها بخصوص در روزگار ما، بزرگداشت شهدا است؛ بخصوص در بعضی از مناطق - که گرایش عمومی مردم به سمت مسائل دینی و انقلابی است - این کار، رونق و شکوه بیشتر و بهتری میگیرد؛ استان شما از این قبیل است بحمدالله.

... امروز کشور ما به بزرگداشت اینها احتیاج دارد. تهاجم دشمنان در

ص: 218

1- . در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش در سالروز بیعت تاریخی همافران با حضرت امام خمینی (ره) 1392/11/19

2- . در دیدار مسئولان نظام در ششمین روز ماه مبارک رمضان 1394/4/1436 2

3- . جنگ نرم دشمن برای دور کردن مردم از جهاد و مقاومت

4- . در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره ی شهدای استانهای کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی 1395/7/5

سطح مسائل معنوی، بسیار خطرتر و مشکل سازتر است از سطح مسائل عادی و حملات سخت و مانند اینها؛ و تلاش دشمن، امروز این است. البته همچنان که در زمینه ی فشار سخت و جنگ سخت، دشمن ناکام مانده، در اینجا هم ناکام مانده، در اینجا هم بحمدالله، رویش انقلابی در کشور به طور محسوسی مشاهده میشود، لکن این به تلاش احتیاج دارد؛ این با تلاش، این جور شده و اگر تلاش بود، این رویشها ادامه پیدا خواهد کرد و پیش خواهد رفت؛ و ان شاءالله پیش خواهد رفت، در این تردیدی نیست. و لذا تشکیل این جلسات و بزرگداشت شهیدان خیلی باارزش و خیلی بااهمیت است.

و شما این کار را دنبال کنید؛ این کنگره ی بزرگداشت شهیدان را هر چه میتوانید، باکیفیت برگزار کنید؛ شرح حال این شهدا را بنویسید. ما می بینیم که يك شهید گمنام، يك شهیدی که نه سردار بوده، نه فرمانده بوده، نه شخصیت معروفی بوده، وقتی شرح حالش نوشته میشود و می آید در اختیار افکار عمومی، دلها را در موارد زیادی منقلب میکند؛ [البته] وقتی که درست و با رعایت جوانب گوناگون، این شرح حال ها نوشته بشود. این کار را بکنید. (1)

نقش زنده نگه داشتن نام و یاد شهید در پیشبرد اهداف

مسئله ی شهید و ایثارگری، کهنه شدنی نیست؛ این، موتور حرکت جامعه است. بعضی ها از این نکته غفلت میکنند. اینکه می بینید بعضی با سخن، قلم و حرکات خود، نگاهی به ایثار و شهادت می اندازند که آن نگاه منفی و ناسپاسانه است، بر اثر غفلت آنها است؛ نمیفهمند پاسداری از حرمت شهیدان و ایثارگران چقدر برای يك جامعه و ملت و کشور دارای اهمیت است. شما ببینید خون مطهر حسین بن علی (علیه السلام) در کربلا

ص: 219

در غربت بر زمین ریخته شد؛ اما بزرگ ترین مسئولیتی که برعهده ی امام سجّاد (علیه الصّلاة و السّلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) قرار گرفت، از همان لحظه ی اوّل این بود که این پیام را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن را، به شکل های گوناگون، منتقل کنند. این حرکت برای احیاء دین حقیقی و دین حسین بن علی و آن هدفی که امام حسین برای آن شهید شد، یک امر ضروری و لازم بود. البتّه اجر الهی برای امام حسین محفوظ بود؛ میتوانستند او را در بوته ی سکوت بگذارند؛ اما چرا امام سجّاد (علیه السّلام) تا آخر عمر - سی سال بعد از او، امام سجّاد زندگی کردند - در هر مناسبتی نام حسین، خون حسین و شهادت اباعبدالله را مطرح کردند؛ آن را به یاد مردم آوردند؟ این تلاش برای چه بود؟ بعضی خیال میکنند این کار برای انتقام گرفتن از بنی امیّه بود؛ درحالی که بنی امیّه بعدها از بین رفتند. امام رضا (علیه السّلام) که بعد از آمدن بنی عبّاس است، چرا به ریّان بن شبیب دستور میدهد مصیبت نامه ی اباعبدالله را در میان خودتان بخوانید؟ آن وقت که بنی امیّه نبودند؛ تارومار شده بودند. این کار برای این است که راه حسین بن علی و خون او علّم و پرچم حرکت عظیم امت اسلام به سوی هدفهای اسلامی است؛ این پرچم باید سرپا بماند؛ تا امروز هم بر سرپا مانده و تا امروز هم هدایت کرده است.

مهم ترین نقطه ی قوّت ما در قیام جمهوری اسلامی، نقطه ی قوّت انسانی بود. ما که نه سلاح داشتیم، نه پول داشتیم، نه سازمان دهی داشتیم، نه حزب داشتیم و نه پشتیبانی جهانی؛ ما ملت ایران در همه ی کشورهای دنیا یک نقطه را نداشتیم که از قیام، انقلاب و حرکت ما حمایت و دفاع کنند. آنچه این ملت را پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی؛ همان که امیرالمؤمنین در جنگ صفّین فرمود: «الا لا یحمل هذا العَلَمُ الا اهل البصر و الصّبر»⁽¹⁾؛ بصر یعنی بصیرت و آگاهی؛ صبر یعنی

ص: 220

پایداری؛ فقط اینها هستند که میتوانند این علم را در دست بگیرند و پیش بروند. قلّه ی این صبر و بصر شهدای مایند؛ همین آزادگانی هستند که اینجا حضور دارند و همین جانبازان عزیزی هستند که اینجا نشسته اند. اینها بودند که جان خودشان را در معرض نابودی گذاشتند؛ از حیات خودشان برای دوام این حرکت و این قیام بزرگ و انسانی مایه گذاشتند؛ اینها اوج ایثار و مظهر بصر و صبرند؛ مظهر آگاهی و ایستادگی و پایداری. آیا کشور ما به آگاهی احتیاج ندارد؟ آیا رسیدن به آرمانهای این ملت و این انقلاب احتیاج به پایداری ندارد؟ آیا در مقابل شیطنتها و دشمنی ها و بغضهای غارتگران جهانی این ملت احتیاج ندارد که آن سلاح کارآمد خود را همواره در دست داشته باشد؛ یعنی سلاح اراده، پایداری، ایمان و آگاهی؟ اگر احتیاج دارد - که دارد - پس بایستی این روحیه ی ایمان و آگاهی و پایداری در قالب احترام به نمادهای آن در مردم حفظ شود و نمادها، همین شهیدانند؛ همین جانبازانند؛ همین آزادگانند.

اگر من از شهدا احترام میکنم، اگر اظهار اخلاص به خانواده های شهدا میکنم، این صرف يك احساسات خشك و خالی نیست؛ به معنای این است که این يك راهبرد حقیقی برای ملت ما است؛ یاد شهدا باید گرامی داشته شود. این جوانان عزیز، این خانواده های پُرطَاقَت، این پدران و مادران، این همسران و فرزندان، اینهایی که با صبر و پایداری خودشان توانستند این راه طولانی را از این گردنه های دشوار عبور بدهند، بایستی مورد تجلیل قرار بگیرند، تا برای نسل جوان ما و برای آینده ی کشور ما این پرچم بر سرپا بماند.

دشمن میفهمد چه کار میکند؛ آن کسانی که سعی میکنند نام ایثارگری، نام جهاد، نام شهادت، نام صبر و پایداری را در کشور ما از ذهنها ببرند، اینها به دشمن ملت ایران خدمت میکنند. آن کسانی که یاد شهیدان را گرامی میدارند، اینها هستند که به ملت ایران خدمت میکنند.

همین روحیه‌ی صبر شهیدان عزیز شما است که توانسته است این ملت را پیش ببرد.

شهدای ما مظهر فضایل انسانی بودند. من روزها و شبهای زیادی را با جوانها در دوران جنگ به سر برده ام و از نزدیک شخصیت، هویت و عظمت روحی جوانانی را که بعدها چهره های ماندگار شهید شدند، لمس کرده ام؛ اینها حقیقتاً نمادهای فضیلت بودند. (1)

اثر منفی تضعیف ایثار و شهادت بر مقاومت

اگر ما در روزنامه ها و در اظهارات و تریبونهای خود این گونه با مردم حرف بزنیم که «یعنی چه فداکاری! من بمیرم برای اینکه دیگران زنده بمانند!»، شهادت طلبی و شهید را مسخره و روحیه‌ی فداکاری را تحقیر کنیم و خانواده‌ی شهید را مورد اهانت قرار دهیم، همان کاری است که آمریکا میخواهد؛ یعنی نیروی پایداری و اقتداری را که میتواند جلوی حمله‌ی آمریکا را بگیرد، در داخل تضعیف کردن. این کارها را نباید بکنیم. راه مقابله با آمریکا اینها است. (2)

14 - شجاعت

اهمیت نرسیدن از هیاهوی دشمن

یکی از خصوصیات که امام، ممتاز به آن بودند، شجاعت بود. شجاعت، صفت خیلی بزرگ و خوبی است. معنای شجاعت این نیست که انسان خطر را نفهمد، چشمش را ببندد و بگوید ان شاءالله چیزی نیست و بی حساب به آب و آتش بزند. بعضی ها مودیانه سعی میکنند شجاعت

ص: 222

1- . در دیدار خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان 1383/4/16

2- . در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) 1382/3/3

را به معنای بی حساب عمل کردن و بی کله وارد يك ماجرا شدن بگیرند؛ بعد آن را بمباران کنند و بگویند امروز روز شجاعت نیست؛ امروز این همه تهدید ما را احاطه کرده است؛ تهدید آمریکا، تهدید تبلیغاتی، تهدید فرهنگی و تهدید نظامی. فرق است بین ترسیدن و حزم. حزم صفت خوبی است. خوف که نقطه ی مقابل شجاعت است، صفت بدی است. معنای حزم این است که انسان وقتی میخواهد اقدامی بکند، آن را درست برآورد کند و بفهمد واقعیت و وضعیت چیست و در چنین وضعیتی با این واقعیت چگونه باید پیش برود. انسان حازم کسی است که کارهای بزرگ را میتواند انجام دهد. حزم، انسان را هرگز به عقب نشینی و تسلیم وادار نمیکند؛ به پیشروی وادار میکند؛ منتها پیشروی با حساب و کتاب، با دقت نظر، با فهم و کاری که باید کرد و کاری که باید نکرد. این، چیز خوبی است. خوف غیر از حزم است. خوف یعنی ترسیدن، دل را باختن و به قول مشهدی ها بای دادن. من این تعبیر را خیلی می پسندم؛ الان درست و از بُن دندان میفهمیم معنایش چیست.

بعضی ها دل خودشان را میبازند، اما برای توجیه ترس خود، اسم آن را تدبیر میگذارند؛ در حالی که ترسیدن غیر از تدبیر کردن است. عراق به ما حمله کرد و جنگ به آن وسعت را به وجود آورد. در مقابل این قضیه، دوگونه میشد عمل کنیم: یکی اینکه با حزم عمل کنیم، دیگر اینکه با ترس عمل کنیم. با ترس عمل کردن، یعنی خود را ببازیم و بگوییم بیچاره شدیم و از دست رفتیم. شوروی که با عراق است، آمریکا که با عراق است، ناتو که با عراق است، نیروهایش که قبلاً آماده بودند، ما آماده نبودیم، تجهیزات و تانک و هواپیمایش هم که بیشتر از ما است، روزه روز هم که بیشتر کمک میگیرد، قطعات یدکی هم که نمیخواهد، پس ما معطل چه هستیم، به گونه ای برویم بلا را از سر خودمان دفع کنیم؛ چه کار کنیم؟ بنشینیم مذاکره کنیم؛ همان توجیهی که خیلی از میانجی ها آن روز

میکردند و متأسفانه بعضی از مسئولان رسمی کشور هم طرف همینها را داشتند و الان هم وقتی مصاحبه میکنند، به آن حرف مباحث میکنند؛ یعنی در حالی که چندین هزار کیلومتر مربع از خاک ما زیر پای عراق بود، اینها توصیه میکردند آتش بس را بپذیریم و با آنها مذاکره کنیم! یعنی همان کاری که عربها با اسرائیل کردند و سالهای متمادی صحرای سینا و جولان و نقاطی از لبنان و اردن و بقیه ی مناطقتشان در دست اسرائیل ماند؛ چون آتش بس را در حالی قبول کردند که دشمن در خانه ی آنها بود. ما میگفتیم نه، موافق آتش بس هستیم، اما آتش بس را وقتی میپذیریم که دشمن از خانه ی ما بیرون رفته باشد. دعوا سر همین دو کلمه بود. امام آن موقع محکم روی این موضع ایستاده بودند که نه، تا وقتی دشمن در داخل خانه ی ما است، ما آتش بس را قبول نمیکنیم. میانجی ها هم که غالباً از طرف مراکز مقتدر و پشتیبانان جهانی صدام می آمدند، اصرار داشتند که اول آتش بس را قبول کنیم. عاملی که موجب میشد ما بگوییم آتش بس را قبول میکنیم، ولو دشمن در خانه ی ما باشد، حزم نبود؛ این عمل، خلاف حزم و عقل بود. اگر ما آن را قبول کرده بودیم، بیست سال بعد، یعنی امروز، همچنان خوزستان در اختیار دشمن بود! مگر میشد دشمن را بیرون کرد؟ دشمن در مقابل گرفتن امتیازهای بزرگ، حاضر بود و جب به وجب خاک ما را به ما پس بدهد. صد متر عقب بنشیند، یک امتیاز بگیرد؛ بیست متر عقب بنشیند، یک امتیاز دیگر بگیرد. باید مرتب ملت ایران تحقیر و تذلیل میشد تا بتواند دشمن را ذره ذره عقب بنشانند. هر وقت هم که دشمن لازم میدانست، باز جلو می آمد. این را ترس دیکته میکرد. از ترس اینکه مبادا دشمن ما را بخورد، مبادا پدر ما را دریاورد، مبادا ما را از بین ببرد، در مقابل او مجبور به تسلیم شویم؛ عین مطلبی که امروز هم در کشور ما وجود دارد.

امام با ترس مخالف بودند. قرآن هم ما را از ترس باز میدارد و میفرماید:

«إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» (1)؛ کسی [که] ترس را در دل شما میدمد، شیطان است. شیطان چه کسی را میترساند؟ انسان مؤمن را که نمیتواند بترساند؛ مؤمن که با القای دشمن نمیترسد. «يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ»؛ دوستان خودش را میترساند؛ کسانی که تسلیم شیطانند، با وسوسه ی شیطان که میخواهد ترس را در دلها نفوذ دهد، حتماً میترسند. بعد میفرماید: «فَلَا تَخَافُوهُمْ»؛ از دشمن نترسید؛ «و خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (2)؛ اگر مؤمنید، باید از دشمن نترسید؛ از من بترسید که راه و هدف و آرمان و وسیله را به شما معرفی میکنم و قدرت و توان هم به شما داده ام. قدرتی را که خدا به شما سپرده، انکار نکنید و از آن استفاده کنید. این معنای شجاعت است. در جای دیگری میفرماید: «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ إِيْحْشُونَ» (3). در موارد متعددی خدای متعال تأکید کرده که ترس به دل راه ندهید؛ اگر بنا است از کسی بترسید، از خدا بترسید که تکلیفی را برعهده ی شما گذاشته و بازخواست خواهد کرد. نیرویی که خدا به شما داده، باید در راه رسیدن به هدفی که او معین کرده، به کار بیندازید. اگر ما نیروی خود را شناسیم، یا به کار نیندازیم، یا بدتر از همه سعی کنیم آن را از بین ببریم و مضمحل کنیم و بر اثر اینکه از این ابزار الهی استفاده نکردیم، از دشمن بترسیم، آیا خدای متعال از ما میپذیرد؟ نه. از جمله درسهای جاودانه ی امام یکی این است. امروز هم همین طور است.

امروز آمریکا تهدید میکند و ماجراجویی جزو سیاستهای قطعی او است؛ چون به این ماجراجویی احتیاج دارد. نباید خیال کرد این ماجراجویی ناشی از احساسات فردی و شخصی فلان رئیس جمهور است. رئیس جمهور چه کاره است؟ کسانی که این ماجراجویی را برای

ص: 225

1- .سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 175، ترجمه: «در واقع این شیطان است که دوستانش را میترساند.»

2- . همان

3- . سوره ی مائده، بخشی از آیه ی 3

آمریکا و نظام اقتصادی و سیاسی این کشور لازم دارند، رئیس جمهور را سر کار می آورند؛ همچنان که آوردند. آدم ماجراجویی را سر کار می آورند؛ او کاره ای نیست. بنابراین ماجراجویی به يك شخص محدود نمیشود. ماجراجویی، مربوط به اعتقادات مذهبی هم نیست که میگویند وابسته ی به فلان کلیسایند؛ اینها که دین و ایمانی ندارند. بله، بنده هم آن کلیسا را خوب میشناسم که چیست. مسیحیان صهیونیست الان در آمریکا کارهایی میکنند و ممکن است رابطه ای هم داشته باشند، اما انگیزه ی این ماجراجویی ها این حرفها نیست؛ انگیزه ی ماجراجویی ها این است که اگر امپراتوری استکبار آمریکایی بخواهد بماند و متلاشی نشود، ناچار باید این کارها را بکند؛ خودش را بین مرگ و زندگی ببینند. بنابراین، این ماجراجویی جزو سیاستهای حتمی و راهبرد قطعی آمریکا است؛ منتها کجا به ماجراجویی دست میزنند؟ آنجایی که بدانند یا اطمینان داشته باشند که از این بحران و ماجراجویی پیروز بیرون می آیند؛ و آلا اگر بدانند در این ماجراجویی شکست میخورند، قطعاً به آن نزدیک نمیشوند؛ چون کارشان با محاسبه است. آنجایی که بدانند از بحران پیروز بیرون می آیند، حتماً اقدام میکنند و هیچ برو برگردی هم ندارد؛ به آنها التماس هم نکنید، فایده ای ندارد. از التماس بدشان می آید و بیشتر هم تذریر میکنند. التماس کردن، همراهی کردن، کوچکی نشان دادن، تواضع کردن و برطبق میل دل آنها حرف زدن، هیچ کدام قضیه را حل نمیکند. اگر احساس کنند از ایجاد بحران در فلان کشور و ورود نظامی و ماجراجویی نظامی، پیروز بیرون می آیند، این حرفها فایده ندارد. آنها به این پیروزی احتیاج دارند؛ بنابراین اقدام خواهند کرد. اگر هزاران نفر هم لگدمال شدند، بشوند. چه موقع ماجراجویی نمیکند؟ وقتی نتیجه برای آنها قطعاً منفی یا کاملاً ابهام آلود باشد؛ آنجا اگر شما صاف توی چشمشان نگاه کنید و بدگویی هم نکنید، زیر لب خنده میکنند؛ مثل اینکه «ریگان» در زمان امام با لبخند

گفته بود فلان کس - اسم امام را آورده بود - ما را شیطان بزرگ میداند. یعنی به آنها شیطان بزرگ هم میگوید و به عنوان محور شر هم معرفی شان میکنی، اما برایشان صرفه ای ندارد عکس العمل نشان دهند. یکجا هم حتی انجیل امضا شده برای امام فرستادند! بنابراین وقتی بدانند از ماجراجویی در يك قضیه سودی نخواهند برد، وارد ماجرا نخواهند شد. اینکه گفتیم، متکی به واقعیات روشن و واضح است؛ تحلیل نیست.

... اگر امام همه ی خصوصیات را که شما میدانید، یعنی علم، تقوا و معرفت، میداشتند، ولی این یکی را نمیداشتند، هیچ کار نمیشد؛ نه این انقلاب پیروز میشد، نه در این جنگ میتوانستیم کاری انجام دهیم، نه میتوانستیم حمله ی دشمن را دفع کنیم، نه میتوانستیم در طول زمان حیات امام در مقابل عریده های آمریکا و دیگران بایستیم. همین يك خصوصیت به همه ی خصوصیات دیگر امام جان داد. عالم، عارف، انسان خوب و آدم باخدا خیلی هست، اما وقتی شجاعت نباشد، همه ی اینها مثل اجناسی است که در انبار میماند تا يك وقت غارت شود یا بپوسد یا از بین برود! وقتی شجاعت وجود دارد، همه ی اینها به عناصر مؤثر و کارآمد تبدیل میشود: علم، دنیا را روشن میکند؛ عرفان، عطر معنویت را به همه ی جامعه میبخشد؛ آرمانهای الهی و معارف صحیح و سیاست اسلامی، همه ی دنیا را به خودش متوجه میکند و برای دنیا شعار میشود و نهضت بیداری اسلامی به راه می افتد. این به برکت شجاعت است. امروز هم ما به شجاعتی که امام به فضل پروردگار از آن برخوردار بودند، احتیاج داریم.

خدای متعال این انسان بزرگ را برای چنین موقعیتی ذخیره کرد. امام وقتی وارد ایران شدند، 79 سال داشتند. در این سن، آدمهای قوی يك عمر کار کرده اند؛ امام هم که يك عمر کار کرده بودند؛ بیکار که نبودند. علاوه بر درس و بحث و تألیف و تحقیق و تربیت شاگرد، سالهای متمادی

هم این همه کار سیاسی کرده بودند؛ آن موقع وقت استراحت بود. اینها معجزات الهی است؛ خدای متعال می‌خواهد قدرت نمایی کند. در آن سالهای بازنشستگی و پیری و وقتی که هیچ کار از انسان بر نمی‌آید، نوترین شکوفه‌ها و برگهای زیبا از این درخت کهن روید و توانست دنیا را منور و معطر کند. (1)

شجاعت، قوت، عزم و آمادگی؛ راه در امان بودن از دشمن

برای يك ملت هم یکی از اساسی ترین مسائل این است که مردان شجاع و کارآمدی داشته باشد؛ برای اینکه از او در روز حادثه دفاع کنند. در میان جامعه ی عظیم بشری انگیزه های قدرت طلبانه و تجاوزکارانه همیشه بوده است و خواهد بود. جهان گشایی های قدرتهای فزون طلب و تعدی ها و تجاوزها به ملتها و مظلومان هرگز در طول تاریخ متوقف نشده؛ امروز هم مثل همیشه ی تاریخ، این مسائل وجود دارد. آن ملت و کشوری توانسته است در مقابل طمع طمع کاران و زورگویی قدرت طلبان و جهان گشایان بایستد و هویت و آبرو و سرنوشت خود را محفوظ بدارد که از چنین مردان و جوانانی برخوردار بوده باشد. مردان شجاع و مسلح و مؤمن در هر کشوری، وقتی موفق خواهند بود که ذخیره ی انسانی و ایمانی خود را از دل مردم و از درون جامعه به دست بیاورند. این خصوصیات، مهم ترین ویژگی های يك نیروی مسلح است؛ این را باید حفظ کنید و افزایش دهید.

امروز هم مثل همیشه ی تاریخ، قدرتمندان برای حفظ منافع خودشان حاضرند منافع ملتها و انسانها را لگدمال کنند و نادیده بگیرند. آن چیزی که میتواند جلوی طمع طمع کاران را بگیرد، تسلیم شدن و گردن نهادن نیست؛ ضعیف ماندن نمیتواند طرفی را که احساس قدرت بی مهار

ص: 228

میکنند، از تعرّض و تعدّی به او بازیدارد؛ باید قوی بود، باید عزم داشت، باید حضور داشت، باید آماده بود تا بتوان نقش اساسی مردان شجاع را در دفاع از ملت‌ها عهده دار شد و از عهده ی آن بخوبی برآمد. امروز وظیفه ی نیروهای مسلّح این است.

... امروز قدرتمندان زورگوی بین المللی، گذشته و تاریخ ملت‌ها را انکار میکنند و آینده ی آنها را هم در افق تاریکی در هم میپچانند؛ مگر اینکه ملّتی قوی باشد. قوّت برای تعرّض و تجاوز نیست - این، درس اسلام و همه ی احکام نورانی پیامبران الهی است - قدرت برای دفاع از حق است. (1)

51 - بصیرت

خودسازی لازم است و بصیرت را هم باید روزبه روز بیشتر کنید. وقتی بصیرت انسان زیاد شد، استقامت و پایداری هرگز تمام نمیشود و وسوسه ی وسوسه کنندگان و شکلك در آوردن دشمن عاجز، انسان را از میدان خارج نمیکند. (2)

در ماجراهای دوران امیرالمؤمنین، این حالت آشکار نبودن، اختلاط صفوف، اشتراك در شعارها به قدری فضا را تنگ کرده بود که امیرالمؤمنین بارها میفرمود: «لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر» (3)؛ تنها مقاومت کافی نیست، بینایی لازم است، هوشمندی لازم است، تیزنگری لازم است. این خصوصیت ممتاز زمان امیرالمؤمنین است؛ رنجهای امیرالمؤمنین و دردهای امیرالمؤمنین هم ناشی از همین است. (4)

من از سابق مکرر گفته ام که اگر ملّتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد، فریب و شکست خواهد خورد. اصحاب امام حسن، قدرت تحلیل نداشتند؛ نمیتوانستند بفهمند که قضیه چیست و چه دارد میگذرد. اصحاب امیرالمؤمنین، آنهایی که دل او را خون کردند، همه مغرض نبودند؛ اما خیلی از آنها مثل خوارج قدرت تحلیل نداشتند؛ قدرت تحلیل

ص: 229

1- . در دیدار پرسنل نیروی زمینی سپاه انقلاب اسلامی 1383/12/19

2- . در دیدار بسیجیان و پرسنل سپاه پاسداران استان گیلان 1380/2/16

3- . نهج البلاغه، خطبه ی 173

4- . در چهارمین کنگره ی بین المللی نهج البلاغه 1363/1/26

خوارج ضعیف بود. يك آدم ناباب، يك آدم بدجنس، يك آدم زبان دار پیدا میشد و مردم را به يك طرف میکشاند؛ شاخص را گم میکردند. در جاده، همیشه باید شاخص موردنظر باشد. اگر شاخص را گم کردید، زود اشتباه میکنید. (1)

16 - آگاهی بخشیدن به ملتها

قدرت استکباری آمریکا که شرارت محض است و امروز از همه ی انگشتان او در منطقه ی اسلامی شرارت میبارد، فقط در مقابل يك قدرت، کاری نمیتواند انجام دهد و آن، قدرت ملتها است؛ تکیه به ملتها، آگاه کردن ملتها، متوجه کردن ملتها به منافعشان، آنها را از ظلمات توهمهای بیجا - اگر دچار آن هستند - خارج کردن و حقایق را به آنها نشان دادن، ملتها را آماده ی مقاومت در مقابل استکبار میکند. (2)

ص: 230

1- . در دیدار با اقشار مختلف مردم در روز بیست و نهم ماه مبارك رمضان 1370/1/26

2- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت مبعث فرخنده ی پیامبر مکرم اسلام (ص) 1383/6/23

1 - آلوده شدن به گناه

2 - اختلاف

3 - ترسیدن از خطرات مقاومت

4 - وجود مسئولان بزدل

5 - انهزام روحی در مقابل دشمن

6 - خودفراموشی و فراموشی دشمن

7 - نشان دادن نشانه های تسلیم به دشمن

8 - برك دشمن

ص: 233

حفظ و تداوم نعمتهای الهی - چه مادی و چه معنوی - مشکل تر از به دست آوردن آنها است. یعنی بعد از آنکه خداوند متعال، نعمت خودش را به انسان یا يك ملت داد، چه این نعمت مادی باشد - مثل ثروت و رفاه و سلامتی و از این قبیل - و چه نعمت معنوی باشد - مثل عزت و استقلال و آزادی و ایمان و روحیه ی جهاد و مقاومت - تلاش و زحمتی برای حفظ این نعمتها لازم است.

ما خیلی از ملتها را در تاریخ سراغ داریم که نعمت خدا شامل حال آنها شد؛ اما نتوانستند این نعمت را برای خودشان حفظ کنند. در قرآن، بارها به بنی اسرائیل خطاب شده است که ما شما را بهترین خلایق قرار دادیم: «وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»⁽¹⁾؛ اما همین بنی اسرائیل، به خاطر ناشکری و به خاطر اینکه نتوانستند نعمت الهی را حفظ کنند، کارشان به جایی رسید که قرآن فرمود: «صَدْرِيَّتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ»⁽²⁾. تاریخ بشر و ملتها، از تجربه ی کسانی یا ملتهایی یا افرادی که نعمت را به دست آوردند، اما نتوانستند آن را نگه دارند، پُر است.⁽³⁾

ص: 235

1- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 47

2- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 61، ترجمه: «و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد.»

3- . در دیدار با جمعی از مبارزان شیعه ی لبنان، گروهی از خانواده های معظم شهدا و اقشار مختلف مردم تهران 1368/6/1

خداوند به ملت ما پاداش داد و بعد از مقاومتها و مبارزات و جان فشانی ها و فداکاری های زیاد، این عزت و استقلال و تدین و ایمان و نظام اسلامی را به آنها بخشید. ملت ما توانست این نظام را در طول ده سال بسیار سخت، حفظ کند و آن را از گردنه های خطرناک - مثل جنگ تحمیلی هشت ساله و توطئه ی آمریکا و مبارزه ی دسته جمعی کشورهای عضو ناتو - عبور دهد و از آسیب نگه دارد و آزمایشهای بسیار دشوار را پشت سر بگذارد.

ما هر روز و هر ساعت، در معرض يك امتحانیم. ملت ما باید با همان اراده ای که این نظام را در طول چند سال مبارزه و مقاومت به وجود آورد و آن را حفظ کرد، در آینده هم با قدرت و مقاومت و مجاهدت و آگاهی و هوشیاری، این نعمت بزرگ الهی را حفظ کند. ملت ما، بحمدالله ملت هوشیاری است. شاید کمتر ملتی را در دنیا بتوان نشان داد که سطح عمومی آگاهی سیاسی در آن، به قدر ملت ما باشد؛ بچه ها و نوجوان ها و پیرزن ها و روستایی های دوردست و همه ی قشرهای ملت، از مسائل سیاسی و جهانی، چیزهایی را میدانند و آگاهی های خوبی دارند. البته، باید این آگاهی ها تقویت هم بشود و قدرت تحلیل، روزه روز بالا رود تا مردم در مقابل حوادث بتوانند خودشان را حفظ کنند. (1)

1 - آلوده شدن به گناه

اشاره

وقتی انسان مبتلا است به گناه، در يك نقطه ی حساس و بزنگاه کم می آورد. آیه ی قرآن میفرماید که: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» (2)؛ در جنگ احد، آن کسانی که نتوانستند طاقت

ص: 236

1- . همان

2- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 155، ترجمه: «روزی که دو گروه [در احد] باهم رویاروی شدند، کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند، درحقیقت جز این نبود که به سبب پاره ای از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند، شیطان آنان را بلغزانید...»

بیاورند و دلشان در هوای غنیمت آن چنان تپید که فراموش کردند چه مسئولیت حساسی در اختیار آنها و برعهده ی آنها است و جنگ پیروز را به جنگ مغلوب تبدیل کردند، «إِسْتَرْزَلَهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا»؛ اینها قبلاً خطاهایی انجام دادند، آن خطاها اینجا خودش را نشان داد. این يك مرحله است؛ یعنی گناه ما موجب میشود که در يك نقطه ی حساس، در يك نقطه ی بزنگاه، نتوانیم تاب بیاوریم، نتوانیم مقاومت کنیم. خب، ما مسئول کشور هستیم؛ از این بنده ی حقیر گرفته تا مسئولین دولتی، مسئولین قضایی، مسئولین قوه ی مقننه و همین طور سلسله مراتب مسئولیتها، همه مسئولیم؛ اگر چنانچه کاری بکنیم که نتیجه آن باشد که «إِنَّمَا اسْتَرْزَلَهُمُ الشَّيْطَانُ» و پایمان بلغزد و نتوانیم طاقت بیاوریم در آنجایی که باید تاب آورد و طاقت آورد، خطر بزرگی ما را تهدید میکند. این يك مرحله است.

مرحله ی بالا-تر از این و بدتر از این، آن است که ما گاهی خطایی میکنیم، آن خطا موجب میشود که ما دچار نفاق بشویم؛ یعنی دلمان با زبانمان اختلاف پیدا کند. آیه ی شریفه [میگوید]: «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ»⁽¹⁾؛ [اگر] انسان با عهد خدایی در یکجا وفادار نمازد و تعهدی را که پیش خدا کرده عمل نکند، این موجب میشود که «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ»؛ البته این يك سازوکار کاملاً منطقی هم دارد که حالا وقت نیست من شرح بدهم که چگونه میشود يك گناه در يك انسان به نفاق منتهی میشود.⁽²⁾

گناهی که انسان انجام میدهد، این تخلفهای گوناگون، این کارهایی که ناشی از شهوت رانی و دنیاطلبی و طمع ورزی و حرص ورزیدن به مال دنیا و چسبیدن به مقام دنیا و بخل نسبت به دارایی های موجود در دست

ص: 237

1- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 77، ترجمه: «در نتیجه، به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند، در دلهایشان _ تا روزی که او را دیدار میکنند _ پیامدهای نفاق را باقی گذارد...»

2- . در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام 1395/3/25

آدمی و نیز حسد و حرص و غضب است، به طور قطعی دو اثر در وجود انسان میگذارد: يك اثر، معنوی است که روح را از روحانیت می اندازد، از نورانیت خارج میکند، معنویت را در انسان ضعیف میکند و راه رحمت الهی را بر انسان مینندد؛ اثر دیگر این است که در صحنه ی مبارزات اجتماعی، آنجایی که حرکت زندگی احتیاج به پشتکار و مقاومت و نشان دادن اقتدار اراده ی انسان دارد، این گناهان گریبان انسان را میگیرد و اگر عامل دیگری نباشد که این ضعف را جبران کند، انسان را از پا درمی آورد. البته گاهی ممکن است عاملهای دیگری مثل يك صفت و یا کار خوب در انسان باشد که جبران کند؛ بحث بر سر آن موارد نیست؛ اما گناه، فی نفسه اثرش این است. (1)

انحراف دل از صراط حق؛ علت کم شدن توفیقات

واژه ی دیگری که در قرآن است و آن هم بنده را گاهی خیلی تکان میدهد، مسئله ی «زیغ» است که در سوره ی مبارکه ی آل عمران آمده است؛ «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (2)؛ پروردگارا! دلهای ما را دچار زیغ مکن؛ یعنی برگردان و منحرف نساز؛ از صراط حق، متمایل به ناحق نکن. این دعای بندگان خدا است که در قرآن نقل میشود. در سوره ی مبارکه ی صف درباره ی بنی اسرائیل میفرماید: «وَإِذْ قَالُ مَوْسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَأْتُونَنِي وَقَدْ تَعَلَّمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ» (3)؛ کأنه در اینجا يك فعل و انفعال و يك عمل دوجانبه وجود دارد؛

ص: 238

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1375/10/28

2- . سوره ی آل عمران، آیه ی 8، ترجمه: «[میگویند] پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت کردی دلهایمان را دستخوش انحراف مگردان و از جانب خود رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری»

3- . سوره ی صف، بخشی از آیه ی 5، ترجمه: «و [یاد کن] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت ای قوم من چرا آزارم میدهید باینکه میدانید من فرستاده ی خدا به سوی شما هستم پس چون [از حق] برگشتند خدا دلهایشان را برگردانید.»

يك قدم آن دست خود انسان است، اما نتایج و عواقبش از سوی خدای متعال است. «فَلَمَّا زَاغُوا»؛ آنها قدم را کج گذاشتند و خود را به سراشیب زیغ دچار کردند؛ آنگاه «أَزَاعَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ»؛ خدا هم آنها را منحرف و از این راه پرتاب کرد. پرتاب کردن خدا چیست؟ سلب توفیقات الهی... نتیجه ی لغزش این است که اول عمل انسان ناقص میشود؛ بعد اخلاقیات و خُلُقِیَات در او متزلزل میگردد و تحت تأثیر قرار میگیرد و انسان صادق و فیّ دارای احساس مسئولیت، بتدریج به انسان مذبذب و بی وفایی که مسئولیت سرش نمیشود، تبدیل میگردد و خُلُقِیَات او عوض میشود؛ در مرحله ی بعد هم اعتقادات انسان عوض میشود. همین فساد عملی که يك روز به چشم خیلی كوچك به آن نگاه کردیم، بتدریج هویت ما را تغییر میدهد و اخلاق و اعتقاد ما را خراب میکند. آیه ی شریفه ی قرآن میفرماید: «فَأَعَقَبَهُمُ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ»⁽¹⁾؛ یعنی خدای متعال جمعی را به خاطر خلف وعده ای که به خدا کردند، به نفاق دچار کرد. فرمول عملکرد خدا روی انسان، این است؛ یعنی در واقع به عملکرد خود ما بر میگردد؛ خود ما هستیم که با کار خود موجب می شویم که رحمت و توجه الهی شامل حالمان نشود. وقتی رحمت الهی شامل حال ما نشد، به سمت فساد و تباهی بیشتر پیش میرویم. در دعا میخوانیم: «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مَوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ»⁽²⁾؛ انسان از خدای متعال موجبات رحمت را میخواهد. وقتی که این موجبات در عمل انسان نباشد، طبعاً رحمت الهی نازل نمیشود. این هم زیغ است.⁽³⁾

ص: 239

-
- 1- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 77، ترجمه: «در نتیجه به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند... در دلهایشان تا روزی که او را دیدار میکنند پیامدهای نفاق را باقی گذارد.»
 - 2- . مفاتیح الجنان: دعای تعقیب نافله ی مغرب
 - 3- . در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1380/9/21

همه ی بدبختی های بشر بر اثر پیروی از هوای نفس است. همه ی ظلمها، همه ی تزویرها، همه ی نامردمی ها و بی عدالتی ها، همه ی جنگهای ظالمانه، همه ی حکومتهای فاسد، همه ی تسلیم شدن و ظلم پذیری در میان ملتها، ناشی از همین پیروی از هواهای نفسانی و تسلیم شدن در مقابل خواهش نفس است. اگر انسان این قدرت را بیابد که بر خواهش نفس غلبه پیدا بکند، انسان رستگاری شده است. (1)

2 - اختلاف

سرگرمی های سیاسی، طرح مسائل غیر لازم و خیالی، بزرگ کردن مسائل کوچک و در سایه ی بزرگ کردن آنها، پوشاندن مسائل اصلی کشور، مضر است. مسائل اصلی کشور، مسئله ی اقتصاد و مسئله ی علم و ارتقای پایه ی علمی دانشگاه ها و همان جنبش نرم افزاری است که ما بارها در دانشگاه ها و در دیدار با دانشجویان و اساتید در میان گذاشته ایم؛ همچنین مسئله ی حفظ روحیه و فرهنگ دینی جوانان است. اینها است که میتواند يك ملت و بخصوص ملت ما را سرپا و مستحکم نگه دارد و توطئه های دشمن را خنثی کند. بنابراین مسؤلان اولاً در زمینه های فرهنگی، اقتصادی، علمی و در زمینه ی مبارزه ی با مفسدان و مخربان تلاش کنند و کار را وجهه ی همت خود قرار دهند؛ دوم اینکه اختلافات را کنار بگذارند. این اختلافات و دوگانگی ها برای مصالح کشور و منافع مردم و نیروی مقاومت در مقابل دشمن، زیان بار است. (2)

در مقابل شیطان جن و انس، باید همه ی ذخائر الهی در وجود خود را به کار گرفت. ایجاد اختلاف و به جان هم انداختن انقلابیون و رخنه

ص: 240

1- . خطبه های نماز عید سعید فطر 1378/10/18

2- . در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز سیزده آبان 1381/8/13

در پشت جبهه ی مبارزه، نیز آفتی بزرگ است که با همه ی توان باید از آن گریخت. (1)

3 - ترسیدن از خطرات مقاومت

اشاره

ایستادگی وسیله ی پیروزی است، منتها کسانی که مقاومت میکنند، باید از خطرات مقاومت نترسند؛ اگر ترسیدند، در مقاومتشان اختلال پیدا خواهد شد و پیروزی به دست نخواهد آمد و این، آفت اغلب ملّتها و جماعات است، که وسط راه دچار ترس میشوند. اگر آن گروه، ملّت و جماعتی که میخواهد مقاومت کند، از فقدان لذایذ زندگی، از فقدان حیات و از فقدان راحتی و آسفته نشود و پیش برود، بدون تردید مقاومت با پیروزی همراه است. این مقاومت وقتی با ایمان باشد، ادامه پیدا خواهد کرد. لذا میگوییم و همیشه گفتیم که ایمان همراه با مقاومت، به دنبالش پیروزی است. مراد ما فقط ایمان دینی هم نیست؛ ایمان به هر اصلی. البتّه اگر ایمان دینی باشد، آن وقت خدای متعال وعده کرده است که همه ی قوانین طبیعت و تاریخ در خدمت این مقاومان قرار خواهد گرفت: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ» (2)؛ این مربوط به کسانی است که دنیا را میخواهند، ببتشان دنیایی است؛ اما اراده دارند، میخواهند و خدا میدهد؛ و کسی که اراده ی دین دارد، همین طور است. «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ» (3). این سنّت الهی است. (4)

ص: 241

1- . در اجلاس بین المللی بیداری اسلامی 1390/6/26

2- . سوره ی اسراء، بخشی از آیه ی 18، ترجمه: «هرکس خواهان [دنیای] زودگذر است به زودی هرکه را خواهیم [نصیبی] از آن میدهیم.»

3- . سوره ی اسراء، بخشی از آیه ی 20، ترجمه: «هر دو [دسته] اینان و آنان را مدد میبخشیم.»

4- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1385/7/21

مرعوب شدن از هیمنه ی ظاهری مستکبران و احساس ترس از آمریکا و دیگر قدرتهای مداخله گر، آسیب دیگری از این دسته است که باید از آن پرهیز کرد. نخبگان شجاع و جوانها باید این ترس را از دلها بیرون کنند. (1)

4 - وجود مسئولان بزدل

شاه سلطان حسین ها

در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملتهایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده ی علت این بود که مسئولان - پیشروان قافله ی ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعال، فداکار، آماده ی به جانبازی هستند، منتها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آنها هم از بین میروند و این ظرفیت هم نابود میشود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره ی شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت باعظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرئت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمیکنند، در مردم خودشان احساس توانایی و قدرت نمیکنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود. (2)

ص: 242

1- . سوره ی اسراء، بخشی از آیه ی 20، ترجمه: «هر دو [دسته] اینان و آنان را مدد میبخشیم.»

2- . در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 1387/9/24

از دست دادن مقاومت و نداشتن رهبر؛ علت شکست مبارزات

هرجا ملت‌ها حرکت کنند، ایستادگی کنند، صبر و مقاومت نشان بدهند، پیروزی قطعی است؛ همه جا همین جور است. اشکال کار مبارزاتی که به شکست می انجامد، این است که یا ملت‌ها طاقت ندارند و ایستادگی نمیکنند، یا رهبرانی که بتوانند اینها را درست اداره کنند ندارند. ما در زمان این سالهای اخیر دیدیم جاهایی را که ملت‌ها حرکت کردند، عزم و اراده‌ی خودشان را نشان دادند، به نتایجی هم رسیدند؛ [اما] رهبرانی که بتوانند اینها را درست اداره کنند، هدف را درست تشخیص بدهند، راه را در مقابل مردم درست ترسیم کنند، وجود نداشتند، [لذا] شکست خوردند؛ این را در همین سالهای اخیر همه‌ی شماها دیدید؛ من نمیخواهم اسم از کشوری و جایی بیاورم.

ملت ایران راه را درست رفت، حرکت را درست انجام داد؛ رهبری مقتدر، آگاه، مصمم و دارای توکل به خدا، اتکاء به خدا، اتکاء به وعده‌ی الهی که «إِنْ تَصَبَّرُوا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ»⁽¹⁾، موجب شد که این ملت بتواند به پیروزی برسد و حکومت تحمیلی وابسته‌ی سیاه‌خاندان پهلوی و حکومت پادشاهی مشنوم و ننگ آلود - که برای هر کشوری حکومت پادشاهی مایه‌ی ننگ است در منطق صحیح انسانی - در ایران از بین رفت و تمام شد؛ مردم شدند صاحب اختیار.⁽²⁾

5 - انهزام روحی در مقابل دشمن

اشاره

در مقابل دشمن هم نباید دچار انهزام⁽³⁾ روحی شد؛ ... انهزام روحی ضرر دارد؛ هرکسی که در درون خود منهزم شد، در صحنه، قطعاً منهزم خواهد شد. اولین شکست هر انسانی، شکست در درون خودش است که

ص: 243

1- . سوره‌ی محمد (ص)، بخشی از آیه‌ی 7؛، ترجمه: «... اگر خدا را یاری کنید، یاری تان میکند...»

2- . در دیدار دانش آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی روز ملی مبارزه با استکبار جهانی 1394/8/12

3- . شکست خوردن، از هم پاشیده شدن

احساس کند نمیتواند، احساس کند فایده ای ندارد، احساس کند طرف خیلی قوی تر از او است، احساس کند من که از دستم کاری بر نمی آید؛ این انهزام روحی است؛ اگر این انهزام پیدا شد، آن وقت در صحنه، قطعاً شکست خواهیم خورد. این نباید به وجود بیاید؛ مراقب باشیم که این به وجود نیاید. (1)

انفعال فرهنگی و سیاسی در مقابل دشمن؛ غلطترین کار و بزرگ ترین اشتباه

انفعال در مقابل دشمن، غلطترین کار و بزرگ ترین اشتباه است. دشمن را از لحاظ دشمنی، باید به حساب آورد؛ یعنی در مقابل او، او را حقیر نشمرد و در برابرش آماده بود و دفاع کرد؛ اما از دشمن نباید حساب برد، نباید تحت تأثیر قرار گرفت و نباید در مقابلش منفعل شد. دشمن میخواهد جوامع را منفعل کند.

امروز از لحاظ فرهنگی و سیاسی، بیشترین تکیه ی آنها این است. راجع به قضیه ی زن جنجال درست میکنند؛ راجع به حقوق بشر جنجال درست میکنند؛ راجع به مسئله ی دموکراسی جنجال درست میکنند؛ راجع مسئله ی نهضت های آزادی بخش جنجال درست میکنند؛ برای اینکه طرف مقابل را دچار انفعال کنند. بزرگ ترین اشتباه این است که ما در این قضایایی که آنها جنجال درست میکنند، طوری حرف بزنیم که بخواهیم آنها را راضی کنیم. این، همان انفعال است.

خیلی خطا است که ما در زمینه ی مسائل حقوق بشر، طوری حرف بزنیم که آنها راضی شوند. همان کسانی که خودشان برای حقوق بشر به معنای حقیقی هیچ ارزشی قائل نیستند؛ اما آن را چماقی کرده اند که بر سر جاهایی بکوبند! آمریکا، سردمدار حقوق بشر در دنیا شده است! قبل از شروع جنگ، از نظر آمریکا، دولت عراق در خدمت دولتهای حامی

ص: 244

تروریسم بود. در سالهای 61 و 62 رزمندگان سلحشور ما توانستند دشمن را به زانو درآورند و او را از مرزها عقب برانند و دشمن بعثی مجبور شد برای مقابله با ما، از سلاح شیمیایی و سلاحهای کشتار جمعی استفاده کند؛ یعنی جنایت جنگی بکند. در همان اوقات، دولت آمریکا احساس کرد که باید جبهه ی عراق را حمایت کند، تا دولت بعثی بتواند نقش خیانت آمیز خود را در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایفا نماید. در همان سالها که دولت عراق سلاح شیمیایی به کار برد، اینها اسم عراق را از فهرست دولتهای حامی تروریسم خارج کردند! مسئله ی حمایت اینها از حقوق بشر، چنین است!

بزرگ ترین پشتوانه ی نقض حقوق بشر در هر جای دنیا که مشاهده شود، همین دولتهای مستکبر امثال آمریکا هستند؛ آن وقت اینها داعیه دار حقوق بشر میشوند و آن را برای ملتها و دولتهایی که میخواهند با آنها در بیفتند، چماقی میکنند! اگر از این طرف کسانی بیایند طوری در باب حقوق بشر حرف بزنند، برای اینکه او را راضی کنند، این خیلی سیاست غلطی است؛ این، یعنی انفعال در مقابل دشمن.

درباره ی مسئله ی زن نیز همین طور است. بعد از اقامه ی دولت حق، به فضل الهی زنان کشور اسلامی ایران توانستند شخصیت حقیقی خودشان را تا حدود زیادی پیدا کنند، در میدانهای گوناگونی حضور یابند و عظمت روحیه ی زن مسلمان را نشان دهند، که شما نمونه اش را در وضع این مادر شهید و مادران عزیز و دلاور سایر شهدا دیدید و می بینید. من هر جا که با مادران شهدا مواجه شده ام، آنها را حتی از پدران شهدا هم قوی تر دیده ام. غالباً نمونه اش را در روحیه ی این مادران بزرگوار و شجاع میتوانید ببینید. این، عظمت زن مسلمان در میدانهای سیاسی و فرهنگی است. آن وقت اینها می آیند و درباره ی تضييع حقوق زن در جمهوری اسلامی، قلم فرسایی و جوسازی میکنند. اگر ما بیاییم، برای اینکه آنها را راضی کنیم، درباره ی

زن طوری حرف بزنیم که با نظر اسلام که مایه ی عزّت زن است مخالف باشد، خطا است. چرا باید کسانی در زمینه ی زن، یا در زمینه ی حقوق بشر، طوری حرف بزنند که گویی ما باید بکوشیم خودمان را با نقطه نظرهای غربی ها نزدیک و آشنا کنیم؟ آنها اشتباه میکنند؛ آنها باید نقطه نظرهای خود را به ما نزدیک کنند؛ آنها باید نسبت به مسئله ی زن و حقوق بشر و آزادی و دموکراسی، نقطه نظرهای غلط و باطل خودشان را تصحیح کنند و با نظرات اسلامی مواجه نمایند؛ نه اینکه عدّه ای از این طرف دچار انفعال شوند. (1)

6 - خودفراموشی و فراموشی دشمن

اشاره

تعبیر دیگری که در قرآن وجود دارد، «نسیان» است که به شکل‌های مختلفی در قرآن کریم آمده است. آن چیزی که بیش از همه تکان دهنده است، نسیان نفس است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»؛ (2) مثل کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، خدا هم آنها را دچار خودفراموشی کرد. البته در ادبیات سیاسی، خودفراموشی به معنای فراموش کردن هویت خود، چیز خیلی بدی است - قوم و ملّتی هویت و تاریخ و فرهنگ و زبان خود را فراموش کنند؛ که نتیجه ی آن، ذلّت و بدبختی این قوم خواهد بود - لیکن در ادبیات اخلاقی، اهمّیت خودفراموشی، بیشتر است و خطرش حتّی سنگین تر از خودفراموشی سیاسی است. معنای نسیان نفس این است که انسان از هویت و هدف وجود و باطن و دل و روح خود غفلت کند و دچار فراموشی شود؛ یعنی تسلیم جریان مادّی فاسدی شود که او را با خود میبرد تا به منجلاب و باتلاق برساند و برای انسان هیچ مقاومتی در مقابل حرکت بدی و فساد و شر وجود نداشته باشد. «فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» یعنی انسان

ص: 246

1- . در دیدار با خانواده های سرداران شهید استان تهران 1376/2/17

2- . سوره ی حشر، بخشی از آیه ی 19

دچار لاابالگیری و وادادگی شود و اصلاً نداند که برای چه آمده است؛ مثل بچه، همه ی عمر را گذراندن؛ چون معمولاً بچه به سرنوشت فکر نمیکنند؛ برای او همین لحظه و آن، مهم است. بالاخره بعد از این شصت سال، هفتاد سال بنا است بمیریم. بعد از [آن] چه پیش می آید؟ آخر، هدف این زندگی چه بود؟ این آمدن و رفتن و ماندن، اصلاً برای چه بود؟ هیچ در اندیشه ی این نیفتادن و فکر این را نکردن، بسیار خطرناک است. «أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (1)؛ اینها فاسقند. فسق به همین معنا است؛ یعنی خارج شدن از چیزی بر اثر فساد و گنبدگی. وقتی پوست خرمای گنبدیده از آن جدا میشود، به آن فَسَقَ میگویند؛ «فِسَقَ» از اینجا گرفته شده است؛ یعنی بر اثر وادادگی ها، آن عطر و آب و رنگ و عنصر ایمان از وجود انسان جدا شود. بنابراین یکی از آفتهای استقامت، نسیان است. (2)

خواب رفتگی و تسلیم شدن در برابر جریان عمومی دنیا؛ خطر بزرگ جامعه ی ما

حالت خواب رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا دارد میگذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه ی ما است و اگر کسی درست بفهمد و بیندیشد، میفهمد که باید با يك تحرک و تحوّل، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه ی مسائل اقتصادی، هم در زمینه ی مسائل سیاسی. (3)

تصوّر غلط از دشمن

روی دیگر این صفحه، مغرور شدن و دشمن را غافل دانستن است. شجاعت را باید با تدبیر و حزم در هم آمیخت. (4)

ص: 247

1- . در دیدار با خانواده های سرداران شهید استان تهران 1376/2/17

2- .. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1380/9/21

3- . در دیدار اعضای هیئت دولت 1384/6/8

4- . در اجلاس بین المللی بیداری اسلامی 1390/6/26

اشاره

علاج کار در مقابل آمریکای ماجراجو و متجاوز چیست؟ يك عده نسخه ی تسلیم را تجویز میکنند؛ این نسخه کارساز نیست. البته شما جوانان میدانید، هرکس هم که از هویت انسانی مستقل برخوردار باشد، میداند که نشان دادن نشانه های تسلیم در مقابل دشمن، به هیچ وجه کارساز نیست. نشانه های تسلیم و انقیاد و مرعوب شدن، دشمن را نیرومند میکند؛ به او روحیه میدهد و به او کمک میکند تا بتواند راه خود را در تجاوز ادامه دهد. بنابراین به هیچ وجه نباید تسلیم شد.

می شنوید بعضی کسان صحبت میکنند که فرصتها را از دست ندهیم. من نمیدانم مقصود آنها از فرصت چیست؛ فرصتی که در این موقعیت زمانی به هدر میرود، چه فرصتی است؟ فرصت تسلیم شدن در مقابل آمریکا است؟ این فرصت است؟! برای ملت ما این فرصت است که در مقابل دشمنی که با صدای کلفت و با لحن قلدرمآبانه میخواهد سلطه ی خود را بر او تحمیل کند، تسلیم شود و از مقابل او عقب بنشیند؟! این فرصت است که کسی آن را از دست ندهد؟ يك وقت انسان خودش هست و خودش و مسئولیت خود را به عهده دارد، یا ایستادگی میکند و یا تسلیم میشود؛ اگر تسلیم شد، بدبختی و روسیاهی اش مال خودش خواهد بود و به جای دیگری ضرر نمیرساند؛ اما وقتی انسان مسئول يك بخش است - حتی در بخشهایی که از اهمیت زیادی هم برخوردار نیستند، اما کار، اقدام و حرکت فرد میتواند تأثیر داشته باشد - تسلیم شدن به معنای تسلیم کردن کشور و ملت است؛ به معنای مسلط کردن دشمن بر سرنوشت يك ملت است. مگر کسی حق این کار را دارد؟... اصل عدم تسلیم در مقابل زیاده خواهی دشمن و اینکه هرگونه تسلیم و نرمش، او را تشویق خواهد کرد، پابرجا است. این اصل، همیشگی است... پس نسخه ی تسلیم، نسخه ی درستی نیست. (1)

ص: 248

جنگ تحمیلی به خاطر این اتفاق افتاد که دشمن در ما احساس ضعف کرد. اگر دشمن بعثی و محرکینش خاطر جمع نبودند که سر چند روز به تهران خواهند رسید - آنها این جوری فکر میکردند - این جنگ انجام نمیگرفت. آنها در ما احساس ضعف کردند. احساس ضعف شما، موجب تشویق دشمن به حمله ی به شما است. این يك قاعده ی کلی است. اگر میخواهید دشمن را از تهاجم به خودتان منصرف کنید، سعی کنید اظهار ضعف نکنید. نمیگویم بدروغ بگوییم قوی هستیم، [بلکه] میگویم قوت خودمان را آشکار کنیم. ما نقاط قوت زیادی داریم، این نقاط قوت را آشکار کنیم. در زمینه ی اقتصادی هم همین جور است، در زمینه ی فرهنگی هم همین جور است.

اشتباه بزرگ بعضی از ماها در چالش اقتصادی بزرگی که امروز کشور دچار آن است - که ما امروز دچار چالش اقتصادی هستیم - این بود که در زمینه ی اقتصادی اظهار ضعف شد؛ دشمن دید که اینجا جایی است که میشود فشار آورد، [لذا] فشار را زیاد کردند؛ [طوری که] از يك نفر در مصاحبه پرسند که این رزمایشی که شما دارید فلان جا میکنید و درعین حال با ایرانی ها مذاکره میکنید، [يك وقت] ایرانی ها از این رزمایش ناراحت نشوند که به این مذاکرات اقتصادی ضربه بخورد، او رویش بشود و خجالت نکشد از اینکه بگوید «نه آقا، اینها تأثیری ندارد؛ ایرانی ها این قدر احتیاج به این مذاکرات دارند که امثال این رزمایش ضرری به مذاکره ی اقتصادی ما نمیزند.»! این اظهار ضعف در مقابل دشمن نباید بشود.

خب [در زمان جنگ]، دشمن احساس ضعف کرد در ما، لذا حمله کرد. حالا ما آیا واقعاً ضعیف بودیم یا نه؟ بالفعل بله، ضعیف بودیم؛ نیروهای مسلح ما پراکنده بود، آشفته بود، مدیریت منظمی نداشت، خیلی از تجهیزات ما به دردبخور نبود، خیلی هایش [برای ما] شناخته نبود؛

ما یکی دو سال بعد از جنگ، بعضی از چیزهایی را که در انبارهایمان بود تازه کشف کردیم که اینها را داریم و میتوانیم از آنها استفاده کنیم. تجربه ی جنگ [هم] نداشتیم. (1)

8 - بزرگ دشمن

اشاره

یکی از کارهای آمریکایی ها در این سالهای آخر، این است که کسانی را وادار کنند به بزرگ کردن چهره ی آمریکا؛ به اینکه این جور وانمود بکنند که آمریکایی ها اگر هم يك روزی دشمن بودند، امروز دیگر دشمنی نمیکنند؛ هدف این است. هدف این است که چهره ی دشمن برای ملت ایران پنهان بماند تا از دشمنی او غفلت بشود و او بتواند دشمنی خودش را اعمال کند و خنجر را از پشت فرو کند؛ هدف این است. يك عده ای البته مغرضانه این کار را میکنند، يك عده ای هم از روی ساده لوحی این کار را میکنند. واقعیت قضیه این است که اهداف آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی هیچ تغییر نکرده است؛ هیچ تغییر نکرده. امروز هم اگر بتوانند جمهوری اسلامی را نابود کنند، يك لحظه تأمل نمیکنند؛ منتها نمیتوانند و ان شاءالله با همّت شما جوانها، با پیشرفت شما جوانها، با گسترش و عمق بصیرت ملت ایران، در آینده هم نخواهند توانست این کار را بکنند. همه ی برنامه های آنها متوجه به این قضیه است؛ البته در عالم سیاست و در عالم گفتگو، جور دیگری حرف میزنند؛ آنجایی که لازم است، نرمش در گفتار هم نشان میدهند، اما باطن قضیه این است؛ باطن قضیه این است. این را ملت ایران نباید فراموش بکند. (2)

امروز کشور به شناخت دشمن [نیاز دارد]. دشمن را بشناسیم؛ دشمنان جهانی که خودشان را به وسیله ی انواع و اقسام اقلام آرایشی رسانه ای و

ص: 250

1- . در دیدار دست اندرکاران راهیان نور 1395/12/16

2- . در دیدار دانش آموزان و دانشجویان 1394/8/12

تبلیغاتی بزرگ میکنند و در مقابل چشم قرار میدهند، بشناسیم؛ آمریکا را بشناسیم. در همین چند روز مشاهده کنید: فردا هفتم تیر است، حادثه‌ی حزب اتّفاق افتاده است؛ در سال 66 در همین روز هفتم تیر، حادثه‌ی بمباران شیمیایی سردشت اتّفاق افتاده است؛ بله، صدّام آن کار را کرد، اما پشت سر صدّام چه کسی بود؟ آمریکایی‌ها بودند، غربی‌ها بودند، همان کسانی بودند که بمبهای شیمیایی را به او دادند، چراغ سبز هم به او دادند و در مقابل این جنایت بزرگ و این قتل عام عجیب سکوت هم کردند؛ در روز یازدهم تیر - چند روز بعد - ترور شهید صدّوقی است که این هم کار همین جنایتکاران است؛ در روز دوازدهم تیر - چند روز بعد از این - حادثه‌ی اسقاط هواپیمای ایرباس بر روی خلیج فارس است. از هفتم تیر تا دوازدهم تیر شما ببینید چقدر ترور، قتل عام و کشتار [انجام شد]؟ [چقدر] زن، کودک، عالم، سیاستمدار، به وسیله‌ی عوامل آمریکا آماج این جنایتها قرار گرفتند؟ اگر طراح این حوادث هم سرویسهای امنیتی آمریکا و غرب نبودند، حداقل کمک کننده بودند؛ حداقل تشویق کننده بودند. این دشمنها را بشناسیم. به تعبیر بعضی دوستان، خوب است این هفتم تا دوازدهم تیر را هفته‌ی «حقوق بشر آمریکایی» اعلام بکنیم. واقعاً حقوق بشر آمریکایی در این چند روز در کشور ما یک چیز واضح و بارزی است و از این قبیل الی ماشاءالله. پس احتیاج داریم دشمن را بشناسیم. آن کسانی که امروز سعی میکنند از این هیولا - که سیاستهای آمریکایی و سیاستهای بعضی از دنباله‌روان آمریکا است - یک چهره‌ی موجهی معرفی کنند، اینها دارند خیانت میکنند؛ اینها دارند جنایت میکنند. این کسانی که این حقیقت روشن را کتمان میکنند، این دشمنی خباثت آلود را در زیر پرده‌های توجیه میپوشانند، اینها دارند خیانت میکنند به این ملت. کشور ما و ملت ما احتیاج دارد دشمن را بشناسد، عمق دشمنی را بفهمد. (1)

ص: 251

اعتماد به دشمن و فریب خوردن از لبخند و وعده ی او

اعتماد به دشمن و در دام لبخندها و وعده ها و حمایت‌های آنها افتادن نیز آسیب بزرگ دیگری است که به طور ویژه باید پیشروان و نخبگان از آن برحذر باشند. دشمن را با علامتش در هر لباس باید شناخت و از کید او که در مواردی در پس ظاهر دوستی و کمک پنهان میشود، باید ملت و انقلاب را مصون ساخت. (1)

ص: 252

1- . در اجلاس بین المللی بیداری اسلامی 1390/6/26

1 - نرسیدن به نتیجه ی موردنظر

2 - از دست دادن عزّت

3 - جری شدن دشمن

ص: 255

بنده با ارتباط هیچ مخالفتی ندارم - من يك زمان رئيس جمهور بودم؛ از همان زمان، یکی از اساسی ترین کارهایی که بنده میکردم در سیاست خارجی، مسئله ی ایجاد ارتباطات بود؛ چه ارتباطات دوجانبه با همه ی کشورها، اروپا، دیگران، دیگران، جز یکی دو استثنا، و چه ارتباطات تشکیلات جمعی - [اما] اینها دو مقوله است؛ جهانی شدن معنای دیگری دارد. جهانی شدن یعنی زیر بار فرهنگی که چند قدرت بزرگ توانسته اند بر اقتصاد دنیا، بر سیاست دنیا، بر امنیّت دنیا تحمیل بکنند [رفتن]؛ زیر بار این سیاست رفتن، در این قالب خود را جا کردن؛ این معنای جهانی شدن از نظر آنها است. وقتی میگویند جهانی بشوید، وقتی میگویند وارد خانواده ی جهانی بشوید معنایش این است؛ این همان وابستگی است، فرقی نمیکند. (1)

1 - رسیدن به نتیجه ی مورد نظر

عاقبت سازی

ملتهایی که تسلیم آمریکا شده اند، حال و روزشان بمراتب بدتر از

ص: 257

آنهایی است که به قدر آنها تسلیم نشده اند؛ هرکس که بیشتر تسلیم شد، حال و روزش بدتر است. امروز شما به کشورهای منطقه آنهایی که بیشتر تسلیم زور و قدرت طلبی آمریکا هستند نگاه کنید، حال و روزشان از دیگران بدتر است؛ اقتصادشان بدتر است، وضع اجتماعی شان عقب تر است، وضع فرهنگی شان منحط تر است، فشار در میان آنها بیشتر است. تنها راه علاج برای ملت‌های دنیا این است که از ملت ایران درس بگیرند و در مقابل زورگویی و قدرت طلبی و دیکتاتورمآبی دولت آمریکا بایستند. (1)

کشورهایی که با آمریکا ارتباط دارند کشورهای گوناگونی که در آسیا و آفریقا و سایر جاها هستند بسته به قدرت خودشان، اگر قدرت علمی بالایی داشتند، اگر در آنها قدرت پیشرفت دانش و فناوری و استقلال وجود داشته باشد، به همان اندازه میتوانند مقاومت کنند. اگر در درون خودشان نتوانسته باشند يك بنای شامخ به وجود آورند، آن قدرت استکباری آمریکا نه فقط به آنها سودی نمیرساند، بلکه از آنها بهره میبرد، به آنها ضربه هم میزند؛ آنها را به بازار فروش محصولات خود چه محصولات نظامی و چه محصولات بی ارزش دیگر بدل میکند؛ به غارت منابع آنها میپردازد و در همه ی امور آنها هم دخالت میکند. این، هدف استکبار است. (2)

رحم نکردن مستکبران به تسلیم شدگان

آمریکا و غرب، بارها نشان داده اند که حتی به تسلیم شدگان هم رحم نمیکنند و چون تاریخ مصرف همکاری کنندگان به پایان برسد، به آسانی آنان را به دور می افکنند. (3)

ص: 258

-
- 1- . در دیدار با گروه کثیری از دانش آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت یوم الله سیزده آبان 1376/8/14
 - 2- . در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لاسانه ی جاسوسی آمریکا (روز ملی مبارزه با استکبار جهانی) 1378/8/12

- 3- . در سوّمین کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین 1385/1/25

برخی دیگر، قدرت دشمن را به رخ میکشند و حق طلبان را از اصطکاک با آن بیم میدهند. در این سخن، مغالطه‌ی خطرناکی نهفته است.

اولاً، دشمنی که انسان خردمند از اصطکاک با او پرهیز میکند، دشمنی نیست که هویت او و منافع حیاتی او و اصل وجود او را هدف گرفته است؛ مقاومت در برابر چنین دشمنی، حکم قاطع خرد انسانی است... ثانیاً، مبالغه در قدرت دشمن، خود یکی از ترفندهای او است. پول و زور سیاسی و نظامی، و جنگ افزار مدرن و انبوه، دولتهایی را میترساند که از پشتوانه‌ی ملت خود محرومند. (1)

پایان یافتن دشمنی‌ها تنها با مستحکم شدن کشور نه با سازش

تا وقتی دشمن امیدوار باشد که میتواند نظام اسلامی را ریشه کن کند، تلاش خواهد کرد و ضربه وارد خواهد آورد. همه‌ی همت ما باید این باشد که آن چنان ساخت را مستحکم کنیم که دشمن احساس کند هر تیغی وارد بیاورد، تیغش کند و به ضرر خودش تمام خواهد شد و هر گلوله‌ای بزند، به طرف خودش کمانه خواهد کرد.

البته از وقتی جنگ سالاران و نومحافظه کاران کنونی حکومت آمریکا - که واقعاً اینها يك گروه جنگ سالارند و محور کارشان بر جنگ و تهاجم نظامی است - سر کار آمده اند، تهدیدها لحن و زبان دیگری گرفته است. ما در مقابل این چالش چه باید بکنیم؟ ما باید قدرت خود را زیاد کنیم و دفاع قانونی و مشروع خود را انجام دهیم. منطق این را حکم میکنند و همه‌ی شواهد و قرائن و دلایل سیاسی و دیپلماسی هم همین را تأیید مینمایند. البته استحکام داخلی به معنایی نیست که آنها خیال میکنند - یعنی رسیدن به فلان سلاح - و همان طور که آقای رئیس جمهور اشاره کردند،

ص: 259

سلاح هسته ای کاری از پیش نمیبرد... پس استحکام داخلی به معنای دیگری است که بعد اشاره ای خواهم کرد. بنابراین ما باید قدرت خود را زیاد کنیم، وَاَلَا هرگونه عقب نشینی در مقابل قدرت متکبر و زورگو، يك طرفه و تشویق به تعرض و تجاوز بیشتر خواهد بود. این را ما در طول چند سال در صحنه های گوناگون تجربه هم کرده ایم؛ هر جا عقب نشینی ای مشاهده کرده اند، يك قدم جلو آمده اند؛ ممنون نشده اند که بگویند بالاخره اینها يك امتیاز دادند، ما هم يك امتیاز بدهیم. در مقابله و مواجهه ی قدرت، این حرفها معنا ندارد؛ قدرتهای مادی، این مطالب سرشان نمیشود. وقتی دیدند طرف يك قدم عقب رفت یا مرعوب شد، احساس میکنند پس باید فشار را بیشتر کرد.

تنها چیزی که میتواند کشور ایران و نظام اسلامی را حفظ کند، استحکام داخلی و عزم جزم بر دفاع مشروع و منطقی است... البتّه دشمن مودیگری میکند، راه را دشوار میکند، هزینه هایی را بر ما تحمیل میکند؛ منتها رسیدن به مرتبه ی عالی عزّت و پیشرفت، هزینه هایی هم دارد. پیدا کردن عزّت و اعتلاء هزینه دارد. ذلّت هم هزینه دارد؛ مگر ذلّت هزینه ندارد؟ الان شما ببینید افسر آمریکایی دست زن افسر بعثی را میگیرد و با خودش میبرد؛ ولی بعثی عراقی جرئت نمیکند حرف بزنند! ذلّت از این بالاتر؟ هم ذلیل شده اند و هم هزینه اش را میپردازند. ارتشی که در مقابل دشمن مقابله نمیکند، نتیجه اش این است. بله، رسیدن به عزّت، اعتلاء و قدرت، هزینه هایی دارد؛ باید هزینه ها را پرداخت، باید عمل کرد و پیش رفت. (1)

2- از دست دادن عزّت

اشاره

در طول تاریخ، بشریت همواره از استکبار و قدرت گرایی قدرتمندان و

ص: 260

زرمندان و زورمندان، لطمه و آسیب دیده است. هرچه شما نگاه کنید، می بینید آسیب ها و بدبختی ها و تیره روزی های بشریت در طول زمان، ناشی از خصلت فرعونی و خوی استکباری قدرت طلبان و زورمندان و زورمندانی است که حدی برای اشتباهی سیری ناپذیر آنها وجود ندارد. امروز هم همین طور است؛ امروز می بینید قدرت استکبار با چهره ی نظامیگرانه و با زبان زور با دنیا حرف میزند. حتی لعاب ضخیم تبلیغات فریبنده ی رسانه های غربی هم دیگر نمیتواند این چهره ی زشت زورمداری و قدرت طلبی را بپوشاند؛ با زبان زور حرف میزنند. برای این زورگویی، از هیچ کار برخلاف شرافت هم ابا نمیکند؛ مفاهیم انسانی را تحریف میکنند، واژه های شریف انسانیت را قلب معنا میکنند، به ملتها دروغ آشکار میگویند و دم از خصلتهایی میزنند که بکلی از آنها تهی دستند.

هر ملتی اگر تن به تسلیم در مقابل این زورگویی دهد و ذلت را بپذیرد، در طول تاریخ و پیش انسانهای باوجدان، مورد ستایش قرار نخواهد گرفت. هیچ کس ملت یا بزرگان و سرداران ملتی را به خاطر تسلیم در مقابل دشمن و پوشیدن لباس ذلت، مدح و ستایش نکرده است؛ همه از ملت و سرداران و سربازان و مسئولانی که در مقابل زورگویی ها مقاومت کرده اند - حتی اگر به قیمت جان آنها تمام شده باشد - مدح و ستایش کرده اند. (1)

نابود شدن؛ عاقبت ملت‌های غافل از عنصر دفاع و مقاومت

ملت‌ها چه وظیفه ای دارند؟ ملت‌ها وظیفه دارند برای صیانت و حراست از خود و برای دفاع از کیان، عزت و هویت خود، خود را آماده نگه دارند. آن ملتی که در این راه غفلت کند، نابود شده است؛ آن ملتی که نتواند نیاز خود را به دفاع، به ایستادگی و به مقاومت، بهنگام بفهمد، پامال شده است. (2)

ص: 261

1- . در دانشکده ی افسری 1381/8/7

2- . در مراسم مشترک نیروهای مسلح در پایگاه هوایی شهید نوژه همدان 1383/4/18

عقب نشینی در برابر دشمن؛ عامل افزایش زیاده خواهی او

بعضی کسان خیال میکنند راه مصون ماندن از خطر آمریکا این است که برویم بگوییم شما دعوا و اوقات تلخی کردید، حالا فرمایستان چیست؟ میگویید ما چه کار کنیم؟ بعد او بگوید فلان کار و فلان کار و فلان کار را بکنید؛ فهرست بلندبالایی به ما بدهد؛ بعد ما چک و چانه بزنییم که اگر میشود، این یک کار را نکنیم؛ اگر میشود، این یکی را یک خرده کمتر بکنیم! او هم بالاخره با اخم و تخم، بخش زیادی از آن کارها را به ما تحمیل کند و از چند کار بگذرد و تصوّر شود بزرگوارانه میگذرد! این طور نیست؛ تا وقتی بترسی، میترسانندت؛ تا وقتی عقب بنشین، هُلت میدهند. وقتی دشمن طرف شما نمی آید که بداند شما به او پنجه میزنی و او را ناکام میکنی. این چگونه ممکن است؟ با تقویت روحیه ی اعتماد به نفس، روحیه ی توکل به خدا و اعتماد به حقانیت خود و راه خود در مردم. (1)

تشکیک در مشروعیت نظام؛ عامل جری شدن دشمن

مرتب توی دهنها می اندازند و میگویند «بحران مشروعیت». نظام اسلامی که متکی به آراء مردم است و نماینده ی مجلس و نماینده ی شورا و رئیس جمهور و رهبر و خبرگانش با رأی مردم انتخاب میشوند، اگر مشروعیت نداشته باشد، پس کدام یک از نظامهایی که در منطقه و در دنیا هستند، مشروعیت دارند؟ نظامی که پایه های آن بر اساس اعتقادات مردم است - مردم مسلمانند و نظام، اسلامی است - اگر با این پایه های مستحکم مشروع نیست، کدام نظام در دنیا مشروع است؟ اینها است که دشمن را تشویق میکند؛ اینها است که خطر ایجاد میکند. البته نمیتوانند

ص: 262

1- . در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) 1382/3/3

کاری بکنند. کسانی که این طور حرفها را به میان می آورند، خیلی کمترند از اینکه بتوانند در مقابل عظمتی که این انقلاب آفریده، ایستادگی کنند و به آن لطمه بزنند؛ این هم بر اثر آن است که انقلاب را نمی شناسند، بنابراین خیال میکنند میتوانند آن را بر زمین بزنند؛ و الا اگر این انقلاب را می شناختند و گستره ی عظیمی که این انقلاب به آنجاها نفوذ کرده، میدانستند، این طور حرف نمیزدند... اینها کار انقلاب است. عده ای بر اثر حقارت خودشان حاضر نیستند این چیزهای عظیم را ببینند. چشمهای کوچک نمیتواند این عظمتها را ببیند. گفت: «تو بزرگی و در آینه ی کوچک نمایی». بعضی ها نمیتوانند عظمت انقلاب را ببینند؛ خودشان کوچکند، خیال میکنند انقلاب هم کوچک است! میخواهند انقلاب را دنبال خودشان درون پیچ و خمهای دالان وابستگی و تسلیم و ضعف در مقابل آمریکا ببرند. مگر میشود چنین چیزی؟(1)

ص: 263

1- . در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) 1382/3/3

ابراهیم (علیه السلام) به عنوان يك جوان داعی توحید و تنها دعوت کننده به معرفت پروردگار در يك جامعه ی غفلت زده و شرك آلود، وارد میدان دعوت شد؛ اما دلها همه خواب و مغزها متحجر شده بود. ابراهیم (علیه السلام)، به تدبیر الهی باید تکانی به دلها، فکرها و ذهنهای مردم میداد تا در سایه ی این تکان شدید، میتوانست حرف خود را به اعماق جان مردم برساند. آن تکان شدید، این گونه به وجود می آمد که ابراهیم (علیه السلام)، بتخانه و مرکز ایمان کورکورانه و جاهلانه ی آن مردم را به هم بریزد.

او وارد بتخانه شد، بتها را شکست و تنها يك بت را که بت بزرگ بود، سالم نگاه داشت؛ برای اینکه از همین نقطه بتواند استفاده کند و ذهنها را متوجه حقیقت سازد.

بعد از آنکه مردم فهمیدند این حرکت، کار ابراهیم خلیل الله است، گفتند: آیا تو این کار را با خدایانمان کردی؟! «فَالْوَأَآءُ أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ؟» (1) و ابراهیم (علیه السلام) به آنان جواب داد: «قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسَاءَ مَا يَكْفُرُونَ» (2). از اینجا مجاهدت فکری ابراهیم (علیه السلام) که يك نفر بود

ص: 267

1- .سوره ی انبیا (ع)، آیه ی 62

2- . همان، آیه ی 63، ترجمه: «گفت [نه] بلکه آن را این بزرگ ترشان کرده است اگر سخن میگویند از آنها پرسید.»

در برابر يك دنيا، شروع شد. نکته، اینجا است. يك دنیای ظلمانی در برابر ابراهیم (علیه السلام) بود؛ که در آن قدرتهای پرتلاؤ مادی بودند، ثروتمندان درجه ی يك بودند، داعیان و گویندگان تابع قدرت بودند و او تنها بود. این، درس است. يك مَلّت وقتی که در مقابل يك دنیای مخالف قرار میگیرد چه حالی دارد؟ امروز شما به مَلّت ایران نگاه کنید! مَلّت ایران حرفی میزند که هیچ يك از قدرتهای جهانی آن را دوست نمیدارند. در قضیه ی فلسطین، همه باهم سازش کردند و جز مَلّت ایران کسی جرئت نمیکرد «نه» بگوید و حقیقت را ابراز کند. در قضایای تعدّی و ظلم و جورى که امروز به مسلمانان عالم میشود، جز مَلّت ایران هیچ مَلّتی یا جرئت نمیکند صدایی برآورد و یا صدایش به جایی نمیرسد. نسبت به نظم نوینی که مستکبرین عالم و در رأس آنها آمریکا برای تسلط بر مَلّتها درست کرده اند، جز مَلّت ایران هیچ کس در دنیا جرئت نمیکند «نه» بگوید... آن وقت شما ببینید که يك پیغمبر، يك تن تنها، در مقابل آن همه افکار مخالف، حرف حق را میزند و در مقابل نظرات مخالف، با قدرت می ایستد. ابراهیم (علیه السلام) چنین وضعی داشت. اینها هستند که تاریخ را شکل و جهت میدهند. نام ابراهیم و ابراهیم ها و پیغمبران بزرگ الهی، به این جهت است که در تاریخ ثبت میشود. هیچ قدرتی نمیتواند بزرگان عالم و مردان شجاع الهی را از صفحه ی روزگار محو، یا نامشان را کم رنگ کند.

گفتند: «تو این کار را کردی؟!»; ابراهیم (علیه السلام) به آنها جواب داد: «قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسَأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ». متعاقب این تکان شدیدی که به آنها داد، خواست ذهنشان را متذکر کند و به آنها ذکر بدهد. گفت: «اگر بتها حرف میزنند از خودشان بپرسید! اگر این بت بزرگ، قدرت دارد که بیان کند و حقیقت را به شما بگوید از او سؤال کنید و ببینید چه میگوید!». در واقع آنها را مقابل مطلبی قرار داد که ناچار بودند آن را بفهمند و تصدیق کنند؛ یعنی راه برورگرد نداشتند! الگو و نمونه ی ذکر دادن به مخاطب را

ابراهیم (علیه السلام) از طریق حرکتی بزرگ و کوبنده انجام داد.

... قرآن کریم در ادامه ی آیات مربوط به اقدام و حرکت ابراهیم (علیه السلام) میفرماید: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ». وقتی به آنها گفت که «از بت بزرگ سؤال کنید.» آنها به خودشان برگشتند؛ یعنی ناگهان به خود آمدند. این همان حالت ذکر است. «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ»⁽¹⁾؛ به خودشان برگشتند، فکر کردند و به تعبیر من با خود گفتند: «حقاً که ما ستمگریم.» انسان آن قدر غافل باشد که به جای رفتن به سراغ خداوندِ قادرِ حیِّ بصیرِ فعّالِ مایشاء و حاکم مایرید، به سراغ موجودی که از خودش هم نمیتواند دفاع کند برود و چشم بسته تسلیم او شود؟! اگرچه آن بت، چوبی بود؛ اما بتهای گوشت و پوست و استخوان دار نیز همین طورند. هر قدر تمندی که به خدا متکی نباشد و قدرتش از قدرت پروردگار عالم سرچشمه نگرفته باشد، مثل همان بت است که نمیتواند از خود و از منطق خود دفاع کند.

آری، همچنان که می بینید، مستکبرین و قلدان عالم در سرتاسر دنیا - چه در سطح بین المللی و چه در کشورهای خودشان - زورگویی میکنند؛ اما زورگویی برای همیشه قابل ماندن نیست. زور که باقی نمیماند! آنچه باقی میماند، حقیقت است؛ لذاست که «نمرودها» رفتند و «ابراهیم» ها باقی ماندند. «ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُؤُسِهِمْ»⁽²⁾؛ بعد از آنکه ابراهیم (علیه السلام) به آنها ذکر داد و به آگاهی رسیدند، سرشان را پایین انداختند.

انسان غافل نمیفهمد چه کار میکند. شما اگر امروز به ملت‌هایی که تحت تأثیر فرهنگ تحمیلی ابرقدرت‌ها قرار دارند نگاه کنید، همین غفلت را مشاهده خواهید کرد. سربه هوا در حال حرکتند و هرکس غیر از خودشان را نیز نفی میکنند؛ از روی غفلت، ملت‌ها را تحقیر میکنند و مورد بی اعتنائی قرار میدهند؛ چون حقیقت را نمیدانند.

ص: 269

1- . سوره ی انبیا (ع)، آیه ی 64، ترجمه: «پس به خود آمده و [به یکدیگر] گفتند درحقیقت شما ستمکارید.»

2- . همان، بخشی از آیه ی 65

«ثُمَّ نَكِسُوا عَلَي رُؤُسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَمَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ. قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَلَا يَضُرُّكُمْ» (1)؛ ابراهیم (علیه السلام)، از يك لحظه آگاهی آنها حُسن استفاده کرد و در چند جمله، تنها سخن حقیقتی را که در آن لحظه میشد بیان کرد به آنها گفت؛ گفت: «آیا شما به غیر خدا، کسی را عبودیت میکنید که نه میتواند به شما نفع برساند و نه ضرر؟!». و شما عزیزان من! بدانید که همه ی قدرتهای غیر خدایی این گونه اند. به قدرت ظاهری فراگیرشان نگاه نکنید؛ به سلاحهای مدرن و فوق مدرن و به پول و ثروتشان نگاه نکنید.

آن عاملی که ملتها را در مقابل قدرتها ضعیف میکند، بی ارادگی خودِ ملتها است. اگر ملتی با اراده حرکت کند، به خدا متکی باشد و دستور الهی را اطاعت نماید، هیچ قدرتی نمیتواند مویی از سر او کم کند. «أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ» (2)؛ ابراهیم (علیه السلام) فرمود: «اف بر شما و بر آن چیزی که جاهلانه عبادتش میکنید و در مقابل آن سر فرو می آورید». سیر حرکت ابراهیم (علیه السلام) به این ترتیب بود که اول حرکت تندی انجام داد، تا وجدانها و ذهنها را متوجه کند؛ آنگاه، با استفاده از آن توجهی که دلها پیدا کرد، سخن حق را در يك جمله به دلها و ذهنهای آنها القا نمود؛ بعد از آنکه بیداری در مردم به وجود آمد، نوبت به دشمن رسید تا عکس العمل نشان دهد. دشمن کیست؟ همان است که قرآن فرمود: «وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا» (3)؛ کسانی که مست شهوت و قدرت و پولند؛ آنها هستند که میخواهند همه ی مردم در حال غفلت باشند؛ همه مست باشند؛ چون آنها مستند! مسئله این است. ملت و رهبر الهی ایران - آن مردی که در راه انبیا حرکت میکرد - همین راه را طی نمودند و امروز شما

ص: 270

- 1- . همان، آیات 65 و 66، ترجمه: «سپس سرافکننده شدند [و گفتند] قطعاً دانسته ای که اینها سخن نمیگویند. گفت آیا جز خدا چیزی را میپرستید که هیچ سود و زبانی به شما نمیرساند.»
- 2- . همان، بخشی از آیه ی 67
- 3- . سوره ی نساء، بخشی از آیه ی 27، ترجمه: «و کسانی که از خواسته ها [ی نفسانی] پیروی میکنند میخواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید.»

ملاحظه میکنید که در دنیا، بیداری به وجود آمده است. این سخن، سخنی اغراق آمیز و مبالغه آلود نیست؛ بلکه يك حقیقت است. می بینید که عکس العمل دشمن چگونه است؟! می بینید که قدرتهای استکباری و در رأس آنها قدرت استکباری آمریکا چگونه به تهدید میپردازند و برای تبلیغات علیه ملت ایران و نظام اسلامی پول خرج میکنند؟! این عکس العمل آنها است. اگر آنها از حرکت عظیم ملت ایران ضربه نخورده بودند عکس العمل نشان نمیدادند.

وقتی ابراهیم (علیه السلام)، آن حرکت را کرد و مردم را بیدار نمود، آن وقت: «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ» (1)؛ گفتند: «ابراهیم را بسوزانید!». چرا ابراهیم را بسوزانند؟ چون ابراهیم برای آنها ضرر دارد؛ چون ابراهیم مردم را بیدار میکند؛ چون ابراهیم سخنی را مطرح میکند که پایه های شوکت ظالمانه ی مادی مستان قدرت را میلرزاند. این همان کاری بود که ندای به حق امام بزرگوار و شما ملت مؤمن، با قدرتهای استکباری دنیا کرد. امروز، در هر جا، وقتی که مردم رادیوهای دشمنان را باز میکنند - رادیوی دولتی انگلیس، رادیوی دولتی آمریکا، رادیوی حکومت غاصب صهیونیستی، رادیوهای عوامل مزدور پس مانده ی آنها؛ که ملت ایران، مثل خاکروبه ای از محیط زندگی خود بیرونشان ریخت - می بینند به ملت بدگویی میکنند؛ به دولت بدگویی میکنند؛ به نظام بدگویی میکنند؛ به امام و به اسلام بدگویی میکنند. اگر کسی غافل باشد و قدرت تحلیل نداشته باشد، خواهد گفت: «عجب! ما تنها ماندم و ضعیف شدیم». من میگویم: ای ملت عزیز ایران! ای جوانان مؤمن! ای بازوان نیرومندی که توانستید در طول جنگ تحمیلی هشت ساله، قدرتهای زبده ی عالم را که پشت سر عراق مخفی شده بودند به زانو در آورید! بدانید که شما به عنوان يك ملت، در دنیا البته تنهایی؛ اما همان ملت تنهایی هستید که قدرتهای استکباری

ص: 271

1- . سوره ی انبیا (ع)، بخشی از آیه ی 68، ترجمه: «او را بسوزانید و خدایانتان را یاری دهید.»

بزرگ، تا مغز استخوانشان از شما میترسند. چون میترسند، علیه شما تبلیغات میکنند؛ چون میترسند، سعی میکنند به شایعه سازی پردازند؛ چون میترسند، سعی میکنند جوسازی کنند. اگر نمیترسیدند که این کارها نبود! خب، دلیل ترس آنها چیست و چرا میترسند؟ آیا ملت ایران، به حق کسی تجاوز کرده است؟ آیا ما کسی را تهدید کرده ایم؟ آیا ما به جایی لشکرکشی کرده ایم؟ ابداً. ما به هیچ جا لشکرکشی نکرده ایم؛ مگر آن وقت که مرزهایمان را شکستند و خاکمان را تصرف کردند؛ آن وقت مانند هر انسان کریمی ملت ما قیام کرد؛ خاک خودش را از آلودگی پاک نمود و دشمن را بیرون ریخت. آن روز که روز دفاع است، آن روز که روز زدن به دهان متعدی است، آن روز که روز پشت گردنی زدن به انسانهای خبیث و رذل است، البته ملت ایران مردانه وارد میدان میشود. اما ملت ایران، هیچ کس را تهدید نکرد؛ ما هیچ کشوری را به حمله ی نظامی و تعدی و تجاوز ارضی تهدید نکردیم. این را همه ی دنیا هم قبول دارند و هیچ نمیتوانند علیه این سخن، کمترین نمونه ای ارائه کنند. پس، از چه میترسند؟ از این میترسند که ملت ایران شعاری را مطرح کرده است که این شعار، مستقیماً به زیان همه ی قلدران دنیا است. (1)

مقاومت در جریان داستان طالوت و جالوت

این آمادگی، که میگویید «آماده ایم» خیلی باارزش است. اما بدانید که این آمادگی، سخت تر از آمادگی در جبهه است؛ این، آمادگی خیلی مشکلی است. آن آمادگی ها، در صورتی میسر خواهد شد که انسان اینجا آمادگی پیدا کند. آنجا کسانی توانستند محکم بایستند که دلهایشان را از این محبتها خالی کرده بودند. خود شما، مراجعه ای به آن تاریخ و خاطره های خودتان بکنید! به یاد بیاورید که چطور به فکر هیچ چیز در این

ص: 272

دنیا نبودید! به فکر مال، ثروت، خانه، زندگی، پدر و مادر، عیال و فرزند نبودید! اگر کسی به شما میگفت که میخواهیم يك خانه ی خیلی خوب، در فلان جای شهر به شما بدهیم، اصلاً به ریشش میخندیدید که «خانه چیست؟!»; این طور پاك بودید که توانستید آن کارهای بزرگ را انجام دهید. کسانی که آنجا، در مقابل هوسهای مادی، پاها و زانوانشان میلرزید، نمیتوانستند مقاومت کنند. برگردید به قرآن کریم و داستان جالوت را بخوانید! «وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ»⁽¹⁾; این داستان را با دقت و تأمل بخوانید تا ببینید که نقش مقاومت و استقامت در میدانهای سخت، چه نقش ارزنده و مهمی است.⁽²⁾

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)

در این مقطع زمانی، یاد و نام مبارك پیامبر اعظم از همیشه زنده تر است؛ و این یکی از تدابیر حکمت و الطاف خفیه ی الهی است. امروز امت اسلام و ملت ما بیش از همیشه به پیغمبر اعظم خود نیازمند است؛ به هدایت او، به بشارت و انذار او، به پیام و معنویت او، و به رحمتی که او به انسانها درس داد و تعلیم داد. امروز درس پیغمبر اسلام برای امتش و برای همه ی بشریت، درس عالم شدن، قوی شدن، درس اخلاق و کرامت، درس رحمت، درس جهاد و عزت، و درس مقاومت است.⁽³⁾

امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛ الگوی بصیرت و پایداری

شخصیتهای عظیم تاریخ، غالباً از دوران جوانی، بلکه از دوران نوجوانی، برخی از خصوصیات را با خود همراه داشته اند و یا در خود

ص: 273

1- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 251، ترجمه: «و داوود جالوت را کشت.»

2- . در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار 1373/10/15

3- . پیام نوروزی به مناسبت حلول سال 1385/1/1385

به وجود آورده اند. برجستگی انسانهای برجسته و بزرگ، معمولاً به يك تلاش بلندمدت متکی است و این را ما در زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) می بینیم. من در جمع بندی این زندگی پرفرازونشیب، این نکته را مشاهده میکنم و به شما عرض میکنم که امیرالمؤمنین (علیه السلام) از اوایل نوجوانی تا هنگام مرگ، دو صفت «بصیرت» و «صبر»، بیداری و پایداری را با خود همراه داشت؛ او يك لحظه دچار غفلت و کج فهمی و انحراف فکری و بد تشخیص دادن واقعیتها نشد. از همان وقتی که از غار حرا و کوه نور، پرچم اسلام به دست پیامبر برافراشته شد و کلمه ی «لا اله الا الله» بر زبان آن بزرگوار جاری شد و حرکت نبوت و رسالت آغاز گردید، این واقعیت درخشان را علیین ابی طالب (علیه السلام) تشخیص داد؛ پای این تشخیص هم ایستاد و با مشکلات آن هم ساخت؛ اگر تلاش لازم داشت، آن تلاش را هم انجام داد؛ اگر مبارزه لازم داشت، آن مبارزه را کرد؛ اگر جان فشانی میخواست، جان خود را در طبق اخلاص گذاشت و به میدان برد و اگر کار سیاسی و فعالیت حکومت داری و کشورداری میخواست، آن را انجام داد. بصیرت و بیداری او، يك لحظه از او جدا نشد. دؤم، صبر و پایداری کرد و در این راه استوار و صراط مستقیم، استقامت ورزید. این استقامت ورزیدن، خسته نشدن، مغلوب خواسته ها و هواهای نفس انسانی که انسان را به تبلی و رها کردن کار فرامیخواند نشدن، نکته ی مهمی است.

آری، عصمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) قابل تقلید نیست؛ شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) قابل مقایسه با هیچ کس نیست. هرکدام از انسانهای بزرگی که ما در محیط و یا در تاریخ خودمان هم مشاهده کرده ایم، اگر بخواهند با امیرالمؤمنین (علیه السلام) مقایسه شوند، مثل مقایسه ی ذره با آفتاب است؛ قابل مقایسه نیستند؛ اما این دو خصوصیت در امیرالمؤمنین (علیه السلام) قابل تقلید و قابل پیروی است. کسی نمیتواند بگوید که اگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) صبر و بصیرت یعنی بیداری و پایداری

داشت به خاطر این بود که امیرالمؤمنین بود. همه در این خصوصیت باید سعی کنند که خودشان را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نزدیک کنند؛ هر چه همت و استعدادشان باشد. (1)

مقاومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ احد

از منابع اهل سنت و از انس بن مالک نقل شده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با شصت و چند جراحت، به پشت خط مقدم جبهه آوردند. ظاهراً در جنگ احد بوده است. شصت و چند جراحت برداشتن در جنگ، شوخی نیست! پیغمبر، امسلیم و ام عطیه را که دوزن جراح یا پرستار بودند، مأمور کرد که به آن بزرگوار برسند و ایشان را تداوی کنند. آنها گفتند که این پیکر، با این وضع که ما می بینیم، خائفیم بر او؛ یعنی احتمال دارد که قابل مداوا نباشد. نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و مؤمنین، می آمدند و از آن بزرگوار عیادت میکردند و میرفتند. راوی انس بن مالک میگوید: «و هو قرحة واحدة» (2)؛ سرتاپایش کانه یک جراحت بود؛ از سرتاپا، پر بود از جراحت! بعد پیغمبر با دستش روی جراحات را مسح میکرد و از طریق معجزه، جراحات امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بهبود میبخشید؛ پیغمبر مسح میکرد و جراحات، یکی یکی خوب میشد. یعنی به طریق عادی ممکن نبود.

ببینید چقدر حال آن حضرت، وخیم بوده است! این نکته مورد نظر من است: کسی که در جبهه، چنان فداکاری ای از خود نشان داده، چندین مرتبه با شمشیر خود، بلا را به ظاهر از جان پیغمبر دور کرده است و لشکر فراری شده را با مقاومت خود برگردانده - یعنی یک تنه، کار هزار نفر یا هزاران نفر را انجام داده است - آخر سر این همه جراحت برداشته است. (3)

ص: 275

1- . در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه در سالروز میلاد امام علی (ع) 1377/8/12

2- . بحار الانوار، ج 41، ص 3

3- . خطبه های نماز جمعه تهران 1371/1/7

مبارزه از اینجا شروع شد؛ تسلیم نشدن در مقابل حاکمیت فاسدی که راه دین را بکلی منحرف میکرد. امام از مدینه که حرکت فرمود با این نیت بود؛ بعد که در مکه احساس کرد یاور دارد، نیت خود را با قیام همراه کرد. و آلا جوهر اصلی، اعتراض و حرکت در مقابل حکومتی بود که طبق موازین حسینی، قابل تحمّل و قبول نبود.

امام حسین (علیه السلام) ابتدا در مقابل آن حرکت، مواجه با مشکلاتی شد که یکی پس از دیگری رخ نمود. ناگزیری خروج از مکه، بعد درگیری در کربلا و فشاری که در حادثه ی کربلا بر شخص امام حسین (علیه السلام) وارد می آمد، از جمله ی این مشکلات بود. یکی از عواملی که در کارهای بزرگ جلوی انسان را سد میکند، عذرهای شرعی است؛ انسان، کار واجب و تکلیفی را باید انجام دهد، ولی وقتی انجام این کار مستلزم اشکال بزرگی است - فرض بفرمایید عده ی زیادی کشته خواهند شد - احساس میکند که دیگر تکلیف ندارد. شما ببینید در مقابل امام حسین (علیه السلام) از این گونه عذرهای شرعی که میتوانست هر انسان ظاهربینی را از ادامه ی راه منصرف کند، چقدر بود! یکی پس از دیگری، رخ مینمود. اول اعراض مردم کوفه و کشته شدن مسلم پیش آمد. فرضاً اینجا بایستی امام حسین (علیه السلام) میفرمود: «دیگر عذر شرعی است و تکلیف ساقط شد. میخواستیم با یزید بیعت نکنیم؛ ولی ظاهراً در این اوضاع و احوال، امکان پذیر نیست؛ مردم هم تحمّل نمیکند؛ پس، تکلیف ساقط است؛ لذا از روی اجبار و ناچاری بیعت میکنیم.»

مرحله ی دوم، حادثه ی کربلا و وقوع عاشورا است. اینجا امام حسین (علیه السلام) میتوانست در مواجهه با يك مسئله، به مثابه ی انسانی که حوادث بزرگ را با این منطقیها میخواهد حل کند، بگوید: «زن و بچه در این صحرای سوزان، طاقت ندارند؛ پس، تکلیف برداشته شد.»؛ یعنی

تسلیم شود و چیزی را که تا آن وقت قبول نکرده بود، بپذیرد. یا بعد از آنکه در روز عاشورا حمله‌ی دشمن آغاز گردید و عده‌ی زیادی از اصحاب امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسیدند - یعنی مشکلات، بیشتر خود را نشان داد - آن بزرگوار می‌توانست بگوید: «اکنون دیگر معلوم شد که نمیشود مبارزه کرد و نمیتوان پیش برد.»؛ آنگاه خود را عقب بکشد. یا آن هنگام که معلوم شد امام حسین (علیه السلام) شهید خواهد شد و بعد از شهادت او، آل الله - حرم امیرالمؤمنین و حرم پیغمبر (علیهما السلام) - در بیابان و در دست مردان نامحرم، تنها خواهند ماند - اینجا دیگر مسئله‌ی ناموس پیش می‌آید - به عنوان يك انسان غیرتمند، می‌توانست بفرماید: «دیگر تکلیف برداشته شده است. تکلیف زنان چه میشود؟ اگر این راه را ادامه دهیم و کشته شویم، زنان خاندان پیغمبر و دختران امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) و پاکیزه‌ترین و طیب و طاهرترین زنان عالم اسلام، به دست دشمنان - مردان بی سروپایی که هیچ چیز از شرف و ناموس نمی‌فهمند - خواهند افتاد؛ پس، تکلیف برداشته شد.».

توجه کنید برادران و خواهران! مطلب مهمی است که در واقعه‌ی کربلا- از این دیدگاه دقت شود که اگر امام حسین (علیه السلام) میخواست در مقابل حوادث بسیار تلخ و دشواری مثل شهادت علی اصغر، اسارت زنان، تشنگی کودکان، کشته شدن همه‌ی جوانان و حوادث فراوان دیگری که در کربلا قابل احصاء است، با دید يك متشرع معمولی نگاه کند و عظمت رسالت خود را به فراموشی بسپارد، قدم به قدم می‌توانست عقب نشینی کند و بگوید: «دیگر تکلیف نداریم؛ حال با یزید بیعت میکنیم؛ چاره چیست؟!». «الضّرورات تبيح المحظورات»⁽¹⁾. اما امام حسین (علیه السلام) چنین نکرد. این، نشانگر استقامت آن حضرت است. استقامت یعنی این!

ص: 277

1- . یکی از قواعد فقهی است که به آن قاعده‌ی اضطرار نیز گفته میشود. مفاد این قاعده این است که در مواقع اضطراری، محرّمات مباح خواهد شد. قواعد فقهی آن دسته از احکام کلی است که در ابواب گوناگون فقه جریان داشته و منشأ استنباط احکام جزئی میشود.

استقامت، همه جا به معنای تحمل مشکلات نیست. تحمل مشکلات برای انسان بزرگ، آسان تر است تا تحمل مسائلی که برحسب موازین - موازین شرعی، موازین عرفی، موازین عقلی ساده - ممکن است خلاف مصلحت به نظر آید؛ تحمل اینها، مشکل تر از سایر مشکلات است.

يك وقت به کسی میگویند: «این راه را نرو! ممکن است شکنجه شوی.»؛ خب، انسان قوی میگوید: «شکنجه شوم! چه مانعی دارد؟! راه را میروم.» یا میگویند: «نرو! ممکن است کشته شوی.»؛ انسان بزرگ میگوید: «خب، کشته شوم! چه اهمیتی دارد؟!». اما يك وقت صحبت کشته شدن و شکنجه شدن و محرومیت کشیدن نیست؛ میگویند: «نرو! ممکن است که گروهی از مردم، به خاطر این حرکت تو کشته شوند.»؛ اینجا دیگر پای جان دیگران در بین است: «نرو! ممکن است بسیاری از زنان و مردان و کودکان، به خاطر پیش رفتن تو، سختی بکشند.»؛ اینجا دیگر کسانی که کشته شدن برایشان مهم نیست، پایشان میلرزد. آن کسی پایش نمیلرزد که اولاً در حدّ اعلی بصیرت داشته باشد و بفهمد چه کار بزرگی انجام میدهد؛ ثانیاً قدرت نفس داشته باشد و ضعف نفس نگیرد. این دو خصوصیت را امام حسین (علیه السلام) در کربلا نشان داد؛ لذا، حادثه ی کربلا مثل خورشیدی بر تارک تاریخ درخشید؛ هنوز هم میدرخشد، و تا ابدالذهر هم خواهد درخشید. (1)

اِنَّهُمْ (عليهم السلام)؛ الگوی ایستادگی

ایستادگی در مقابل دشمن هم، از خصوصیات ولایت است؛ چون ائمه ی ما، الگوی این ایستادگی اند؛ از نمونه ی کربلا بگیرید تا امامزاده هایی که در سخت ترین شرایط مقاومت کردند و به شهادت رسیدند، تا علین موسی الرضا (علیه آلاف التحية و الثناء) که با يك سیاست الهی به جنگ دشمن

ص: 278

رفت، تا موسی بن جعفر (علیه الصَّلَاة و السَّلَام) که سالهای زندان را تحمّل کرد، تا ائمّه ی ابناء الرّضا (علیهم السَّلَام) که سالیان دراز رنج تبعید را تحمّل کردند. انواع و اقسام تحمّل رنج برای خدا، در میان ائمّه، از اوّل تا آخر و در طول این 250 سال، وجود دارد. خب، مردم ما اینها را یاد گرفتند؛ اینها درس است. لذا، می بینید که مردم می ایستند و همین ایستادگی هم آنها را پیروز میکند. (1)

مسلمانان صدر اسلام

مسلمانانِ جوانان امروز ما که در راه خدا مقاومت و مجاهدت و ایستادگی میکنند، مثل مسلمانانِ جوانی های ابی ذر غفاری و حنظله ی غسیل الملائکه و مصعب بن عمیر است؛ مثل مسلمانانِ گذشتگان ما نیست که عمری مسلمانِ خوب هم بودند - که خدای متعال یقیناً اجرشان را هم خواهد داد - نمازی میخواندند، عبادتی میکردند، کاسبی ای میکردند و دنبال کار خودشان بودند؛ نه امر به معروف و نهی از منکری بود، نه جهادی بود و نه مواجهه با دشمنان خدا. این کجا و آن کجا؟ این دو حالت با یکدیگر خیلی فرق دارد.

قدر مسلمانانِ دوران جهاد را باید دانست. البتّه، مقداری هم سختی دارد، اما این سختی اوّل کار است. شما از دوران ده ساله ی زندگی پربرکت رسول گرامی اسلام (صلّی الله علیه وآله) که در مدینه و در میان مسلمانها زندگی کردند، آگاهید و میدانید که از اوّل تا آخر آن، جنگ و سختی و کمبود بود؛ اما اگر در جغرافیای دنیا بنگرید، خواهید دید که همان مجاهدات ده ساله ی پیامبر بود که پنجاه سال بعد از آن جنگها، حکومت پیامبر نصف بیشتر دنیای آباد آن روز را فراگرفت. این، همان ده سال بود که به خاطر همان مجاهدتها این گونه شد.

ص: 279

البته، بعدها آن طور که دوران پیامبر بود و انتظار میرفت، ادامه نیافت و بعد از گذشت مدتی، وضع خوب، بد هم شد؛ اما در عین حال همان زحمات و مجاهدتها و سختی کشیدن ها و گرسنگی خوردن های ده ساله ی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و یارانش، باعث شد که نیم قرن بعد از رحلت آن حضرت، بیشتر از نیمی از دنیا در اختیار مسلمانان باشد.

سختی های زیادی در زمان پیامبر تحمّل شد. سرگذشت اصحاب صُفّه را که میدانید؛ لباس قرض دادن به یکدیگر را که شنیده اید. آنها در آن زمان، با يك خرما در میدان جنگ مقاومت میکردند؛ نفر اول خرما را میمکید تا از شیرینی آن مقداری جان بگیرد، بعد از دهانش بیرون می آورد و به نفر دوّم میداد و او هم میمکید و قدری او هم جان میگرفت و سپس خرمای دویارمکیده را به نفر سوّمی میداد که او فرو بدهد. این گونه زندگی میکردند، این طور سختی میکشیدند و این طور کمبود داشتند. در ابتدای کار، فشار روی آنها از همه طرف زیاد بود. اول کار، همان پنج شش ماه و يك سال اول نیست؛ پنج شش ماه در عمر يك مسافرت، اول کار محسوب میشود، نه در عمر يك ملت و نه در عمر يك تاریخ نو؛ در عمر يك ملت، ده سال و بیست سال، چند روز محسوب میشود.

در دوران پیامبر (صلی الله علیه وآله)، مردم سختی ها را تحمّل کردند؛ اما بعد از آنکه پایه محکم شد، آن مجاهدتها و فداکاری ها و اخلاصها و تربیتها، موجب شد که این حرکت آن چنان سریع ادامه پیدا کند که پنجاه سال بعد از رحلت پیامبر، بیشتر از نیم دنیا در اختیار مسلمانها باشد. در آن زمان چنین بود و امروز هم همان گونه است. (1)

ص: 280

1- . در دیدار با جمع کثیری از جانبازان، خانواده های معظم شهدا، اسرا، مفقودان و مسئولان بنیاد شهید، جمعی از روحانیون و ائمه ی جمعه و مسئولان شهرهای مشهد، رودسر، فیروزکوه، خمینی شهر، سوادکوه، بابل، امیرکلا، اصفهان، رهنان، شهرضا و دهقان

1368/8/24

پشتوانه ی حادثه ی عاشورا، معنویت است. این توفان ماندگار در تاریخ که همیشه کاخهای ظلم از آن ترسیده اند و مغلوب آن شده اند همیشه در مقاطع گوناگون تاریخی، هر جا درست سر بلند کرده، کاری کرده است شبیه کاری که در آن روز انجام داد؛ مثل انقلاب ما. این حادثه ی بزرگ، که اثرش لحظه به لحظه در مقاطع مختلف زمانی در تاریخ دیده شده است، چقدر سلسله های ظالم را از بین برده است؛ چقدر انسانهای ضعیف را قوت بخشیده است؛ چقدر به ملت‌های مستضعف روحیه داده است و چقدر انسانهایی را برای مقاومت در راه خدا مجهز کرده است! در زمان ما هم با درایت امام بزرگوار، این حادثه توانست پیش از پیروزی انقلاب، ناگهان مثل همان توفان اول بار در جامعه ظهور کند. (1)

ایستادگی حضرت زینب (علیها السلام)

تلاش حضرت زینب (سلام الله علیها) فقط این نیست که از امام بیماری در کربلا حراست و پرستاری کرده است؛ حضرت زینب از روح کلی اسلام و جامعه ی آن روز مسلمین پرستاری کرد؛ پرستاری بزرگ او آنجا است. حضرت زینب در مقابل يك دنیا بدی، ظلم، بی انصافی، حیوان صفتی و قساوت، يك تنه ایستاد؛ و با این ایستادگی، توانست از روح کلی اسلام حراست و پرستاری کند. همچنان که میگوییم امام حسین (علیه السلام) اسلام را حفظ کرد، میتوانیم دقیقاً ادعا کنیم که حضرت زینب (سلام الله علیها) هم با ایستادگی خود، اسلام را حفظ کرد. این ایستادگی، يك رمز و راز و يك عامل اصلی است. ملت‌هایی که برای هدف‌های خود ایستادگی میکنند، موفقند. ممکن است این موفقیت، در کوتاه مدت به چشم آدم‌های کوتاه بین نیاید؛ اما بدون تردید این موفقیت، تثبیت شده است و بربرگرد ندارد. (2)

ص: 281

1- . در دیدار با گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار 1376/9/13

2- . در دیدار پرستاران، در آستانه ی سالروز میلاد فرخنده ی حضرت زینب (س) 1380/5/3

جمهوری اسلامی ایران قصد باج دادن به قدرتهای بزرگ را ندارد و ثابت هم کرده است که به هیچ قدرتی باج نخواهد داد و مرعوب هیچ قدرتی نخواهد شد. بنابراین، هیچگاه برای جلب محبت یا همکاری قدرتهای زورگوی عالم، از مواضع به حقّ خودمان تنزل نخواهیم کرد. ما این اراده را در طول ده سال گذشته نشان داده ایم، و امام فقید عزیز بزرگ ما که مظهر تبلور نظام جمهوری اسلامی و مظهر صلابت و مقاومت در مقابل زورگویی ها بود، قاطعانه در برابر باج خواهی های دشمن می ایستاد و مرعوب آنها نمیشد. (1)

امام (قدس سرّه)؛ شاخص تسلیم نشدن

امروز همه ی آرمانهای به حقّی که این ملت دارد، به وسیله ی خطّ امام و راه امام تأمین میشود؛ این را من با محاسبه و دقّت و با قرائن و شواهد عینی و ملموس عرض میکنم. این ملت اگر امروز بخواهد در مقابل قدرتهای استکباری شکل گرفته - که به هیچ چیزی کمتر از بلعیدن ملتها قانع نیستند - بایستد و هویت و استقلال خود را حفظ کند و بتواند با رأی و نظر خود، راه زندگی اش را انتخاب کند، هیچ راهی ندارد جز اینکه به خطّ امام و راه امام متمسک شود؛ هم تفکّرات او را در مجرای زندگی و عمل و فکر قرار دهد و هم شیوه ی او را. شیوه ی او، تسلیم شدن به فرم و الگوی بیگانه نبود؛ این طور نبود که میدان بازی را دشمن معین و ترسیم کند و چون هر بازیکنی یک طور بازی میکند، امام هم در آن میدان مشغول کار شود؛ نخیر، میدان را خودش انتخاب و ترسیم میکرد؛ لذا دشمن را غافلگیر میکرد. امام سازوکار استکباری امروز دنیا را به هم زد. علت اینکه کسانی از آن طرف دنیا بلند شدند به اینجا آمدند و با اینکه نه اختلاف

ص: 282

1- . در مراسم بیعت وزیر و کارکنان وزارت اطلاعات و گروهی از پرسنل واحد حفاظت اطلاعات نیروهای نظامی و انتظامی

ارضی با ما داشتند، نه اختلاف در منافع روزمره‌ی دولتی با ما داشتند، با امام دشمنی کردند - چه در زمان حیاتش، چه بعد از آن - این است که امام به قلب هدف زده بود. امروز شما اگر به کشورهای درجه‌ی دوی دنیا مراجعه کنید - فعلاً به کشورهای درجه‌ی یک، یعنی قدرتمندانی که در بعضی نقاط آسیا و اروپا هستند، کاری نداریم؛ آنها هم یک‌طور دیگر عمل میکنند - می‌بینید که برنامه‌های خودشان را با توجه به خواست استکبار ترسیم و معین میکنند؛ اگر هم بررسی چرا، می‌گویند چاره چیست؛ امروز اینها قادرند، امروز اینها مسلطند. یعنی همه بر اساس الگوی آنها حرکت میکنند؛ منتها هرکس با ابتکاری نسبت به منافع خاص خودش. بنابراین در میدانی که آنها ترسیم کرده‌اند، همه دارند بازی میکنند؛ ولی امام این قاعده را به هم زد؛ رفت روی همان اهداف حقیقی خود و برای آنها کار کرد و اسم اسلام را آورد. (1)

شهید مدرّس

امام (رضوان الله علیه) بارها اسم «مدرّس» را می‌آوردند. مگر خصوصیت مدرّس چه بود؟ از مدرّس عالم تر هم داشتیم. مدرّس خصوصیت عمده اش این بود که هیچ عامل ارباب و تهدید و تطمیع و فریبگری در او اثر نمی‌کرد. همان وقتی که علی الظاهر فضا را بر ضدّ او آن چنان متشجّح کرده بودند که علیه‌ش شعار میدادند، او ایستاد و حرف خودش را زد. این خصوصیت یک نماینده‌ی خوب در مجلس است. بعضی‌ها زود مرعوب میشوند! من بارها عرض کرده‌ام که قدرتهای استکباری - یعنی همین قدرتهای سلطه‌گر جهانی - که مرتّب روی این کشور و آن کشور دست می‌اندازند و دولتها و ملت‌ها را زیر یوغ خودشان میکشانند، عمده‌ی کارشان از ترساندن میگذرد؛ قدرت واقعی شان آن قدر نیست که بر زبان می‌آورند. بدیهی است این همه

ص: 283

که اینها با این انقلاب و با این کشور بدند، اگر قدرت داشتند، تاکنون این انقلاب این طور رشد نمی‌کرد و این گونه نمی‌ماند. آیا این خود دلیل نیست که سلطه‌گران آمریکا و صهیونیست‌های عالم، آن چنان که ادعا میکنند، قدرت ندارند؟! اینها عمده‌ی کارشان را از راه تهدید و مرعوب کردن پیش می‌برند. نماینده باید کسی باشد که مرعوب نشود. چه کسی مرعوب نمیشود؟ آدمی که دلش به خدا متکی باشد. وقتی انسان به خدا متوکل بود، از هیچ کس مرعوب نمیشود. (1)

میرزا کوچک خان جنگلی

میرزا کوچک، مرد تنهایی بود که به دو قدرت بزرگ آن روز دنیا - یعنی روس‌ها و انگلیسی‌ها - يك «نه» ی بزرگ گفت؛ نه با روس‌ها ساخت، نه با انگلیسی‌ها؛ اما در کنار او کسانی بودند که میخواستند با دستگاه حکومت آن روز - بعد هم با رضاخان که تازه میخواست سر کار بیاید - مبارزه کنند، اما به روسها پناه میبردند؛ به باکو رفتند و بندوبست‌هایشان را کردند و به ایران برگشتند و سرسپرده‌ی آنها شدند. اما میرزا کوچک خان قبول نکرد و حاضر نشد سازش کند؛ او، هم با انگلیسی‌ها جنگید، هم با قزاق‌های روس جنگید، هم با لشکر رضاخانی - و قبل از رضاخان، آن کسانی که بودند - مبارزه کرد؛ با احسان‌الله خان و دیگران هم کنار نیامد. وقتی جوان گیلانی سر قبر میرزا کوچک خان می‌رود و میبیند این مرد تنها، این مرد باایمان و باصفا، اگرچه در وسط جنگلهای گیلان در مظلومیت مُرد، اما شخصیت خودش را در تاریخ ایران تثبیت کرد؛ مُرد، اما يك مشعل شد. ما در دوران مبارزه‌ی خودمان، هر وقت نام میرزا کوچک خان را به یاد می‌آوردیم و شرح حال او را میخواندیم، نیرو می‌گرفتیم. او از همت و اراده و شخصیت و هویت خود خرج کرد، برای اینکه به يك نسل هویت

ص: 284

و شخصیت و نیرو و اراده ببخشد. این بسیار ارزش دارد. امثال او تعدادی بودند که در غربت مبارزه کردند، در غربت هم مُردند؛ اما می بینید که امروز غریب نیستند. جریان تاریخ، جریان عجیبی است؛ نگذاشت و نخواهد گذاشت شیخ فضل الله ها و میرزا کوچک خان ها و خیابانی ها و امثال اینها، همچنان که غریب مُردند، غریب بمانند. دشمنان میخواهند این مفاخر را از دست جوان ایرانی بگیرند. (1)

مقاومت مردم دلوار

خاطره ای که از مردم بوشهر در ذهن تاریخ ما است، خاطره ی بسیار روشن و افتخارآمیزی است. همان طور که امام جمعه ی محترم (2) - که بحمدالله عالم فرزانه ای هستند - اشاره کردند، بوشهر تاریخ روشن و افتخارآمیزی دارد. مردم شجاع و مؤمن در آن منطقه بارها و بارها توانسته اند دشمنان این کشور و دشمنان این ملت را به عقب نشینی وادار کنند و آنها را مغلوب کنند. نام علمای نام آور بوشهر که ایشان اسم آوردند و چهره های معروفی هستند، حَقّاً جزو نامهای درخشان روحانیت شیعه است. نام سردار مؤمن و شجاعی مثل شهید «رئیس علی دلواری» از نامهایی است که همیشه دلهای مؤمن را که آشنایی به وضع او و مبارزات او داشته اند، در سراسر این کشور به خود جذب میکرده است. و خدا را شاکریم که بعد از پیروزی انقلاب، این نامی که سعی میشد پنهان بماند و این چهره ناشناخته بماند، بر سر زبانها افتاد؛ او را شناختند، شخصیت او را ستودند، مظلومیت و شهادت مظلومانه ی او را همه دانستند و فهمیدند. البته امروز با آن دوران خیلی فرق کرده است. آن روز عده ی معدودی همراه با يك جوان شجاع ناچار بودند در مقابل قدرت استعماری و استکباری انگلیس،

ص: 285

1- . در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلاّی رشت 1380/2/12

2- . حجّت الاسلام والمسلمین صفائی بوشهری

مظلومانه مقاومت کنند؛ امّا امروز رئیس علی های دلواری کم نیستند، تنها هم نیستند. این جوانهای عزیز ما، این فداکاران ما، این بسیجیان عرصه ی نبرد نظامی و نبرد فرهنگی و نبرد سیاسی، امروز در سراسر کشور گسترده هستند. (1)

مقاومت مردم لارستان در برابر اشغال انگلیس

منطقه ی لارستان در صدواندی سال پیش به همّت این مرد بزرگ و کمک مردم این منطقه - مردم شهرها و عشایر - يك حرکت اسلامی بسیار پرماجرایی را در تاریخ ما ثبت کردند. اگر ارزیابی ما درباره ی ملّتها تابع این است که مقدار آگاهی آنها را بسنجیم، مقدار عزم و اراده ی ملّی آنها را بسنجیم، روشن بینی و شجاعت آنها در اقدام را بسنجیم - اگر این وسیله ی سنجش قدر و قیمت جمعیتها و ملّتها است - باید بگوییم مردم لار و منطقه ی لارستان بزرگ، به حسب این مقیاسها و معیارها جزو برجسته ترین مردم کشور پهناور ما هستند. آن روزی که مسئله ی آزادی خواهی و مبارزه ی با استبداد در کمتر نقطه ای از کشور مطرح بود، در این منطقه به برکت روحانیت این مجتهد بزرگ و آگاه، مسئله ی مبارزه با استبداد برای مردم مطرح شد. آن روزی که مقاومت در مقابل اشغالگران خارجی برای بسیاری از ملّتهای منطقه ی ما و ملّت خود ما چندان معنای روشنی نداشت، مردم منطقه ی لارستان به رهبری این سیّد بزرگوار در برابر اشغال انگلیس ایستادند؛ در مقابل زورگویی انگلیس ها جان خودشان را کف دست قرار دادند. مرحوم آیت الله آسیّد عبدالحسین لاری در نامه ای که به فرزند خودش مینویسد، مینویسد فشارها زیاد است، امّا من تا آخرین قطره ی خون خودم ایستاده ام. وقتی رهبر این جور است، وقتی پیشوای مردم این جور صادقانه می ایستد، به طور طبیعی عزم و اراده ی ملّی در

ص: 286

1- . در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی (ع) 1389/4/5

جهت درست به کار می افتد و ملت‌ها را هدایت میکنند. بعد از آن بزرگوار هم فرزند او، مرحوم آیت الله آسید عبدالمحمد - که شخصیت برجسته ی روحانی است - هم مبارزاتی را انجام دادند.

از این گذشته ی لایه ی بهره مندی عبرت آموز برای وضع امروز خودمان و آینده ی ملت عزیز و نیرومند خودمان باید بکنیم و آن این است که این الگو نشان داد که اگر یک ملتی با یک رهبری درست، رهبری ای که دل به دنیا و مطامع دنیا نسپرد، وارد دشوارترین میدانها شود، خواهد توانست بر بزرگ ترین و لجوج و عنودترین دشمنها پیروز شود. ملت ایران این تجربه را که از تاریخ خود در این منطقه و مناطق دیگر کشور آموخته بود، در انقلاب اسلامی به کار بست. (1)

مردم ما میدانند که وقتی ایتالیایی ها وارد لیبی شدند و آن کشور را اشغال کردند، مرحوم سیدمحمد کاظم طباطبائی (2) صاحب عروه و بعضی دیگر از مراجع قم، به نفع مردم مسلمان لیبی و علیه ایتالیایی ها فتوای جهاد دادند. مردم میدانند که وقتی انگلیسی ها در بوشهر نیرو پیاده کردند، مرحوم آیت الله العظمی سیدعبدالحسین لاری (3) آن ملا ی مجاهد طراز اول اعلام جهاد داد و مردم را مسلح کرد و خودش نیز مسلح شد و پیشاپیش مردم حرکت و جهاد کرد. مردم ایران میدانند که مرحوم شیخ الشریعه ی اصفهانی (4) مرجع تقلید بزرگ ساکن نجف فتوا داد که استعمال اجناس مصنوعه ی در داخل کشور لازم است و مردم باید از استفاده از مصنوعات خارجی اجتناب کنند، تا به این ترتیب دیگران در داخل کشور نفوذ نکنند. (5)

ص: 287

1- . در دیدار عمومی مردم لار 1387/2/19

2- . 1338 _ 1247 ق

3- . 1340 _ 1264 ق

4- . 1339 _ 1266 ق

5- . در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه ی جماعات و وعّاظ نقاط مختلف کشور در آستانه ی ماه مبارك رمضان 1370/12/14

مهم ترین برجستگی علیمردان خان حضور در جنگ بختیاری ها در مشروطه نیست - آن وقت يك جوانی بوده، هجده نوزده سال یا بیست سالش بوده - مهم ترین کارش مبارزه ی با رضاخان است که بعد هم دستگیر شد و بعد هم اعدام شد به دست رضاخان. و ایستادگی کرد. البته اشاره کردند آقای رضایی، مادر او - بی بی - ضد انگلیسی و ضد بیگانه بوده؛ واقعاً این هم نشان دهنده ی این است که چگونه تربیت مادر، شخصیت فرزند را اصلاً شکل میدهد؛ یعنی این مادر توانست این بچه را این جور بار بیاورد که يك شخصیت برجسته ای بشود. تجلیل از شخصی مثل علیمردان خان و مادر او و شخصیت‌هایی از این قبیل که مبارزه کردند با استبداد و با رضاخان و با سلسله ی پهلوی، کار شایسته ای است، کار خوبی است. و جهت گیری های اینها هم روشن بشود؛ این پرچم «لا اله الا الله» ای که گفتند (1)، به نظر من چیز مهمی است که معلوم باشد که اینها کسانی بودند که با عقاید دینی و با احساسات برخاسته ی از عقیده ی دینی و تأیید شده ی به وسیله ی عقاید دینی شان مبارزه میکردند و میجنگیدند. (2)

پیروزی زنان مسلمان با مقاومت در برابر کشف حجاب

یکی از جنایات بزرگ رژیم طاغوت، همین مسئله ی هفده دی هست. کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله ای که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است - که این برای سلامت زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است - تا همان بلایی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند؛ این اقدام را با چماق، رضاخان در داخل کشور انجام داد.

زن غربی با ورود در منجلاب فساد، دستاوردش نابودی خانواده

ص: 288

1- . آقای محسن رضایی

2- . در دیدار اعضای همایش نکوداشت شیرعلیمردان خان بختیاری 1392/12/26

بود. این جور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیت‌های اجتماعی پیشرفت کند؛ همه ی اینها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم. برداشتن حجاب، مقدمه ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه ی اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای اینکه از همه ی کارهای دیگر بمانند؛ و يك مدتی هم موفق شدند، اما ایمان عمیق ملت ایران نگذاشت. زنهای مسلمان ما با وجود سخت گیری ها در طول زمان، در مقابل این فشار سرکوبگر مقاومت کردند؛ بعد از رفتن رضاخان به نحوی، در زمان خود او به نحوی، در طول دوران بقیه ی طاغوت هم به نحوی. لذا در همان دی ماه 1356، روز هفدهم دی ماه در مشهد، يك اجتماع عظیمی، تظاهراتی از زنان مسلمان با شعار «حفظ حجاب» راه افتاد. ما آن وقت در تبعید بودیم؛ خبر آن را شنیدیم که زنان مؤمن و مسلمان و شجاع يك چنین حرکتی را به راه انداختند. این، گوشه ای از فجایع رژیم طاغوت بود؛ نابود کردن آرمانهای دینی، ارزشهای اخلاقی، پیشرفتهای اقتصادی، عزت بین المللی و خلاصه بر باد دادن سرمایه های يك ملت جزو کارهایی بود که آن رژیم طاغوت و سپاه کار انجام داد.

ملت ایران بموقع بیدار شدند و پاسخ گفتند به ندای رهبر عظیم الشان خودشان و وارد میدان شدند. نوزده دی يك چنین مقطع تاریخی حساسی است. اینها را باید زنده نگه داشت. تلاش شده است و میشود برای اینکه احساسات مردم و این مقاطع حساس از یادها برود. (1)

الگو برداری امام خمینی (قدس سره) از استقامت امام حسین (علیه السلام)

امام بزرگوار ما در این خصوصیت (2)، به طور کامل دنباله رو امام

ص: 289

1- . در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم 1386/10/19

2- . استقامت

حسین (علیه السلام) شد؛ لذا، این خصوصیت امام، انقلاب را به پیروزی رساند. ثانیاً، پیروزی بعد از رفتن خودش را هم تضمین کرد؛ هم پیروزی فکرش و هم پیروزی راهش را که مظهر آن، همین اجتماع عظیم شما مردم و مظهر وسیع ترش در سطح عالم، گرایش ملت‌ها به اسلام و به راه امام است. کسب این پیروزی‌ها، به خاطر استقامت او بود.

روزی به امام گفتند: «اگر شما این نهضت را ادامه دهید، حوزه‌ی علمی‌ی قم را تعطیل خواهند کرد.» اینجا صحبتِ جان نبود که امام بگوید: «جان مرا بگیرند. اهمیت ندارد.» خیلی کسان حاضرند از جان‌شان بگذرند؛ اما وقتی بگویند «با این اقدام شما ممکن است حوزه‌ی علمی‌ی قم تعطیل شود.» پای همه میلرزد. اما امام نلرزد؛ راه را عوض نکرد و پیش رفت.

روزی به امام گفتند: «اگر این راه را ادامه دهید، ممکن است همه‌ی علمای بزرگ و مراجع را علیه شما بشوراند و تحریک کنند.»؛ یعنی اختلاف در عالم اسلام پیش آید. پای خیلی کسان، اینجا میلرزد. اما پای امام نلرزد و راه را ادامه داد تا به نقطه‌ی پیروزی انقلاب رسید. بارها به امام گفته شد: «شما ملت ایران را به ایستادگی در مقابل رژیم پهلوی تشویق میکنید. جواب خونهایی را که بر زمین میریزد چه کسی میدهد؟»؛ یعنی در مقابل امام (رضوان الله علیه)، خونها را - خونهای جوانان را - قرار دادند. یکی از علمای بزرگ، در سال 42 یا 43، به خود بنده این مطلب را گفت. گفت: «در پانزده خرداد که ایشان - یعنی امام - این حرکت را کردند، خیلی کسان کشته شدند که بهترین جوانان ما بودند. جواب اینها را چه کسی خواهد داد؟». این طرز فکرها بود؛ این طرز فکرها فشار می آورد و ممکن بود هرکسی را از ادامه‌ی حرکت منصرف کند؛ اما امام، استقامت ورزید. عظمت روح او و عظمت بصیرتی که بر او حاکم بود، در اینجاها دیده میشد.

به هر حال؛ این همه، مربوط به دوران مبارزه با رژیم ستم شاهی بود. آنچه

که برای ما درس است، مربوط به بعد از پیروزی انقلاب است. همه باید به این نکته التفات و توجه داشته باشند و همان طور که عرض کردم، اندیشمندان سیاسی، صاحبان فکر سیاسی و اهل تحلیل، روی این کار کنند. واقعاً مهم است.

خب، جمهوری اسلامی تشکیل شد؛ تا قبل از آن، مبارزه با رژیم ستم شاهی بود. از وقتی رژیم جمهوری اسلامی تشکیل شد و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد، دایره ی مبارزه، وسیع شد؛ شکل مبارزه عوض شد؛ اما دایره، وسیع گشت. مبارزه با نظام جمهوری اسلامی، از سوی دشمنان جهانی آغاز گردید. دشمنان جهانی چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که ما به آنها «استکبار جهانی» میگوییم. استکبار جهانی، همه ی زورگوهای عالم، همه ی قلدرها و همه ی پُروهای مسلط بر ملت‌ها را شامل میشود؛ این، استکبار جهانی است. چرا با جمهوری اسلامی مبارزه میکردند؟ جواب این سؤال، طولانی است و بارها هم گفته شده است؛ به طور خلاصه میتوان گفت: منافعشان به خطر افتاده بود؛ توسعه طلبی شان به خطر افتاده بود. حضور جمهوری اسلامی در میان کشورهای مسلمان، ادامه ی تسلط آنها را بر آن کشورها به خطر انداخته بود و از این قبیل. به هر حال، مبارزه ی سختی را شروع کردند. هر قدم به قدم این مبارزه، جای این بود که اگر انسان ضعیفی به جای امام بود، حرکت را متوقف کند و به سبب وجود مانع و عذر بگوید: «نمیشود با استکباری چنین عریض و طویل مبارزه کرد. چاره ای نیست؛ لذا عقب نشینی میکنیم.»؛ اما امام، عقب نشینی نکرد.

به این دو سه مقطع توجه کنید تا اهمیت قضیه معلوم شود: يك حمله ی از همه ی جوانب به ایران، از جهت سیاسی بود. همه ی دستگاه های تبلیغاتی، در چند برهه به ما حمله ی سیاسی کردند که فلج کننده است. گاهی حمله ی سیاسی، برای کشورها به ستوه آورنده است. امروز که تبلیغات رسانه های صوتی و تصویری، همه ی دنیا را فراگرفته است، غالباً

حملات سیاسی، دولت‌ها را خیلی میترساند؛ چون روی افکار ملت‌هایشان اثر میگذارد. چنین حمله‌ای را علیه نظام جمهوری اسلامی، از همه طرف شروع کردند. البته ملت ما بصیر و مستحکم بود و تکان نخورد. امام هم نگفت «حال که همه علیه ما همدستند، پس عقب بنشینیم.»؛ نگفت «به تنهایی با آمریکا میشود مبارزه کرد؛ اما آمریکا و شوروی را چطور از عهده برآییم؟»؛ چون آن زمان که دنیا دو قطبی بود، هر دو قطب، علیه ما اتحاد و اتفاق و همدستی داشتند. امام استقامت ورزید؛ عقب نشینی نکرد و از حرف و شعار و راهش برنگشت. يك کلمه از آن حرف‌هایی که دشمنان میخواستند بر زبان امام جاری شود، بر زبان او جاری نشد. این، استقامتِ حسینی است؛ شبیه ایستادگی‌های امام حسین (علیه السلام) در مقیاس و در قالب‌های امروز است.

یا آن وقتی که جنگ تحمیلی شروع شد. شما فکرش را بکنید! ملتی با آن همه ویرانی‌های دوران ستم‌شاهی و آن همه احتیاج به کار و نوسازی، ناگهان مورد حمله‌ی دشمن قرار گیرد و همان چیزی را هم که دارد از کار بیندازند! راه آهن را از کار انداختند، پالایشگاه‌ها را از کار انداختند، صادرات نفت را از کار انداختند، کارخانه‌های آهن را از کار انداختند. خب، هرکس باشد، در مقابل چنین حرکتی به زانو در می‌آید. طرف هم که فقط رژیم عراق نبود! همه میدانستند که رژیم عراق، به اضافه‌ی شوروی، به اضافه‌ی فرانسه، به اضافه‌ی «ناتو»، به اضافه‌ی کارشناسان آمریکایی - همه و همه - بودند. اگر امام ضعیف بود، اینجا ممکن بود بگوید «دیگر تکلیف از ما برداشته شده است. اینها میخواهند که ما بر قوانین اسلام چندان اصرار نکنیم؛ خیلی خب، نمیکنیم! اینها میخواهند که ما با اسرائیل مبارزه نکنیم؛ خیلی خب، مبارزه نمیکنیم. چون فشار زیاد است. چه کار کنیم؟!». امام، چنین چیزی نگفت و ایستادگی کرد. قطعنامه را هم که امام قبول کرد، به خاطر این فشارها نبود؛ قطعنامه از طرف امام، به خاطر

فهرست مشکلاتی بود که مسئولین آن روز امور اقتصادی کشور مقابل روی او گذاشتند و نشان دادند که کشور نمی‌کشد و نمیتواند جنگ را باین همه هزینه، ادامه دهد. امام مجبور شد و قطعنامه را پذیرفت. پذیرش قطعنامه، به خاطر ترس نبود؛ به خاطر هجوم دشمن نبود؛ به خاطر تهدید آمریکا نبود؛ به خاطر این نبود که آمریکا ممکن است در امر جنگ دخالت کند؛ چون آمریکا، قبل از آن هم در امر جنگ دخالت میکرد. وانگهی، اگر همه ی دنیا در امر جنگ دخالت میکردند، امام (رضوان الله علیه)، کسی نبود که رو برگرداند؛ برنمیگشت! آن، يك مسئله ی داخلی بود؛ مسئله ی دیگری بود.

در تمام عمر ده ساله ی حیات مبارك امام (رضوان الله تعالی علیه)، پس از پیروزی انقلاب، يك لحظه اتفاق نیفتاد که او به خاطر سنگینی بار تهدید دشمن، در هر بُعدی از ابعاد، دچار تردید شود. این، یعنی همان برخورداری از روحیه ی حسینی.

جنگ، تلفات دارد. جان يك انسان، برای امام خیلی عزیز بود؛ امام بزرگوار، گاهی برای انسانی که رنج میبرد، اشک میریخت و یا در چشمانش اشک جمع میشد! ما بارها این حالت را در امام مشاهده کرده بودیم. انسانی رحیم و عطوف، دارای دلی سرشار از محبت و انسانیت بود؛ اما همین دل سرشار از محبت، در مقابل تهدید شهرها به بمباران هوایی، پایش نلرزد و نلغزید؛ از راه برنگشت و عقب نشینی نکرد. همه ی دشمنان انقلاب در طول این ده سال، فهمیدند و تجربه کردند که امام را نمیشود ترساند. این، نعمت بسیار بزرگی است که دشمن احساس کند عنصری چون امام، با ترس و تهدید از میدان خارج نمیشود. امام، با منش و شخصیت درخشان خود، کاری کرد که همه در دنیا، این نکته را فهمیدند؛ فهمیدند که این مرد را از میدان نمیشود خارج کرد؛ تهدید نمیشود کرد؛ با فشار و با تهدیدهای عملی هم نمیشود او را از راه خود منصرف کرد؛ لذا مجبور شدند خودشان را با انقلاب تطبیق دهند.

آنچه که حاصل جمع بندی بحث ما است، دو حرف است - البته این جمع بندی، قابل گسترش و فکر کردن است - اول اینکه یکی از خطوط روشن نهضت عاشورا و بلکه خط نشان نهضت عاشورا، عبارت است از استقامت امام حسین (علیه السلام). حرف دوم اینکه: امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه)، همین خط نشان حسینی را در نهضت، در منش و در زندگی خود انتخاب کرد و لذا توانست جمهوری اسلامی را بیمه کند؛ توانست دشمن را از تهدید و از فشار منصرف کند. چون به دشمن تفهیم کرد که فشار، اثری ندارد؛ تهدید، اثری ندارد؛ حمله، اثری ندارد و این حرکت و این رهبر، جریان و کسی نیست که با این حرفها، از راهی که می‌رود برگردد. (1)

جمهوری اسلامی ایران؛ مرکز مقاومت در برابر مستکبران عالم

اینها میخواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. اصل عنصر مقاومت را جمهوری اسلامی میدانند. البته این را درست فهمیده اند؛ اینجا مرکز مقاومت است؛ اینجا جایی است که ما اگر هیچ اقدامی هم نکنیم، هیچ حرفی هم نزنیم، خود وجود جمهوری اسلامی به ملت‌های منطقه الهام میدهد؛ یک موجودیتی، یک هویتی که علی رغم همه ی قدرتهای استکباری و به کوری چشم آنها این جور در این منطقه قد کشیده و روزه ریشه دارتر میشود؛ روزه روز قوی تر میشود. (2)

نظام اسلامی؛ دولت مقاومت در برابر مستکبران

برادران عزیز من، فرزندان عزیز من، جوانان عزیز من! ما امروز «دولت مقاومت» ایم. دولت مقاومت خیلی مهم است. دولت مقاومت با فلان

ص: 294

1- . در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی (ره) 1375/3/14

2- . در دیدار جمعی از مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی 1387/10/19

سازمان مقاومت فرق دارد، با فلاخن جریان مقاومت در فلاخن کشور فرق دارد، با فلاخن شخصیت مقاومت فرق دارد. [البته] با آنها هم دشمنند؛ استکبار جهانی که اهل زیاده طلبی است، اهل تجاوز است، اهل دست اندازی به همه ی ثروتهای مادی و معنوی ملت‌های عالم است، با هر عنصر مقاومت مخالف است، [لذا] با سازمانهای مقاومت هم مخالف است، با انسانهای مقاوم هم مخالف است؛ اما اینها کجا و دولت مقاومت که بر اساس مقاومت تشکیل بشود، کجا! جمهوری اسلامی دولت مقاومت است؛ دولت مقاومت که سیاست دارد، اقتصاد دارد، نیروی مسلح دارد، حرکات بین المللی دارد، منطقه ی نفوذ وسیع در درون کشور و بیرون کشور دارد. این بسیار مهم است، و با هیچ عنصر مقاومت دیگری قابل مقایسه نیست. برای همین است که دشمنی ها از همه جای دنیا - چه از سوی قدرت طلبان، چه از سوی نوکران قدرت طلبان - متوجه جمهوری اسلامی است.

خب، «دولت مقاومت» یعنی چه؟ یعنی تسلیم زورگویی نشدن، تسلیم زیاده طلبی نشدن، در موضع اقتدار ایستادن؛ دولت مقاومت در موضع اقتدار قرار میگیرد. ببینید، دولت مقاومت نه اهل تجاوز است، نه اهل سلطه طلبی و دست اندازی به ملت‌ها و کشورها است، نه اهل فرورفتن در لاک دفاعی و موضع انفعال است؛ هیچ کدام از اینها نیست. بعضی خیال میکنند اگر ما بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه طلبی و اقتدار طلبی بین المللی و منطقه ای برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی؛ این جوری نیست. در لاک دفاعی نمیرویم، در موضع انفعال قرار نمیگیریم، بلکه ما در موضع «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسَّ تَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (1) قرار میگیریم. در موضعی قرار میگیریم که در این آیه ی شریفه از

ص: 295

1- . سوره ی انفال، بخشی از آیه ی، ترجمه: «و هر چه توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید...»

آن تعبیر شده است به «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»؛ «تُرْهَبُونَ بِهِ» یعنی چه؟ «تُرْهَبُونَ بِهِ» همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن «قدرت بازدارندگی» میگویند. جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار میگیرد که دارای قدرت بازدارندگی است؛ دارای اقتدار بازدارنده است. میخواهند این اقتدار نباشد. (1)

ملت ایران

امید، در حال بیدار کردن ملتها است. بدون شك، مهم ترین وسیله ی امید برای ملتها در ده سال اخیر، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تشکیل حکومت مردم، تأسیس حکومت «نه شرقی و نه غربی» و پیشرفت سیاست مقاومت در مقابل قدرتهای استکباری بود. این وقایع، به مردم دنیا خصوصاً مسلمانان امید بخشید و آنها را بیدار کرد. این، صنع الهی و قدرت خدا بود. (2)

انقلاب اسلامی و ملت ایران، علی رغم میل قدرتهای جهان خوار، برای ملتها الگو شده اند؛ الگویی زنده و آموزنده. اینکه شما می بینید در کشورهایی که ده ها سال در قفس تنگ توهمات حزبی و ستم قومی گرفتار بودند، ملتها مخصوصاً ملت‌های مسلمان و همچنین ملت‌های مظلوم بسیاری از کشورهای دیگر احساس هویت و شخصیت میکنند و حرفشان را میزنند و حششان را مطالبه میکنند، این به برکت استقامت ملت ایران است. از روزی که ما شروع کردیم، تا روزی که ملت‌های دنیا الگو و نسخه ی ما را تکرار کردند، ده سال و بیشتر طول کشیده است. آنچه که در دنیا مشاهده میشود، الگوی مقاومت ملت ایران است.

ص: 296

1- . در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) 1396/2/20

2- . در دیدار با مسئولان و کارکنان وزارتخانه های بازرگانی، کشاورزی، اطلاعات، پست و تلگراف و تلفن، مسئولان بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد مسکن، مسئولان عقیدتی _ سیاسی و فرماندهان نواحی ژاندارمری سراسر کشور 1368/12/22

البته هر کشوری، هر سرزمینی، هر منطقه‌ی جغرافیایی‌ای خصوصیت‌هایی دارد، اما جوهر واقعی همه‌ی این حرکت‌هایی که امروز شما در اروپا و آسیا و کشورهای اسلامی آفریقا و در بسیاری از نقاط جهان می‌بینید، عبارت از این است که يك ملت، به خود اعتماد پیدا کند و جرئت و گستاخی حرف زدن را بیابد. و این، همان نسخه‌ی ملت ایران است؛ این، آن چیزی است که ملت ایران، آن را شروع کرد و به کرسی نشاند و یازده سال همه‌ی سختی‌ها را تحمّل کرد؛ اما این جوهر حقیقی و معنوی و الهی را از دست نداد. امروز ما بحمدالله از همیشه آماده‌تر، بانشاط‌تر و قدرتمندتریم. (1)

اینکه من گاهی در بعضی از صحبت‌ها گفته‌ام که آنچه در اروپای شرقی و در بعضی از جاهای دنیا پیش آمد، متأثر از انقلاب ما است، يك حرف خطایی نبوده؛ این واقعیت است. مثلاً آنچه که در کشور رومانی، یا بعضی از کشورهای دیگر اروپای شرقی پیش آمد، عبارت از حضور مردم بود که در مقابل سلاح گرم، با جسم و جان خودشان به خیابانها آمده بودند. کاربرد سلاح گرم از طرف گروه حاکم، این خاصیت را دارد که اگر با جسم انسانها مواجه شد، جسم انسانها در صورت مقاومت، بر آن فائق خواهد آمد و پیروز خواهد شد. هیچ جای دنیا هم، عکس این امکان ندارد.

در خفقان‌آمیزترین کشورها هم، اگر گروه‌های مردم که با جسم خودشان، به مقابله‌ی با تفنگها آمده‌اند، فقط نوبتی چند مقاومت کنند و از میدان درنروند و از کشته شدن نترسند، پیروز خواهند شد؛ کما اینکه در جاهای دیگر دنیا دیدیم همین طور پیروز شدند. آنجایی که پیروزی پیش نمی‌آید، به دلیل این است که مردم نمی‌آیند. مردم باید بیایند. آمدن گروهی از مردم، فایده‌ای ندارد؛ باید آحاد مردم راه بیفتند؛ همانی که شما در ایران دیدید. آنهایی که متخلّف شدند، گروه و نذی از مردم بودند.

ص: 297

1- . در مراسم اعطای نشان فتح به تعدادی از فرماندهان عملیات فتح المبین و بیت المقدس، به مناسبت آزادی خرمشهر 1369/3/3

نمیشود گفت گروهی از مردم آمدند؛ نه، متن مردم آمدند. سایر کشورها هم از ایران یاد گرفتند. (1)

الگوی مقاومت شدن ملت ایران به برکت شهدا و ایثارگران و خانواده های ایشان

ما هرچه داریم، به برکت شهدای عزیزمان داریم. اگر امروز اسلام در جهان دارای عزت است، به برکت شهدا است. اگر امروز جمهوری اسلامی، به صورت يك قدرت مردمی در دنیا مطرح است، به برکت خون شهدا است. اگر ملتهای مسلمان دیگر در نقاط مختلف عالم، ملت ایران را الگوی مقاومت و مبارزه ی خودشان قرار داده اند، به برکت فداکاری شهدا است. در درجه ی اول، شهدای ما قرار دارند؛ پشت سر شهدای عزیز هم بقیه ی فداکاران، اعم از جانبازان، آزادگان، خانواده های مکرم شهدا، در صف دوم قرار دارند. اگر خانواده های شهدا، مقاومت و صبر نمیکردند و از خودشان استقامت و متانت نشان نمیدادند، وضع طور دیگری میشد. (2)

گواه ائمتها

ما هنوز اول راه قرار داریم؛ امروز کارهای فراوان و عظیم و قدمهای بلند در انتظار ما است. واقعاً دنیای اسلام به رهبری احتیاج دارد؛ آن رهبری را هم این ملت باید بکند. قرآن میفرماید: «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (3). بنده همیشه در ذهنم بود که این امت چگونه میتواند شهید و گواه باشد - شهید، یعنی نمونه و الگو - بعد در قضایای گوناگون خودمان دیدم اتفاقاً اگر بخواهیم ائمتها و ملتهای ما را هدایت کنیم، يك ملت باید بتواند الگو باشد.

قضیه ی جنگ ما خیلی ها را منقلب کرد. این جوانان ما، این

ص: 298

1- . در دیدار با ائمه ی جمعه ی سراسر کشور 1369/3/7

2- . در جمع خانواده های شهدای ایلام 1369/10/13

3- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 143، ترجمه: «تا بر مردم گواه باشید.»

فداکاری ها، این ایستادگی در جنگ، این ایستادگی در میدان سیاست، این مرعوب نشدن در مقابل تشرهای استکبار و آمریکا، امروز چیز کمی نیست. نظام جمهوری اسلامی در مقابل مقتدرترین قدرت مادی دنیا ایستاده و اصلاً نمیخواهد جنگ آوری و معارضه کند؛ اتفاقاً به نقطه ی قوت خودش تکیه میکند. آنها بدشان نمی آید که ما به نقطه ی ضعف خود یعنی نیروی مادی و سلاح تکیه کنیم. ما به نقطه ی قوت خود تکیه میکنیم؛ یعنی به ایمان و اعتقاد و همراهی و همکاری مردم با حکومت. در این میدان، ما عقب نیستیم. ما توانسته ایم مقاومت کنیم و بعد از این هم بحمدالله میتوانیم. این میشود شهید؛ این میشود برای ملتها الگو؛ این میشود يك راه در دنیا برای تماشاگران تا آن را ببینند. کسانی جرئت میکنند و قدم میگذارند؛ اما ممکن است کسانی هم جرئت نکنند قدم بگذارند. بالاخره راه ترسیم شده است؛ این مهم است که راهی ترسیم شود. بنابراین با این آینده و با این انتظارات جهانی و تاریخی، نظام اسلامی و انقلاب اسلامی کارهای خیلی بزرگی در پیش رو دارد. (1)

روحیه ی مقاومت در دوران جنگ

اعتقاد این است که اگرچه جنگ به خودی خود موضوعیتی ندارد، اما عرصه ی بسیار مهمی برای بروز روحیه ی اسلامی و انقلابی و خصلتهای مسلمانان درست است؛ از این جهت بسیار ارزشمند است. از بودن آن چنان زمان و محیطی بایستی شکرگزار بود؛ از نبودنش باید آدم واقعاً متأسف باشد و غصه بخورد. اگرچه کسی از جنگ از حیث جنگ خوشش نمی آید، اما این روی دیگر سکه، چیز بسیار عظیمی برای ما است. ما حالا که دیگر جنگ نداریم و نمیخواهیم هم به دست خودمان يك جنگ درست کنیم که عرصه ی انقلاب بشود، لیکن آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما

ص: 299

را تغذیه کند. ما باید از آنچه که در این هشت سال جنگ اتفاق افتاده، آن روحیه ی مقاومت، آن روحیه ی فداکاری همراه با اخلاص، همانی که حقیقتاً در عرصه های جنگ ما وجود داشت استفاده کنیم. (1)

ایستادگی عملی ملت ایران بر شعارها

همه، حرف میزنند. ملت ما که حرف میزند، این حرف را در میدان عمل ثابت کرده است.... ما اجازه نداده ایم قدرتهای استکباری در سرنوشت و مسائل ما اندک دخالتی بکنند. بسم الله؛ این ایمان ما: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (2). مردم ما وقتی دیدند شرق و غرب، همدست و متحد، بر سرشان ریختند، گفتند: «ما انتظار این را داشتیم.» و ایستادند و مقاومت کردند و بالاخره آنها را دفع کردند و ناکام گذاشتند. این، تجربه ی میدان عمل. آنکه بگوید «اسلام واقعی این است که ما میگوییم.» و بعد برود در عمل، بر چیزی که مخالف صریح و ضرورت اسلام است صحّه بگذارد، یا در مقابل آن سکوت کند، یا به آن عمل کند، این يك لقلقه ی لسان و يك حرف بی معنا است. (3)

از همه ی کشورهای ذی نفع و ذی دخل، به نحوی، در این جنگ دخالتهایی صورت گرفت؛ بعضی با نیرو، بعضی با فکر، بعضی با ماهواره، بعضی با سلاح، بعضی با پول و با تبلیغات. این، يك جنگ بین المللی علیه ما بود. ما هم واقعاً هشت سال مقاومت کردیم؛ به طوری که دشمن يك قدم نتوانست جلو بیاورد. مگر این شوخی است؟! شما به مرزهای بین المللی نگاه کنید! می بینید مرزهای بین المللی، همانی است که

ص: 300

- 1- . در دیدار با مسئولان، نویسندگان و هنرمندان دفتر هنر و ادبیات مقاومت حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی 1370/4/25
- 2- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 22، ترجمه: «و چون مؤمنان دسته های دشمن را دیدند گفتند این همان است که خدا و فرستاده اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده اش راست گفتند.»
- 3- . در دیدار فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی 1372/6/25

بوده؛ این، کم چیزی است مگر؟! آن وقت يك کشور، برای این جنگ ارتش جدیدی هم تشکیل بدهد. (1)

پانزده خرداد؛ اولین پایه ی مقاومت ملت ایران

امروز، روز پانزدهم خرداد است؛ این روز را در خاطره ی ملت نگه دارید. روز پانزده خرداد، روز عظیمی در تاریخ ما بود و اولین پایه ی مقاومت مردمی ما در سطح وسیع، به خاطر عشق به امام، آن روز گذاشته شد. (2)

نقش مقاومت ملت ایران در بیداری اسلامی

کسانی که در گذشته ای نه چندان دور آیه ی یأس میخواندند و نه تنها اسلام و مسلمین بلکه اساس معنویت و دین داری را در برابر هجوم تمدن غرب، ازدست رفته میپنداشتند، امروز سر برافراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام، و متقابلاً ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می بینند؛ و با زبان و دل تصدیق میکنند.

من با اطمینان کامل میگویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (3).

ص: 301

1- . در دیدار مسئولان برگزارکننده ی هفته ی دفاع مقدس 1372/6/29

2- . در دیدار با جمع کثیری از علما، روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم استان خراسان، در سالروز ولادت امام رضا (ع) 1369/3/15

3- . سوره ی نور، آیه ی 55، ترجمه: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.»

نشانه‌ی این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه‌ی نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. سربرآوردن این پدیده‌ی معجزآسا، درست در اوج هیاهوی مادیگری و اسلام‌ستیزی چپ و راست فکری و سیاسی، و آنگاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو نواخته میشد، در دنیای اسلام امیدی تازه برانگیخت و شوری در دلها پدید آورد. هرچه زمان گذشته، این استحکام - به حول و قوه‌ی الهی - بیشتر و آن امید ریشه دارتر شده است. در طول سه دهه‌ای که بر این ماجرا میگذرد، خاورمیانه و کشورهای مسلمان آسیا و آفریقا، صحنه‌ی این هم‌آوردی پیروزمندانه است. (1)

پایداری ملت ایران و فریادهای حضرت امام؛ عامل صدور اندیشه‌ی انقلاب

صلابت اسلامی و پایداری ملت مسلمان ایران و فریادهای تندراسای بت شکن قرن و فضل و نصرت الهی که آن عبد صالح و یارانش را همواره شامل بود، موجب شد که صدور اندیشه‌ی انقلابی اسلام که دشمن بشدت از آن در هراس بود، از همان راه‌هایی که آنان برای جلوگیری از صدور انقلاب یا ضربه زدن به آن فراهم کرده بودند، تحقق یابد و مظلومیت ملت ایران و تحمل شداید، موجب اثبات حقیقت این ملت بزرگ و گسترش دامنه‌ی انقلاب در بسیاری از کشورها شود و به مسلمانان جهان، عزم راسخ تر و احساس هویت اسلامی بیشتری ببخشد. (2)

ص: 302

1- . پیام به کنگره‌ی عظیم حج 1387/9/17

2- . پیام به کنگره‌ی عظیم حج 1368/4/14

مقاومت موفق ملت ایران با پیروی از درسهای امام خمینی (قدس سره)

مسلمانان با همکاری و تکیه بر مبانی مشترکی که قرآن و سنت بدان ناطق است، قدرت خواهند یافت که در برابر این اهریمن چند چهره بایستند و آن را مغلوب اراده و ایمان خود سازند. ایران اسلامی با پیروی از درسهای امام خمینی کبیر، نمونه‌ی بارز این مقاومت موفق است. آنان در ایران اسلامی شکست خورده اند. سی سال ترفند و توطئه و دشمنی از کودتا و جنگ تحمیلی هشت ساله، تا تحریم و مصادره‌ی اموال، و از جنگ روانی و تبلیغاتی و صف بندی رسانه‌ای تا تلاش برای جلوگیری از رشد علمی و دستیابی به دانشهای نوین و از جمله دانش هسته‌ای، و حتی تحریک و دخالت آشکار در ماجرای پرسکوه و پرمعنای انتخابات اخیر، همه و همه به صحنه‌هایی از شکست و انفعال و سرگردانی دشمن تبدیل شد و آیه‌ی «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»⁽¹⁾ در برابر چشم ایرانیان بار دیگر مجسم گشت. در هر نقطه‌ی دیگر نیز که مقاومت برخاسته از عزم و ایمان، مردم را به مصاف مستکبران پرمدعا کشانید، پیروزی نصیب مؤمنان و شکست و رسوایی سرنوشت حتمی ستمگران شد. فتح نمایان 33 روزه در لبنان و جهاد سرافراز و پیروز غزه در سه سال اخیر، شاهد زنده‌ی این حقیقت است.⁽²⁾

موفقیت انقلاب اسلامی در عبور از چالشها

انقلاب اسلامی ساختارشکنی کرد. در مقابل این ساختارشکنی بیکار نشستند؛ از روز اول دشمنی‌ها شروع شد؛ تا امروز نزدیک به چهل سال است. در طول این چهل سال، انواع و اقسام دشمنی‌ها - که حالا شماها دیگر میدانید؛ البته برای نسل نوپدید و جوان، این چیزها باید تبیین بشود -

ص: 303

1- . سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی 76، ترجمه: «نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است.»

2- . پیام به کنگره‌ی عظیم حج سال 1388/9/1430 5

از جنگ، از تحریم، از فحش، از تهمت، از نفوذ، از توطئه، از کار امنیتی، از کار فرهنگی، از ایجاد اختلاف داخلی، هر کاری میتوانستند با خرج کردن پول دریغ نکردند در ایران؛ در همه ی موارد هم شکست خوردند. چهل سال دارد میگذرد. اگر بنا بود توطئه های آنها اثر بکند، تا حالا جمهوری اسلامی باید صد بار ساقط شده بود؛ باید به تعبیر رایج، هفت کفن پوسانده بود؛ [اما] ما امروز چهل سال اقتدار داریم؛ ملت ایران توانست چهل سال در مقابل دشمنی ها و خباثتها و فشارها مقاومت کند و بر اینها فائق بیاید.

ملت ایران از هفت خوانی عبور کرد که ملتهای دیگر از يك خوانش هم نمیتوانستند عبور کنند؛ مقایسه کنید. بیداری اسلامی یادتان هست؟ در کشورهای حرکتی شروع شد، عظمتهایی [دیده شد]، ملتهایی ایستادند، حرکت کردند، سرنوشتش چه شد؟ به کجا رسید؟ چه کار توانستند بکنند؟ حرکت بیداری اسلامی در کشورهای عربی - در شمال آفریقا و در منطقه ی غرب آسیا - منتهی شد به جنگ داخلی، به فتنه ی داخلی، به برادرکشی، به اختلافات مذهبی، به اختلافات قومی، و هنوز هم گرفتارند. این خوان اول بود؛ از خوان اول هم نتوانستند عبور کنند؛ [اما] ملت ایران با قدرت، با سربلندی از این مراحل عبور کرد.

از پا انداختن و ریشه کن کردن سلطنت، کار کوچکی نبود که در این کشور انجام گرفت. این کشور قرنهای متمادی با سلطنت بارآمده بود؛ قدرت مطلقه ی بی اعتنای به مردم، بدون اتکاء به افکار عمومی، فعالِ مایشاء، حاکمِ مایرید؛ ما قرنهای این جور زندگی کرده بودیم. جمهوری اسلامی، امام امت، ملت پشت سر امام، توانستند این ریشه را قلع کنند؛ کار بسیار بزرگی بود؛ اما بعضی از کارهایی که بعد از قلع ریشه ی سلطنت اتفاق افتاد، بزرگ تر از اصل آن کار بود. حفظ نظام اسلامی در طول این چهل سال، میدانید چه فشار عظیمی را بر این کشور و بر این ملت وارد میکند؟ و این ملت توانست تحمل کند، توانست ایستادگی بکند. این مقایسه ی

بین انقلاب اسلامی و این جنجالها و شورشها و قیامها و انقلابهایی که در کشورهای عربی اتفاق افتاد، مقایسه‌ی عبرت‌آموزی است. آنهایی هم که موفق شدند - مثلاً فرض کنید مثل بعضی از کشورهای شمال آفریقا که در مبارزه‌ی با فرانسه و مانند اینها توانستند استقلال به دست بیاورند - بعد از اندک مدتی در فرهنگ همان گروه استعمارگر هضم شدند. نخست وزیر یکی از همین کشورها - که حالا نمیخواهم اسم بیاورم - آمد؛ اینجا با بنده ملاقات داشت در زمان ریاست جمهوری ما؛ شروع کرد با من صحبت کردن، عربی حرف میزد؛ یک مطلبی را میخواست بگوید که کلمه‌ی عربی آن مطلب را بلد نبود؛ رو کرد به آن مشاور و همراهش که پهلویش بود؛ کلمه‌ی فرانسوی آن را گفت که این چه میشود به عربی. بعد او به این [نخست وزیر] گفت که بله معنای این کلمه به عربی این است! یعنی آن چنان فرهنگ فرانسوی بر آن کشور تسلط پیدا کرده بود که آن کسی که نخست وزیر آن کشور بود، زبان خودش را که زبان عربی بود درست بلد نبود؛ باید فرانسه را برایش به عربی ترجمه میکردند تا میفهمید که معنای این کلمه چیست. این جوری این کشورها گیر کردند؛ این جوری وسط راه ماندند؛ راهی که چهل سال است جمهوری اسلامی با قدرت دارد حرکت میکند و می‌آید. خب، این دشمنی‌ها بوده، امروز هم هست. (1)

ایستادگی؛ نشانه‌ی شکست ناپذیری ملت ایران

اقتدار به این است که جمهوری اسلامی توانسته است اعتبار و احترام این کشور را در منطقه و در کلّ جهان بالا ببرد و یک تنه در مقابل جبهه‌ی وسیع استکبار بایستد. گفتیم شکست ناپذیری ملت ایران، که البته این به برکت اسلام است. دلیل این شکست ناپذیری و نشانه‌ی این شکست ناپذیری را میشود در پیروزی ملت ایران در انقلاب بزرگ اسلامی،

ص: 305

پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس، ایستادگی ملت ایران در طول چهل سال در مقابل توطئه های دشمنان مشاهده کرد. ملت ما عقب نشینی نکرد، از پای درنیامد، در مقابل دشمن احساس ضعف و شکستگی نکرد؛ این پیروزی ملت ایران است. (1)

تقابل مردم با نقشه ی دشمن برای ایجاد آشوب

در واقع همه ی حرکتی که دشمن در این چهل سال در مقابل ما انجام داده است، پاتک انقلاب است. انقلاب ریشه ی دشمن را از لحاظ سیاسی در کشور کند، و دشمن حالا مرتباً پاتک میکند و در هر دفعه هم شکست میخورد؛ اقدام میکند و نمیتواند؛ نمیتواند پیش ببرد؛ به خاطر ایستادگی، به خاطر این سد محکم مردمی و ملی. این بار هم ملت، با قدرت تمام به آمریکا و به انگلیس و به لندن نشین ها میگوید: این دفعه هم نتوانستید، باز هم نخواهید توانست. میلیارد ها دلار هزینه کردند - [این] واقعی است که میلیارد ها هزینه کردند - سالها شبکه سازی کردند، مزدورپروری کردند برای اینکه بتوانند از درون، کار را مشکل کنند. [قبلاً] نمیگفتند؛ مسئولین امروز آمریکا که خب ساده لوحی شان در امور سیاسی آشکار است، لو دادند خودشان را و گفتند «از بیرون نمیشود با ایران دست و پنجه نرم کرد، از درون باید خرابش کنیم.»؛ یعنی همین کاری که چند سال است دارند میکنند: شبکه سازی، مزدورسازی؛ بعد برای مخارجش سرکیسه کردن دولتهای وابسته، بیابند اینجا و سراغ فلان دولت ثروتمند پول دار خلیج فارس بروند و سرکیسه کنند آنها را برای اینکه بتوانند مخارجشان را اینجا و جاهای دیگر روبه راه کنند؛ زباله های فراری از ایران را بازیافت کنند، آنها را دوباره وارد میدان کنند، اگر بشود بازیافتشان کرد؛ هزاران شبکه ی مجازی راه انداختند، ده ها کانال تلویزیونی به راه انداختند، کانالهای ماهواره ای به راه

ص: 306

انداختند؛ جوخه های ترور و انفجار درست کردند و به داخل مرز فرستادند، چه از جنوب شرقی، چه از شمال غربی؛ بمباران دروغ و تهمت و شایعه را روی سر این ملت ریختند، شاید بتوانند افکار این مردم را، بخصوص جوانان نارس ما را عوض کنند - جوان عزیز ما، این جوانی که نه امام را دیده، نه انقلاب را دیده، نه دوران دفاع مقدس را دیده، نه شهدای نامدار بزرگ ما را دیده، روی ذهن اینها [میخواستند] اثر بگذارند؛ نتیجه اش چه میشود؟ [میشود] شهید حُججی؛ این شهید عزیز اخیر نجف آباد و شهدای دیگری که در این دو سه روز شهید شدند؛ اینها همه همین جوانها بودند - و تطمیع کسانی در داخل؛ نفوذ در برخی از ارکان؛ [البته] خودشان مستقیم هم وارد میشوند، شما دیدید - بعداً عرض خواهم کرد - دخالتهای مسئولان آمریکایی را در این چند روز به وسیله ی همین شبکه های اینترنتی و امثال اینها؛ [اما] باز هم نتوانستند؛ با همه ی این تلاشها ناکام ماندند.

من لازم است از ملت عزیزمان تشکر کنم؛ هزار بار باید تشکر کنم، نه يك بار. ملت، حقیقتاً يك ملت رشید، وفادار، بابصیرت، باهمت، زمان شناس، لحظه شناس [است] که میدانند لحظه ی حرکت کی است. روز پنجشنبه در مشهد آن قضایا شروع شد؛ روز شنبه آن راه پیمایی عجیب [برگزار شد] که شاید چند سال بود با این شور و هیجان در مشهد راه پیمایی نشده بود؛ بعد، یکی دو روز کارهای پراکنده ی دیگری انجام گرفت که همه مطلعید؛ بعد، از سیزدهم دی تا هفدهم دی، حدّ اقل پنج روز پشت سرهم [مردم به میدان آمدند]. واقعاً وفاداری ملت، لحظه شناسی ملت، [اینکه] بدانند هر زمانی چه کار میخواهند بکنند [قابل تشکر است]. خب، دیگران این پیامها را میگیرند؛ بله در تبلیغاتشان، صدها نفر اخلاکگر و تخریب کننده را هزاران نفر نشان میدهند، [اما] حرکات میلیونی ملت را در تظاهرات به عنوان يك گروه [کوچک] یا چند هزار نفر معرفی میکنند! در تبلیغات این جوری میگویند، اما میفهمند؛ صاحبان سیاستهایشان

می بینند، [ولی] به رو نمی آورند؛ یعنی ملت کار خودش را میکند، تأثیر خودش را میگذارد، رُعب خودش را در دل سیاست گذاران دشمن نفوذ میدهد با این حرکت عظیمی که انجام میدهد. ملت بصیرتشان را واقعاً به اوج رساندند؛ حقیقتاً این ملت به اوج رساندند بصیرت خودشان را و در این چند روز انگیزه ی خودشان را خوب نشان دادند. (1)

انتقال تجربه ی مقاومت انقلاب به ماندلا

«نلسون ماندلا» قبل از آنکه در آفریقای جنوبی به پیروزی برسد - زمانی که تازه از زندان آزاد شده بود - به ایران آمد و با من ملاقات کرد. راجع به اوضاع آفریقای جنوبی از او سؤال کردم، چیزهایی گفت. من به او گفتم، ما تجربه ای داریم که گمان میکنم در کشور شما هم قابل عمل باشد؛ و آن تجربه عبارت است از اینکه انسانهای داوطلب - که اکثریت جمعیت کشور ما را تشکیل میدادند - زن و مرد، با جسم خودشان به خیابانها آمدند؛ نه با مشتشان، نه با سلاحشان، نه با نارنجکشان، نه با خانه ی تیمی شان، بلکه با تنِ خودشان آمدند؛ روی خود را هم نبستند، با صورتِ باز آمدند؛ لذا نظام را منفعَل کردند و او هم دید نمیتواند بایستد. واقعاً بر چه کسی میخواست حکومت کند؟ گفتم به نظر من این الگو در آفریقای جنوبی قابل عمل است. او سری تکان داد. بعد از رفتن او، یکی دو ماه طول نکشید که خبرهای تظاهرات عظیم مردمی در آفریقای جنوبی را در روزنامه ها خواندیم! من فهمیدم که این بذر، سبز شد؛ عین همان وضعیت ایران. تمام خیابانهای شهرهای بزرگ آفریقای جنوبی از سیاهان پُر شد و يك عده از سفیدپوست ها هم آمدند و همراه با آنها راه پیمایی کردند و گفتند ما هم با حکومت تبعیض نژادی مخالفیم! نتیجه نیز همان شد؛ یعنی کسی که در رأس بود، دید اصلاً نمیتواند کاری بکند. اول رفت و

ص: 308

کس دیگری را جای خودش گذاشت؛ او هم دید نمیتواند؛ لذا در يك انتقال قدرت آرام، حکومت را به دست سپاه پوستان دادند و خود «ماندلا» هم رئیس جمهور شد! این حادثه ی تقلیدشدنی و این الگوی ملّتها برای آزادی خواهی، به وسیله ی جوان ایرانی در دهه های 50 و 60 اتفاق افتاد. (1)

شهدا؛ حلقه ی نهایی زنجیره ی مقاومت

جمهوری اسلامی يك نظامی است که در طول این سالهای متمادی در مقابل نظام جاهلیت مدرن ایستادگی و مقاومت کرده است؛ لذا جاهلیت مدرن با همه ی ابزارهای خودش به دشمنی با او برخاسته؛ با ابزار سلاح نظامی، با سلاح فرهنگی، با ابزارهای نوپدید و جدید، با ابزار تحریم اقتصادی. همین جاهلیت جدید - این باطل مستقر و سراسری ای که در دنیا متأسفانه وجود دارد - همه نوع ابزاری را علیه جمهوری اسلامی به کار برده است. همه علیه جمهوری اسلامی قیام کردند و نتوانستند جمهوری اسلامی را شکست بدهند؛ نتوانستند [آن را] وادار به عقب نشینی کنند؛ نتوانستند جمهوری اسلامی را از حرفهای خودش برگردانند که بگوید «من از این حرفم برگشتم، از این خواسته برگشتم.»؛ نتوانستند؛ چرا نتوانستند؟ چون جمهوری اسلامی خیلی قوی است. علّت قوّت چیست؟ قوّت ایمانها و ایستادگی ها. اینجا که میرسیم، شما می بینید آخر این زنجیره ی بسیار مهم، منتهی میشود به شهدا، به جانبازان، به فداکاران، به ایثارگران؛ به اینها منتهی میشود. آن چیزی که موجب شده است این جمهوری اسلامی بحمدالله ابّهت خودش را در دنیا حفظ بکند و روزبه روز جلوه ی بیشتری در دنیا بکند و این همه توطئه و مانند اینها نتواند تأثیر بگذارد، فداکاری های مردم است؛ علّت، این ایمانهای راسخ است که مظهر کامل و عالی آن عبارت است از شهدا. و شما دارید شهدا را تعظیم میکنید و

ص: 309

تکریم میکنید و نامشان و یادشان را زنده میدارید. ما به این احتیاج داریم؛ جمهوری اسلامی به این تعظیم و تکریم شهدا نیازمند است. (1)

مجاهدت آزادگان؛ گنجینه‌ی پربار ملت برای تقویت ایمان و مقاومت

سالهای مجاهدت خاموش و دشوار آزادگان عزیز ما در اسارتگاه‌های عراق از جمله‌ی مقاطع فراموش نشدنی تاریخ پرشکوه ما است؛ لحظه‌ی لحظه‌ی آن روزها و شبهای فراموش نشدنی، سرشار از درس و خاطره و افتخار است.

ملت ما از این گنجینه‌ی پربار خواهد توانست همچون ذخیره‌ی فرهنگی برای تقویت ایمان و مقاومت و امید برای نسلهای آینده بهره گیرد. شهیدان مظلومی که در آن دوران پرمراتت جان باختند در شمار سرافرازترین شهدای دوران جنگ تحمیلی قرار دارند. و یاد گرامی عالم مجاهد بزرگوار مرحوم حجّت الاسلام آقای سیدعلی اکبر ابوترابی، که اردوگاه‌های اسارت را به مدرسه‌ی بزرگی از تقوا و آگاهی و استقامت تبدیل کرده بود، همواره در چشم ملت ایران گرامی و پایدار است. آزادگان عزیز میتوانند با زنده نگه داشتن آن ذخایر معنوی و آن خاطره‌های پرشکوه، رسالت دینی و انقلابی خود را همچنان حفظ کنند. (2)

ملت مقاوم فلسطین

استکبار و آمریکا این را میدانند؛ میدانند که اگر ملتها ایستادگی کردند، هیچ نیروی نظامی‌ای نمیتواند بر ملتی که مرعوب نیست و حاضر است از شخصیت و هویت و عزت و آینده‌ی خود دفاع کند، مسلط شود. اوضاع رژیم صهیونیستی دائماً در حال تلاطم است؛ اما ملت فلسطین محکم

ص: 310

1- . در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره‌ی ملی شهدای استان سیستان و بلوچستان 1396/11/16

2- . پیام به کنگره‌ی بزرگداشت آزادگان و حجّت الاسلام ابوترابی 1381/5/24

ایستاده و مقاومت میکند و پُر امید است و به ملت‌های دیگر امید میدهد. آنها نمونه‌ی شجاعت را از خود نشان میدهند. (1)

امروز ملت فلسطین در عین مظلومیت، قدرت صهیونیست‌های غدارِ جبار را - که پشت سر آنها قدرت آمریکا است - به چالش کشیده و آنها را دچار عجز کرده است. امروز اسرائیل احساس میکند که در مقابل مبارزان فلسطینی هیچ راه صحیح و منطقی در مقابلش نیست. این به خاطر ایستادگی آن ملت است؛ چون آن ملت ایستاده است.

یک روز دشمن آنها از امروز ضعیف تر بود، اما توانست بر ملت فلسطین تسلط پیدا کند؛ چون مقاومت نبود. امروز دشمنشان صد برابر از آن روز قوی تر است، اما در مقابل ملت فلسطین دچار ناتوانی است؛ چون این ملت ایستاده و قیام کرده است. معنای ایستادگی امت اسلامی در هر نقطه‌ای که باشد، این است. امروز همین جمعیت فلسطینی مظلوم که روزانه دچار مصائب و قساوت‌های رژیم صهیونیستی هستند، توانسته اند آن رژیم ظالم و ناحق را دچار اختلال کنند. امروز بسیاری از کشورهای عربی و همسایه‌های فلسطین، اگر مورد تهاجم اسرائیل نیستند، به برکت مقاومتی است که آن مردم مظلوم میکنند. آنها به گردن همه‌ی امت اسلام و ملت‌های عرب - بخصوص همسایگان فلسطین - حق بزرگی دارند. (2)

بی اثر بودن مذاکره برای نجات فلسطین

عقب نشینی صهیونیست‌ها از غزه بعد از 38 سال اشغال غزه، حادثه‌ی بسیار مهمی است. جالب است بدانید که این عقب نشینی یک انتخاب نبود که رژیم صهیونیستی انجام داد؛ این یک شکست و یک اجبار بود؛ از روی ناچاری و ناگزیری بود. الان فشار روانی این شکست

ص: 311

1- . در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز سیزده آبان 1381/8/13

2- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در سالروز عید سعید مبعث 1382/7/2

روی همه ی ارکان ملت و دولت صهیونیستی اثر گذاشته و آنها را دارد تکان می‌دهد؛ بعضی از آنها قهر میکنند، بعضی شان اعتراض میکنند. چند روز پیش يك تظاهرات دویست هزار نفره در تل آویو به راه انداختند. متلاطمند، اما چاره ای نداشتند. عده ای میخواهند وانمود کنند که این عقب نشینی بر اثر مذاکره بود؛ این حرف خیلی کودکانه است. در طول هفتاد سال اشغال فلسطین، صهیونیست ها از يك متر خاک اشغالی با مذاکره عقب ننشستند؛ مذاکره کدام است؟! این عقب نشینی بر اثر مقاومت فلسطینی ها بود. حادثه ی اول، عقب نشینی و فرار از جنوب لبنان بود؛ این هم حادثه ی دوم است که بر اثر مقاومت پیش آمد. ملت فلسطین بداند، گروه های جهادی فلسطین بداند؛ در این دام نیفتند که خیال کنند مذاکره غزه را آزاد کرد؛ نخیر، مذاکره غزه را آزاد نکرد؛ هیچ نقطه ی دیگر را هم آزاد نکرد؛ تا ابد هم هیچ جا را آزاد نخواهد کرد. آنچه غزه را آزاد کرده، فشار مقاومت ملت فلسطین بوده است؛ آنها ناچار شدند. (1)

عَلتِ حمله ی مستکبران به غزه

خود وجود این پیکره ی عظیم و پرشکوه، خار چشم استکبار است و امیددهنده ی به ملت‌ها. بله، اینجا مرکز مقاومت است؛ در این شگنی نیست؛ دیگران هم از اینجا الهام گرفتند، منتها برای اینکه این مقاومت را درهم بکوبند، حلقه ی ضعیف را اول هدف قرار دادند؛ دولت مردمی منتخب حماس در غزه؛ او را مظلوم گیر آوردند؛ او را دارند میکوبند. هرکس در دنیای اسلام، امروز قضیه ی غزه را يك قضیه ی منطقه ای و شخصی و محلی بداند، دچار همان خواب خرگوشی ای است که پدر ملت‌ها را تا حالا درآورده است. نه، این قضیه ی غزه، فقط قضیه ی غزه نیست؛ قضیه ی منطقه است. فعلاً آنجا نقطه ی ضعیف تر است. (2)

ص: 312

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1384/5/28

2- . در دیدار جمعی از مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی 1387/10/19

قدرت تحمّل و مقاومت مردمی را که پای حرف حقّ خودشان ایستاده اند، ببینیم. مردمی محصور از همه طرف، در يك نقطه ی كوچك و محدود: دریا به رویشان بسته، خشکی به رویشان بسته، مرزها تماماً به روی آنها بسته؛ آب آشامیدنی شان، برقشان، امکاناتشان غیر قابل اطمینان؛ همه از دشمنی دشمن و از حمله ی دشمن و هیچ کس هم به آنها كمك نمیکنند. این مردم در مقابل يك دشمن مسلّح خبیث بی رحمی مثل رژیم صهیونیست و رؤسای پلید و خبیث و نجس آن رژیم قرار گرفته اند و آنها هم بدون هیچ ملاحظه ای شب و روز دارند میگویند؛ [اما] این مردم ایستاده اند، مقاومت میکنند؛ این درس است. این نشان میدهد که قدرت مقاومت انسان، قدرت ایستادگی يك مادر که فرزند خود را در مقابل خود کشته میبیند [یا] يك زن که همسر یا برادر و پدر خود را زیر فشار میبیند، از آنچه ما در ذهن خودمان تصوّر میکنیم، بمراتب فراتر است. قدرت خودمان را بشناسیم. انسانها این جور قدرتمندند، این جور میتوانند ایستادگی کنند؛ که يك عده مردم - حدود يك میلیون و هشتصد هزار انسان - در چهارصد پانصد کیلومتر مرّع زمین محصور و محاط، که باغشان را میزنند، دگانشان را میزنند، خانه شان را میزنند، راه تجارت روی آنها بسته است، راه دادوستد بسته است، این جور هم مورد تهاجمند، درعین حال ایستاده اند؛ این نشان دهنده ی مبلغ و میزان قدرت مقاومت يك ملت است. و من به شما عرض بکنم که سرانجام هم به توفیق الهی و به اذن الهی، اینها بر دشمن پیروز خواهند شد؛ کمااینکه تا همین حالا هم دشمن متجاوز، مثل سگ پشیمان است از کاری که انجام داده است، گیر کرده، نمیداند چه کار کند: برگردد، آبرویش میروند؛ ادامه بدهد، کار برای او روزه روز سخت تر میشود؛ لذا شما می بینید آمریکا و اروپا و همه ی مجرمان عالم دست به دست هم داده اند که این آتش بس تحمیلی را بر مردم غزّه

تحمیل کنند؛ برای اینکه او را نجات بدهند. تا الان هم گیر کرده، بعد از این هم همین [طور] خواهد بود. (1)

جمهوری اسلامی؛ پشتیبان مبارزان فلسطینی

در قضیه ی حمله ی رژیم صهیونیستی به غزه، حضور قدرتمند جمهوری اسلامی در پشت صحنه موجب شد که خودشان اعتراف کردند که در مقابل مبارزان فلسطینی شکست خوردند؛ گفتند - ما نگفتیم، آنها گفتند و اصرار کردند - که اگر چنانچه حضور جمهوری اسلامی نبود، قدرت نمایی جمهوری اسلامی نبود، مبارزان فلسطینی نمیتوانستند در مقابل اسرائیل مقاومت کنند، چه برسد به این که اسرائیل را به زانو دریاورند؛ که در جنگ هشت روزه فلسطینی ها توانستند اسرائیل را به زانو دریاورند؛ و این اولین بار در تاریخ تشکیل رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی بود. (2)

سپاه؛ نماد مقاومت انقلابی و شجاعانه

سپاه نماد مقاومت انقلابی و شجاعانه است؛ این هرگز فراموشتان نشود. شما خیال نکنید که سپاه صرفاً يك سازمان نظامی است؛ آن وقت يك عده هم بیایند بگویند: سپاه يك سازمان نظامی است، ما که نظامی نیستیم! نه، سپاه فراتر از يك سازمان نظامی است.

سپاه مجموعه ای است که برای مقاومت، برای مجاهدت، برای همان هدفهایی که شما امروز در دانشگاه برای آنها دارید درس میخوانید، از زمین حاصلخیز انقلاب اسلامی روید؛ کجا؟ در میدان مجاهدت! این معنای سپاه است. (3)

ص: 314

1- . خطبه های نماز عید سعید فطر 1393/5/7

2- . در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال 1392/1/1392

3- . در دیدار با هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه های سراسر کشور 1386/2/31

کارنامه ی سپاه در این مدّت در واقع نمایشگر تجربه ی يك ملّت است؛ یعنی اعماق شخصیت و هویت ملّت ایران را میتوان در این کارنامه مشاهده کرد؛ چون سپاه با ایمان و عقیده وارد میدان شد؛ میدان چه؟ میدان «مجاهدت و مقاومت». باهوش ترین و قوی ترین فرماندهان نظامی را تربیت کرد؛ این کسانی که در سنین جوانی و کمتر از سی سال، طراحان و به تعبیر فرنگی ها استراتژیست های برجسته ی میدان جنگ در سپاه شدند، هیچ دانشگاه نظامی ندیده بودند؛ این تربیت سپاه بود، تربیت این فضا بود که فضای نورانی است؛ تربیت این سازمان بناگذاشته شده ی بر مبنای ایمان و عقیده بود؛ آن شخصیت های برجسته را - که هرگز ملّت ما و تاریخ ما اسم آنها را فراموش نخواهد کرد - تربیت کرد؛ این هنر سپاه است. این در زمینه ی جنگ؛ علاوه ی بر این باتدبیرترین و قوی ترین و بهترین مدیران کشور را هم در زمینه ی غیر نظامی، باز می بینیم سپاه تربیت کرده و تحویل داده؛ صادرات انسانی سپاه به مجموعه ی دستگاه های حاکمیتی نظام جمهوری اسلامی يك فهرست طولانی و افتخارآمیز است؛ کارنامه ی سپاه این است. (1)

بسیج؛ نماد حضور و مقاومت ملی

اگرچه خود انقلاب اسلامی و پدیده هایی که انقلاب یکی پس از دیگری در طول زمان و در عرصه های گوناگون به وجود آورد، همه پدیده های شگفت آور هستند، اما پدیده ی بسیج و تشکیل این نیروی عظیم معجزگون، استثنائی و کم نظیر است. بسیج، حقیقتی شبیه افسانه ها است. برای کسانی که با متن واقع بسیج آشنایی ندارند، تصوّر چنین حجم پُرکیفیت عظیمی با این تنوّع و همه جانگی، آسان نیست. بسیج
مرز سنی

ص: 315

نمی شناسد؛ جوانهای کم سال تا پیران کهن سال در آن شرکت دارند. بسیج مرز جنسی نمی شناسد؛ زن و مرد در آن حضور دارند. بسیج مرز صنفی و مرز جغرافیایی و قومی نمی شناسد؛ همه ی اقوام ایرانی، همه ی اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری از انسانهای نخبه ی برجسته ی ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوانهای فعال و پُرشور صحنه های دیگر، همه در بسیج جمعند. بسیج نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی يك ملت است؛ آن هم آگاهی همراه با تحرک، همراه با معنویت و همراه با اخلاص. بسیج، حقیقت است؛ اما شبیه افسانه ها است. بسیج برای جوانان، شورآفرین است؛ برای دوستان، امیدآفرین است؛ برای دشمنان، بیم آفرین است. امروز اگر شما جلوه های زیبای پُرشور حضور جوانان را در صحنه های پُرخطر فلسطین و لبنان مشاهده میکنید، این الگوگیری از بسیج است. امروز اگر بیداری جوانان دانشجو را در سرتاسر دنیای اسلام می بینید، این الگوگیری از بسیج است. بسیج یعنی حرکت عظیم ملت ایران، همراه با آگاهی؛ احساس آمیخته ی با عقلانیت؛ حرکت و عمل آمیخته ی با مبنای فکری؛ عمل گرایی همراه با آرمان گرایی و دیدن افقهای دور دست؛ اینها مجموعه ای است که ذهنیت و هویت بسیج را تشکیل میدهد. به همین جهت است که از اول انقلاب تا امروز، بسیج خار چشم دشمنان بوده؛ چه دشمنان داخلی و چه دشمنان خارجی. (1)

تفاوت نیروی مقاومت بسیج با مقاومت های مردمی دیگر انقلابها

پدیده ی بسیج، يك پدیده ی ابتکاری است؛ نه به این معنا که در کشورهای دیگر و در جاهای دیگر، نیروهای مقاومت مردمی وجود نداشتند؛ چرا، اینها را میدانیم لکن نیروهای مقاومت در کشورهای مختلف دنیا، در غرب و شرق و مانند اینها، معمولاً مربوطند به دوران اختناق، دوران

ص: 316

فشار، دوران مبارزات؛ بعد از آنکه دوران مبارزات تمام شد، حالا یا خود این گروه های مقاومت به قدرت رسیدند یا دیگران با کمک اینها به قدرت رسیدند، این نیروی مقاومت تمام میشود و این تشکیلات مردمی به پایان میرسد. در دنیا این جور است؛ کسانی که با مقاومت های مردمی در آفریقا، در اروپا، در آسیا، در کشورهای مختلف آشنا هستند میدانند. در دوره ی فرض بفرمایید تسلط فرانسوی ها بر الجزایر، خب گروه های مردمی مقاومت تشکیل شد، سالها هم جنگیدند، شاید حدود هشت سال، ده سال، جنگ شدید داشتند، سختی های زیادی هم متحمل شدند لکن بعد که دولت انقلابی تشکیل شد، دیگر از این گروه ها خبری نبود؛ بعضی شان به قدرت رسیدند، بعضی شان حزب تشکیل دادند، [ولی] چیزی به نام گروه مقاومت باقی نماند. یا مثلاً در فرانسه ی دوران اشغال آلمان، گروه های مقاومت بودند: چپ، راست، میانه؛ خیلی هم میجنگیدند لکن بعد از آنکه اشغال برطرف شد و حکومت تشکیل شد، دیگر از گروه ها خبری نبود؛ تمام شد، میرفتند؛ عرض کردیم، یا به قدرت میرسیدند - که همانهایی که به قدرت میرسیدند، به آفات قدرت هم دچار میشدند؛ این را بنده بالعیان در بعضی از کشورها دیدم؛ همان کسانی که در سنگرهای سخت، روی خاک، روی زمین، چند سال مبارزه کرده بودند تا به حکومت رسیده بودند، بعد در دوران حاکمیتشان همان جور رفتار میکردند که مثلاً فرمانده ی پرتغالی که قبل از اینها بر این کشور حاکم بود رفتار میکرد؛ رفتار اینها هم مثل رفتار آنها بود، فرقی نمیکرد؛ هدف از مبارزه رسیدن به قدرت بود؛ این را بنده در موارد متعددی خودم مشاهده کردم - و به این شکل میشد و در واقع تبدل ماهیت میدادند؛ یا نه، دیگران به قدرت میرسیدند، اینها مثلاً حزب تشکیل میدادند؛ مثل بعضی از احزابی که در همین کشورها هست که آن حزبها هم در واقع مبارزه شان مبارزه ی برای رسیدن به قدرت بود. الان احزاب غربی و به تبع آنها احزاب در همه ی دنیا، هدفشان رسیدن به

قدرت است؛ یعنی يك حزب مبارزه میکند برای اینکه دولت را در اختیار بگیرد؛ بعد آن حزبِ دیگر مبارزه میکند تا دولت را از دست این دریاورد. یعنی امروز احزاب - آنچه به عنوان حزب در دنیا نامیده میشود - در واقع بستری برای رسیدگی به مفاهیم و معارف عالی‌یه ی مورد اعتقاد آن حزب نیست، مثل آن چیزی که ماها در اول انقلاب از حزب در ذهنمان بود؛ امروز در دنیا این نیست؛ هدف این است که يك گروهی باشند مثل يك باشگاهی یا يك مجموعه ای که تلاش کنند خودشان را برسانند به قدرت؛ بعد که رسیدند به قدرت، همان آتش و همان کاسه ی حکومت قبلی است؛ تفاوتی نمیکند. بنابراین گروه های مقاومت، با پیروزی ها حل میشدند، آب میرفتند، تمام میشدند. اینکه گروه های مقاومت، مثل يك جریان ممتد، مثل يك شطّ جوشان، در دوران پیروزی بمانند و روزه روز بالنده تر بشوند، آگاهی هایشان بیشتر بشود، در میدانهای مختلفی که کشور به آنها احتیاج دارد به طور متشکل شرکت کنند، از لحاظ کمیّت و از لحاظ کیفیّت توسعه پیدا کنند، به مفاهیم جدید دست پیدا کنند، در نبردهای نوتولدیافته بتوانند نقش ایفا کنند، آن چنان که بسیج ما است، این در دنیا بی سابقه است؛ چنین چیزی در دنیا سابقه ندارد. (1)

جنگ 33 روزه

این جنگ 33 روزه، يك طرف پیروزمند داشت، يك طرف شکست خورده. خبر معلوم است طرف پیروزمند، حزب الله لبنان، مقاومت لبنان، ملت لبنان و در واقع امت اسلامی بودند. همه ی ملت‌ها خوشحال شدند. شنیدید و واقعیت همین است که امروز نام حزب الله و رهبر آن در دنیای اسلام و کشورهای عربی و بین ملت‌ها، جزو شیرین ترین نامها است؛ افرادشان جزو محبوب ترین انسانهایند. در کشور خود ما هم همین طور است؛ در

ص: 318

ترکیه، مصر، شمال آفریقا و در کشورهای اسلامی، همه جا همین طور است. این نشان دهنده ی این است که همه ی دنیای اسلام خودشان را در این پیروزی سهیم میدانند. طرف شکست خورده، البتّه صهیونیست ها بودند.

... این پیروزی از يك طرف و شکست از يك طرف، يك حادثه ی بزرگ بود و عبرتهایی هم با خودش دارد که ملتّها - چه دشمنان بخواهند، چه نخواهند - از این عبرتها استفاده خواهند کرد؛ یعنی ملت فلسطین، ملت عراق، ایران و ملت های دیگر، همه به چشم خودشان دیدند که راه مقاومت و ایستادگی، تنها راه پیروزی است؛ راه دیگری وجود ندارد؛ ولو مقاومت کننده يك گروه كوچك باشد؛ ولو آن قدرتی که در مقابل آن مقاومت میشود، ارتش درجه ی يك دنیا باشد و از طرف آمریکا هم حمایت بشود. هرچه باشد، این يك راز و سِتّ الهی است.

... این حادثه ی لبنان، درسی به همه ی مسلمانها داد و شما برادران و خواهران عزیز بدانید که بعد از قضیّه ی لبنان، صفحه ی حوادث در این منطقه ورق خورده است و ممکن است آثارش به زودی معلوم نشود؛ اما بتدریج و در بلندمدت برای همه روشن خواهد شد. ملتّها يك بار دیگر بعد از انقلاب اسلامی - که پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا تجربه شده بود - به چشم خودشان دیدند و تجربه کردند که راه پیروز شدن و راه نجات، جز مقاومت در مقابل زورگویان، متجاوزان و ستمگران نیست. (1)

ص: 319

بخش نهم مثالهایی برای مقاومت و سازش در تاریخ

اشاره

ص: 321

جنگ احد سه مرحله را پشت سر گذاشت: يك مرحله، مرحله ی پیروزی اول بود که به اردوگاه دشمن ریختند و دشمن پا به فرار گذاشت. مرحله ی دوم، مرحله ی شکست بود؛ ناشی از این بود که این پیروزی، عده ای را که باید از تنگه حراست میکردند، به طمع انداخت؛ بنابراین تنگه را رها کردند و دشمن درحالی که مؤمنین مشغول جمع کردن غنائم بودند، از پشت به آنها حمله کرد و وضع سختی را به وجود آورد. بالاخره هر طور بود، مؤمنین خود را بالا کشاندند و رفتند. مرحله ی سوم هم این بود که دشمن دید اینجا دیگر نمیتواند کاری بکند؛ چون دید مسلمانان با این حمله ی غافلگیرانه نابود نشدند؛ کشته دادند، زخمی شدند، حتی پیغمبر اکرم مجروح شدند، اما خودشان را به بالای بلندی کشاندند. دشمن دید اگر بخواهد جنگ را ادامه دهد، باز اینها با روحیه مجدداً حمله میکنند، بنابراین او نمیتواند کاری بکند؛ این بود که دشمن مصلحت خود را این دانست که برود و رفت. یعنی درنهایت اگرچه مؤمنین خسارتی متحمل شدند و ضربه ی سختی خوردند، اما پیروزی آن چنانی هم نصیب دشمن نشد. این سه مرحله ی جنگ احد بود. (1)

ص: 323

عزم راسخ مسلمانان پس از جنگ احد؛ مانع حمله ی مجدد مشرکان

وقتی دشمنان مقداری از مدینه دور شدند، به ذهنشان رسید که مسلمانان دیگر آمادگی روی کوه را ندارند؛ به مدینه رفته اند و زخمی و کشته داده اند و از لحاظ جسمی و روحی خسته اند و نیاز به استراحت دارند، بنابراین الان وقت حمله است. خودشان را در نقطه ای در چند کیلومتری مدینه جمع کردند و منتظر فرصت بودند تا حمله کنند. به مدینه خبر رسید که دشمنان منتظرند تا به شما حمله کنند. «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ» (1)؛ عده ای برای اینکه خوف ایجاد کنند، آمدند خبر دادند که دشمن اجتماع کرده تا به شما حمله کند. منافقین هم بودند. اینجاها منافقین خیلی نقش ایفا میکنند. منافق را هم از همین حرفها باید شناخت. در اینجا پیغمبر چه کار کردند؟ فرمودند: کسانی که امروز در جنگ احد شرکت داشته اند و زخمی شده اند، حق ندارند سلاح را از خود دور کنند؛ همینها جمع شوند، میخواهیم حمله کنیم. کسانی که در جنگ احد نبودند، نباید بیایند. باینکه يك عده تازه نفس هم در شهر بودند، اما پیغمبر گفتند تازه نفس ها نباید بیایند، کسانی که امروز در جنگ بوده اند و خسته شده اند و زخم خورده اند، باید بیایند؛ میخواهیم به کسانی که بیرون شهر جمع شده اند، حمله کنیم. دستور پیغمبر بود؛ لذا اطاعت کردند و جمع شدند و پیغمبر دستور حمله دادند. آنها به وسیله ی جاسوسان خود فهمیدند که پیغمبر با این عزم راسخ دستور داده اند که حمله کنند؛ لذا با خودشان گفتند: نه، با اینها نمیشود جنگید؛ بگذاریم برویم؛ يك فرصت دیگر به سراغشان می آیم. «فَرَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ» (2)؛ مسلمانان، هم توانستند

ص: 324

- 1- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 173، ترجمه: «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند پس از آن بترسید.»
- 2- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیات 173 و 174، ترجمه: «و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است. پس با نعمت و بخششی از جانب خدا [از میدان نبرد] بازگشتند در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود.»

از جنگِ ناشده ی دوّم برگردند و هم نعمت خدا را داشتند. در روایت دارد که چیزهایی هم در آنجا به دستشان آمد و توانستند برگردند. «و فَضْلٌ لَمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ»؛ هیچ بدی هم به آنها نرسید. این درسِ اسلام است؛ یعنی خسته نشدن، ناامید نشدن، خود را کم ندیدن، قوّه ی خود را ناچیز ندیدن و دشمن را بزرگ نکردن؛ این معنای شجاعت است. (1)

وضعیت بدر و خیبر

وضعیت بدر و خیبر یعنی تهدید هست، چالش هست، اما بن بست نیست. در بدر امکانات کم بود، اما غلبه حاصل شد. امکانات طرف مقابل، چندین برابر؛ شاید در بعضی بخشها، غیر قابل مقایسه ی با امکانات جبهه ی اسلام بود. در خیبر سختی وجود داشت؛ رفتند مدّتها آنجا ماندند؛ مقاومت دشمن شدید بود؛ اما غلبه پیدا کردند. چالش هست؛ اما در قبال چالش، توان و قدرت و استعداد و ظرفیت هم وجود دارد. این، معنای وضعیت بدر و خیبر است. اگر این ظرفیت را به میدان آوردیم، اگر نقاط ضعف را کم کردیم، پیشرفت خواهیم کرد. (2)

مثالهایی از پیروزی ها و شکستهای ملتها

قرن بیستم میلادی - یعنی این قرنی که چند ماه قبل به پایان رسید - قرن تحوّلات عظیم اجتماعی و سیاسی است. ملتها هرکدام برحسب موقعیت، شرایط، استعداد و هوشیاری شان، زودتر یا دیرتر، به تحوّلات عظیمی دست پیدا کردند. البته همین جا عرض کنم که ملت ایران جزو اولین ملت‌هایی بود که در این قرن میلادی به يك تحوّل عظیم سیاسی و

ص: 325

1- . در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) 1382/3/3

2- . در دیدار کارگزاران نظام 1391/5/3

اجتماعی دست پیدا کرد؛ یعنی در سال 1905 یا 1906 میلادی که برابر است با 1324 یا 1325 قمری، ملت ایران زودتر از اغلب ملت‌های عالم به يك تحوّل سیاسی و اجتماعی نزدیک شد که آن تحوّل است که در دوران مشروطیت اتفاق افتاد. ملت ایران هوشیاری و پیشروی و مجاهدت و شرایط مناسب خودش را با این عمل ثابت کرد. علمای دین و دلسوزان جامعه، پیشوایان آن حرکت بودند. يك غفلت از سوی سیاستمداران وابسته ی به انگلیس آن زمان موجب شد که قدرتهای غربی و خارجی بتوانند از این حرکت ملت مسلمان سوءاستفاده کنند؛ عدالت خواهی ملت ایران را در قالب ازپیش ساخته ای مطابق نظریات خودشان بریزند و حرکت ملت ایران را منحرف کنند؛ بعد از چند سال هم سلسله ی پهلوی را بر سر کار آورند. در واقع نزدیک به شصت سال حرکت ملت ایران و تحوّل کشور را عقب انداختند. این کار را انگلیسی ها در حقّ ملت ایران کردند. در واقع دشمنی ای که در این دوره ی شصت هفتاد ساله با ملت ایران شد، یکی از دشمنی های فراموش نشدنی و بسیار مهم است؛ و الا قبل از کشور هند و روسیه و الجزایر و قبل از بقیه ی انقلابهای بزرگ قرن بیستم، ما وارد میدان تحوّل اجتماعی شدیم؛ ما آمدیم کشور و سازمان حکومت و نظام اجتماعی مان را متحوّل کنیم. ملت ما در تهران، در تبریز، در خراسان، در فارس، در بسیاری دیگر از نقاط این کشور، فداکاری های بزرگی هم کردند؛ منتها بیگانگان نگذاشتند؛ عامل هم آن سیاستمداران وابسته ی به غرب بودند. کسانی که آن روز با غربی ها و با قدرت دولت انگلیس میانه ی صمیمی و گرمی داشتند، حرکت ملت ایران را منحرف کردند؛ بعد هم رضاخان را سر کار آوردند؛ لذا تحوّل ملت ایران شصت سال عقب افتاد!

ملت‌های دیگر هم در این قرن هرکدام به گونه ای وارد این میدان شدند. در هندوستان این تحوّل اجتماعی به يك شکل انجام گرفت؛ در کشور روسیه

این تحوّل يك طور انجام گرفت؛ در کشور الجزایر این تحوّل به يك شکل دیگر انجام گرفت؛ در ده ها کشور، در آسیا و در آفریقا و در نقاط مختلف دیگر عالم، این تحوّل اجتماعی به شکل خاصی انجام گرفته است. همه ی این تحوّلات در يك نقطه باهم مشترکند و آن این است که در همه ی این تحوّلات، نیروهای بشری و انسانی بر نیروهای استکباری غلبه کردند؛ منتها این غلبه در یکجا غلبه ی واضح و قاطعی بود و اثر ماندگاری به جا گذاشت؛ اما در جاهای دیگر نه، اثر آن زودگذر بود و به خاطر غفلتها از بین رفت. این حقیقت روشنی است که هر جا ملّتها به نیروهای اثرگذار انسانی خودشان تکیه کنند، میتوانند بر نیروهای فشار و زوری که از طرف قدرتهای غاصب و ظالم و زورگو و غارتگر به میدان آورده میشود، غلبه کنند. (1)

مقاومت شهرهای اروپایی در برابر هیتلر و ناپلئون

صلح بی شك کلمه ای زیبا و جدّاب است؛ تا آن حد که آتش افروزان بزرگ بین المللی و پدیدآورندگان سلاحهای جهان سوز نیز بدان علاقه نشان میدهند، و ریاکارانه از آن دم میزنند. اما به نظر ما عدالت - واژه ای که زورمندان و متجاوزان همواره با ترس و احتیاط بدان مینگرند - از صلح بالاتر و مهم تر است. ای بسا مظلومانی که زندگی را و رفاه را و صلح را به خاطر رسیدن به عدالت فدا کرده اند، اینها همواره قهرمان شناخته شده اند. شهرهای اروپا هنوز به مقاومت خود در برابر تجاوز هیتلری افتخار میکنند، و لنینگراد هنوز به خودسوزی اش که ارتش ناپلئون را ناکام و مهیوت کرد و به مقاومت چهارساله اش در محاصره ی مهاجمین نازی به خود میبالد. (2)

ص: 327

1- . در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) 1379/3/14

2- . سخنرانی آیت الله خامنه ای در چهل و دوّمین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک 1366/6/31

مقاومت مردم بوشهر در برابر انگلیس

قبل از دوران مبارزات اخیر ملت ایران با رژیم ستم شاهی هم، مقاومت شما مردم در مقابل تهاجم دشمنان خارجی انگلیسی ها ورد زبان کسانی بوده است که با این قضایا آشنایی دارند. هم ماجراهای تهاجم انگلیسی ها به این منطقه و اشغال بوشهر که شجاعت‌های رئیس علی دلواری (1) برای ملت ایران يك یادگار ارزنده ی تاریخی است و هم پشتیبانی های شما از مبارزات مرحوم آیت الله سیدعبدالحسین لاری، جزو قضایای نادر زمان گذشته است. (2)

مقاومت ملت ایران در جنگ تحمیلی

هر ملت و انقلابی، دوران سختی دارد که باید از آن عبور کند؛ بعد از عبور از این مرحله، دوره ی پابرجایی و آسایش و خوشی های حقیقی - که ناشی از استقلال و آزادی و اتکاء به خود و خدا است - فرامیرسد. ملت ایران در حال گذراندن این دوران است، و تا یأس کامل دشمن میباید در مقابل هرگونه توطئه ای، آگاهانه و هوشیارانه، مقاومت و ایستادگی کند. شما نشان دادید که میتوانید دوره های دشوار را طی کنید. خدا را

ص: 328

1- . وی در سال 1299 ق در روستای دلواری متولد شد. در عصر انقلاب مشروطه، او جوانی 24 ساله بود. وی در یکی از شبهای اشغال بوشهر، با یورش بر سپاهیان انگلیسی، حضور سلحشورانه ی خود را اعلام کرد. انگلیسی ها که از پیش او را شناسایی کرده بودند، با قشونی مجهز، روستای دلواری را زیر آتش سلاحهای سنگین خود گرفتند. آیت الله سید عبدالله بلادی بوشهری برای دفاع از ایران و استقلال وطن، حکم جهاد علیه متجاوزان را صادر کرد؛ و این حکم نه تنها به رئیس علی دلواری و سران قیام قوت قلب داد، بلکه مبارزان بیشتری را وارد صحنه ی نبرد کرد. رئیس علی نامه ای برای آیت الله شیخ محمدحسین برازجانی ارسال کرد و جوابی دریافت نمود، که انتشار آن هم زمان با فتوای آیت الله سیدعبدالحسین لاری، موجب بسیج همگانی و خودجوش مردم شد و چهره ی منطقه را دگرگون کرد. سرانجام، وی هنگامی که مشغول مبارزه علیه قوای انگلیسی بود، در سال 1333 ق بر اثر تیری که از پشت به وی شلیک شد، به شهادت رسید. پیکر آن مرحوم، پس از شش ماه امانت در یکی از امامزاده های اطراف دلواری، جهت خاکسپاری، به قبرستان وادی السلام نجف اشرف انتقال داده شد.

2- . در اجتماع بزرگ مردم بوشهر 1370/10/11

شکر میکنیم که توفیق داد تا بیشترین مدت سختی و دشواری جنگ هشت ساله ی تحمیلی را بگذرانید و آبدیده شوید. (1)

پیروزی حزب الله

لبنان قبل از اینکه برای جهان سوّم يك مشکل باشد، يك درس است؛ مقاومت موفّق مسلمانان لبنان علیه حضور نیروهای بیگانه و متجاوز به بهترین وجه ثابت نموده که گناه تحکیم سلطه و تجاوز امپریالیسم را در هیچ نقطه ای از جهان سوّم نمیتوان به گردن فقدان شرایط مادی انداخت؛ روحیه ی ستم ناپذیری تنها عاملی است که میتواند توفیق مبارزه ی مسلمانان لبنان را توضیح دهد؛ حمایت از این مبارزه ی باشکوه و حماسی تا قطع کامل نفوذ قدرتها و رژیم صهیونیستی از لبنان باید عنصر اساسی سیاست واحد جنبش در قبال مسئله ی لبنان باشد. (2)

مقاومت و سازش در تاریخ فلسطین

این انتفاضه، قیام مردمی است که از همه ی روشهای سازشکارانه ناامید شده و دریافته اند که پیروزی صرفاً در گروی مقاومت خود آنان است. مردم فلسطین در انتفاضه ی قبلی خود متحمل خسارتهای فراوان شدند و شهدا و جانبازان بسیاری را در راه اسلام و آزادی سرزمین اسلامی تقدیم کردند؛ اما در نهایت مذاکرات اسلو آن را متوقّف کرد. نتیجه ی اسلو چه بود؟ امروز حتّی طرّاحان و مدافعان فلسطینی اسلو هم دیگر از آن دفاع نمیکنند؛ زیرا عملاً فهمیدند که اسرائیل فقط میخواست مشکل خود را حل کند؛ یعنی از رویارویی مبارزین سنگ به دست خلاص شود و ضربه پذیری خود را کم کند. اگر چیز اندکی به طرف فلسطینی داد و نام آن را اعطای امتیاز

ص: 329

1- . در مراسم بیعت جمع کثیری از عشایر عرب خوزستان و مردم نجف آباد 1368/3/19

2- . در هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد 1365/6/14

گذاشت، صرفاً برای خاموش کردن آتش انتفاضه و کم کردن آسیب پذیری خودش بود. به محض آنکه مشکل خود را حل شده دید و به غلط احساس کرد که مردم فلسطین دیگر توان از سرگیری انتفاضه و مقاومت و رویارویی با آنها را ندارند، اعطای همان امتیازات اندک را هم متوقف کرد و فزون طلبی ذاتی خود را آشکار ساخت. فرایند روند سازش و طرح اسلو، مردم فلسطین را در حالتی قرار داد که دریافتند راهی جز قیام ندارند. (1)

الگوی مقاومت و مبارزه پیش روی ما است؛ یعنی میتوان با مقاومت و مبارزه و البته تحمل خسارت، به پیروزی رسید. درعین حال الگوی شکست نیز پیش روی ما است و آن دل بستن به روشهای سازشکارانه و کاسه ی گدایی صلح در دست گرفتن است؛ نتیجه ی آن نیز تحقیر، به ذلت کشاندن و درنهایت تحمیل يك طرفه ی خواسته های اسرائیل است که این را نیز عیناً مشاهده کردیم. (2)

باید ملت مسلمان فلسطین را تجهیز کنند، به او کمک کنند و به او دلگرمی دهند تا بتواند جهاد شجاعانه ی خود را دنبال کند. البته به شما بگویم: امروز ملت فلسطین با مقاومت و ایستادگی و شجاعت و خستگی ناپذیری خود ثابت کرده است که خون در مقابل شمشیر میتواند بایستد و ان شاءالله ثابت خواهد کرد که خون بر شمشیر پیروز است. (3)

قبول حق هسته ای؛ با ایستادگی ملت

جمهوری اسلامی به توفیق الهی و به حول و قوه ی الهی، مقتدر و قوی است، روزه روز هم قوی تر شده است. ده سال، دوازده سال است که شش دولت بزرگ جهانی - که از لحاظ ثروت اقتصادی و غیره، جزو کشورهای

ص: 330

1- . در هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد 1365/6/14

2- . در مراسم گشایش کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه ی فلسطین 1380/2/4

3- . خطبه های نماز عید سعید فطر 1380/9/25

مقتدر دنیا محسوب میشوند - اینها نشسته اند در مقابل ایران، با هدف اینکه ایران را از پیگیری صنعت هسته ای خودش بازدارند؛ این را صریحاً گفته اند. هدف واقعی آنها این است که پیچ و مهره های صنعت هسته ای بکلی باز بشود؛ این را سالها پیش هم به مسئولین ما صریحاً بیان کردند، الان هم در همین آرزو هستند. ده سال، دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه [اش] این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمّل کنند؛ ناچار شدند ادامه ی این صنعت را در کشور تحمّل کنند؛ ناچار شدند ادامه ی تحقیقات و توسعه ی این صنعت را تحمّل کنند. تحقیق و توسعه ی صنعت هسته ای ادامه خواهد یافت؛ گردش صنعت هسته ای ادامه خواهد یافت؛ این چیزی است که آنها سالها تلاش کردند، [ولی] امروز روی کاغذ آوردند و امضا دارند میکنند که حرفی ندارند. این معنایش چیست جز اقتدار ملت ایران؟ این بر اثر ایستادگی ملت، مقاومت ملت، و بر اثر شهامت و ابتکار دانشمندان عزیز ما است. رحمت خدا بر شهریارهای و رضائی نژادها و احمدی روشن ها و علی محمدی ها؛ رحمت خدا بر شهدای هسته ای، رحمت خدا بر خانواده های اینها، رحمت خدا بر ملّتی که پای حرف حقّ خود و احقاق حقّ خود می ایستد. (1)

ص: 331

فصل اول: جنگ سخت

فصل دوم: جنگ نرم

1- تحریم اقتصادی

2- نفوذ

1-2- نفوذ فردی و موردی

2-2- نفوذ جریانی برای تغییر محاسبات و ذهنیتها

3- تبلیغات رسانه ای

4- تهاجم فرهنگی برای خارج کردن مردم و بویژه جوانان از جبهه ی مقاومت

5- سوءاستفاده از مذاکره

6- حمله به اصول

7- ترویج ابتدال با هدف شکستن مقاومت جمهوری اسلامی

8- ایجاد اختلاف و تفرقه

ص: 335

دشمن راز پیروزی ما در خرمشهر و خرمشهرها را به چشم دید و فهمید این ملت اگر پرچم اسلام و ایمان را برافراشته نگه دارد، در همه ی میدانها پیروز خواهد شد؛ بنابراین سعی کردند این پرچم را سرنگون کنند. امروز همه ی تلاش آمریکا و دستگاه و جبهه ی استکبار این است که عنصر قدرت و قوت و مقاومت را از ما بگیرد؛ یعنی میخواهد ایمان و اتکاء به نفس و امید و اتحاد را در ما تضعیف کند. ملتی که ایمان و اتحاد نداشته باشد و نسبت به آینده مأیوس باشد، پیدا است که در همه ی میدانها شکست خواهد خورد؛ در سیاست هم شکست میخورد، در اقتصاد هم شکست میخورد، در سازندگی کشور هم شکست میخورد. آنها میخواهند اینها را از ما بگیرند. (1)

ابزارهای دشمنی این دشمن به ظاهر مقتدر نامحدود نیست؛ چند ابزار اساسی دارد که اینها ابزارهای فعال او است: یکی تبلیغات است - ایران هراسی - یکی نفوذ است، یکی هم تحریم است. (2)

آنچه آنها در مورد کشور عزیز ما و شما ملت شجاع و مؤمن ایران - بخصوص شما جوانان - آرزو دارند، مجموعه ی چند چیز است که در کنار

ص: 337

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر 1381/3/1

2- . در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس 1395/1/1

هم آن را دنبال میکنند... این اهداف را دنبال میکنند. من میخواهم این را بگویم: آنچه آنها انجام میدهند، کارهایی است که خودشان هم نامیدند که به نتیجه برسد و میدانند به نتیجه نخواهد رسید. اگر ما هوشیار باشیم و وظیفه‌ی خود را بدانیم و به آن عمل کنیم، همه‌ی تدابیر دشمن، ناموفق خواهد بود. (1)

لزوم شناخت نقشه‌ی دشمن برای دفاع خوب یا حمله‌ی پیش‌دستانه

توجه داشته باشید: مهم این است که در هر دوره‌ای از دوره‌ها ما بفهمیم دشمنی دشمن چگونه است و چه کار دارد با ما میکند؛ نقشه‌ی دشمن را بفهمیم؛ درست مثل جنگ نظامی. در جنگ نظامی اگر شما توانستی حدس بزنی که نقشه‌ی دشمن چیست، پیشگیری میکنی، خودت را آماده میکنی؛ یا دفاع خوب میکنی یا حمله‌ی پیش‌دستانه میکنی؛ در جنگ نظامی این جور است. در جنگ تبلیغاتی، در جنگ اقتصادی، در جنگ فرهنگی، در جنگ امنیتی، در جنگ نفوذ - اینها همه جنگ است - در همه‌ی اینها قضیه‌ی این است: باید حدس بزنی دشمن چه کار میخواهد بکند. (2)

لورفتن نقشه‌های آمریکا برای ملت ایران

البته نقشه‌های آمریکا در مورد ملت ایران لورفته؛ نقشه‌ای که بتوانند آن را عمل بکنند و ضربه وارد کنند دیگر ندارند؛ هر کاری که میتوانستند کرده‌اند، نقشه‌های آینده‌شان هم لورفته است. هدف و نقشه‌ی آمریکا با این کارهای اخیر - این کارهایی که در این یکی دو سال گذشته کردند که قلم درشتش تحریم همه‌جانبه‌ی اقتصادی است - و کارهایی که

ص: 338

1- . در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز سیزده آبان 1381/8/13

2- . در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سراسر کشور 1396/10/6

دارند میکنند، توطئه هایی که دارند میکنند که مأمورین مخصوصی برای مقابله ی با ایران میگذارند، به دشمنان گوناگون ایران - منافقین و امثال اینها - کمک میکنند، این است که بلکه بتوانند به کمک تحریم و به کمک کارهای ضدّ امنیتی و مانند اینها در جمهوری اسلامی، در کشور عزیز ایران اسلامی ما دودستگی و اختلاف و جنگ داخلی و مشکلات ایجاد کنند؛ هدفشان این است، همه ی تلاش خودشان را هم در این راه مصرف کردند.

اینها اوّل امسال که سال 97 است - یا اندکی قبل از امسال، اوایل سال جاری مسیحی - اعلام کردند که ایران تابستان داغی خواهد داشت؛ مقصودشان این بود که ما در تابستان به سراغ ایران میرویم و نقشه های ما در ایران تحقّق پیدا خواهد کرد؛ یعنی همین اختلاف و دعوا و این را بکش به خیابان و آن را بیاور در عرصه و [بین] این گروه با آن گروه، آن گروه با آن گروه [دیگر]، جنگ راه می اندازیم، دعوا راه می اندازیم؛ هدفشان این بود. به کوری چشم آنها تابستان امسال یکی از بهترین تابستانهای سال بود. بعد هم گفتند جمهوری اسلامی چهل سالگی را نمیبیند؛ یعنی در پاییز و زمستان امسال همان توطئه ها را عمل خواهیم کرد. ملت ایران با استحکام تمام ایستاده است؛ به توفیق الهی در بیست و دوّم بهمن، این ملت سالگرد چهلم انقلاب اسلامی را با شکوه بسیار بهتر از سالهای قبل برپا خواهد کرد. (1)

براندازی، استحاله و نفوذ؛ سه هدف دشمن

اشاره

هدفهایی که آنها دنبال میکردند، در درجه ی اوّل، سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود؛ هدف اوّل، براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقّق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب،

ص: 339

سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه ی 88 بود؛ در حقیقت، يك تلاشی بود. يك عده ای در داخل، به خاطر حبّ به نفس، حبّ به مقام از این قبیل امراض خطرناك نفسانی - اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته ام؛ طراح و نقشه کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست؛ در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوّم.

هدف سوّم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی میماند، از عناصر ضعیف التّفسی که میتوان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد - عمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشد - در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینها است. (1)

فصل اوّل: جنگ سخت

اشاره

دشمن چند جور حمله میکند: يك جور حمله های سخت است؛ جنگ سخت. این را دشمن تجربه کرد و شکست خورد. جنگ هشت ساله ای که علیه ما به راه افتاد، از این قبیل بود؛ جنگ بین المللی بود؛ یکی به صدام ابزار شیمیایی داد، یکی هواپیمای میگ داد، یکی هواپیمای میراژ داد، یکی امکانات ضدّ هوایی داد، یکی نقشه های جنگی داد؛ حتّی نقشه های جنگی و ساخت سنگرها هم با کمک دیگران بود. اینها همه کمکش کردند که بلکه این جنگ را او ببرد؛ و نتوانست.

ص: 340

حمله‌ی سخت یک نمونه‌اش جنگ هشت ساله است. یک نمونه، شورش‌های قومی است که در کشور - در همه‌ی مرزهای کشور - راه انداختند که یادتان هست که همه‌جا جنگ راه انداختند و شورش راه انداختند؛ [دشمن] نتوانست فائق بیاید. اینها جنگ سخت بود. کارهای تروریستی را، جریانهای تروریستی را یا فعال کردند یا به وجود آوردند؛ آمریکا به سگوی نفتی حمله کرد؛ آمریکا هواپیمای مسافری را ساقط کرد؛ هرچه توانستند کردند؛ اینها جنگ سخت است. (1)

شکست دشمن در جنگ سخت

در همه‌ی اینها شکست خوردند؛ در مقابل ملت ایران و در مقابل امام بزرگوار شکست خوردند و بیشتر مرعوب شدند. امام بزرگوار با آن قدرتی که خدای متعال به او داده بود، به خاطر توکل و تقوایی که داشت، به خاطر بصیرتی که داشت، به خاطر دلدادگی به هدف که در آن بزرگوار بارز و آشکار بود، خدای متعال در او هیبت قرار داد، به طوری که دیگران میترسیدند، دشمنان از امام به معنای واقعی کلمه مرعوب بودند؛ «كَانَهُمْ حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ. فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ» (2)؛ مثل فریاد شیری که میترساند حیوانها را، فریاد امام و نوای امام اینها را میترساند، مرعوب میشدند. خب، اینها در این مرحله شکست خوردند. (3)

هدف دشمن از حمله به جهان اسلام؛ از بین بردن کانون مقاومت

در دوران معاصر از ده‌ها سال پیش به این طرف، به برکت همان تعالیم

ص: 341

1- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1395/3/6

2- . سوره‌ی مدثر، آیات 50 و 51، ترجمه: «به خران رمنده‌ای مانند که از پیش شیری گریزان شده‌اند.»

3- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1395/3/6

و بازگشت به آنها بیداری اسلامی آغاز شد و پرچم توحید بار دیگر به اهتزاز درآمد که اوج این حرکت، تشکیل نظام جمهوری اسلامی در این نقطه‌ی حسّاس از دنیای اسلام بود که باز آحاد مسلمانها احساس هویت و عزّت کردند. امروز هم ما در مقابل همان تجربه‌ی ای قرار داریم که امت اسلامی در قرون شروع انحطاط و زوال، در مقابل آن قرار داشت. امروز هم علیه امت اسلام جنگی را آغاز کرده‌اند، تا این حرکت را در نطفه خفه کنند. امروز هم قدرتهای جهان خوار و مستکبر، با طمع بستن به منابع عظیم و ذخایر بی پایان طبیعی و انسانی دنیای اسلام - آن طور که خودشان صریحاً هم میگویند - جنگی را شروع کرده‌اند که پرچمهای این جنگ از سوی استکبار، پرچمهای مزورانه است؛ پرچم دموکراسی و پرچم آزادی است؛ اما باطن قضیه چیز دیگری است؛ باطن قضیه نبود کردن عنصر عزّت امت اسلامی - یعنی اسلام - است؛ باطن قضیه از بین بردن کانون مقاومت است، تا هیچ مانعی در مقابل جهان خواران در این منطقه وجود نداشته باشد. (1)

هرج و مرج و جنگ داخلی و تحریم و جنگ رسانه ای

اگر این تاکتیک (2) نیز به نتیجه نرسد، تجربه‌ها به ما میگوید که آنگاه روشهایی چون هرج و مرج و تروریزم و جنگ داخلی میان پیروان ادیان یا قومیتها یا قبایل و احزاب و یا حتی میان ملتها و دولتهای همسایه، و همراه با آن، حصر اقتصادی و تحریم و بلوکه کردن سرمایه‌های ملی و نیز هجوم همه جانبه‌ی تبلیغاتی و رسانه‌ای را در پیش خواهند گرفت. مقصود آنان از این همه، خسته و نومید کردن مردم و مردّد و پشیمان کردن مبارزان است؛

ص: 342

1- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت مبعث فرخنده‌ی پیامبر مکرم اسلام (ص) 1383/6/23

2- . نفوذ

که میدانند در این صورت، شکست دادن انقلاب، ممکن و آسان خواهد شد. (1)

ترور فیزیکی و شخصیتی نخبگان صالح و خریدن سست عنصران

ترور نخبگان صالح و مؤثر یا بدنام کردن برخی از آنان و از سویی خریدن کسانی از سست عنصران، نیز در شمار روشهای متداول قدرتهای غربی و مدعیان تمدن و اخلاق است.

در ایران اسلامی، اسناد لانه ی جاسوسی که به دست انقلاب افتاد، نشان داد که همه ی این توطئه ها، به دقت از سوی رژیم ایالات متحده ی آمریکا برای ملت ایران برنامه ریزی شده بود. برای آنان بازگرداندن ارتجاع و استبداد و حاکمیت وابسته در کشورهای انقلابی، اصلی است که همه ی این روشهای کثیف را تجویز میکند. (2)

فصل دوم: جنگ نرم

اشاره

مرحله ی دیگری از مقابله و معارضة ی آنها، عبارت بود از حمله ی نرم. (3)

هدف دشمن در جنگ نرم؛ دور کردن مردم از جهاد و مقاومت

امروز هدف جنگ نرم دشمن و جنگ پنهان دشمن، این است که مردم را از عرصه ی جهاد و مقاومت دور کند، مردم را نسبت به آرمانها بی تفاوت کند؛ هدفشان این است. تبلیغات وسیعی که میلیاردها دارند خرجش میکنند، با این هدف انجام میگیرد که ملت ایران را - که با مقاومت خود، با ایستادگی خود توانسته قدرتهای جهانی را، سلطه های بزرگ را در

ص: 343

1- . در اجلاس بین المللی بیداری اسلامی 1390/6/26

2- . همان

3- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1395/3/6

بسیاری از خواسته‌هایشان ناکام بگذارد - مأیوس کنند و از صحنه خارج کنند؛ هدف این است. حتی اگر فشار اقتصادی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار سیاسی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار امنیتی هم می‌آورند، هدف این است. اینکه ما خیال کنیم دشمن يك جنگی را میخواهد شروع کند و يك بخشی از کشور را تصرف کند، اینها يك چیزهای قدیمی ای است؛ امروز اینها مطرح نیست و دشمن این را نمیخواهد. امروز دشمن اگر هم به فرض، يك کار نظامی را انجام میدهد، با آن هدف است؛ با هدف تصرف فضای فکری و روحی کشور است؛ [اگر] کار اقتصادی میکنند به این نیت است؛ [اگر] کار امنیتی میکنند، کار روانی میکنند، از فضای مجازی استفاده میکنند، از ماهواره استفاده میکنند، از رادیوها و تلویزیون‌ها استفاده میکنند، از مبلغان دهان به مزد و سخن به مزد در اطراف دنیا استفاده میکنند، همه با این هدف است. (1)

تلاش دشمن در جنگ نرم؛ زمینه سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت

در يك کلمه: تلاش در این جنگ نرم، زمینه سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت است؛ میخواهند کاری کنند که نظام اسلامی از عناصری که در درون او است و مایه ی اقتدار او است، تهی بشود و خالی بشود. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ میخواهند او را وادار کنند به تبعیت. (2)

ص: 344

1- . در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره ی شهدای استانهای کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی 1395/7/5

2- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1395/3/6

اشاره

يك نکته ای در اینجا وجود دارد که از آن نباید غافل شد؛ در جنگهای عمقی که حالا امروز به آن گفته میشود جنگ نرم، جنگهای عمیق - از جمله، جنگهای فرهنگی که جزو جنگهای عمقی است - برخلاف جنگهای نظامی، نتایج کوتاه مدّت تعیین کننده نیست؛ جنگ طول میکشد. در جنگ نظامی، يك طرف بالاخره بر دیگری فائق می آید، او را سرکوب میکند و مسئله تمام میشود. ما توانستیم در طول هشت سال مقاومت، نیروی متجاوز صدامی را از کشور بیرون کنیم و قضایا تمام شد. در جنگ نرم، در جنگ عمیق، در جنگ فرهنگی، قضیه این نیست؛ شما در يك مرحله پیروز میشوید اما این به معنای پیروزی دائمی نیست؛ باید انتظار داشته باشید که طرف مقابل مجدداً خودش را آماده کند، جمع و جور کند و حمله بکند؛ و این اتفاق افتاد؛ همان آفت وابستگی، بعد به شکلهای دیگری در کشور باز تولید شد؛ چون بالاخره دشمنان عامل دارند؛ خب اینکه قابل انکار نیست. (1)

1 - تحریم اقتصادی

اشاره

حمله ی نرم يك نوعش همین چیزهایی است که مشاهده کردید: تحریم اقتصادی، تبلیغات اغواگر و امثال اینها. اینها کارهایی است که دشمن از روز اول شروع کرد و ادامه داد؛ به خیال خودشان تحریمهای فلج کننده ای را نسبت به جمهوری اسلامی اعمال کردند. (2)

شکست دشمن در جنگ نرم

این هم اثر نکرد؛ این هم نتوانست. آنها میخواستند جمهوری اسلامی

ص: 345

1- . در دیدار نخبگان علمی جوان 1395/7/28

2- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1395/3/6

را با این تحریمها و با این محاصره ی اقتصادی فلج کنند، [ولی] جمهوری اسلامی فلج نشد. در همان دوران تحریم، کارهای بزرگی انجام گرفت. بنده در يك گزارشی خواندم از قول يك ژنرال وابسته به رژیم صهیونیستی که همان وقت در مجلات خارجی منتشر شده بود؛ گفته بود من با ایران دشمنم، ایران را دوست نمیدارم اما تحسین میکنم؛ اینها توانستند در عین تحریم فلان موشک را - يك موشکی آن وقت تازه آزمایش شده بود و اینها با ماهواره و امثال آن ردگیری کرده بودند و فهمیده بودند - به وجود بیاورند؛ من تحسین میکنم! در عین تحریم، در حال تحریم، بدون کمک دیگران و با فشارهای اقتصادی [این کارها شد]. یکی از [موارد] جنگ نرمی که انجام دادند، زدن عقبه های جمهوری اسلامی در برخی از کشورهای دیگر بود؛ که مجموعه هایی را که جزو عقبه های جمهوری اسلامی محسوب میشدند و عمق راهبردی جمهوری اسلامی محسوب میشدند، تارومار کردند و در خیلی از کشورها زدند؛ یا تارومار کردند یا بالاخره به آنها ضربه زدند. این هم اثری نکرد و نتوانست؛ اینها هیچ کدام راه به جایی نبرد. پس هم جنگ سختشان شکست خورد، هم جنگ نرمشان. (1)

هدف دشمن از تحریم؛ عصبانی کردن مردم

[آنها] تحریم کردند برای اینکه مردم را عصبانی کنند و به خیابان بکشانند. بنده این را چند سال پیش گفتم؛ (2) بعضی ها گفتند این تحلیل است؛ بله، شاید آن روز تحلیل بود اما امروز خبر است؛ خودشان گفتند؛ افراد متعددی از آنها در بیانات مختلف گفتند هدف ما این است که مردم را از نظام جمهوری اسلامی، از دولت جمهوری اسلامی عصبانی کنیم. میخواستند مردم را به خیابان بکشانند؛ [اما] مردم ما ایستادند؛ این

ص: 346

1- . همان

2- . از جمله، در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی 1393/1/1

مقاومت مردم، این ایستادگی مردم پشتوانه‌ی کار سیاسی و دیپلماسی و مذاکره و این حرفها شد. دشمن مجبور شد؛ همین مقداری که عقب نشینی کرد، به خاطر این بود که ملت از خودش اقتدار نشان داد؛ دولت جمهوری اسلامی از خودش اقتدار نشان داد، عزت نشان داد. البته من شخصاً معتقدم که میشد ما از این بهتر هم انجام بدهیم؛ خوب، بالاخره توان و فرصت و امکانات همین اندازه را اقتضا کرد؛ ولی همین اندازه پیشرفتی که انجام گرفت، کار قابل توجهی است، کار مهمی است و این به خاطر پشتیبانی ملت، به خاطر اقتدار ملی، به خاطر اتصال فراوان نظام جمهوری اسلامی با آحاد مردم و بدنه‌ی مردم بود. (1)

2 - نفوذ

ضرورت هوشیاری در برابر نفوذ اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و سیاسی

امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم اهمیت ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم اهمیت ترین [هم] نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم اهمیت است. نفوذ امنیتی عوامل خودش را دارد، مسئولین گوناگون - از جمله خود سپاه - جلوی نفوذ امنیتی دشمن را با کمال قدرت ان شاءالله میگیرند.

در زمینه های اقتصادی، چشمهای بینای مسئولین اقتصادی بایستی باز باشد و مواظب باشند که [دشمنان] نفوذ اقتصادی پیدا نکنند؛ چون نفوذ دشمن پایه ی اقتصاد محکم را متزلزل میکند. آنجایی که نفوذ اقتصادی کردند، آنجایی که توانستند خودشان را بر اقتصاد کشورها

ص: 347

و ملّتها مثل يك بختکی (1) سوار بکنند، پدر آن کشورها درآمد. اینجا ده پانزده سال قبل از این، رئیس یکی از همین کشورهایی که جزو کشورهای پیشرفته ی منطقه ی ما بود، در سفری که به تهران داشت و پیش ما آمد به من گفت آقا ما به خاطر نفوذ اقتصادی در ظرف يك شب تبدیل شدیم به فقیر، به گدا؛ راست میگفت. فلان سرمایه دار، به خاطر فلان خصوصیت اراده میکند این کشور را به زانو دریاورد: سرمایه ی خودش را میکشد بیرون یا تصرفاتی میکند که اقتصاد آن کشور به زانو دریااید. این هم البتّه خیلی مهم است؛ اما در قبال اقتصاد فرهنگی، اقتصاد سیاسی، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی اهمیتش، کمتر است و از همه مهم تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است.

دشمن سعی میکند در زمینه ی فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند؛ و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد جابه جا کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به وجود بیاورد. خرجها میکنند؛ میلیاردها خرج میکنند برای این مقصود. این رخنه و نفوذ فرهنگی است.

نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم گیری، و اگر نشد تصمیم سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه های سیاسی و دستگاه های مدیریتی يك کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه ی تصمیم گیری ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده ی مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور میشوند. وقتی يك کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت گیری آن کشور در دستگاه های مدیریتی، بر طبق اراده ی آنها است؛ آنها هم همین را میخواهند. آنها دوست نمیدارند که يك نفر از خودشان را بر يك کشوری مسلط بکنند، مثل آن چیزی که در اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 در هند این کار را کردند؛

ص: 348

از خودشان آنجا مأمور داشتند؛ يك نفر از انگلیس رئیس هند بود. امروز این امکان پذیر نیست؛ برای آنها بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آنها فکر کنند، مثل آنها اراده کنند، مثل آنها و برطبق مصالح آنها تصمیم بگیرند. این نفوذ سیاسی است. [هدف این است که] در مراکز تصمیم گیری نفوذ کنند، اگر نتوانستند در مراکز تصمیم سازی [نفوذ کنند]؛ زیرا جاهایی هست که تصمیم سازی میکند. اینها کارهایی است که دشمن انجام میدهد.

اگر چنانچه ما بیدار باشیم، امید آنها ناامید خواهد شد. آنها منتظر نشسته اند که يك روزی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران خوابش ببرد؛ منتظر این هستند. وعده میدهند که ده سال بعد، ایران آن ایران نیست و دیگران هم که دیگر کاری نمیکند! تصوّرشان این است. نباید گذاشت این فکر و این امید شیطانی در دل دشمن پابگیرد؛ باید آن چنان پایه های انقلاب و فکر انقلابی در اینجا مستحکم باشد که مُردن و زنده بودن این و آن و زید و عمرو، تأثیری در حرکت انقلابی این کشور نگذارد؛ این وظیفه ی اساسی نخبگان سپاه و همه ی نخبگان انقلابی این کشور است. (1)

مذاکره ی با آمریکا یعنی نفوذ

معنای اینکه میگوییم با آمریکا مذاکره نمیکنیم این نیست که با اصل مذاکره مخالفیم؛ نه، با مذاکره ی با آمریکا مخالفیم. این يك علّتی دارد؛ این را انسان هوشمند باید بفهمد که چرا؛ وَاَلاَ با دیگران هم که مذاکره میکنیم، آن چنان دوستان یقه چاک ما که نیستند؛ بعضی از آنها دشمنند، بعضی بی تفاوتند؛ با آنها مذاکره میکنیم مشکلی هم نداریم؛ اما مذاکره ی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، یعنی نفوذ؛ تعریفی که آنها برای مذاکره

ص: 349

کردند این است و آنها میخواهند راه را برای تحمیل باز کنند. امروز غول عظیم تبلیغاتی دنیا در مشت آمریکا است؛ امروز جریان صهیونیستی بشدت دشمن بشریت و دشمن فضیلت، با آمریکا، هر دو در يك لباسند، دستشان از يك آستین می آید بیرون و باهم هستند. مذاکره ی با اینها یعنی راه را باز کردن برای اینکه بتوانند، هم در زمینه ی اقتصادی، هم در زمینه ی فرهنگی، هم در زمینه های سیاسی و امنیتی کشور نفوذ کنند. (1)

نقشه ی آمریکا؛ نفوذ

بنده از چندی پیش گفتم مراقب نفوذی ها باشید؛ بعضی ها بیخود، برآشفته شدند؛ برآشفستگی ندارد. آمریکایی ها برای بعد از دوران مذاکرات هسته ای، يك نقشه برای داخل ایران داشتند، يك نقشه برای منطقه. این برای ما روشن بود و روشن شد. نقشه برای ایران داشتند، هنوز هم دارند؛ نقشه برای منطقه داشتند، هنوز هم دارند؛ دارند تلاش هم میکنند؛ میدانند که در مقابل اهداف پلید آنها در منطقه چه کسی محکم ایستاده؛ این را هم میدانند و متوجهند. خب، وقتی که دشمن برای داخل کشور برنامه دارد، چه کار میکنند؟ از نفوذی استفاده میکند. (2)

روی آوردن دشمن به نفوذ پس از ناامید شدن از کودتا

اشتباه نشود! این نفوذ برای این نیست که از یکجایی کودتا بشود؛ نه، میدانند که در ایران، در جمهوری اسلامی، با ساختی که جمهوری اسلامی دارد کودتا معنی ندارد. یکجایی يك وقت داخل فلان نیروی مسلح نفوذ میکنند برای اینکه بیایند کودتا کنند، یکی را ببرند، یکی را بیاورند؛ نه، این نفوذ برای کودتا نیست. (3)

ص: 350

1- . در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده های آنان 1394/7/15

2- . در دیدار مردم نجف آباد 1394/12/5

3- . همان

اشاره

واقعیت فراموش نشود؛ دشمن دارد برای نفوذ طراح می‌کند. نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است، یک نفوذ جریانی است. (1)

2-1 - نفوذ فردی و موردی

اشاره

نفوذ موردی خیلی نمونه دارد؛ معنایش این است که فرض کنید شما یک دم و دستگاهی دارید، یک مسئولی هستید، یک نفر را با چهره‌ی آرایش شده، بزرگ شده، با ماسک در مجموعه‌ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است در حالی که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم اهمیت‌ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض می‌کند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم‌گیر هستید، می‌توانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگر چنانچه این حرکت را این جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می‌آید کاری می‌کند که شما حرکت را این جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم‌سازی. در همه‌ی دستگاه‌ها سابقه هم دارد؛ فقط هم دستگاه‌های سیاسی نیست، دستگاه‌های روحانی و دینی و مانند اینها هم همیشه وجود داشته. مرحوم آقای آسیدحسن تهامی که از علمای بزرگ کشور ما و ساکن بیرجند بود، رفته بود در بیرجند مانده بود؛ ملای خیلی بزرگی بود، اگر در قم یا نجف میماند، حتماً مرجع تقلید میشد؛ مرد بسیار دانایی بود. ایشان خودش برای من نقل کرد؛ گفت آن وقتی که عراقی‌ها با انگلیس‌ها می‌جنگیدند در [سال] 1918 - قریب صد سال پیش - یکی از مراجع وقت، یک نوکری داشت که خیلی مرد خوبی

ص: 351

بود، با طلبه ها گرم میگرفت، صحبت میکرد، با همه آشنا بود، با همه رفیق بود؛ اسمش را هم ایشان میگفت؛ من یادم نیست. گفت بعد که انگلیس ها غلبه پیدا کردند و عراق را تصرف کردند و آخرین جا نجف بود که وارد نجف شدند، خبر رسید به طلبه ها که این نوکر فلان آقا، يك افسر انگلیسی است! گفت من باور نکردم؛ گفتم مگر میشود چنین چیزی؟ بعد میگفت در بازار حویش - بازار معروفی است در نجف - داشتم میرفتم، دیدم هفت هشت ده نفر افسر انگلیسی و نظامی انگلیسی سوار اسب دارند می آیند آن وقت با اسب رفت و آمد میکردند - يك افسری هم جلویشان است؛ خب، من کنار و ایستادم که اینها بیایند رد شوند؛ وقتی رسیدند به من، دیدم آن افسری که جلو بود، از آن بالا گفت: آقای آسید حسن، حالت چطور است! نگاه کردم دیدم بله، همان آقایی است که نوکر فلان مرجع بود؛ سالها ما این را میدیدیم. گاهی نفوذ این جوری است؛ نفوذ شخصی است؛ وارد خانه ی کسی، وارد دستگاه کسی میشوند. در دستگاه های سیاسی هم الی ماشاءالله از این قبیل وجود داشته است؛ امروز هم ممکن است باشد؛ البته خطرناک است. (1)

نفوذی ناآگاه

معنای نفوذی این نیست که حتماً رفته باشد پول گرفته باشد برای اینکه بیاید در فلان دستگاه نفوذ کند و خودش هم بداند چه کار دارد میکند؛ نه، گاهی نفوذی، نفوذی است، خودش هم نمیداند! امام (رضوان الله علیه) فرمودند گاهی حرف دشمن با چند واسطه از دهان مردمان موجه شنیده میشود. امام هوشیار بود، امام مجرب بود. دشمن يك چیزی میگوید، يك چیزی میخواهد، این را با وسایل گوناگونی، با چند واسطه کاری میکند که از زبان فلان آدم موجه که نه پولی از دشمن گرفته، نه تعهدی به دشمن داده،

ص: 352

بیرون بیاید. مگر ندیدیم اینها را؟ مگر تجربه نکردیم اینها را؟ در همین مجلس شورای اسلامی مگر ندیدیم که يك نماینده ای آمد نظام را متهم کرد به دروغ گویی! گفت ما ده سال است، سیزده سال است داریم به دنیا دروغ میگوییم، در تریبون مجلس شورای اسلامی! در این منبر عمومی! خب، او حرف دشمن را دارد میزند؛ دشمن به ما میگفت شما دروغ میگوید! حالا یکی از خود ما پیدا میشود میگوید نظام دارد دروغ میگوید! این نفوذی نیست؟ احیاناً خودش هم خبر ندارد و نمیداند. مجلسی داشتیم که در حال مذاکرات گرم دشوار هسته ای در دورانی که رئیس جمهور محترم فعلی ما رئیس مذاکرات هسته ای بود و داشتند با زحمت، با شدت حرف میزدند، با طرفهای مقابل مجادله میکردند و در واقع مبارزه میکردند برای اینکه حرف ایران را سبز کنند، در مجلس طرح سه فوریتی آوردند برای اینکه حرف طرف مقابل سبز بشود! همان وقت رئیس هیئت مذاکره که رئیس جمهور محترم فعلی ما است، گلایه کرد و گفت ما داریم آنجا مبارزه میکنیم، اینجا آقایان دارند طرح به نفع دشمن طراح می کنند؛ خب، اینها نفوذ است؛ اینها چیست؟ [مگر] نفوذ شاخ و دم دارد که بعضی تا گفته میشود نفوذ، بر آشفته میشوند که آقا، گفتید نفوذ، گفتید نفوذ؟ بله، باید مراقب بود. (1)

همکاران مزدور و بی مزد دشمن در داخل

متأسفانه در داخل هم گروهی همین کار دشمن را دارند انجام میدهند؛ حالا بعضی ها میفهمند که چه کار دارند میکنند، بعضی ها نمیفهمند و میکنند؛ درست همان کار دشمن [است]: ناامید کردن مردم، متهم کردن این و آن، دروغهای شاخ دار دشمن ساز را به جای راست و انمود کردن و قلمداد کردن در ذهن مردم. اینها کارهایی است که متأسفانه در داخل

ص: 353

هم يك عده ای دارند انجام می‌دهند. آن کسانی که کار دشمن را دارند در داخل انجام می‌دهند، تقوا ندارند؛ دین اینها سیاسی است، به جای اینکه سیاستشان دینی باشد؛ دینشان سیاسی کاری است. سیاست ما باید دینی باشد، نه اینکه دین داری مان را در جهت سیاسی کاری، در جهت اهداف پست و حقیر سیاسی حرکت بدهیم. اینها این جور هستند؛ اینها تقوا ندارند؛ همان کار دشمن را میکنند برای اینکه فلان جناح را تقویت کنند، فلان جناح را بکوبند؛ فلان کس را بالا ببرند، فلان کس را پایین بیاورند. اینها کارهایی است که متأسفانه در داخل انجام می‌گیرد.

بعضی‌ها بدون رسانه اند، بعضی‌ها صاحبان رسانه اند، صاحب پایگاه خبری هستند، صاحب منبرهای تبلیغاتی هستند و میتوانند حرف بزنند؛ حرف می‌زنند، [اما] بی ملاحظه؛ نه خدا را، نه دین را، نه انصاف را رعایت نمی‌کنند؛ همان کاری که دشمن می‌خواهد [می‌کنند]. دشمن هم با شوق و ذوق تمام، به مجردی که می‌بیند در داخل يك چنین چیزهایی وجود دارد، امروز که اینها می‌گویند، امشب شما می‌بینید در رادیوی انگلیس و رادیوی آمریکا، همینها بازتاب وسیعی پیدا می‌کند؛ اینها دشمن را شاد می‌کنند، اینها دشمن را علیه ملت و علیه نظام اسلامی شاد می‌کنند؛ به قیمت ناامید کردن مردم، ناامید کردن نسل جوان و نسل نو. بخصوص کسانی که همه‌ی امکانات مدیریتی یا امروز دستشان است یا دیروز دستشان بوده؛ فرقی نمی‌کند؛ کسانی هستند و انسان مشاهده می‌کند که یا امروز همه‌ی امکانات مدیریتی کشور در اختیار اینها است یا دیروز تمام امکانات مدیریتی در اختیار اینها بوده، آن وقت به قول فرنگی مآب‌ها نقش اپوزیسیون به خودشان می‌گیرند. این کسانی که کشور در اختیارشان است یا در اختیارشان بوده، اینها دیگر حق ندارند علیه کشور حرف بزنند، موضع [بگیرند]؛ باید موضع مسئولانه [بگیرند]، باید پاسخگو باشند. بنده ای که امکانات در اختیارم است، نمیتوانم مدعی باشم، [بلکه] باید

پاسخگو باشم و جواب بدهم که چه کار کردم با این امکانات. به جای اینکه پاسخگویی کنند، بیایند نقش مدعی را ایفا کنند، علیه این، علیه آن حرف بزنند؛ این نمیشود؛ مردم قبول نمیکنند این را. حالا- ممکن است کسی خیال کند که در مردم تأثیر میگذارد؛ نه، مردم آگاهند، میفهمند، نمیپذیرند این حالت را.(1)

رخنه کردن عناصر نفوذی در میان اکثریت متعهد مسئولان

اکثر مسئولان ما، اکثر نمایندگان مجلس ما، اکثر مسئولان اجرائی ما، مردمان متدین، علاقه مند به انقلاب و آماده ی برای خدمت به مردمند. این طور خیال نشود که مجلس چنین است یا چنان است؛ نه، مجلس رکن نظام است. البته در داخل مجلس - مثل همه جای دیگر - ممکن است عناصری نفوذ و رخنه کرده باشند؛ حقایق را وارونه کنند؛ فضا را بر کسانی سخت و سنگین کنند؛ آنها را وادار به کار ناشایسته و نامناسبی کنند. اغلب نمایندگان برای خدمت به مردم آماده اند؛ وظیفه ی آنها است؛ باید هم این کار را بکنند؛ باید هم خدمت کنند. فلسفه ی وجود بنده و امثال بنده و دیگر مسئولان، خدمت است؛ ما نوکر و خدمتگزار مردم هستیم. اعتبار و آبروی ما به این است. اسلام این را برای ما معین کرده است. ما حقی به گردن مردم نداریم؛ مردم به گردن ما حق دارند.(2)

برنامه ی نفوذ دشمن در کشور از ده راه: علمی، هنری، ارتباط با دانشگاه ها، دانشمندان، و...

الان هم شروع کرده اند و برنامه ریزی کرده اند برای نفوذ؛ انواع و اقسام طرق را - من محاسبه میکردم با خودم، دیدم شاید حدود ده راه مهم را -

ص: 355

1- . در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سراسر کشور 1396/10/6

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم 1382/11/15

برای نفوذ در کشور پیدا کرده اند و دارند عمل میکنند؛ همین حالا دارند عمل میکنند. یکی از راه علمی است؛ از طریق ارتباط با دانشگاه ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد، ارتباط با دانشجو - کنفرانسهای به ظاهر علمی [ولی] در باطن برای نفوذ - افراد امنیتی را اینجا میفرستند؛ این یکی از راه ها [است]. یکی از راه ها، راه های فرهنگی و هنری است. مأمور مستقیم دستگاه های امنیتی را به عنوان يك فرد صاحب هنر برای - فرض کنید - جشنواره ی موسیقی معین میکنند که بفرستند؛ که البته خوشبختانه وزارت اطلاعات فهمید، زودتر جلویش را گرفت. یعنی به عنوان حضور در يك جشنواره ی هنری - مثلاً جشنواره ی موسیقی - کسی را انتخاب میکنند که این آدم، صددرصد سیاسی و امنیتی است؛ به عنوان [فرد] هنری اینجا میفرستند. خوب، برای چه میفرستند؟ نفوذ اقتصادی یکی [از راه های] دیگر است. انواع و اقسام گوناگون، راه های نفوذ دارند؛ ما بایستی مراقب باشیم، باید مواظب باشیم. (1)

نوکران بامزد و بی مزد دشمن

از پیشرفت علمی مردم ما ناراحتند؛ از پیشرفت اقتصادی مردم ما ناراحتند؛ از اینکه دولت بتواند خدمتی به مردم بکند و گره ای از مشکلات مردم باز شود، ناراحتند. هرکس به عقب ماندگی علمی کمک کند، به نفع آمریکا کار کرده است. هرکس کمک کند به اینکه دولت نتواند خدمات لازم را انجام دهد - چه قوه ی مجریه، چه قوه ی قضائیه و چه قوه ی مقننه - برای آمریکا و در خدمت آمریکا کار کرده است. هرکس فکرها و نظرات آمریکایی ها را در روزنامه ها و تریبونها بیان کند، به نفع آمریکا کار کرده است. یکی از کارهای آنها شایعه پراکنی و تهمت زنی است. عیناً همان کاری که در زمان امیرالمؤمنین میکردند؛ هر روز يك شایعه، يك تهمت و

ص: 356

يك جنگ روانی. هرکس فضای تهمت زنی در داخل کشور و جنگ روانی علیه نظام را تقویت و تشدید کند، مزدور آمریکا است و برای آمریکا کار کرده است؛ چه از آمریکا پول بگیرد، چه نوکر بی مزد و موجب آمریکا باشد. (1)

قاسطین و مارقین و ناکثین زمان امام علی (علیه السلام) و زمان ما

در مقابل حکومت علوی، سه جبهه وجود داشت: قاسطین و مارقین و ناکثین. مارقین و ناکثین، جبهه ی داخلی و جبهه ی خودی بودند؛ منتها خودی های فریب خورده و به دام افتاده - یا به دام ثروت طلبی و مقام خواهی و عقده های خودشان، یا به دام جهالتها و حماقتها و تعصبات خودشان - اما جبهه ی قاسطین، جبهه ی دشمن بود؛ جبهه ی آشتی ناپذیر بود؛ با علی آشتی بکن نبود.

آمدند به امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض کردند: «یا امیرالمؤمنین! بگذارید جناب معاویه بن ابی سفیان چند صباحی در رأس حکومت بماند.» اما حضرت فرمود: «نه؛ اگر من حاکم، او نمیتواند استاندار این حکومت باشد؛ باید کنار برود.» آنها امیرالمؤمنین (علیه السلام) را تخطئه کردند و گفتند بی سیاستی کرده است! بعضی از نویسندگان تا امروز هم میگویند امیرالمؤمنین (علیه السلام) بی سیاستی کرد! اما خودشان بی سیاستند؛ امیرالمؤمنین (علیه السلام) بسیار پخته عمل کرد؛ برای اینکه معاویه بن ابی سفیان، جناب طلحه و زبیر نبود که اگر آن امتیازی را که میخواست، به او میدادند، او ساکت می نشست؟ نه، آن جبهه، جبهه ی قاسطین بود؛ جبهه ای بود که با جبهه ی علوی نمیساخت؛ در هیچ شرایطی هم نمیساخت. هرچه او عقب میرفت، این يك قدم جلو می آمد و جز در میدان جنگ، نقطه ی تلاقی باهم نداشتند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) این را میدانست و لذا تا زمانی که بر سر کار بود، جبهه ی قاسطین هیچ کار

ص: 357

نوانستند بکنند و همیشه شکست خوردند؛ اما وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به شهادت رسید - که شهادت علی هم به دست آن گروه های شبه خودی متعصب عقده ای بدفهم کج فهم فریب خورده بود، نه بیگانه ی آن چنانی - آن بیگانه ها قاسطین حکومت را گرفتند و با گذشت چند سال، نشان دادند که ایده آل آنها در حکومت چیست! حکومت «حجاج بن یوسف» در همین کوفه به وجود آمد؛ حکومت «یوسف بن عمر ثقفی» به وجود آمد؛ حکومت یزید بن معاویه به وجود آمد! معلوم شد که آن جریان، اصلاً جریانی نیست که بتواند در يك نقطه با جریان علوی تلاقی کند.

امروز هم عیناً همان طور است. جبهه ی دشمن، غیر از آن آدم غافلی است که خودی هم هست، منتها بیچاره دچار غفلت و اشتباه و فریب میشود؛ بر اثر حادثه ای، عقده و کینه ای پیدا میکند و در مقابل نظام می ایستد؛ در مقابل سخن حق می ایستد؛ در مقابل امام و راه امام می ایستد. این، آن دشمن اصلی نیست؛ این يك آدم فریب خورده است؛ این يك آدم قابل ترخم است! دشمن اصلی آن کسی است که پشت سر این قرار میگیرد، اما خودش را نشان نمیدهد؛ در داخل کشور، خودش را نشان نمیدهد؛ در خارج کشور چرا؛ در جبهه ی جهانی، در جبهه ی بین المللی، به عنوان يك عضو وفادار سازمان جاسوسی سیای آمریکا، یا موساد صهیونیست ها چرا؛ کاملاً چهره ی او آشکار است؛ حرف هم میزند، حقایق را هم میگوید؛ انگیزه هایی را هم که او برای مبارزه با اسلام و مسلمین دارد، بیان میکند؛ اما آن دنباله ی او که داخل کشور است، خود را دم چك اقتدار حکومت قرار نمیدهد. میداند که این حکومت، حکومت مقتدری است؛ حکومتی است که متکی به آراء مردم است؛ متکی به محبت مردم است؛ متکی به ایمان مردم است. از این حکومت میترسند و خودشان را جلو نمیدهند؛ حرفشان را با يك واسطه، با دو واسطه، با سه واسطه، از زبان آدمهای غافل میزنند. يك وقت می بینید طرف يك روحانی

است، اما غافل و فریب خورده و بی خبر؛ یا یک دانشجو است، اما اسیر احساسات شده و نیندیشیده؛ یا یک فرد معمولی حتی انقلابی است، اما زمان را نشناخته، دشمن را نشناخته، یا احیاناً دچار عقده و کینه ای شده است. حرف از زبان این فرد خارج میشود؛ اما این بیچاره حرف خودش نیست؛ حرف دشمن است! دشمن ما آن کسی است که: «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَقْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»⁽¹⁾؛ دشمن ما آن کسی است که برای این انقلاب، نه فقط دل نسوزانده است، بلکه حتی در مقابل این انقلاب، در برهه هایی از زمان شاید ایستاده است. بعضی شان در مقابل انقلاب در زمان رژیم پهلوی ایستادند؛ بعضی شان بعد از آنکه نظام اسلامی بر سر کار آمد، خرابکاری کردند؛ بعضی شان مدتی را ترسیدند، کنار رفتند و خود را مخفی کردند؛ بعد که حالا فرصتی برایشان پیش آمده، از لاک خود بیرون خزیده اند! خیال میکنند که فرصتی هست:

گفت این مار است، او کی مرده است *** از پی بی آلتی افسرده است!

اینها از پی بی آلتی افسرده بودند، بعد آفتابی به نشان خورد، خیال میکنند که الان میدانی است که بتوانند نیش بزنند. وارد میدان میشوند، منتها باز هم مارگونه! هدف اینها این است که وحدت ملی را تخریب کنند و این اتحاد عمومی ملت را بگیرند.⁽²⁾

خطر نفوذ دشمن در ارکان نظام

ما این مسئله ی نفوذ را در قضیه ی برجام و پس از برجام مطرح کردیم؛ این خیلی مسئله ی عجیب و خیلی مسئله ی مهمی است. کسانی که در

ص: 359

1- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 118، ترجمه: «دشمنی از لحن و سخنان آشکار است و آنچه سینه هایشان نهان میدارد بزرگ تر است.»

2- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1378/9/26

مسائل گوناگون دسترسی به اطلاعات دارند، خوب میدانند که چه دامی برای کشور گسترده اند یا میخواهند بگسترانند برای نفوذ کردن در حصن و حصار اراده و فکر و تصمیم ملت ایران، با انحاء مختلف تدابیر و سیاستها و توطئه ها. این الان در جریان است؛ مردم در باب انتخابات باید خیلی متوجه این باشند. اگر فرض کنیم عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس شورای اسلامی بشود یا وارد مجلس خبرگان بشود یا در ارکان دیگر نظام نفوذ بکند، مثل موریانه از داخل میجود و پایه ها را سست میکند و فرو میریزد؛ قضیه این جوری است. مسئله ی نفوذ خیلی مهم است. (1)

موریانه ها در حوزه برای تضعیف اسلام انقلابی

حق انقلاب باید در حوزه ها محفوظ باشد. در داخل حوزه ها به افراد بدخواه میدان ندهند. این افرادی که جرئت نمیکردند از سیطره و هیبت انقلاب، نفس بکشند، نباید باز در گوشه و کنار پیدا شوند، بنا کنند ایمان افرادی را ضعیف کردن؛ مثل موریانه به پایه ی ایمان افراد افتادن و آنها را نسبت به انقلاب و اسلام انقلابی و مبانی انقلاب، ضعیف و سست کردن؛ نه فضلا باید اجازه بدهند و نه تشکیلات حوزه باید به این معنا اجازه بدهد و نه طالب. (2)

تسلط بر ارتشهای کشورها

عزیزان من! اصل مطلب این است که دشمنان ملتها، برای تصرف و از پا انداختن و نابود کردن مقاومت آنان، تدابیر گوناگونی را به کار میزنند. یکی از این تدابیر که امروز در جاهایی از دنیا خیلی نمایان است، این است که ارتشهای آن کشورها را قبضه میکنند. وقتی ارتش در يك کشور

ص: 360

1- . در دیدار ائمه ی جمعه ی سراسر کشور 1394/10/14

2- . در آغاز دوره ی جدید درس خارج فقه 1371/6/29

قبضه ی بیگانگان شد، در واقع امنیت از فضای سیاسی آن کشور هم رخت برمیپندد. هر جایی که بیگانه لازم بدانند، به وسیله ی این بازوی مسلح، اوضاع آن کشور را درهم و برهم، یا هدایت میکند و یا بکلی دگرگون میسازد.

این، نشان دهنده ی نقش بااهمیت نیروهای مسلح در کشورها هم هست. در رژیم گذشته ی ایران هم کم و بیش این طور بود. آنها حتی تصور میکردند که وقتی دستگاه سیاسی این کشور - که خاندان پهلوی هم جزو آنها بودند - مجبور به عقب نشینی شود، باز کارگزاران آنها در نیروهای مسلح ایران خواهند توانست منافع آمریکایی ها را تأمین کنند. البته آنها ایران و ایرانی و اعتقادات عمیق ما و اصالت ذوات و طینتهای مردم این کشور را نشناخته و بد محاسبه کرده بودند. منظورم صحت و سقم محاسبه ی آنها نیست؛ منظورم محاسبه ی عمومی بر روی نیروهای مسلح در کشورهای مختلف است. شما به کشورهایی که ارتشهایشان سرسپرده ی بیگانگان هستند، نگاه کنید، ببینید که در آنها چگونه عمل میکنند و کشورها در چه وضعیتی قرار دارند. (1)

استفاده ی دشمن از ارتباطات علمی برای نفوذ

توجه بکنید در دیپلماسی علم - ارتباطات علمی، که بنده هم با آن موافقم - فریب نخوریم. ببینید يك نفری به عنوان تاجر می آید می نشیند با يك اقتصاددان ما، با يك تاجر ما در مثلاً فلان رستوران یا فلان هتل فلان کشور بنا میکند صحبت کردن و قرار معامله گذاشتن، بعد که تحقیق میکنیم معلوم میشود ایشان يك مأمور امنیتی رژیم صهیونیستی است در لباس يك تاجر، که مقاصدی را دارد دنبال میکند. عین همین قضیه

ص: 361

1- . در دیدار با فرمانده و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در آستانه ی نوزده بهمن (سالروز نیروی هوایی)

1375/11/18

در مورد علم وجود دارد. بله، از دانشمند خارجی استفاده کنید؛ بنده بارها در جمع دانشجویان گفته ام که ما از شاگردی کردن خجالت نمیکشیم، ما شاگردی میکنیم اما حواسمان باید جمع باشد که در ارتباط علمی و در فراگیری و یادگیری علمی، سوراخی و منفذی و دریچه ای برای نفوذ امنیتی پیدا نشود؛ اینها از همه چیز استفاده میکنند برای نفوذ امنیتی؛ حتی از علم. این کار اتفاق افتاده، قبلاً هم شده، امروز هم متأسفانه دارد در یکجایی میشود. (1)

تحلیل مهره های وابسته

نخستین آسیب، بر روی کار آوردن عناصری است که خود را متعهد به آمریکا و غرب میدانند. غرب میکوشد پس از سقوط ناگزیر مهره های وابسته، اصل سیستم و اهرمهای اصلی قدرت را حفظ کند و سر دیگری را بر روی این بدن بگذارد و بدین وسیله سلطه ی خود را همچنان ادامه دهد. این به معنای هدر رفتن همه ی تلاشها و مجاهدتها است. (2)

2-2 - نفوذ جریانی برای تغییر محاسبات و ذهنیتها

اشاره

منتها از این خطرناک تر، نفوذ جریانی است. نفوذ جریانی، یعنی شبکه سازی در داخل ملت؛ به وسیله ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن میشود. (3)

عمده ترین وسیله ی نفوذ جریانی؛ پول و جاذبه ی جنسی

عمده ترین وسیله دو چیز [است]؛ یکی پول، یکی هم جاذبه های

ص: 362

1- . در دیدار جمعی از استادان، محققان و پژوهشگران دانشگاه ها 1395/3/29

2- . در اجلاس بین المللی بیداری اسلامی 1390/6/26

3- . در دیدار فرماندهان گردانهای بسیج در آستانه ی روز بسیج مستضعفین 1394/9/4

جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ يك هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت موردنظر خودشان. (1)

هدف از نفوذ جریانی؛ تغییر باورها و آرمانها و سبک زندگی

آن سمت موردنظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاه ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر میکند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله که يك آمریکایی نگاه میکند - البته يك سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی رتبه ی سیا تشخیص میدهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او میخواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار میکنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که اینها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده ی کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتفاقی می افتد؟ آرمانها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزشها تغییر پیدا خواهد کرد، خواستها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد.

شما امروز وقتی نگاه میکنید، باور دارید که در مسئله ی فلسطین يك ظلم آشکار به يك ملت دارد میشود؛ این را دارید می بینید؛ نگاه شما این نگاه است. آن کسی که در خانه ی خود - يك فلسطینی عرب، چه مسلمان، چه مسیحی - مورد تعدی قرار میگیرد، او محکوم میشود با نگاه

ص: 363

آمریکایی. از نظر شما او مظلوم است؛ وقتی توانست تغییر نگاه شما را تأمین بکند، شما هم مثل او نگاه میکنید و میگویید که اسرائیل دارد از هویت خودش دفاع میکند! مگر او با ما نگفت؟ همان وقتی که اینها آتش را شبانه روز بر سر مردم غزه میریختند، یک مردم بی دفاع را، خانه شان، زندگی شان، مزرعه شان، بچه شان، مدرسه شان، بیمارستانشان را مورد تهاجم قرار میدادند، رئیس جمهور آمریکا گفت اسرائیل دارد از خودش دفاع میکند! یعنی نگاه این است. شبکه سازی و جریان سازی موجب میشود که آن کسی که مثلاً در داخل ایران دارد زندگی میکند یا در داخل فلان کشور دیگر، این نگاهش بشود آن نگاه. معنای نفوذ این است؛ ببینید چقدر خطرناک است. (1)

هدف جنگ نرم؛ عوض کردن محاسبات

در جنگ نرم، آن چیزی که باید مورد توجه باشد، این است: در جنگ نرم و جنگ روانی - که جنگ روانی یکی از بخشهای جنگ نرم است - هدف دشمن این است که محاسبات طرف مقابل را عوض کند. جنگ نرم مثل جنگ نظامی نیست. در جنگ نظامی هدف دشمن این است که مثلاً بیاید پایگاه طرف مقابل یا کشور مورد حمله را نابود کند و از بین ببرد، یا سرزمین را تصرف کند. در جنگ اقتصادی هدف این است که زیرساخت های اقتصادی را از بین ببرد. در جنگ نرم، هدف این چیزها نیست؛ این چیزها گاهی وسیله است برای آن هدف جنگ نرم. در جنگ نرم، هدف آن چیزی است که در دل شما است، در ذهن شما است، در مغز شما است؛ یعنی اراده ی شما. دشمن میخواهد اراده ی شما را عوض کند.

البته اینها حرفهای پنهان نیست. اوایل این حرفها را نمیگفتند،

ص: 364

1- . همان

اما حالا- مدتهایی است که دشمنان ما این حرفها را میگویند و به زبان می آورند. میگویند میخواهیم ملت ایران - حالا آنها میگویند مسئولین، اما در واقع ملت ایران مورد نظرشان است - محاسباتش عوض شود. ما با يك محاسبه ای، يك راهی را انتخاب کردیم. انقلاب اسلامی آمد تحولات عمده ای را در این کشور به وجود آورد؛ سلطنت را تبدیل کرد به حکومت مردم، مردم سالاری؛ وابستگی را تبدیل کرد به استقلال؛ عقب ماندگی تاریخی مزمن را تبدیل کرد به پیشرفت - که دارید می بینید - تحقیرشدگی را تبدیل کرد به اعتماد به نفس و احساس عزت؛ اینها کارهای انقلاب بوده. خب، دشمن ما، یعنی آن دستگاه مقتدر مادی که تا قبل از انقلاب بر اقتصاد این کشور و سیاست این کشور و فرهنگ این کشور و منابع این کشور و تصمیمهای مسئولان این کشور مسلط بوده، از این وضع ناراحت است؛ میخواهد این را عوض کند؛ چه کار کند؟ برای او تنها راه، منحصر در این است که ملت ایران و مسئولین ایران در نهایت به يك محاسبه ای برسند که احساس کنند ادامه ی این راه به صرفشان نیست. دشمن میخواهد این محاسبه را بر ذهن شما تحمیل کند؛ میخواهد من و شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استکبار، در مقابل دستگاه های سیاسی تابع کارتل های گوناگون اقتصادی، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرفها باید دست بکشیم؛ کما اینکه گفتند دیگر. در يك برهه ای کسانی گفتند آقا ول کنید قضیه ی اسرائیل را، ول کنید قضیه ی فلسطین را، ول کنید قضیه ی عدالت در سطح جهانی و حمایت از ملتهای عدالت خواه را، رها کنید این حرفها را؛ چه کار دارید؟ به خودتان بچسبید. این همان تغییر محاسبات است. دشمن این را میخواهد. (1)

ص: 365

آماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم گیران یا تصمیم سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی میشود روی اینها نفوذ انجام بگیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است؛ نفوذ خطر بزرگی است. اینکه حالا یکی بگوید آن آقای زید از کلمه ی نفوذ میخواهد استفاده ی جناحی بکند، این مسئله را از اهمیت نمی اندازد. حالا بکند یا نکند، بیخود میکند استفاده ی جناحی میکند؛ واقعیت قضیه این است؛ از این واقعیت که نمیشود صرف نظر کرد. (1)

مکمل نفوذ جریان؛ تخطئه ی جریانهای ارزشی

مکمل این نفوذ هم کارهای حاشیه ای است؛ یکی از چیزهایی که مکمل این نفوذ است، تخطئه ی کسانی است که بر اصالتها، بر نگاه درست، بر ارزشها پای میفشارند؛ این مکمل نفوذ است. نمیخواهم بگویم آن کسانی که بسیج را تخطئه میکنند، متهم میکنند به افراطی گری و تندی و چه و چه، آگاهانه دارند با نفوذگران همکاری میکنند، همراهی میکنند؛ بنده این ادعا را نمیکنم، خبر ندارم؛ اما واقع قضیه این است که این کمک است. اینهایی که در بخشهای مختلف، با زبانهای مختلف، بسیج را متهم میکنند به تدروی، به افراطی گری و چه و چه، دارند در واقع نفوذ را تکمیل میکنند؛ پروژه ی نفوذ به وسیله ی اینها دارد تکمیل میشود؛ چون بسیج جزو آن خاکریزهای مستحکم است؛ بسیج یک خاکریز مستحکمی است؛ این خاکریز را نباید سست کرد.

من توصیه میکنم، نصیحت میکنم به همه ی افرادی که جایگاهی دارند برای حرف زدن و میتوانند حرف بزنند، سعی نکنند اصالتهای کشور را، بنیانهای اساسی انقلاب را تضعیف کنند؛ تا کسی از اصالتها

ص: 366

گفت، فوراً نگویند ایشان دارد تندروری میکند یا افراطی گری میکند، یا چه میکند، یا جناحی گری حرف [میزند]؛ نه، این جوری نیست. اصالتها را تخطئه نکنند، تهمت افراطی گری نزنند؛ بیانات انقلاب را انکار نکنند؛ بیاناتی در انقلاب هست؛ واضحاتی، محکماتی در انقلاب هست. خب، این بیست و چند جلد بیانات امام است؛ امام مظهر انقلاب بود، امام سخنگوی انقلاب بود، مبین حقایق انقلاب بود. خب نگاه کنند و ببینند امام بر روی چه چیزهایی تکیه میکرد. بیانات انقلاب را انکار نکنند. این، آن چیزهایی است که مهم است. (1)

دو آماج نفوذ:

اشاره

این نفوذ برای دو منظور دیگر است. یکی از آماجهای این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوم مردمند.

1) مسئولان؛ با هدف تغییر محاسبات آنها

اشاره

مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه ی هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. آن وقت، وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده ی مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را میگیرد که او میخواهد. وقتی محاسبه ی این حقیر عوض شد، تصمیمی را میگیرم که او میخواهد؛ من

ص: 367

همان کاری را که او می‌خواهد مفت و مجانی انجام می‌دهم؛ گاهی بدون اینکه خودم بدانم - یعنی اغلب بدون اینکه خودم بدانم - این کار انجام می‌دهم. [بنابراین] سعی میکنند محاسبات مسئولین را عوض کنند. پس آماج اول مسئولینند. (1)

2) مردم با هدف دگرگونی باورهای انقلابی و اسلامی

آماج دوم مردمند. باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی و ظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه سازی هم دارد، تمدن سازی هم دارد؛ باور به نفی اینها [جایگزین شود]. اینها باید از ذهن مردم زدوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد.

[می‌خواهند] باور به استقلال را عوض کنند. بعضی‌ها البته ناشیگری میکنند؛ می‌بینیم گاهی اوقات در بعضی از مطبوعات، صریحاً استقلال کشور را يك امر قدیمی و کهنه شده میدانند و می‌گویند امروز دیگر استقلال کشورها مطرح نیست. یعنی چه؟ یعنی در نقشه ی جغرافیای جهانی يك قدرتی وجود دارد، آن قدرت تصمیم می‌گیرد و همه عمل میکنند - مثل حرارت مرکزی - یکجایی يك چیزی تولید میکند، بقیه مصرف میکنند. این را دارند ترویج میکنند؛ نفوذ یعنی این. البته این کاری است که دارد انجام می‌گیرد.

یکی از چیزهایی که نفوذ در باورهای مردم هدف قرار می‌گیرد این است که خیانت‌های غرب را فراموش کنند. آقایان! ما از غرب صدمه دیده ایم. در تبلیغات جهانی تکیه میکنند روی اینکه چرا در جمهوری اسلامی، بعضی‌ها - گاهی هم اسم بنده را بالخصوص می‌آورند - با غرب مخالفند، چرا با آمریکا مخالفند. باید فراموش نکنیم که غرب با ما چه کرده. من

ص: 368

طرف دار قطع رابطه ی با غرب نیستیم - حالا- این را هم عرض خواهم کرد - این را همه میدانند. من هشت سال رئیس جمهور بودم، با همین کشورها و با همین رؤسای جمهور نشسته ام، برخاسته ام و صحبت کرده ام. الان هم همین جور است؛ الان هم از جمله ی برنامه های میهمانهای آقای رئیس جمهور ملاقات با بنده است. در حرفها هم که با همدیگر فحش و فحش کاری نمیکنیم؛ حرف میزنیم و تفاهم میکنیم. ما مخالف ارتباط با غرب نیستیم [اما] مسئله این است که بدانیم با چه کسی داریم تعامل میکنیم و بدانیم طرف ما چه کسی است. (1)

آفت روشنگری

اشاره

شما ببینید هم اکنون در داخل سرزمینهای اشغالی فلسطین آن کسانی که دارند مقاومت میکنند چه کسانی هستند؟ آحاد توده های مردم که البته در بینشان افراد با فرهنگ و با فکر و عالم دینی و عالم غیر دینی هم وجود دارد؛ اما همان چیزی را که روشنفکر میخواهد بفهمد، آن زن بی سواد خانه دار که هیچ درسی هم نخوانده آن را احساس کرد و از خانه آمد بیرون، جوانش هم داد، که اگر این را عمیقاً درک نمیکرد جوانش را نمیفرستاد. شما مشاهده کردید در همین مقاومت عمومی مردمان در جنگ که از اقصی نقاط روستاهای کشور، یک عده ای حرکت کردند آمدند، ممکن است وقتی با او روبرو میشود ببیند که او سواد و معلوماتی هم ندارد، اما یک نکته ای را به روشنی و وضوح درک کرده است و آن اینکه امروز روزی است که هرکس باید با تن و جان خود در راه این آرمان عمومی به دفاع برخیزد؛ این را او درک کرده، یعنی این از جمله مصداقهای حکمت است، حکمتی که متأسفانه درس خوانده ها آن را کمتر میفهمند و در عمل وارد نمیشوند. من در این زمینه بعضی از روشنفکرها را دیده ام که در تصورات

ص: 369

هنری خودشان مطلب را درك کرده اند و حتّی گنجانده اند لکن نتوانستند با مردم حرکت کنند. قبل از انقلاب من يك نمايشنامه ای مال یکی از این نمايشنامه نویس های ایرانی دیدم که نمیخواهم اسم نویسنده اش را بگویم اشاره هم نمیخواهم بکنم. این نمايشنامه نقش روشنفکر را نشان داده بود که در عمل پشت سر مردم قرار میگیرد (یعنی همان مردمی که بیش او را ندارند) این شخص مذهبی نبود، غیر مذهبی و اتّفاقیّاً ضدّ انقلاب هم بود. لکن این حقیقت را درك کرده بود. به هر حال همین آدم منافق که الان سینه اش را سپر کرده در مقابل جریان حق ایستاده همان طور که گفتیم: آن وقتی که با دل خودش خلوت کند حقیقت را پیدا میکند، حتّی آن وقتی که پای منافع شخصی اش در میان نباشد ممکن است حقیقت را بر زبان هم بیاورد. (1)

تغییر رویکرد آمریکا از تهاجم نظامی به استحاله ی سیاسی و فرهنگی

آمریکا در موضع يك چهره ی مهاجم، در باطن فهمیده است نقشه های قبلی او در این منطقه فایده ای ندارد. نقشه ی قبلی، تهاجم نظامی بود؛ اما قضیه ی افغانستان و عراق نشان داد که در این منطقه با تهاجم نظامی نمیشود طرفی بست و کاری کرد؛ مشکلات فراوانی به وجود می آید. بخصوص وقتی طرف مقابل، کشوری باشد مثل ایران بزرگ؛ ملّتی باشد مثل ملّت شجاع و مؤمن ما؛ منطقه ای باشد با این همه عمق فرهنگی، با احساسات سرشار برخاسته از ایمان در میان مردم و با دولتی که متکی به آراء مردم است؛ اینجا کار برای آنها بمراتب مشکل تر است. قبلاً به تهاجم نظامی تهدید میکردند؛ اما الان اعتراف میکنند که نقشه ی قبلی شان غلط بوده است. آنها میگویند نقشه باید این باشد که ما بتوانیم از درون، ملّت ایران را استحاله کنیم؛ آنها دنبال این هستند.

ص: 370

... البته کسانی هم هستند که حاضرند در داخل، بلندگوی آنها شوند؛ از اینها هم استفاده میکنند. اخیراً اعلان کرده اند که ما باید روزنامه هایی را که به نفع آمریکا حرف میزنند، در داخل ایران تقویت کنیم! اگر هم چنین روزنامه ای نداشته باشند، مشخص میکنند که نقشه ی ما این است. سه چهار سال قبل من يك روز همین جا گفتم بعضی از روزنامه ها پایگاه دشمن شده اند؛ اینها الان خودشان این حقایق را افشا میکنند. البته آن روز هم ما بی اطلاع نبودیم - فقط تحلیل نبود - اما امروز خودشان مسئله را افشا میکنند. (1)

دشمن، بعضی کسان را مرعوب میکند؛ به بعضی افراد تحلیل غلط از وضع کشور میدهد؛ بعضی افراد را وابسته ی به خود میکند - که اینها علاجی ندارند جز اینکه کار دشمن را بکنند و حرف او را بزنند - بعضی کسان را تشویق میکند که به طبل بی خیالی بزنند و پی شهوات و کیف کردن بروند؛ بخصوص در جاهایی که امید بیشتری به آنها است. دنبال آرمانها نرفتن، اراده ی اصلاح را در دل از بین بردن و بی نظمی کردن، از کارهای دشمن است. (2)

امید دشمن به نفوذ و تغییر ذهنها

امروز، دشمن از اینکه بتواند به نظام اسلامی ضربه ی اساسی وارد کند ناامید است، چون میدانند در داخل به قدر کافی انگیزه و ایمان و صدق و آمادگی وجود دارد؛ لذا ناامیدند از اینکه بتوانند ضربه ی اساسی وارد کنند، اما ناامید نیستند از اینکه بتوانند نفوذ کنند. ابزارهای نفوذ هم امروز زیاد است.

سعی دارند جوان ایرانی را به شکلی بار بیاورند که خودشان می پسندند.

ص: 371

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1382/8/23

2- . در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه های استان زنجان 1382/7/22

اگر جوان ایرانی به شکل آمریکاپسند و استکبارپسند رشد کرد، آمریکا دیگر برای پیاده کردن نقشه های خود در ایران خرجی و هزینه ای نخواهد داشت؛ این جوان خودش مثل نوکر بی جیره و مواجب برای آنها کار خواهد کرد؛ میخواهند جوان ایرانی را این جور بار بیاورند. چهار تا آدم بی هویت جوری حرف زدند و جوری عمل کردند که يك آمریکایی چند سال قبل آمد ایران و وقتی برگشت، گفت کسانی در ایران هستند که اسلحه دستشان است و منتظر دستور ما هستند که شلیک کنند! چهار تا آدم بی هویت را دیده بود، فریب خورده بود. مشکل بزرگ آمریکایی ها این است که کشور ما را نمی شناسند، مردم ما را نمی شناسند، نمیتوانند هم بشناسند. مشکل استکبار این است که بیشتر به ظاهر نگاه میکنند؛ به رنگ و لعاب ظاهری نگاه میکنند، [اما] باطن را نمیتواند ببیند؛ اقتدارش هم اقتدار ظاهری و اقتدار بر جسمها است؛ بر دلها نمیتواند آن چنان که مایل است اقتدار پیدا کند. اشتباه کردند. اما از نفوذ کردن ناامید نیستند؛ میخواهند نفوذ کنند، میخواهند دلها را تسخیر کنند، میخواهند ذهنها را تغییر بدهند. (1)

از بین بردن عوامل تقویت مقاومت ملت با استفاده از رسانه

کار دومی که آنها میخواهند تحقق پیدا کند، این است که دل بستگی ها و انگیزه های اساسی ای که میتواند این ملت را مقاوم و به صورت یکپارچه در مقابل آنها نگه بدارد، ضعیف کنند؛ باورها را برگردانند، ایمانها را عوض کنند، امیدها را کور کنند و آینده و افق را تیره و تاریک و مبهم جلوه دهند. ابزار کار آنها هم رسانه است. رسانه ها در دنیا خیلی قدرت دارند و به نفع صاحبان خود، کارهای خیلی بزرگی را انجام میدهند. بدانید و میدانید که مهم ترین رسانه های دنیا - چه خبرگزاری ها، چه رادیو و تلویزیون ها، چه روزنامه های بزرگ - متعلق به سرمایه داران است؛ یعنی همان پایه های

ص: 372

اصولی استکبار جهانی. در خبرهایی که در دنیا پخش میکنند، همه چیز برطبق منافع و مصالح آنها تنظیم میشود. بنابراین، این هم يك خواسته است که مردم و جوانان را از جان مایه ی امید و توان و تلاشی که آنها را در مقابل دشمن متجاوز و متعرض نگه میدارد، تهی دست کنند. (1)

نفوذ و جهانی گری؛ دو تهدید برای همه ی کشورهای در حال توسعه

برادران و خواهران؛ فرزندان عزیز من! امروز تهدید مضاعفی نه فقط ایران، بلکه همه ی کشورهای را تهدید میکند که در ردیف کشورهای پیشرفته ی اروپایی و آمریکایی قرار ندارند. این تهدید مضاعف چیست؟ از يك سو نفوذ مستقیم قدرتهای بزرگ و در رأس آنها آمریکا، و از سوی دیگر موج جهانی گری است؛ موجی که امروز در خود آمریکا، هم از طرف بخشی از مردم آمریکا، علیه آن تظاهرات میشود.

جهانی گری یعنی چه؟ یعنی يك مجموعه از قدرتهای جهانی، عمدتاً آن کسانی که در سازمان ملل هم نفوذ دارند، عمدتاً همان کسانی که استعمارگران دیروز دنیا بودند، چند کشوری که در صدند فرهنگ و اقتصاد و عادات و آداب خودشان را به همه ی دنیا گسترش دهند، يك شرکت سهامی درست کنند که 95 درصد سهامش در واقع مال آنها است، پنج درصد بقیه هم مال همه ی کشورهای دیگر؛ اختیار در دست آنها و تصمیم گیری هم با آنها است! این معنای جهانی گری است که امروز بسیاری از کشورها، بسیاری از رجال سیاسی جهان سوّم و بسیاری از روشنفکران دنیا، با آن مخالفت و مبارزه میکنند و از آن میترسند. بعضی از مسئولان ما نقل کردند که در کنفرانسهای جهانی، بسیاری از کشورهای مشترك در کنفرانس 77 و غیرمتعهدها، از جهانی شدن میترسند؛ چون میدانند که جهانی شدن، یعنی سلطه ی آمریکا بر اقتصاد، فرهنگ، ارتش،

ص: 373

سیاست، حکومت و تقریباً بر همه چیز کشورهای دیگر. این تازه غیر از اعمال نفوذ مستقیم است. (1)

ایجاد خلل در باورها؛ از راه های نفوذ

یکی از راه های ورود و نفوذ... ایجاد خلل در باورها است؛ باور انقلابی، باور دینی. در معرفت‌های انقلابی و دینی اختلال ایجاد میکنند؛ رخنه کردن در اینها است. و از همه ی طرق هم استفاده میکنند و آدمهای گوناگونی هم دارند؛ استاد دانشگاه هم دارند، فعال دانشجویی هم دارند، نخبه ی فکری و علمی هم دارند؛ همه جور آدمی برای ایجاد این رخنه ها هستند. برادران در سطوح مختلف سپاه بایستی این آمادگی را و این اقتدار منطقی را داشته باشند. قبل از انقلاب، ما از این قوت منطقی در موارد زیادی استفاده میکردیم؛ بچه های جوان، آن زمان در بحثهایی که ما داشتیم - بحثهای قرآنی و مانند اینها، نهج البلاغه و قرآن و این چیزها، بنده داشتم - به من میگفتند که ما در دانشگاه در مقابل مارکسیست ها دیگر حالا کم نمی آوریم؛ قبلاً کم می آوردیم؛ حرف داریم، منطقی داریم، استدلال میکنیم؛ فقط رد کردن هم نیست، اثبات میکنیم و حقایقی را بیان میکنیم. در جوانی که امروز در سپاه مشغول فعالیت است، باید يك چنین قدرت اقناعی، يك چنین قدرت منطقی و قوت بیانی وجود داشته باشد؛ این جزو کارهای اساسی است؛ این پاسداری از انقلاب و پاسداشت انقلاب است؛ یعنی گرامی داشتن انقلاب، حق انقلاب را ادا کردن، قدر انقلاب را دانستن. (2)

مطرح کردن بدیلهای انحرافی حکومت اسلامی یا نفوذ میان انقلابیون

در این مرحله (3) اگر با مقاومت و هشیاری مردم مواجه شوند، میکوشند

ص: 374

1- . در دیدار با جوانان در مصلاّی بزرگ تهران 1379/2/1

2- . در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی 1394/6/25

3- . مرحله ی حفظ ساختار وابسته به مستکبران پس از انقلابهای مردمی

تا بدیل‌های انحرافی گوناگون در پیش پای نهضت و مردم بگذارند. این سناریو می‌تواند پیشنهاد مدل‌های حکومتی و قانون اساسی‌هایی باشد که کشورهای اسلامی را بار دیگر در دام وابستگی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی به غرب بیفکند، و می‌تواند نفوذ میان انقلابیون و تقویت مالی و رسانه‌ای یک جریان نامطمئن و به حاشیه راندن جریان‌های اصیل در انقلاب باشد. این نیز به معنی بازگرداندن سلطه‌ی غرب و تثبیت مدل‌های نوسازی شده‌ی غربی و بیگانه از اصول انقلاب و درنهایت، تسلط آنها بر اوضاع است. (1)

3 - تبلیغات رسانه‌ای

اشاره

دشمن تبلیغات و دروغ پراکنی و شایعه‌پردازی می‌کند و سعی دارد که دل‌ها را نسبت به آینده ناامید کند. دشمن تبلیغ می‌کند تا مردم را از ادامه‌ی حرکت بازدارد. از دشمن، جز این انتظاری نیست. آنها سعی می‌کنند وحدت را مخدوش کنند و مشکلات را عمده نمایند. وجود مشکلات برای جامعه و نظامی که جوان و تازه کار است، یک امر طبیعی است. جوان بودن سختی‌هایی دارد؛ اما امتیازات زیادی هم به همراه دارد.

ما یک نظام جوان هستیم که از تجربیات گذشته برخورداریم. باید آینده را بسازیم. باید همه دست به دست یکدیگر بدهیم و مشکلات را تحمل کنیم، تا آینده خوب ساخته شود. با تحمل مشکلات است که میشود از این معبر عبور کرد. هرگز ارتباط و پیوند مستحکم خود با خدا را فراموش نکنیم؛ از خدای متعال کمک بخواهیم و تقصّل او را طلب کنیم و مطمئن باشیم که خدای متعال به ما کمک خواهد کرد. (2)

ص: 375

1- . در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی 1390/6/26

2- . در مراسم بیعت خانواده‌های شهدای هفتم تیر، اعضای شورای عالی قضایی، قضات و مسئولان دادگستری و جمعی از مردم لرستان

خصوصیت ابرقدرت این است که به مردم دنیا تفهیم بکند که هیچ کس در مقابل او تاب ایستادگی و مقاومت ندارد. يك وقت چند سال پیش از این گفتم که ابرقدرت ها، بیش از آنچه که با پول و سلاحشان زندگی بکنند و قدرت نشان بدهند و حکومت بکنند، با هیبتشان زندگی میکنند و فرمان میرانند و حکومت میکنند. حقیقتاً هیبت ابرقدرت ها و آمریکا و تا چندی پیش شوروی، ملت‌ها و دولت‌ها و رجال و سیاستمدارها را در بسیاری از نقاط دنیا - و شاید بتوانم بگویم در همه جای دنیا - می‌لرزاند.

این خاطره را بارها نقل کرده ام که در یکی از مجامع بین المللی که نطق خیلی پُرشوری در آنجا علیه تسلط قدرتها و نظام سلطه در دنیا ایراد کردم و آمریکا و شوروی را در حضور بیش از صد هیئت نمایندگی و رؤسای دولتها، به نام کوبیدم و محکوم کردم، بعد از آن نطق، عده ی زیادی آمدند تحسین و تصدیق کردند و گفتند: همین سخن شما درست است. یکی از سران کشورها که يك جوان انقلابی بود - و البته بعد هم او را کشتند - نزد من آمد و گفت: همه ی حرفهای شما درست است، منتها من به شما بگویم که به خودتان نگاه نکنید که از آمریکا نمیترسید؛ همه ی اینهایی که در اینجا نشسته اند، از آمریکا میترسند! بعد سرش را نزدیک من آورد و گفت: من هم از آمریکا میترسم!!

هیبت ابرقدرتی ابرقدرت ها، همیشه بیشترین مشکلات آنها را در دنیا حل میکرده و میکند. در حقیقت، قدرت و سلاح و پول و سیاست و عقلشان، بمراتب کمتر از هیبتشان است. این هیبت آنها است که همه را میترساند و جرئت نمیکنند در مقابل آنها بایستند. حالا این ابرقدرت، با هیبتی قلدرانه که خیلی هم واضح وارد کشورها میشود و اوضاع را به نفع خود حلوفصل میکند، یازده سال است با ملت ایران کلنجار میرود و با انقلاب می‌جنگد؛ برای اینکه بتواند این انقلاب را از بین ببرد و این نظام را

نابود نماید؛ ولی نتوانسته است.

این، آن صحنه‌ی عبرت می‌باشد. این است که حتی اگر شما به اعماق دل ملت‌های دنیا نگاه کنید، بسیاری از سران آزادی خواه دولتها - آنهایی که رگه‌ی آزاده‌خواهی دارند - به نام ملت و جمهوری اسلامی ایران شعار میدهند و به هیجان می‌آیند؛ چون ایران انقلابی، مظهر میان‌تهی بودن طبل قدرت آمریکا است.

ملت ایران نشان دادند که ابرقدرت نمیتواند آنها را به زانو درآورد. این به برکت انقلاب و فکر و ایمان و اسلام است که میتواند دلها را محکم و از ترس خالی کند و قدرت انسانی شان را به آنها تفهیم نماید. باید قدر این را بدانید. ما امروز نشانه‌های رشد معنویت و افول مادیت را در دنیا می‌بینیم. اروپای شرقی را دیدید، بسیاری از نقاط دیگر دنیا را مشاهده کردید و بسیاری دیگر را بعداً مشاهده خواهید کرد. (1)

يك نمونه از استفاده‌ی دشمن از جنگ تبلیغاتی

امروز دنیا بر مدار جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای و در واقع بر مدار جنگ جبهه‌های خبری و دستگاه‌های تولیدکننده‌ی پیام میگردد. نه اینکه در گذشته، جهان‌گیران و جهان‌خواهان و جهان‌خواران از نقش پیام و تبلیغ غافل بودند؛ آن وقت هم توجه بود و اقدام میشد؛ اما امروز امکانات فراوان شده و پیشرفت دانش در این زمینه کارهای شگفت‌آور و حیرت‌انگیزی انجام میدهد. لذا شما می‌بینید مراکز استکباری و قدرت طلب دنیا بر روی نقش پیام کار میکنند؛ یعنی حقیقتاً سرمایه‌گذاری میکنند و در واقع به جای اینکه برای تصرف يك صحنه پول خرج کنند یا نیروی نظامی بسیج کنند، کاری میکنند که عوامل موجود در آن صحنه به سود آنها کار

ص: 377

کنند. امروز در صحنه ی عراق، اگر مقاومت عظیمی از سوی مردم در مقابل تهاجم آمریکا صورت گیرد، احتمال کامیابی آمریکا در حمله ی محتملش به عراق خیلی پایین می آید. حالا اگر آمدند و با انواع و اقسام پیامها به مردم عراق القا کردند که ما نظر سوئی نسبت به شما نداریم، ما میخواهیم شما را نجات دهیم، و این پیام جا افتاد، شما ببینید که صحنه چقدر تغییر پیدا میکند: مردم در آنجا به طور خودکار و بدون اینکه به آنها سلاحی، پولی و رشوه ای داده شده باشد، به کسانی تبدیل میشوند که به نفع مهاجم کار میکنند، حداقل به نفع او سکوت میکنند یا به نفع او فعالیتشان را تعطیل میکنند. نقش پیام این است. این يك مثال كوچك است که من عرض کردم. در زمینه ی تجارت، در زمینه ی توسعه ی اقتدار سیاسی و نظم حاکم بر جهان هم - که امروز از مسائل اساسی و مهم قدرتهای بزرگ در دنیا است - پیام نقش دارد. لذا امروز يك جنگ آشکار، اما نه با ابزارهای معهود و شناخته شده، در سراسر جهان در جریان است. (1)

تلاش جبهه ی استکبار برای مخدوش کردن چهره ی مقاومت ملت ایران

آنچه که امروز دستگاه استعماری آمریکا و اذنان او و سایر دشمنان اسلام و انقلاب به دنبال آن هستند، این است که چهره ی مقاومت ملت ایران را در سطح جهان مخدوش کنند. مردم دنیا از مقاومت شما امیدوار شدند؛ چون دیدند شما ایستادگی کردید و در مقابل فشار زانو نزدید. اگر دشمن بخواهد امید را از مردم دنیا بگیرد، چه کار باید کند؟ باید به مردم دنیا وانمود کند که ملت ایران نتوانستند پایداری کنند و مقاومتشان تمام شد. اگر العیاذبالله آمریکا و تبلیغات غرب و استکبار بتوانند این حرف را در دنیا به کرسی بنشانند که ملت ایران هم باین همه ادعا و هیاهو، بالاخره نتوانست طاقت بیاورد و به زانو در آمد، در این صورت به مقصود

ص: 378

خود رسیده اند و در نتیجه همان امیدی که در دل‌های مسلمانها و ملت‌ها و مستضعفان به وجود آمده بود، به یأس مبدل خواهد شد.

اگر به تبلیغات استکباری و آمریکایی و غربی و صهیونیستی نگاه کنید، خواهید دید که تمام کارهای آنها، روی همین يك نقطه متمرکز است. به عبارت دیگر، هر چیزی که نشان دهنده ی امید و مقاومت ملت ایران است، آن را منعکس نمیکنند. آنها وحدت و شور و حماسه ی مردم و حضور گسترده ی ملت ما را در راه پیمایی های عظیم 22 بهمن و سایر مناسبت ها، عمداً منعکس نمیکنند و خبر فعالیتها و پیشرفتها و تلاشهای دولت جمهوری اسلامی را منتشر نمی‌سازند و از وفاداری بی نظیر ملت ما نسبت به دستگاه های مسئول حرفی نمی‌زنند و حتی خبر پیروزی ایران در مقابل کسانی که ادعاهای حقوق بشری داشتند و پس از سفر نماینده ی سازمان ملل به ایران، ادعاهای دشمنان انقلاب و منافقان را تأیید نکردند و آنها را در گزارش خود رسوا ساختند، در رسانه های استکباری درست منعکس نشد. (1)

تلاش دشمن و ایادی آن برای نشان دادن تصویر ناامیدانه از کشور

ما البته مشکل داریم؛ بله، مشکل اقتصادی داریم. درست توجه کنند جوانهای عزیز و مردم بانگیزه و مؤمن ما؛ ما مشکل اقتصادی داریم، اقتصاد نفتی داریم که این خودش يك عیب بزرگ است؛ فرهنگ صرفه جویی نداریم، فرهنگ صرفه جویی در بین ما بسیار ضعیف است؛ این عیب است، اسراف عیب است؛ این عیوب را ما داریم، ولی عیب واقعی اینها نیست؛ عیب واقعی بن بست است که بحمدالله نداریم؛ ما بن بست نداریم. عیب واقعی این است که جوان کشور گمان کند که راه حلّی وجود

ص: 379

1- . در دیدار با مسئولان و کارکنان وزارتخانه های بازرگانی، کشاورزی، اطلاعات، پست و تلگراف و تلفن، مسئولان بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد مسکن، مسئولان عقیدتی _ سیاسی و فرماندهان نواحی ژاندارمری سراسر کشور 1368/12/22

ندارد جز پناه بردن به دشمن؛ این عیب است. بعضی سعی میکنند این را القا کنند به جوانهای ما؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد ملت ایران را به این نتیجه برساند که بن بست است، راه حل وجود ندارد مگر پناه بردن به آمریکا و زانو زدن در مقابل آمریکا و تسلیم شدن در مقابل آمریکا. من صریحاً اعلام میکنم، من صریحاً اعلام میکنم: کسانی که در داخل کشور این فکر را که مطلوب و محبوب دشمنان است ترویج میکنند، اینها خیانت میکنند؛ این خیانت به کشور است. اینکه ما برطبق میل دشمن ترویج کنیم که راهی جز پناه بردن به دشمن نداریم، بزرگترین خیانت در حق ملت است. البته این اتفاق نمی افتد؛ من به حول و قوه ی الهی و با همراهی شما تا جان و توان دارم، نخواهم گذاشت این اتفاق در کشور بیفتد.

این تصویرسازی دشمن است؛ این تصویر خدعه آمیز دشمن از وضع خود او و از وضع ما است؛ تصویرهای دروغینی که با هزارها شبکه ی تلویزیونی و رادیویی و اینترنتی، امروز دارد به سمت ملت ایران و افکار عمومی ما سرازیر میشود. این تصویرسازی دروغین است، اما تصویر واقعی چیست؟ تصویر واقعی این است که شما و همه ی جوانهای کشور باید جایگاه امروز کشور و ملتتان را بدانید؛ این شرط اول اثرگذاری شما است. اولاً امروز سیاستمداران بزرگ دنیا و مغزهای سیاسی پخته و سنجیده ی دنیا ملت ایران را به خاطر مقاومت چهل ساله تکریم میکنند؛ این واقعیت است، این چیزی است که ما به صورت روشن و مشخص این را می بینیم و از آن اطلاع داریم و من دارم به شما عرض میکنم. سیاستمداران پخته، حتی در خود آمریکا، حتی در خود غرب و کشورهای اروپایی که با ما خوب نیستند - چه برسد در کشورهای دیگر - ملت ایران را تحسین میکنند به خاطر اینکه چهل سال است که این ملت در مقابل فشارهای دشمنان عقب نشینی که نکرده است، [بلکه] پیشروی های بزرگی هم انجام داده

است و خودش را به يك قدرت تبدیل کرده؛ این تحسین آور است. من چند سال قبل، این را گفتم که يك افسر برجسته ی صهیونیست گفته بود که من با ایران بدم اما در مقابل کسی که این موشک را به وجود آورده است - یکی از ده ها نوع موشکی را که به وجود آمده است گفته بود - به احترام بلند میشوم و کلاههم را بر میدارم. این جوری در مقابل این کشور، در مقابل این ملت، در مقابل مقاومت او، در مقابل پیشرفت او، مغزهای سیاسی دنیا احساس تکریم میکنند. (1)

مهم ترین تکیه مستکبران بر تلقین ناتوانی ملتها در مقاومت

مشکل امروز ملتها این است که وقتی در مقابل دشمنی قدرتمندان قرار میگیرند، احساس ناتوانی میکنند. امروز شما به صحنه ی جغرافیایی عالم در تقسیمات سیاسی و در تعاملات سیاسی نگاه کنید، ببینید کسانی که در صحنه ی دنیا همه چیز را متعلق به خود میدانند و ملتها را به چیزی نمی انگارند و منابع انسانی و مادی را به غصب در اختیار خود قرار میدهند - یعنی قدرتهای استکباری - به چه چیزهایی تکیه میکنند؟ مهم ترین چیزی که آنها به آن تکیه میکنند، این است که به ملتها وانمود میکنند که قدرت آنها قدرتی است که نمیتوان با آن مقابله کرد. شما اگر امروز به سراغ روشنفکران کشورهای عقب افتاده - از جمله کشورهای اسلامی - یا به سراغ سیاسیون، یا به سراغ آحاد مردم آنها بروید و از آنها سؤال کنید که چرا شما برای احقاق حقوق ملی خودتان حرکتی انجام نمیدهید، جوابی که میدهند این است که ما نمیتوانیم و قدرت نداریم؛ قدرتها همه چیز را از ما گرفته اند و ما نمیتوانیم در مقابل قدرتهای ستمگر اظهار وجودی کنیم! این منطق کسانی است که امروز در میان کشورهای عالم در موضع ضعف قرار دارند. (2)

ص: 381

1- . در همایش ده ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی 1397/7/12

2- . در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) 1379/3/14

«تهدید» یکی از کارهای دشمن است؛ یکی از شیوه‌های دشمن، تهدید کردن است. ممکن است در يك مواردی تهدید خود را عمل هم کند؛ اما آن ملتی در این میدان کشمکش خواهد توانست عظمت، عزت، هویت و منافع خود را حفظ کند که عقب نشینی نکند و بایستد. این استقامت - «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ»⁽¹⁾؛ تا وقتی که دشمن در مقابل شما است و علیه شما ابزارهای تهدید و تخویف خود را مطرح میکند، باید ایستادگی کنید.⁽²⁾ ملت و جوانان باید آماده باشند و ترس از دشمن را در دل خود جای ندهند؛ چون دشمن میخواهد در سایه ی این رعب، خرده فرمایش ها و تحمیل‌های خود را برگردن این ملت سوار کند؛ بدون اینکه هزینه ی يك کار بزرگ و يك دخالت نظامی را متحمل شود. این مربوط به ملت است.⁽³⁾

حمایت از آشوبگران و مایوس کردن ملت با تلقین غیر قابل شکست بودن دشمن

بلندگوهای دشمن بیشترین تبلیغات خود را صرف مایوس کردن و ترساندن مردم میکنند. من به ملت ایران به طور صریح و آشکار عرض میکنم: نه آن ارباب و تهدیدها درست است، نه آن مایوس کردن ها - هر دو غلط است - اما اینکه نیروی دشمن را غیر قابل مقاومت نشان دهند، حرف بسیار غلط و بی ربطی است. اگر آمریکایی ها میتوانند نظام جمهوری اسلامی را از بین ببرند، حتی يك روز هم معطل نمیشدند. اینکه ملاحظه میکنید مسئولان آمریکایی الان خودشان میگویند راهکار ما برای ایران، راهکار نظامی نیست، راست میگویند؛ چون جنگ برای آنها در ایران، مثل جنگ برای آنها در عراق نیست. اینجا يك ملت در مقابل آنها است؛ آن هم ملتی با این شجاعت و با این عظمت؛ پدر مهاجم را درمی آورند.

ص: 382

1- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 7، ترجمه: «پس تا با شما [بر سر عهد] پایدارند با آنان پایدار باشید.»

2- . در دیدار عمومی بسیجیان 1385/1/6

3- . در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز سیزده آبان 1381/8/13

راهکار آنها چیز دیگری است؛ همان چیزی است که بنده چند سال است در سخنرانی‌ها و همچنین در توصیه‌های خصوصی به مسئولان گوناگون سیاسی و فرهنگی کشور، بارها تکرار کرده و گفته‌ام. يك عده مخالف خوان هم همیشه گفته‌اند اینها خیالات است؛ اما چیزهایی را که تصور میکردند خیالات است، الان خود آمریکایی‌ها صریح مطرح میکنند؛ میگویند ما میخواهیم در داخل ایران اغتشاش ایجاد کنیم؛ بله، راهکار آنها ایجاد اختلاف بین ملت و جدایی و افتراق میان ملت و نظام است؛ راهکار آنها این است که اگر دیدند تعدادی افراد ناراحت و ماجراجو و مایل به اغتشاش را میتوانند مزدور خودشان کنند، معطل نمیکند؛ به حمایت از آنها میپردازند. چهار نفر گوشه‌ای صدا بلند میکنند، آنها میگویند ما حامی آنها هستیم؛ راست میگویند، آنها حامی هر اغتشاشگر و هر مخلل به امنیت و وحدتند؛ همین مطلبی که من چند سال قبل گفتم، بعد هم بعضی از قلم به دست‌های بی تدبیر و ناآگاه، در مطبوعاتشان در این حرف خدشه کردند؛ بله، آنها دنبال اغتشاش آفرینی اند. (1)

زبان دشمن در دهان منافقان برای شکستن مقاومت ملت

دشمن، نقطه‌ی ضعف خودش و نقطه‌ی قوت شما را هم فهمیده. نقطه‌ی قوت شما ایمان و ایثار و دل دادن به مجاهدت و همچنین همبستگی و همدلی شماها باهم است. نقطه‌ی ضعف او این است که در مقابل نیروی ملی يك ملت هیچ ابزاری ندارد؛ ابزار نظامی فایده و پیشرفتی ندارد. این را دشمن میداند. دشمن در صدد است این مقاومت را درهم بشکند؛ در صدد است این ایمان را تضعیف کند؛ در صدد است همبستگی ملی و همدلی را از بین ببرد. اگر دیدید کسی از دل دادن به بیگانه و رها کردن ایمان و مقاومت و وحدت حرف میزند، بدانید از زبان

ص: 383

دشمن دارد حرف میزند؛ چه بداند، چه نداند. همه جا این معیار و شاخص به درد من و شما میخورد که بدانیم در کجا و چگونه داریم زندگی میکنیم؛ محیط و زمان خود را بشناسیم. (1)

نقش عوامل داخلی دشمن در بازتولید فرهنگ وابستگی به اسمهای دیگر

ملت، ملت بزرگی است، ملت خوبی است؛ اما در درون ملت - مثل همه ی ملت‌های دیگر - آدم‌های غریب پرست، آدم‌های سست عنصر، آدم‌های مادی، آدم‌های فریب‌بخور هستند؛ اینها شروع کردند بازتولید همان فرهنگ وابستگی، منتها با يك ادبیات شیک و رنگ آمیزی شده و قالب بندی شده و بسته بندی شده به اسم‌های دیگر: جهانی شدن، وارد شدن در خانواده ی جهانی. امروز هم این توصیه هایی که غربی‌ها و آمریکایی‌ها در جلسات به ما میکنند این است: ایران خودش را با خانواده ی جهانی همراه کند، یکسان کند؛ جهانی بشود. مرادشان همان وابستگی است؛ این همان است. (2)

هیاهوی تبلیغاتی دشمن برای متشنج نشان دادن کشور

شما امروز می بینید که ایادی دشمن در تبلیغاتشان چه در رادیوهای بیگانه، چه در ادامه ی آن رادیوها در داخل و در بعضی از رسانه های داخلی مرتب حرفهایی میزنند و کارهایی میکنند که این طور احساس شود که تشنج عظیم سیاسی ای وجود دارد؛ در حالی که واقعیت این نیست. شما به بعضی از این رسانه های داخلی نگاه کنید! البته همه ی اینها بیگانه نیستند؛ اما بعضی چرا؛ بعضی مال آن دشمنانند! البته اینها را هم می شناسید؛ همه اش هم فریاد میزنند که اختناق هست. حالا

ص: 384

1- . در دیدار خانواده های شهدا 1384/3/3

2- . در دیدار نخبگان علمی جوان 1395/7/28

نمی‌فهمند همین فریادی که می‌زنند اختناق هست، این آنها را بیشتر رسوا میکند؛ به خاطر اینکه هر روز حرفهای دروغ و خلاف و تشنج آفرین شان منتشر میشود؛ دستگاه‌ها هم می‌بینند. مادامی که يك جرم مشخصی را مرتکب نشده باشند، کسی به آنها کاری ندارد؛ حرفهایشان را می‌زنند و در واقع خودشان را تخطئه و تکذیب میکنند؛ اما هستند و سعی میکنند فضا را آشفته، مغشوش، متشنج و ناآرام جلوه دهند. در حالی که چنین چیزی نیست. دانشجو در محیط دانشگاه خود نگاه میکند، میبندد کلاسهای درس دایر است، آزمایشگاه مشغول است، امتحانات بر سر جای خود هست؛ کاسب در محیط کسب خودش نگاه میکند، کارگر در کارخانه ی خودش نگاه میکند، روحانی در حوزه ی خودش نگاه میکند و میبندد که همه چیز سر جای خودش هست؛ وقتی که به تیترا فلان روزنامه نگاه میکنند، گویی که الان اینجا تشنجی هست! آن کارشناسان خارجی هم بیچاره‌ها به همین تیتراها نگاه میکنند و به طمع می‌افتند و باور میکنند! آنها که نزدیک نیستند تا ببینند چه خبر است. پس، این یکی از اهداف امروز دشمنان است که از طریق همین روشهای تبلیغی و رادیوهای مزدور - رادیوی آمریکا که باید گفت رادیوی صهیونیست‌ها، رادیوی انگلیس و رادیوی صهیونیست‌ها - و از طریق دنباله‌های کم ارزش شان در داخل دنبال میشود. (1)

تلاش دشمن و مزدوران او برای ایجاد تلاطم با جریان تبلیغاتی

چون تلاش جریانهای سیاسی ضد جمهوری اسلامی و ضد این حرکت عظیم اسلامی ملت ایران و ملتهای منطقه - این جریان تبلیغاتی عظیمی که امروز به راه انداخته‌اند - در جهت ایجاد تلاطم - هم تلاطمهای اجتماعی و هم تلاطم روحی - است؛ یعنی دلها را مضطرب کردن، نگران و ترسان

ص: 385

کردن که امروز سیاست کلی امپراتوری خبری در دنیا این است و تازگی هم ندارد - نه نسبت به ما در این بیست و چند سال و نه نسبت به جریان حق در طول تاریخ اسلام از اول تا امروز - لذا ملاحظه میکنید یکی از مطالبی که در قرآن روی آن به عنوان يك موضوع منفی تکیه شده، «مرجفون»⁽¹⁾ است؛ یعنی همان کسانی که سعی میکنند دلها را مضطرب، پریشان و ملتهب کنند و دلهره ایجاد نمایند.⁽²⁾

هدف واقعی آمریکا از هیاهوها؛ تسلیم شدن جمهوری اسلامی

حقیقت قضیه این است که امروز آنچه آمریکا - که حالا در نوک پیکان تهاجم به انقلاب و حرکت اسلامی، آمریکا است - از ملت ایران میخواهد، مسئله ی سلاح کشتار جمعی و حقوق بشر و حکومت دموکراسی و... نیست، بلکه آنچه آنها از ملت و مسئولان کشور میخواهند، تسلیم شدن در مقابل اراده ی ابرقدرتی آمریکا است. جز این چیز دیگری نیست؛ و آلا اینها به دموکراسی تمایل دارند؟! امروز دموکراسی های مورد قبول و اعتراف آمریکا چه کشورهایی هستند؟ اگر کشورهایی که دولتهای قانونی و برآمده ی از انتخابات مردم دارند، يك قدم از آنچه که مجموعه ی نیروهای نظامی میخواهند و فکر میکنند و به آن معتقدند، تخطی کنند، نیروهای نظامی مانند عقاب بالای سرشان می آیند و آنها را مثل کبکی شکار میکنند و کنار میگذارند. مگر این طور نیست؟ به اطراف خودتان نگاه کنید! چه زمان معتقد به دموکراسی اند؟! اینها دموکراسی را به عنوان يك شعار ذکر میکنند، خودشان هم میدانند که مردم دنیا میدانند؛ منتها سیاست تبلیغات در دنیا به گفتن و بازگفتن و بازگفتن و تکرار کردن است؛ این سیاست تبلیغاتی و پروپاگاندای رایج در دنیا است. باید بگویند؛ تکرار کنند؛ تکرار کنند، بالاخره در بخشی از مردم اثر میکند؛ لاقل مردم

ص: 386

1- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 60

2- . در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی 1382/3/7

عادت میکنند که بشنوند؛ و الا اینها دنبال مردم سالاری نیستند. بسیاری از رژیمهای مورد علاقه ی اینها اصلاً معنای رأی مردم را نمیدانند و مردمشان هم به هیچ وجه نمیدانند که رأی دادن و انتخاب مسئول در کشور یعنی چه و به آنها هم هیچ اعتراضی ندارند! وقتی که جمهوری اسلامی را باین همه انتخابات، باین همه حضور مردم در صحنه های مختلف، باین همه نشانه ها و نمادهای مردم سالاری که در این کشور هست که در کمتر کشوری در دنیا وجود دارد - ارتباط مسئولان با مردم و همدلی شان با آنها، پشتیبانی ها و عواطف مردم و عشق و علاقه ی وافر آنها به مسئولان - به نداشتن مردم سالاری و استبداد و دیکتاتوری متهم میکنند، معلوم است که مرادشان چیست. (1)

توطئه های رسانه ای دشمن

باید حدس بزنید دشمن چه کار میخواهد بکند. امروز حدس زدن ندارد؛ برای هر آدم آگاهی، روشن است. هزاران توپخانه - توپخانه ی دروغ پردازی، توپخانه ی بزرگ نمایی مشکلات - به سمت این ملت از راه هایی که امروز وجود دارد و دیروز وجود نداشت، مشغول شلیکند. ما در مورد فضای مجازی این را میگوییم؛ میگوییم مواظب شلیک توپخانه ی دشمن باشید در این فضا؛ حواستان باشد؛ از این فضا، دشمن علیه هویت شما، موجودیت شما، نظام شما، انقلاب شما استفاده نکند. آمارهای بی پایه میدهند، دروغ میگویند، نسبت دروغ میدهند، چهره های مورد قبول مردم را - که باید مردم به اینها اعتقاد داشته باشند - تخریب میکنند، موفقیتهای انقلاب را کتمان میکنند، دروغ انگاری میکنند؛ ناموفقیت ها را، ضعفها را، کاستی ها را اگر یکی است هزار تا جلوه میدهند، اگر یکجا است به همه جا تعمیم میدهند. کارهای دشمن اینها است دیگر؛ اینها

ص: 387

کارهای دشمن است؛ برای چه؟ برای اینکه راز پیروزی انقلاب اسلامی را دشمن فهمیده؛ رازش اعتقاد مردم و ایمان مردم است؛ میخواهد این ایمان را از بین ببرد. حالا اگر در طبقات سنین بالا نتوانست، [میخواهد] این اعتقاد را در جوان و نوجوان و نسل نواز بین ببرد که دیگر مردم پشت سر این انقلاب و این نظام نایستند؛ هدفش این است. اینکه مردم را ناامید کنند، مردم را بدبین کنند، اعتماد به نفس مردم را بگیرند، آینده را تاریک نشان بدهند، کاری است که امروز دشمن دارد میکند. (1)

کار دشمن، شبهه درست کردن و بزرگ نمایی کردن

دشمن شبهه درست میکند، بزرگ نمایی هم میکند. جوری هم دشمنان ما در دستگاه های ارتباطی و تبلیغاتی خودشان حرف میزنند که هزار برابر آن مقدار مخاطبی که دارند، کأنه مخاطب دارند؛ هزار نفر را يك میلیون معرفی میکنند؛ این جوری وانمود میکنند. فریب اینها را نباید خورد، فریب این بزرگ نمایی های دشمن را هم نباید خورد. اگر چنانچه این تحلیلهایی که آنها میکنند نسبت به جمهوری اسلامی - که جمهوری اسلامی اینجایش خراب است، اینجایش ویران است، اینجایش نابود شد، اینجایش از بین رفت، پدرش درآمد - بنا بود این تحلیلهای واقعی باشد، همان طور که عرض کردم باید صد بار تا حالا ما کفن پوسانده باشیم. روز اول هم میگفتند جمهوری اسلامی تا شش ماه دیگر از بین خواهد رفت؛ بعد سر شش ماه دیدند نشد، گفتند تا دو سال دیگر؛ چهل سال گذشته! به توفیق الهی همه بدانند ما در این مرحله و در مراحل دیگر، دشمنان خودمان را، آمریکای جنایت کار را و همدستان آمریکا را به فضل الهی زمین گیر خواهیم کرد. (2)

ص: 388

1- . در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی 1396/10/6

2- . در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سراسر کشور 1396/10/6

اشاره

امروز همه میدانند که فکر استکبار چیست؛ همه فکر آمریکا را که رأس استکبار است خوانده اند. فکر اینها، سلطه بر همه ی عالم است؛ بخصوص این منطقه ی حسّاسی که ما در آن زندگی میکنیم؛ یعنی منطقه ی خاورمیانه، خلیج فارس و این نقطه ی اساسی اقتصادی و نظامی. این فکر استکباری، دنبالش نقشه ها است. این نقشه های ضدّ مردمی و ضدّ اسلامی، سروکارش با انسانها است. اگر استکبار بتواند موج عظیم انسانی را از مقابل خود کنار بزند، دولتها نیستند که بتوانند مقابل آمریکا مقاومت کنند. دیدید که دولتها در کنفرانس خیانت(1) چه کردند. اگر کسی بتواند جلوی حرکت فرعونی و طاغوتی استکبار آمریکایی و ایادی اش را بگیرد، ملتها هستند و ملتها میتوانند. طراحان استکبار ممکن نیست این مطلب را نفهمند؛ ممکن نیست به ملتها و بخصوص به جوانان به چشم يك خطر بزرگ نگاه نکنند؛ ممکن نیست در مقابل این خطر، تدبیری نیندیشند و تاکتیک های لازم را انتخاب نکنند.

پس، همین طور که شما نشسته اید، میتوانید خوب تصوّر کنید که امروز یکی از کارهای اساسی استکبار این است که نسل جوان را در کشورهای اسلامی و هر کشور اسلامی که بیدارتر است، بیشتر از صحنه بیرون کند. کدام کشور اسلامی از همه بیدارتر، از همه زنده تر، و از همه بی محاباتر

ص: 389

1- . کنفرانس مادرید. ایده ی این کنفرانس، در فردای جنگ آزادسازی کویت از سوی آمریکا، تحت عنوان کلی «زمین در برابر صلح» مطرح شد. در این کنفرانس که در 30 اکتبر 1991 میلادی برگزار گردید، نمایندگان اسرائیل، سوریه، اردن، فلسطین، لبنان و مصر به طور رسمی، و نمایندگان جامعه ی مشترک اروپا، سازمان ملل متحد، عربستان سعودی (از طرف کشورهای عرب حوزه ی خلیج فارس)، جورج بوش و میخائیل گورباچف به عنوان ناظر شرکت کردند. این کنفرانس، با نظارت و سرپرستی مستقیم آمریکا و روسیه آغاز شد؛ ولی عملاً نتایجی از آن حاصل نگردید؛ زیرا صلح فلسطین و اسرائیل، خارج از این روند به دست آمد، و اردن و اسرائیل نیز به طور جداگانه با یکدیگر سازش کردند؛ فقط سوریه به این ایده پایبند است، که آن هم به علّت عدم تمایل اسرائیل به عقب نشینی از سرزمینهای اشغالی، نتیجه ای در بر نداشته است.

در مقابل استکبار ایستاده است؟ جز ایران اسلامی؟ پس، جوانان ایران اسلامی بدانند که استکبار برای بیرون راندن آنها از صحنه ی این مبارزه ای که در آن، فتح و پیروزی حتماً نصیب ملتها است ولاغیر، مشغول پول خرج کردن و طراحی انواع نقشه ها است. هدف این نقشه ها، شما جوانان مؤمن و انقلابی و شجاعی هستید که ایستاده اید، تا هدفهای انقلاب و امامتان را تا آخرین رقم به تحقق برسانید و هر مانعی را از سر این راه بردارید.

هر حرکتی که منجر به این بشود که نسل جوان احساس کند باید از صحنه ی مقاومت کناره بگیرد، این حرکت، با واسطه یا بی واسطه، مربوط به آمریکا و نظام استکباری است. این يك معیار کلی است. هر کاری که در کشورهای دیگر کردند، اینجا هم میخواهند بکنند: سرگرم کردن جوانان به مسائل جنسی، سرگرم کردن جوانان به مسائل شخصی، آلوده کردن جوانان به مواد مخدر و مسکر، منحرف کردن ذهن جوانان از آرمانهای انقلابی و اهداف اصلی، متوجه کردن آنها به اهداف کوچک و جزئی و صنفی و امثال اینها، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اسلام، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اصول انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و حتی به امام، و نیز هر چیزی که در راه این مبارزه ی عظیم به کار گرفته میشود و وجودش لازم است، آن را در چشم نسل جوان، بی رنگ و بی اثر و بی فایده و مهمل جلوه دادن. اگر شما جایی چیزی در این مضمونها دیدید، در کتابی خواندید، در رمان ترجمه شده یا نوشته شده ای مطالعه کردید، در مقاله ی ترجمه شده ای یا در شعر و یا در فلسفه بافی ای مشاهده کردید، حتی در تظاهرات به اصطلاح جسورانه و پرخشمی چیزی از این قبیل دیدید، آن را متهم کنید؛ بدانید که تصادفی نیست؛ بدانید که آمریکا از شما میترسد؛ بدانید که بزرگ ترین پستهای استکبار عالمی، از حضور شما در صحنه، احساس ناامنی میکند.

میخواهند شما را از سر راه بردارند. چگونه میشود این کار را کرد؟

با کشتار که نمیتوانند. اگر میتوانستند با یک بمب اتم یا با یک حرکت نظامی، این ملت را تارومار کنند، میکردند؛ اما نمیتوانند؛ این به ضررشان تمام میشود؛ این را میفهمند. اگر میتوانستند این ملت را از صحنه ی زمین حذف کنند، میکردند؛ اما نمیتوانند و قدرتش را ندارند؛ سنت عالم این نیست. پس، باید این ملت و این جوانان باشند؛ اما سر راه تجاوزگری آنها نباشند. (1)

درست نقطه ی مقابل آنچه که من گفتم ما با رژیم آمریکا مواجهیم، نه ملت آمریکا، رژیم آمریکا با ملت ایران مواجه است، نه فقط با دولت ایران؛ از ملت ناراحت و خشمگین است؛ مسئله ی او، مسئله ی دولت ایران نیست؛ مسئله ی کسانی که حکومت میکنند، نیست؛ مسئله ی آحاد ملت است. چرا؟ علت واضح است. چون فرهنگ دوری از سلطه ی استکبار، استکبارستیزی، میل به استقلال و در دست داشتن سرنوشت خود، در دلهای این مردم رسوخ پیدا کرده است. آنها از این ناراحتند. آنها ملتی را میخواهند که مثل بزه ی رامی آنجا قرار گیرد، اینها هم رژیمی را بر او تحمیل کنند، یا از آن سوی مرزها به او دیکته نمایند؛ آن ملت هم بی هیچ مقاومتی آنها را انجام دهد و آن راه را برود. ملت بیدار، ملت هوشیار، ملت آگاه به مسائل سیاسی، ملتی که اگر مسئولانش هم بخواهند برخلاف این خط مستقیم حرکتی بکنند، اعتراض خواهد کرد، این گونه ملتی را اینها دوست ندارند.

چند سال قبل از این در زمان حیات امام بزرگوار، یکی از وزرای رئیس جمهور وقت آمریکا علناً و صریحاً در مقابل چشم خبرنگاران گفت که ما باید ریشه ی ملت ایران را بکنیم! ببینید چقدر این حرف ابلهانه است. این حرف در آن زمان در همه ی دنیا پخش شد. قضیه ی اینها،

ص: 391

1- . در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) 1370/8/15

قضیه ی ملت است؛ نه فقط قضیه ی دولت. معلوم است که ریشه ی يك ملت چهل پنجاه میلیونی آن روز را که نمیشد کند و همه را از بین برد؛ معنایش این بود که ملت را بی ریشه کنیم، فرهنگ این ملت را بگیریم، آن چیزهایی را از این ملت بگیریم که آنها را وادار به این ایستادگی و مقاومت میکند. (1)

ایمان جوانان مؤمن؛ آماج حمله ی فرهنگی دشمن

بنابراین، آماج حمله ی آنها همین چیزی است که این بنای اسلامی را به وجود آورده؛ یعنی ایمان. اگر ایمان اسلامی نبود، این کشوری که ما دیده بودیم و این نظامی که ما آن را با گوشت و پوست و استخوان خودمان تجربه کردیم، ممکن نبود که تغییری پیدا بکند؛ این ایمان اسلامی بود. يك مرجع تقلید با تأیید الهی، با هدایت الهی، با بلد بودن شیوه ی مبارزه و کار، وارد میدان شد و ایمان مردم را کشاند به سمت این هدف بلند و مردم به میدان آمدند؛ وقتی مردم در میدان بودند، هیچ قدرت مادی ای کاری نمیتواند انجام بدهد. عمده، حضور مردم است که این را امام بزرگوار ما به برکت ایمان مردم و با اتکاء به ایمان مردم توانست انجام بدهد؛ لذا آماج [دشمن]، ایمان مردم است، ایمان جوانان است.

اینکه بنده بارها تکرار میکنم که جوان امروز، از جوان اول انقلاب و دوران جنگ اگر جلوتر نباشد، بهتر نباشد، عقب تر نیست - و من معتقدم که جلوتر است - به خاطر این است که امروز با این همه ابزارهای تبلیغی، با این همه شگردهای گوناگون فروریختن پایه های ایمان، جوان انقلابی ایستاده است. ما در عرصه ی فرهنگ، در عرصه ی سیاست، در عرصه های اجتماعی، در عرصه های هنری الی ماشاءالله جوان مؤمن داریم؛ البته بله،

ص: 392

1- . در دیدار با گروه کثیری از دانش آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت یوم الله سیزده آبان 1376/8/14

يك عدّه ای هم هستند که معتقد نیستند، پابند نیستند، آن را هم میدانیم، نه اینکه غافل باشیم، اما این خیل عظیم جوانان مؤمن، جزو معجزات انقلاب است. این جوان امروز [است]؛ جوانی که نامه مینویسند به بنده - از این نامه ها یکی و دوتا و ده تا هم نیست، زیاد است - و التماس، گریه که اجازه بدهید ما برویم در دفاع از حرم اهل بیت (علیهم السّلام) بجنگیم؛ از زندگی راحت، از زن و بچه بگذریم. نامه مینویسند - واقعاً نامه گریه آلود است - که [ما] پدر و مادر را راضی کردیم، شما اجازه بدهید ما برویم بجنگیم؛ این وضع جوان امروز است. خب میخواهند ایمان این [جوان] را از بین ببرند. این حصار فرهنگی برای حفظ این ایمان است. (1)

مبارزه ی دشمن با اعتقادات مردم

يك ملت برای اینکه از فقر، ذلّت، زیر سلطه ماندن، بی سوادى و از همه ی آثار نكبت بار تسلّط طواغیت نجات پیدا کند، به همین چیزها احتیاج دارد. چنین ملّتی باید آگاه و بیدار باشد، قدرت تحلیل داشته باشد، بموقع همه چیز را بفهمد و بموقع اقدام کند؛ دین - که مایه ی قوّت يك انسان در همه ی میدانهای زندگی است - در آن ملّت عمیق باشد؛ غیرت که مایه ی حفظ هویت دینی و ملّی يك ملت است، در او زنده باشد و تن پرور نباشد. این صفات در شما مردم هست؛ در گذشته بود، امروز هست و به فضل الهی در آینده هم خواهد بود. با همین خصوصیات بود که ملّت ایران پیروز شد و امروز دشمنان این ملّت میخواهند با همین خصوصیات مبارزه کنند. مبارزه ی امروز استکبار با همین چیزهایی است که موتور حرکت يك ملت است: مبارزه با آگاهی مردم است، مبارزه با غیرت دینی و ملّی مردم، وحدت مردم، ایثارگری و مقاومت مردم است. امروز مبارزه ی دشمن، مبارزه ی تبلیغاتی است و بوقهای تبلیغاتی دشمن

ص: 393

همه ی فضاهای ممکن را علیه ملت ایران پُر میکند. اما ملت ایران دست از ارزشهای اصیل خود برنداشته و برنمیدارد. امسال بیست و دوم بهمن را دیدید؟! بگذارید خبرگزاری ها کتمان و انکار کنند. از خود ملت ایران که نمیتوانند کتمان کنند! امسال درست در همان وقتی که سردمداران استکبار جهانی و کاخ نشینان کاخ سیاه انتظار داشتند که مردم خاطره ی انقلاب را به یاد نیاورند و مورد اعتنا قرار ندهند، مردم در همه ی شهرهای کشور با قوت و قدرت و نشاط و اهتمام به میدان آمدند و نشان دادند که بیدار و آگاهند؛ به راه خود مؤمن و به استقلال و عزت و افتخار خود علاقه مند هستند. (1)

افزایش انگیزه ی دشمن برای نفوذ در حصار فرهنگی کشور

حصار فرهنگی، خاکریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه چیز از دست خواهد رفت. من به شما عرض بکنم: امروز بعد از 37 سال، 38 سال از پیروزی انقلاب، انگیزه ی دشمنان برای نفوذ در حصار فرهنگی از روز اول بیشتر است؛ نه اینکه کم نشده، قطعاً زیاد شده؛ روشها را هم که شما می بینید: این شیوه های فضای مجازی و تبلیغات گوناگون و ماهواره و امثال اینها؛ [یعنی] انگیزه ها بیشتر شده. (2)

تهاجم فرهنگی بزرگ تر؛ تزریق ناتوانی در برابر غرب

من که میگویم تهاجم فرهنگی، عدّه ای خیال میکنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را تا اینجا بلند کند؛ خیال میکنند بنده با موی بلند تا اینجا مخالفم. مسئله ی تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی بندوباری و فساد هم یکی از شاخه های تهاجم فرهنگی است؛ اما

ص: 394

1- . در دیدار مردم آذربایجان شرقی 1381/11/28

2- . در دیدار جمعی از ائمه ی جماعات مساجد استان تهران 1395/5/31

تهاجم فرهنگی بزرگ تر این است که اینها در طول سالهای متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمیتوانی؛ باید دنباله رو غرب و اروپا باشی. نمیگذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده ی دنیا باشد، عده ای می ایستند و میگویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه ی فلانی است؛ حرف شما در روان شناسی، مخالف با نظریه ی فلانی است. یعنی آن طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب اینجا است که آن نظریات کهنه و منسوخ میشود و جایش نظریات جدیدی می آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست میگیرند! ده ها سال است که نظریات پوپر در زمینه های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و ده ها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته اند؛ اما در سالهای اخیر آدمهایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سالهای متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرفهای جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده ای هنوز وقتی میخواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه ی قدیمی نگاه میکنند! اینها دو عیب دارند: یکی اینکه مقلدند، دوم اینکه از تحولات جدید بی خبرند؛ همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه ی خود نگه داشته اند و امروز به جوانهای ما میدهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه میکنند!⁽¹⁾

ص: 395

تهاجم فرهنگی؛ راه نفوذ دشمن برای از بین بردن ایستادگی ملت‌ها

استعمارگران در دوران استعمار، یکی از اولین کارهایی که میکردند، این بود که فرهنگ خودشان را وارد آن منطقه‌ی تحت نفوذ استعماری کنند؛ یعنی این را حساب شده میکردند؛ نه به این معنا که لشکریانشان می‌آمدند، سالها میماندند و فرهنگ قهراً منتقل میشد؛ نه، برای این کار، محاسبه میکردند... اگر يك وقت قدرتمندان عالم و کسانی که میتوانند کاری بکنند، ملاحظه کنند که بخشی از فرهنگ يك کشور، مزاحم آنها و معارض منافع آنها است، بدیهی است که با آن بخش، معارضه‌ی فرهنگی میکنند! (1)

از قرنهای 16 و 17 که وارد سرزمینهای شرق - از جمله سرزمینهای اسلامی - شدند، برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملت‌ها ببندند و اسیرشان بکنند، شروع کردند آنها را نسبت به گذشته‌ی خود، نسبت به داشته‌های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن... یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته‌اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! (2)

5 - سوء استفاده از مذاکره

ضرر مذاکره در هنگام ضعف

دنیای سیاسی - مثل سازمان ملل و امثال آن - با ما چه کرد؟ دنیا از همه طرف فشار آورد که بنشینید با عراق مذاکره کنید و جنگ و مقاومت را متوقف سازید. این یکی از نقاط عبرت است؛ جوانان ما روی این نقاط

ص: 396

1- . در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1376/11/4

2- . در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج 1388/2/22

خیلی تکیه کنند. ما دولت تازه کاری داشتیم که دو سال روی کار آمده و با چنین حمله ی سنگینی مواجه شده بود و دشمن در هزاران کیلومتر زمین ما، از جنوبی ترین نقطه تا شمالی ترین نقطه ی همسایگی با عراق، مستقر شده بود؛ اما در این حال به ما میگفتند بیاید مذاکره کنید! مذاکره از موضع ضعف و ذلت و همراه با دست پُر حریف در چانه زنی. آن روز اگر مذاکره صورت میگرفت - که يك عده از سیاسیون، همان روز به امام فشار می آوردند که بنشینید مذاکره کنید - مطمئناً عراق از بخش عمده ی خاک ما خارج نمیشد و تا امروز خوزستان و خرمشهر و شاید بسیاری از مناطق دیگر همچنان زیر چکمه ی نیروهای متجاوز بیگانه بود. اما امام ایستاد. منطق امام این بود که وقتی متجاوز در خاک ما است و با دست پُر ما را تهدید میکند، ما مذاکره نمیکنیم. مذاکره آن وقتی صورت میگیرد که دشمن از تمام خاک ما خارج شود. امروز عده ای ناجوانمردانه این حقیقت را ندیده میگیرند. آن روز عده ای، از جمله همان روسیاهان فراری از کشور که امروز به دامن آمریکا و اروپا و جاهای دیگر پناه برده اند، از طریق محافل سیاسی و روزنامه ها و رادیو و تلویزیون - که در دست آنها بود - مرتب فشار می آوردند که امام باید مذاکره کند. هیئت های بین المللی هم مرتب به ایران می آمدند و میگفتند مذاکره کنید. امام با الهام از همان بینش روشن، ایمان راسخ، توکل به خدا و قدرت اراده ایستاد و گفت اگر ما توانستیم سرزمینهای خود را پس بگیریم، آنگاه وقت مذاکره است؛ امروز وقت مذاکره نیست؛ عملاً هم همین طور شد. (1)

مذاکره با دشمن ظالم و زورگو؛ خیانت یا حماقت

امروز عده ای متأسفانه کارشان این شده است که مرتب دشمن را بزرگ و خود را کوچک کنند، عظمت دشمن را به رخ همه بکشند و دائماً

ص: 397

بگویند ما نمیتوانیم! یعنی ما هم مثل خیلی از کشورها و دولتها باید برویم در هاضمه ی استکبار جهانی هضم شویم! اینها اشتباه میکنند؛ خودشان ضعیف و از درون پوکند - یا پوک بودند یا پوک شدند - لذت‌های دنیا آنها را پوک کرده است؛ دنیاطلبی آنها را بی ارزش و بی هویت کرده است؛ بنابراین خیال میکنند همه مثل آنهایند؛ نخیر، این ملت توانا و امیدوار است؛ بیخود دل ملت را نلرزانند و مرتب نگویند ما نمیتوانیم و قدرت حرکت نداریم؛ چرا، این ملت قدرت حرکت دارد؛ این ملت اسلام دارد؛ این ملت ابزار و وسیله ی بسیار مؤثر ایمان را دارد؛ این ملت اتحاد حقیقی و قلبی خود را با مسئولان کشور دارد. این رشته ی اتحاد مقدسی که با پیوندهای ایمان و عاطفه محکم شده است، در کمتر جایی از دنیا شبیهش میشود پیدا کرد.

ما به فضل پروردگار مشکلات را برطرف میکنیم و میتوانیم دشمن را سر جای خود بنشانیم. دشمن هرچه هم از لحاظ ابزار نظامی قوی باشد، در مقابل يك ملت منسجم و مؤمن و دارای امید به آینده، هیچ غلطی نمیتواند بکند. البته ما مسئولان باید به وظایف خود عمل کنیم؛ دولت و قوه ی قضائیه و مجلس باید به وظایف خود عمل کنند. هرکس امروز از وظیفه ی اصلی خود سرپیچی کند و خود را به کار دیگری مشغول و سرگرم سازد و از انجام وظیفه شانه خالی نماید، خیانت کرده است و دچار لعنت ابدی خواهد شد. ما مسئولان باید روح اسلامی را در خود زنده نگه داریم؛ روح اشرافیگری را دور بیندازیم و رشته ی سودجویی و ثروت طلبی و دنبال منافع شخصی دویدن و تجمل پرستی و امثال اینها را از دست و پای خود باز کنیم. اگر گرفتاری های ما در بخشی حل نشده است، علتش اینها است؛ اینها را باید اصلاح کنیم. (1)

ص: 398

فشار و مذاکره؛ نقشه‌ی آمریکا برای از بین بردن الگوی مقاومتی به نام ایران

اینکه شما می‌بینید بر روی بی‌اعتنائی ایران به آمریکا این همه فشار می‌آید آمریکایی‌ها از تمام وسایل استفاده میکنند، برای اینکه این چهره‌ی بی‌اعتنا و عبوسی را که ملت ایران در مقابل آمریکا گرفته، در هم بشکنند، برای این است که در اطراف دنیا همه‌ی زحمت خودشان را کشیده‌اند تا بتوانند سیاسیون سالم را وادار به تملق و تواضع و تعظیم و تسلیم کنند. آمریکایی‌ها به رؤسای کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین این طور تفهیم کرده‌اند که برای زندگی کردن، هیچ چاره‌ای نیست، مگر تسلیم شدن در مقابل آمریکا و سیاستهای آن. بسیاری از آنها هم این را قبول کرده‌اند! تنها یک کشور، یک ملت و یک دولت در دنیا است که زیر این بار نرفته و میگوید ما کاری به کار آمریکا نداریم؛ اما حاضر هم نیستیم تسلیم زورگویی و فشار و تحمیل سیاستها و روابط آمریکا شویم؛ آن کشور، جمهوری اسلامی ایران است.

مسئولان آمریکایی، گاه در مقام بیان و خطابه اظهارات ریاکارانه‌ای ابراز میکنند؛ بعضی وقتها از ملت ایران یک تعریف نیمه‌کاره و یا از بخشی از مسئولان و نظام ایران تعریفی بر زبان می‌آورند. هدف آنها این است که بتوانند بر ایران سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی، و اگر بشود، سلطه‌ی نظامی پیدا کنند. بازارهای ایران مورد طمع آنها است؛ منابع ایران مورد طمع آنها است؛ از همه بالاتر، چون ملت و نظام انقلابی و اسلامی ایران توانسته است خیزش عظیمی را در دنیای اسلام به وجود آورد، یک بیداری که به آسانی نمیتوانند آن را از بین ببرند، میخواهند با قانع کردن و خاضع کردن ایران، این خیزش جهانی را از بین ببرند؛ یعنی به دنیا این طور بگویند که اینهایی که خودشان شروع کننده بودند، آمدند در مقابل آمریکا اظهار تسلیم و خضوع کردند! بنابراین، هدف، روابط سالم نیست. آنها در تبلیغاتشان آن حرفها را میزنند؛ عده‌ای هم متأسفانه در مطبوعات کشور و غیره، همان

حرفها را تکرار میکنند که گویا ارتباط با آمریکا خواهد توانست همه ی مشکلات اقتصادی کشور را حل کند. این دروغ و خلاف است. (1)

6 - حمله به اصول

اشاره

در جهاد فلسطین و در جهاد دنیای اسلام، شرط اصلی موفقیت، پای فشردن بر اصول است. دشمن همواره ربودن اصول را هدف میگیرد و با خدعه و وعده و تهدید، بر چشم پوشیدن از آن اصرار می ورزد. با حذف یا کم رنگ شدن اصول، دنیای اسلام شاخصهای راهنما را گم میکند و محکوم قواعدی میشود که دشمن آن را تعیین کرده است و نتیجه معلوم است. (2)

تبلیغ نفوذی ها برای دست برداشتن از اصول

غالباً بعضی در میان خود ملتهای ما و از خود ما، به پیروی از دشمن، ما را به رها کردن اصولمان توصیه میکنند و آن را تاکتیک و تدبیر مینامند! انگیزه ی آنان هر چه باشد - غفلت یا طمع و خیانت - آنان مصداق این کلام خداوندند: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَحْشَىٰ أَنْ نُصِيبَٰ دَائِرَةً فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَهُ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ» (3). آنان از کمک به دشمن هیچ سودی نمیرند. (4)

ص: 400

1- . در دیدار با جوانان در مصلاّی بزرگ تهران 1379/2/1

2- . در سوّمین کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین 1385/1/25

3- . سوره ی مانده، آیه ی 52، ترجمه: «میبینی کسانی که در دلهایشان بیماری است در [دوستی] با آنان شتاب می ورزند میگویند میترسیم به ما حادثه ی ناگواری برسد امید است خدا از جانب خود فتح [منظور] یا امر دیگری را پیش آورد تا [در نتیجه آنان] از آنچه در دل خود نهفته داشته اند پشیمان گردند.»

4- . در سوّمین کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین 1385/1/25

تخریب باورهای مقاومت بخش از سوی دشمن و مزدورانش تحت پوشش اصلاح

دشمن سه هدف مرحله ای و مقطعی را تعقیب میکنند. اول، عبارت است از تخریب وحدت ملی؛ یکپارچگی ملت ایران را بشکنند و تخریب کنند. دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمانها و باورها و اعتقاداتی که این ملت را از يك عقب افتاده ی توسری خور، به يك ملت پیشرو و شجاع و میدان دار در دنیا تبدیل کرد، پردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهایی انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمیکرد و این ملت پیش نمیرفت. دشمن میخواهد این باورها را در ذهن ملت ما تخریب کند. سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم. پس، سه تخریب، موردنظر دشمن است: تخریب وحدت ملی، تخریب باورهای کارساز و مقاومت بخش، و تخریب روح امید. اسم این تخریبها را هم «اصلاح» میگذارند! من کاری به این دوستان و خودی های غافل ندارم؛ بحث من بر سر دشمن است که سلسله جنبان این حرکت، به بیرون از این مرزها مربوط است. در داخل مرزها هم کسانی که اساس کار دست آنها است، جزو دشمنانند؛ مثل جبهه ی قاسطین که من سال گذشته در مورد امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض کردم. (1)

تلاش دشمن برای از بین بردن باورهای مقاومت ساز

ببینید عزیزان من! همه ی انسانها در هر مرحله ای که مشغول فعالیت هستند، این حرکت جسمانی و حرکت ذهنی و این همت آنها، ناشی از باورهایی است. آن سربازی که در میدان جنگ مشغول جنگیدن با دشمن است، باورها و اعتقاداتی او را به این کار وادار میکند. اگر این اعتقادات را از او بگیرند، او که تا آن زمان مثل گلوله ی سوزانی به سینه ی دشمن می نشست، به يك موجود سرد تبدیل میشود و به گوشه وکناری

ص: 401

می افتد. اعتقادات و باورها این طورند. باورهای اسلامی، اعتقاد به پاداش الهی، اعتقاد به حقانیت ملت ایران در مقابل دشمنان متجاوز و در مقابل آمریکا، باورهایی بود که این ملت را به حرکت واداشت؛ رژیم دژخیم بسیار فاسد پهلوی را از سر راه برداشت و نابود کرد؛ نظام اسلامی را بر سر کار آورد و دست دشمنان را کوتاه کرد. همین باورها بوده که بیست سال است این ملت در مقابل همه ی توطئه های دشمن توانسته مقاومت کند. هدف دشمن چیست؟ هدف دشمن این است که این باورها را از مردم بگیرد؛ هرچند کار آسانی هم نیست. (1)

عوامل دشمن در فضای ذهن

اگر کسی درباره ی يك مبنای فکری شبهه ای دارد، قانونش این است که آن را در مراکز تخصصی و محافل علمی مطرح کند. یا باید شبهه را برطرف کرد و از ذهن خود زدود، یا اگر شبهه اشکال واقعی است، آن را به يك نظریه تبدیل کرد و ذهنهای اهل علم و اهل نظر را نسبت به آن منقاد نمود. این حضرات از این قانون پیروی نمیکنند. شبهه ای به ذهن آنها می آید، خودشان دچار بی اعتقادی میشوند و بر اثر هزارگونه ابتلاء و گرفتاری، پایه های ایمان عمیق قلبی شان را موربانه ی هواوهوس و رفاه زدگی و دنیاطلبی میجود و میخورد و شبهه دار میشوند؛ آنگاه می آیند شبهه را در افکار عمومی مطرح میکنند و اسمش را هم تجدید نظر میگذارند! این خیانت به افکار عمومی است. تجدید نظر یعنی چه؟ يك وقت معنای تجدید نظر این است که انسان از خطایی، اندیشمندانه و منصفانه برمیگردد؛ این امر بسیار خوبی است؛ اما تجدید نظرهای سیاسی، مصلحتی و ناشی از تغییر موقعیتهای و تطمیع دشمن، تجدید نظر نیست؛ اینها هُرُهری مسلکی است.

ص: 402

... انسان اگر زندگی سیاسی بعضی افراد را از اول انقلاب تا به حال نگاه کند، میبیند ملغمه‌ی عجیبی از انواع و اقسام فکرها است! یک روز بود که چنین آدمهایی به این اکتفا نمی‌کردند که در شعارها، مردم فقط «مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی» بگویند؛ میگفتند باید بگوییم «مرگ بر شرق و غرب»! ما میگفتیم شوروی سمبل یک تفکر و یک راه غلط است؛ آمریکا سمبل جنایت و ستم است؛ چه دلیلی دارد شما بگویید «مرگ بر شرق و غرب»؟! میگفتند شما محافظه کار و سازش طلبید! از جمله همین حضرات، امروز کسانی هستند که حاضرند بروند رسماً در مقابل آمریکا و انگلیس عذرخواهی کنند و بگویند ما غلط کردیم، اشتباه کردیم به شما بدگویی کردیم؛ ما را ببخشید! بعضی از همین افراد، آن روز در اوایل انقلاب، روی تندی‌های بی‌رویه، چنان نظرات عجیب و غریب اقتصادی ای مطرح میکردند که انسان شاخ درمی آورد! میگفتیم اینها کجایش اسلامی است؟ میخواستند تفکرات بسیار تندِ چپ سوسیالیستی را به اسم اسلام تحمیل و پیاده کنند. بعضی از آنها که مسئولیت داشتند، کارهای بدی هم در آن روز انجام دادند. من فراموش نمیکنم، ما در شورای انقلاب - سالهای 57 و 58 - قانونی داشتیم که سرمایه داران قبل از انقلاب را به چهار دسته تقسیم کرده بود: بند (الف)، بند (ب)، بند (ج)، بند (د). بند (ب) کسانی بودند که سرمایه های آنها از طریق نامشروع و غیر قانونی به دست آمده بود؛ حکمش هم این بود که دولت باید آن سرمایه ها را تصرف کند. بند (ج) کسانی بودند که سرمایه های آنها از راه نامشروع به دست نیامده بود؛ لیکن وامهای کلانی از بانکها گرفته بودند، تقلب کرده بودند و پول را پس نداده بودند؛ بنابراین آنها میبایست وامهای خود را ادا میکردند؛ اگر ادا میکردند، کارخانه ها مال خودشان میشد؛ اما اگر پرداخت نمیکردند، کارخانه های آنها تصرف میشد. اوایل ریاست جمهوری من گروهی مسئول تشخیص بند (ب) و (ج) و این طور کارها بودند. البتّه این کارها دست

بنده به عنوان رئیس جمهور نبود؛ دست نخست وزیر و دستگاه هیئت دولت بود. من اطلاع پیدا کردم يك عده در این هیئت هستند و اصرار دارند که بند (ج) را به بند (ب) تبدیل کنند؛ یعنی کارخانه ای که میشد صاحب آن بدهکاری اش را به بانک بدهد، بعد کارخانه اش را راه بیندازد و کار کند و کارگزارش هم بیکار نباشند، میخواستند نگذارند این کار انجام گیرد. در آن موقع، چنین گرایش چپ ضد سرمایه داری افراطی نابه حق وجود داشت. همان آدمها امروز کسانی هستند که حاضرند در مقابل کمپانی داران و سرمایه داران صهیونیستی فرش قرمز پهن کنند تا به ایران بیایند و سرمایه گذاری کنند! انسان از چپ ترین ایده ی مارکسیستی، به افراطی ترین ایده ی دست راستی اقتصادی متحوّل شود؛ اسمش را هم تجدید نظر بگذارد! این تجدید نظر نیست؛ این هُرُهری مسلکی است. آن روز افراط بود، امروز هم افراط است. وجود این آدمهای تجدید نظر طلب در برخی از دستگاه های گوناگون، اسباب زحمت و خطر است. اگر در دانشگاه باشند، ضرر میرسانند؛ اگر در دولت باشند، ضرر میرسانند؛ اگر در مجلس باشند، ضرر میرسانند؛ هر جا و در هر نقطه ای باشند، ضرر میرسانند. یکی از آسیب های ما این است. (1)

حمله ی دشمن به تفکر دین سیاسی

امروز یکی از توصیه های اساسی ای که هیئت های اندیشه ورز آمریکایی و انگلیسی دور هم می نشینند، فکر میکنند، طراح می کنند، دارند ارائه میدهند و به فعالان مطبوعاتی و رسانه ای و اینترنتی و سیاسی و غیره تعلیم میدهند، این است که میگویند با دین سیاسی باید مخالفت کرد؛ یعنی تبلیغ جدایی دین از سیاست؛ یعنی جدایی دین از زندگی؛ دین گوشه ی مسجد، دین داخل خانه، دین فقط در دل، نه در عمل؛ که اقتصاد غیر

ص: 404

دینی باشد، سیاست غیر دینی باشد، زیر بار دشمن رفتن غیر دینی باشد، با دوست جنگیدن، با دشمن همراه شدن - برخلاف نصّ دین - وجود داشته باشد، اما ظاهر هم ظاهر دینی باشد؛ این را میخواهند.

معرفت دینی یعنی اینکه دین - همه ی ادیان؛ ادعای ما این است که همه ی ادیان این جور هستند، حتی مسیحیت؛ اما آنکه مسلّم و واضح و روشن است، دین اسلام است که پیغمبر اکرم اوّل کاری که بعد از غربت دوران مکه انجام داد، ایجاد حکومت بود و دین را با ریختن در قالب حکومت توانست ترویج بکند - جدای از حکومت نیست. معنای اینکه دینی از حکومت جدا باشد، این است که دین بنشیند دائم نصیحت بکند، دائم حرف بزند و قدرتمندان هم هر کار که دلشان میخواهد برخلاف دین و بر ضدّ دین بکنند؛ هر وقت هم که خواستند يك لگدی به سر اینها بزنند؛ دین غیر سیاسی یعنی این. این را میخواهند، این را دنبال میکنند. نخیر، این معرفت باید وجود داشته باشد که دین منفک از سیاست نیست؛ و دشمن دین، از آن دینی میترسد که دولت دارد، قدرت دارد، ارتش دارد، اقتصاد دارد، سیستم مالی دارد، تشکیلات گوناگون اداری دارد؛ از این دین میترسد؛ و الا آن دینی که مردم میروند و در مسجد عبادت میکنند، خب بکنند، صد سال بکنند؛ پس این هم یکی از عوامل [اقتدار کشور]. این را بدانید که عدم انفکاک دین از زندگی و از سیاست و جریان دین در همه ی شراشر(1) زندگی جامعه، يك معرفت درست دینی است؛ این باید تحقّق پیدا بکند و باید دنبال این بود. و الا اسم دین و اسم روحانی صفتی ماها و عمّامه به سری ماها و مانند اینها که کاری نمیکند؛ باید حقیقتاً حرکت کنیم.(2)

ص: 405

1- اجزا

2- در دیدار مردم قم 1395/10/19

دشمن دنبال این است که این عوامل اقتدار ملی را - که بنده عرض کردم - از بین ببرد؛ هدف دشمن این است. ایمان را از بین ببرد، حیا و عفاف را از بین ببرد، پایبندی به مبانی دینی را از بین ببرد، اعتقاد راسخ به حاکمیت دین را از بین ببرد، عزت ملی را مخدوش کند، حرکت علمی را متوقف کند، دستگاه ها و مجموعه هایی که مظهر اقتدار کشور و اقتدار ملتند، اینها را تضعیف کند. شما می بینید به سپاه حمله میشود، به بسیج حمله میشود، به شورای نگهبان حمله میشود؛ اینها همین است... ما اگر بتوانیم یک دستگاه امنیتی قوی داشته باشیم، یک دستگاه نظامی مردمی مقتدر داشته باشیم، یک حرکت عظیم مردمی به نام بسیج داشته باشیم، یک روحانیت آگاه متوجه به زمان و زمان شناس و داخل صحنه داشته باشیم، یک قوه ی قضائیه ی مقتدر کامل داشته باشیم، یک دولت برنامه ریز دقیق شجاع داشته باشیم، اگر این چیزها را داشته باشیم، حرکت ملت ایران و حرکت کشور، حرکت موفقی خواهد شد. اینها را باید تأمین کرد، دنبال اینها باید بود. هرکدام را که داریم خدا را شکر کنیم و نگه داریم؛ هرکدام را که نداریم تأمین کنیم؛ برای خودمان فراهم بکنیم. (1)

هدف بلندمدت دشمن؛ تغییر نظام اسلامی

هدف بلندمدت هم، اصل نظام اسلامی است. یک روزی صریحاً میگفتند که نظام اسلامی باید از بین برود؛ بعد دیدند این حرف، حرفی است که به ضررشان تمام میشود و اولاً، نمیتوانند و در آن میمانند و آبرویشان پیش طرف داران شان، دولتهای وابسته و مزدورشان در دنیا می رود؛ [لذا] آمدند این را تعدیل کردند و گفتند: تغییر رفتار جمهوری اسلامی. بنده همان وقت به مسئولین عزیز کشور گفتم: آقایان! توجه داشته باشید

ص: 406

که تغییر رفتار، با تغییر نظام هیچ فرقی ندارد. معنای تغییر رفتار این نیست که اگر صبح ساعت هفت می آمدیم، حالا هفت ونیم یا شش ونیم بیاییم. تغییر رفتار یعنی اینکه راه اسلام را میرفتیم، راه انقلاب را میرفتیم، خط امام را میرفتیم، حالا زاویه بگیریم؛ اول 20 درجه، بعد 45 درجه، بعد 90 درجه، بعد 180 درجه در طرف مقابل حرکت بکنیم؛ تغییر رفتار یعنی این؛ یعنی همان از بین بردن نظام اسلامی. این هدف بلندمدت آنها است. بنابراین، هدف دشمن اینها است. دشمن، دشمن است؛ از هرچه که بتواند اعمال دشمنی بکند، استفاده خواهد کرد. (1)

7 - ترویج ابتدال با هدف شکستن مقاومت جمهوری اسلامی

اشاره

امروز یکی از سیاستهای دشمن، ترویج ابتدال است. با این سیاست استکبار مبارزه کنید. همین طور که آنها تحریم اقتصادی را برنامه ریزی میکنند، همین طور ترویج ابتدال را برنامه ریزی میکنند - این ادعای شعارگونه نیست؛ این ناشی از اطلاعات است؛ ما اطلاع داریم - می نشینند طراح می کنند، برنامه ریزی میکنند؛ میگویند برای شکستن مقاومت جمهوری اسلامی، باید بین جوانها ترویج ابتدال کرد؛ یعنی به قضایا ماهیت سیاسی میدهند. خب، با این بایستی مواجهه کرد، مقابله کرد؛ البته مقابله ی صحیح، که این يك نوع ایستادگی بسیار ارجمند در مواجهه ی با نقشه های استکبار است. (2)

اندلسی کردن ایران؛ با هدف از بین بردن کانون مقاومت

پیش از انقلاب، تبلیغات رسمی و عمومی و همیشگی کشور ما، تبلیغاتی بود که مردم را به فحشا و هرزگی و عیاشی سوق میداد. حتی در

ص: 407

1- . در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) 1396/2/20

2- . در دیدار جمعی از دانشجویان 1390/5/19

نقاط فقیر و عقب افتاده - جاهایی که مردم به نان شب محتاج بودند - هم به نحوی برای عیاشی و هرزگی امکاناتی فراهم بود. این امر به طور عمد در محیطهای جوان مثل دانشگاه ها و سربازخانه ها - نه آن مقداری که مقتضای طبیعی غریزه ی جوانی است - برای سرگرم کردن و فاسد شدن نسل، تشدید میشد. وقتی که جوانان يك نسل فاسد شدند، دیگر ملّتی وجود ندارد و مقاومتی به چشم نمیخورد.

حال بعد از گذشت بیست سال، علیه ملّت ایران و قشر جوان بعد از انقلاب، این توطئه ها دائماً تکرار میشود تا جوانان را از حقیقت انقلاب دور کنند. در حقیقت آنها میخواهند این سرمایه ها را از کشور بگیرند و آن را فلج کنند و بر آینده ی روشن و درخشان آن، خطّ بطلان بکشند و مانع رسیدن به آن شوند.

مسئله این است که سلطه ی استکبار آمریکایی بر این کشور به همّت مردم و جوانان آن از بین رفت. جوانان، نه فقط در آغاز انقلاب، بلکه در طول این سالها نیز با حضور، تدین و پایبندی شان به اخلاق اسلامی، علی رغم همه ی عوامل دورکننده و محرّک، آنها را مأیوس کردند. البتّه آنها به توطئه های خود ادامه میدهند؛ اما جوانان ما عمل آنها را خنثی میکنند. بنابراین آنها هم به تشدید فعالیتهای خود میپردازند.

امروز شما جوانان هدف توطئه ای بسیار خطرناک هستید. این خطرات هرجایی که اسلام و ایمان هست و نسل جوان دل به سوی معنویّت و حقیقت دارد، وجود دارد. راه رهایی از آنها هم وجود دارد و این چیزی است که من و شما باید به آن فکر کنیم. من مثل پدر شما هستم؛ چه در سنین جوانی و چه در دورانهای بعد، ده ها سال از عمرم را با جوانان گذرانده ام؛ میدانم جوانی چقدر مبارك و جوشش جوانی چقدر باارزش است؛ میدانم که کلید حلّ مشکلات کشور به دست جوانان است؛ اما به شرطی که جوانان برای کشور ما باقی بمانند و اراده، روحیه و ایمان جوانان

ما - چیزهایی که دشمنان ما آنها را هدف گرفته اند - محکم و پابرجا باشد.

یکی از مسئولان طراز اول کشور صهیونیستی غاصب اسرائیل، در سال گذشته توصیه ای به آمریکایی ها کرد. این توصیه کاملاً در مطبوعات خارجی و اینترنت منعکس شد و امر پنهانی و مخفیانه ای نیست. توصیه ی وی به آمریکایی ها این بود که بیهوده وقت خود را با عراق و کره ی شمالی و کشورهای از این قبیل تلف نکنید. مسئله ی اصلی شما ایران است. اگر خاورمیانه را میخواهید، وقتتان را مصروف عراق نکنید، سراغ ایران بروید؛ کانون و سرچشمه آنجا است؛ اما ایران مثل عراق و کره ی شمالی و افغانستان نیست که بتوان با حمله ی نظامی آن را تسخیر کرد. نظام و حکومت اسلامی به مردم متکی است، مردم آن را حفظ کرده اند؛ باید کاری کنید که مردم آن را رها نکنند. راهش این است که مردم را با ترویج فرهنگ و ادبیات غربی و فرهنگ و تربیت آمریکایی، به واگرایی نسبت به دین و فرهنگ و سنت و تاریخشان سوق داد. وقتی مردم این تعلقات را رها کردند، بعد از گذشت چند سال، بدون اینکه سرمایه ای صرف کنید، با يك حمله و تحرك احیاناً نظامی مختصر میتوانید این مانع بزرگ، یعنی نظام اسلامی را از سر راه بردارید! پیش از این در سال گذشته نیز، وقتی روستاها و شهرهای افغانستان براه موشکهای آمریکایی ویران میشدند و ملت مظلوم افغانستان زیر بمباران آمریکایی ها دست و پا میزد، يك استراتژیست نظامی آمریکا گفت: اگر به جای این موشکها، برای جوانان افغان لباس زیر زنانه و وسایل شهوت رانی و پوشش های سبک غربی و آمریکایی بفرستید، بدون صرف این هزینه ها میتوانید افغانستان را تصرف کنید و خرج تسلیحات در کیسه تان باقی میماند! به جای بمب و موشک و راکت، سی دی های پورنوگرافی و منظره ها و ادبیات مهیج شهوت را میان آنها ترویج کنید، آن وقت کار بر شما آسان میشود.

این يك سیاست اساسی است. این امر را دست کم نگیرید. بیست

میلیون دلار برای مبارزه با ایران هزینه تعیین کردند. مگر میتوان با صرف بیست میلیون دلار با ایران مبارزه و بر آن غلبه کرد؟! آنها میلیاردها دلار خرج میکنند و برایشان هم می‌ارزد. ایران با منابع غنی، بازار مصرف، موقعیت استراتژیک و نیروی انسانی سرشار، گنجینه‌ای است که فناوری، صنعت و کارخانجات غربی برای زنده ماندن، به آن احتیاج دارند. مغز جوان ایرانی، نفت و بازار فروش ملت ایران برای آنها حیاتی است و هدف آنها نیز همین موارد است.

سیاست امروز، سیاست اندلسی کردن ایران است! موضوعی که من با شما در میان می‌گذارم شکل موعظه ندارد؛ بلکه موضوعی اساسی است که با بهترین عناصر یک ملت - که شما جوانان باشید - در میان گذاشته میشود. فقط شما مخاطب من نیستید؛ این سخن را جوانان سراسر کشور هم خواهند شنید. نسل جوان کشور که بیش از نیمی از ملت و جمعیت کشور است، باید بداند در مقابل آرزوهای بزرگ، آرمانهای بلند و هدفهای مقدس و قابل قبول و موجه او چه موانعی وجود دارد. روزگاری مسلمانان در جنوب اروپا و در اسپانیا تا جنوب فرانسه، کشوری اسلامی به وجود آوردند. این کشور مهد تمدن شد و علم در اروپا از همان تمدن اندلسی قرون اولیه‌ی اسلام شکوفا گردید. شکوفایی علم در آن سرزمین، داستانهایی دارد و خود غربی‌ها نیز به آن معترفند. البته اکنون سعی میکنند این ورق را از تاریخ علم حذف و نام مسلمانان را بکلی پاک کنند؛ اما خود آنها، این تاریخ را ثبت کرده‌اند و البته در تواریخ ما هم ثبت شده است.

اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلندمدت کردند. آن روز صهیونیست‌ها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه اسلام فعال بودند. آنها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا انگیزه‌های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستانهایی را وقف کردند تا شراب آنها را به طور

مجانای در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آنها را به شهوات آلوده کنند! گذشت زمان راه های اصلی برای فاسد یا آباد کردن يك ملت را عوض نمیکند. امروز هم آنها همین کار را میکنند. البته دشمن هدفهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هم دارد. هدفهای اقتصادی اش معلوم است؛ برای آنها تسلط اقتصادی بر منطقه ی خاورمیانه حیاتی است. امروز در حال راه اندازی يك جنگ بزرگ در همسایگی ما و در کشور عراق هستند. همه ی دنیا میدانند که هدف آنها در درجه ی اول هدف اقتصادی است. تسلط بر اپک، نفت عراق و سلطه ی نهایی بر نفت خاورمیانه از جمله ی این اهداف است. اقتصاد، خدای امروز دنیای مادی است؛ خدای واجب الاطاعه ای که همه باید در مقابل او زانو بزنند و هر کاری برای به دست آوردن ثروت بکنند. این اقدامات برای بهبود اقتصاد بشر صورت نمیگیرد؛ بلکه در جهت پُر کردن جیب کمپانی های نفتی و تسلیحاتی و امثال آنها که مظهر فرعونیت و قارونیت هستند، صورت میپذیرد.

آنها اهداف فرهنگی هم دارند؛ به فرهنگ اسلامی کینه می ورزند و با آن عناد دارند. فرهنگ اسلامی آراء روشنفکران اروپا را به چالش کشیده و لیبرال دموکراسی را که پرچم برافراشته ی غرب است، مورد تردید قرار داده است. فرهنگ اسلامی روح استقلال طلبی و رشادت را در جامعه ی بزرگ و يك میلیارد و چند صد میلیونی مسلمانان، ترویج میکند و این امر در حسّاس ترین منطقه ی دنیا از لحاظ استراتژیک و منابع نفتی و زیرزمینی، شدت بیشتری دارد. فرهنگ اسلامی، این جامعه ی بزرگ را به فکر حیات مجدد خود انداخته است؛ بنابراین به آن کینه می ورزند و قصد کوبیدن آن را دارند. (1)

ص: 411

برپا کردن جنگ داخلی با هدف انحراف انگیزه های مقاومت و مجاهدت

امروز که به برکت بیداری اسلامی، ملت‌های مسلمان دشمنی جبهه‌ی استکبار و صهیونیسم را بدرستی شناخته و در برابر آن موضع گرفته‌اند، سیاست تفرقه افکنی میان مسلمانان شدت بیشتری یافته است. دشمن مگار بر آن است که با افروختن آتش جنگ‌های خانگی میان مسلمانان، انگیزه‌های مقاومت و مجاهدت را در آنان به انحراف کشانده، رژیم صهیونیستی و کارگزاران استکبار را که دشمنان حقیقی‌اند، در حاشیه‌ی امن قرار دهد. راه اندازی گروه‌های تروریستی تکفیری و امثال آن در کشورهای منطقه‌ی غرب آسیا ناشی از این سیاست غدارانه است. این هشدار به همه‌ی ما است که مسئله‌ی اتحاد مسلمین را امروز در صدر وظایف ملی و بین‌المللی خود بشماریم. (1)

دل‌سرد کردن مردم با ایجاد مانع در کار سازندگی

با ایجاد اختلاف و دل‌سردی و ناامیدی و خدای نکرده با خریدن بعضی‌ها، عزم دولتمردان را برای اقدامات اساسی و سازنده در کشور متزلزل کنند و نگذارند دولت ایران - که یک دولت اسلامی است و پرچم اسلام را بلند کرده است - به مطالبات حقیقی و به حق مردم رسیدگی کند. نظامی که می‌خواهد سلطه‌ی خود را در کشور ما مثل گذشته دومرتبه برقرار کند و پنجه‌ی خود را در جسم این ملت فرو ببرد، این یکی از کارهای لازم برای او است. اگر در این کار موفق شوند، نتیجه این خواهد شد که مردم را از نظام اسلامی دل‌سرد کنند؛ لذا می‌بینید در تبلیغات رسانه‌ای بسیار وسیع خود، به طور دائم تبلیغ میکنند که مردم به خواسته‌های خود نرسیدند و ناراضی و دل‌سردند. (2)

ص: 412

1- . پیام به حجّاج بیت الله الحرام 1393/7/8

2- . در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز سیزده آبان 1381/8/13

یکی دیگر از کارها و آرزوهایی که آنها دنبال میکنند، این است که وحدت ملی و وحدت بین مسئولان را از بین ببرند؛ آحاد و گروه های مردم را با نامهای مختلف از هم جدا کنند و میان آنها دیوار بکشند؛ بین جمعیت عظیم ملت ایران، دیوارهای بلند قومی، مذهبی، حزبی، سیاسی و بحثهای مجادله آمیز بکشند و وحدت و یکپارچگی را محو سازند. انقلاب اسلامی آمد دیوارها را برداشت و ملت را یکپارچه کرد؛ اما اینها درست عکس آن را دنبال میکنند. با طرح مسائل انحرافی، از طرف دیگر وحدت مسئولان کشور را از بین ببرند؛ بین آنها دائم اختلاف بیندازند؛ یکی را تضعیف و یکی دیگر را تقویت کنند. (1)

لزوم هوشیاری همگانی در برابر مزدوران تفرقه افکن

شما میدانید که عوامل تجزیه در داخل این ملت بزرگ منتفی و مفقود نیست. در مواردی، اختلاف زبان و اختلاف مناطق جغرافیایی هست؛ اما ملت رشید ایران از قبل از انقلاب و در جریان انقلاب تا امروز، این وحدت یکپارچه ی خود را بر همه ی عوامل تفرقه ترجیح داده است و علی رغم میل دشمن توانسته است اتحاد و یکپارچگی خود را در همه ی میدانهای حسّاس حفظ کند. بر اثر همین یکپارچگی، ملت ما در جنگ پیروز شد. دولتهای ما هر کاری که توانستند بکنند و بحمدالله هر پیشرفتی که در زمینه های سازندگی تا امروز داشته اند، به خاطر همین یکپارچگی مردم بوده است. دشمن نمیتواند این را ببیند. برای دشمن، آرزو است که بتواند قشرها را در مقابل هم قرار دهد؛ روحانی را از يك طرف، دانشگاهی را از يك طرف، بازاری را از يك طرف، کارگر را از يك طرف، کشاورز را از يك طرف، قشرهای جوان را از يك طرف، قشرهای میان سال را از يك طرف؛ هرکدام

ص: 413

را با انگیزه و با شعاری سرگرم کند؛ به دیگران بدبین کند؛ اگر در جامعه نقاط ایمنی بخشی هم وجود دارد که همه ی مردم به آنها اعتماد دارند و در اختلافات به آنها مراجعه میکنند و آنها اختلافات را برطرف میکنند، این نقاط را هم بمباران کند. دشمن اینها را میخواهد. (1)

عبدالله بن اَبیهای ایران

امروز در این کشور عبدالله بن اَبیهای منافق هستند؛ کسانی که حتّی يك روز حکومت امام و حکومت نظام اسلامی را از بن دندان قبول نکردند! در زمان پیامبر، یکی از منافقان بسیار فعّال، «عبدالله بن اَبی» بود که با یهودی ها و کفار قریش و جاسوسهای امپراتوری روم میساخت و از هر وسیله ای استفاده میکرد، برای اینکه شاید بتواند حکومت پیامبر را از بین ببرد؛ چرا؟ چون قبل از آنکه پیامبر به مدینه بیاید، او تصوّر میکرد که در آینده، رئیس و حاکم و پادشاه مدینه خواهد شد! پیامبر در واقع مقام او را از او سلب کرده بود. امروز در این کشور «عبدالله بن اَبی» هایی هستند؛ کسانی که خیال میکردند اگر انقلابی در این کشور رخ دهد، حکومت وقف آنها و متعلّق به آنها است؛ کسانی که نه فقاهت را قبول داشتند، نه امام را قبول داشتند، نه مردم را قبول داشتند، نه احساسات دینی را قبول داشتند. پیامبر با «عبدالله بن اَبی» خوش رفتاری کرد و او را مجازات ننمود؛ نظام اسلامی هم با اینها خوش رفتاری کرد و به مجازاتشان پرداخت. اینها امروز به برخی از پدیده هایی که دست دشمن در آنها است، مینگردند؛ خیال میکنند فرصتی پیدا کرده اند که به نظام اسلامی ضربه بزنند. فعّالیتهای منافقانه ی خودشان را میکنند، به این امید که بین مسئولان اختلاف باشد؛ به این امید که بین مردم اختلاف باشد؛ به این امید که جوانان رابطه شان را با نظام اسلامی قطع کنند؛ به این امید که جوانان با دین قهر کنند!

ص: 414

... من میدانم که در بسیاری از این مطبوعات، آدمهای خوب و مؤمنی مشغول کارند؛ چه کسانی که قلم میزنند، چه کسانی که اداره میکنند؛ اما در لابه لای همینها اثر انگشت «عبدالله بن ابیها» را میبینم: تفرقه افکنی ها، اختلاف افکنی ها، تشنج آفرینی ها، تشویش افکار عمومی، ناامید کردن ها، یأس پراکنی ها، چهره سازی عناصر وابسته و مرید دشمن، از نظر انداختن عناصر مفید و مؤمن و مخلص و دلسوز! البتّه این کارها به جایی هم نخواهد رسید؛ خدای متعال رسوا میکند. (1)

برنامه ی دشمن؛ ایجاد شکاف بین نظام اسلامی و ملت ایران

من به شما عرض کنم امروز برنامه ی دشمن، بعد از مایوس شدن از همه ی کارهای دیگر، ایجاد شکاف بین نظام جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران است. این حماقت آنها است؛ نمیدانند که نظام جمهوری اسلامی چیزی جز ملت ایران نیست، اینها قابل جدا شدن نیستند. نظام اسلامی یک نظام بوروکراتیک جدای از مردم نشسته ی در کاخها و قصرها نیست؛ نظامی است از خود مردم تشکیل یافته، متکی به آحاد مردم و به ایمان مردم و به محبت و عواطف مردم است؛ این نظام اسلامی است؛ این را چطور میخواهند از مردم جدا کنند؟ البتّه شش رئیس جمهور دیگر قبل از این شخص هم این تلاش را کردند و همه ی آنها از میدان خارج شدند و نتوانستند این مقصود شیطانی را انجام بدهند. این فشارهای اقتصادی [آنها] هم که عمدتاً روی مردم فشار می آورد، به خاطر این است که شاید بتوانند مردم را به ستوه بیاورند، خسته کنند. ما به حول و قوه ی الهی پیوندمان را روزه روز با مردم بیشتر و قوی تر خواهیم کرد؛ ما انسجام دشمن شکن خودمان را حفظ میکنیم؛ ما جوانان مؤمن و پُرانگیزه و اهل اقدام را هر روز بیشتر از گذشته به حول و قوه ی الهی تقویت میکنیم. (2)

ص: 415

1- . در دیدار با جوانان در مصالای بزرگ تهران 1379/2/1

2- . در مراسم دانش آموزی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1397/4/9

فصل اول: وظایف همگانی

فصل دوم: وظایف اقشار و نهادها

1 - علما و روحانیون

2 - دانشگاهیان

3 - نیروهای مسلح

4 - نهادهای فرهنگی

5 - مسئولان

6 - جوانان

7 - رسانه ها

8 - هنرمندان

9 - بانوان

ص: 419

وظیفه ی نخبگان؛ تأکید بر ایمان به خدا و اتحاد

من توصیه ام به مسئولان کشور، به نخبگان سیاسی، به برگزیدگان و برجستگان دینی، به آنهایی که منطقه ی نفوذ کلمه ای در میان مردم دارند، این است: تا آنجا که میتوانند، بر روی این اتحاد و انسجام با ارزش ملت ایران تکیه کنند؛ ایمان به خدا و اتحاد؛ دین و اتحاد کلمه؛ این دو چیز است که میتواند کشورها را، ملتها را روی پای خودشان نگه دارد؛ قدرت مقاومت به آنها بدهد؛ و ملت ایران بحمدالله از این دو برخوردار است. و ای کاش مسئولان سیاسی و فرهنگی در کشورهای دیگر، به این نقطه توجه مضاعف کنند و مشکلاتی را که برای کشورها در این منطقه پیش آمده است، با حکمت برطرف کنند. (1)

وظیفه ی همگانی برای تلاش و اتحاد

یکی از کارهای اساسی ما، حفظ این اراده و عزم معطوف به اطاعت از پروردگار عالم است؛ این شرط اول است. یکی اش اتحاد ما است،

ص: 421

یکی اش تلاش ما است. یکی باید تلاش کند درس بخواند، یکی باید تلاش کند تحقیق کند، یکی باید تلاش کند سازندگی کند، یکی باید تلاش اداری بکند، یکی باید تلاش تجاری بکند، یکی باید تلاش کند برای اینکه به طور منظم و مرتب راه هایی پیدا کند برای پیشرفت کشور؛ هرکسی نوعی تلاش دارد؛ همه باید تلاش کنند. وقتی همه تلاش کردند، همه کار کردند، شکوفایی سریع تر میشود، پیشرفت بیشتر میشود، پیروزی قطعی تر میشود. (1)

وظیفه ی همگان در برابر نفوذ: تبیین و روشنگری

این يك وظیفه ی بزرگ بر دوش همه ی غمخواران ملت ایران و غمخواران کشور، از جمله شما جوانهای عزیز پاسدار و سازمان بزرگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قرار میدهد. کار شما فقط جنگیدن نیست؛ سپاه پاسداران، پاسدار انقلاب است. البته جنبه ی نظامی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مطلقاً نباید تضعیف بشود؛ همچنان که شایسته ی يك سازمان نظامی است، باید به بهترین وجه و در نوترین شکل و مبتکرانه ترین گونه ی کار ادامه داشته باشد؛ اما فقط این نیست. وظیفه ی تبیین، امروز بر دوش همه است؛ از جمله بر دوش شما. اینکه بنده روی تبیین این همه تکیه میکنم، برای خاطر این است که امروز این جهاد کبیر به میزان زیادی متوقف به تبیین است؛ تبیین، بیان کردن، روشنگری؛ امروز روشنگری لازم است. سعی کنید ذهنها را با عمق یابی، به اعماق حقایق و مسائل برسانید. این دانشگاه شما میتواند کارهای بزرگی را در این زمینه انجام بدهد و میتواند تبیین را یکی از برنامه های اساسی خودش قرار بدهد؛ هم در بین مجموعه ی خودی، هم در قلمرو وسیع تری، تا آنجایی که امکاناتش اجازه بدهد. (2)

ص: 422

1- . در دیدار دانش آموزان و دانشجویان در آستانه ی روز ملی مبارزه با استکبار جهانی 1391/8/10

2- . در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3

وظیفه‌ی مردم و مسئولان؛ قوی کردن کشور برای امتیاز گرفتن از استکبار

در يك جمله، ما باید کشور را از اقتدار برخوردار کنیم؛ کشور باید قوی بشود. راه بقای انقلاب، راه پیشرفت انقلاب و راه تحقق هدفهای انقلاب، به معنای وسیع کلمه، عبارت است از اینکه ما کشور را مقتدر کنیم. اگر توانستیم این وظیفه را انجام بدهیم - یعنی دولت توانست، مجلس توانست، قوه‌ی قضائیه توانست، نیروهای مسلح توانستند، نهادهای انقلابی توانستند، این مجلس توانست در این زمینه‌ها کاری بکند و کمکی بکند - آن وقت، ما مطمئن خواهیم شد که خواهیم توانست انقلاب را به معنای واقعی کلمه، حفظ کنیم. اگر کشور قوی شد، از استکبار هم میشود امتیاز گرفت؛ این را من به شما عرض بکنم. اگر کشور ضعیف بود، استکبار که هیچ، ابرقدرت‌ها که هیچ، دولتهای بی‌عرضه و ضعیف و حقیر هم از آدم طلبکاری میکنند؛ اگر ضعیف شدیم، این جوری خواهد شد، [اما] اگر قوی شدیم، نه. (1)

مقاومت در برابر دستهای تفرقه افکن

برادران مسلمانان! در برابر انگیزه‌های تفرقه و دستهای تفرقه افکن که برانگیخته‌ی دشمنند، مقاومت کنید. (2)

وظیفه‌ی همگان بویژه جوانان؛ خودسازی علمی و اخلاقی و جسمی و روحیه‌ای

ملت باید وحدت خود را حفظ کند. دو بسیج عمده در این کشور لازم است: اول، بسیج مردم، بخصوص جوانان است. باید برای آماده‌سازی خود و احیاء عزت کشور و ملت و برافراشته نگه داشتن پرچم اسلام بسیج شوند؛ چون همه‌ی مشکلات این کشور در سایه‌ی اسلام و عمل به قوانین

ص: 423

1- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1395/3/6

2- . پیام به کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در شهرستان سنندج 1371/6/19

اسلام حل خواهد شد. جوانان خودسازی کنند - هم خودسازی علمی، هم خودسازی اخلاقی و معنوی و دینی، هم خودسازی جسمی - و روحیه و امید خود را برای دفاع از این کشور حفظ نمایند که این سرمایه‌ی بسیار بزرگی است؛ نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن مایل است در ایران اتفاق بیفتد. در اجتماعات مختلف و در برخوردهایی که بحمدالله با نسل جوان و قشر جوان دارم و آنچه از مسائل جوانان منعکس میشود، میبینم که در جوانان ما بحمدالله این استعداد و آمادگی وجود دارد. برخلاف خواست دشمن، اکثریت جوانان ما آماده هستند که هر وقت و هر طور لازم باشد، از کشور و نظام و دین و شرف و عزت ملی خود دفاع کنند. اجتماعات مردمی، همین را نشان میدهد. (1)

وظیفه‌ی همگان بویژه مسئولان و سیاسیون؛ مراقبت آگاهانه در برابر نفوذ

دشمن در فکر نفوذ است؛ چه کسی باید مراقبت بکند؟ هم مردم باید آگاهانه مراقبت بکنند، هم مسئولان، سیاسیون، شخصیت‌های سیاسی؛ آنها بیشتر لازم است مراقب باشند. مراقبت کنند آنچه میدانند خواست دشمن است انجام نگیرد. وقتی می‌بینید که دشمن یک حرفی میزند برای ایجاد دودستگی [مثلاً] از شما تعریف میکند، این میخواهد ایجاد تردید بکند؛ خب دشمن که دوست شما نیست، وقتی شما می‌بینید که دشمن یک چنین ترفندی را دارد به کار میبرد، بلافاصله و بی‌درنگ ابراز بی‌زاری کنید، بگویید نخواستیم. شما که می‌گویید دشمن با این کار قصد تفرقه افکنی دارد، خب نگذارید ذهن مردم مردّد شود. این چیزها را باید توجه داشت. برمیگردیم به فرمایشات امام؛ امام میگفتند آن وقتی که دشمن از شما تعریف کرد، در رفتار خودتان و کارهای خودتان تردید پیدا کنید و مراجعه کنید ببینید چه اشتباهی کرده‌اید که دشمن خوشش آمده

ص: 424

و از شما تعریف میکند. دستورالعمل انقلاب اینها است؛ این جوری باید عمل کرد، این جوری باید پیش رفت؛ نباید غفلت کرد. اداره ی کشور کار آسانی نیست؛ پیش بردن يك ملت به این بزرگی، با این عظمت و با این رشادت کار يك ذره دوزره نیست؛ باید مواظب بود، باید مراقب بود، باید با چشم باز حرکت کرد، باید با عزم راسخ در مقابل دشمن حرکت کرد.(1)

وظیفه ی همگانی؛ انقلابی ماندن و ایستادگی

این مردم بودند که ترسیدند؛ این مردم ایران عزیز بودند که ایستادگی کردند و مصداق این آیه ی شریفه شدند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَآخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»(2). مدام تهدید شدیم، مدام گفتند حمله میکنیم، مدام گفتند تحریم میکنیم؛ مردم نه از تهدید نظامی ترسیدند، نه از تحریم ترسیدند، نه از تحریم فلج شدند؛ نترس، شجاع، سربلند، حرکت را ادامه دادند؛ از این پس هم باید همین باشد. مردم ما، قشرهای مختلف ما، جوانهای ما، روحانیون ما، پیشه وران ما، دانشگاهیان ما، محققین ما، مسئولان ما، دولتی های ما، مجلسی های ما باید انقلابی بمانند و انقلابی حرکت بکنند - که شاخصهایی را عرض خواهیم کرد - و همه انقلابی باشند تا بتوانیم این راه را با موفقیت پیش برویم و ادامه بدهیم.(3)

ضرورت مراقبت همگانی بویژه مسئولان از خود

ما باید مراقب کار خودمان هم باشیم؛ همه ی ما! از کوچک تا بزرگ،

ص: 425

-
- 1- . در دیدار مردم نجف آباد 1394/12/5
 - 2- . سوره ی آل عمران، آیه ی، ترجمه: «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند؛ پس، از آنان بترسید.» و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.»»
 - 3- . در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 1395/3/14

از جوان تا پیر، از مردم معمولی تا مسئولین؛ و بخصوص مسئولین مراقب باشند از سهل انگاری، از غفلت، از تنبلی، از اشرافیگری، از تکبر نسبت به آحاد مردم و تکیه ی به جایگاه چندروزه ی ریاستی، اجتناب بکنند. اگر این [طور] شد، خدای متعال توفیقات خود را همچنان که تا امروز به شما ملت ایران مرحمت فرموده است، بعد از این [هم] عطا خواهد کرد. و آن روزی که ملت ایران بتواند در جایگاهی قرار بگیرد که دشمنان جرئت نکنند تهاجم نظامی و اقتصادی و امنیتی و سیاسی به او را حتی به مخیله ی خود خطور دهند، ان شاءالله دیر نخواهد بود و شما جوانان عزیز آن روز را به توفیق الهی خواهید دید. (1)

وظیفه ی نخبگان سیاسی و علمی و دینی؛ تقویت عوامل اقتدار

بنابراین همه ی قشرهای فعال کشور، از روحانیون، دانشگاهیان، مسئولان کشور، مدیران کشور، بخصوص مدیران ارشد کشور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، روشنفکران، نویسندگان، همه وظیفه داریم که عوامل اقتدار را در کشور - که شمردم - تقویت کنیم. (2)

اهمیت توجه به خطرها با هدف چاره جویی

باید تأکید کنم که خطر هست، ولی راه مصونیت از آن نیز هست. توجه به خطر نباید ملتها را بترساند. بگذارید دشمنانتان از شما بترسند و بدانید که: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (3). خداوند درباره ی گروهی از مجاهدان صدر اسلام میفرماید: «الَّذِينَ قَالُوا لَهُمْ اَلنَّاسُ اِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ اِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ. فَاَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ مِنْهُمْ شُؤٌّ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ

ص: 426

1- . در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1397/4/9

2- . در دیدار مردم قم 1395/10/19

3- . سوره ی نساء، بخشی از آیه ی 76، ترجمه: «نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است.»

خطرها را باید شناخت تا در مواجهه با آن حیرت و تردید پیش نیاید و چاره و علاج، شناخته شده باشد. ما با این خطرها پس از پیروزی انقلاب اسلامی روبرو شدیم و آنها را شناختیم و تجربه کردیم و به خواست خدا و رهبری امام خمینی و بصیرت و فداکاری مردمان، از بیشتر آنها به سلامت گذشتیم. البته توطئه‌ها از سوی دشمن و عزم راسخ از سوی ملت ما همچنان ادامه دارد. (2)

لزوم پرهیز از غفلت در برابر دشمن

توصیه‌ی من به همه‌ی جوانهایمان، به همه‌ی مجموعه‌های گوناگون کشور، به همه‌ی اصناف کشور، به همه‌ی جریانهای سیاسی کشور این است که مراقب باشند به دشمن پهلو ندهند (3)، مراقب باشند میدان را برای دشمن آماده نکنند؛ بیدار باشند. اگر ما غافل بشویم، ما به خواب برویم، همان دشمن ضعیف زهر خودش را خواهد ریخت. باید همه بیدار باشیم؛ همچنان که بحمدالله امروز همه‌ی ملت بیدارند و در طول این سالها هم ملت بیدار بودند؛ این بیداری را باید حفظ کنیم. (4)

ص: 427

1- . سوره‌ی آل عمران، آیات 173 و 174، ترجمه: «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند پس از آن بترسید و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است. پس با نعمت و بخششی از جانب خدا [از میدان نبرد] بازگشتند در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند و خداوند دارای بخششی عظیم است.»

2- . در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی 1390/6/26

3- . سود رساندن

4- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا 1397/9/21

مسجد؛ هسته ی مقاومت فرهنگی، سیاسی و نظامی

یک مسئله ی دیگر در مورد مسجد عبارت است از هسته ی مقاومت. مقاومت وقتی گفته میشود، فوراً ذهن میرود به مقاومت نظامی و امنیتی و امثال اینها؛ خوب بله، آن هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است.

... مسجد پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛ شیوه ی کار را باید در مسجد آموخت که چه کار کنیم. اولاً به شما عرض بکنم حرفی که شما با مأمومین خودتان و مسجدی های خودتان میزنید، از نطق تلویزیونی و مانند اینها بمراتب کارآمدتر و مؤثرتر است؛ بارها این را عرض کرده ایم که نگاه چشم در چشم و جلسه ی نزدیک که نفس گوینده به شنونده میخورد، یک چیز دیگری است؛ این فقط هم در اجتماعات ما تجلی دارد؛ البته در کلّ اسلام در نمازهای جمعه و امثال اینها این هست، لکن در بین شیعه، بروز و ظهور بیشتری دارد. این مجالس روضه خوانی، مجالس وعظ و خطابه، مجالس گوناگون خیلی چیزهای مهمی است؛ اینها را دست کم نباید گرفت؛ هم از فضای مجازی مؤثرتر است، هم از صداوسیما مؤثرتر است؛ منتها خوب دایره اش محدود است. اگر چنانچه این سلسله ی عظیم، این تشکیلات عظیم خوب کار کند و در همه جا کار کند، تأثیراتش بر همه ی اینها فائق خواهد آمد و میتوانید شما این جوان را، این مخاطب را به معنای واقعی کلمه مصوبیت ببخشید و میتوانید او را در مقابل این میکروب ها و این ویروس هایی که به طور دائم دارد سرازیر میشود به طرف این کشور و طرف این نظام واکسینه کنید. بنابراین [مسجد]

هسته‌ی مقاومت است؛ منتها مقاومت بانواعه؛ (1) مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی، و در جای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کما اینکه در مساجد [این گونه بوده].

این آماري که جناب آقای حاج علی اکبری گفتند، خیلی آمار مهمی است؛ اینکه ایشان گفتند که 97 درصد از شهدای ما مسجدی بوده اند - اگر تحقیق بشود - این خیلی حرف مهمی است. از هر صنفی: دانشجو است، مسجدی است؛ کاسب است، مسجدی است؛ دانش آموز دبیرستانی است، مسجدی است. از مسجد حرکت کردن و راه افتادن و رفتن به میدانهای جنگ و جان خودشان را کف دست گرفتن، به زبان آسان است؛ جان در کف دست گرفتن، جان فدا کردن به زبان [آسان است]؛ «وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (2)؛ انسان خب میگوید که بله ما جانمان [را میدهیم]؛ آن وقتی که در مقام عمل مواجه میشود با مرگ، جور دیگری است، خیلی سخت است. این جوانها از مسجد رفته اند و جان خودشان را در راه خدا داده اند؛ نقطه‌ی عزیمت عبارت است از مسجد. خیلی حرف بزرگی است، حرف مهمی است. (3)

بصیرت فرهنگی؛ زمینه ساز بصیرت سیاسی

بنابراین مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این را هم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف دار زید و مخالف عمرو باشد

ص: 429

-
- 1- . با انواع آن
 - 2- . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 143، ترجمه: «و شما مرگ را پیش از آنکه با آن روبرو شوید سخت آرزو میکردید؛ پس آن را دیدید و [همچنان] نگاه میکردید.»
 - 3- . در دیدار جمعی از ائمه‌ی جماعات مساجد استان تهران 1395/5/31

یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم میرویم؛ آیا به سمت هدفها داریم حرکت میکنیم یا زاویه گرفته ایم و داریم از هدفها دور میشویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدمها و اشخاص و گروه ها و احزاب و جریانها روشن میشود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی میرویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی میرویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی میرویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته ها و یافته های بی مغز غربی ها حرکت میکنیم؟ این خیلی مسئله ی مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد میکشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می بینید از فرهنگ سرچشمه میگیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد. بعضی کوتاه نظری میکنند، کوتاه بینی میکنند و همه ی چیزها را منحصر میکنند در دوستی یا دشمنی با يك شخص. يك شخص یا يك جریان چه اهمیتی دارد؟ باید نگاه کرد، جریان شناسی کرد. در اغلب کسانی که پایشان میگذرد این [جور] است. (1)

وظیفه ی مجلس خبرگان؛ تحکیم اسلام و تعقیب راه انقلاب

مسیر و جهت گیری این مجلس این است؛ مسیر انقلابی، مسیر انقلابیگری، تعقیب راه انقلاب، تحکیم اسلام، تحکیم دین خدا.

ما اگر چنانچه دنبال اقامه ی حکم الهی و دین الهی نباشیم، چرا اینجا هستیم؟ چرا بنده اینجا باشم؟ خب همانهایی که بودند - یا آنها یا امثال آنها - بیایند اداره کنند حکومت را. ما هستیم برای اینکه میخواهیم دین خدا را تحکیم کنیم؛ حاکمیت دین خدا باید تحقق پیدا کند؛ ما دنبال این هستیم؛ این است که اگر چنانچه کسی در راهش کشته شد، شهید در

ص: 430

راه خدا است؛ این است که مردم ما جوانهایشان را این جور سخاوتمندانه دادند و هنوز هم دارند می‌دهند؛ وَاَلَا اگر این نبود، خب رونق اقتصادی را دیگران و دیگران [انجام می‌دهند]؛ چرا بنده ی آخوند یا روحانی بیایم مشغول این کارها بشوم؟ می‌روم دنبال درس و بحث خودم؛ خب دیگران این کارها را میتوانند بکنند و انجام می‌دهند؛ در دنیا هم دارند انجام می‌دهند. اگر بحث دین خدا و تحکیم دین خدا و حاکمیت الهی نباشد، بودن من و شما در اینجا اصلاً ضرورتی ندارد. پس این است: تحکیم اسلام. (1)

مطالبه ی عناصر اقتدار از دولت و مجلس و دیگران از سوی مجلس خبرگان

عناصر اقتدار را بایستی دولت و مجلس و دیگران دنبال باشند و این مجلس میتواند اینها را مطالبه کند. شما میتوانید از این بنده ی حقیر مطالبه کنید، از آقای دکتر روحانی عزیزمان مطالبه کنید، از آقایان مجلس میتوانید مطالبه کنید، از قوه ی قضائیه میتوانید مطالبه کنید؛ میتوانید مطالبه کنید این عناصر را. این جمع باعظمت و این جمع استثنائی، که گفتیم يك پدیده و يك موهبت الهی است، این کارها را میتواند انجام بدهد. روی يك نقطه متمرکز بشوید، آن نقطه را دنبال بکنید، افکار عمومی را همراه کنید؛ این میشود آن چیزی که حقیقتاً شایسته است. (2)

نماز جمعه؛ کانون مقاومت و معنویت

نماز جمعه هم نهاد بابرکتی شد؛ چه در تهران، چه در سایر شهرهای این کشور. بتدریج نماز جمعه در شهرهای کوچک و کوچک تر هم در سرتاسر کشور اسلامی در هر نقطه ای تبدیل شد به کانون هم معنویت و هم مقاومت. نماز عبادی - سیاسی که تعبیری بود که آن روز ظاهراً از زبان

ص: 431

1- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1395/3/6

2- . همان

امام بزرگوارمان صادر شد، به این معنا است؛ هم مرکز عبادت است، هم مرکز آگاهی معنوی و سیاسی است؛ که این آگاهی موجب نلغزیدن، راه کج نکردن و به زانو در نیامدن يك ملت است. اغلب این شکستهایی که شما در صحنه ی سیاسی در دنیا برای ملت‌ها مشاهده میکنید، منشأش ناآگاهی‌هایی است که ضربه های خود را در جاهای گوناگونی زده است. آگاهی، يك ملت را ضدّ ضربه میکند؛ او را آماده میکند برای مقاومت. بنابراین اینجا، هم پایگاه معنویّت است، هم پایگاه مقاومت. قدر این نماز را، هم آحاد مردم بدانند، هم بخصوص جوانهای عزیزمان بدانند، و هم آقایان ائمه ی جمعه ی محترم در سراسر کشور بدانند؛ آنها هم قدر این نماز را بدانند. این يك منبری است که نظیر آن دیگر وجود ندارد. کاری کنند که جاذبه ی نماز جمعه، جوانها و دل‌های پاکیزه و مشتاق را به این سمت بکشاند و این کانون روزبه روز گرم تر شود. (1)

وظیفه ی ائمه ی جمعه

توصیه ی مؤکد اینجانب ارتباط صمیمانه با همه ی قشرهای مردم بویژه جوانان و ترویج اندیشه و عمل انقلابی است. (2)

نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی

در پانزده خرداد سه عنصر وجود داشت؛ یکی عنصر مردم بود، یکی عنصر رهبر و امام بود و سومی عنصر انگیزه ی مذهبی و روح شهادت طلبی و فداکاری برای خدا بود. نطفه ی انقلاب ما با این سه عنصر بسته شد. وقتی میگوییم مردم بوده اند، معنایش این است که هیچ يك از احزاب و گروه ها و دسته جات سیاسی و سردمداران سیاسی و مدعیان مبارزه و

ص: 432

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1386/6/23

2- . حکم انتصاب حجّت الاسلام دژکام به نمایندگی ولیفقیه در استان فارس 1397/2/27

مقاومت در این حرکت مردمی کوچک ترین نقشی نداشتند؛ نه آن کسانی که با انگیزه‌ی ملی‌گرایی حرکت میکردند و نه آن کسانی که با انگیزه‌های مادی و مارکسیستی راه می‌رفتند و نه حتی آن گروه‌هایی که با انگیزه‌های مذهبی و اسلامی تشکلی داشتند؛ هیچ کدام در این خیزش عمومی خونین پرشکوه کمترین تأثیری نداشته‌اند؛ چرا، تأثیر منفی بعضی از گروه‌ها داشتند.

فردای پانزده خرداد تحلیلگران مادی معتقد به اندیشه‌های خرافی الحادی به کمک دستگاه جبار آن روز رفتند و برای او حادثه را تحلیل کردند. حادثه دینی بود، آن را طبقاتی و اقتصادی و از این قبیل تحلیل کردند و درحقیقت آب به آسیاب دستگاه جبار ریختند. هیچ کس به کمک این قیام نیامد جز مردم و جز رهبران دینی مردم.

شگی در این نیست که در حادثه‌ی پانزده خرداد و جریان‌هایی که از آن منشعب میشد، جز علمای اسلام، روحانیون مبارز و کسانی که آماده‌ی جان‌بازی برای اسلام بودند، هیچ کس نقش گرداننده نداشت.

پانزده خرداد گذشت، این سه عنصر در جامعه باقی ماند؛ حرکت انقلابی ما با همین سه عنصر که نطفه‌ی اصلی انقلاب ایران را تشکیل میدادند، به راه خود ادامه داد. در طول این مدت بیشترین کسانی که کار فکری اسلامی و سیاسی میکردند و مردم را برای یک حرکت عظیم عمومی آماده میکردند، علمای اسلامی، طلاب جوان، گویندگان مبارز در سطوح مختلف علمی بودند. دیگران هم در بعضی از قشرها کمتر، در بعضی بیشتر، تلاش‌هایی داشتند، اما آنچه به تلاش روحانیون یک امتیاز میبخشید، این بود که آنها با مردم روبرو میشدند و ذهن مردم را آماده میکردند.

اگر این کار مستمر پانزده ساله در شهرها، دهات، دورافتاده‌ترین نقاط کشور نمیبود، انقلاب ما در 22 بهمن با پاسخ عمومی ملت روبرو نمیشد.

مردم بدون اطلاع و شناخت حرکتی نمیکنند. آن که به این مردم اطلاع و شناخت داده بود در طول پانزده سال، همان پیام آوران انقلاب و اندیشه‌ی انقلابی از حوزه‌ی علمی‌ی مقدّسه‌ی قم و بعضی از حوزه‌های دیگر بودند. در طول این مدّت امام رهبری کرد و در طول این مدّت فکر اسلامی به وسیله‌ی همین رُسل انقلاب پخته شد. در 22 بهمن با آمادگی‌های سال 56 و 57 این سه عنصر در حدّ رشد و کمال، انقلاب را به وجود آوردند. (1)

روحانیت؛ عنصر اصلی در مبارزات و مقاومت

روحانیت، عنصر اصلی در مبارزات پانزده ساله‌ی منتهی به پیروزی انقلاب و سپس در تشکیل نظام مقدّس اسلامی و برافراشتن پرچم اسلام در جهان و در مقاومت پُرشور ملت ایران در برابر تهاجم‌های گوناگون دشمنان و پیش از اینها و در طول قرنهای متمادی، عامل اصلی حفظ معارف اسلامی و ایمان عمیق و صادقانه‌ی ملت ایران به مکتب حیات بخش اسلام و رشد تفکّرات دینی در همه جا بوده است. حضور روحانیون متعهد و مبارز در مرکز مبارزه با رژیم دست نشانده‌ی آمریکا بود که قشرهای گوناگون مردم را به صحنه‌ی مبارزه کشانید و مبارزه را شکل عمومی و مردمی بخشید. در همه‌ی حوادث بزرگی که ملت ایران یکپارچه در آن شرکت جسته اند مانند نهضت مشروطیت و قیام تنباکو نیز حضور علمای دین در پیشاپیش صفوف، تنها عامل این حضور عمومی بوده است. استعمارگران انگلیسی، با درک همین حقیقت بود که انهدام جامعه‌ی روحانیت را مقدّمه‌ی لازم برای ادامه‌ی حضور استعماری خود در ایران دانستند و به وسیله‌ی عامل دست نشانده‌ی شان رضاخان در سالهای 1313 به بعد، نقشه‌ی محور روحانیت را شروع کردند و در آن سالها دست به فجایعی نسبت به علمای عالی مقام و حوزه‌های علمی زدند که در تاریخ ایران، پیش از آن هرگز سابقه

ص: 434

نداشت و متأسفانه شرح این فجایع و ماجرای مقاومت مظلومانه ی علما و طلاب در آخرین سالهای حکومت رضاخان قلدر، به طور کامل تدوین نشده و در معرض اطلاع مردم قرار نگرفته است و لازم است اطلاع شاهدان عینی که بحمدالله هنوز تعداد آنان کم نیست به وسیله ی افراد و مؤسسات مسئول، با همتی مردانه گردآوری شود.

آزادگی روحانیون و علمای دین و عدم نفوذ قدرتهای داخلی و جهانی در آنان، موجب آن بوده است که قلدران و حکمرانان خودسر، هیچگاه نتوانند این مجموعه ی ربّانی را از سر راه مفسده جویی ها و خیانتهای خود بردارند و اگر جمعی از معممین سرسپرده و آخوندهای درباری، به طمع حطام ناپایدار دنیا، بر سر سفره ی ستمگران نشسته و قولاً و عملاً آنان را تأیید کردند، اکثریت علما و روحانیون و فضلا و طلاب جوان، در حصار مناعت و پرهیزکاری و پاک دامن ی باقی مانده و اراده و توان مبارزه ی صادقانه و قدرتمندانه را حفظ کردند و اعتقاد راسخ به روحانیت شیعه را در دل آحاد مردم، زوال ناپذیر ساختند. (1)

دین و روحانیت؛ سنگر اصلی مقاومت در برابر مستکبران و مستبدان

رژیم پهلوی... دین و روحانیت را که در طول چند قرن همیشه منشأ حق طلبی و عدالت خواهی و آزادگی و سنگر اصلی مقاومت در برابر تهاجم بیگانگان و ستمگران و مستبدان بودند، مورد سخت ترین انتقامها قرار داده و با همه ی وسایل زور و تهدید و تهمت و تبلیغ با آنها رفتار میکرد. (2)

وظیفه ی روحانیت و امامان جمعه؛ امید دادن به مردم

یک کلید اصلی وجود دارد و آن امید دادن و اطمینان دادن به مردم

ص: 435

1- . پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) 1369/3/10

2- . پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی 1377/11/21

است. این کاری است که به عهده ی من و شما است: ما معممین، ما مسئولان، ائمه ی محترم جمعه. کار باید این باشد که به مردم امید بدهید و اطمینان بدهید. اگر مردم ناامید شدند، اعتماد خودشان را از دست دادند، متزلزل شدند، شکست قطعی است. (1)

داشتن روحیه ی مقاومت و فداکاری؛ شرط مفید بودن روحانیت

روحانیت به عنوان خادم، نه به عنوان صاحب، لازم است. ما چه کسی هستیم که صاحب این معارف باشیم. ما میتوانیم برای جوامع بشری، خادم و حامل فقه و واسطه العقد (2) ذهن و واقعیت باشیم. کدام روحانیت؟ این، آن نکته ی اصلی است. هرچه قشر روحانی، مقاوم تر، فداکارتر، مبارزتر، تن به سختی بده تر و آماده تر باشد، این کار عملی تر است. شما آقایان که در دوره ی انقلاب چه در دوره ی پیروزی انقلاب و چه در دوران پانزده سال مبارزات دشوار پیش از پیروزی در صحنه بودید، دیدید که روحانی مقاوم مبارز آگاه آگاهی بخش، برای این حرکت، نوراکن و مشعلی بود؛ و روحانی بی اعتنای به این مسائل، یا نومید، یا ناآگاه، یا خدای نکرده دل بسته ی به زخارف دنیا، یا حداکثر وابسته ی به دستگاه های ظالم، مانع بزرگی بود. بعضی از روحانیون، اذیت میکردند.

من میخواهم این را به شما عرض بکنم که اگر بخواهیم به وظایف درست عمل کنیم، پیمودن راه از حالا به بعد، یقیناً آسان تر از راه گذشته ی ما نیست؛ راه دشواری است. از حالا به بعد، مسئله، مسئله ی حفظ ارزشها است؛ جا انداختن اینها در ذهنیت ملل دنیا است؛ حراست از آنها در داخل جامعه ی اسلامی است. این، با زبان ممکن نیست؛ با عمل و تلاش و فداکاری و امید و آمادگی و علم و تقوا ممکن است.

ص: 436

1- . در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1389/6/25

2- . حلقه ی ارتباط

اگر در این مرحله ی از حالا به بعد، روحانیونی که متصدی و کمر بسته ی گسترش این تفکر الهی در سطح ذهنیت عالم هستند، دارای این خصوصیات باشند، این فکر پیش خواهد رفت. اگر خدای نکرده روحانیون، خسته و ملول و نومید و دل بسته شدند، از راحتی و آسودگی خشنود شدند، به آن عادت کردند، از خطر و سختی گریزان شدند، بار بر زمین خواهد ماند و این فکر پیش نخواهد رفت. البته چنین نخواهد شد. (1)

وظیفه ی علما؛ آگاه کردن مردم نسبت به ضدّ دین بودن تسلیم شدن

آقایان بایستی توجه کنند و زمان را بشناسند. امروز، دین را، بدرستی و آن چنان که تلقی جهانی از آن است ترویج کنید. اسلام را همان گونه که به عنوان يك مکتب حیات بخش بشریت مطرح است، تبلیغ کنید و به این مردم مؤمن عشایر و این ذهنهای پاک بفهمانید. بفهمانید که تسلیم شدن در مقابل دشمن، ضدّ دین است؛ بفهمانید که همبستگی و همکاری و محبت و الفت بین خود، از دین است. (2)

وظیفه ی علما؛ روشنگری در زمینه ی نفوذ

البته در این زمینه روشنگری لازم است؛ روشنگری بدون اتهام، بدون تهمت زدن، بدون مصداق معین کردن، اما روشنگری اذهان مردم؛ چیز لازمی است. ببینید، یکی از آن چیزهایی که قرآن کریم خطاب به مخالفین، به یهود در آن روز، [میگوید] و بر آنها ایراد میگیرد این است: «لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (3)؛ یکی از ایرادهای بزرگ این است که شما باطل را با حق مخلوط میکنید، مشتبه میکنید. (لس)

ص: 437

1- . در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده 1369/8/5

2- . در جمع علما و روحانیون استان چهارمحال و بختیاری در شهرکرد 1371/7/15

3- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 71، ترجمه: «چرا حق را به باطل درمی آمیزید و حقیقت را کتمان میکنید باینکه خود میدانید.»

یعنی اشتباه، «تَلْبَسُونَ» [یعنی] مشتبه می‌کنید حق را با باطل. «وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ»؛ حق را کتمان می‌کنید. حقیقت را باید بیان کرد که این وظیفه‌ی ما است. (1)

وظیفه‌ی علما در کارزار با استکبار

اگر بخواهیم این کامل بشود، بایستی این دایره را وسعت بدهیم، بایستی روی این مسائل کار بکنیم؛ یکی کار تبلیغی و برنامه ریزی تبلیغی است. اشخاص شماها، تقریباً همه‌ی شما آقایان، در شهرهای خودتان، در مراکز محلّ توجه هستید؛ یا امام جمعه هستید یا گوینده‌ی دینی هستید یا معلّم هستید، استاد هستید - بعضی در دانشگاه، بعضی در حوزه - و در جاهای مختلف میدان دارید و امکان دارید برای حرف زدن، برای کار کردن، برای تربیت کردن؛ آدمهای کنارنشسته‌ای نیستید، میدان دارید. این مورد سؤال پروردگار قرار خواهد گرفت؛ یعنی این امکانی است که خدای متعال از کیفیت به کار رفتن این امکان سؤال خواهد کرد از ما؛ «وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ» (2)؛ این از آن قبیل چیزها است. بنابراین پس يك کار این است.

يك کار دیگر که آن هم از لحاظ اهمّیت از این تبلیغ اگر مهم تر نباشد - که به گمان ما مهم تر هم هست - کمتر نیست، عمل خود ما است؛ نه عملی که حتماً جلوی چشم مردم باشد؛ نه، عمل درست ما تأثیرش را میبخشد؛ ترك گناه، ترك دنیاپرستی، ترك اشرافیگری، کار سخت، کار کوشنده. وقتی ما با خدا باشیم، خدای متعال تأثیر میدهد به حرف ما، به اقدام ما. مردم هم که به ما نگاه میکنند و تناقضی میان گفته و کردار ما مشاهده نمیکنند، ایمانشان قوی میشود و به این راه می آیند، در این راه حرکت

ص: 438

1- . در دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور 1394/10/14

2- . صحیفه‌ی سجّادیه، دعای

میکنند. به گمان بنده یکی از علل موقّیّت معجزه آسایِ امام بزرگوار این بود که خودش عامل بود، متدین بود، به قیامت - به معنای واقعی کلمه - اعتقاد داشت و پای این ایمان و این اعتقادِ خود در عمل ایستاده بود و انصافاً پاکیزه بود امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه)؛ این تأثیر داشت. [البته] بعضی ممکن است این پاکیزگی را بدانند، بعضی هم ندانند اما تأثیر میکند. پس بنابراین وظیفه ی مهمّ ما، هم [به عنوان] مسئولین اداری و دولتی و موظّفین در بخشهای مختلف نظام، و هم به عنوان علمای دین، این است که از طریق زبان و عمل، مردم را به سوی تقوا و به سوی احسان و به سوی صبر و به سوی پاکیزگی و مانند اینها حرکت بدهیم؛ بعد، اگر چنانچه این [طور] شد و خدای متعال را همراه خودمان دانستیم، نتیجه اش این میشود که در مواجهه ی با قدرتها، شجاعانه حرکت میکنیم. البته بایستی در مواجهه ی با قدرتها - خود این هم یکی از بخشهای تقوا است - هم شجاعانه، هم هوشمندانه، هم با کاربلدی، دشمن را در میدان سیاست مغلوب کنیم. این جزو کارهای اصلی و قطعی ما است. (1)

مقاومت علما برای جلوگیری کردن از مستعمره شدن ایران

غربی ها آنجایی که توانستند، بنیانهای فرهنگی و اعتقادی را از بین بردند. در مثل کشور ما که استعمار مستقیم وجود نداشت و به برکت مجاهدت يك عدّه از بزرگان، انگلیس ها نتوانستند به طور مستقیم وارد شوند، افرادی را عامل خودشان کردند. اگر قرارداد 1299، یعنی 1919 میلادی - که معروف به قرارداد وثوق الدوله است - در ایران با مقاومت امثال مرحوم مدرّس و بعضی از آزادی خواهان دیگر مواجه نمیشد و این قرارداد عملیاتی میشد، استعمار ایران حتمی بود - مثل هند - مردانی نگذاشتند این اتفاق بیفتد. اما آنها به وسیله ی عوامل خودشان، با گماشتن رضاخان

ص: 439

پهلوی و تقویت او و گذاشتن روشنفکران وابسته ی به غرب در کنار او - که باز لازم نیست من اسم بیاورم، دوست ندارم اسم بیاورم - فرهنگ خودشان را بر ما تحمیل کردند. (1)

2 - دانشگاهیان

دانشجوی انقلابی؛ لبه ی اصلی جبهه ی مقاومت ملت

در سال 58 به مناسبت سالروز تبعید امام و شهادت دانش آموزان، بازهم جوانها آمدند کاری کردند که دنیا را خیره کرد و آمریکا را به زانو در آورد. این واقع قضیه است؛ اینها شعار نیست. شما بدانید؛ آن روزی که لانه ی جاسوسی تسخیر شد، دولت آمریکا آبرو و اعتبار و هیمنه اش چندین برابر امروز بود. شما امروز را نگاه نکنید که آمریکا در چشمها سبک شده، کوچک شده، ملتها علناً علیه آمریکا دشنام میدهند و آنها را نفرین میکنند؛ آن روز این جور نبود؛ آن روز آمریکا در دنیا يك هیمنه ی ابرقدرتی درجه ی يك داشت. جوان دانشجوی ما با شجاعت، با شهامت، به عنوان لبه ی اصلی جبهه ی مقاومت ملت ایران، سفارتخانه ی آن چنان آمریکایی را تسخیر کرد؛ کسانی را که آنجا بودند، زندانی کرد. (2)

اقتدار علمی؛ مقدمه ی امتیاز گرفتن از استکبار

قدرت هم يك امر نسبی است؛ در هر مرحله ای از قدرت، انسان میتواند يك فعالیتی انجام بدهد. حالا مثلاً فرض بفرمایید در همین قضایای مذاکرات هسته ای - که البته من حالا نمیخواهم وارد آن مقوله بشوم - دوستان عزیز ما گفتند ما امتیاز گرفته ایم و دشمنانی که تا امروز قبول نمیکردند که ما صنعت هسته ای داشته باشیم، حالا پای کاغذ

ص: 440

1- . در دیدار جوانان استان خراسان شمالی 1391/7/23

2- . در دیدار دانش آموزان در آستانه ی سیزده آبان 1389/8/12

امضا کرده اند که ما میتوانیم صنعت هسته ای داشته باشیم. خب این چه جوری به دست آمد؟ این بعد از آن به دست آمد که ما اقتدار خودمان را نشان دادیم و ما توانستیم کاری را انجام بدهیم که آنها تصوّر نمیکردند بتوانیم انجام بدهیم؛ یعنی تولید غنی سازی بیست درصد. خود آنها هم میدانند، اصحاب فنّ این کار [هم] میدانند که مشکل کار [غنی سازی] تا 99 درصد، عبارت است از مسیر [غنی سازی] تا 20 درصد؛ اگر يك كشوری توانست خودش را تا 20 درصد پیش ببرد، از آنجا تا 90 درصد و 99 درصد کار آسانی است، راه زیادی نیست؛ این را اینها میدانند. این مسیر را جمهوری اسلامی پیش رفت؛ یعنی توانست غنی سازی بیست درصد را به دست بیاورد؛ توانست نوزده هزار سانتریفیوژ نسل اول تولید کند؛ توانست حدود ده هزار سانتریفیوژ نسل اول را به راه بیندازد؛ توانست سانتریفیوژهای نسل دوّم و سوّم و چهارم را تولید کند؛ توانست آن دستگاه راکتور آب سنگین اراک را به وجود بیاورد؛ توانست کارخانه ی تولید آب سنگین را - که امروز از ما میخرند - به وجود بیاورد. این کارها را توانستیم بکنیم که دشمن، آن حدّ اقل را قبول کرد که ما صنعت هسته ای داشته باشیم. اگر این کارها را نکرده بودیم [قبول نمیکردند]. من یادم هست و دوستان همه یادشان هست که در آن ده دوازده سال پیش از این، که مذاکرات دوره ی قبل را داشتیم، بحث ما این بود که مثلاً اجازه بدهند پنج سانتریفیوژ کار کند، آنها میگفتند نمیشود؛ ما اول میگفتیم بیست سانتریفیوژ، بعد گفتند نمیشود؛ کوتاه آمدیم گفتیم پنج سانتریفیوژ، گفتند نمیشود؛ گفتیم یکی، گفتند نمیشود! وقتی که نمیتوانیم، وقتی نداریم، وقتی قدرت نیست، دشمن این جوری وارد میشود؛ [اما] وقتی شما نوزده هزار سانتریفیوژ را علی رغم دشمن به وجود آوردید، به راه انداختید، نسل دوّم و سوّم و چهارم را تولید کردید، کارهای جنبی فراوان دیگری را انجام دادید، خب [دشمن] مجبور است قبول بکند؛ اقتدار این است. اگر اقتدار

بود، انسان میتواند حتی از استکبار امتیاز بگیرد. این امتیازی نبود که آمریکایی ها به ما دادند، این امتیازی بود که ما با قدرتمان گرفتیم، نه اینکه کسی به ما امتیاز داد. (1)

وظیفه ی تشکلهای دانشجویی در مستحکم تر کردن مقاومت ملت

در این انجمنها امروز نیز ایمان و انگیزه ی پاک، نقش آفرین است و باید هرچه نقش آفرین تر و اثرگذارتر باشد. هدف سلطه گران جهانی آن است که هرگونه مقاومت را در برابر امواج افزون طلبی های خود، از میان بردارند. ایران اسلامی با تکیه بر سرمایه های عظیم فکری و روحی و عملی که اسلام در اختیار نظام اسلامی میگذارد هرگز در برابر این امواج سرکش، تسلیم نشده است. شما جوانان عزیز باید همت کنید تا این مقاومت روزبه روز ماندگارتر و مستحکم تر شود؛ یعنی درست در برابر دشمن که هدف خود را نابود کردن امید و ایمان و عزم که سرچشمه های این مقاومتند، قرار داده است.

توصیه میکنم که تلاش سیاسی و فکری مؤمنانه و پرهیزکارانه ی خود را حفظ کنید، با دیگر مجموعه ی اسلامی دانشجویی هرچه بیشتر نزدیک شود، به کسانی که مقاومت شکنی را ترویج میکنند به چشم سوءظن بنگرید و همواره خدا را در یاد داشته باشید و از او کمک بخواهید. (2)

3 - نیروهای مسلح

اشاره

نظامیگری در يك چنین نظامی، مایه ی افتخار است و به نظامیگری خود بیالید و افتخار کنید. به لفظ اکتفا نکنید؛ در عمل، نظامی مؤمن - یعنی مجاهد فی سبیل الله - باشید. شرط مجاهد، آماده بودن است. با دانش و فن و تجربه و پیشرفتهایی که ذهن بشر در همه ی اقطار عالم به

ص: 442

1- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1395/3/6

2- . پیام به اردوی تحکیم وحدت 1380/6/3

آن دست یافته است، خود را آشنا و مجهز کنید و به دیگران نیز بیاموزید؛ ذهنهائتان را پیچیده کنید و از تجربه های دوران دفاع مقدس حداکثر استفاده را بکنید. در آن روز، همین نیروی هوایی و همین ارتش و سپاه و بسیج، با امکانات کم، با محاصره ی اقتصادی و با تحریم عمومی توانستند در مقابل جبهه ای بایستند که اگرچه صفوف مقدّمش نظامیان بعثی صدام بودند، اما صفوف مؤخّر آن، همه ی قدرتهای نظامی شرق و غرب بودند و پشتیبانی فنی و علمی و اطلاعاتی و سازمان دهی و مدیریتی از سوی آنها انجام میگرفت. در مقابل چنین جبهه ی وسیعی، ما توانستیم به همت جوانهایمان، به همت بسیجیان، سپاهیان، ارتشمان، خلبانان و فنی های شجاعمان و عناصر کارآمد رسته های مختلف نیروهای مسلحمان بر دشمن پیروز شویم. از این تجربه درس بگیرید و با آن آشنا شوید. حضور در ارتش را مغتنم بشمارید. (1)

نقش قدرت نظامی و نیروهای نظامی در اقتدار

قدرت نظامی، مایه ی اقتدار است. می بینید، درباره ی مسائل موشکی چه جنجالی در دنیا راه می اندازند، که ایران موشک دارد، ایران موشک دقیق دارد. بله، ما موشک داریم، موشک دقیق [هم] داریم؛ موشک ما هدف را از فاصله ی چند هزار کیلومتری با فاصله ی چند متری قادر است بزند؛ این را با قدرت به دست آوردیم، با قدرت حفظ میکنیم، با قدرت افزایش خواهیم داد؛ ان شاءالله. با این هم چون مایه ی اقتدار کشور است مخالفند، با آن دعوا دارند، غیظ و غضب دارند. می بینید چه میکنند در دنیا.

عنصر نظامی فداکار هم مایه ی اقتدار است؛ علاوه بر سازمانهای

ص: 443

نظامی، يك عنصر نظامی فداكار، يك صیاد شیرازی، يك شهید شوشتری و خود يك انسان فداكار هم كه يك عنصر نظامی است و فداكار و صادق است، مورد غیظ و غضب است. اینها در جنگ به شهادت نرسیدند، اینها ترور شدند؛ یعنی شناسایی شدند، تعقیب شدند و ترور شدند؛ برای خاطر اینکه خودشان را به عنوان يك مانعی در مقابل دست اندازی دشمن نشان میدادند و مایه ی اقتدار کشور بودند؛ [پس] با آنها هم دشمنند. (1)

آمادگی شما نیروهای مسلح، چه ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه بقیه ی مجموعه های نیروهای مسلح، فقط به معنای این نیست که در نبرد بر دشمن پیروز بشوید، بلکه معنای دیگر آن مصون نگه داشتن کشور از نیت بد دشمنان است. وقتی شما آماده باشید، وقتی شما مجهز باشید، وقتی مسلح به ایمان، مسلح به علم، آماده ی فداکاری باشید، دشمن جرئت نمیکند به طرف شما گامی از روی بدخواهی بردارد؛ بله، تهدید میکنند، با زبان حرفهایی میزنند اما ملت ایران در دوران نزدیک به چهار دهه ی انقلاب نشان داده است که قوی است، قدرتمند است، نیرومند است، دارای هویت است، دارای گوهر است، دارای جوهر است، می ایستد؛ يك نمونه دفاع مقدس هشت ساله بود.

شما جوانهای عزیز من حتماً قضایای دفاع مقدس را از پیش کسوتها و قدیمی ها بشنوید؛ بروید مناطق را ببینید؛ طرحهای عملیاتی، کارهای شجاعانه و فداکارانه را با دقت از منظر نظامی مورد توجه قرار بدهید؛ ببینید چه شد؟ ملت ایران برای خود آبرویی جاودانه کسب کرد در دوران دفاع مقدس. پس قدرت نیروهای مسلح بازدارنده نیز هست. (2)

ص: 444

1- . در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) 1396/2/20

2- . در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر در نهمین مراسم دانش آموزی دانشجویان دانشگاه های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران 1394/7/8

لزوم قرار گرفتن «جهاد کبیر» در سرلوحه ی کارهای سپاه

شما پاسدار انقلابید، پاسدار انقلاب. البتّه همه ی ملت ایران پاسدار انقلابند یا باید باشند، اما شما سازمانی هستید که به این نام مفتخر و سربلند است: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. این جهاد کبیر را، شما باید سرلوحه ی کارتان قرار بدهید. امروز هم نسبت به سپاه، از همه بیشتر عصبانی هستند؛ در اسمهایی که می آورند، در فحاشی هایی که میکنند، در تهمتهایی که میزنند، از همه بیشتر، سپاه را آماج این بدگویی ها و این دروغ گویی ها قرار میدهند؛ علت این است که سپاه نشان داده که ایستاده است. این روحیه و این جهت گیری و این حالت را از دست ندهید. (1)

وظیفه ی نیروهای مسلح در حفظ روحیه ی ایستادگی مردم

آن چیزی که جلوی این دشمنی ها را توانسته است بگیرد، اقتدار ملت ایران، ایستادگی ملت ایران، تأثیرناپذیری ملت ایران از تشر ابرقدرتانه ی آمریکا و امثال آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی و مانند اینها بوده. این باید ادامه پیدا کند؛ و این اگر بنا شد ادامه پیدا کند - که باید این حالت، این روحیه، این اقتدار ادامه پیدا کند - یک بخش مهمّش به عهده ی شما است که ارتش جمهوری اسلامی هستید؛ بخش عمده ای مربوط به اقتصاديون است؛ بخش عمده ای مربوط به عناصر مربوط به فرهنگ و آموزش و مانند اینها است؛ بخش بسیار مهمّی مربوط است به کسانی که متصدّی کارهای علمی و تحقیقات و علم و پیشرفت علمی و مانند اینها در کشور هستند. همه باید دست به دست هم بدهند؛ خدای متعال هم کمک خواهد کرد؛ همچنان که تا امروز کمک کرده. (2)

ص: 445

1- . در مراسم دانش آموزی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3

2- . در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش 1396/1/30

اشاره

من این طور احساس میکنم که همه ی رفتارهای فردی و جمعی ما به عنوان مسئول و رفتارهای ملتمان، تحت تأثیر دو مجموعه عوامل است: يك مجموعه، آن استعدادها و امکانات و اینها است - هوش، توانایی ها و استعدادهای مردم - فرض بفرمایید يك فرد را که در نظر میگیریم، يك قسمت از تلاش و فعالیتش در هر میدانی از میدانها، مربوط به آن استعدادها و توانایی ها و ظرفیتهای وجودی خودش یا فضایی است که از آن استفاده میکند. بخش دوم، آن عامل مؤثر و جهت دهنده ی ذهنیت است. مراد ما از فرهنگ، همان ذهنیتها است. هر جا که من تعبیر فرهنگ را به کار میبرم، مرادم آن معنای عام فرهنگ است؛ یعنی آن ذهنیتهای حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت میکند - تسریع، یا کند میکند - این، حداقل نیمی از عوامل تعیین کننده و پیش برنده و جهت دهنده به همه ی رفتارها است. برای اینکه مسئله، کاملاً محسوس شود و آن نگرانی که در ذهن بنده است، بیشتر واضح گردد - که چرا گاهی اوقات به این مسئله، زیاد میپردازم - يك جبهه ی جنگ را فرض بفرمایید که يك مجموعه سرباز، با فداکاری، با قدرت تصمیم، با اراده و با ایستادگی میجنگند؛ مثل جنگی که ما هشت سال در جبهه داشتیم. در آن زمان، شما وارد منطقه ای میشدید، میدیدید يك مشت جوان مؤمن حزب اللّهی فداکار از جان گذشته، ایستاده اند و مبارزه میکنند. از هر کدام سؤال میکردید چرا مبارزه میکنید؟ میگفت: «وظیفه ی من است. امام گفتند، دستور دینی من است. دشمن به کشور من تجاوز کرده، مرزها و ناموس مرا تهدید میکند؛ ما ملت زنده ای هستیم و باید از خودمان دفاع کنیم!». او مجموعه ای از باورهای ذهنی را برای شما در میان میگذارد که اعتقاد به خدا، اعتقاد به قیامت، اعتقاد به شهادت، اعتقاد به دستور امام، لزوم اطاعت از امام، اعتقاد به متجاوز بودن این دشمن، اعتقاد

به اینکه من ملّتی هستم که باید از خودم دفاع کنم، در آن هست. این مجموعه ی درهم آمیخته ی درهم تنیده ی اعتقادات دینی و اینها در بیان او بروز میکنند. شما می بینید که این اعتقادات موجب شده است تا این جوان بایستد، از آسایش خانه اش، از زندگی، از تحصیل و دانشگاهش دست بکشد، به جبهه برود و جان خودش را به خطر بیندازد؛ احیاناً هم کشته یا مجروح شود و تا آخر عمر با آن بسازد که الان روی چرخ، تعدادی از آنها را مشاهده میکنید.

حالا اگر در همین حالی که این جوان در این میدان با این حرارت میجنگد، يك نفر بیاید، بنا کند در این باورها خدشه کردن و مثلاً بگوید: «اینکه شما میگویید این دشمن، متجاوز است، چه تجاوزی؟ ما اول حمله کردیم!»؛ شروع کند در ذهنیت او رخنه کردن و اعتقاد او را به متجاوز بودن این دشمن و به فضیلت و ارزش شهادت، ضعیف کند؛ اعتقاد او را به اینکه وقتی امام دستور داد، باید دستور امام عمل شود، تضعیف کند؛ اعتقاد و باور او را به اینکه يك فرد باید از کشور، از میهن و از مرزهای خودش دفاع کند، ضعیف کند؛ خب، شما ببینید این جوان مؤمن آماده ای که مثل گلوله ی سوزانی به سمت سینه ی دشمن حرکت میکرد، با این تبدیل باورها تبدیل به چه میشود؟! به يك موجود پشیمان، متزلزل، مردّد و احیاناً پشت به جبهه کرده، تبدیل میشود. یعنی همین آدم، همین شخصیت، با همان استعدادها، با همان قدرت بدنی، با همان هوش، با همان توانی که از لحاظ جسمانی و مغزی و قدرت اراده و تصمیم گیری داشت، با تبدیل محتوای ذهنی خودش، از يك موجود فعال پیشرو اثرگذار، تبدیل به يك موجود منفعل منهزم میشود. این امر بسیار واضحی است. خب، ممکن است کسی هم برود، آن احساسات، آن ایمان و آن باور را در او تقویت کند، یا در کسی که آن چنان نیست، این ایمان را به وجود آورد و از او يك موجود اثرگذار فعال پیشرو آن چنانی بسازد. من به این نکته، متنبّه شدم که اینکه

میگویند: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء»⁽¹⁾، معنایش این است. آن عالم است که میتواند محتوای ذهن انسانی را تبدیل به چیزی کند که از این جسم - به اصطلاح رایج امروز، از این سخت افزار موجود بشری - يك انسان متعالی، يك انسان پیشرو و يك انسان فعال و مقاوم بسازد؛ يك عالم میتواند این کار را بکند؛ «مداد العلماء»، واقعاً «افضل از دماء شهدا» است؛ برای خاطر اینکه همین جوانان طلبه ی ما در میدان جنگ - آن گروه رزمی تبلیغی - به میدان جنگ میرفتند - من بارها آنها را در آنجا مشاهده کردم - و انسانها و آدمهای معمولی را تبدیل به آدمهای مقاوم میکردند؛ انسانهای سست را تبدیل به آدمهای قرص و انسانهای متزلزل را تبدیل به انسانهای ایستاده ی دارای مقاومت میکردند.

این نقش فرهنگ است. حالا شما همین را در وضع کلّ کشور، تعمیم دهید. الان ما در کشوری قرار داریم و نظامی هستیم که به ایستادگی مردم، به توانایی های فکری، به عزم راسخ و به تأثیرناپذیری مردم از دشمن خودشان احتیاج داریم. چه کسی بایستی این مسئولیت را انجام دهد؟ چه کسی بایستی به مردم تفهیم کند که دشمن کیست و دشمنی او چگونه است و امروز نیاز این کشور به چیست؟ چه کسی بایستی دین را که مایه ی سرفرازی و ایستادگی ملت و مایه ی فداکاری انسانها و تسلیم نشدن آنها در مقابل جاذبه های گوناگون جاذبه های مادی است، به مردم، به نسل جوان، به دانشجو و به آدمهای جامعه، منتقل کند و بدهد؟ آیا درست است ما منتظر بنشینیم که آیا حوزه ی علمیّه و روحانیت، با همان روشهای قدیمی و با همان جلسات سخنرانی و اینها این کارها را انجام دهند؟ یا نه، ما که امروز دولت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی هستیم مسئولیتی برعهده گرفته ایم و به عنوان رجال دین و مسئولین دینی هستیم؛ چه آنهایی که معمم هستند، چه آنهایی که معمم نیستند و همه ی کسانی که در نظام،

ص: 448

مسئولیتی قبول کرده اند، در واقع مسئولیت قبول کرده اند که نظام اسلامی را در این کشور، پایدار و مستقر کنند و به تکامل برسانند. خوب، غیر از ما چه کسی مسئول است که مردم را اگر متزلزلند، تبدیل به انسانهای مقاوم کند؛ اگر دچار تردیدند، تردید آنها را برطرف کند؛ اگر در باورهای آنها اختلالی وجود دارد، باورهای صحیح و قوی را به آنها بدهد؛ اگر در مقابل اهداف و مسئولیتهای دشمن، دچار تردید و شک و تزلزل هستند، این شک و تردید را برطرف و آنها را عازم و مصمم کند؛ تا این مردم از آن حقی که امروز پرچم آن را این کشور به دست گرفته است، جانانه دفاع کنند؟ چه کسی مسئول این است که مردم را به این سمت بکشاند؟ غیر از ما، غیر از مسئولین، بخصوص مسئولین امور فرهنگی کشور و از جمله همین شورای عالی انقلاب فرهنگی که برای همین مقصود هم به وجود آمده است؟!

اگر ما امروز این مردم را متدین و متشرف و پایبند به دین و آگاه از مبانی دینی و برخوردار از معرفت دینی تربیت کنیم، هرچه به این سمت پیش برویم، این مملکت و آینده ی این کشور و این ملت را تضمین کرده ایم؛ هر مقدار که اجازه ی رخنه در این موانع را بدهیم و اجازه دهیم که در باورها و در مقدّسات دینی مردم - در مسئله ی شهادت، در مسئله ی جهاد و در دشمنی دشمنان واضح اسلام و مسلمین - خدشه شود و همین طور در ذهنهای مردم تسرب پیدا کند - هرچه این را اجازه دهیم - آینده ی این مملکت و این ملت را بیشتر به خطر انداخته ایم و امکان سعادت را که این ملت برای آن قیام کرد و این حرکت عظیم را انجام داد، ضعیف تر و امکان حضور و غلبه ی دشمن را بیشتر کرده ایم! اینها هم عملی نیست، مگر با تقویت کار فرهنگی و حقیقتاً مسئولین فرهنگی کشور - چه شورای عالی انقلاب فرهنگی، چه عناصر محترمی از دولت که در این شورا هستند، چه سازمانهای غیر دولتی مثل سازمان تبلیغات و دیگران و دیگران که مسئولیت فرهنگی دارند - باید احساس مسئولیت و وظیفه کنند و در

میدان کار بیفتند. این امروز اساس کار ما است... سال گذشته هم تقریباً شبیه همین صحبتها را کرده ام و بر روی این مسئله تأکید نموده ام که ما باید تلاش کنیم که تدین در جامعه، غلبه پیدا کند و مردم به سمت تدین حرکت کنند.

مراد از تدین، مقدّس مآبی و گرایش به ظاهر نیست. البته ظواهر هم خیلی مهم است، باید حتماً ظواهر را هم رعایت کرد. مسائل شعاری دینی را هم نباید دست کم گرفت. اینها بسیار بسیار مؤثر است؛ اما در کنار این بایستی کارهای عمیق، مبنایی، فکری و اعتقادی انجام گیرد.

قبل از انقلاب، آن کسانی که توان کارهای تبلیغی، دینی را داشتند، به قدر تلاش خودشان کارهایی میکردند؛ امروز آن تلاشها باید هزاران برابر شود - نمیشود گفت ده برابر و صد برابر - امروز يك نظام و دولت به این عظمت - با امکانات به این فراوانی که در اختیار ما است - باید این مردم را مثل سیل به سمت اسلام، به سمت اهداف و مبانی اسلامی پیش ببرد. اگر ما عازم باشیم و تصمیم داشته باشیم، چه چیزی میتواند جلویمان را در این میدان سد کند؟ لذاست که من حقیقتاً از بعضی بخشهای دولتی گله دارم و گله ی خودم را گفته ام. من معتقدم کم کاری انجام میگیرد. بنده يك بار در این جلسه - دو سه سال قبل - مطلبی را به آقایان عرض کردم؛ گفتم: مقصود این نیست که ما آن تفکر نقطه ی مقابل خودمان را قلع و قمع کنیم؛ ما که اهل قلع و قمع فکر نیستیم؛ اصلاً دنبال این نیستیم و معتقد نیستیم که قلع و قمع يك فکر، اولاً ممکن است و ثانیاً مفید است. ما معتقدیم که باید يك فکر، مطرح هم بشود، گفته و نوشته هم بشود؛ ولی ما که صاحب فکر درست و منطقی و استدلال صحیح هستیم، با منطقی و استدلال نشان دهیم که این فکر، غلط است. باید در مقابل اظهارات فکری چه در زمینه ی سیاسی و چه در زمینه ی اسلامی که مخالفین و دشمنان اسلام و مقابله کنندگان با اسلام و مسلمین و نظام اسلامی مطرح

میکنند، کار شود. اگر مشاهده شود که کسانی حقیقتاً وارد میدان میشوند و صف آرای فرهنگی میکنند، بنده خوشحال میشوم که آن حرفها بیش از آنچه که حالا- گفته میشود، گفته شود. منتها مهم این است که ما این صف آرای را مشاهده کنیم. وزارت ارشاد، وزارت آموزش عالی، وزارت بهداشت و درمان، وزارت آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات و صداوسیما بایستی نشان دهند که يك صف آرای دارند. آرایش نیروهای فرهنگی بایستی يك آرایش دینی، اسلامی و انقلابی باشد؛ این بُربرگرد ندارد. این غلط و خطرناک است که ما ناگهان احساس کنیم آرایش ما به وسیله ی نیروهای دشمن به هم خورده و ما خودمان همدیگر را نمی شناسیم؛ مثل میدان جنگ! شما ناگهان نگاه کنید، ببینید به جای اینکه نیروی شما در مقابل دشمن سنگر بگیرد و خاکریز درست کند، خاکریزهایش تا دل دشمن رفته و خاکریز دشمن هم تا دل شما است و قاطی هستید! احیاناً شما در مقابل بعضی از خودی ها خاکریز زده اید! این انسان را نگران میکند. من امروز از این نگرانم.

من نگاه میکنم، میبینم که در محیط کار فرهنگی ما به عنوان اسلام، کار خیلی کمی انجام میگیرد. فرض بفرمایید وزارت ارشاد نمی آید اعلان کند که من میخواهم «سینمای اسلامی» درست کنم! مگر ما از چه خجالت میکشیم؟! يك روز در این دنیا کسانی بودند که از گفتن «بسم الله» و از بردن نام اسلام، خجالت میکشیدند؛ ما آمدیم اسلام را در دنیا سگّه ی رایج و نرخ شاه عبّاسی کردیم؛ حالا خجالت بکشیم از اینکه بگوییم سینما و تئاتر اسلامی میخواهیم؟! چرا اعلان نمیکنند؟ صریحاً بگویند که ما میخواهیم سینمایمان را اسلامی کنیم. «سینمای اسلامی» یعنی چه؟ یعنی ما میخواهیم محتوای این تکنیک، این قالب و این هنر را که از دیگران گرفته ایم - مثل خیلی چیزهای دیگر - اسلامی کنیم. ما میخواهیم از قالب این، هرچه را که با اسلام منافات دارد، حذف کنیم.

چه مانعی دارد این گفته شود؟! چرا گفته نمیشود که ما در هنرهای نمایشی مان و در دانشگاه و در فلان برنامه، کارگردان مسلمان میخواهیم؟! به این معنا تصریح شود که ما میخواهیم کارگردان مسلمان، فیلمنامه نویس و بازیگر مسلمان درست کنیم و فضای جامعه را اسلامی کنیم. چرا این تصریح نمیشود؟! چرا در محیط دانشگاه تصریح نمیشود که ما میخواهیم دانشگاه را اسلامی کنیم؟! من چند سال قبل، این را مطرح کردم. البته اطلاع دارم که آقایان جلساتی دارید؛ ان شاء الله که این جلسات به نتایج خوبی هم برسد. من میگویم از اینکه شما بگویید «ما میخواهیم دانشگاه، اسلامی باشد»، خجالت نکشید و از این نترسید. این، آن چیزی است که این ملت برای آن قیام کرده است و من و شما پوسته‌ی رویی و ظاهر این ملت هستیم. اراده‌ی ما، فکر، گمان و روحیات ما حاکی از اعماق عظیم قشرهای این ملت نیست! قشرهای ملت، همان کسانی هستند که این انقلاب را به وجود آوردند، این جنگ را اداره کردند و این همه شهید دادند؛ الان هم حاضرند؛ اگر امتحانی پیش آید، همان طور شهید خواهند داد، کشته خواهند شد و گرسنگی خواهند کشید. مردم، مؤمنند. (1)

لزوم پاسخگویی به شبهات مطرح شده از سوی دشمن

یکی از کارهایی که در باب تبلیغات باید انجام داد، پاسخگویی به شبهات پرتاب شده‌ی در میان مردم است. البته دستگاه‌های تبلیغاتی ما، همه باید مراقب باشند و مواظب باشند و عمل کنند؛ وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات، دفتر تبلیغات، دستگاه‌هایی که متولی و متصدی امور ارتباطی و رسانه‌ای هستند، صداوسیما، دیگران؛ همه باید مراقب باشند. دشمن به طور دائم دارد شبهه ایجاد میکند؛ شبهات متراکم پشت سرهم! باید این گره‌ها را باز کرد، این شبهه‌ها را باید برطرف کرد، ذهنها را بایستی

ص: 452

فارغ کرد، آسوده کرد. نباید جوان ما احساس گیجی و حیرت بکند؛ یکی از این طرف، یکی از آن طرف؛ دائم شبیه درست کن، دائم اشکال درست کن! باید جوان را کمک کرد؛ ذهنها را باید کمک کرد. (1)

سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی یکی از مهم ترین رویشهای انقلاب اسلامی است که با تصمیمی روشن بینانه و ژرف نگرانه با هدف تبلیغ و عرضه ی اندیشه ی تابناک اسلام ناب محمّدی (صلوات الله علیه وآله) به جامعه ی انقلابی بویژه جوانان جویای حقیقت و معرفت، شکل گرفت. این سازمان بحمدالله طی حدود چهار دهه ی اخیر منشأ خدمات و برکاتی بوده است و امروز ضرورت وجودی آن نه تنها کاهش نیافته بلکه ضریبی فزاینده یافته است.

تبیین و عرضه ی فکر و فرهنگ و معارف اسلامی با توجه به نیازهای روز و با نوآوری در ادبیات و روشها به گونه ای که بر جان و دل مخاطبان بنشیند و وجود آنان را از کوثر حقیقت دین سیراب نماید، رسالت بسیار مهمّ این سازمان است.

رسالت دیگر این سازمان رصد و مقابله ی هوشمندانه با تهاجمات فکری و فرهنگی و تبلیغی و رسانه ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است؛ دشمنانی که نه امروز بلکه از چند دهه ی پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی - ایرانی مردم خصوصاً جوانان را هدف قرار داده و با شیوه ها و ابزارهای متکی به فتاوری های ارتباطی و رسانه ای اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، در صدد تهی کردن انقلاب از عقبه ی دینی و ایمانی و مردمی آن میباشند. (2)

ص: 453

1- . در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی 1396/10/6

2- . حکم انتصاب حجّت الاسلام محمّد قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی 1397/5/28

کار مهمّ شورای هماهنگی تبلیغات، تبلیغ است. تبلیغ، ریشه ی قرآنی دارد؛ کاری نیست که ما آن را اختراع کرده باشیم یا از کسی در دنیا آن را یاد گرفته باشیم. خداوند متعال در سوره ی مبارکه ی احزاب میفرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (1)؛ و در سوره ی مبارکه ی مائده [میفرماید]: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (2)؛ پروردگار عالم دستور تبلیغ را به پیغمبر خودش عنایت میکند و در آیات کریمه ی قرآن از قول پیغمبران، مکرّر در مکرّر مسئله ی تبلیغ ذکر شده: «أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ» (3). تبلیغ یعنی چه؟ یعنی رساندن؛ رساندن چه؟ رساندن يك پیام، يك سخن درست. این معنای تبلیغ اسلامی است؛ منتها شرط این تبلیغ این است که صادقانه باشد، صمیمانه باشد، امانت دارانه باشد، مسئولانه باشد؛ این معنای تبلیغ است؛ در واقع کار با عظمتی که شما انجام میدهید، این است... تبلیغ اسلامی عبارت است از تفاهم با مردم؛ بحث کنترل نیست، بحث تفاهم است؛ ذهنها را به سمت يك هدف عالی و والایی متوجه کردن و ذهنها را به هم نزدیک کردن. اثر این تفاهم چیست؟ اثر تفاهم این است که مردم در جهت کارهای اساسی و خیر، خودشان مسئولانه وارد میشوند؛ این [طور] است. در تبلیغ اسلامی، بحث قدرت یابی نیست، بحث دست یافتن به پول نیست؛ [بلکه] بحث آوردن مردم در مقام مسئولیت است؛ خودشان احساس مسئولیت میکنند، خودشان وارد میشوند و قهراً نتیجه ای که بر این حرکت مردمی عظیم

ص: 454

- 1- . سوره ی احزاب، آیه ی، ترجمه: «همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ میکنند و از او میترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند. و خدا برای حسابرسی کفایت میکند.»
- 2- . سوره ی مائده، بخشی از آیه ی، ترجمه: «ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن.»
- 3- . سوره ی اعراف، بخشی از آیه ی، ترجمه: «پیامهای پروردگارم را به شما میرسانم و اندرزتان میدهم.»

مترتب شد، منافعش هم متوجه خود مردم خواهد شد. این معنای تبلیغ است؛ بنابراین بکلی متفاوت است با آن کاری که غربی ها میکنند. در آن پروپاگاندای غربی، فریب افکار عمومی اشکالی ندارد، بازیگری اشکالی ندارد، رفتارهای هنرپیشه وار اشکالی ندارد، دروغ گفتن اشکالی ندارد؛ هرچه انسان را به آن نتیجه ی مادی برساند، در پروپاگاندای غربی جایز است؛ [اما] در تبلیغ اسلامی ابداً. در تبلیغ اسلامی، صداقت، امانت داری، احساس مسئولیت و مانند اینها لازم است. **خب، این [درباره ی] اصل مسئله ی تبلیغ (1).**

رکن مهم تبلیغ، دادن امید به آینده و اعتماد به نفس به مردم

قهرآ افکار عمومی وقتی که در يك مسئله ای فعال شد و صاحب نظر شد، به طور طبیعی جسمها را به حرکت درمی آورد، ذهنها را به حرکت درمی آورد، ابتکارها را وارد میدان میکند. به طور طبیعی در تبلیغ اسلامی، فرصتها و تهدیدها برای مردم بیان میشود؛ دشمنها و دوستها برای مردم معین میشوند، شناسانده میشوند؛ اعتماد به نفس به مردم داده میشود؛ اینها در تبلیغ وجود دارد. شما تبلیغات پیغمبران را با آن شرایط سختی که داشتند نگاه کنید؛ در سخت ترین شرایط در جنگ خندق که داشتند خندق میکنند - در يك ضلع مهمی از مدینه، مسلمانها خندق میکنند - گرسنه هم بودند، هوا هم بسیار گرم بود، خود پیغمبر هم با اینها مشغول بود؛ یکجا مسلمانها رسیدند به يك سنگ سختی که هرچه کردند نتوانستند این سنگ را جابه جا کنند؛ به پیغمبر عرض کردند یا رسول الله اینجا يك سنگ خیلی سختی هست و نمیتوانیم آن را حرکت بدهیم؛ حضرت خودشان تشریف آوردند آنجا، کلنگ را گرفتند، يك ضربه ی محکمی با کلنگ زدند و برق جست از این ضربه ی مهم؛ پیغمبر فرمود که

ص: 455

من در این برق، کاخ کسری را دیدم که شما خواهید گرفت. شما ببینید! پیغمبر اکرم در چه شرایطی، در سخت ترین شرایط، میفرماید که من کاخ کسری را میبینم که شما میگیرید؛ من امپراتور روم را - در يك ضربه ی دیگر - میبینم که شما [شکست میدهید]؛ [یعنی] امید، اعتماد به نفس. البته نگاه پیغمبر با نگاه امثال ماها و امید دادن او و خبر دادن او با خبر دادن امثال ماها، زمین تا آسمان تفاوت دارد؛ او میدید، به طور واقعی مشاهده میکرد، اما ما تحلیل میکنیم. امید و اعتماد، در تبلیغ باید وجود داشته باشد. برای يك ملت بدترین حادثه این است که اعتماد به نفس را از دست بدهد، امیدش به آینده را از دست بدهد. (1)

حقیقت تبلیغ، مواجهه ی با دشمن

برادران عزیز، خواهران عزیز! بدانید امروز بیشترین نقشه ی دشمنان، این کارهای عظیم، متوجه این است که ملت ایران این اعتماد به نفسی را که دارد، از دست بدهد. حالا من خواهم پرداخت به این قضیه، عرض خواهم کرد. تلاش مهم جنگ نرم دشمن، امروز متوجه این است که ملت ایران امیدش را از دست بدهد. از این آیه ای که عرض کردیم - «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (2) - معلوم میشود که این تبلیغ، دشمن دارد؛ [وقتی] که میفرماید تبلیغ میکنند رسالات الهی را، از خدا میترسند، از غیر خدا نمیترسند، پیدا است که غیر خدا در مقابل این مبلغین الهی، مبلغین رسالات الله، صف آرای دارند؛ بحث بر سر دعوا است. یا در آن آیه ی شریفه ی «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (3)، که [میفرماید] خدا تو را حفظ میکند،

ص: 456

1- . در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سراسر کشور 1396/10/6

2- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 39، ترجمه: «همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ میکنند و از او میترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند.»

3- . سوره ی مائده، بخشی از آیه ی، ترجمه: «آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی، پیامش را نرسانده ای؛ و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه میدارد.»

نگران نباش، دغدغه نداشته باش از دشمن، پیدا است که در مقابل تبلیغ پیغمبر، صف دشمنان است، جبهه ی دشمنان است. برادران عزیز، خواهران عزیز! معنای این چیست؟ معنایش این است که شما آن وقتی که تبلیغ میکنید، تبلیغ اساسی میکنید، تبلیغ اسلامی میکنید، در مقابل این تبلیغ شما يك جبهه ی دشمنی صف آرای می کند؛ این را باید بدانید.

تبلیغ میدان جنگ است. بعضی ها از اسم جنگ بدشان می آید؛ تا گفته میشود جنگ اقتصادی یا جنگ نرم یا جنگ تبلیغاتی، اینها بدشان می آید؛ [میگویند] «آقا چرا این قدر از جنگ صحبت میکنید؟ از صلح صحبت کنید.»! خب جنگ هست. این غفلت ما است که اگر چنانچه دشمن متوجه ما باشد - جبهه ی دشمن به طرف ما نشانه گرفته که تیرهای خودش را پرتاب کند - ما غافل باشیم. امیرالمؤمنین فرمود «من نام لم ینم عنه»⁽¹⁾؛ شما اگر در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که طرف مقابل شما و دشمن شما هم خوابش برده؛ او مواظب شما است، او مراقب شما است، او منتظر است که شما خوابت ببرد. از اسم جنگ که نباید انسان خوف کند. خب دشمن الان در حال جنگ است؛ جنگ، جنگ نظامی نیست - البته جنگ نظامی نمیکنند، غلط هم میکنند اگر بخواهند بکنند - اما جنگ هست، جنگ نرم هست، جنگهایی هست که از جنگ نظامی خطرناک تر است؛ دشمن در حال جنگ با ما است. خب، پس توجه داشته باشید که تبلیغ یعنی مواجهه با دشمن؛ تبلیغ درست، یعنی سینه به سینه شدن با دشمن حقیقت، با ظلم و با ظلمات؛ این، معنای تبلیغ است؛ این، حقیقت تبلیغ است.⁽²⁾

ص: 457

1- . نهج البلاغه، نامه ی 62

2- . در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سراسر کشور 1396/10/6

هویت مستقل، اولین چیزی است که ما بایستی در جوان خودمان، در نوجوان خودمان رشد بدهیم و پرورش بدهیم. بعد آن وقت اقتصاد مقاومتی معنا پیدا میکند. این جور نیست که بعد ما برای اینکه بخواهیم اقتصاد مقاومتی انجام بگیرد، مسئولین بالای دولتی بیایند بنشینند صد جلسه پشت سرهم تشکیل بدهند و مرتب آئین نامه، مرتب بخشنامه، مرتب فلان؛ آخرش هم حالا به آن صورتی که کامل است انجام بگیرد. (1)

نقش معلمان در افزایش مقاومت ملی

اگر جامعه‌ای با معلومات باشد، مقاومتش در مقابل دشمن زیاد میشود. اگر جامعه‌ای نسبت به علم حساسیت داشته باشد، هنگامی که با کشورها و ملتهای دیگر هم ارتباط برقرار کرد، اول سعی میکند علم آنها را بگیرد. فرمانروایان ایران در سالهای پیش و در دورانهای گذشته، کاری کردند که وقتی موضوع تبادل بین کشور ما و کشورهای دیگر به وجود آمد، به جای اینکه ما معلومات و فرهنگ عظیم خودمان را در معرض دید مردم عالم قرار دهیم - خیلی چیزها داریم که میتوانیم به دیگران بیاموزیم - و به جای اینکه ما هم از بیگانگان علمشان را یاد بگیریم؛ این طور شد که ما به آنها فرض بفرمایید مصنوعات دستی مان را دادیم تا در نمایشگاه‌هایشان آویزان کنند یا نفتمان را دادیم تا کارخانه‌هایشان را به کار بیندازند و خودمان هم منتظر نشستیم که آنها فرهنگ فاسدشان را به ما بدهند! کسانی که پیشروان ارتباط فرهنگی ایران با غرب بودند، نگفتند «هر ایرانی باید علم غرب را تا آنجا که میتواند یاد بگیرد.»؛ اگر این را میگفتند، خوب بود؛ ما از این استقبال میکنیم. ما الان هم میگوییم: دنیا پیشرفتهایی در معلومات

ص: 458

دارد. ما را دویست سیصد سال عقب نگه داشتند و نگذاشتند ترقی کنیم. ما باید خودمان را به آنها برسانیم و معلومات آنها را یاد بگیریم. پیشروان مذکور، این را نگفتند؛ گفتند: «ایران باید از لحاظ ظاهر و باطن و لباس و شکل و صورت و اخلاق، فرنگی مآب شود!»؛ اخلاق آنها را بگیرد، لباس آنها را بگیرد، وضع زندگی آنها را بگیرد و ارتباطات ناسالم آنها را بیاموزد! این را گفتند و نتیجه اش همان شد که در اواخر دوران منحوس پادشاهی دیدیم - کسانی هم که بودند و یادشان هست، دیدند - و هنوز هم آثار و ته نشین ها و رسوبهایی تا امروز دارد. (1)

5 - مسئولان

وظیفه ی مسئولان جمهوری اسلامی؛ مقاومت در برابر دشمن

ما در جمهوری اسلامی به عنوان کسانی که متصدی و متعهد یک تکلیف و وظیفه هستیم، چه تکلیفی داریم؟ اینکه میگویم ما متعهد و موظفیم، به خاطر این است که جمهوری اسلامی بر اساس یک فکر، یک آرمان و یک هدف بزرگ و والا و مقدس به وجود آمده است و کسانی که معتقد به نظام جمهوری اسلامی و پیام انقلاب هستند، فکر نمیکنم از این معنا تخلّفی داشته باشند. ما فکر میکنیم یک وظیفه و تکلیف الهی و مسئولیت خدایی را انجام میدهیم. به همین دلیل است که بنده معتقدم اگر مسئولان - چه شما که در مجلسیید و چه آنهایی که در دستگاه های اجرائی کشورند - کاری را که برعهده ی آنها است، انجام دهند، ثوابش پیش خدای متعال از بسیاری از عبادات بالاتر است؛ چون این بنا برای اعلاء کلمه ی حق و احیاء کلمه ی توحید ساخته شده است. ما به عنوان کسانی که در این مجموعه چنین وظیفه ای داریم و این مسئولیت را احساس میکنیم، در مقابل این سیل جهانی باید مقاومت کنیم. البتّه

ص: 459

واقعیت جهانی سازی هم یکی از بخشهای مهم و بارز همین سیل است. فعلاً مسئله ی اقتصاد مطرح است؛ اما گفته و ناگفته، نوشته و نانوشته، جهانی سازی در زمینه ی سیاست و فرهنگ هم حتماً وجود دارد و عمل میشود. آیا در مقابل این سیل میشود مقاومت کرد؟ ما معتقدیم بله، میشود مقاومت کرد؛ این وظیفه ی اصلی ما است. (1)

نقش ایمان مسؤلان در بالا رفتن مقاومت و کارآیی ایشان

ما قلّه ی بلند و رفیعی را در نظر گرفته ایم که عبارت است از همین زندگی مطلوب انبیا و اولیای الهی. همه ی تلاش و همت و همه ی فکر و ذکر ما این است که خودمان را به این قلّه نزدیک کنیم. البتّه فاصله زیاد است و راه دشوار، اما رسیدن به دامنه های بالا و والاتر، مغتنم و لذت بخش است. ما دنبال این هدف هستیم. کلید موفقیت این کار در نظام اسلامی چیست؟ کلید موفقیت این است که مسؤلان نظام اسلامی - همچنان که در آیه ی قرآن ذکر شده است - از ایمان و عمل صالح برخوردار باشند. ایمان و عمل صالح فقط اعتقاد به خدا و خواندن نماز و گرفتن روزه نیست، بلکه ایمان یعنی ایمان به خدا؛ ایمان به وعده ی الهی؛ ایمان به آنچه که خدای متعال برای بشر در دستورات تشریحی خود به وسیله ی انبیا فرستاده است؛ ایمان به درستی راه خود. «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ» (2)؛ خود پیغمبر به راه خود ایمان داشت، مؤمنین هم به دنبال سر پیغمبر به راه خودشان ایمان داشتند. خدای متعال به ما وعده هایی داده است؛ باید به این وعده ها ایمان داشته باشیم. خدای متعال به ما به طور قاطع فرموده است که: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ» (3)؛ به عهد من وفا کنید، تا من هم

ص: 460

1- . در دیدار هیئت رئیسه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی 1381/3/7

2- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 285، ترجمه: «پیامبر (خدا) بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان...»

3- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 40، ترجمه: «به پیمانم وفا کنید تا به پیمانتان وفا کنم.»

به عهد خود وفا کنیم؛ معاهده ای که با خدا بسته اید، به آن معاهده عمل کنید تا خدا هم به وعده ای که به شما داده است عمل کند. خاصیت ایمان در وجود يك انسان مسئول این است که راه او را هموار و دشواری ها را در نظرش کوچک میکند؛ همت او را بالا میبرد؛ او را از آلوده شدن به خواسته های حقیر اهل دنیا باز میدارد؛ او را عاشق، خادم و دوستدار مردم قرار میدهد و در مقابل تهدید دشمنان آسیب ناپذیر و در مقابل مشکلات کار و مسئولیت مقاوم میسازد. عمل صالحی که در اسلام از يك مسئول نظام سیاسی خواسته شده است، رفتار دینی است. رفتار دینی یعنی گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم. در اسلام خدمت به انسانها، حتی انسانهای غیر مؤمن هم موردنظر است؛ افق دید اسلام خیلی وسیع است. (1)

لزوم تلاش مسئولان در برابر توطئه های مختلف دشمن

[باید] کارهایی را که آنها میتوانند بکنند بدانیم؛ آنها تحریم میکنند، ما بایستی اقتصادمان را درونی کنیم، درون را کنیم، اقتصاد مقاومتی کنیم تا تحریم اثر نکند.... در مورد کارهای تبلیغاتی همین جور، در مورد جنگ روانی همین جور، در مورد مقابله ی با نفوذ همین جور؛ مراقب باشند نفوذی دشمن در دستگاه های تصمیم ساز و تصمیم گیر وارد نشود. چابک‌لوسی های دشمن را هم جدی نگیرند؛ اظهار محبت‌ها و اظهار ارادت‌ها و اینکه بیا دست بدهیم و بیا بنشینیم و مانند اینها را جدی نگیرند؛ بدانند دشمن چه کار میخواهد بکند. اینها را اگر دانستید، اینها را اگر دانستیم، اینها را اگر مراعات کردید، اینها را اگر مراعات کردیم، بدانید که جمهوری اسلامی همچنان این حرکت رو به جلو را پیش خواهد رفت و این مشکلاتی که وجود دارد - که بنده میدانم مشکلات گرانی ها و مشکلات تورّم و مشکلات

ص: 461

رکود و مشکلات گوناگونی که مردم در زمینه ی مسائل معیشتی و اقتصادی دچارش هستند - با همت مسئولین قابل رفع کردن است و خدای متعال پاداش این همت را خواهد داد که ان شاءالله گره ها را باز کند. (1)

هدف مسئولان از گرفتن مسئولیت؛ بازتولید حیات طیبه

بینید برادران و خواهران عزیز! شماها مسئولین و کارگزاران این نظامید. نخبگان سیاسی و فرهنگی و اجتماعی این نظام، یا جمعی از نخبگان، اینجا جمع هستید؛ عمده ی مسئولین کشور الان اینجا جمع هستند. من و شما چرا در این نظام مشغول کار شدیم؟ آیا ما از اول به دنبال این بودیم که حکومتی تشکیل شود، دولتی به وجود بیاید، ما بشویم رئیس دولت، مسئول دولت، وزیر دولت، وکیل دولت؟ مگر مقصود این بوده؟ نه؛ اگر مقصود این باشد، باید عرض کنم زحماتی که هرکدام از ما میکشیم - اگر با این نیت باشد - همه اش «هَبَاءٌ مُنْتَوِرًا» (2) است؛ بی ارزش است؛ پیش خدای متعال اجری ندارد؛ با زوال عمر زایل میشود؛ بلکه با زوال مدت مسئولیت زایل میشود. ما فرقی با بقیه ی گروه هایی که در کشورهای مختلف می آیند يك رژیمی را تغییر میدهند، بر سر کار می آیند و قدرت را به دست میگیرند، این است که ما آمدیم برای اینکه يك جامعه ی اسلامی به وجود بیاوریم؛ ما آمدیم تا حیات طیبه ی اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم. و اگر بخواهیم با يك نگاه وسیع تر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبه ی اسلامی در کشور ما میتواند و میتواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدیم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره ی طیبه بکنیم؛ ما برای این آمدیم. هدف، جز این چیز دیگری نبود؛ الان هم هدف جز این چیز دیگری

ص: 462

1- . در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سراسر کشور 1396/10/6

2- . سوره ی فرقان، بخشی از آیه ی 23، ترجمه: «گردی پراکنده»

نیست.

نظام اسلامی، نظامی است بر پایه ی مبانی اسلام. هر جا که توانسته ایم وضع موجود و ساختار کنونی نظام خودمان را بر پایه ی اسلام قرار بدهیم، این خوب است، مطلوب است؛ هر جا نتوانستیم، سعی ما باید این باشد که آن را بر همان پایه و مبنای اسلامی قرار بدهیم؛ از او نباید تخطی کنیم. این هدف ما است.

مجلس مؤمن و مستقل؛ نماد پایداری

در میانه ی امواج طوفانی دنیایی که در آن، افزون طلبان سلطه گر با سیطره ی متعوضانه ی خود استقلال و هویت ملت‌ها را نشانه گرفته و تا توانسته اند عرصه را بر عزم ملی آنان تنگ تر کرده اند، ملت ایران با اراده ای راسخ بر ترفندهای پیچیده ی دشمنان فائق آمده و در راه عزت و آزادی به رهنمایی اسلام و قرآن، گردنه های دشوار را یکی پس از دیگری پشت سر میگذارد. مجلس مؤمن و مستقل و شجاع و مدبر، نماد پایداری و ثبات الگویی از مردم سالاری است که انقلاب اسلامی در برابر چشم جهانیان قرار داد و ملت بزرگ ایران با اتکال به خدا و با عزم راسخ خود آن را ماندگار کرد. (1)

حفظ وحدت، تقویت ارزشهای مقاومت آفرین و راضی نمودن مردم

اگر کشوری مورد تهدید قرار گرفت، برای اینکه هدف سیلی ماجراجویانه ی آمریکا و استکبار قرار نگیرد، باید چه کار کند؟ یک راه بیشتر ندارد و آن این است که وضع خود را طوری سازمان دهی کند که دشمن یقین کند یا احتمال زیاد بدهد که اگر وارد شد، پیروز بیرون نخواهد آمد. این تنها راه جلوگیری از حمله ی دشمن است. یعنی چه کار کند؟ وحدتش

ص: 463

را حفظ کند؛ مردمش را راضی نگه دارد؛ وضع معیشت مردم را روبه راه کند و ارزشهایی را که موجب میشود مردم در مقابل متجاوز بایستند، تقویت کند. خرّمشهر و فتح عملیات بیت المقدّس و فتح عملیات فتح المبین و فو و بقیّه ی فتوحات بزرگ را رزمندگان ما به ضرب سلاح به دست نیاوردند - ما تا آخر جنگ از لحاظ سلاح، يك چندم عراق بودیم - به ضرب شهادت طلبی، فداکاری و مزد و عوض نخواستن از فداکاری به دست آوردند. اینها را باید در مردم تقویت کرد. (1)

اهمیت بیشتر ایستادگی مسئولان بر مسیر انقلاب اسلامی

کارهای بزرگی برعهده ی شما است؛ واقعاً بارهای سنگینی بر دوشتان قرار دارد. باید بتوانید این بارها را تحمّل کنید. از اطراف دنیا فشارهای سیاسی وارد میشود و تبلیغات منفی از همه طرف دنیا هجوم می آورد. علّتش هم معلوم است؛ چون نظام، نظامی است که با قلدروای دنیا درافتاده است. وقتی نظامی شعار عدالت بدهد و با ظلم دریفتد، یعنی با ظالمها درافتاده است. ظالمها چه کسانی هستند؟ همیشه قلدروای دنیا ظالمند؛ ظالمها هم همان قلدرها هستند. کمتر اتفاق می افتد که آدمهای ضعیف، ظالم شوند. زورداران هستند که ظالم میشوند؛ پس به طور طبیعی نظام اسلامی با اینها درمی افتد. این شبکه ی عظیم به هم پیوسته ی درهم تنیده ی بسیار فاسد سرمایه داری جهانی - که استکبار جهانی هم درحقیقت، همان است و اداره کننده ی سیاستهای جهانی است - دائم تبلیغات میکند، حرف میزند، جو میسازد و افکار عمومی درست میکند. بازتابهای اینها می آید تا به یکی یکی افراد میرسد؛ به نماینده ی مجلس میرسد، به مسئولان قضایی میرسد، به دولت میرسد، به وزارت خارجه

ص: 464

میرسد، به بخشهای مختلف میرسد. ایستادگی در مقابل اینها، ذخیره لازم دارد. بد نیست که دوستان در مواردی این ذخیره را در خود به وجود آورند. (1)

اهمیت بیشتر تقوا برای مسؤلان

برادران! غفلت نکنیم. بزرگ ترین عذاب خدا بر يك ملت است که آن ملت غافل بشوند. بدترین درد برای يك جامعه، غفلت آن جامعه است. از خدا غافل نشویم. در دل و جان ما و در يكايك تصمیم گیری ها و حرکات ما - کار اداری، کار سیاسی، کار نظامی، کار مدیریت، وقت پول خرج کردن، وقت اعتبار تخصیص دادن، وقت قانون گذراندن، وقت قضاوت کردن، در تمام مراحل - باید خدا به یاد ما باشد. ما باید برای خدا کار کنیم. این طوری این جامعه پیش خواهد رفت.

همه به تقوا احتیاج دارند؛ من و شما به دو دلیل به تقوا احتیاج داریم:

دلیل اول این است که اگر ما بی تقوایی کردیم و بر اثر بی تقوایی ما ضایعه ای پیش آمد، ضایعه بر اسلام پیش می آید، نه بر ما؛ آن وقت وزر و وبالش به گردن ما است، روسیاهی اش متعلق به ما است. گمان میکنم يك وقت در نماز جمعه این داستان مولوی را نقل کرده ام. هر وقت این داستان به یاد می آید، تکان میخورم. در شهری از شهرهای مسلمانان، محله ی مسیحی نشینی بود و دختری از مسیحی ها عاشق اسلام شده بود و رغبت به اسلام پیدا کرده بود. او به کلیسا نمیرفت، در مراسم دینی شرکت نمیکرد و پدر و مادر او در مانده بودند که با این دختر چه بکنند. مؤذن یا قرآن خوان بدصدایی پیدا شد، پدر آن دختر پول داد و گفت بیا نزدیک خانه ی ما اذان بگو! او هم رفت و اذان گفت. وقتی صدای نکره ی او بلند شد، همه ی مردم آن محل متوحش شدند. این دختر گفت: چه صدایی

ص: 465

است؟ پدر پاسخ گفت: چیزی نیست، اذان مسلمانان است. دختر گفت: عجب! مسلمانان اینند؟ عشق اسلام از دلش رفت! مولوی این داستان را در کتاب مثنوی نقل میکند. این کتاب، کتاب پُر حکمتی است. این هم يك حکمت است که واقعیت دارد.

از دید ما به اسلام نگاه میکنند؛ حقایق اسلامی را از راه ما می بینند؛ اشتباه ما هم به پای اسلام گذاشته خواهد شد؛ خدای نکرده شکست مسلمین هم به پای اسلام گذاشته خواهد شد. میگویند اسلام شکست خورد؛ نمیگویند عده ای اسلام را درست نفهمیده بودند، درست عمل نکردند، آنها شکست خوردند.

امروز کوچک ترین ناکامی برای ملت ما، پنجاه سال یا بیشتر نهضت بیداری اسلام را به عقب خواهد انداخت. این جوانانی که در آفریقا و آسیا و خاورمیانه و حتی شهرهای کشورهای اروپایی، به نام اسلام شعار میدهند و به اسم جمهوری اسلامی به هیجان می آیند، اینها اسلام را با پیشرفتش، با آن امام، با آن چهره ی نورانی، با آن کلمات نورانی، با آن اداره ی الهی جامعه و با آن تقوایی که به برکت انقلاب از قلّه ی جامعه ی ما مریخت و تمام اقشار جامعه را کم و بیش فرامیگرفت، دیده اند. اگر شکستی باشد، ناکامی ای باشد، عمل بدی باشد، همه دگرگون خواهد شد و دشمن جری خواهد گردید.

دلیل دوم این است که این نظام، حرکت و موفقیتش فقط به برکت تقوا امکان پذیر است. خاصیت نظام الهی این است. نظام حق، بی تقوا پیش نمیرود. نظام باطل که در مقابل حق است، طور دیگری است. البته آنجا هم تقیّدات و پایبندی هایی به يك سری اصول لازم است تا پیش بروند؛ اما تقوا به معنای طهارت و پاکی و پرهیزکاری و رعایت حال همه ی ارزشها که در يك جامعه ی ارزشی و مکتبی و اسلامی لازم است، در جبهه ی باطل لازم نیست. آنها چون پایبندی ندارند، از روشهای باطل پرهیز نمیکنند، از

پیامدهای زشت اجتناب‌ناپذیری ندارند؛ میزنند و پیش میروند، چیزی از دست میدهند و چیزی هم گیر می‌آورند. اما جبهه‌ی حق این طور نیست. جبهه‌ی حق، فقط در صورتی که با خدا و با تقوا و با طهارت باشد، خواهد توانست در مقابل جبهه‌ی باطل بایستد و پیش برود، و لا غیر. (1)

بزرگ‌ترین مبارزه با آمریکا؛ مجاهدت برای اصلاح امور کشور

امروز بزرگ‌ترین مبارزه با آمریکا، کار کردن و تلاش نمودن و مجاهدت برای اصلاح امور کشور است. آمریکایی‌ها این را نمی‌خواهند. مسئولان دولتی و بخشهای مختلف باید برای ایجاد اشتغال و مبارزه با فساد و باز کردن گره‌های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور، حقیقتاً کار و تلاش کنند. هرکس در این زمینه‌ها مجاهدت و کار کند، بزرگ‌ترین مبارزه را با آمریکا کرده است؛ چون آمریکایی‌ها نمی‌خواهند گره‌های این کشور و این ملت باز شود؛ آنها میخواهند این مشکلات بماند.

مسئولان دولتی باید فرصت کار را خیلی مغتنم بشمارند؛ فرصت حقیقی این است. تأمین کردن کشور در مقابل تهدید آمریکا به این است که مسئولان دولتی هرچه میتوانند، برای مردم صادقانه کار کنند و این فرصت را مغتنم بشمارند. (2)

ضرورت بستن راه نفوذ دشمن از طریق رسانه و فضای مجازی

استقلال اقتصادی مهم است، [اما] اول در زمینه‌ی فرهنگی عرض بکنم. استقلال فرهنگی به اعتقاد بنده از همه‌ی اینها مهم‌تر است. استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب بکنیم. بنده در باب سبک زندگی دو سه سال قبل از این

ص: 467

1- . در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران 1370/5/23

2- . در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه‌ی سراسر کشور 1381/5/5

مفصل صحبت کردم؛ (1) سبک زندگی، از معماری، از زندگی شهری، از زیست انسانی، از پیوندهای اجتماعی تا همه ی مسائل گوناگون را شامل میشود. تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه ی مقابل استقلال فرهنگی است. امروز نظام سلطه بر روی این مسئله دارد کار میکند؛ همین مسئله ی مهندسی اطلاعات، این ابزارهای جدیدی که وارد میدان شده است، اینها همه ابزارهایی هستند برای تسلط بر فرهنگ یک کشور. بنده با این حرف نمیخواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، اینها ابزارهایی هستند که میتوانند مفید واقع بشوند؛ اما سلطه ی دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد. نمیتوانید شما برای اینکه مثلاً فرض بفرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو تلویزیوتان را بدهید در اختیار دشمن؛ اینترنت هم همین جور است، فضای مجازی هم همین جور است، دستگاه های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین جور است؛ اینها را نمیشود در اختیار دشمن قرار داد؛ امروز در اختیار دشمن است؛ وسیله و ابزار نفوذ فرهنگی است؛ ابزار سلطه ی فرهنگی دشمن است. (2)

وظیفه ی مسئولان؛ تربیت ایمانی مردم برای یافتن صلاحیت دریافت نصرت الهی

ما وظیفه مان را از اینجا بفهمیم؛ من این را میخواهم عرض بکنم. هم دولت اسلامی - یعنی مسئولین دولتی، قوه ی مجریه، قوه ی قضائیه، قوه ی مقننه - هم علما، وظیفه شان این است که تربیت ایمانی کنند این ملت را؛ تربیت تقوایی کنند این ملت را؛ تربیت صبر، تربیت احسان بین مردم و بین مؤمنین؛ ما باید مردم را این جوری تربیت کنیم. از همه مهم تر دستگاه های دولتی هستند که با برنامه ریزی میتوانند این کار را انجام بدهند؛ ما یک

ص: 468

1- . از جمله، در اجتماع بزرگ جوانان استان خراسان شمالی 1391/7/23

2- . در مراسم بیست و هفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) 1395/3/14

دستگاه عظیمی داریم به نام آموزش و پرورش، يك دستگاه عظیمی داریم به نام آموزش عالی، يك دستگاه عظیمی داریم به نام صداوسیما، غیر از دستگاه های اختصاصی مجموعه ی ما. اینهایی که گفتم، در همه ی دنیا همه دارند؛ يك دستگاه هایی هم هست که اختصاصی ما است، مثل ائمه ی جمعه و جماعات، مثل منبرها. این منبرها و تماسهای با مردم خیلی مهم است. پس يك کار عبارت است از برنامه ریزی های تربیتی و آموزشی در مدرسه، در دانشگاه، در مسجد، در مصلاّی نماز جمعه، در منبرهای تبلیغی؛ بخصوص، همین طور که عرض کردیم، در جاهایی که دایره ی وسیع تری دارد، مثل صداوسیما. یکی از وظایف عمده ی صداوسیما این است. یا آن کسانی که سخنانشان شنونده ی زیادی دارد، مثل خود این حقیر، مثل رئیس جمهور، مثل دیگران که مردم می شنوند سخنان اینها را، چهره های معروف دینی و علمی و سیاسی که می شنوند مردم حرفهای اینها را، اینها بایستی اهداف مهمشان را متمرکز کنند روی همین تربیت های مذکور؛ برای اینکه اگر این تربیتها انجام گرفت، آن وقت «وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (1) به وجود می آید، «الَّذِينَ اتَّقَوْا» (2) به وجود می آید و از این قبیل، و دنبالش «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (3) به وجود می آید؛ یعنی قطعاً معیت الهی حاصل خواهد شد؛ دیگر هیچ جای خوف و حزنی وجود ندارد. خب ما امروز با يك جبهه ی عظیم سیاسی و مالی و اقتصادی و نظامی و امنیتی و مانند اینها مواجهیم؛ تقریباً همه ی دستگاه های تبلیغاتی دنیا علیه ما دارند حرف میزنند و کار میکنند؛ دستگاه های مالی وابسته ی به صهیونیست ها و وابسته ی به آمریکا و مستکبرین علیه ما دارند کار میکنند؛ همه ی آنها دارند کار میکنند. البتّه ما بحمدالله ایستاده ایم؛ این ایستادگی هم به برکت

ص: 469

1- . سوره ی نحل، بخشی از آیه ی 128، ترجمه: «و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند.»

2- . همان، ترجمه: «با کسانی است که پروا داشته اند.»

3- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 40، ترجمه: «خدا با ما است.»

همان تقوا و ایمانی بوده است که در قشر عظیمی از مردم ما بحمدالله وجود دارد، یعنی همین جوانها و همین فداکاری ها و همین «حُججی» ها (1) و امثال اینها؛ اینها را دستِکم نگیرید، اینها خیلی مهمّند؛ همینها هستند که نگه داشته اند پایه های این نظام را و معیّت الهی را برای ما تا حدود زیادی تأمین کرده اند. (2)

وظیفه ی مسئولان در برطرف کردن ضعفهای داخلی

یک خطابی [هم] دارم من به مسئولان حکومتی خودمان - که البتّه این، شامل خود حقیر هم میشود - و عناصر سیاسی، عناصری که در کار سیاست فعّالند، فکر میکنند، مینویسند، میگویند، اقدام میکنند؛ هم به اینها، هم به مسئولین حکومتی: اولاً ما از دشمن خارجی گفتیم؛ اینهایی که گفتیم تحلیل نبود، واقعی بود، خبر بود، اطلاع بود؛ دشمن خارجی هست، اما این موجب نشود که از ضعفهای خودمان غافل بشویم. ما هم ضعف داریم، ما هم یکجاهایی اشکال و نارسایی و نابسامانی در کارمان هست؛ این جوری نیست که ما هیچ اشکالی نداریم، هیچ مشکلی در کار ماها نیست، فقط دشمن خارجی است که دارد [مشکل ایجاد میکند]؛ نه، مگس روی زخم می نشیند؛ زخم را خوب کنید، زخم را نگذارید به وجود بیاید. ما اگر مشکل داخلی نداشته باشیم، نه این شبکه ها میتوانند اثر بگذارند، نه آمریکا میتواند هیچ غلطی بکند. ما مشکلاتمان را باید خودمان حل کنیم؛ مشکلات داخلی را باید حل کنیم، ضعفهایمان را باید حل کنیم؛ ما ضعف داریم. دفاع از حقوق مظلومین وظیفه ی همه ی ما است؛ بخصوص [دفاع از] ضعفا و از حقوق ملّت وظیفه ی ما است؛ بخصوص [دفاع از] طبقات ضعیف ملّت؛ همه بایستی مراقب باشیم.

ص: 470

1- . شهید محسن حُججی

2- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1396/12/24

حالا طبقاتی هستند که مرفهند، مشکلات زندگی آنها را فشار نمیدهد؛ اما يك گروه مهمی هم در کشور هستند که فشارهای زندگی، آنها را زیر فشار قرار میدهد. باید همه ی همت ما این باشد که اینها را از زیر فشار خارج کنیم؛ تلاشمان باید این باشد. (1)

وظایف مسئولان در نشان دادن اقتدار به مستکبران

مسئولین باید به سردمداران رژیم فاسد ایالات متحده ی آمریکا اثبات کنند که به مردم خودشان متکی اند و این مردم، يك ملت مقتدر را تشکیل داده اند؛ باید اثبات کنند که ملت ایران به برکت اسلام، زیر بار زور نمیروند، در مقابل قدرتها گرنش نمیکند؛ این را باید اثبات کنند، باید نشان بدهند. آمریکایی ها باید بدانند ملت ایران بر مواضع شرافتمندانه و قدرتمندانه ی خود خواهد ایستاد. در کار مسائل مهمی که به منافع ملی کشور ارتباط دارد، عقب نشینی در قاموس جمهوری اسلامی ایران معنی ندارد. ما حرکتیمان را قدرتمندانه ادامه خواهیم داد. دشمن باید این را احساس کند و بداند که زورگویی و قلدرمایی، هر جای دیگر جواب بدهد، در جمهوری اسلامی ایران جواب نخواهد داد. جمهوری اسلامی ایران، راست قامت و مقتدر ایستاده است و چون الهام بخش ملتهای دیگر است، بیشتر آماج دشمنی اینها است. مسئولین فاسد و مفسد و دروغ گو و فریب کار ایالات متحده ی آمریکا خجالت نمیکشند، وقیحانه می ایستند و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران را به دروغ گویی متهم میکنند. ملت ایران صادقانه حرکت کرد، صادقانه عمل کرد، صادقانه پیشرفت کرد، راه خدا را صادقانه انتخاب کرد و این راه را صادقانه تا آخر به توفیق الهی خواهد پیمود. دروغ گو شما هستید؛ دروغ گو سردمداران نظام سلطه اند؛ دروغ گو آن کسانی هستند که برای هیچ ملتی نمیتوانند خوشبختی و سعادت را

ص: 471

بینند و منافع نامشروع خود را به هر قیمتی علی‌رغم منافع ملت‌ها مایلند تأمین کنند؛ آنها هستند که فریب‌گرند و دروغ گو هستند. ملت ایران محکم ایستاده است، این را بدانند. در قضیه‌ی برجام، هر حرکت غلط نظام سلطه با عکس‌العمل جمهوری اسلامی روبرو و مواجه خواهد شد. (1)

وظیفه‌ی مسئولان و نخبگان در مقاوم‌سازی کشور

وظیفه‌ی ما این است که ما کشور را، هم نیرومند کنیم، هم مقاوم کنیم؛ قدرت کشور را بالا ببریم و آن را مقاوم‌سازی کنیم. قدرت کشور چه جوری بالا می‌رود؟ اینها حرفهایی است که باید روی آن فکر کنیم و برنامه‌ریزی کنیم؛ این برنامه‌ریزی به عهده‌ی همه است؛ به عهده‌ی مسئولین است، به عهده‌ی سیاستمداران است، به عهده‌ی حوزه‌های علمیّه است، به عهده‌ی دانشگاه‌ها است، به عهده‌ی عناصر فعال فرهنگی است، به عهده‌ی عناصر فعال سیاسی است؛ باید روی اینها برنامه‌ریزی کنند. ما باید مقاوم‌سازی کنیم و کشور را نیرومند کنیم. (2)

انقلابیگری؛ یعنی مقابله با زورگویی دشمن

انقلابیگری یعنی مسئولین کشور، هدفشان را راضی کردن قدرتهای مستکبر قرار ندهند؛ مسئولان کشور، هدفشان را راضی کردن مردم، به کار گرفتن نیروهای داخلی، تقویت عناصر فعال در داخل کشور قرار ندهند؛ این انقلابیگری است. معنای انقلابیگری این است که کشور و مسئولان، تسلیم هیچ زورگویی‌ای نشوند، دچار انفعال نشوند، دچار ضعف نفس نشوند؛ نه زورگویی و قلدری را از طرف مقابل قبول کنند، نه فریب او را بخورند - چون قدرتها با وجود اینکه زورگویند و قلدرند و دستشان پُر از

ص: 472

1- . در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی 1396/6/26

2- . در دیدار مردم قم 1395/10/19

اسلحه است، از فریب هم دریغ نمیکنند؛ آنجایی که ممکن باشد، اهل خدعه و فریب و دُور زدن و این حرفها هم هستند - اینها معنای انقلابیگری است. (1)

لوازم صبر و توکل در مدیریت کشور

اشاره

در زمینه ی مدیریت کشور - که همه ی شما دستتان به نحوی در این کار مشغول است؛ در بخشهای گوناگون اقتصادی و فنی و فرهنگی و علمی و غیره و غیره، شماها مسئولین هستید - اگر ما بخواهیم صبر و توکل را به کار بگیریم، چند عنصر اساسی و اصلی باید مورد رعایت قرار بگیرد:

1) انتخاب جهت درست

اول، انتخاب جهت درست است؛ جهت گیری را باید درست انتخاب کنیم؛ این قطب نما است، این شاخص اصلی است. اگر چنانچه جهت گیری را غلط انتخاب کردیم، در انتخاب جهت گیری اشتباه کردیم، تلاش مضاعف ما نه فقط ما را به نتیجه نمیرساند، بلکه ما را از راه دور میکند. فرمود: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا. الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (2)؛ سعی و کوشش آنها در گمراهی واقع شده است؛ یعنی در جهت درست انجام نگرفته. جهت را باید درست انتخاب کرد. اگر چنانچه این شاخص وجود نداشته باشد، تلاشهای گوناگون، ما را از مقصد دور میکند. جهت گیری ها مهم است. بنده در روز چهاردهم خرداد امسال در سالگرد رحلت امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه) در مرقد مطهر ایشان، جهت گیری های انقلاب را بر اساس قرائت امام - که برای ما معتبر و حجت است - شرح

ص: 473

1- . در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره) 1396/3/14

2- . سوره ی کهف، آیه ی 103 و بخشی از آیه ی 104، ترجمه: «بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم. [آنان] کسانی اند که کوشششان در زندگی دنیا به هدر رفته.»

دادم. جهت گیری در سیاست داخلی، جهت گیری در سیاست خارجی، جهت گیری در عرصه ی فرهنگ، جهت گیری در عرصه ی اقتصاد را مفسّرلاً گفتم؛ اینها مستند به بیانات امام و نصوص امام (رضوان الله تعالی علیه) است. امروز بحمدالله در سرتاسر کشور، نخبگان ما، زبندگان ما، مسئولین ما و آحاد ملت ما، همه امام را قبول دارند؛ همه امام را به عنوان شاخص، انتخاب میکنند. گاهی تفسیر غلط از امام میشود، تفسیر غلط از جهت گیری مورد نظر امام انجام میگیرد؛ که این هم چیز بدی است و خطرناک هم هست. خوشبختانه بیانات امام جلوی چشم ما است؛ بیانات امام، صدای امام، نوشته ی امام، آثار امام، جلوی چشم ما است. آن روز عرض کردیم که وصیت نامه ی امام که يك مجمل و موجزی است از جهت گیری های امام، دم دست همه است. بنابراین جهت گیری ها مشخص است. ما در شناخت جهت گیری ها، هم مشکلی نداریم، هم احتیاج به این نداریم که حالا بنشینیم يك چیزی را مشخص کنیم. امام فقیه بود، حکیم بود، آگاه بود، خردمند بود، پخته بود، سنجیده سخن میگفت، درست فکر میکرد؛ با همین فکر، این انقلاب را به وجود آورد؛ این نظام جمهوری اسلامی را ترتیب داد و بر سرپا کرد و خطوط مشخص و روشنی را معین کرد. بنابراین اولین کار هر مدیری در هر بخشی این است که جهت گیری درست را در نظر بگیرد.

(2) به کارگیری همه ی ابزارها و نیروها

دوم، به کارگیری همه ی ابزارهایی که در اختیار است. همه ی ابزارها را، همه ی نیرو را باید پای کار آورد. این جهت گیری ها باید به شکل سیاستهای عملی دربیاید. سیاستهای کلی، بخشی از این سیاستهای عملی است؛ چشم انداز بیست ساله، بخشی از این سیاستهای عملی است؛ سیاستهای اجرایی دولت در بخشهای مختلف، بخشی از این سیاستهای عملی

است؛ برنامه هایی که دولت‌ها و مجلس‌ها تصویب میکنند و بنای بر اجرای آن میگذارند، بخشی از این سیاست‌های عملی است. باید در خلال این سیاست‌های عملی، آن اهداف کلی و آن جهت‌گیری‌ها تبیین شود و نقش پیدا کند و برجسته شود.

3 نگاه به اولویتها

سوم، نگاه به اولویتها است؛ این هم يك عنصر دیگری است. کارها زیاد است، گاهی اوقات نیرو و توان یا سرمایه و منبع مالی به قدر همه‌ی نیازها نیست؛ لذا باید اولویتها را در نظر گرفت. این کاری است که ما در زمینه‌ی مدیریتها برای تحقق صبر و توکل میتوانیم انجام دهیم. (1)

وظایف مسئولان در دوران مقاومت

ما در مواجهه‌ی با این جبهه (2)، با تکیه‌ی به آن واقعیتها (3)، با نگاه به آن هدفهای کلی (4)، باید تصمیم بگیریم. هر مسئولی در هر بخشی باید بداند که در يك چنین شرایطی راه آینده چگونه است؛ باید بتواند این را تشخیص دهد. به نظر ما این واقعیتها راه آینده را به ما نشان میدهد. ابتکاراتی که دولت‌ها و مدیران بخشهای مختلف به کار میبرند، برای کشور فرصت است و نعمت الهی است.

... در پیشرفت به سمت هدفهای آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر میخواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدفها را دنبال کنیم و چشم به این آرمانها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم

ص: 475

1- . در دیدار مسئولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان 1392/4/1434 30

2- . جبهه‌ی دشمنان معاند

3- . واقعیتهای هشت گانه که در ص 505 آمده است.

4- . اهداف مطرح در چشم انداز بیست ساله و سیاستهای کلی

و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم. عناصر این استحکام، برخی عناصر همیشگی است، برخی هم عناصر فصلی است. آنچه که جزو عناصر همیشگی است، عزم راسخ است؛ که عرض کردیم. مسئولان کشور باید تصمیمشان را در مواجهه‌ی با مشکلات حفظ کنند، عزم راسخ خودشان را محفوظ بدارند، دچار تزلزل نشوند. به سمت آرمانها حرکت کردن، این عزم راسخ را نیاز دارد. این جور نباشد که با مشاهده‌ی اخم دشمن، ترش رویی دشمن، حرکت معارضة‌ی دشمن با شکلهای مختلفش - تبلیغاتی اش، سیاسی اش، اقتصادی اش و امثال اینها - متزلزل شوند. هم عزم راسخ مسئولین لازم است، هم عزم راسخ مردم لازم است. البته این دومی - عزم راسخ مردم - الزاماتی هم دارد، که حالا معلوم است. ما اگر بخواهیم عزم راسخ مردم را حفظ کنیم، یک سلسله وظایفی را باید انجام دهیم. (1)

لزوم پرهیز مسئولان از فریب خوردن از دشمن

به مسئولین کشور هم توصیه میکنیم تلاششان را مضاعف کنند؛ مراقب باشند فریب زبان بازی و ظاهرسازی دشمن را نخورند؛ مراقب باشند دشمن خبیث را که از در بیرون میکنند، از پنجره داخل نشود. دشمن انواع و اقسام شیوه‌ها و ترفندها را به کار میبرد برای اینکه بتواند نیش بزند و زهر خودش را بریزد؛ باید مسئولین مواظب باشند. (2)

6 - جوانان

وظیفه‌ی جوانان؛ تقویت نظری و عملی مقاومت

نظریه‌ی مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید.

ص: 476

1- . در دیدار مسئولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان 1392/4/1434 30

2- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا 1397/9/21

بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریه‌ی مقاومت، یک نظریه‌ی اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت - باید [ترویج شود]. معنای نظری این است که تبیین کنید. شما جوانها خیلی خوب میتونید این نظریه‌ی مقاومت را تبیین کنید؛ هم در بین خودتان و هم محیطی که در آنجا قرار دارید و هم حتی در ارتباط با کشورهای دیگر و جوانهای دیگر. نظریه‌ی مقاومت را، این را که هدف استکبار سیطره است، هدف استکبار سلطه است، سلطه‌ی بر ملت‌ها است، برای همه تبیین کنید، بدانند که هدف استکبار این است.

از لحاظ عملی، جریان مقاومت را ما حق جوانها میدانیم؛ جوانهای عراق، جوانهای سوریه، جوانهای لبنان، جوانهایی در شمال آفریقا، جوانهایی در مناطق شبه قاره و اطراف آنها، یک مشت جوانهایی هستند که در مقابل آمریکا مقاومت میکنند، ایستاده اند؛ حق اینها است، ما حق اینها میدانیم؛ تقویت این جریانها به معنای تقویت نظریه‌ی مقاومت است. (1)

نقش حضور اسلامی و انقلابی جوانان در ناامید کردن دشمن

شما جوانان عزیز بدانید، در هر جایی که یک تظاهرات اسلامی یا انقلابی یا دینی از خودتان نشان میدهید، وقتی در مجالس دعا شرکت میکنید، وقتی در مجامع اعتکاف شرکت میکنید، وقتی در تظاهرات بیست و دوم بهمن شرکت میکنید، وقتی در روز قدس شرکت میکنید، وقتی مسئولان کشور مثل رئیس جمهور و دیگران را مورد احترام قرار میدهید، از هر حرکتتان که نشان دهنده‌ی دین داری و علاقه مندی شما به انقلاب باشد، منافقین

ص: 477

به خودشان می‌لرزند و ناراحت میشوند! اینها همان کسانی هستند که با حرفهای خود، با اظهارات خود، با موضع‌گیری‌های خود، با تبلیغات خود، احیاناً با دخالت خود در بعضی از اغتشاشها، دشمن خارجی را امیدوار میکنند و دشمن خارجی خیال میکند که حال باید به سمت تصرف ایران، تسلط بر ملت ایران و درهم شکستن مقاومت انقلابی 21 ساله‌ی ملت ایران بیاید. در واقع اینها مقصد رند؛ اینها به دشمن روحیه می‌دهند. (1)

جوان مؤمن انقلابی؛ عامل ایستادگی در برابر حمله‌ی نظامی و فرهنگی

اگر روزی دشمنی به کشوری حمله‌ی نظامی کند، چه کسی در مقابلش می‌ایستد؟ کسی که از همه به سرزمین خود علاقه مندتر است؛ به ملت خود علاقه مندتر است؛ به زخارف دنیوی بی‌علاقه‌تر است؛ احساس مسئولیت بیشتری میکند و متعهدتر است؛ چنین کسی میرود دفاع میکند. شما دیدید که در دوران جنگ، چه کسانی رفتند دفاع کردند. عمده‌ی میدان ما را، بسیج پر کرد. بسیج یعنی همین؛ یعنی عنصر مؤمن انقلابی علاقه مند به سرنوشت میهن، علاقه مند به سرنوشت کشور و یک فرد فداکار. رفت وسط میدان و با فداکاری، دشمن را به زانو درآورد.

در زمینه‌ی فرهنگی نیز همین طور است. آن عنصری که وابسته به دستگاه شاهنشاهی است و دلش به یاد آن روزها میتپد، نمی‌آید از نظام و فرهنگ اسلامی دفاع کند. چرا ما باید غافل باشیم؟! کسی از فرهنگ اسلامی و حیثیت و موجودیت این ملت دفاع میکند و در مقابل تهاجم دشمن می‌ایستد که دلش در هوای اسلام بتپد و اسلام و ایران را دوست بدارد. عده‌ای که دین ندارند، میهن دوستی هم ندارند؛ ایران را هم قبول ندارند. کسی که سلطه‌ی آمریکا را برای ایران پسندد و تشویق کند، میهن دوست نیست. کسانی که برای دخالت آمریکایی‌ها برای آن

ص: 478

خانمی (1) که در نیکاراگوئه با انتخابات آمریکایی بر سر کار آمد، کف زدند، معنای کارشان چیست؟ از اینجا، به کسانی که در نیکاراگوئه تسلیم تحمیل آمریکایی ها شدند، «زهی» و «مرحبا» گفتند! اینها دل در گروی آمریکا ندارند؟! اینها با این قلم زهرآگیشان می آیند در مقابل تهاجم دشمن، از فرهنگ ملی و اسلامی و ایرانی دفاع کنند؟! معلوم است که نمیکنند! معلوم است که این، ستون پنجم دشمن است! این، برای دشمن کار میکند؛ این، از خدا میخواهد که آمریکایی ها برگردند! از خدا میخواهد که نظام وابسته ی به آمریکا و استکبار و گردن کلفت ها برگردد؛ این، برای نظام اسلامی کار خواهد کرد؟ تلاش خواهد کرد؟ معلوم است که نه! این، حقیقت روشنی است. شما که در صداوسیما مسئول امور هستید باید مواظب این مطلب باشید. شما که در روزنامه ها مسئول امور هستید، باید مواظب این مطلب باشید. شما که در سازمان تبلیغات یا در وزارت ارشاد، یا در آموزش و پرورش، یا در آموزش عالی و یا در مؤسّسات فرهنگی گوناگون مسئول امور هستید، باید مراقب این قضیّه باشید. البتّه همه مسئولند. منظورم از مسئول، رئیس نیست. «کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتة» (2)؛ همه مسئولند. مراقب این معنا باشید.

این ملت، برای اینکه حیثیتش و کیان حقیقی و انسانی و اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملی اش حفظ شود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن و تهاجم کردن به نقاط ضعف دشمن دارد. این را خودی ها میتوانند بکنند. من حرفم فقط همین است. من میگویم: اگر میخواهید هنر این کشور رشد و اعتلاء پیدا کند، به هنرمند

ص: 479

1- . مقصود معظّمه «خانم ویولتا چامورو» است که پس از «دانیل اورتگا» که از جبهه ی آزادی بخشِ ساندینست ها به قدرت رسیده بود، در سال 1990 در انتخاباتی آمریکایی به قدرت رسید و تا سال 1997 رئیس جمهور بود.

2- . بحارالانوار، ج 75، ص 38

جوان مؤمن تکیه کنید. او میتواند از اسلام و از انقلاب و از این کشور دفاع کند. (1)

وظیفه ی جوانان در مبارزه با آمریکا

جوانان عزیز ما متوجه جریان فرهنگی ای که میخواهند راه بیندازند، باشند؛ یعنی تزریق لابیگری و اباحیگری و کشاندن به هرزگی و بی اعتنائی به اخلاق منضبط دینی و اسلامی. هم جوانان، هم مسئولان علمی، هم آموزش و پرورش و هم کسانی که به مسائل جوانان میپردازند باید مراقب این موارد باشند. امروز مبارزه با آمریکا اینجاها است. مبارزه با آمریکا در میدان علم هم صدق میکند. آنجا هم از اینکه پیشرفت علمی داشته باشیم، ناراحتند. (2)

وظیفه ی جوانان مؤمن برای ترویج استقامت

بصیرت لازم است - جزو شرطهای لازم است - مجاهدت لازم است، ثبات لازم است. عزیزان من! ثبات در این راه، استقامت در این راه، یکی از واجب ترین و مهم ترین عوامل پیشرفت است. سعی کنید محیط خودتان را، پیرامون خودتان را، عناصر مرتبط با خودتان را و، پیش از همه، درون و دل خودتان را وفادار و باثبات نگه دارید نسبت به این آرمانها و نسبت به این راه و نسبت به این اهداف والا؛ قطعاً پیروز خواهید شد، قطعاً پیروزی با شما خواهد بود. و من میبینم آن روزی را که ان شاءالله به توفیق الهی همین چیزهایی را که امروز ما میگوییم باید بشود و خواهد شد، شما جوانان عزیز خواهید گفت این کارها انجام گرفت، این کارها شد. (3)

ص: 480

1- . در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور 1371/5/21

2- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1382/8/23

3- . در دیدار بسیجیان 1396/9/1

چیزی که ایران اسلامی کارخانه ی منحصر به فرد آن را در درون خود داشته است، ایمان است. دشمنان ما هم از این کارخانه میترسند و از این تولید واهمه دارند؛ بقیه ی حرفها دروغ و بهانه و تزویر است. شما جوانان مؤمن، روزی که دانش و ایمان و شجاعت و ابتکار و نواندیشی و اغتنام فرصت را باهم بیامیزید و در میدان علم و عمل آن را به کار بگیرید، برترین فرآورده های این کارخانه اید. اگر می بینید جمهوری اسلامی که حرکت نظامی سلطه را در همه ی مدارهای آن با مشکل مواجه کرده و نظام سلطه ی جهانی را به چالش طلبیده، 25 سال است که علی رغم همه ی دشمنی ها و کارشکنی ها، بیش از پیش زنده و سرپا و ریشه دار و مقتدرتر است، راز آن در همین تولید علم و ایمان است. علم و ایمان را در خودتان تقویت کنید. شما جوانهای برگزیده ای هستید که در برهه ی حساسی از تاریخ این کشور واقع شده اید؛ این هم اقبال شما است. ممکن بود من و شما در دورانی زندگی کنیم که مجال هیچ کار و تلاشی در آن نبود. يك روزی بر این مملکت استبداد سیاه حاکم بود؛ روز بدتری همان استبداد سیاه در خدمت دشمنان این کشور و بیگانگان قرار گرفت؛ بنابراین دوران تلخی بر این کشور سپری شد.

... امروز، روزی است که شما میدانید و احساس میکنید و به چشم خودتان می بینید که کشور و ملت شما با همه ی کارشکنی های دشمنان، راه را بر روی نفوذ و سلطه ی بیگانگان بکلی مسدود کرده است. ما اجازه ندادیم و به اذن الهی اجازه نخواهیم داد که پنجه ی خونین و زشت سلطه ی دشمن بار دیگر بر این مملکت مسلط شود. ما در مقابل دشمن ایستاده ایم؛ به خدای خودمان توکل کرده ایم؛ به خودمان اعتماد داریم؛ به ملتمان ایمان و باور داریم؛ عظمت این ملت را می ستائیم؛ به نیروی جوانان بالنده مان افتخار میکنیم و میدانیم که این جوانان، این ملت بزرگ و این زن و مرد

غیور و مؤمن در این کشور، در همه ی شرایط، راه را بر سلطه ی دشمن میبندند و دشمن را بار دیگر و برای چندمین بار ناکام میگذارند. (1)

من از شما جوانهای عزیز میخواهم قدر این وضعیّت را بدانید و خودتان را روزبه روز برای آینده ی پرافتخار سربلند آماده تر کنید.

خوشبختانه امروز میدان علم باز است، میدان فعالیتهای فناوری باز است؛ مسئولین کشور میدانهای اقتصادی را هم باید باز کنند تا جوانهای این کشور با اعتمادبه نفس وارد میدانهای گوناگون بشوند. این کشور مال شما است. نسل ما آنچه که در توان داشته است، در طول سالهای متمادی انجام داده است. امروز کشور مال جوانها است، متعلّق به جوانها است. در بخشهای گوناگون، جوانها باید خودشان را آماده نگه دارند. با نفوذ دشمنان، با تأثیر فرهنگی دشمنان، با عوامل سست کننده ای که دشمن در جامعه تزریق میکند، شما جوانها مقابله و مبارزه کنید. اسلام را به عنوان نجات بخش مادّی و معنوی بدانید و بشناسید.

پرچم اسلام ان شاءالله همه ی این منطقه را نجات خواهد داد. امروز ما داریم مشاهده میکنیم که روزبه روز نهضت اسلامی در این منطقه ی عظیم اسلامی خاورمیانه رو به گسترش است؛ دشمن در حال انزوا است، در حال عقب نشینی است و حرکت اسلامی علی رغم حرکتی که دشمن برای خاموش کردن آن میکند، در راه پیشروی است.

من تردیدی ندارم که آینده متعلّق به اسلام است، آینده در قلمرو اسلام است و شما جوانها ان شاءالله به توفیق الهی آن روزی را که پرچم اسلام در همه ی این مناطق به اهتزاز دربیاید و يك مجموعه ی متحد اسلامی مقتدر و باعزت تشکیل بشود، خواهید دید. (2)

ص: 482

1- . در مراسم مشترك دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه های سه گانه ی ارتش جمهوری اسلامی ایران 1383/7/22

2- . در اجتماع مردم گیلان غرب 1390/7/23

مقاومت شجاعانه و خستگی ناپذیر؛ از ارکان تفکر بسیجی

عزیزان، سلاح شما ایمان صادقانه و منطق مستحکم و عزم پولادین است. نباید تصور کرد که بسیج دانشجویی حتی در دورانی که کشور در حال جنگ مسلحانه نیست، یک مجموعه‌ی نظامی است. سازمان بسیج در دوران حاضر باید کانون رشد و اشاعه‌ی تفکر بسیجی باشد. و تفکر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی ناپذیر... و این است آن حقیقت والایی که امام بزرگوار ما به خاطر آن، بسیجی بودن را افتخار خود میدانست. (1)

نیروی مؤمن حزب اللهی؛ تسلیم ناپذیر و خسته نشو

من بارها گفته‌ام، الان هم تکرار میکنم؛ هر جا ما پیشرفت برجسته‌ای داشته‌ایم، به برکت نیروهای مؤمن، حزب اللهی و معتقد به این راه بوده؛ و آلا کسانی که به این خط و این راه معتقد نیستند - هم از جهت ضعف ایمان، هم از جهت ضعف غیرت ملی - آنچه را که باید انجام دهند، نمیکنند؛ در مقابل فشارهای معمولی زندگی عقب نشینی میکنند و سپس در مقابل تطمیع و جلوه‌های جذاب ارائه شده‌ی از سوی دشمن، تسلیم میشوند؛ اما کسی که مؤمن است، تسلیم و خسته نمیشود. این، راه امام بزرگوار است. اگر بخواهیم کشور را آباد و آزاد کنیم، راهش این است که خط امام را دنبال کنیم. این، معنای احیاء نام امام و نگه داشتن این پرچم پرافتخار است؛ نه اینکه ما می‌خواهیم فقط برای تاریخ و برای قدرشناسی از آن بزرگوار، نام و یاد او را زنده نگه داریم. (2)

ص: 483

1- . پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی 1377/7/14

2- . در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) 1384/3/10

حضور بسیج به معنای حضور مردم است؛ وقتی بسیج یکجا حاضر است، معنایش این است که ملت ایران حاضر است؛ همین طور که عرض کردیم بسیج نمونه و مسطوره‌ی (1) ملت ایران است، یک نمونه و یک نشانه‌ی است از مجموعه‌ی ملت ایران. خب، این حضور هم البته معلوم است که برای دفاع از آرمانها است، برای دفاع از ارزشها است، برای دفاع از هویت انقلابی و دفاع از هویت ملی است، برای کمک به این ملت و این کشور است در رسیدن به آن نقاطی که شایسته‌ی آن است و آنها را به برکت انقلاب ترسیم کرده است و دارد حرکت میکند؛ حضور بسیج طبعاً به این معنا است؛ باید دفاع کند.

خب، وقتی میگوییم باید دفاع کند، یک سؤال به ذهن میرسد که مگر حمله‌ی وجود دارد که دفاع کند؟ مگر دشمنی هست که باید دفاع کرد در مقابل آن دشمن؟ این سؤال به ذهن می‌آید. شماها جواب این سؤال را بروشنی میدانید؛ بله، دشمن هست؛ دشمن غدار (2)، زرنگ، دست‌وپادار، متقلب، شیطان صفت در مقابل این حرکت عظیم وجود دارد؛ آن دشمن کیست؟ استکبار.

البته مظهر استکبار، امروز آمریکا است؛ یک روزی انگلیس بود. این دشمن، بیکار نیست، مشغول است؛ دائم مشغول است. این تحلیلی که در اول صحبت سردار جعفری عزیزمان بود، این کاملاً تحلیل درستی است. امروز درگیری جهانی، بین حرکت استکباری و حرکت ارزشی و استقلال ملی و هویتی است که مظهرش انقلاب اسلامی یا جمهوری اسلامی است؛ دعوا امروز در دنیا این است؛ نه اینکه دعوای دیگری نیست؛ چرا، بالاخره بر سر یک جیفه (3) هم سگها به جان هم می‌افتند،

ص: 484

1- . نمونه

2- . مگار، حيله گر

3- . مردار

باهم دعوا میکنند؛ این هست لکن دعوی اصلی این است؛ خطّ اصلی و جبهه ی اصلی این است؛ لذا دشمن وجود دارد، دشمن حسّاس است.

این استکبار عرض کردیم، مظهرش امروز آمریکا است؛ اما این دستگاه سیاسی استکبار است، استکبار فقط دستگاه سیاسی نیست؛ دستگاه مالی گاهی مهم تر و مؤثرتر است؛ [مثل] این شرکتها و کمپانی های بزرگ و پول دارهای بزرگ دنیا که عمدتاً هم صهیونیست هستند؛ مجموعه ی استکبار اینها هستند؛ اینها دائم مشغولند. در واقع هم زر و هم زور، زورزور؛ حالا مثلث زر و زور و تزویر را گفتند که مثلث درستی هم هست. قدیمها که ماها میگفتیم زر و زور و تزویر، منظورمان از تزویر، تزویر دینی بود؛. یعنی عناصری که تحت پوشش دین می آیند و زمینه را صاف میکنند؛ جاده را صاف میکنند برای ورود لشکر زورزور؛ اما امروز منظورمان از تزویر فقط تزویر دینی نیست، تزویر سیاسی هم هست؛ یعنی دستگاه های سیاسی، دستگاه های دیپلماسی، بشدت در حال تزویر، نقشه چینی و توطئه و برنامه ریزی و طراحی اند؛ به چهره ی خندان ظاهر میشوند، با آغوش باز جلو می آیند و در همان حال مثل اینکه در بعضی از فیلمها دیده اید، طرف را که بغل میگیرد، خنجر را هم در قلبش فرو میکند. بنابراین امروز تزویر شامل تزویر سیاسی و دیپلماسی و مانند اینها هم هست که باید به آن توجه کرد. خب، این دشمنی است، این دشمنی در شکلهای مختلفی ممکن است ظاهر بشود. اینها را ما باید توجه کنیم؛ یعنی باید دائم اینها را با خودمان تکرار کنیم، تمرین کنیم، از یاد نبریم تا بفهمیم چه کار باید بکنیم؛ همه مان، هم سیاستمداران کشور، مدیران کشور، شما بسیجی های عزیز و دیگرانی که فعالند، متفکرند، اهل کارند، اینها را باید دائم در ذهن داشته باشیم. (1)

ص: 485

یک نکته هم این است که تبیین را اساس کار بدانید. بنده میبینم گاهی اوقات یک جماعتی، یک افرادی، جوانهای احتمالاً صالح و مؤمنی با یک کسی مخالفند یا با یک جلسه ای مخالفند، بنا میکنند هیاهو کردن و جنجال کردن و شعار دادن. بنده با این کارها موافق نیستم؛ این هیچ فایده ای ندارد؛ این را من از قدیم به کسانی که در این کارها بودند، همواره سفارش کرده ام. اینکه بروند در یک مجلسی، چون فلان کس سخنرانی میکند که شما مثلاً او را قبول ندارید - ممکن هم هست حق با شما باشد یا نباشد - برویم این مجلس را خراب کنیم، به هم بزنی؛ نه، این هیچ فایده ای ندارد. فایده در تبیین است، فایده در کار درست است، در کار هوشمندانه است؛ اینها است که فایده دارد. گاهی اوقات بعضی ها از روی اغراضی این کارها را میکنند، به پای بچه های مؤمن و حزب اللّهی می اندازند؛ حواستان به این هم باشد. (1)

وظیفه ی جوانان و نوجوانان نسبت به نفوذ

عزیزان من! امروز ملت ما و کشور ما دشمنانی دارد؛ دشمنانی که سعی میکنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلط بر این کشور استفاده کنند؛ تسلط اقتصادی، تسلط سیاسی، تسلط فرهنگی. یکی از راه هایی که آنها در پیش میگیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است؛ متوجه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، [بلکه] به پیرامونیان خودتان - به کسانی که با آنها هم کلاس هستید، هم درس هستید، هم بازی هستید - در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید. (2)

ص: 486

1- . در مراسم دانش آموزان دانشگاه امام حسین (ع) 1395/3/3

2- . در مراسم جشن تکلیف دانش آموزان 1395/9/23

وظیفه ی جوانان در کسب ویژگی های لازم برای مبارزه

امام در یکی از آن بیانات بسیار عمیق خود بعد از یکی از این فتوحاتِ اوّل کار پیام دادند(1) - سال 60 يك فتحی شد، فتح بستان که خیلی مهم بود؛ بعد از مدّتی عقب نشینی و شکستهای گوناگون، فتح بستان يك پیروزی بزرگی محسوب میشد؛ [البته این] مضمون حرف ایشان است، عبارت ایشان در کتاب هست - گفتند که فتح الفتوح، فتح فلان شهر نیست؛ فتح الفتوح، تربیت و تولید يك چنین جوانهایی است؛ این فتح الفتوح است؛ واقعه هم همین است. فتح الفتوح برای يك کشور این است که جوانهای این کشور، هم خردمند باشند، هم باتدبیر باشند، هم مؤمن باشند، هم پارسا باشند، هم اهل تضرّع و گریه و عبادت باشند، هم اهل ایستادگی در مقابل دشمن باشند، هم دارای بصیرت باشند که با این همه تبلیغاتی که دشمن و ایادی دشمن در همه ی زمانها کرده اند و امروز هم دارند میکنند، فریب نخورند. يك چنین جوانهایی وقتی در کشور وجود داشته باشند، آن کشور مصونیت پیدا میکند.

همین طور که گفتم فردای کشور شما هستید، آینده ی کشور شما هستید؛ شما اگر خودتان را با این خصوصیات پرورش بدهید و تربیت بکنید، کشور به زودی - نه در آینده های دور، در آینده های نزدیک - از همه جهت به اوج تعالی و تکامل میرسد؛ هم از جهت علمی، هم از جهت مادّی، هم از جهت سیاسی، هم از جهت اقتصادی به اوج خواهد رسید؛ جوان این جور است.(2)

جوانان؛ نوک پیکان مجاهدت

آنچه برای شما جوانها مهم است که به آن توجه کنید، این است که نوک

ص: 487

1- . صحیفه ی امام (ره)، ج، ص

2- . در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت کننده در کاروانهای راهیان نور 1396/12/19

پیکان این حرکت عظیم ملی، شما جوانها هستید؛ شما هستید که راه را باز میکنید. پیرانِ مجرب اگر خسته نباشند، بی حال نباشند، از کار افتاده نباشند، میتوانند راهنمایی کنند، ولی موتور پیش برنده ی این قطار، شما جوانها هستید.

در گذشته هم همین جور بوده است؛ در همه ی عرصه های جهاد همین جور بوده است. ما در این حدود چهل سال جهادهای متعددی داشته ایم؛ در همه ی این جهادها جوانها جلو بوده اند، جوانها راه گشا بوده اند، جوانها نوک پیکان بوده اند. (1)

ایمان و حیا و اخلاق جوانان؛ مایه ی اقتدار

ایمان و حیا و اخلاق جوانان هم مایه ی اقتدار است، [لذا] با آن دشمنند. این همه در فضای مجازی و در رسانه ها فعالیت میکنند، میلیاردها خرج میکنند برای اینکه بتوانند از جوان ایرانی اخلاق را، ایمان را، پایبندی به شریعت را، حیا را سلب کنند و بگیرند؛ چرا؟ چون اینها مایه ی اقتدار کشور است. با جوان مؤمن متشرع باحیای باایمان که در مقابل این وسایل شهوت انگیز نمیلغزد و میتواند خودش را نگه دارد، و برای کشور مایه ی اقتدار است، دشمنند. (2)

توصیه به جوانان برای تقویت کشور

توصیه ی من به جوانهایمان این است: همه، در هر جایی که هستند، برای کشور کار کنند؛ برای تقویت کشور، برای تقویت اقتصاد کشور، برای تولید داخلی - که امسال را ما برای تولید داخلی به صورت شعار اعلام کردیم - هرکسی در هر جایی که هست تلاش خودش را بکند؛ تولیدکننده

ص: 488

1- . در همایش ده ها هزار نفری خدمت بسیجیان در ورزشگاه آزادی 1397/7/12

2- . در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) 1396/2/20

يك جور، مصرف كننده يك جور، تصميم گيرنده يك جور، قانون گذار يك جور، مجرى يك جور، دولت يك جور، مجلس يك جور، قوه
ى قضائيه همين طور؛ هر كدام با بيدارى و هشياري كامل وظايفشان را انجام بدهند. اين توصيه ى ما به مردم است. (1)

افسران جنگ نرم

ما عرض كرديم افسران جوان جنگ نرم. اعتقاد من اين است - اين هيچ تعارف نيست - كه در اين ميدان، شماها افسريد؛ سرباز صفر
نيستيد. شما جوانيد، ميدان مبارزه ى شما هم ميدان جنگ نرم است. امروز خوشبختانه جنگ نظامى نداريم؛ اگر يك وقتى جنگ نظامى
هم پيش بيايد، باز پيش قراول هائش جوانهايند. امروز جنگ نرم مطرح است؛ نه امروز، سى سال است مطرح است. (2)

وظايف افسران جنگ نرم براى مقاومت در برابر دشمن

اشاره

در مقابل اين (3)، افسر جنگ نرم بايد مقاومت كند. چگونه مقاومت كند؟

1) بالا بردن معرفت‌هاى اسلامى

اولاً معرفت‌هايتان را بالا ببريد. عزيزان من! سقف معرفت خودتان را، سايتهاى سياسى و اوراق روزنامه ها و پرسه زدن در سايتهاى گوناگون
قرار ندهيد؛ سقف معرفت شما اينها نيست. البته من امروز از اين حرفهائى كه زدند، حقيقتاً لذت بردم؛ حرفهائى خوب، حرفهائى پخته،
تعبيرات

ص: 489

1- . در ديدار جمعى از خانواده هاى شهدا 1397/9/21

2- . در ديدار دانشجويان 1391/5/16

3- . تلاش دشمن براى تغيير محاسبات مردم

جافتاده، جمله بندی های درست؛ این خوشحال کننده است. من میخواهم بگویم هرچه میتوانید، اولاً در این بخش کار کنید؛ سطح معرفت را بالا ببرید. با قرآن، با نوشتجات مرحوم شهید مطهری، با نوشتجات فضلالی بزرگی که خوشبختانه امروز در حوزه های علمیّه حضور دارند، آشنا شوید. امروز فضلالی جوانی در حوزه های علمیّه هستند که میتوانند در این قسمت به مجموعه ی جوانهای دانشگاهی یاری بدهند؛ کماینکه کارهای خوبی هم دارد انجام میگیرد. سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارها است که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.

(2) توجه به اوضاع کشور همراه با انتقاد منصفانه

نظارت و توجه به اوضاع کشور. نگاه مستفسرانه و دنبال پیدا کردن واقعیت، همراه با انتقاد. قبلاً هم عرض کردم که انتقاد هیچ اشکالی ندارد؛ نگاه منتقدانه هیچ اشکالی ندارد، منتها انتقاد درست؛ بی انصافی نشود. آدم گاهی میبیند در بعضی از انتقادها، بی انصافی میشود. حالا شما يك خرده تندید و جوان هم هستید و آدم خیلی هم توقع ندارد؛ اما آنهايي که ریش و سبیلشان سفید هم شده، گاهی اوقات انسان میبیند که بی انصافی میکنند؛ در بیان کردن و گفتن و حرف زدن نسبت به این و آن، بی ملاحظگی میکنند. مراقبت کنید بی انصافی نشود. بنابراین نقد مستمر، نظارت مستمر و متعادل بر اوضاع کشور، بر مدیریتهای، جزو کارهای بسیار لازم است؛ البته باید با عقلانیت و با مدارا همراه باشد، بدون افراط، بدون پرخاشگری؛ اما نگاه نقادانه. به نظر من این هم کار لازم دیگری است.

(3) ارتباط با تشکلهای دانشجویی جهان اسلام

ارتباط با تشکلهای دانشجویی جهان اسلام هم کار لازمی است که

یکی از دوستان در اینجا مطرح کردند؛ بنده هم تأیید میکنم. امروز در دنیای اسلام، در ذیل بیداری اسلامی، مجموعه های دانشجویی - حالا چه جور تشکلی اند، شاید همه شان یکسان هم نباشد - مجموعه های فعالی هستند، قبلاً هم فعال بودند؛ بعضی هایشان در این حرکتها نقش آفرینی اساسی کردند. به نظر من با اینها ارتباط داشته باشید. دستگاه های گوناگون کشور در این زمینه باید به شما کمک کنند؛ البته ما هم سفارش خواهیم کرد.

4) زنده نگه داشتن امید در خود و دیگران

... عزیزان من! اساسی ترین قضیه هم امید است. من به شما عرض بکنم؛ از جمله ی سخت ترین کارهایی که علیه من و شما دارد انجام میگیرد، این است که امید را در ماها بمیرانند. سعی کنید امید را زنده نگه دارید. هرچه میتوانید، شعله ی امید را در دل خودتان و در دل مخاطبانتان زنده نگه دارید. با امید است که میشود پیش رفت. امید هم امید بیجا نیست؛ امیدی است که واقعیتها کاملاً ما را به درستی آن نوید میدهد. (1)

7 - رسانه ها

نقش رسانه ی ملی در خنثی کردن جنگ تبلیغاتی دشمن

امروز جنگ دنیا، جنگ رسانه ها است. پیشرفت کارها و سیاستهای بین المللی دستگاه های مختلف و جبهه های گوناگون، به وسیله ی تبلیغ، خبرسازی، مفهوم سازی و تبیین های درست و نادرست - یعنی راست و دروغ - دارد انجام میگیرد. تبلیغات، هم قبل از يك حرکت نظامی و اقتصادی، هم در اثنای آن، هم بعد از آن، نیاز وافر دستگاه هایی است که میخواهند در دنیا فعال باشند؛ لذا سرمایه گذاری هم میکنند، فکر هم

ص: 491

مصرف میکنند و دانش هم به کار میبرند، برای اینکه بتوانند این را گسترش دهند.

یکی از کارهای بسیار مهمی که امروز در دستور کار آنها است، تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی به کشور ما است. امروز این تهاجم، اوج تهاجم فرهنگی است. البته مخصوص کشور ما نیست؛ در همه جا اینها دارند کار فرهنگی میکنند؛ منتها ما آماج هدف آنها هستیم. بسیاری از هدفهای استکبار جهانی در زمینه های تبلیغی و فرهنگی و رسانه ای متوجه به ما است؛ ما باید در مقابل اینها خود را مجهز کنیم.

رسانه ی ما، هم باید ناظر باشد به خنثی کردن کار دشمن در داخل، هم باید ناظر باشد به ضربه زدن به دشمن در فضای عمومی. می بینید رسانه ی ملی چه نقش مهمی دارد. به نظر من همه ی تلاشها و کارهایی که در کشور صورت میگیرد، به يك معنا، يك طرف، کار رسانه ی ملی - یعنی صداوسیما - طرف دیگر. اینها دو جریان هستند؛ وَاَلَا اگر خیلی کار انجام بگیرد، اما رسانه ی ملی فعال نباشد، تأثیرش بسیار کمتر از چیزی خواهد بود که باید باشد. بنابراین نقش رسانه، به همین ترتیبی که عرض شد، بسیار مهم است.

ما يك مأموریت محوری برای رسانه ی ملی قائل هستیم، که الزاماتی دارد و این مأموریت ملی اهداف کلانی را هم با خودش همراه دارد. به نظر ما آن مأموریت محوری عبارت است از مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، روحیه، اخلاق رفتاری جامعه، جهت دهی به فکر و فرهنگ عمومی، آسیب زدایی از فکر و فرهنگ و اخلاق جامعه، تشویق به پیشرفت - یعنی روحیه دادن - و زدودن احساس عقب ماندگی.

امروز یکی از شگردهای مهم دشمن، تزریق و القای احساس عقب ماندگی و ناتوانی است. ما در کشور 35 میلیون جوان داریم. نخیر، بدانند ما به هیچ وجه عقب نمانده ایم. آن روز آقای رئیس جمهور برای من

میگفت - البته گزارش عمومی نبود؛ بنده خودم گزارشهای زیادی دارم - مجموعه‌ی دستاوردهای ما در ده بیست سال اخیر، از همه‌ی آنچه در کشورهای شبیه خودمان - از جمله همه‌ی کشورهای منطقه - اتفاق افتاده، بالاتر است. این، مسئله‌ی خیلی مهمی است. البته گزارشهایی هم که به بنده داده شده، همین را تأیید میکند. راجع به یک کشور از کشورهایی که ایشان ذکر میکردند، فقط یک مورد به عنوان سؤال و ابهام برای من مطرح بود، که بنا شد آن را هم تحقیق کنند و به من بگویند. ما به هیچ وجه نباید این احساس را داشته باشیم، و جوان ما نباید احساس کند که عقب مانده است؛ باید احساس کند که دارد حرکت میکند، میتازد و جلو میرود؛ عملاً به این کار، به این پیشرفت، به این تازش و به این روبه جلو حرکت کردن تشویق شود.

این مأموریت الزاماتی دارد. رسانه‌ی ملی اگر بخواهد به عنوان مهم‌ترین ابزار فرهنگی در کشور، از عهده‌ی این کار بریاید، باید این چیزها را در خودش تأمین کند: امین نظام باشد، مورد اعتماد مردم باشد، برخوردار از مزیت‌های رقابتی باشد. امروز رقبای ما زیادند؛ چه رقبای منطقه‌ای، چه رقبای بین‌المللی. ما باید در مقابل این رقبا خود را از مزیت‌های رقابتی برخوردار کنیم. ظرفیت بالا در کم‌کیف محصولات، هر دو موردنظر است. نباید کمیت، کیفیت را تحت الشعاع قرار دهد، و بعکس.

الزام دیگر این مأموریت، داشتن آرایش رسانه‌ای کارآمد در عرصه‌ی استانی و ملی و بین‌المللی است؛ همین نکته‌ای که آقای ضرغامی اشاره کردند و گفتند در جاهایی از کمترین حقتشان نمیتوانند برخوردار باشند؛ یعنی شنیدن صدای انقلاب و دیدن چهره‌ی انقلاب. در اینجا آرایش ما ضعیف است. البته بسیاری از این ضعفها به بیرون از سازمان مربوط میشود، که آن هم موضوع دیگری است و باید جداً تعقیب کنیم.

آرایش سازمانی و رسانه‌ای ما باید به گونه‌ای باشد که بتوانیم همه‌ی

کشور را در همه ی ابعاد بپوشانیم. این آرایش باید کارآمد باشد؛ دارای قدرت انعطاف برای انطباق با شرایط گوناگون و پیش بینی نشده باشد؛ در برخورد با مسائل گوناگون، توانایی، سرعت و چالاکی داشته باشد؛ بتواند موضع خودش را اتخاذ کند و کارساز باشد.

اگر این چیزها تحقق پیدا کند - که هرکدام از اینها شرایط و مقدماتی دارد و باید هم این مقدمات فراهم شود و تحقق پیدا کند - آنگاه شما خواهید توانست هدایت و مدیریت افکار عمومی را از لحاظ فرهنگ و اخلاق و رفتار و روحیه و امثال اینها کاملاً در دست داشته باشید؛ هیچ کس نمیتواند با شما در این زمینه رقابت کند. (1)

8 - هنرمندان

هنرمندان؛ نیروهای مهم در جنگ نرم همه جانبه ی دشمن

بسمه تعالی (2)

آنچه در نظر بود در دیدار دیشب با حضرات بازیگران و کارگردانان و تهیه کنندگان سیما گفته شود و به خاطر تمام شدن وقت گفته نشد:

- جنگ نرم همه جانبه ی دشمن، امروز قابل انکار نیست.

- با این حال، برخی آن را انکار میکنند و این خود نیز بخشی از جنگ نرم است.

- در این جنگ، هنرمندان و اهالی فکر و نظر، در حکم نیروهای مسلح در جنگ سختند.

- برخی بی تفاوت از برابر این حادثه ی ملی میگذرند، برخی هم با دشمن همراهی و به او کمک میکنند؛ آنها مسئولیت ناپذیر و اینها دشمن شیفته اند.

ص: 494

1- . در دیدار رئیس و مدیران سازمان صداوسیما 1383/9/11

2- . در پی دیدار جمعی از تهیه کنندگان، کارگردانان و بازیگران سیما با رهبر انقلاب اسلامی _ که پنجشنبه 1397/8/24 برگزار شد _ حضرت آیت الله خامنه ای فردای آن روز نکاتی را که به دلیل کمبود وقت نتوانسته بودند با این جمع در میان بگذارند، یادداشت کرده و برای آنان ارسال کردند.

در مقایسه با نیروهای مسلح در جنگ سخت، میتوان گناه این دو دسته را تشخیص داد.

- امروز در کشور بحمدالله کم نیستند کسانی که دارای موضع مسئولانه و تلاش شایسته اند؛ این باید روزبه روز افزایش یابد.

- دفاع از عظمت ایران، از فرهنگ ایران، از خانواده ی ایرانی، از حرکت باشکوه ملت ایران و... فقط با سخنرانی و نگارش نیست؛ هنر باید میدان دار باشد.

- جایگاه فیلم و سریال در این میان بسیار برجسته است.

- در سریالها به مسائل ملی پردازید؛ از شهدای عزیز، از دفاع مقدس، از انقلاب، از سبک زندگی اسلامی، از انگیزه های ایمانی ملت و مظاهر آن، از ایستادگی شان در برابر ابرجنایت کاران و مفسدان عالم، از راه پیمایی اربعین و و... بگوئید؛ عظمت و استقلال و شجاعت و ظرفیتهای علمی و عملی این ملت را با زبان هنر بیان کنید.

- پرداخت درست و هنرمندانه ی این موضوعات بسی جذاب و پرمخاطب است، هم در داخل کشور و هم در دیگر کشورها و ملتها.

- سخنان شما دیشب نشان داد که شما هم عیناً همین دغدغه را دارید؛ موفق و مؤید باشید ان شاءالله. (1)

رسالت هنرمندان در انتقال معارف دوران مقاومت

برای حوزه ی هنر کشور، یکی از مهم ترین جلوه گاه ها، دوره ی جنگ تحمیلی بر ما و دوره ی دفاع مقدس بوده و هنوز هم هست؛ باید از این استفاده کرد.

دو سه سال قبل جمع زیادی از هنرمندها در این حسینیه جمع بودند. به آنها گفتم کدام هنرمند است که از روحیه ی حماسی پرشور ملت و

ص: 495

جوانهای خودش در مقابل دشمنی که قصد داشت غیرت و عزّت این ملت را زیر پاهای خودش لگدمال کند، و از زیبایی خارق العاده ی آن بتواند بگذرد و این را نبیند. اگر دیدیم هنرمندهای ما این را نمی بینند و به آن نمپردازند، باید ببینیم عیب کار کجا است. یا در نگاه هنری، یا در عرضه ی درست، یا تأثیراتی که سیاستها و دشمنان در فضای فرهنگی کشور دارند میگذارند، مشکلی وجود دارد؛ و الاّ چطور ممکن است يك ملت فراموش کند یا نبیند و نفهمد؟ لذا خاطره گویی شما و ثبت کردن این حوادث، نقش خیلی زیادی در این مسئله دارد.

اخيراً از آقای بهبودی و آقای سرهنگی مصاحبه ای میخواندم، که واقعاً هم همین طور است. این آقایان معتقدند که قضایای دوره ی دفاع مقدّس را بایستی مستند کرد، تبیین کرد، مستدل کرد تا بر اساس اینها آثار هنری به وجود بیاید، که کاملاً درست است. اعتقاد من این است که ما هرچه برای دوره ی دفاع مقدّس سرمایه گذاری و کار کنیم، زیاد نیست؛ چون ظرفیت هنری و ادبی کشور برای تبیین این دوره، خیلی گسترده، وسیع و عمیق است و از این ظرفیت تاکنون استفاده ی خوب و درخوری نشده. البته کتابهای خوبی نوشته شده، لیکن این رشته باید استمرار پیدا کند.

کسانی هم میخواهند به عمد این خورشید فروزان و این منبع نورانیت و درخشندگی را از خاطره ی ملت ببرند؛ چون هرکس که باید در این دوران بیفتد و آن را بشناسد و خصوصیات آن را لااقل تا حدودی درک کند، در خود احساس عزّت و انگیزه و امید میکند. ملّتی که میتواند حقیقتاً با دست خالی در مقابل آن تهاجم بین المللی آن گونه ایستادگی کند و با ابتکار، با تکیه ی به خود، با توسّل به پروردگار و استعانت از خدای متعال، خودش را این طور از منجلابی که قدرتمندان دنیا برایش درست کردند، موفّق و پیروز بیرون بکشد، خیلی درخور ستایش است. این ملت اگر این توانایی را در خودش ببیند و وجود این ظرفیت را در خودش احساس

کند، در ادامه ی این راه و در حرکت عظیمی که در پیش دارد، هیچ مانعی نمیتواند جلوی او را بگیرد. این را میدانند؛ لذا نمیخواهند این خودآگاهی در مردم ما به وجود بیاید. ما بعکس، باید تلاش کنیم این خودآگاهی به وجود بیاید.

نسل جدید ما متأسفانه کم اطلاع است. باید کاری کرد که نسل جدید و نسلهای بعد، از این ظرفیت، از این ذخیره ی عظیم و از این گنج تمام نشدنی استفاده ی روحی کنند؛ امید پیدا کنند و خودشان را بشناسند. این زن ما است، این مرد ما است، این جوانهای ما هستند که این طور در میدانهای نبرد توانستند ابتکار کنند.

... جنگ حقیقتاً آینه ی تمام نمای ظرفیتهای ملت ایران بود. با کاری که شما دارید انجام میدهید، این را میتوانید ماندگار کنید؛ میتوانید به ذهنهای مردم منعکس کنید؛ کار بسیار بزرگ و مهمی است.

... بنده عقیده ام این است که اگر متولیان این کار را دنبال کنند، ما ان شاء الله آثار هنری ای خواهیم داشت که در قله ی هنر ایرانی قرار بگیرد. اگر ما در تاریخ خود مثلاً در یک نوع شعر، فردوسی را داریم، در یک نوع شعر، حافظ یا سعدی را داریم، گمان میکنم اگر ما بتوانیم این رشته را دنبال کنیم، در زمینه ی شعر یقیناً قله ی جدیدی به وجود خواهیم آورد؛ در زمینه ی قصه و رمان و داستان کوتاه و بلند هم یقیناً قله هایی را به وجود خواهیم آورد - که البته ما در این زمینه هم از لحاظ تاریخی عقبیم - و همچنین در بقیه ی بخشهای هنری صاحب قله خواهیم بود و دستاوردش هم برای ملت ما تمام نشدنی است. (1)

ص: 497

عزیزان من! شعر یکی از هنرهای اثرگذار است؛ یک خصوصیتی در شعر هست که در بسیاری از هنرهای دیگر نیست. خب بعضی از هنرها در بخش دیگری و به نوع دیگری خیلی اثرگذارند - مثل سینما، مثل تئاتر و از این قبیل - اما شعر یک جور دیگری اثرگذار است. شعر بایستی جریان سازی بکند؛ یعنی مجموعه ی شاعر کشور باید جوری شعر را در فضای هنری کشور و فضای شعری کشور تنظیم بکنند و تولید بکنند و خلق بکنند و تکثیر بکنند که بتواند مسائل مهم و مورد ابتلاء کشور را گفتمان سازی کند و جریان سازی کند. فرض بفرمایید راجع به مسئله ی عدالت، مسئله ی مقاومت، مسئله ی اخلاق؛ ما چقدر احتیاج داریم به اخلاق معاشرتی با یکدیگر که من پرروز هم در یک جلسه ای اینجا با جوانها روی این تکیه کردم؛ (1) ما، هم اخلاق فردی خودمان، اخلاق شخصی خودمان بایستی تهذیب بشود و رشد و علو پیدا بکند، هم اخلاق معاشرتی مان، رفتارهایمان با مردم، مثل گذشت، مثل ایثار، مثل صداقت، مثل اخوت، برادری و از این چیزها. خوشبختانه در تاریخ شعر ما، در این زمینه خیلی حرف هست، خیلی اشعار عالی سروده شده و این گفتمان سازی باید ادامه پیدا کند؛ همچنین در زمینه های گوناگون که عرض کردم؛ مثل مقاومت. (2)

9 - بانوان

زن مجاهد مسلمان ایرانی، معلّم ثانی برای زنان جهان

زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی نقش در تاریخ سازی، و در تعریف غالباً غربی، به مثابه ی موجودی که جنسیت او بر انسانیتش میچربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه داری

ص: 498

1- . در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور 1397/3/7

2- . در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب 1397/3/9

جدید است، معرفی می‌شود. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوّم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که میتوان زن بود، عفیف بود، محجّبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ میتوان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه ی سیاسی و اجتماعی نیز سنگرسازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد؛ زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مردانه ترین میدانها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که میتوانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه ی سالم و خانواده ی متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر، و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست های بزرگ را درهم بشکنند.

اقتدار و جذبه ی تازه ای به برکت خون این زنان مجاهد در عصر جدید ظهور کرده است که زنان را ابتدا در جهان اسلام تحت تأثیر قرار داد و دیر یا زود در سرنوشت و جایگاه زنان جهان دست خواهد برد.

تا آفتاب درخشان خدیجه ی کبری (علیهاالسلام) و فاطمه ی زهرا (علیهاالسلام) و زینب کبری (علیهاالسلام) می‌درخشد، طرحهای کهنه و نوی «ضد زن» به نتیجه نخواهد رسید و هزاران زن کربلایی ما نه تنها خطوط سیاه ستمهای ظاهری را درهم شکسته اند، بلکه ستمهای مدرن به زن را نیز رسوا و بی آبرو کرده و نشان داده اند که حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است. به خانواده ی این شهیدان والامقام تبریک می‌گوییم و امیدوارم که به برکت خون این زنان شریف و مجاهد، رسانه ها و هنرمندان و فرزندان

و سینماگرانی بتوانند جهاد بزرگ زن ایرانی مسلمان را به دنیا که سخت محتاج شناختن آن است، بنمایانند.

زن مجاهد مسلمان ایرانی، معلّم ثانی برای زنان جهان خواهد بود؛ پس از معلّم اوّل که زنان مجاهد صدر اسلام بودند. (1)

امام (رضوان الله علیه) در يك بياني خطاب به زنها میفرمودند: اینكه شما قبول كردید روز ولادت فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) روز زن باشد، این برای شما مسئولیت و تکلیف به وجود می آورد. روز شما، روز زن، روز مادر، روز فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) است؛ معنای این چیست؟ این يك حرکت نمادین است؛ این کار، سمبلیک است. معنایش این است که زن باید در این صراط حرکت کند؛ عظمت و جلال و علو مقام و مقدار برای زنان در این راه است؛ راهی که در آن تقوا هست، عفاف هست، دانش هست، نطق هست، ایستادگی در میدانهای گوناگون محتاج ایستادگی هست، تربیت فرزند هست، زندگی خانوادگی هست؛ همه ی زینتها و فضیلتهای معنوی در آن هست؛ زنان باید در این جهت حرکت کنند.

ص: 500

1- . پیام به کنگره ی هفت هزار زن شهید کشور 1391/12/16

یکی از مظاهر شکست آمریکا این است که نتوانسته بر روحیه ی استقلال طلبی در ملت ما و بر روی جوانان ما اثر بگذارد. شما ببینید، امروز احساسات جوانان و نوجوانان عزیز ما در سرتاسر کشور احساسات استقلال طلبانه است. بعضی ها حتی به مبانی دینی هم خیلی پابند نیستند اما نسبت به تسلط بیگانه احساس مقاومت میکنند؛ این نشان دهنده ی این است که آمریکا با این همه تبلیغات، با این همه تلاشی که انجام داده است، با این امپراتوری خبری و رسانه ای که در دنیا راه انداخته، نتوانسته روی نسل جوان کشور ما اثر بگذارد؛ روحیه ی مقاومت آنها را و استقلال طلبی آنها را نتوانسته ضعیف کند و از بین ببرد. بجد این را من عرض میکنم - چون مشاهده میکنم - که امروز جوانهای ما از لحاظ انگیزه ی ایستادگی و مقاومت از جوان نسل اول انقلاب اگر جلوتر نباشند، عقب تر نیستند؛ امروز این را انسان دارد بدرستی مشاهده میکند. مخصوص جوانهای ما هم نیست، این بتدریج در بین جوانهای کشورهای دیگر هم تا آنجایی که ما اطلاع داریم، رسوخ پیدا کرده؛ بخصوص کشورهای همسایه ی ما. جوانهای عزیز مؤمن در کشورهای نزدیک به ما و همسایه ی ما که انسان حرفهای آنها را، اقدامهای آنها را، پیامهای آنها را

میبیند، رفتارهای آنها را، احساس میکند که روحیه‌ی استقلال در آنها زیاد است.⁽¹⁾

قدرت مقاومت؛ بیش از قدرت سلاح اتمی

سیستمها و رژیمها با سلاح اتمی از بین نمیروند؛ سلاح اتمی فقط میتواند انسانها و سرزمینها را نابود کند. آنچه رژیمها را نابود میکند، قدرت مقاومت و عزم و مبارزه‌ی ملتها است؛ که این عزم و مبارزه در فلسطین وجود دارد و به فضل الهی حتماً به سرنگونی رژیم صهیونیستی منتهی خواهد شد.⁽²⁾

مقاومت تا ناامید شدن دشمن

امروز جبهه‌ی استکبار در تلاش و معارضه‌ی با این نظام است؛ هیچ کس تصور نکند که دشمن از دشمنی چشم میپوشد؛ نه، آن وقتی که شما قوی باشید، آن وقتی که شما آماده باشید، آن وقتی که شما دشمن را و ترفندهای دشمن را بشناسید، دشمن به ناچار از دشمنی دست خواهد کشید؛ آن وقتی که شما دچار غفلت باشید، به دشمن اعتماد کنید، آن وقت دشمن فرصت پیدا خواهد کرد که مقاصد خود و هدفهای خود را در کشور به وجود بیاورد. فشاری که امروز از ناحیه‌ی استکبار بر ملت ایران وارد میشود، ناشی از همان دشمنی عظیم و تمام نشدنی است؛ دشمنی تمام نشدنی است. ملت ایران در مقابل این دشمنی ایستاده است، مقاومت کرده است، نظام جمهوری اسلامی را حفظ کرده است، راه خود را به سمت آرمانها دارد پیش میبرد؛ علی‌رغم حرفهای نسنجیده و غلطی که در مورد بی‌توفیقی ملت ایران در این راه گاهی بر زبانها جاری میشود، ملت

ص: 504

1- . در دیدار دانش آموزان و دانشجویان 1397/8/12

2- . در دیدار کارگزاران نظام 1384/8/8

ایران توفیقات بسیار بزرگی تا امروز به دست آورده است. ملت ایران راه را خوب طی کرده است؛ ملت ایران توانسته است در مقابل فشارهای دشمن مقاومت کند، توانسته است خود را حفظ کند، توانسته است رشد کند، توانسته است خود را به آرمانها نزدیک کند. (1)

واقعتهای امیدبخش و عبرت آموز کشور

اشاره

يك نگاه کلی به کشور بکنیم... آنچه که امروز لازم است و خوب است که مورد توجه قرار بگیرد، يك نگاه کلی به کشورمان و به شرایط عمومی کشور است. نمیخواهیم به جزئیات سرگرم شویم - جزئیات فراوانی وجود دارد - يك نگاه کلان به امور کشور عزیزمان و نظام جمهوری اسلامی بکنیم، ببینیم ما کجاییم، چه هستیم. چند عنصر را من اینجا یادداشت کرده ام - شش هفت عنصر را - اینها همه اش واقعتهای است:

(1) موقعیت جغرافیایی خوب

واقعیت اول: کشور ما کشوری است با جغرافیای مهم. موقعیت جغرافیایی ما یکی از موقعیتهای جغرافیایی خوب کشورهای دنیا است. اگر کشورهای دنیا را از لحاظ موقعیت جغرافیایی به چند درجه تقسیم کنیم، یقیناً ایران در درجات بالا یا در بالاترین درجه قرار خواهد گرفت. از لحاظ موقعیت جغرافیایی، این يك امتیاز است؛ این را ما داریم، این خداداد است.

(2) تاریخ و ریشه های تمدنی

واقعیت دوم، تاریخ و ریشه های تمدنی ما است. ریشه های تمدنی کهن ما، تاریخ ما، تاریخ بافتخاری است؛ بخصوص از دوره ی اسلام به

ص: 505

این طرف. قبل از اسلام هم برجستگی هایی در تاریخ کشور ما وجود دارد، اما بعد از اسلام این برجستگی ها بمراتب بیشتر شده؛ از لحاظ علم، از لحاظ صنعت، از لحاظ مسائل فرهنگی، از لحاظ افتخارات گوناگون سیاسی، از لحاظ توسعه ی کشور؛ چه توسعه ی کیفی، چه توسعه ی کمی. این تاریخ ما است. میراث علمی ما در بخشهای مختلف دانش بشری و دانشهای الهی، میراث کم نظیری است. واقعاً کمتر کشوری در همین مناطق آسیا و تمدنهای کهن - در هند و چین و مصر و امثال اینها - این جور بوده است؛ حالا مناطق غرب که گذشته ی آن چنانی ای ندارند. بنابراین ما از لحاظ تمدن جزو برجسته ها و برترینها هستیم؛ این هم يك واقعیتی است.

3) ثروتهای انسانی و طبیعی چشمگیر

واقعیت سوم، ثروتهای طبیعی و انسانی چشمگیر است. حدود بیست و چند سال قبل از این گفته میشد که ذخیره ی نفت کشور در فلان تاریخ - يك مقطعی را مشخص میکردند - تمام خواهد شد؛ اما کشفیاتی که در زمینه ی ذخایر نفتی و گازی شده، این مدت را به حدود چهار پنج برابر گسترش و توسعه داده. در زمینه ی فلزات، در زمینه ی انرژی، در زمینه ی ذخایر گوناگونی که يك کشور برای اداره ی خودش به آنها احتیاج دارد، کشور غنی ای هستیم، کشور فوق العاده ای هستیم.

از لحاظ منابع انسانی هم همین جور. بارها این را گفتیم - اوایل از روی حدس و گمان میگفتیم، بعد آمارهای بین المللی همین را تأیید کرد - که ما از لحاظ رتبه ی استعداد انسانی، در رتبه های بالا هستیم؛ یعنی از متوسط جوامع بشری موجود دنیا خیلی بالاتریم؛ متوسط ما از متوسط دنیا بالاتر است. استعدادهای ما، جوانهای ما فوق العاده اند؛ دارید می بینید دیگر. من شاید مکرر این را گفته ام؛ با اطلاعاتی که بنده دارم و گزارشهایی که در اختیار بنده قرار میگیرد و مشاهداتی که وجود دارد، هیچ قسمتی

از قسمتهای گوناگون علم و فناوری وجود ندارد که زیرساختش در کشور وجود داشته باشد و جوانهای ما و دانشمندان ما نتوانند در آن قسمت کار بزرگی انجام دهند؛ هر جا نمیتوانند، زیرساخت هایش وجود نداشته است؛ که البته این زیرساخت ها را باید به وجود بیاورند، و دارند هم به وجود می آورند. این، ثروت طبیعی و ثروت انسانی ما است.

4) ضربه های سنگین استبداد داخلی و استعمار بر کشور

يك واقعيّت ديگر هم در کنار اين واقعيّتها بايد مشاهده شود و آن اين است که ما در طول دو سه قرن اخير ضربه های سختی خوردیم؛ هم از ناحیه ی استبداد داخلی و دیکتاتوری های داخل کشور، هم از ناحیه ی تهاجمهای بیرونی. اين يك واقعيّتی است که ما ضربه خوردیم. تاریخ ورود و نفوذ دولتهای بیگانه در کشور ما از سال 1800 میلادی است؛ یعنی 212 سال است که اولین نفوذ خارجی از طریق حکومت انگلیسی هند اتفاق افتاد؛ جان ملکم انگلیسی آمد ایران - که حالا تاریخش را کسانی که ملاحظه کردند، میدانند - و تبعاتی که پیش آمد. ضعف آن دولتها در مواجهه ی با نفوذ و تهاجم فرهنگ غربی و سیاست غربی و حکومتهای غربی، موجب انفعال کشور شد و همین طور رفته رفته ما دچار ضعف شدیم، هزیمتهایی داشتیم؛ این هم يك واقعيّتی است. ما در برآورد مسائل کشور و شناخت وضعیّت کنونی کشور نمیتوانیم این دوره را ندیده بگیریم. ضربه های سختی به ما زدند؛ هم نفوذ سیاسی پیدا کردند، هم نفوذ فرهنگی پیدا کردند، هم منابع ما را غارت کردند.

متأسفانه هنوز کار درستی در این زمینه انجام نگرفته. محققین و مورّخین ما باید بنشینند يك کار مبسوط و مشروحي را انجام دهند در مورد غارت منابع اقتصادی کشور به وسیله ی کشورهای متنفذ خارجی که وارد اینجا شدند؛ مثل انگلیس در يك برهه ای، روس ها در يك برهه ی دیگری،

و دیگرانی که در کنار اینها بودند - که البته عمده اینها بودند - بعد هم آمریکا در نهایت کار. غارت ثروت، سلطه ی سیاسی، تحقیر ملت. آنچه که شما از زبان سیاستمداران و دولتمردان وابسته ی به سیاستهای غربی و دستگاه های استبدادی شنفتید در زمینه ی تحقیر ایران و ایرانی و اینکه «نمیتوانیم» و چه و چه، اینها همه اش ناشی از همان سلطه ی فرهنگ غربی و سلطه ی سیاسی غرب بر کشور ما بوده. اینها جزو واقعیتها است.

5) بیداری ملی در مشروطه، نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی

واقعیت پنجم، بیداری ملی است در سه مقطع. در سه مقطع، ما يك بیداری عمومی و ملی داشتیم: اول، مقطع مشروطیت؛ دوم، مقطع نهضت ملی - آیت الله کاشانی و دکتر مصدق - و سوم، مقطع انقلاب اسلامی. در آن دو مقطع، ملت ایران شکست خورد. قیام مشروطیت، قیام مهمی بود؛ لیکن شکست خوردند. در نهضت ملی قیام کردند، شکست خوردند. حالا عوامل این شکست چیست، اینها بحثهای طولانی و مفصلی است؛ هر کدام عواملی داشته. سوم، مقطع انقلاب اسلامی است. اینها حرکتها ی ملی است. البته حرکتها و اقدامها و نهضت‌های غیر عمومی هم وجود داشته - مثل نهضت تنباکو و اینها - آنها يك حرکت ملی برای تغییر بنیادین و تحوّل در کشور نبود؛ برای يك مسئله ی خاص بود. آنچه که میشود گفت يك حرکت ملی، يك کار بزرگ، همین سه مقطع بود. آن دو مقطع شکست خورد؛ اما مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، مقطع برجسته ای بود که غرب را و معارضان مقابل خود را شکست داد و به زانو درآورد؛ و این به برکت شخص امام و شخصیت امام و به برکت احکام و قوانینی بود که امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) به آنها متکی بود و جمهوری اسلامی را بر آن اساس به وجود آورد و خطوط روشنی که ترسیم کرد. این يك واقعیتی است. بنابراین ما در مقابل آن هزیمتی که در آن دو قرن - تقریباً - در مقابل تهاجم

غربی‌ها داشتیم، این حرکت مواجهه‌ی پیروزمند با غرب را هم داشتیم. این هم يك واقعیتی است.

6 تجربه‌ی پیشرفت در عرصه‌های گوناگون

واقعیت ششم، تجربه‌ی پیشرفت در عرصه‌های گوناگون است. بعضی‌ها در زمینه‌ی مسائل سیاسی - چه سیاست خارجی، چه سیاست داخلی، چه اقتصاد، چه غیره - می‌گویند آقا باید واقع بین بود. خوب، واقعیتها اینها است؛ این واقعیتها را باید دید. یکی از مهم‌ترین واقعیتها، پیشرفتهای يك کشور است. کشور ایران از مقطع پیروزی انقلاب - یعنی از سال 1357 - تا امروز به قدری تغییر کرده است که این مقدار تغییر را ما در ظرف این مدت در کشورهای دیگر نمی‌بینیم؛ یعنی بنده سراغ ندارم. کشورهای پیشرفته‌ی تمدنی و صنعتی و علمی، فاصله‌ی حرکتشان تا رسیدن به این نقطه‌ای که ما امروز رسیدیم، فاصله‌ی بیشتری بوده است. تا آنجایی که بنده اطلاع دارم، به نظر می‌رسد که در دنیا این مقدار پیشرفت کمتر دیده شده است یا دیده نشده است. ما، هم در زمینه‌های علمی پیشرفت کرده ایم - که يك بخشی را آقای رئیس‌جمهور امروز اشاره کردند، و البته پیشرفتهای علمی ما خیلی بیش از اینها است؛ نه اینکه به عنوان مسئولان داخلی این حرف را بزنیم؛ نه، این قضاوت مراکز علمی دنیا است - هم در زمینه‌ی سیاسی پیشرفت کرده ایم. در زمینه‌ی سیاست داخلی، همین مدل جدید مردم‌سالاری دینی که ما به دنیا عرضه کرده ایم، همین انتخابات، همین دست به دست شدن قدرت اجرائی و قدرت تقنینی کشور، یکی از بزرگ‌ترین موفقیتهای آنها است. مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری سالم است؛ بدون کارها و شگردها و خدعه‌هایی که در دنیا معمول است. من متأسفم از اینکه خیلی از جوانهای ما از این شگردهایی که در دنیا، در آمریکا، در غرب، در اروپا، در زمینه‌ی انتخابات به کار می‌برند، که ظاهر

دموکراسی دارد، اما باطن غیر دموکراسی دارد، خبر ندارند. کتابهای خوبی در این زمینه نوشته شده، خود غربی ها نوشته اند؛ اینها را بخوانند، این کتابها را ببینند؛ چگونگی انتخاب يك شهردار یا يك فرماندار در فلان ایالت آمریکا، بعد سناتور شدن، بعد رئیس جمهور شدن؛ هل داده شدن افراد به این عرصه ها چگونه است، با چه شگردهایی انجام میگردد؛ آن وقت مقایسه کنند با اینجا که يك نفری می آید در مواجهه ی با مردم، در حرف زدن با مردم، گاهی بدون هیچ سابقه ی اجرائی، مردم را جذب میکند؛ موج ایجاد میشود، مردم میروند پای صندوقهای رأی، رأی میدهند، انتخاب میکنند، با این درصدهای بالا؛ این مدل جدیدی است از دموکراسی؛ این پیشرفت سیاسی ما است.

در سیاست خارجی هم همین جور. امروز جمهوری اسلامی نقش غیر قابل انکاری در مسائل گوناگون منطقه و مسائل اساسی منطقه ی خود دارا است، که این را هیچ کس منکر نیست. مسائل منطقه ی ما، مسائل جهانی هم هست؛ این هم ضمناً معلوم باشد. پیشرفت در سیاست داخلی، الگوی جدید مردم سالاری، قدرت انتخاب ملی؛ در سیاست خارجی، این تأثیرگذاری ها؛ اینها واقعیت است.

پیشرفت در سازندگی. این مقدار کاری که در زمینه ی سازندگی در این سی سال انجام گرفته است، واقعاً شگفت آور است. قبل از انقلاب، ما به شهرهای گوناگون، به روستاها، به مناطق محروم رفتیم، وضع را دیدیم؛ میدانیم آن وقت چه جوری کار میکردند. زلزله می آمد - بنده خودم در چند زلزله ی بزرگ معروف گروه امداد تشکیل داده بودم و آنجا کار میکردیم - دیدم چه جوری حرکت میکردند، چه جوری کار میکردند؛ و حالا در دوره ی کنونی، شما ملاحظه کنید در يك بخشی از کشور يك زلزله ای اتفاق بیفتد، يك بلای طبیعی به وجود بیاید، مردم دچار مشکل شوند، با چه سرعتی امدادسانی میشود. این باورنکردنی است، اما واقعیت دارد.

در زمینه ی فرهنگی هم همین جور. ما يك چرخش 180 درجه ای فرهنگی نسبت به قبل از انقلاب و دوران طاغوت به شکل کلی داریم؛ جزئیات را بحث نمیکنیم. با نگاه کلان، يك چرخش به تمام معنا است. البته اگر بهتر کار کنیم، بیشتر بلد باشیم، بیشتر جدیت کنیم، در جزئیات هم موفق خواهیم بود.

(7) آینده ی پرامید

آینده ی پرامید، یکی دیگر از واقعیتهای کشور است. این نسل جوان خیلی قیمت دارد. من پارسال ماه رمضان همین جا مطلبی را گفتم و خب، مختصری دنبال شد؛ نه به صورت کامل. مسئله ی تحدید نسل برای کشور ما خطر است؛ من به شما عرض بکنم. محدود کردن نسل، برای کشور ما يك خطر بزرگی است. ما در منطقه ی خطر مبالغ زیادی پیش رفتیم، باید برگردیم؛ میتوانستیم جلوی این کار را بگیریم، نگرفتیم. آنچه که متخصصین و کارشناسان، با نگاه های علمی، با دقت علمی بررسی کرده اند، ما را به این نتیجه میرساند که با این روند کنونی، کشور در آینده دچار مشکل فراوان خواهد شد؛ کشور دچار پیری عمومی خواهد شد. این تحدید نسل، چیز بدی است. البته شنیدم در مجلس طرحی در حال بررسی است؛ منتها آن طور که برای ما نقل کردند، آن طرح جواب نمیدهد؛ این مقداری که در این طرح دیده شده، جوابگو نیست. مسئولین و علاقه مندان و آشنایان با مقتضیات این کار در مجلس، باید توجه کنند و درست انجام دهند.

(8) مواجهه ی کشور با جبهه ی معاند دشمن

واقعیت هشتم این است که کشور با يك جبهه ی دشمن معاند مواجه است. مثل خیلی از چیزهای دیگر و عرصه های دیگر که ما در دنیا

تکیم، در این قسمت هم در دنیا تکیم! نداریم کشوری را که يك جبهه ی معارضی معاندی با این عرض و طول در مقابلش وجود داشته باشد؛ در مقابل ما هست. جبهه ی ارتجاع هست، جبهه ی استکبار هست، برخی از سردمداران کشورهای غربی هستند، برخی از ضعفای مسئولان دولتهای منطقه ای هم هستند؛ بالاخره يك جبهه ای است در مقابل ما. البته اینها دلایل مشخصی دارد، قابل توضیح و قابل تحلیل هم هست - که جایش اینجا نیست - لیکن واقعیت امر این است که يك چنین جبهه ای وجود دارد. (1)

منور شدن جهان به نور جمهوری اسلامی در آینده

تقویت ارتباط خود با خدا؛ تلاش در مسائل دنیایی - اعم از فراگیری علم و دانش و کوشش در راه سازندگی - آگاه بودن از مسائل سیاسی و اقتصادی و مهم تر از همه، حفظ آن امید، عوامل و ویژگی هایی است که ان شاءالله در آینده - آینده ای نه چندان دور - همه ی روی زمین را به نور جمهوری اسلامی منور خواهد کرد و بشریت را از برکات اسلام برخوردار خواهد ساخت و ملت ایران را - همچنان که خدای متعال به مسلمانان وعده فرموده است - شاهد یکپارچگی و وحدت بشریت در روی زمین قرار خواهد داد. (2)

جهت گیری کلی حرکت کشور؛ خوب و رو به پیشرفت

با وجود برخی پدیده های نامطلوب در گوشه و کنار، جهت گیری کلی حرکت کشور، خوب و رو به پیشرفت است و افق آینده به لطف پروردگار در همه ی زمینه ها روشن است... من آینده را در همه ی زمینه ها روشن

ص: 512

1- . در دیدار مسئولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان 30 1392/4/1434

2- . در دیدار مردم قم 1371/10/19

میبینم؛ بعضی ها گاهی اوقات يك چیزی یا پدیده ای را می بینند که مثلاً برایشان پدیده ی نامطلوبی است، فوراً دل‌هایشان مأیوس میشود؛ بنده اصلاً این جور نیستیم... ممکن است پدیده های نامطلوبی هم يك گوشه کناری به وجود بیاید؛ هست، همه جا هست، زمانهای گذشته هم بوده؛ زمان خود پیغمبر و امیرالمؤمنین (علیهما السلام) هم بوده، در اینکه تردیدی نیست؛ لکن جهت کلی، حرکت کلی، ان شاءالله حرکت خوبی است و من امیدوارم که خدای متعال کمک کند تا هم شما و هم ما بتوانیم ان شاءالله به وظایفمان عمل کنیم. (1)

آینده ی روشن انقلاب؛ بر اساس وعده ی الهی

ان شاءالله خدای متعال هم کمک خواهد کرد؛ «من كان لله كان الله له» (2)؛ هرکس برای خدا کار کند، خدا هم تمام امکانات و علم و قدرت خودش و سنت های آفرینش را در خدمت او قرار خواهد داد. «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (3)؛ این جمله ی عجیبی است «ل» قسم و «نون» تأکید؛ حتماً خدا کسانی را که او را نصرت کنند، بدون شك نصرت خواهد کرد.

خوشبختانه در این انقلاب، حیات و نشاط و روح زندگی، زیاد است و بحمدالله این انقلاب، زنده ی به ایمان است و خواهد توانست این آسیب ها را دفع بکند؛ و اگر مشکلات و میکروب هایی هم وجود دارد، ان شاءالله دفاع خواهد کرد. بنیه، بنیه ای قوی است و ان شاءالله الطاف پروردگار و توجهات حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف) کمک خواهد کرد و شماها هم خواهید توانست این بار امانت را سالم و خوب بگیرید و ان شاءالله قوی تر و بهتر به نسل بعد تحویل بدهید. (4)

ص: 513

1- . در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضالای حوزه ی علمیّه ی قم 1394/12/25

2- . بحار الانوار، ج 79، ص 197

3- . سوره ی حج، بخشی از آیه ی 40

4- . در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب شناسی انقلاب 1377/12/15

ملت ایران با چشم باز، با بصیرت، همه ی این اوضاع را زیر نظر داشته باشد و موضع خود را مستحکم نگه دارد و بداند در این دریای طوفانی این منطقه و این دنیا - این طوفان، امروز به اروپا هم رسیده است؛ فرانسه را ملاحظه کنید؛ کشورهای اروپایی هم اسیر طوفانند - در این طوفانی که دنیا را و بخصوص منطقه را فراگرفته است، ملت ایران به برکت اسلام در کشتی امن محبت اهل بیت و اسلام قرار گرفته اند. این بصیرت را حفظ کنید، این روش را حفظ کنید، این مسیر را ان شاءالله با قدرت ادامه بدهید؛ پیروزی متعلق به ملت ایران است. (1)

رویشهای انقلاب چندبرابر ریزشهای آن

بله، بارها گفته ایم بعضی از عناصر انقلابی از راه برگشتند؛ انقلاب ریزش داشته است، دل کسانی بسته ی به دنیا شد. صدر اسلام هم همین جور بود؛ در صدر اسلام هم يك عده انقلابیون اول کار، بعد شدند دنیاداران اواسط و اواخر عمر. بله، این هست؛ اما در کنار این ریزش، چندبرابر، ما رویش داریم؛ رویش انقلاب؛ معجزه ی انقلاب این است. بعد از چهل سال شما می بینید جوان مؤمن مسلمان که نه امام را دیده است، نه انقلاب را دیده است، نه دوران دفاع مقدس را دیده است، نه آن حماسه ها را از نزدیک دیده، اما امروز با روحیه ی انقلابی، مثل همان جوان اول انقلاب - مثل همّت و خرازی و بزرگانی از این قبیل - می رود وسط میدان و با علاقه، با احساس مسئولیت، با شجاعت تمام در مقابل دشمن می ایستد. اینکه من میگویم جوانهای مؤمن امروز، از لحاظ انگیزه از جوان اول انقلاب اگر جلوتر نباشند عقب تر نیستند، یعنی این. اینها رویشهای انقلابند. این معجزه ی انقلاب است؛ این معجزه ی نظام جمهوری اسلامی است که میتواند

ص: 514

شکست آمریکا در برابر مقاومت ملت ایران

این [دشمن] در مقابل ما است، همه ی تلاشش را هم دارد میکند، پول هم زیاد خرج میکنند، نقشه هم زیاد میکشند؛ برای اینکه بتوانند در داخل بین مردم اختلاف ایجاد کنند - چه اختلاف سیاسی، چه اختلاف مذهبی، چه اختلاف قومی، چه اختلاف زبانی - همه ی تلاششان را دارند میکنند. این پول دارهای دُوروبر ما را هم تیغ میزنند و پول میگیرند، از آنها هم کمک میگیرند، برای اینکه بتوانند علیه کشور ما کارهایی را انجام بدهند. هر کاری هم از دستشان برمی آید انجام میدهند؛ [اما] به توفیق الهی بینی آنها به خاک مالیده شده است و بدانند که ما با قدرت پیش خواهیم رفت. باذن الله تعالی در همه ی عرصه ها آمریکا را ما مایوس خواهیم کرد. آن کسانی که قبلاً در رأس حکومت آمریکا بودند، بیکار نبودند، آنها هم خیلی کار میکردند؛ ریگان (2) از ترامپ (3)، هم قوی تر بود، هم عاقل تر بود؛ (4) عملاً هم علیه ما اقدام کرد، حالا با تهدید و هیاهو؛ او هنرپیشه بود، بازیگری اش هم بهتر از این بود، (5) عملاً هم علیه ما اقدام کرد و آن هواپیمای ما را زدند و آن کار را کردند؛ امروز ریگان کجا است، جمهوری اسلامی کجا است؟ امروز جمهوری اسلامی چندبرابر زمان ریگان پیشرفت کرده، رشد کرده، در همه ی قسمتها؛ او در عذاب الهی الان گرفتار است، جسمش پوسیده و خاک شده است، روحش هم علی القاعده طبق ضوابطی که ما

ص: 515

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1397/9/21

2- . رونالد ریگان (رئیس جمهور اسبق آمریکا)

3- . دونالد ترامپ (رئیس جمهور آمریکا)

4- . خنده ی حضار

5- . خنده ی حضار

داریم، مشغول مؤاخذه پس دادن به دستگاه عدل الهی است؛ اینها هم همین جور هستند. جمهوری اسلامی به توفیق الهی سرپا خواهد ماند و اینها هم داغ ضعیف شدن یا از میدان خارج شدن جمهوری اسلامی بر دلشان خواهد ماند. البتّه بعضی هایشان توانستند به برکت دستکش مخملی، سر بعضی از ماها را گرم کنند؛ يك بُرهه ای توانستند سر ماها را يك مقداری با نرمشهای ظاهری یا با دستکش مخملی - که گفتیم روی دست چدنی کشیده بودند - گرم کنند، لکن زود رسوا شدند. امروز حقایق درمورد نیّات پلید دولت ایالات متّحده ی آمریکا علیه اسلام و مسلمین و جمهوری اسلامی آشکار شده. (1)

ص: 516

1- . در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سراسر کشور 1396/10/6

نمايه

اشاره

ص: 517

يا... أوفوا بعهدى أوف..... بقره..... 460.....40

واستعينوا بالصبر و الصلوة..... بقره..... 85.....45، 198، 199

يا... و أنى فضلتكم..... بقره..... 235.....47

وإذ... ضربت عليهم..... بقره..... 235.....61

وكذلك... لتكونوا شهداء..... بقره..... 73، 143، 298

فاذكرونى أذكركم واشكروا..... بقره..... 199، 152

يا أيها... إن الله مع الصابرين..... بقره..... 20، 153، 199

و لا تقولوا لمن يقتل..... بقره..... 199، 154

و لنبلونكم بشيء من..... بقره..... 125، 155، 199

الذين إذا أصابتهم..... بقره..... 199، 156

أولئك عليهم صلوات..... بقره..... 84، 157، 199

فلما... و الله مع الصابرين..... بقره..... 20، 249، 123

فهزموهم... و قتل داود..... بقره..... 273، 251

آمن الرسول بما أنزل..... بقره..... 460، 285

ربنا لاترغ قلوبنا بعد..... آل عمران 238.....8

يا... لم تلبسون الحق..... آل عمران 437، 71، 438

يا أيها... قد بدت البغضاء..... آل عمران 359، 118

و لا تهنوا... و أنتم الأعلون..... آل عمران 90، 139

و لقد كنتم تمنون..... آل عمران 143 429

إن الذين تولوا منكم يوم..... آل عمران 236 155، 237

و لا تحسبن الذين قتلوا..... آل عمران 163 169، 211 فرحين... و يستبشرون بالذين... آل عمران 212 170، 215

الذين قال لهم الناس..... آل عمران 193 173، 324، 425، 426

فانقلبوا بنعمة من الله..... آل عمران 324 174، 325، 426، 427

إنما ذلكم الشيطان يخوف..... آل عمران 193 175، 225

و الله يريد... و يريد الذين..... نساء..... 270 27

الذين... إن كيد الشيطان..... نساء..... 303 76، 426

الذين... أبيتغون عندهم..... نساء..... 184 139

حرمت... فلا تخشوهم..... مائده..... 225 3

فترى الذين فى قلوبهم..... مائده..... 400 52

يا أيها الرسول بلغ..... مائده..... 454 67، 456

يا أيها... لا يضرركم من ضل... مائده..... 214 105

و كذلك جعلنا لكل... انعام..... 6 112

و لتصغى إليه أفئدة..... انعام..... 6 113

أبلغكم رسالات ربى..... اعراف..... 454 62

قال... والعاقبة للمتقين..... اعراف..... 18 128

إن... أن الله مع المؤمنين..... انفال..... 20 19

و اتقوا فتنة لا تصيبن... انفال..... 85 25

و أعدوا لهم ما استطعتم... انفال..... 295 60، 296

و إن... هو الذى أيدك... انفال..... 46 62

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضْ انفال..... 65 203

كيف... فما استقاموا لكم..... توبه..... 7 382

إِنَّ... إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ..... توبه..... 36 20

إِلَّا... إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا..... توبه..... 469، 20، 19، 40 18

و الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ..... توبه..... 71 193

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي..... توبه..... 239، 77 237

مَا كَانَ بِأَهْلِ... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ..... توبه..... 120 122

ص: 520

- ألا إن أولياء الله..... يونس (ع) 62 158
- فاستقم كما أمرت..... هود (ع) 112 21
- قل هذه سبيلي أدعوا..... يوسف (ع) 108 71
- له معقبات... إن الله لا يغير..... رعد..... 11 124 وإذ تأذن... لأزيدنكم..... ابراهيم (ع) 7 208
- و لا تكونوا كالتى نقضت..... نحل..... 92 74
- و اصبر و ما صبرك..... نحل..... 127 200
- إن الله مع الذين اتقوا..... نحل..... 469, 128 20
- من كان يريد العاجلة..... اسراء..... 18 241
- كلأ نمذ هؤلاء و هؤلاء..... اسراء..... 241, 20 24
- قل هل ننبئكم بالأخسرين..... كهف..... 103 473
- الذين ضل سعيهم فى..... كهف..... 104 374
- قال ربنا إننا نخاف أن يفرط..... طه..... 45 19
- قال لا تخافا إننى معكما..... طه..... 46 19
- قالوا أنت فعلت..... انبيا (ع) 62 267
- قال بل فعله كبيرهم..... انبيا (ع) 268, 63 267
- فرجعوا إلى أنفسهم..... انبيا (ع) 64 269
- ثم نكسوا على رؤسهم..... انبيا (ع) 270, 65 269
- قال أفتعبدون من دون..... انبيا (ع) 66 270
- أف لكم و لما تعبدون..... انبيا (ع) 67 270
- قالوا حرّقوه و انصروا..... انبيا (ع) 68 271
- الذين... و لينصرنّ الله من..... حج..... 513, 132, 123, 27, 40 18

وعد الله الَّذِينَ آمَنُوا..... نور..... 55 301

وقدمنا إلى... هباءً منثوراً..... فرقان 23 462

فلا تطع... وجاهد هم به..... فرقان 52 89، 95

و لهم علىّ ذنبٌ فأخاف..... شعرا..... 14 19

قال كلاً فاذهباً بآياتنا..... شعرا..... 15 19

فلمّا تراءى الجمعان قال..... شعرا..... 27، 61 19

قال كلاً إنّ معي ربّي..... شعرا..... 27، 62 19

ص: 521

إنّ فى ذلك لآية..... شعرا..... 121 184

وإنّ ربّك لهو العزيز الرحيم..... شعرا..... 122 481

و توكل على العزيز الرحيم..... شعرا..... 186، 217 185

الذى يراك حين تقوم..... شعرا..... 218 185

و تقلّبك فى الساجدين..... شعرا..... 219 581 إنّهُ هو السميع العليم..... شعرا..... 220 185

و... إنّا رادّوه إليك..... قصص 7 26

فرددناه إلى أمّه كى..... قصص 13 26

اتل... إنّ الصلّاة تنهى..... عنكبوت 45 200

والذين... وإنّ الله لمع..... عنكبوت 69 20

يا أيّها النّبىّ اتق الله..... احزاب 1 92

و اتّبع ما يوحى إليك..... احزاب 2 92

و توكل على الله و..... احزاب 3 92

و إذ يقول المنافقون و..... احزاب 12 166

لقد كان لكم فى رسول..... احزاب 21 111

و لَمّا رأ المؤمنون الأحزاب..... احزاب 22، 166، 300

من... صدقوا ما عاهدوا..... احزاب 23 25

الذين يبلغون رسالات..... احزاب 39، 454، 456

لئن لم ينته المنافقون..... احزاب 60، 193، 386

سنة... ولن تجد لسنة..... احزاب 62 20

من كان يريد العزة..... فاطر..... 10 184

إنّ الذين قالوا ربّنا..... فصّلت 30 126

يا أيها... إن تنصروا الله..... محمّد (ص) 18، 7، 72، 207، 243

ذلك بأنّ الله مولى..... محمّد (ص) 23، 11، 122

فلا تهنوا و تدعوا إلى..... محمّد (ص) 19، 35، 51

و لو قاتلكم الذين كفروا..... فتح..... 15، 22

سنة الله التي قد دخلت..... فتح..... 15، 23

محمّدٌ... رحماء بينهم..... فتح..... 181، 29

و لا تكونوا كالذين..... حشر..... 19، 246، 247

ص: 522

قد كانت لكم أسوة..... ممتحنه 4 111

وإذ قال موسى لقومه..... صف..... 238, 5 239

يقولون... والله العزة..... مناقفون 8 155, 184

يا أيها المدثر..... مدثر..... 1-727, 73

كانهم حمزٌ مستنفرة..... مدثر..... 341 50

فرت من قسورة..... مدثر..... 341 51 هل... لم يكن شيئاً..... انسان 1 182

ما ودّعك ربك و ما قلى..... ضحى 3 27

ألم يجدك يتيماً فأوى..... ضحى 6 27

ووجدك ضالاً فهدى..... ضحى 7 27

والعصر. إن الإنسان..... عصر..... 1-1933

ألم يجعل كيدهم فى..... فىل..... 26 2, 27

فليعبدوا ربّ هذا..... قریش 3 26

ص: 523

كونا للظالم خصماً و..... امير المؤمنين (ع)..... 6

شيتتى سورة هود..... پیامبر اکرم (ص)..... 21

اللہ مولانا ولا مولى لكم..... پیامبر اکرم (ص)..... 23، 122، 127

قلب المرء بين إصبعي.....- 50

من كان لله كان الله.....- 64، 513

يا ابن مسعود! إذا عملت... پیامبر اکرم (ص)..... 74

اليمين و اليسار مضلة..... امير المؤمنين (ع)..... 95

فلما رأى الله صدقنا..... امير المؤمنين (ع)..... 5، 126

ألا و أنّ الشجرة..... امير المؤمنين (ع)..... 142

أنتك لقلق الوضين ترسل..... امير المؤمنين (ع)..... 143

اسئلك الثبات على.....- 143

لبسوا القلوب على.....- 167

العلم سلطان.....- 187

ليسلطن الله عليكم.....- 204

ألا ادلكم على سلاح..... پیامبر اکرم (ص)..... 206

اللهم انى اسئلك صبر.....- 208

الا ولا يحمل هذا..... امير المؤمنين (ع)..... 220، 229

اللهم انى اسئلك موجبات...- 239

و هو قرحة واحدة.....- 275

و استعملنى بما تسئلنى ... امام سجّاد (ع)..... 438

مداد العلماء افضل.....- 448

من نام لم ينم عنه..... امير المؤمنين (ع)..... 457

كلّكم راع و كلّكم مسئول...- 479

ص: 526

- گفتی این بلی روز الست.....- 123
- تو در نماز چه گفتی که..... شفیعی کدکنی..... 159
- تو بزرگی و در آینه ی کوچك نمایی..... سعدی..... 263
- گفت این مار است، او کی مرده است..... مولوی..... 359

ص: 527

تصوير

□

ص: 532

تصوير

□

ص: 533

تصوير

□

ص: 535

تصوير

□

ص: 536

تصوير

□

ص: 541

تصوير

□

ص: 548

تصوير

□

ص: 550

تصوير

□

ص: 551

تصوير

□

ص: 552

اشخاص، اماکن، کشورها و...

تصویر

□

ص: 553

تصوير

□

ص: 555

تصوير

□

ص: 556

تصوير

□

ص: 557

تصوير

□

ص: 558

تصوير

□

ص: 559

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

